جلد اول تفسیر المواهب

که مجموعهٔ احادیث صحیحه است نهایت مفید برای هر عالم و اعلی و ادنی

تصنیف العالم الربانی کاشف السر المکتوم جامع الفضائل والکمالات

... جناب مولانا حاجی مولوی محمد زمان خان

شهید ... المجید ...

... آگاه ...

... مولانا ...

... تمام

در مطبع اسلامیه واقع حیدرآباد دکن مطبوع گردید

ن مختصر المواعظ

صفحہ	مضمون
١٢٥	باب ما جاء في إثم تارك الصلوة
١٣٠	باب تعجيل الصلوة
١٣٢	باب فضل الأذان وإجابة المؤذن
١٣٤	باب فضل الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم
١٥١	باب الذكر بعد الصلوة
١٥٥	باب تعمير المساجد
١٦٥	باب فضيلة الجماعة
١٧٠	باب الترك الجماعة
١٧٤	باب تسوية الصفوف
١٧٨	باب السترة وإثم المار بين يدي المصلي
١٨٠	باب السنن
١٨٢	باب صلوة التهجد والتحريض على قيام الليل
١٨٦	باب صلوة الضحى
١٩٢	باب التطوع
١٩٥	باب الجمعة

هذا كتاب ... محمد عظم ... أهل ... المتقين

والمطبع الشمسي ... المبسوط نافع كل المتعظ والواعظ

بالسعي الجميل الداعي إلى الأخ الأصغر ... الأكبر بالفضل ... المصنف الشهيد ... الزمان خان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

شروع میکنم بنام خدای بخشنده مهربان ـ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاۗءِ مَاۗءً فَاَخْرَجَ

همه ستایش خدای را که آفریده آسمانها و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنْشِئُ

بسبب آن از انواع میوه‌ها روزی برای شما اوست آنکه مینماید شما را برق برای پیدا کردن ترس و امید و برمی‌دارد

السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰۗئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهٖ لَآ اِلٰهَ

ابرهای گران را و بپاکی یاد میکند رعد با ستایش او و فرشتگان از ترس او نیست هیچ معبود

اِلَّا هُوَ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَاۗئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ فَاِذَا قَضٰٓى اَمْرًا

مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما است و پروردگار پدران نخستین شما است پس چون میکند کار را

فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَاۗءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَاۗءُ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُوْنَ

پس جز این نیست که میگوید بیا و را بشو پس میشود عذاب کند هر کرا که خواهد و رحم کند هر کرا که خواهد و بسوی او باز گردانیده خواهید شد

هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزل ها تا بدانید

عدد السنين والحساب ان يشأ يذهبكم ايها الناس ويأت بآخرين

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شمارا ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وكان الله على ذلك قديرا تبارك الذي نزل الفرقان على عبده

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت است آنکه فرود آورد فرقان را بر بندهٔ خویش

ليكون للعالمين نذيرا قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين يهدي

تا باشد ترسانندهٔ عالمیانرا هر آئینه آمد شمارا از جانب خدا نوری و کتابی روشن. بسبب آن هدایت

به الله من اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور

می نماید خدا کسیرا که طلب رضایش کرد بسوی راه نجات و بیرون می آرد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی

باذنه ويهديهم الى صراط مستقيم لقد من الله على المؤمنين اذ بعث

بحکم خود و راه می نماید ایشانرا بسوی راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بر مؤمنان آنگاه که فرستاد

فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم

درمیان ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشانرا و می آموزاند ایشانرا

الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين فآمنوا

کتاب و علم و هر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر پس ایمان آرید

بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

بخدا و به پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا و سخنان اورا و پیروی کنید اورا تا بود که شما

تهتدون محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء

راه یاب شوید محمد پیغمبر خداست و آنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم

درمیان خود می بینی ایشانرا رکوع کنندگان و سجده کنندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان صلاح ایشان

فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

در روی ایشان است از اثر سجود   هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ

ای مسلمانان درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی   و سبقت کنندگان نخستیان

مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان

وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و خوشنود شدند ایشان ازوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود در زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا

أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

همیشه اینست فیروزی بزرگ   ای پروردگار ما بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کردند بما

بِالْإِيمَانِ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بایمان آوردن   ای پروردگار ما تمام کن مارا نور ما و بیامرز مارا هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

فِي ثَنَاءِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَعَزَّ اسْمُهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

همه ستایش خدا راست که بدست اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است   و مر او راست ستایش در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ

و اوست با حکمت آگاه   میداند آنچه در میآید بزمین   و آنچه بر میآید ازوی و آنچه فرود میآید

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

از آسمان و آنچه بالا میرود در وی و اوست مهربان آمرزنده   آفریننده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ وَهُوَ

و زمین است   و چون میکند کاری پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود   و اوست

القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير وهو الذي ينزل الغيث

قاهر و غالب است بر بندگان خود و اوست با حکمت دانا و اوست آنکه فرو می آرد باران

من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ومن آياته خلق

بعد از آنکه نا امید شدند و می پراکند رحمت خود را و اوست یار ستوده و از نشانهای او آفرینش

السموات والارض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء

آسمانها و زمین و آنچه پراکنده کرده است در میان آن دو از جنبنده و او بر جمع کردن ایشان هر گاه خواهد

قدير رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين يسئله

توانا است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست اگر هستید یقین آرنده او را سوال

من في السموات والارض كل يوم هو في شأن وسخر لكم

می کنند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز خدا در حالی است و رام ساخت برای شما

الفلك لتجري في البحر بامره وسخر لكم الانهار وسخر لكم

کشتی را تا برود در دریا به حکم او و رام ساخت برای شما جوی ها را و رام کرد است برای شما

الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار وآتاكم من كل

آفتاب و ماه همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شما را از هر چه

ما سألتموه تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا

خواستید از او بسیار بابرکت است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغ

وقمرا منيرا ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في

و ماه روشن هر آینه خدا پوشیده نمی شود بر وی هیچ چیزی در زمین و نه در

السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو

آسمان او آن است که صورت می کند شما را در رحم ها چنانکه خواهد نیست معبودی مگر او

العزيز الحكيم والله اخرجكم من بطون

غالب با حکمت است و خدا بیرون آورد شما را از شکم

أُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

مادران شما نمیدانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوائی و چشمها و دلها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا إِنْ تَكْفُرُوا

شاید شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد اگر کفران نعمت

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ

کنید شما و هر که در زمین است همه پس بدرستی که خدا توانگر است ستوده شده اگر خواهد ببرد

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ وَلَوْ شَاءَ

شما را و بیارد آفرینش نو و نیست این کار بر خدا دشوار و اگر خواستی

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

پروردگار تو هر آینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آینه خدا میکند آنچه میخواهد

وَهُوَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَمَنْ يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ وَإِنْ

و او دانا است بانچه میکنند و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده و اگر

يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

برساند بتو خدا زیانی پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ

پس او بر همه چیز توانا است بگو بار خدایا ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی

مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ

هر کرا خواهی و باز میگیری پادشاهی از هر که میخواهی و عزیز میسازی هر کرا خواهی و خوار میسازی هر کرا

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

خواهی بدست تست نیکی هر آینه تو بر همه چیز توانا هستی در می آری شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هر

بِغَيْرِ حِسَابٍ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ

بی شمار و میفرستد صاعقها پس میرساند آنرا بهر که خواهد و ایشان جدال میکنند

فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت است داناست به پنهان و آشکارا بزرگست بلند مرتبه

مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ

یکسانست از شما آنکه پوشیده سخن را و آنکه آشکارا گفت آنرا و آنکه پنهان است در شب و رونده

بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ

در روز برای او فرشتگانند از پی یکدیگر میان پیش و پس پشت او نگاه میدارند او را

أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَهُوَ

بحکم خدا هرآینه خدا بدل نمی کند حال قومی را تا بدل کنند آنچه در ایشانست و او

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ

[illegible] است و او غالب است بر بندگان خود و میفرستد بر شما نگاهبانان تا وقتیکه بیاید یکی

الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ

از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی کنند پس بازگردانیده شوند بسوی خدا

الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ

ایشان که حق است بدانید مر او راست حکم و او شتابنده ترین حساب کنندگان است و روزیکه جمع کند ایشانرا

يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ

گویا درنگ نکرده بودند مگر ساعتی از روز می شناسند یکدیگر را و نشناختند خدا را

حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

حق شناختن او و حال آنکه زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده

بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ

در دست راست او پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر می کنند و دمیده شود در صور پس بیهوش گردد

مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین هست مگر آنکه خواسته خدا باشد بعد دمیده شود در

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

بار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگانند می‌نگرند و روشن شود زمین به نور پروردگارش و نهاده شود

الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نامه اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان و حکم کرده شود میان ایشان به راستی و ایشان ستم

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ

و تمام داده شود هر شخصی جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است به آنچه می‌کنند به درستی که خدا ستم نمی‌کند

النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ

بر مردمان چیزی ولیکن مردمان بر خویشتن ستم می‌کنند بلکه کیست آنکه گردانید زمین را قرارگاه

جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا

و پیدا کرد در میان آن جویها و پیدا کرد برای زمین کوه‌ها و پیدا کرد میان دو دریا حایل

أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

آیا معبودی دیگر هست با خدا بلکه بیشتر ایشان نمی‌دانند بلکه کیست که قبول می‌کند دعای مضطر را چون بخواند او را

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا

و دور می‌کند بدی را و می‌سازد شما را جانشینان در زمین آیا معبودی هست با خدا اندکی

تَذَكَّرُونَ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ

پند می‌گیرید بلکه کیست که راه می‌نماید شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا و کیست که می‌فرستد بادها

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مژده دهنده پیش از رحمت او آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنچه شریک می‌آورند

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

بلکه کیست که پیدا می‌کند خلق را پس باز می‌گرداند او را و کیست که روزی می‌دهد شما را از آسمان و زمین

عزّ الله مع الله ولو أنّ ما في الأرض من شجرة أقلام والبحر يمدّه

آیا معبودی هست با خدا اگر آنچه در زمین هست از درختان قلمها شوند و دریا اسیاهی آن شد

من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمات الله إنّ الله عزيز حكيم

از پس او هفت دریای دیگر به پایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت هست

فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون ○

پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او بازگردانیده شوید

وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

الله عليه وسلم إنّ لله مائة رحمة أنزل منها رحمة واحدة بين الجنّ

وسلم بر خدا تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان

والإنس والبهائم والهوامّ فبها يتعاطفون وبها يتراحمون

پریان و میان آدمیان و میان چارپایان و جنبندی های روی زمین بآن رحمت آشنا مهربانی کنند

وبها تعطف الوحش على ولدها وأخّر الله تسعًا وتسعين رحمة

و با آن رحمت مهربانی میکنند بر یکدیگر و بآن رحمت مهربانی کنند جانوران دشتی بر فرزندان خود و واپس گذاشته است خدای تعالی نود و نه رحمت

يرحم بها عباده يوم القيامة متفق عليه وفي رواية لمسلم عن

که رحم میکند بآن رحمتها بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سلمان نحوه وفي آخره قال فإذا كان يوم القيامة أكملها بهذه الرحمة

مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام سازد آنها را باین یک رحمت

وعنه رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وی

وسلم لو يعلم المؤمن ما عند الله من العقوبة ما طمع بجنّته

و سلام اگر بداند مومن چیزی را که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللهِ مَا قَنِطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کسی از مؤمنان و اگر بداند کافر چیزی را که نزد خداست از رحمت نا امید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است کم نمیسازد او را هیچ نفقه عطا ریزنده و سیل کننده در شب و روز

مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

آیا دیدید چه خرج کرد و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدرستی که عطا او کم نشد آنچه در دست اوست

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و بود عرش او بر روی آب پیدا کردن آسمان و زمین و بدست اوست ترازو

وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ

روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت ایستاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر به پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی خدا [illegible] خواب

لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی سزد او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد او را برداشته میشود بسوی درگاه وی عمل

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّورُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده حق تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر بردارد آن پرده را هر آینه بسوزد انوار روی وی هر چیزی را که رسیده است بسوی آن چیز بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

که مخلوق خدا باشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول الله تعالى يا عبادي كلكم ضال
صلى الله عليه وسلم میگوید خدای تعالی ای بندگان من همه شما گمراهید
إلا من هديت فاسئلوني الهدى أهدكم وكلكم فقرآء إلا
مگر کسی که راه نمودم من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شما را راه و همه شما فقیرانید
من أغنيت فسئلوني أرزقكم وكلكم مذنب إلا من عافيت
مگر کسی که غنی گردانم من او را پس سوال کنید از من که روزی دهم شما را و همه شما گناهگارانید مگر کسی که عفو کرده ام من
فمن علم أني ذو قدرة على المغفرة فاستغفرني غفرت له
او را پس کسیکه بداند که من خداوند قدرتم بر آمرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کنید از من می آمرزم
ولا أبالي ولو أن أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم
او را و باک ندارم و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما
ويابسكم اجتمعوا على أتقى قلب عبد من عبادي ما زاد
و خشک شما جمع شوند بر پرهیزنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند
ذلك في ملكي جناح بعوضة ولو أن أولكم وآخركم وحيكم
آن در ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما
وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا على أشقى قلب عبد
و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بنده
من عبادي ما نقص ذلك من ملكي جناح بعوضة ولو أن
از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی
أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا
که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند
في صعيد واحد فسأل كل إنسان منكم ما بلغت أمنيته
در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که نهایت آرزوی اوست -

فأعطيت كل سائل منكم ما نقص ذلك من ملكي الا كما

پس بدهم هر سائل را هرچه خواهد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکه اگر بگذرد

لو ان احدكم مر بالبحر فغمس فيه ابرة ثم رفعها ذلك

یکی از شما در دریا پس فرو برد در ان سوزنی را پس بر دارد آن سوزن را

باني جواد ماجد افعل ما اريد عطائي كلام وعذابي كلام

آن بجهت آنست که من بخشنده و بزرگم میکنم هرچه میخواهم دادن من سخن است و عذاب من سخن است

انما امري لشيء اذا اردت ان اقول له كن فيكون رواه احمد

بجز این نیست که کار من بچیزی وقتیکه خواهم مگر اینکه بگویم مر آن چیز را بشو پس میشود آن چیز روایت کرد

والترمذي وابن ماجه وعن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما

این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبد الله ابن عمر رضی الله تعالی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يطوي الله السموات

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می پیچد خدای تعالی آسمانها را

يوم القيمة ثم يأخذهن بيده اليمنى ثم يقول انا الملك

روز قیامت پس بگیرد آسمانها را بدست راست خود باز میگوید منم بادشاه

اين الجبارون اين المتكبرون ثم يطوي الارضين بشماله

کجا اند جبر کنندگان و کجا اند تکبر کنندگان پس می پیچد زمینها را بدست چپ خود

وفي رواية يأخذهن بيده الاخرى ثم يقول انا الملك اين

و در روایت دیگر است که بگیرد آنها را بدست دیگر خود پس میگوید منم بادشاه کجا اند

المتكبرون رواه مسلم وعن ابن الديلمي قال اتيت

تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است از فرزند دیلمی گفت که آمدم

ابي بن كعب فقلت له قد وقع في نفسي شيء من القدر

ابی بن کعب را پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاده در دل من چیزی از شک از قضا و قدر

فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ اَنْ يُّذْهِبَهُ مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ اَنَّ اللهَ

پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر آنکه خدا تعالی

عَذَّبَ اَهْلَ سَمٰوَاتِهِ وَاَهْلَ اَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ

عذاب کند همه آسمانهای او را و زمینهای او را عذاب کند ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظالم

لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْ اَعْمَالِهِمْ

کننده است مر ایشانرا و اگر رحمت کند بر ایشان بود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان

الْحَدِيثَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِي ذَرٍّ

تا آخر حدیث رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه روایت است از ابی ذر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْمَا يَرْوِيْ عَنِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت می کند از

اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اَنَّهُ قَالَ يَا عِبَادِيْ اِنِّيْ حَرَّمْتُ الظُّلْمَ

خدا تعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم را

عَلٰى نَفْسِيْ وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوْا يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ

بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را در میان شما حرام پس ظلم نکنید بر یکدیگر ای بندگان من همه

ضَالٌّ اِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُوْنِيْ اَهْدِكُمْ يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ جَائِعٌ

گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شما را ای بندگان من همه شما گرسنه

اِلَّا مَنْ اَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعِمُوْنِيْ اُطْعِمْكُمْ يَا عِبَادِيْ كُلُّكُمْ عَارٍ

مگر کسیکه طعام بخورانم او را پس طلب طعام کنید از من که طعام کنم شما را ای بندگان من همه شما برهنه اید

اِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُوْنِيْ اَكْسُكُمْ يَا عِبَادِيْ اِنَّكُمْ

مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شما را ای بندگان من تحقیق شما

تُخْطِئُوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاَنَا اَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا

گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُوْنِي أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوْا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نمی رسید

ضَرِّي فَتَضُرُّوْنِي وَلَنْ تَبْلُغُوْا نَفْعِي فَتَنْفَعُوْنِي يَا عِبَادِي

گزند مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوْا عَلَى أَتْقَى

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مِّنْكُمْ مَا زَادَ ذٰلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یکی مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوْا عَلَى أَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مِّنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یکمرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوْا فِي صَعِيْدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یک روی زمین

وَّاحِدٍ فَسَأَلُوْنِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را خواسته اش کم نکند آن از آنچه

عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ

نزد من است مگر چنانچه کم میکند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيْهَا عَلَيْكُمْ ثُمَّ أُوَفِّيْكُمْ إِيَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا

عملهای نیک و بد مگر عملهای شما که می شمارم بر شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه بیابد نیکی را

فَلْيَحْمَدِ اللّٰهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذٰلِكَ فَلَا يَلُوْمَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید شکر کند خدا را و کسیکه بیابد غیر نیکی را پس باید که نکوهش نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

فی مدح النبیّ القریشیّ الهاشمیّ المکّیّ صلوة الله وسلامه علیه وعلی آله وصحبه

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

البته بتحقیق آمده است شما را پیغمبری از قبیلهٔ شما دشوار است بروی رنج شما حریص است

عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ

بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست

هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ قال الله تعالى إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا

آن سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدای تعالی هر آینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده

وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

و ترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ و فرود آورده است خدا بر تو کتاب

وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ

و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو

عَظِيمًا وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَمَا كَانَ اللَّهُ

بزرگ و نه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا که عذاب کند

لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

ایشان را و تو در میان ایشان باشی و نه فرستادیم ما ترا مگر رحمت برای عالمیان -

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا

ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده و خواننده

إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم

بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان راست

مِنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ

از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو کہ ای مردمان ہرآینہ من فرستادہ خدا ام بسوی

جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

ہمہ شما آنخدا آنکہ او راست پادشاہی آسمانہا و زمین نیست معبود مگر او زندہ میکند

يُحْيِي وَيُمِيتُ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

و می میراند اوست آنکہ برانگیخت در ناخواندگان پیغامبر را از قوم ایشان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ

کہ میخواند برایشان آیات او را و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشانرا کتاب و دانش

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ

و اگرچہ ایشان بودند پیش ازین در گمراہی ظاہر ہرآینہ خدا و فرشتگان او درود

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بروی و سلام گوئید سلام گفتنی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ہریرہ رض کہ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ

من سردار فرزندان آدمم روز قیامت و نخست کسی ام کہ شگافتہ خواہد شد ازوی قبر

وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ

و من نخستین شفاعت کنندہ ام و نخستین کسیکہ قبول کردہ شود شفاعت وی رواہ مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم من بہتر فرزندان آدمم روز قیامت

وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ

و نمیگویم این را بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست ہیچ پیغمبری در روز قیامت چہ آدم

وَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ

وجه سوای اوست مگر آنکه در زیر لوای من در آید و من آنم که نخستین شگافته شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

و نیست فخر رواه ترمذی و روایت است از جابر که آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ

و سلم فرمود من پیشوا و سالار پیغامبرانم و نیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ

الانبیا ام و نیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

رواه ترمذی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا إِذَا بُعِثُوا وَأَنَا

علیه و سلم من نخستین مردمم از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبر و من

قَائِدُهُمْ إِذَا وَفَدُوا وَأَنَا خَطِيبُهُمْ إِذَا أَنْصَتُوا وَأَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ

پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطیب خواننده ایشانم وقتیکه تکلم نتوانند کرد و من طلب کرده شفاعت

إِذَا حُبِسُوا وَأَنَا مُبَشِّرُهُمْ إِذَا أَيِسُوا الْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ

شفاعت ایشانم نزد خدا وقتیکه حبس کرده شوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه نومید شوند بزرگی و کلیدها

يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَأَنَا أَكْرَمُ وُلْدِ

آنروز بدست من باشد و لوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان

آدَمَ عَلَى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ أَلْفُ خَادِمٍ كَأَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ

آدمم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضها ای پوشیده اند

أَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

یا مروارید های پراگنده شده روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي
گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من نخستین کسی ام که شفاعت کرده
الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ
بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آنمقدار که تصدیق کرده شدم و تحقیق از جمله پیغامبران
نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ اُمَّتِهِ اِلَّا رَجُلٌ وَّاحِدٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و روایت است
جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رض قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ
از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود
اِنَّ لِيْ اَسْمَاءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللّٰهُ
تحقیق که مرا نامها است من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو میکند خدا
بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِيْ وَاَنَا
بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من
الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ نَبِيٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی پیغمبری متفق علیه است و روایت است
اَبِيْ هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ
از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که جز این نیست من رحمت
مُهْدَاةٌ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ عَمْرِو
در راه یافته شده رواه دارمی والبیهقی در شعب الایمان و روایت است از عمر
بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ
بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ما در ظهور
الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّيْ قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ
پسترانیم و در مرتبه سابق ایم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری که بی فخر است

إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللّٰهِ وَمُوسَىٰ صَفِيُّ اللّٰهِ وَأَنَا حَبِيبُ اللّٰهِ وَمَعِي

که ابراهیم خلیل الله است و موسی برگزیده خداست و من محبوب خدا ام و با من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَإِنَّ اللّٰهَ وَعَدَنِي فِي أُمَّتِي وَأَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت و بتحقیق خدای تعالیٰ وعده کرد مرا در باب امتان و امان داد ایشان را

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَأْصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سه چیز در نگیرد ایشان را بقحط سال و هلاک نگرداند ایشان را دشمنان و جمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراهی رواه دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدای تعالیٰ

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَعَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ

فضیلت داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر پیغمبران و بر اهل آسمان

فَقَالُوا يَا أَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسمان گفت تحقیق که خدای تعالیٰ

قَالَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را این کلام و کسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس را دوزخ

نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدهیم او را دوزخ همچنین پاداش میدهیم ظالمان را و فرمود خدای تعالیٰ مر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ

صلی الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدای تعالیٰ

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ قَالُوا وَمَا فَضْلُهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

هر چه پیش رفته از گناه تو و هر چه پس آید گفتند چیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ

گفت فرمود خدای تعالیٰ و نفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

[illegible]

لیبیّن لهم فیضل الله من یشاء الایة وقال الله تعالی لمحمد صلی الله
تا الخ بیان کند برای قوم خود پس گمراه میکند خدا هر کرا میخواهد تا تمام آیه و گفت خدا تعالی مر محمد صلی الله
علیه وسلم وما ارسلناك الا كافة للناس فارسله الی الجن
علیه و سلم و نفرستادیم ترا مگر برای کافه آدمیان پس فرستاد خدا پیغمبر را بسوی پریان
والانس رواه الدارمی وعن العباس انه جاء الی النبی صلی الله
و آدمیان روایت کرد دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد بسوی آنحضرت صلی الله
علیه وسلم فکانه سمع شیئا فقام النبی صلی الله علیه وسلم علی المنبر
علیه و سلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر سر منبر
فقال من انا فقالوا انت رسول الله صلی الله علیه وسلم قال انا
پس فرمود کیستم من پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدائی صلی الله علیه وسلم فرمود که من
محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ان الله خلق الخلق فجعلنی فی
محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالی پیدا کرد خلق را پس
خیرهم ثم جعلهم فرقتین فجعلنی فی خیرهم فرقة ثم جعلهم
مرا در بهترین ایشان پس گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پس گردانید ایشان را
قبائل فجعلنی فی خیرهم قبیلة ثم جعلهم بیوتا فجعلنی
قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پس گردانید ایشان را خانه ها پس گردانید مرا
فی خیرهم بیتا فانا خیرهم نفسا وخیرهم بیتا رواه الترمذی
در بهترین خانه ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه روایت کرد ترمذی
وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مثلی
و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مثال من
ومثل الانبیاء کمثل قصر احسن بنیانه ترك منه موضع
و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیکو کرده شد بنای او گذاشته شد از آن جائی

لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ إِلَّا مَوْضِعَ
خشت پس گرداگرد آن گشتند نظر کنندگان درحالیکه تعجب میکردند از خوبی بناے آن مگر جاے
تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ
آن خشت که خالی مانده پس بودم من که بستم جاے آن خشت را ختم کرده شد بمن
الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِي رِوَايَةٍ فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ
بنا و ختم کرده شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کننده
النَّبِيِّينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
پیغمبران ام متفق علیہ ست و روایت ست از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَسْتَفْتِحُ
صلے الله علیه وسلم می آیم در بهشت را روز قیامت پس طلب کنم گشادن در را
فَيَقُولُ الْخَازِنُ مَنْ أَنْتَ فَأَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ
پس میگوید داروغه بهشت که تو کیستی پس میگویم من محمد ام صلے الله علیه وسلم پس میگوید آن داروغه
بِكَ أُمِرْتُ أَنْ لَا أَفْتَحَ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ
بسبب تو امر کرده شدم که نه کشایم برای کسے پیش از تو رواه مسلم و روایت ست از عرباض
بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ
ابن ساریه رض از پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بتحقیق آنحضرت فرموده
إِنِّي عِنْدَ اللّٰهِ مَكْتُوبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجَدِلٌ
که بتحقیق من نزد خدا نوشته شده ام خاتم پیغمبران حال آنکه آدم هر آینه افتاده بود
فِي طِينَتِهِ وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِي دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ وَبِشَارَةُ
در گل خود و قریب ست که خبر دهم شما را به نخست کار خود دعاے ابراهیم ست و خوشخبری
عِيسٰى وَرُؤْيَا أُمِّي الَّتِي رَأَتْ حِينَ وَضَعَتْنِي وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُورٌ
عیسی ست و خواب مادر من ست که دید وقتیکه زائید مرا و بتحقیق بر آمد مر آنرا روشنی

أَضَاءَتْ لَهَا مِنْهُ قُصُوْرُ الشَّامِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ
که ظاهر شد برای آمنه از آن نور کوشکهای شام روایت کرده آنرا در شرح سنه و روایت کرده
أَحْمَدُ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهِ سَأُخْبِرُكُمْ إِلَخْ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و روایت است از ابی هریره
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَأُكْسَى حُلَّةً مِنْ حُلَلِ
از پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حله های
الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقُوْمُ عَنْ يَمِيْنِ الْعَرْشِ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ
بهشت پس برمی ایستم من از جانب راست عرش نیست کسے از خلق
يَقُوْمُ ذٰلِكَ الْمَقَامَ غَيْرِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَفِيْ رِوَايَةِ
که باستد دران مقام جز من رواه ترمذے و در روایة
جَامِعِ الْأُصُوْلِ عَنْهُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأُكْسَى
جامع اصول اینست که من اول آنکسے ام که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم
وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا
و روایت است از ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود چون
كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّيْنَ وَخَطِيْبَهُمْ وَصَاحِبَ
باشد روز قیامت باشم پیشوائے پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند
شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَخْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
شفاعت میان ایشان بے آنکه فخر کنم رواه ترمذے و روایت است از نبی صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللّٰهَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
الله علیه وسلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا
وَمَا الْوَسِيْلَةُ قَالَ أَعْلٰى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا رَجُلٌ
و چیست وسیله فرمود وسیله بلند ترین پایه ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَاحِدٌ اَرْجُوْ اَنْ اَكُوْنَ اَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم که باشم من آن مرد رواه ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثله بن اسقع گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى

که میگفت که بتحقیق که خدا برگزید کنانه را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِّنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِيْ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِيْ

قریش را از کنانه و برگزید از قریش بنی هاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِيْ هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِّلتِّرْمِذِيِّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

از بنی هاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیاده که بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُلْدِ اِبْرَاهِيْمَ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ بَنِيْ كِنَانَةَ

از فرزند ابراهیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانه را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَّبِيٍّ اِلَّا قَدْ اُعْطِيَ مِنَ الْاٰيَاتِ مَا مِثْلُهُ اٰمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

هیچ پیغمبرے مگر بتحقیق داده شد از معجزات معجزه که مثل وی مرا اعجاز ایمان آورده اند بر آن آدمیان

وَاِنَّمَا كَانَ الَّذِيْ اُوْتِيْتُ وَحْيًا اَوْحَى اللّٰهُ اِلَيَّ فَاَرْجُوْ اَنْ

و جز این نیست معجزه که داده شده ام من، وحی است که فرستاده است خدا بسوی من پس امید میدارم که

اَكُوْنَ اَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز قیامت متفق علیه و روایت است از وی

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد

لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَّطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ

برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شده ام

إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بسوی تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت است از

ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ

ثوبان گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آینه امت

سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ

نزدیک است که رسد بادشاهی ایشان آن قدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شد مرا دو گنج

الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریرة گفت گفتند صحابه ای

رَسُولَ اللّٰهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود در آنحال که آدم میان روح

وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعض صفات

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرَاةِ قَالَ أَجَلْ وَاللّٰهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که در توریت است گفت آری سوگند بخدا

إنه لموصوف في التوراة ببعض صفته في القرآن

تحقیق که آنحضرت وصف کرده شده است در توریت ببعض صفات وی که در قرآن است

يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا وحرزا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و بیم کننده و پناه

للأميين أنت عبدي ورسولي سميتك المتوكل ليس بفظ

مر عرب را تو بنده خاص من و پیغمبر من هستی نام نهاده ام ترا متوکل نیست درشت خو

ولا غليظ ولا صخاب في الأسواق ولا يدفع بالسيئة

نیست درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار و نه دور کند به بدی

السيئة ولكن يعفو ويغفر ولن يقبضه الله حتى يقيم

بدی را و لیکن درگذر میکند و می پوشد و هرگز قبض نمیکند خدا تعالی او را تا آنکه راست میگرداند

به الملة العوجاء بأن يقولوا لا إله إلا الله ويفتح بها أعينا عميا

بوجود وی قوم کج را که بگویند لا اله الا الله و تا آنکه میگشاید خدا باین کلمه چشمهای

وآذانا صما وقلوبا غلفا رواه البخاري وكذا الدارمي

کور را گوشهای کر را و دلهای را که نمی فهمد روایت کرد بخاری و همچنین روایت کرد دارمی

عن عطاء ابن سلام نحوه وعن جابر أن النبي صلى الله

از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رضی الله عنه تحقیق که پیغمبر صلی الله

عليه وسلم قال إن الله بعثني لتمام مكارم الأخلاق

علیه وسلم فرمود هر آیینه خدا فرستاده است مرا برای اتمام خوبیهای نیک

وكمال محاسن الأفعال رواه في شرح السنة وعن

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال رواه فی شرح السنة و روایت است از

كعب يحكي عن التوراة قال نجد مكتوبا محمد رسول الله

کعب رضی الله عنه حکایت میکند از توریت گفت که یافتم من نوشته که محمد رسول الله

عبدي المختار لا فظ ولا غليظ ولا صخّاب في الاسواق

بنده برگزیده من است نه سخت خوی است و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار

ولا يجزي بالسيئة السيئة ولكن يعفو ويغفر مولده

و پاداش نمیدهد بدی را به بدی را ولیکن محو میکند و می بخشد ولادت او

بمكة وهجرته بطيبة وملكه بالشام وامته الحمّادون

در مکه است و هجرت او بمدینه و بادشاهی او در شام و امت وی بسیار حمد گویان اند

يحمدون الله في السرّاء والضرّاء يحمدون الله في كل

که حمد میگویند مر خدا را در شادی و غمی حمد میگویند مر خدا را در هر

منزلة ويكبرونه على كل شرف رعاة للشمس يصلّون

منزل و تکبیر میگویند خدا را در هر جای بلند رعایت کنندگان آفتاب اند

الصلوة إذا جاء وقتها يتأزرون على انصا[illegible]

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بمیانهای [illegible]

ويتوضؤن على اطرافهم مناديهم ينادي في [illegible]

و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کننده ایشان آواز میکند در

السماء صفهم في القتال وصفهم في الصلوة سواء لهم

آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بالليل دويّ كدويّ النحل هذه لفظ المصابيح

در شب آوازیست مانند آواز مگس شهد این لفظ مصابیح است

وروى الدارمي مع تغيّر يسير عن عبد الله بن سلام

و روایت کرد دارمی باندکی تغییر از عبد الله بن سلام

قال مكتوب في التورية صفة محمد صلّى الله عليه وسلّم

گفت نوشته است در توریت صفت محمد صلی الله علیه وسلم

وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ أَبُو مَوْدُودٍ وَقَدْ بَقِيَ

واینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت گفت ابو مودود بتحقیق باقیمانده است

فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

در خانهٔ آنحضرت جاے یک قبر رواه ترمذے وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلی الله علیه وسلم

فَخَرَجَ حَتَّى إِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُونَ قَالَ بَعْضُهُمْ

پس بیرون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشانرا شنید اصحاب را که تذکره میکردند گفت بعض ایشان

إِنَّ اللهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَقَالَ آخَرُ مُوسَى

بتحقیق که خدا تعالی گردانید ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی

كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَقَالَ آخَرُ عِيسَى كَلِمَةُ اللهِ وَرُوحُهُ

سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسی کلمهٔ خدا و روح خداست

وَقَالَ آخَرُ آدَمُ اصْطَفَاهُ اللهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ

و گفت دیگر که آدم برگزیده وی را خدا پس ناگاه بیرون آمد بر ایشان پیغمبر

اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ

خدا صلی الله علیه وسلم و فرمود بتحقیق شنیدم من سخن شما را

وَعَجَبَكُمْ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوسَى

و تعجب آوردن شما را که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسے

نَجِيُّ اللهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيسَى رُوحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ

همراز خداست و وی همچنین است و عیسے روح خدا و کلمهٔ خداست و وی

كَذٰلِكَ وَآدَمُ اصْطَفَاهُ اللهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ أَلَا وَأَنَا حَبِيبُ اللهِ

همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام

وَلَا فَخْرَ وَاَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
ونیست فخر و من بردارندهٔ لواے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهٗ اٰدَمُ فَمَنْ دُوْنَهٗ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا اَوَّلُ
زیر آن لواے حمد آدم است وهرکه جز اوست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَّاَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا
شفاعت کننده واول شفاعت مقبول کرده شده ام روز قیامت ونیست فخر ومن

اَوَّلُ مَنْ يُّحَرِّكُ حَلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِيْ
اول آنم که جنبانند حلقهاے بهشت را پس بکشاید خدا برائے من

فَيُدْخِلُنِيْهَا وَمَعِيَ فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا فَخْرَ
پس آورد مرا در بهشت حال آنکه با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَاَنَا اَكْرَمُ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا
ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْاِيْمَانِ
فخر رواه ترمذی ودارمی

هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة

اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود دیگر او داننده نهان و آشکارا

هو الرحمن الرحیم ۝ هو الله الذی لا اله الا

اوست بخشاینده مهربان اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود دیگر

هو الملک القدوس السلام المؤمن

او بادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده

المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان

نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاک

الله عما یشرکون ۝ هو الله الخالق الباری

خدا از آنچه هست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرنده

المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما

صورت سازنده او راست نامهاے نیک بپاکی یاد میکنند او را هرچه

فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم ۝

در آسمانها و زمین ست و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

او است آنکه آفرید شما را از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ

و مدتی معین است نزدیک او باز شما شک میکنید و او است

الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیدها و دلها

قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکی شکرگزاری میکنید و او است آنکه پیدا کرد شما را

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِي

در زمین و بسوی او برانگیخته خواهید شد و او است آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و میمیراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالی ای مردمان

إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک اید از رستخیز پس ما آفریدیم

خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شمارا از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ

در رحمها چیزی را که خواهیم تا میعادی

مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون می آریم شمارا کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى

تربیت میکنیم تا برسید بنهایت جوانی خود و از شما کسی بود که قبض روح کرده شود

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

و از شما کسی بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ

داند چیزی را بعد از آنکه میدانست بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

و آنچه فرود آورده شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان و

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ

و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران را

مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکی از ایشان

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدا را منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

کی باشد استقرار آن بگو جز این نیست که علم قیامت نزد پروردگار من

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ

پدید نیارد او را در وقت او مگر او گران شده است در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً إِنَّمَا

و زمین نیاید بشما مگر ناگهان جز این نیست

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

که مومنان آنانند که چون یاد کرده میشود خدا

وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دلهای ایشان و چون خوانده شود بر ایشان

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

آیات خدا زیاده سازد آن آیات ایمان ایشان و بر پروردگار خویش

يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا

توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

روزی داده‌ایم ایشانرا خرج میکنند این جماعت ایشانند مومنان بتحقیق

لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

ایشانراست درجه‌ها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک

وعن عمر بن الخطاب رضي قال بينما نحن

روایت است از عمر بن خطاب رض گفت در اثنای آنکه ما نزد

عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يوم اذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامه سخت

شديد سواد الشعر لا يرى عليه اثر السفر ولا يعرفه

سخت سیاه موی دیده نمی شد بروی نشان سفر و هیچ کس او را نمی شناخت

منا احد حتى جلس الى النبي صلى الله عليه

از ما هیچ کس تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلی الله علیه

وسلم فاسند ركبتيه الى ركبتيه ووضع كفيه

وسلم پس تکیه داد هر دو زانوی خود را بر دو زانوی آنحضرت ونهاد آن مرد هر دو کف دست خود را

على فخذيه وقال يا محمد اخبرني عن الاسلام

بر هر دو ران آنحضرت وگفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قال الإسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن

فرمود آنحضرت اسلام آنست که گواهی دهی آنکه نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و به تحقیق

محمدا رسول الله وتقيم الصلوة وتؤتي

محمد فرستادهٔ خداست و برپا داری نماز را و بدهید

الزكوة وتصوم رمضان وتحج البيت إن

زکوة را و روزه داری ماه رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

استطعت إليه سبيلا قال صدقت فعجبنا

بتوانی بسوی وی راه گفت آن مرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

له يسأله ويصدقه قال فأخبرني عن الإيمان

حال آن مرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آن مرد پس خبر ده مرا از ایمان

قال ان تؤمن بالله وملئكته وكتبه ورسله

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی و کتابهای وی و به پیغمبران وی

واليوم الاخر وتؤمن بالقدر خيره وشره

و بروز پسین و ایمان آری بخدا که همه چیز از نیک و بد از آن است بتقدیر

قال صدقت قال فاخبرني عن الاحسان قال

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

ان تعبد الله كانك تراه فان لم تكن تراه فانه

آنست که عبادت کنی خدا را گویا که می‌بینی او را پس اگر نیستی تو که می‌بینی او را

يراك قال فاخبرني عن الساعة قال ما المسئول

عبادت کن که وی می‌بیند ترا گفت آگاه کن مرا از وقت قیامت گفت نیست آن کس که پرسیده شده

[illegible]

عنها يا عمر من السائل قال فاخبرني

از قیامت دانا تر از کسیکه پرسیده شده است گفت پس خبر ده مرا

عن اماراتها قال ان تلد الامة ربتها

از علامتهای آن فرمود اینکه بزاید کنیز کسی را که مولای خود را

وان ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و ببینی برهنه پایان برهنه تنان مفلسان چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفند را زیادتی کنند بر یکدیگر در بناها گفت عمر پس

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمان درازی باز فرمود آنحضرت ﷺ مرا ای عمر

اتدري من السائل قلت الله ورسوله

آیا میدانی که بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اعلم قال فانه جبريل اتاكم يعلمكم

داناتر است فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شما را در حالیکه تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه ابو هريرة

بشما دین شما را روایت کرد این را مسلم و روایت کرد این حدیث را ابوهریره

اختلاف وفيه اذا رأيت الحفاة العراة

اختلافی که با حدیث عمر دارد و در حدیث ابوهریره است که چون ببینی تو برهنه

[illegible]

الصم البكم ملوك الارض في خمس

کران و گنگان را صاحب ملک جهان علم قیامت در آن پنج چیز نمیداند

لا يعلمهن الا الله ثم قرء ان الله عنده

که نمیداند آنها را بجز خدا پس بر خواند آنحضرت این آیت بدرستیکه نزد خداست

علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في

علم قیامت و علم باران و علم آنچه در

الارحام الاية متفق عليه وعن ابن عمر

شکم زنان حامله است تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن است بآنکه نیست معبود

وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة

و بآنکه محمد صلی الله علیه وسلم ... دوم برپا کردن نماز

٣٦

۳۹

وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

وسوم دادن زكوة چهارم حج وپنجم روزهٔ ماه رمضان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

متفق عليه است وروايت است از ابي هريره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

اَلْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا

ايمان هفتاد وچند شاخ است پس فاضلترين شعبها ايمان

قَوْلُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى

گفتن لا اله الا الله كلمه طيبه و فروترين شعبها دور كردن انجه ايذا كند مردم را

عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ

از راه و شرم داشتن شعبهٔ عظيم است از ايمان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ

متفق عليه است وروايت است از عبد الله بن

عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عمرو رض كه گفت فرمود رسول الله صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ

عليه وسلم مسلمان كامل كسى است كه سلامت مانند مسلمانان

٤٧

مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

اززبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسیست که ترک کرد چیزی را که نهی کرده

اللهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ

خدا ازان روایت کرد بخاری این حدیث را و از انس است گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نے آرد

أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست تر بسوی او از پدر وی

وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزند وی و همه مردم متفق علیه است و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ

سوگند بخدا آنکه بقای ذات محمد

الله علیه وسلم

بيده لا يسمع بي احد من هذه الامة يهودي ولا نصراني

در دست اوست نشنود مرا هیچ کس از این امت یهودی و نه نصرانی

ثم يموت ولم يؤمن بالذي ارسلت به الا كان من

پس بمیرد و حال آنکه ایمان نیاورد به دینی که فرستاده شده ام من بآن مگر آنکه باشد

اصحاب النار رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال

از اهل دوزخ روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت گفت

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله تعالى يؤذيني

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم گفت خدا تعالی میرنجاند مرا

ابن ادم يسب الدهر وانا الدهر بيدي الامر اقلب

فرزند آدم و دشنام میدهد روزگار را و حال آنکه منم دهر بدست منست کار گردانم

الليل والنهار متفق عليه وعن ابي موسى الاشعري

شب و روز را متفق علیه است روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما احد اصبر على

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ کس صابرتر از خدا بر

اذى يسمعه من الله يدعون له الولد ثم يعافيهم ويرزقهم

ایذائی که میشنود آنرا میخوانند برای وی فرزند پس تندرست میدارد و روزی میرساند ایشان را

متفق عليه وعن ابي ذر قال اتيت النبي صلى الله عليه

متفق علیه روایت است از ابی ذر رض گفت آمدم پیغمبر را صلی الله علیه

وسلم وعليه ثوب ابيض وهو نائم ثم اتيته وقد

و سلم و حال آنکه بود بر آنحضرت جامه سفید و آنحضرت در خواب بود پس آمدم و حال آنکه تحقیق

استيقظ فقال ما من عبد قال لا اله الا الله ثم مات

بیدار شده بود پس گفت نیست هیچ بنده که گفت لا اله الا الله پس مرد

عَلٰى ذٰلِكَ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى

بر اینکلمه مگر آنکه در می آید آن بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد

وَإِنْ سَرَقَ قَالَ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ

و دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ وَإِنْ زَنٰى

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وَإِنْ سَرَقَ قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قَالَ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ عَلٰى رَغْمِ أَنْفِ

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد داخل شود بر خاک آلودگی بینی

أَبِي ذَرٍّ وَكَانَ أَبُو ذَرٍّ إِذَا حَدَّثَ بِهٰذَا

ابی ذر و بود ابوذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قَالَ وَإِنْ رَغِمَ أَنْفُ أَبِي ذَرٍّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابوذر رض متفق علیه است

وعن ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من احب لله وابغض لله واعطى

علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمن دارد برای خدا و بدهد

لله ومنع لله فقد استكمل الايمان رواه

برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق کامل گردانید ایمان خود را رواه

ابو داود وعن ابي ذر رض قال قال

ابو داود در روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضل ترین

الاعمال الحب في الله والبغض في الله رواه

عملها دوست داشتن است کسی را از جهت خدا و دشمن داشتن از جهت خدا

ابو داود وعن جابر رض قال قال

ابو داود در روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ثنتان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

موجبتان قال رجل يا رسول الله ما الموجبتان

واجب گرداننده اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان

قَالَ مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ

هر كسيكه بميرد در حاليكه شريك ميگرداند با خدا چيزي را مي درآيد بآتش دوزخ

وَمَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ

و كسيكه بميرد در حاليكه شريك نگرداند بخدا چيزي را مي درآيد ببهشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

رواه مسلم و روايت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت فرمود مرا پيغمبر خدا صلى الله عليه

وَسَلَّمَ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ

وسلم كليدهاي بهشت گواهي دادن است باين كه لا اله

إِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ وَهْبِ بْنِ

الا الله است رواه احمد روايت است از وهب ابن

مُنَبِّهٍ رض قِيلَ لَهُ أَلَيْسَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِفْتَاحُ

منبه رض گفته شد او را اليس است لا اله الا الله كليد

الجَنَّةِ قَالَ بَلٰى وَ لٰكِنْ لَيْسَ مِفْتَاحٌ إِلَّا وَ لَهٗ اَسْنَانٌ

بهشت گفت آری و لیکن نیست کلیدی مگر آنکه مراورا دندانها است

فَإِنْ جِئْتَ بِمِفْتَاحٍ لَهٗ اَسْنَانٌ فُتِحَ لَكَ وَ إِلَّا لَمْ يُفْتَحْ لَكَ

پس اگر آری تو کلیدی که مراورا دندانها کشاده میشود برای تو وگرنه کشاده نمیشود برای تو

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَرْجَمَةِ بَابٍ وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

روایت کرد بخاری در ترجمه باب روایت است از ابوهریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ إِذَا أَحْسَنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون نیک گرداند

أَحَدُكُمْ إِسْلَامَهٗ فَكُلُّ حَسَنَةٍ يَعْمَلُهَا تُكْتَبُ

یکی از شما اسلام خود را پس هر کار نیک که میکند او را نوشته میشود

بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلٰى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ وَ كُلُّ سَيِّئَةٍ

برابر ده چندش تا هفت صد زیاده و هر بدی

يَعْمَلُهَا تُكْتَبُ بِمِثْلِهَا حَتّٰى يَلْقَى اللّٰهَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

که میکند نوشته میشود یکی بیکی تا دم مرگ و لقای خدا متفق علیه

وَ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و روایت است از ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ مَا الْإِيْمَانُ قَالَ إِذَا

صلی الله علیه و سلم چیست نشان ایمان فرمود چون

سَرَّتْكَ حَسَنَتُكَ وَ سَاءَتْكَ سَيِّئَتُكَ فَأَنْتَ

شاد گرداند ترا عمل نیک تو و اندوهگین گرداند ترا بدی تو پس تو

مُؤْمِنٌ قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَمَا الْإِثْمُ قَالَ

مومن هستی گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه فرمود

اذا حاك في صدرك شيء فدعه رواه احمد

چون خلد در سینه تو چیزی پس بگذار آنرا روایت کرد او را احمد

وعن عباس بن عبد المطلب رض قال قال

روایت است از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ذاق طعم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید ذائقه

الإيمان من رضي بالله ربا وبالإسلام دينا

ایمان آنکس که راضی باشد بخدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وبمحمد صلى الله عليه وسلم رسولا رواه

و بمحمد صلی الله علیه وسلم از روی پیغمبر روا ه

مسلم باب الكبائر وعلامات النفاق

مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق است

يا أيها النبي إذا جاءك المؤمنات يبايعنك

ای پیغامبر چون بیاید نزدیک تو زنان با ایمان

عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ

بر این شرط که نکنند شریک با خدا چیزیرا و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خودرا و پیش نیارند سخن دروغ

يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ

که برابسته باشند آنرا در میان [illegible] و نافرمانی نکنند

فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ

ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن مر ایشانرا از خدا

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ

هر آئینه خدا آمرزگار مهربانست هر آئینه خدا نمی آمرزد اینرا

يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ

که شریک آورده شود بخدای و می آمرزد غیر شرک را هر که را خواهد

وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر آئینه گمراه شد از حق گمراهی [illegible]

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

روایتست از ابوهریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ

صلی الله علیه و سلم پرهیز کنید از هفت که هلاک کنندگان اند

٣٨

قالوا يا رسول الله وما هن قال الشرك

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن

بالله والسحر وقتل النفس التي حرم

بخدا وجادو کردن وکشتن تنی که حرام گردانیده است

الله الا بالحق واكل الربوا واكل مال اليتيم

خدا مگر بحق وخوردن ربا وخوردن مال یتیم را

والتولي يوم الزحف وقذف المحصنات

وپشت دادن روز جنگ ودشنام دادن بزنان پارسا

الغافلات المؤمنات متفق عليه وعنه

غافل از بدکرداری مسلمانان متفق علیه است ومرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزني الزاني حين يزني وهو مؤمن

زنا نمیکند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند در حال آنکه وی مؤمن است

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند و حال آنکه مومن است و نمینوشد شراب را کسی

حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهِبُ نُهْبَةً يَرْفَعُ النَّاسُ

هنگامی که مینوشد و حال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند کسی غارت کردنی که بردارند مردم

إِلَيْهِ فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَغُلُّ

بسوی آن غارت کننده در آن غارت کردن چشمهای خود را وقتیکه غارت میکند و حال آنکه وی مومن است و خیانت نمیکند

أَحَدُكُمْ حِينَ يَغُلُّ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَإِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکی از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند و حال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را از این گناه متفق علیه

وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا يَقْتُلُ حِينَ يَقْتُلُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد کسی هنگامیکه میکشد و حال آنکه وی مومن است

قَالَ عِكْرِمَةُ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ كَيْفَ يُنْزَعُ الْإِيمَانُ مِنْهُ

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان از این شخص

قَالَ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَإِنْ تَابَ

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس از هم بیرون آورد انگشتها را پس

عَادَ إِلَيْهِ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَقَالَ

اگر توبه کرد و گشت از آن معصیت باز میگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفت

أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ لَا يَكُونُ هٰذَا مُؤْمِنًا تَامًّا وَلَا يَكُونُ

ابو عبدالله بخاری نمیباشد این شخص مومن کامل و نمیباشد

لَهُ نُورُ الْإِيمَانِ هٰذَا لَفْظُ الْبُخَارِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است و روایت است از ابوهریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الْعَبْدُ

گفت ابوهریره گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون زنا میکند بنده

خرج منه الإيمان فكان فوق رأسه كالظلة فإذا

بیرون می آید ازوی ایمان پس می باشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع إليه الإيمان رواه

بیرون بیاید بنده ازان عمل باز گردد بسوی وی ایمان روایت کرده

الترمذي وأبو داود ح وعن أبي هريرة رض

ترمذی و ابو داود ح و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم

آية المنافق ثلاث زاد مسلم وإن صام

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده مسلم اگرچه روزه دارد

وصلى وزعم أنه مسلم ثم اتفقا إذا

نماز بگذارد و گمان می برد که من مسلمانم پس اتفاق کردند هر دو چون

حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا اؤتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أربع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت است

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هر کس که باشد این چهار در وی باشد آنکس منافق خالص و هر که باشد در وی

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت از این چهار باشد در وی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و چون عهد نماید و شکست کند و چون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب در بیان وسوسه است و هر آینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را و میدانیم چیزیکه بخاطرش میگذرد از اندیشه نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

و نزدیکتریم به آدمی از رگ جان بنام خداوند بخشنده

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان پادشاه

النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس رونده

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنکه وسوسه می افکند در سینهای مردمان از جنس جن

وَالنَّاسِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مردمان روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدای تعالی درگذرانید از امت

أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چیزیکه وسوسه کرد بدان چیز سینهای ایشان تا هرگاه عمل نکرده

بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چیز یا نگفته متفق علیه روایت است از وی گفت

جَاءَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

آمدند جماعتی از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلُوهُ

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند که

إِنَّا نَجِدُ فِي أَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ أَحَدُنَا أَنْ يَتَكَلَّمَ

بتحقیق می‌یابیم در دلهای خود از وسواس چیزی که سخت بزرگ میدارد یکی از ما که

بِهِ قَالَ أَوَقَدْ وَجَدْتُمُوهُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ

بآن گفت آیا بتحقیق یافتید شما آنرا گفتند آری گفت این

صَرِيحُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض

محض ایمان است روایت کرد مسلم و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ

نیست از شما کسی یک مگر آنکه به تحقیق گماشته شده است بروی قرین

مِنَ الْجِنِّ وَقَرِينُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالُوا وَإِيَّاكَ

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و ترا نیز ای

يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ وَإِيَّايَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ أَعَانَنِي

ای پیغمبر خدا فرمود و مرا نیز و لیکن خدا یاری داد مرا

[illegible]

عليه فأسلم فلا يأمرني إلا بخير رواه مسلم

بر دست من پس اسلام آورد پس امر نمیکند مرا مگر به نیکی روایه مسلم

وعن أنس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى

و روایت است از انس رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم إن الشيطان يجري

الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود

من الإنسان مجرى الدم متفق عليه

در آدمی مانند روان شدن خون در بدن متفق علیه است

وعن جابر رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى

و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم إن إبليس يضع عرشه

الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس مینهد تخت خود را

على الماء ثم يبعث سراياه يفتنون الناس

بر آب پس میفرستد [illegible] را که در فتنه می اندازند مردم را

فأدناهم منه منزلة أعظمهم فتنة يجيء

پس نزدیکترین ایشان از روی مرتبه بزرگترین ایشانست از روی فتنه می آید

أحدهم فيقول فعلت كذا وكذا فيقول

یکی از شیاطین [illegible] پس میگوید ابلیس

[illegible]

ما صنعت شيئا قال ثم يجيء احدهم فيقول

نکردی چیزی را گفت پس می آید یکی از ایشان و پس میگوید

ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال

نگذاشتم او را تا آنکه جدائی افگندم میان وی و میان زن وی

فيدنيه منه ويقول نعم انت قال الاعمش

پس نزدیک میگرداند او را پس میگوید نیکو یاری تو گفت اعمش

اراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان میبرم من جابر را که گفت پس بغل میگیرد او را روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است

عثمان بن ابي العاص قال قلت يا

از عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنه گفت گفتم ای

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستیکه

الشيطان قد حال بيني وبين صلاتي و

شیطان حائل میگردد میان من و میان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

میان قراءة من و آمیخته میکند قراءة مرا بر من پس گفت پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله علیه و سلم آنکه حائل میشود شیطانیست که گفته میشود مر او را

خنزب فاذا احسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دریابی این وسواس را پس پناه جوی بخدا از آن شیطان و

على يسارك ثلاثا ففعلت ذلك فاذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس کردم آن را پس دور کرد آن را خدا از من

... و من یتق الله یجعل له مخرجا

عنی مرواه مسلم باب الایمان بالقدر

این باب ایمان بتقدیر است

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو

و نزد او ست کلیدهای غیب نمیداند آنرا مگر او

ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة

و میداند آنچه در بر و بحر است و نمی افتد هیچ برگی

الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض

برگ مگر میداند آنرا و نه هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

و نه هیچ تری و نه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خدا است روزی او

ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب

و میداند جای قرار او و جای سپردن او همه در کتاب

مبين ۲۰ وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

روشن است و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم كتب الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشت خدای تعالی

مقادير الخلائق قبل ان يخلق السموات والارض

اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین

بخمسين الف سنة قال وكان عرشه على الماء

پنجاه هزار سال گفت و بود عرش خدا بر آب

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم احتج آدم و

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مباحثه کردند با یکدیگر آدم و

موسى عند ربهما فحج آدم موسى قال موسى انت آدم

موسی نزد پروردگار ایشان پس غالب آمد بحجت آدم بر موسی گفت موسی توی آن آدمی

الذي خلقك الله بيده ونفخ فيك من روحه

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود و دمید در تو از روح خود

واسجد لك ملائكته واسكنك في جنته

و سجده کنانید مر ترا فرشتگان خود را و ساکن گردانید ترا در بهشت

ثم اهبطت الناس بخطيئتك الى الارض قال

خود بیشتر فرود افگند تو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

آدم انت موسى الذي اصطفاك الله برسالته

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وبكلامه واعطاك الالواح فيها تبيان كل شيء

و بکلام و داد ترا الواح که در آنها بیان هر چیز است

وقربك نجيا فكم وجدت الله كتب التوراة

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو چند مدت یافتی خدا را که نوشت

قبل ان اخلق قال موسى باربعين عاما قال

پیش از آنکه پیدا کرده شدم گفت موسی بچهل سال گفت

آدم فهل وجدت فيها وعصى آدم ربه

آدم پس آیا یافتی تو در توریت و گناه کرد آدم پروردگار خود را

فغوى قال نعم قال افتلومني على ان عملت عملا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر اینکه کردم

كتبه الله تعالى ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشت خدا بر من كه بكنم آنرا پيش از آنكه بيافريند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم فحج آدم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسى رواه مسلم و روايت است

ابى هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابى هريرة رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نيست هيچ زائيده شده مگر آنكه زائيده ميشود بر فطرت اسلام پس پدر و مادر او

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

يهودى ميگردانند او را يا نصرانى يا مجوسى ميسازند او را چنانكه زايانيده ميشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپايه چهارپا تمام كامل در اعضا آيا مى بينيد شما در آن بهائم هيچ بريده

جدعاء ثم يقول فطرة الله التى فطر الناس

با گوش بريده پس ميگفت ميخوانيد اين آيه را لازم گيريد فطرت خدا كه پيدا كرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدميان را بر آن نيست تغيير مر پيدايش خدا را اين مقتضاى دين راست است

متفق علیه وعن عبادة بن الصامت قال قال

متفق علیه روایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اول ما

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیزی که بیافرید

خلق الله القلم فقال له اكتب قال ما اكتب قال اكتب القدر

خدا قلم است پس گفت مرا ورا بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس تقدیر را

فكتب ما كان وما هو كائن الى الابد رواه

آنچه تقدیر کرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد روایت

الترمذي وعن ابي خزامة عن ابيه قال قلت

ترمذی و روایت است از ابی خزامه و او از پدر خود گفت گفتم

يا رسول الله ارأيت رقى نسترقيها ودواء

ای پیغمبر خدا خبر ده ما را از حال افسونها که افسون گری میکنیم بآنها و دوائی

نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر

تداوی میکنیم بآن و چیزها که پناه میگیریم بدان آیا باز می گرداند آنها

الله شيئا قال هي من قدر الله رواه احمد

از قضا و قدر خدا تعالی چیزی را گفت این چیزها از قضا و قدر خداست روایت احمد

والترمذي وابن ماجة وعن ابي هريرة قال

و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت

خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمر

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتى كأنما فقئ في وجنتيه حب

روی مبارک وی گویا شکسته شده در رخسارهای وی دانهای

الرمان فقال أبهذا أمرتم أم بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

أرسلت إليكم إنما هلك من كان قبلكم

فرستاده شده ام بسوی شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حين تنازعوا في هذا الأمر عزمت عليكم

گاهی که بحث کردند در قضا و قدر واجب میکنم و لازم بر شما

عزمت عليكم ألا تتنازعوا فيه رواه

واجب میکنم و لازم بر شما که نزاع مکنید در این امر روایت

الترمذي وعن عبد الله بن عمر قال

ترمذی و روایت است از عبدالله ابن عمر گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم

يقول إن الله خلق خلقه في ظلمة

كه ميگفت بدرستی که خدا تعالی بيدا كرد خلق خود را در تاریکی

فألقى عليهم من نوره فمن أصابه

پس بیفگند بر خلق از نور خود پس کسیکه رسید او را

من ذلك النور اهتدى ومن أخطأه

ازان نور راه راست یافت و کسیکه نرسید

ضل فلذلك أقول جف القلم

گمراه شد پس ازین جهت میگویم خشک شد قلم

على علم الله رواه الترمذي

بر آنچه دانست خدا روایت کرد ترمذی

وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

و روایت است از عائشه رض گفت گفت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله

صلی الله علیه وسلم شش کس اند که لعنت کرده ام ایشانرا لعنت کند ایشانرا خدا

وكل نبي يجاب الزائد في كتاب

وهر پیغمبری قبول کرده شده ... زیاده کننده در کتاب

الله والمكذب بقدر الله والمتسلط

خدا دوم تکذیب کننده تقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بالجبروت ليعز من اذله الله و

بتکبر تا گرامی دارد چند گرداند کسیرا که خوار گردانیده است خدا او را

يذل من اعزه الله والمستحل لحرم

و خوار گرداند کسیرا که عزیز گردانیده است او را خدا چهارم استحلال کننده مر حرم

الله والمستحل من عترتي ما حرم الله

خدا را پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چیزیرا که حرام گردانیده است خدا

ایشان را تا در اهل عترت وقدرت نه بینند بعده که امام احمد فرمود که ایا فساد واعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ

وششم ترک کننده سنت مرا روایت کرد او را بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض

و رزین در کتاب خود و در روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برای بنده که بمیرد در زمین بگرداند مر آن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی آن زمین حاجتی روایت کرد احمد و الترمذی و روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی هر بنده

٦٣

مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَمْسٍ مِنْ أَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَمَضْجَعِهِ

که از مخلوقات اوست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از سکونت

وَأَثَرِهِ وَرِزْقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد و روایت است از ابن دیلمی

قَالَ أَتَيْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من او را تحقیق که افتاد

فِي نَفْسِي مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُذْهِبَهُ

در دل من چیزی از شک در تقدیر پس حدیثی بخوان مر ا شاید که ببرد آن شک

مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ

از دل من پس گفت اگر هر آینه آنست که خدا عذاب بکند تمام آسمانیان

وَأَهْلَ أَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

زمینیان را عذاب میکرد ایشانرا وحال آنکه وی غیر ظالم است مرایشان را واگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَوْ أَنْفَقْتَ مِثْلَ أُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مرایشانرا از عملهای ایشان واگر خرچ کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِي سَبِيلِ اللهِ مَا قَبِلَهُ اللهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلارا در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان بیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ

وتا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود که نرسد ترا وبدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلَى غَيْرِ هَذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود که برسد ترا واگر بمیری بر غیر این حال هر آینه درآئی آتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ عَبْدَ اللهِ بْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پسترآمدم من عبد الله ابن مسعود رض را پس گفت مانند

ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پسترآمدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ أَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِي

مانند این سخن پسترآمدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذَلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَهْ

روایه احمد وابو داود وابن ماجه

بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن بکتاب وسنت است

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قُلْ

و بیامرزد شما را گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید پس هرآینه خدا دوست ندارد

الْكَافِرِينَ ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ

کافران را هرکه فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق

أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

اند ایشان این بخشایش از خدا است و بس است خدا

[illegible]

عَلِيمًا ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا

دانا و نیافریدیم جن و انس را

لِيَعْبُدُوْنِ ۝ مَآ اُرِيْدُ مِنْهُمْ مِّنْ رِّزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را

وَمَآ اُرِيْدُ اَنْ يُّطْعِمُوْنِ ۝ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند هر آئینه خدا همونست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِيْنُ ۝ وَمَآ اٰتٰىكُمُ الرَّسُوْلُ

خداوند توانائی استوار و هرچه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوْهُ ۝ وَمَا نَهٰىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوْا ۝ وَاتَّقُوا اللّٰهَ

بگیرید او را و هرچه منع کند شما را از آن باز ایستید و بترسید از خدا

٦٩

إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۘ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا

هرآینه خدا سخت کننده عقوبت است و فرمان برداری کنید خدا و فرمان بردار

الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغامبر ما پیغام رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ

آشکارا است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند

نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هرآینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بآنچه میکنید هرآینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند او را و ترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ازان و برداشت او را آدمی هرآینه وی هست ستمکار نادان

وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه ۵۳
و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم لتتبعن سنن من قبلكم شبرا بشبر وذراعا
وسلم هر آئینه پیروی خواهید کرد شما طریقه پیشینیان را شبر بشبر و دست
بذراع حتى لو دخلوا جحر ضب تبعتموهم قيل يا رسول الله
بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان در سوراخ سوسمار پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفته شد ای پیغمبر خدا
اليهود والنصارى قال فمن متفق عليه وعن
اراده میکنی یهود و نصارے را فرمود پس کیست متفق علیه و روایت است
عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ۵۴
از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
من احدث في امرنا هذا ما ليس منه فهو رد متفق عليه
کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از دین ما پس آن چیز مردود است متفق علیه
وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ۵۵
و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
اما بعد فان خير الحديث كتاب الله وخير الهدي
در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه
هدي محمد صلى الله عليه وسلم وشر الامور محدثاتها
طریقه محمد است صلی الله علیه و سلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است
وكل بدعة ضلالة رواه مسلم وعن ابن عباس رض
و هر بدعت سبب گمراهی است روایت کرده مسلم و روایت است از ابن عباس رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ابغض الناس الى الله
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثَلٰثَةٌ مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ وَمُبْتَغٍ فِي الْاِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

سه کس الحاد کننده در زمین حرم و طلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِءٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهْرِيقَ دَمَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

وطلب کننده خون مرد بنا حق برای آنکه بریزد او را رواه بخاری

وَعَنْ اَبِي مُوسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابوموسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِيَ اللّٰهُ بِهٖ كَمَثَلِ رَجُلٍ

و سلم جز این نیست که قصه من و قصه چیزی که فرستاده است مرا بدو پروردگار بدان چیز مانند قصه مردی

اَتٰى قَوْمًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اِنِّي رَاَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ وَاِنِّي اَنَا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی که من دیده ام لشکر را بدو چشم خود و بدرستی که من

النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَاءَ النَّجَاءَ فَاَطَاعَهٗ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهٖ

خبر کننده برهنه ام پس بشتابید بشتابید پس فرمان برداری کردند او را بعضی از قوم او

فَاَدْلَجُوا فَانْطَلَقُوا عَلٰى مَهَلِهِمْ فَنَجَوْا وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ

پس رفتند در شب پس رفتند بر آهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعضی

مِنْهُمْ فَاَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَاَهْلَكَهُمْ

از قوم وی پس صبح کردند در جای خود پس صبح کرد ایشان را لشکر پس هلاک کرد ایشان را

وَاجْتَاحَهُمْ فَذٰلِكَ مَثَلُ مَنْ اَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهٖ

و از بیخ بر کند ایشان را پس این قصه کسی است که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را که آورده ام آن را

وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهٖ مِنَ الْحَقِّ

و مثال کسی که نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزی را که آورده ام من آن را از راستی

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا

صلى الله عليه وسلم حال من بحجز حال مردی است که افروخت آتشی

فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَاشُ وَهٰذِهِ الدَّوَابُّ

پس هرگاه که روشن گردان آتش آنچه گرد اوست در ایستادند پروانه ها و این جنبیده دیگر

الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَحْجُزُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ

که عادت ایشان است که می افتند در آتش در در آمدن و مرد که منع میکرد اندواب را و غالب می شدند دواب بر آنکس

فَيَتَقَحَّمْنَ فِيهَا فَأَنَا آخِذٌ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ

پس ازدحام کردند در آتش پس من گیرنده ام جای بند ازار شما را که باز دارم شما را از آتش و شما

تَقَحَّمُونَ فِيهَا هٰذِهِ رِوَايَةُ الْبُخَارِيِّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهَا

ازدحام میکنید در آن آتش این روایت بخاری است و مر مسلم را مانند این روایت است

وَقَالَ فِي آخِرِهَا قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ أَنَا آخِذٌ

و گفته است مسلم در پایان روایت خود گفت پس اینکه گذشت حال من و حال شماست من گیرنده ام

بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي

جای بند ازار شما را از آتش بیائید بسوی من از آتش پس غالب می آئید مرا

تَقَحَّمُونَ فِيهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكُمْ

می باشد در آخر زمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

مِنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ

از احادیث آنچه نشنیده آید شما و نه پدران شما

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکنند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه و سلم بس است مرد را از روی دروغ گفتن

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

آنکه حدیث کند هر چیزی را که شنیده است رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند بسوی گمراهی

كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وی از بزه مقدار بزه‌های کسانیکه پیروی کنند او را

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

کم نمی‌کند این از آثام ایشان چیزی را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مسلم و روایت است از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا

صلی الله علیه و سلم پیدا شد اسلام در آغاز کار غریب

وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَىٰ لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و قریب است که باز گردد غریب چنانکه در ابتدا بود پس خوشی باد مر غریبان را رواه مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْاِيْمَانَ لَيَأْرِزُ اِلَى الْمَدِيْنَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ اِلٰى جُحْرِهَا

ایمان گرد می آید بسوی مدینه چنانکه باز میگردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رض قَالَ فِيْ

متفق علیه است و روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حَدِيْثِهٖ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِيْ

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِيْنَ الْمَهْدِيِّيْنَ تَمَسَّكُوْا بِهَا

سنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوْا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَاِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْاُمُوْرِ

و محکم گزید بر سنت بدندانها را و دور دارید خود را از کارهای نو پیدا

فَاِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است و روایت کرد احمد

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو

و ابوداود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبدالله ابن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

است الی یوم القیامه داد فی بدعت سیئه مکروه و اعلی سیئه کفر کذا فی مائة المسائل ۱۲ فصل الخطاب

أحدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر چیزی را که آورده ام من آنرا

رواه في شرح السنة وعن بلال بن الحارث

روایت کرد در شرح سنة این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

المزني رض قال قال رسول الله صلى الله

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

عليه وسلم من أحيى سنة من سنتي

علیه وسلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتها

قد أميتت بعدي فإن له من الأجر مثل أجر

که بتحقیق میرانیده شده است پس از من پس بدرستیکه مر او راست از مزد

من عمل بها من غير أن ينقص من أجورهم

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شيئا ومن ابتدع بدعة ضلالة لا يرضاها الله

چیزی را و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست از آن بدعت خدا

وَرَسُوْلَهُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْاِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ عَمِلَ بِهَا

پیغمبر خدا باشد بر وی از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی او کرده اند

لَايَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ اَوْزَارِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

او را کم نمیکند این از آثام ایشان چیزی را روایت کرد ترمذی و روایت است

عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الدِّيْنَ لَيَأْرِزُ اِلَى الْحِجَازِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ

وسلم بدرستیکه اسلام گردد آید بسوی حجاز چنانکه باز میگردد مار

اِلٰى جُحْرِهَا وَلَيَعْقِلَنَّ الدِّيْنُ مِنَ الْحِجَازِ مَعْقِلَ الْاُرْوِيَّةِ

بسوی سوراخ خود و هر آئینه پناه بجوید دین از زمین حجاز بجو پناه جستن بز کوهی

مِنْ رَأْسِ الْجَبَلِ اِنَّ الدِّيْنَ بَدَأَ غَرِيْبًا وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَأَ

از سر کوهی بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ وَهُمُ الَّذِيْنَ يُصْلِحُوْنَ مَا اَفْسَدَ النَّاسُ

بود پس خوش خبری باد مر غریبان را و غریبان آن کسان اند که نیکوی سازند چیزی را که بد ساخته اند مردم

مِنْ بَعْدِيْ مِنْ سُنَّتِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بعد از من از سنت من روایت کرد ترمذی و روایت است از عبد الله

بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمرو رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

لَيَأْتِيَنَّ عَلٰى اُمَّتِيْ كَمَا اَتٰى عَلٰى بَنِيْ اِسْرَائِيْلَ حَذْوَ النَّعْلِ

هر آئینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بِالنَّعْلِ حَتّٰى اِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ اَتٰى اُمَّهُ عَلَانِيَةً لَكَانَ

تا آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد در مادر را آشکارا هر آئینه باشد

۱۲۸۸۱

في أمتي من يصنع ذلك وإن بني إسرائيل

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آئینه بنی اسرائیل

تفرقت على ثنتين وسبعين ملة وتفرق

جدا شدند بر هفتاد و دو ملت و جدا خواهند شد

أمتي على ثلث وسبعين ملة كلهم

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

في النار إلا ملة واحدة قالوا من هي يا

مستحق در آمدن در دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رسول الله قال ما أنا عليه وأصحابي رواه

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آنند روایت کرده

الترمذي وفي رواية أحمد وأبي داود

ترمذی و در روایت احمد و ابی داود

عن معاوية ثنتان وسبعون في النار

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند

وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَإِنَّهُ سَيَخْرُجُ

و اول یک ملت در بهشت و آن مسمی به جماعت است و بدرستی که زود باشد که بیرون آید

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارَى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

از امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ در صاحب خود را باقی نمی ماند از اعضای او هیچ

وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رگی و بندی مگر در می آید در ان و روایت است از ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

عَلَى ضَلَالَةٍ وَيَدُ اللهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شُذَّ

بر گمراهی و دست احسان خدا بر جماعت است و کسیکه تنها افتاد از جماعت انداخته شود

في النار رواه الترمذي وعنه قال قال رسول الله صلى

در آتش روایت کرد این را ترمذی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اتبعوا السواد الأعظم فإنه من شذ شذ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را به درستیکه شان این است که کسیکه تنها افتاد از جماعت تنها افتد

في النار رواه ابن ماجة وعن انس قال قال لي

در آتش روایت کرد این را ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا بني إن قدرت أن

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تصبح وتمسي وليس في قلبك غش لأحد فافعل

صبح کنی و شام کنی در حالی که نیست در دل تو کینه با هیچ کس پس بکن

ثم قال يا بني وذلك من سنتي ومن احب سنتي فقد

پس گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است و کسیکه دوست دارد سنت مرا پس تحقیق

أحبني ومن أحبني كان معي في الجنة رواه الترمذي

دوست میدارد مرا و کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت روایت کرد این را ترمذی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من تمسك بسنتي عند فساد امتي فله

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند به سنت من نزد فساد امت من پس او را است

٨٠

أجر مائة شهيد رواه البيهقي في كتاب الزهد له ومن

مزد ثواب صد شهيد روايت كرد بيهقى در كتاب الزهد لفظ ... از

حديث ابن عباس رض وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله

از حديث ابن عباس رض در روايت است از ابى هريره گفت فرمود رسول الله

صلى الله عليه وسلم إنكم في زمان من ترك منكم عشر

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شما در زمانى هستيد كه هر كه ترك كند از شما ده حصه

ما أمر به هلك ثم يأتي زمان من عمل منهم بعشر

آنچه امر كرده شده است بدان هلاك شود پس آيد زمانى كه هر كه كند از ايشان ده حصه

ما أمر به نجا رواه الترمذي وعن معاذ بن جبل رض

آنچه امر كرده شده است بدان نجات يابد روايت كرد ترمذى و روايت است از معاذ ابن جبل

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الشيطان

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شيطان

ذئب الإنسان كذئب الغنم يأخذ الشاذة والقاصية

گرگ آدمى است مانند گرگ گوسفند كه ميگيرد گوسفند را كه ... تنها ...

والناحية وإياكم والشعاب وعليكم بالجماعة و

و دور رونده و از كناره ... و دور داريد خود را از راههاى ... و لازم گيريد جماعت

العامة رواه أحمد وعن أبي ذر رض قال قال

و گروه بسيار را روايت كرد احمد و روايت است از ابى ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فارق الجماعة

پيغمبر الله صلى الله عليه وسلم هر كسيكه جدايى كرد جماعت را

شبرا فقد خلع ربقة الإسلام من عنقه رواه أحمد

مقدار يک شبر پس بتحقيق بركشيد ربقه اسلام را از گردن خود روايت كرد احمد

٨١

وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رض

وابوداود و روایت است از ابراهیم ابن میسره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس بتحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان مرسل و روایت است از

ابن مسعود رض قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رض گفت کسیکه میخواهد که برود براه راست پس باید که برود راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

کسانیکه بتحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمنی کرده نمیشود بر ایشان از فتنه آن مردگان

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند که بودند فاضلتر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از همه گروه ایشان بهتر درین امت و نیکتر از روی دلها و دور اندیش تر از روی علم و کمتر

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روی تکلف برگزید ایشان را خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای بپا داشتن دین خود

٨٢

فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على آثارهم وتمسكوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشان و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان و چنگ در زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانهم كانوا

بانچه توانید از خوی های ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست روایت کرد رزین و روایت است از

انس رضه انه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رضه بدرستیکه وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه

وسلم ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوی او

من نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

از جانش و از مالش و از فرزندش و پدرش و مردمان همه

رواه الشيخان واحمد والنسائي وابن ماجة

روایت کرد شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

۸۴

وقيل لرسول الله صلى الله عليه وسلم متى اكون

وگفته شد مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که کی باشم

مؤمنا وفي لفظ آخر مؤمنا صادقا قال اذا احببت

مومن و در لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

الله فقيل ومتى احب الله فقال اذا احببت رسوله

خدا را پس گفته شد کی باشم که دوست دارم خدا پس فرمود چون دوست داشته باشی پیغمبر او را

فقيل ومتى احب رسوله قال اذا اتبعت طريقته

پس گفته شد کی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

واستعملت سنته واحببت بحبه وابغضت ببغضه

و عمل کنی سنت او را و دوست داری بسبب دوستی وی و دشمن داری بسبب دشمنی وی

وواليت بولايته وعاديت بعداوته ويتفاوت

و دوست شوی بدوستی وی و عداوت کنی بعداوت وی و متفاوت اند

الناس في الايمان على قدر تفاوتهم في محبتي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

٨٥

وَيَتَفَاوَتُونَ فِي الْكُفْرِ عَلَىٰ قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي بُغْضِي أَلَا

ومتفاوت میشوند درکفر باندازهٔ تفاوت ایشان در بغض من آگاه باشید

لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ أَلَا لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ

نیست ایمان مرآن شخص را که نیست محبت مر ویرا آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت مراورا

أَلَا لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهُ كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقِيلَ

آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت آنرا چنین است در دلائل خیرات ـ وگفته شد

لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَرَىٰ مُؤْمِنًا يَخْشَعُ وَ

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنی را که خوف میکند

مُؤْمِنًا لَا يَخْشَعُ مَا السَّبَبُ فِي ذٰلِكَ فَقَالَ مَنْ وَجَدَ لِإِيمَانِهِ

ومومنی را که خوف نمیکند چیست سبب درانمیان پس گفت کسیکه یابد برای ایمان خود

حَلَاوَةً خَشَعَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهَا لَمْ يَخْشَعْ فَقِيلَ بِمَ تُوجَدُ

لذت خوف میکند وکسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

أَوْ بِمَ تُنَالُ وَبِمَا تُكْتَسَبُ قَالَ بِصِدْقِ الْحُبِّ فِي اللّٰهِ فَقِيلَ

یا بچه حاصل کرده میشود و یا چه کسب کرده میشود گفت براستی محبت در حق خدا پس گفته شد

وَبِمَ يُوجَدُ حُبُّ اللّٰهِ أَوْ بِمَ يُكْتَسَبُ فَقَالَ بِحُبِّ رَسُولِهِ

وبچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده شود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فَالْتَمِسُوا رِضَاءَ اللّٰهِ وَرِضَاءَ رَسُولِهِ فِي حُبِّهِمَا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ

پس بجوئید رضای خدا و رضای پیغمبر او در محبت هردو چنانست در دلائل الخیرات

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شد مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

الَّذِينَ أُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَإِكْرَامِهِمْ وَالْبِرِّ بِهِمْ فَقَالَ

که امر کرده شده ایم بمحبت ایشان و گرامی کردن ایشان و نیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ آمَنَ وَأَخْلَصَ فَقِيلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا و وفا و احسان که ایمان آورد و خالص کرد پس گفته شد و چیست نشان های ایشان

فَقَالَ إِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من بر هر دوست داشته شده و مشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ اللهِ وَفِي أُخْرَى عَلَامَتُهُمْ إِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا و در روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيلَ

ذکر من و بسیار درود فرستادن بر من است و گفته شد

لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ

مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان اندرون

بِكَ فَقَالَ مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلَى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن و ندید مرا پس بدرستیکه وی مومن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ ذٰلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ

شوقیکه او راست و بر صدق که در محبت من است و نشان اینکار از او آنست که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ وَفِي أُخْرَى مِلْءَ الْأَرْضِ

دوست دارد دیدار مرا بتمام آنچه مالک شده است و در روایت دیگر لفظ ملاء الارض

ذَهَبًا ذٰلِكَ الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

زر است آنکس مومن است بمن حقیقةً چنین است در دلایل و گفت است

صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِي هٰذِهِ الْأَحَادِيثِ الْأَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث که

أَعْرِفُهَا وَلَمْ أَجِدْهَا كُتُبَ الْعِلْمِ إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نیشناسم آنها را و نیافتم این هر چهار را جز این نیست که میترسد از خدا

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ

از بندگان او دانایان و شتابی مکن بخواندن قرآن پیش از آنکه

أَنْ يُقْضٰى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او و بگوی ای پروردگار من بیفزا مرا دانش

بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الْعِلْمِ

وحاصل آنکه فواید بیشمار دینی و اخروی از صحبت ایشان بر بسیار و قیاس باید کرد ... پس بر این علم اگر نیکو بردارد ...

وَالْعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيرِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كُنْتُ

و روایت است از کثیر ابن قیس گفت بودم من

جَالِسًا مَعَ أَبِي الدَّرْدَاءِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ

نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد اورا مردے

فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ إِنِّي جِئْتُكَ مِنْ مَدِينَةِ الرَّسُولِ

پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيثٍ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُحَدِّثُهُ

صلے اللہ علیہ و سلم جہت شنیدن حدیثے که رسیده است مرا که تو خبر میدهی آنرا

عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ

از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیامده ام از جہت حاجتے دیگر

قَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را

يَقُولُ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللهُ بِهِ

گفت کسیکه برود راه را که طلب کند در وی علمے ببرد خدا اورا

طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا

براهے از راه هاے بهشت و بدرستیکه فرشتگان هر آئینه می نهند بازوهای خود را

رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ

بجہت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم هر آئینه آمرزش میخواهد برای او هر که

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالْحِيْتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است وہر کہ در زمین است و ماہیان در میان آب

وَاِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

و بدرستیکہ فضیلت عالم بر عابد ہمچو فضل ماہ شب

الْبَدْرِ عَلٰى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَاِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چہاردہم است بر باقی ہمہ کواکب و بدرستیکہ عالمان وارثان

الْاَنْبِيَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوْا دِيْنَارًا وَّلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند و بدرستیکہ پیغمبران وارث نگردانیدند دینار را و نہ درہم را

وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ اَخَذَهٗ اَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ رَوَاهُ

و نگذاشتہ اند بارث مگر علم را پس ہر کہ گرفت علم را گرفت نصیبے تمام روایت

٨٩

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجہ و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيْرٍ

دارمی و نام و نسبت را و بیان ترمذی بہ قیس ابن کثیر

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا مَاتَ الْاِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهٗ

علیہ و سلم چون بمیرد آدمی بریدہ میشود از و ہر عملی کہ میکند

إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکی از آن صدقه جاریه و یا علمی که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

بآن یا فرزند نیک کردار که دعا کند اورا روایت کرده مسلم و روایت است

ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي الْاِثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر در دو کس مردی که داد اورا خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

مالی پس گماشت وی را بر هلاک کردن آن مال بر طاعت حق و مردی که داد اورا خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس او حکم میکند بدان و تعلیم میکند آنرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از عبدالله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً

صلی الله علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناهی

وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

وهر كه دروغ بر بندد بر من قصدا پس بايد كه بگيرد جاى نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روايت كرده بخارى وهم از وى روايت است گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلى الله عليه وسلم كسيكه رهائش دهد و دور گرداند از مسلمانى اندوهى را

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللّٰهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه هاى دنيا رهائش دهد و دور گرداند خداتعالى از آنكس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

اندوه هاى روز قيامت وكسيكه آسان گرداند كار بر تنگدست آسان گرداند بروے خداے

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللّٰهُ فِي

در دنيا و آخرت وكسيكه بپوشد عيب مسلمانى را بپوشد او را خداتعالى

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنيا و آخرت و خداتعالى در يارى كردن بنده است تا دام كه بنده

فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللّٰهُ

در يارى كردن برادر خود است وكسيكه برود در راهى كه طلب كند در وى علم را آسان گرداند حق تعالى

لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللّٰهِ

مر اورا بسبب آن طريق راهى بسوى بهشت و نه فراهم آيند گروهى در خانه از خانه هاى خدا

يتلون كتاب الله و يتدارسونه بينهم الا نزلت

که بخوانند قرآن را بطریق درد و یا تعلیم کنند آنرا با یکدیگر مگر آنکه فرود آید بر ایشان

عليهم السكينة و غشيتهم الرحمة و حفتهم

آرام باطن و بپوشد ایشان را رحمت و گرد میگیرند ایشان را

الملائكة و ذكرهم الله فيمن عنده و من بطأ

فرشتگان و یاد میکند ایشان را خدا تعالی در میان جمعی که نزد او یند و کسیکه

به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم

پس اندازد او را عمل او پیش نمی آرد او را نسب او رواه مسلم

وعن ابي امامة الباهلي رض قال ذكر

و روایت است از ابی امامه باهلی رض گفت ذکر کرده شدند برای

لرسول الله صلى الله عليه وسلم رجلان

رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو مرد

احدهما عابد والآخر عالم فقال رسول الله

از آن دو مرد عابد و دیگر عالم پس فرمود پیغمبر

صلى الله عليه وسلم فضل العالم على العابد

صلی الله علیه وسلم فضل عالم

كفضلي على ادناكم ثم قال رسول الله صلى

همچو فضل من است بر ادنای شما باز فرمود پیغمبر خدا

عليه وسلّم إنّ الله وملائكته وأهل السموات

عليه وسلم بدرستيكه خدا تعالى و فرشتگان او و اهل آسمانها

والأرض حتّى النملة في جحرها وحتّى الحوت ليصلّون

و زمينيان تا مورچه در سوراخ خود و تا ماهى هر آينه درود ميفرستند

على معلّم الناس الخير رواه الترمذي وعن

بر تعليم كنند خير مردم را رواه ترمذى در روايت است

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم

از ابى هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

الكلمة الحكمة ضالّة الحكيم فحيث وجدها فهو

سخن علم و حكمت چيز گم شده حكيم است پس هر جا كه يافت آنرا پس آن حكيم

أحقّ بها رواه الترمذي وابن ماجة وعن

سزاوار تر است بآن سخن رواه ترمذى و ابن ماجه روايت است

ابن عبّاس رض قال قال رسول الله صلّى الله عليه

از ابن عباس رض گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلّم فقيه واحد أشدّ على الشيطان من ألف

وسلم يك فقيه سخت تر است بر شيطان از هزار

عابد رواه الترمذي وابن ماجة وعن أنس رض

عابد رواه ترمذى و ابن ماجه در روايت است از انس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم طلب العلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم

فريضة على كل مسلم وواضع العلم عند غير أهله

فرض است بر هر مسلم ونهنده علم نزد کسیکه اهل آن نیست

كمقلد الخنازير الجوهر واللؤلؤ والذهب

همچو اندازنده است بگردن خوکان قلاده جواهر و مروارید و طلا

رواه ابن ماجة وروى البيهقي في شعب الإيمان

روایه ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

الى قوله مسلم وقال هذا حديث متنه مشهور

تا قول او که مسلم است و گفت این حدیث متنی است که مشهور شده است

واسناده ضعيف وقد روي من اوجه كلها ضعيف

در بیان مردم و سند او ضعیف است و تحقیق روایت کرده شده است بوجوه طرق که همه ضعیف

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من خرج في طلب العلم فهو في سبيل

علیه و سلم کسیکه بیرون آمد برای طلب علم پس او در راه

الله حتى يرجع رواه الترمذي والدارمي

خدا است تا هنگام بازگشتن روایه ترمذی و دارمی

تا هنگام باز آمدن بخانه چنانکه کسیکه بجهاد با کفار بر آید تا باز آمدن در راه خدا است و درج نیز همچنین گفته اند

بو آخر دو كه اين حديث روايت كرده بود از وي او از هيبت زرد گشت و مويي بر اندام او باليستاد و گوشتي كه در ميان گوشت

وعن سخبرة الأزدي قال قال رسول الله

روايت است از سخبره ازدي رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم كان كفارة

صلى الله عليه وسلم هر كه طلب كند علم را باشد اين طلب او كفارت

لما مضى رواه الترمذي والدارمي وعن أبي سعيد

گناهان را كه گذشته است رواه ترمذي و دارمي و در روايت است از ابي سعيد

الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدري رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

لن يشبع المؤمن من خير يسمعه حتى يكون منتهاه

هرگز سير نميگردد مومن از شنيدن سخن نيك تا آنكه باشد عاقبت كار او

الجنة رواه الترمذي وعن ابن مسعود قال سمعت

بهشت رواه ترمذي و روايت است از ابن مسعود رض گفت شنيدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول نضر الله

پيغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم كه ميگفت تر و تازه گرداند خداي تعالى

٩٥

عرضداشت كرد كه يا رسول الله صلى الله عليه وسلم من بسيار حديث از زبان مبارك تو مي شنوم ياد نميگيرم بعضي حديث ياد مي ماند رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود

امرءاً سمع منا شيئاً فبلغه كما سمعه فرب مبلغ اوعى له من

مردی را که شنید از ما چیزی را پس رسانید آن را چنانکه شنیده است پس بسا کسیکه رسانیده شده نگاهدارنده تر از

سامع رواه الترمذي وعن عوف بن مالك الاشجعي

شنونده روایت کرد آن را ترمذی و روایت است از عوف بن مالک اشجعی رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقص

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وعظ نمیگوید

الا امير او مأمور او مختال رواه ابو داود وعن

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده شده است او را حاکم یا متکبر روایت کرد آن را ابو داود و روایت است از

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

افتي بغير علم كان اثمه على من افتاه ومن اشار على

فتوی داده شد بغیر دانش باشد گناه او بر کسیکه فتوی داد او را و کسیکه امر کرد

اخيه بامر يعلم ان الرشد في غيره فقد خانه رواه

برادر خود را بکاری که میداند که صلاح کار در غیر آنست پس بتحقیق خیانت کرد او را روایت

96

۹۷

ابوداود وعن معاوية قال ان النبي صلى الله عليه

ابوداود روایت است از معاویه گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله

وسلم نهى عن الاغلوطات رواه ابوداود وعن

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مسائل الطات رواه ابوداود و روایت است

ابي هريرة رواية يوشك ان يضرب الناس اكباد

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

الابل يطلبون العلم فلا يجدون احدا اعلم

شتران را در اثنا آنکه طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را دانا تر

من عالم المدينة رواه الترمذي

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی

وعنه فيما اعلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی در آنچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم این حدیث را فرمود

قال ان الله عز وجل يبعث لهذه الامة على راس كل

پیغمبر خدا انگیزد خدا بر انگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من يجدد لها دينها رواه ابو داود وعن

صد سالی کسی که نو می گرداند برای این امت دین او را رواه ابو داود و روایت است از

الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

حسن بصری از روی ارسال گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليحيي به الاسلام

کسیکه بیاید او را مرگ و حال آنکه وی طلب کند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام را

فبينه وبين النبيين درجة واحدة في الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یک پایه تفاوت است در جنت رواه

الدارمي وعن واثلة بن الاسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت است از واثلة بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم فادركه كان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس دریابد آنرا باشد مر او را

كفلان من الاجر فان لم يدركه كان له كفل من الاجر

دو نصیب از ثواب پس اگر در نیابد آن علم را باشد مر او را یک ثواب

٩٨

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواه دارمی — در روایت هست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ

صلی الله علیه وسلم — بدرستیکه از آنچه میرسد مسلمانرا از ثواب کردار وی

وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشَرَهُ وَوَلَدًا

و از نیکیهای وی بعد از مرگ وی علمیست که آموخت اورا و پراگنده کرد آن را و فرزندیست

صَالِحًا تَرَكَهُ أَوْ مُصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا

نیک کردار که گذاشت اورا یا مصحفی که بارث گذاشت او را یا مسجدی که بنا کرد او را یا خانه

لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا

که برای مسافران بنا کرده هست یا نهری که روان ساخت آنرا یا صدقه که بیرون آورد آنرا

مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلْحَقُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ

از مال خود در تندرستی خود و در حیات خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمان را پس مرگ او

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهْ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

روایت کرد ابن ماجه — و بیهقی — در شعب — الایمان

وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

در روایت هست از عائشه رض بدرستیکه گفت شنیدم من آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ

صلی الله علیه وسلم — میگفت بدرستیکه خدا تعالی وحی کرد بسوی من

99

الا من سلك مسلكا في طلب العلم سهلت له طريق

هر که برود راهی در طلب علم آسان گردانم مراو را راه

الجنة ومن سلبت كريمتيه اثبته عليهما الجنة وفضل

بهشت و کسی که برباییم من هر دو چشم او را ثواب دهیم او را در مقابله دو چشم بهشت را و افزونی

في علم خير من فضل في عبادة وملاك الدين الورع

در علم بهتر است از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوت دین ورع و تقوی است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن ابن عباس رض

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض

قال تدارس العلم ساعة من الليل خير من احيائها

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهتر است از زنده گردانیدن تمام شب

رواه الدارمي وعن عبد الله بن عمرو رض ان

روایت کرد دارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم مر بمجلسين في مسجده

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس که در مسجد شریف وی بود

فقال كلاهما على خير واحدهما افضل من صاحبه اما

پس فرمود آن حضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از این دو اهل مجلس فاضلتر است از دیگر

هؤلاء فيدعون الله ويرغبون اليه فان شاء

اما جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر بخواهد

اعطاهم وان شاء منعهم واما هؤلاء فيتعلمون

میدهد ایشان را و اگر بخواهد منع کند ایشان را و اما این طایفه که مشغول اند بمذاکره

الفقه او العلم ويعلمون الجاهل فهم افضل

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضلترند

وإنما بعثت معلما ثم جلس فيهم رواه الدارمي وعن أبي

فرستاده شده‌ام من که آموزنده علم این نشست آنحضرت درمیان آن قوم رواه دارمی و روایت است از ابی

الدرداء قال سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم ما حد العلم الذي

دردا رض گفت پرسیده شد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إذا بلغه الرجل كان فقيها فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

چون برسد مرد آن مرتبه را باشد در عداد فقها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من حفظ على أمتي أربعين حديثا في أمر دينها بعثه الله فقيها

کسیکه یاد کرد و برسانید برامت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی اورا در زمره فقها

وكنت له يوم القيمة شافعا وشهيدا وعن أنس بن مالك

و باشم من ورا در قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هل تدرون من أجود

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا میدانید که کیست زیاده تر

جودا قالوا الله ورسوله أعلم قال الله تعالى أجود جودا ثم أنا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل‌تر از روی جود خدا تعالی است پس تر من

أجود بني آدم وأجودهم من بعدي رجل علم علما فنشره

جوادترم از میان آدمیان جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يأتي يوم القيمة أميرا وحده أو قال أمة واحدة وعنه

می آید روز قیامت تنها مانند امیری که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند است جماعه و روایت است از وی

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال منهومان لا يشبعان

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

منهوم في العلم لا يشبع منه ومنهوم في الدنيا لا يشبع

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمیشود

جماعتی از سلف و خلف [illegible] علمای ربانی [illegible] تصنیف اربعینات [illegible] بامید شفاعت آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible]

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَقَالَ

از آن روایت کرد بیهقی این هر سه احادیث را در شعب الایمان و گفت

قَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ فِيْ حَدِيْثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُوْرٌ فِيْمَا

که گفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن این حدیث مشهور است در میان

بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهُ إِسْنَادٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

مردم و نیست مر او را اسناد صحیح و روایت از عون گفت گفت عبد الله

بْنُ مَسْعُوْدٍ مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا

ابن مسعود رض دو حریص سیر نمی‌شوند اهل علم و اهل دنیا

وَلَا يَسْتَوِيَانِ أَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضَا الرَّحْمٰنِ. وَأَمَّا

و برابر نیستند این هر دو اما صاحب علم پس زیاده میکند خوشنودی خدای مهربان را ولیکن

صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادَى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللّٰهِ كَلَّا إِنَّ

صاحب دنیا پس نهایت میرود در سرکشی باز خواند عبد الله این آیه را حقا هر آئینه

الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى قَالَ وَقَالَ الْآخَرُ

آدمی از حد میگذرد وقتیکه می‌بیند خود را توانگر شده گفت و گفت بار دیگر

إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

جز این نیست که می‌ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواه دارمی و در روایت از وی

مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ

اندر وی مرسل گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از حال دو مرد

كَانَا فِيْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ أَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ

که بودند در فرزندان یعقوب یکی از آن دو مرد بود عالم که میگذارد نماز فرض را بستر

يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْآخَرُ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ

می‌نشست پس می‌آموخت مردم را علم و مرد دیگر روزه میداشت بروز و نماز میگذارد

اللیل ایهما افضل قال رسول الله صلی الله علیه وسلم فضل هذا

در شب کدام یکے ازین دو مرد فاضلترست فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم زیادتی ثواب این

العالم الذی یصلی المکتوبة ثم یجلس فیعلم الناس الخیر علی

عالم که صفتش اینست که میگذارد نماز فرض را بستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران

العابد الذی یصوم النهار و یقوم اللیل کفضلی علی ادناکم

مرد عابد که روزه میداشت بروز و نماز میگذارد بشب همچو فضل من ست بر مردیکه پست پایه ترست از شما

رواه الدارمی باب ما جاء فی علم بلا عمل و شرار العلماء

رواه دارمی باب احادیثیکه وارد شده ست در علم بلا عمل و بدترین علماء

أفرأیت من اتخذ الٰهه هواه و اضله الله علی علم و ختم

ایا دیدی کسیے را که معبود خود گرفته ست خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر نهاد

علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من

بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را

بعد الله افلا تذکرون ۝ أتأمرون الناس بالبر و تنسون

بعد از خدا ایا پند نمی گیرید ایا میفرمائید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید

أنفسکم و انتم تتلون الکتٰب افلا تعقلون و عن ابی هریرة

خویشتن را و شما میخوانید کتاب ایا نمی فهمید و روایتست از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مثل علم لا ینتفع به

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مثال علمے که نفع گرفته نمی شود بو

کمثل کنز لا ینفق منه فی سبیل الله رواه احمد والدارمی

همچو مثال گنجے است که داده نمی شود ازوی در راه خدا رواه احمد و دارمی

وعن علی قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یوشک

و روایت ست از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیک ست

أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آبادان است و حال آنکه آن مسجدها ویران است

مِنَ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بیرون مے آید فتنہ و باز هم در ایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و مروی است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

تَعَوَّذُوا بِاللّٰهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

و سلم و چیست جب حزن فرمود وادی است در دوزخ پناه میجوید از وی دوزخ هر

يَوْمٍ أَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که مے در آید آنرا فرمود

الْقُرَّاءُ الْمُرَاءُونَ بِأَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود رواه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيهِ وَإِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْقُرَّاءِ إِلَى اللّٰهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ

و زیاده کرد در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته ترین قرا نزد خدا آن کسان اند که ملاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابرانند و روایت است از حسن رض گفت علم دو علم است

فعلم في القلب فذاك العلم النافع وعلم على اللسان فذاك حجة

پس یکی علم علمی است که در دل است پس آن علمی است سود دهنده و دیگر علمی است که بر سر زبان است پس این علم حجت

الله عز وجل على ابن آدم رواه الدارمي وعن زياد بن

خداست بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و روایت است از زیاد بن

حدير قال لي عمر رض هل تعرف ما يهدم الإسلام قلت لا قال

حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می شناسی چه چیز می شکند بنای اسلام را گفتم نمی شناسم گفت

يهدمه زلة العالم وجدال المنافق بالكتاب وحكم الأئمة

می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرا و حکام

المضلين رواه الدارمي وعن أبي الدرداء رض قال إن من

گمراه کنندگان خلق اند رواه الدارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکه از بدترین

أشر الناس عند الله منزلة يوم القيمة عالم لا ينتفع بعلمه رواه

بدترین مردمان نزد خدا تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی است که فایده نمی گیرد از علم خود رواه

الدارمي وعن الأحوص بن حكيم عن أبيه قال سأل رجل النبي

دارمی و روایت است از احوص بن حکیم از پدر خود گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وسلم عن الشر فقال لا تسألوني عن الشر وسلوني

صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود نپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عن الخير يقولها ثلاثا ثم قال ألا إن شر الشر شرار العلماء وإن

از خیر فرمود این کلمه را سه بار پس فرمود بدانید که بدترین بدتران بدان علما اند و بهترین نیکو

خير الخير خيار العلماء رواه الدارمي وعن سفيان أن عمر بن

نیکوترین نیکان نیکان علما اند رواه دارمی و مرویست از سفیان بدرستی که عمر بن

الخطاب رض قال لكعب من أرباب العلم قال الذين يعملون بما يعلمون

خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل می کنند بآنچه می دانند

قَالَ فَمَا أَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون می کشد نور علم را از دلهای علماء گفت طمع بیرون می کند رواه دارمی

وَعَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ الْعِلْمِ

و روایت است از اعمش رح گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است و ضائع کردن آن علم آنست که حدیث کنی علم را بغیر اهل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبد الله ابن مسعود رض گفت اگر بودی که اهل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوهُ عِنْدَ أَهْلِهِ لَسَادُوا بِهِ أَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوهُ

و می نهادند علم را نزد اهل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اهل زمان خود را و لیکن اهل علم در باختند علم را

لِأَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اهل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزی از دنیای ایشان پس خوار شدند نزد اهل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ

صلی الله علیه وسلم میفرمود کسی که بگرداند قصدهای خود را یک قصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللّٰهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ أَحْوَالُ الدُّنْيَا

بسنده کند او را خدا از قصدهای دنیا او و کسی که پریشان گرداند او را قصدها او که احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللّٰهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک نه دارد خدا که در کدام یکی از وادیهای دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُنَاسًا

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ أُمَّتِي سَيَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ وَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَقُولُونَ

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

نأتي الأمراء فنصيب من دنياهم ونعتزلهم بديننا ولا يكون

می آییم امرا را پس میرسیم چیزے از دنیای ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذلك كما لا يجتنى من القتاد إلا الشوك كذلك لا يجتنى من قربهم

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إلا قال محمد بن الصباح كأنه يعني الخطايا رواه ابن ماجه وعنه

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد از آن گناهان را رواه ابن ماجه و روایت است از و

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أول الناس يقضى عليه

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه حکم کرده شود بروے

يوم القيمة رجل استشهد فأتي به فعرفه نعمه فعرفها فقال

روز قیامت مردیست که کشته شد در راه خدا پس آورده شود پس شناسانده خدا آنرا نعمت های خود را پس شناسد آن نعمت ها را پس گفت خدا

فما عملت فيها قال قاتلت فيك حتى استشهدت قال كذبت

آن مرد پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید آن مرد کارزار کردم برای تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

ولكنك قاتلت لأن يقال جريء فقد قيل ثم أمر به فسحب

ولیکن تو کارزار کردی برای اینکه گفته شود که فلان دلیر است پس بتحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود

على وجهه حتى ألقي في النار ورجل تعلم العلم وعلمه وقرأ

بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

القرآن فأتي به فعرفه نعمه فعرفها قال فما عملت فيها قال

قرآن را پس آورده شود او را پس شناسانید او را خدا نعمتها خود پس شناسد آن نعمتها را بگوید خدا پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آن مرد

تعلمت العلم وعلمته وقرأت فيك القرآن قال كذبت ولكنك

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو

تعلمت العلم ليقال إنك عالم وقرأت القرآن ليقال هو قاري

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خواننده قرآن است

فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار ورجل وسع
پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت او پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است
الله عليه الرزق وأعطاه من أصناف المال كله فأتي به فعرفه نعمه
خدا بر وی روزی و داده است او را گونه ها از گونه های مال همه مال پس آورده شود او را پس شناسانند خدا او را نعمتهای خود
فعرفها قال فما عملت فيها قال ما تركت من سبيل تحب أن ينفق
پس شناسد آن نعمت را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود
فيها إلا أنفقت فيها لك قال كذبت ولكنك فعلت ليقال هو
در آن مگر آنکه صرف کردم در آن برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی و لیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او
جواد فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه ثم ألقي في النار رواه
سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت او پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ رواه
مسلم وعن عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه
مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم إن الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه من العباد ولكن يقبض
وسلم بدرستیکه خدا نمی گیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان و لیکن باز میگیرد
العلم بقبض العلماء حتى إذا لم يبق عالما اتخذ الناس رءوسا
علم را بمیرانیدن علماء تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سران
جهالا فسئلوا فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا متفق عليه وعن
قوم جاهلان را پس پرسیده شوند پس فتوی بدهند بی علم پس خود هم گمراه باشند و هم دیگران را گمراه میکنند متفق علیه و روایت است از
أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سئل عن علم
ابی هریره رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی
علمه ثم كتمه ألجم يوم القيامة بلجام من نار رواه أحمد
... میداند آنرا پس پوشیده کند آنرا لگام کرده شود در دهان او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَنَسٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ

و ابو داود و ترمذی و رواه ابن ماجه از انس رض و روایت است از کعب ابن

مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ

مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طلب کند علم را تا که برابری کند علما را

الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ

بآن یا آنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم روی های مردم بسوی خود درآورد او را

اللهُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَعَنِ

خدا در آتش دوزخ رواه ترمذی و روایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه بگوید در قرآن لتفسیر

بِرَأْيِهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان

وَجْهُ اللهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ

ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَعْنِي رِيحَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ

آورده شود مردی روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت روده‌های او در آتش

فَيَطْحَنُ فِيهَا كَطَحْنِ الْحِمَارِ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ أَيْ

پس آس میکند گرد رودهای خود همچو آس کردن خر با آسیای خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آن مرد پس بگویند ای

فُلَانُ مَا شَأْنُكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَانَا عَنِ الْمُنْكَرِ

فلان چه حال تست آیا نبودی تو که امر میکردی ما را بمعروف و نهی میکردی ما را از منکر

قَالَ كُنْتُ آمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَاكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ

میگوید آن مرد بودم من که امر میکردم شما را بمعروف و خود نمیکردم آنرا و نهی میکردم شما را از منکر و خود میکردم آنرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

متفق علیه و روایت است از انس رضی الله عنه که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي رِجَالًا تُقْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ

دیدم من شبی که سیر کنانیده شد مرا مردمانرا که بریده میشد لبهای ایشان از مقراض‌ها از آتش

قُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أُمَّتِكَ

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیب‌ها اند از امت تو که

يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

بودند امر کنندگان مردم را بنیکی و فراموش میکردند ذاتهای خود را روایت کرده در شرح سنة

كِتَابُ الطَّهَارَةِ

این کتاب طهارت است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

ای مسلمانان چون برخیزید بسوی نماز پس بشوئید رویهای خود را و دستهای خود را

إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ

تا آرنج و مسح کنید سرهای خود را و بشوئید پایهای خود را تا شتالنگ و اگر باشید

جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ

با جنابت پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا

از خلا جائے یا مساس کردہ باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ

پاک را پس مسح کنید بر رو ہائے خود و دست ہائے خود از آن خاک نمیخواہد خدا تعالیٰ کہ مقرر کند بر شما

مِنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ

مشقتے و لیکن میخواہد کہ پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شکر

تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کنید و روایت است از ابی ہریرہ رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى

آیا راہ نمایم شما را بر عملہا یکہ محو میکند خدا تعالیٰ بسبب آن گناہان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبہا را گفتند آری

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى

راہ نما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در ہنگام مشقت و بسیارے گامہا در رفتن بسوئے

الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

مسجدہا و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط روا مسلم

وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و مروی است از عثمان رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ

تَوَضَّاَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ

وضو کند و نیک کند وضو را می برآیند گناہان او از بدن او تا آنکہ برآید از

تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

زیر ناخنہائے او متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ

صلی اللہ علیہ وسلم چون وضو میکند بندۂ مومن یا مسلم پس می شوید روئے خود را

خرج من وجهه كل خطيئة نظر إليها بعينيه مع الماء أو مع آخر

بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهر دو چشم خود همراه آب یا با آخر

قطر الماء فإذا غسل يديه خرج من يديه كل خطيئة بطشتها

قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آید از دست وی هر گناهی که گرفت آن گناه را

يداه مع الماء أو مع آخر قطر الماء فإذا غسل رجليه خرج كل

هر دو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو پای خود بیرون می آید هر

خطيئة مشتها رجلاه مع الماء أو مع آخر قطر الماء حتى يخرج

گناهی که رفته است بسوی آن هر دو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطرهای آب تا آنکه بیرون می آید

نقيا من الذنوب رواه مسلم وعن عثمان قال قال رسول الله

از جای وضو پاک از گناهان روایت کرده مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من امرئ مسلم تحضره صلاة مكتوبة

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مرد مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها إلا كانت كفارة لما قبلها

پس نیک میکند وضوی نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچه را که پیشتر

من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله رواه مسلم

از این کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره را و این کفاره بودن همیشه است روایت کرده مسلم

وعن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه ثم يقوم فيصلي ركعتين

نیست هیچ مسلمانی که وضو کند پس نیک سازد وضوی خود را پس بایستد پس بگذارد دو رکعت

مقبل عليهما بقلبه ووجهه إلا وجبت له الجنة رواه مسلم

در حالیکه روی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و بروی خود مگر آنکه واجب گردد مر وی را بهشت روایت کرده مسلم

[illegible]

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أمتي
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من
يدعون يوم القيامة غرا محجلين من آثار الوضوء فمن استطاع منكم
خوانده شود در حشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما
أن يطيل غرته فليفعل متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله
که دراز کند غره خود را باید که بکند متفق علیه واز وی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم تبلغ الحلية من المؤمن حيث يبلغ الوضوء رواه مسلم
علیه وسلم میرسد سیما و نشان وضو در دست و پای متوضی تا آنجا که میرسد آب وضو رواه مسلم
وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد
على طهر كتب له عشر حسنات رواه الترمذي وعن جابر رض
بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکی رواه ترمذی و روایت است از جابر رض
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مفتاح الجنة الصلوة ومفتاح
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت و مقدمه در آمدن آن نماز است و کلید
الصلوة الطهور رواه أحمد وعن عبد الله الصنابحي رض قال
نماز و مقدمه او طهارت است رواه احمد و روایت است از عبد الله صنابحی رض گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا توضأ العبد المؤمن فمضمض
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن میکند
خرجت الخطايا من فيه وإذا استنثر خرجت الخطايا من
بیرون می آیند گناهان از دهن وی و چون آب در بینی افشاند بیرون می آیند گناهان از
أنفه وإذا غسل وجهه خرجت الخطايا من وجهه حتى تخرج من تحت
بینی وی و چون می شوید روی خود را بیرون می آیند گناهان از روی وی تا آنکه بیرون می آیند از زیر

اَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَاِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتّٰى تَخْرُجَ

مژه های دو چشم او پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو دست تا آنکه بیرون آیند

مِنْ اَظْفَارِ يَدَيْهِ فَاِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتّٰى

از ناخن های هر دو دست وی پس چون مسح میکند بسر خود بیرون می آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ اُذُنَيْهِ فَاِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتّٰى

بیرون می آیند از هر دو گوش وی پس چون می شوید هر دو پای خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ اَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ اِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ

بیرون می آیند از زیر ناخنهای هر دو پای او پس رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ رَافِعٍ قَالَ اُهْدِيَتْ

زیادتی بر پاک شدن از گناهان مر او را روایت کرد مالک و نسائی و مروی است از ابی رافع رضی گفت هدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

مر او را گوسفندی پس گردانید آن گوسفند را ابو رافع در دیگ پس در آمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا اَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ اُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَطَبَخْتُهَا فِي

آنحضرت چیست این در دیگ است ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آنرا

الْقِدْرِ فَقَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا اَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي

در دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پس فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْاٰخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْاٰخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْاٰخَرَ

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پس فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مر او را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَمَا اِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِيْ ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش می ماندی هر آینه میدادی مرا ذراعی بعد ذراعی مادام که خاموش می بودی

ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَتَمَضْمَضَ فَاهُ وَغَسَلَ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى

پس طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان را و شست کرانهای انگشتان خود را پس برخاست پس گزارد نماز

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فَوَجَدَ عِنْدَهُمْ لَحْمًا بَارِدًا فَأَكَلَ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ

پس باز گشت بسوی اهل و عیال پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس خورد آنحضرت پس درآمد مسجد را

فَصَلَّى وَلَمْ يَمَسَّ مَاءً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ

پس گزارد نماز را و مس نکرد آب را روایت کرد احمد و روایت است از انس گفت بود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ بِرَطْلَيْنِ وَيَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ جمع الجوامع

صلی الله علیه و سلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع روایت در جمع الجوامع

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی درداء گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ

من اول کسی ام که دستوری داده شود مرا و سجود روز قیامت و من نخستین کسی ام که اذن کرده شود

لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَأَنْظُرُ إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ

مرا او را که بردارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی چیزی که پیش روی من است پس بشناسم امت خود را از میان

الْأُمَمِ وَمِنْ خَلْفِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ يَمِينِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ شِمَالِي

امتهای دیگر و همچنین از جانب پس پشت خود مانند آن و از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مِثْلَ ذٰلِكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللهِ كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ

مانند آن پس گفت مردی ای پیغمبر خدا چگونه میشناسی امت خود را از میان

الْأُمَمِ فِيمَا بَيْنَ نُوحٍ إِلَى أُمَّتِكَ قَالَ هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُونَ مِنْ أَثَرِ

امتها در میان نوح تا امت تو گفت ایشان سپید روی و سپید دست و پا باشند از اثر

الْوُضُوءِ لَيْسَ أَحَدٌ كَذٰلِكَ غَيْرَهُمْ وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتَوْنَ كُتُبَهُمْ بأيمانهم

وضو نیست هیچکس مانند ایشان غیر ایشان و میشناسم ایشان را که داده شود ایشان را نامها

بِأَيْمَانِهِمْ وَأَعْرِفُهُمْ تَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ

بدست راست ایشان و شناسم ایشان را بانکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان خرد ایشان روایت احمد

بَابُ آدَابِ الْخَلَاءِ

این باب آداب بیت الخلا است

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

مرویست از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون

أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا وَلٰكِنْ شَرِّقُوا

بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبله و نه پشت دهید بجانب آن ولیکن رو بجانب مشرق کنید

أَوْ غَرِّبُوا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ نَهَانَا يَعْنِي رَسُولَ اللّٰهِ

یا جانب مغرب متفق علیه و مرویست از سلمان رض گفت نهی کرد ما را یعنی پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِغَائِطٍ أَوْ بَوْلٍ أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ

صلی الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برای پاخانه و شاشه و از استنجا کردن ما

بِالْيَمِينِ أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِأَقَلَّ مِنْ ثَلٰثَةِ أَحْجَارٍ أَوْ أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِرَجِيعٍ

بدست راست و از استنجا کردن بکمتر از سه سنگ و نهی کرد از استنجا کردن بسرگین

أَوْ بِعَظْمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

یا باستخوان روایت مسلم و مرویست از انس رض گفت انس که بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ يَقُولُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ

الله علیه وسلم چون در می آمد پاخانه را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

الخبث والخبائث و مرویست از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ

علیه وسلم بدو گور پس گفت بدرستیکه صاحبان این دو گور هر آئینه عذاب داده میشوند و عذاب کرده نمیشوند

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

امایکی ازان دو حالش این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس گرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

پس بازکرد آن شاخ را بدو پاره پس فرو نشاند در هر قبر یکی از آن دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب از ان دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم و مرویست از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون میخواست که در آید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داؤد و نسائی و ترمذی و گفت ابو داؤد این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتَى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستی که این انجاسها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید یکی

أحدكم الخلاء فليقل أعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابو داود

یکی از شما بخلا پس بگوید اعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابو داود

وابن ماجه وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابن ماجه و مرویست از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ستر ما بين أعين الجن وعورات بني آدم إذا دخل أحدكم الخلاء أن

پرده میان چشمهای جن و اندام شرم آدمیان چون در آید یکی از شما محل قضای حاجت را اینست

يقول بسم الله رواه الترمذي وعن ابن مسعود قال لما قدم

که بگوید بسم الله رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وفد الجن على النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله انه أمتك

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای پیغامبر خدا منع کن امت خود را

أن يستنجوا بعظم أو روثة أو حممة فإن الله جعل لنا فيها رزقا

از استنجا کردن ایشان باستخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدا تعالی گردانیده برای ما درین سه چیز روزی

فنهانا رسول الله صلى الله عليه وسلم عن ذلك رواه ابو داود

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آن رواه ابو داود

باب السواك

این باب در بیان مسواک کردن است

عن عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عشر

روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ده خصلت

من الفطرة قص الشارب وإعفاء اللحية والسواك والاستنشاق

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الماء وقص الأظفار وغسل البراجم ونتف الإبط وحلق العانة

کردن و گرفتن ناخنها و شستن بندهای انگشتان و برکندن موی بغل و ستردن موی زهار

وانتقاص الماء يعني الاستنجاء قال الراوي ونسيت العاشرة الا ان

و کم کردن آب است یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد و گفت راوی حدیث و فراموش کردم خصلت دهم را مگر اینکه

تكون المضمضة رواه مسلم وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

باشد مضمضه روایت کرد مسلم و مرویست از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم السواك مطهرة للفم مرضاة للرب رواه

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را و راضی کننده پروردگار را روایت کرد

الشافعي واحمد والدارمي والنسائي وروى البخاري في صحيحه بلا اسناد

الشافعی و احمد و الدارمی و النسائی و روایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر اسناد

وعن ابي ايوب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اربع

و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

من سنن المرسلين الحياء ويروى الختان والتعطر والسواك

از سنتهای پیغمبران [illegible] و روایت کرده می شود ختان بجای حیا دوم استعمال خوشبوی سوم مسواک

والنكاح رواه الترمذي وعن ابي امامة ان رسول الله

و چهارم نکاح کردن است روایت کرد ترمذی و روایت است از ابی امامه رض بدرستیکه پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال ما جاءني جبرئيل قط الا امرني بالسواك

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد بمن جبرئیل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا بمسواک کردن

لقد خشيت ان احفي مقدم فيّ رواه احمد وعن انس قال قال

هر آینه ترسیدم [illegible] پیش دهان خود را روایت کرد احمد و مرویست از انس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لقد اكثرت عليكم في السواك رواه البخاري

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه تحقیق بسیار کردم پیش شما سخن از جهت مسواک روایت کرد البخاری

وعن عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تفضل الصلاة

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زیاده می شود ثواب نماز اینکه

الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِيْنَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شده برتری بر نماز دیگر مسواک کرده نمیشود برابر وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی ابن حبان رح گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ اَرَاَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

بسن مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بے وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ اَبِي عَامِرِ الْغَسِيْلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسماء بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بے وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرٰى اَنَّ بِهٖ قُوَّةً عَلٰى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهت بیوضوئی گفت عبید الله پس عبد الله که اعتقاد میکرد که مر وی قوتست بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ

كِتَابُ الصَّلٰوةِ

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایه احمد این کتاب صلوة است و بر پا دارید نماز را

وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبایی

وَالصَّلٰوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُوا

و نماز و هر آینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد

رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ

و بایستید برای خدا فرمانبردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن

الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ

آفتاب و پیش از فرو شدن او و در بعضی از اوقات شب پس بپاکی یاد کن حق را عقب نماز ها

بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرْغِيبِ فِيهَا

باب آنچه آمده در ترغیب آن وارد شده اند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ

هر آینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان راست

أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أَقِمِ الصَّلٰوةَ

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند برپا دار نماز را

لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آینه وقت قرآن خواندن فجر را

مَشْهُودًا وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ

حاضر شونده فرشتگان و روایت است از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ قَالَ الصَّلٰوةُ لِوَقْتِهَا

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قُلْتُ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ

گفتم پس کدام گفت نیکی کردن با مادر و پدر گفتم پس کدام گفت جهاد کردن در راه خدا

قَالَ حَدَّثَنِي بِهِنَّ وَلَوِ اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال و اگر طلب زیاده میکردم از آنحضرت هرآینه زیاده میکرد متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ زَمَنَ الشِّتَاءِ وَالْوَرَقُ يَتَهَافَتُ

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگهاے درختان می افتاد پس پی

فَأَخَذَ بِغُصْنَيْنِ مِنْ شَجَرَةٍ قَالَ فَجَعَلَ ذَلِكَ الْوَرَقُ يَتَهَافَتُ قَالَ

پس گرفت آن حضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتادن گرفت برگهای آن درخت بیشتر از آنکه بطور خود می افتاد گفت ابوذر

فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه بنده مسلمان

لَيُصَلِّي الصَّلَاةَ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللهِ تَعَالَى فَتَهَافَتُ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا

هرآینه میگذارد نماز را درحالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدا تعالی پس می افتند از بنده گناهان او چنانکه

تَهَافَتَ هَذَا الْوَرَقُ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ

می افتد این برگها از این درخت روایت کرد احمد و مرویست از زید ابن

خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى

خالد جهنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد

سَجْدَتَيْنِ لَا يَسْهُو فِيهِمَا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ رَوَاهُ

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند دران بیامرزد خدا مر او را هرچه گذشته است از گناه وی روایت کرد

أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ

نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و روزه رمضان تا رمضان دیگر

مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

کفارت کنندگان اند گناهان را که واقع شده در میان اینها وقتیکه پرهیز کرده شود از گناهان کبیره روایت کرد مسلم و هم از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيتم لو أن نهرا بباب أحدكم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم خبر دهید مرا اگر ثابت شود که جوی روان نشسته بر در خانه یکی از شما

يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من

که غسل بکند وی در آن جوی هر روز پنج وقت آیا باقی بماند از چرک وی هیچ گفتند باقی نماند

درنه شيء قال فذلك مثل الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا

از چرک وی چیزی فرمود پس این حال نماز پنجگانه است که محو میکند خدا بدانها گناهان

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از عباده ابن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم خمس صلوات افترضهن الله تعالى من أحسن

صلی الله علیه وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنها را خدای تعالی کسیکه نیک کند

وضوءهن وصلاهن لوقتهن وأتم ركوعهن وخشوعهن كان

وضوء آن نمازها و بگذارد آنها را در وقت شان و بتمام بجا آرد رکوع شان و خشوع و خضوع شان بیباشد

له على الله عهد أن يغفر له ومن لم يفعل فليس له على الله

مراو را بر خدای تعالی عهد که بیامرزد مراو را و کسی که نکند آنرا و نگذارد نماز بر آن صفت پس نیست مراو را بر خدا

عهد إن شاء غفر له وإن شاء عذبه رواه أحمد وأبو داود وروى

عهد لازم اگر بخواهد بیامرزد او را و اگر بخواهد عذاب کند او را رواه احمد و ابو داود و روایت کرده

مالك والنسائي نحوه وعن أبي أمامة قال قال رسول الله

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وأدوا زكوة

صلی الله علیه وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزه دارید ماه خود را که رمضان است و بدهید زکوة

أموالكم وأطيعوا ذا أمركم تدخلوا جنة ربكم رواه أحمد والترمذي

مالهای خود را و فرمانبری کنید صاحب امر خود را در آیید بهشت پروردگار خود را رواه احمد و الترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى

و مرویست از ابن مسعود رض گفت بدرستیکه مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد

النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة

پیغمبر را صلی الله علیه و سلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرو فرستاد خدا تعالی این آیه را و برپا دار نماز

طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات

در هر دو طرف روز و بگذار نماز در چند ساعتی که نزدیک بروزند بدرستیکه نیکیها میبرند بدیها را

فقال الرجل يا رسول الله الي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا آیا مر راست اینکه فرمود آنحضرت مر همه امت مراست همه ایشان را و در روایت دیگر آمده

لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة

مر هر کسی را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و مرویست از عماره بن رویبه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد

گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه و سلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه

صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم

نماز گذارد پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار ويجتمعون في

در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان شب و جماعت از فرشتگان روز و جمع میشوند این ها

صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسألهم

نماز فجر و در نماز عصر پس بالا میروند آنها که شب گذرانیدند در میان شما پس میپرسد ایشان را

ربهم وهو اعلم بهم كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم

پروردگار ایشان و حال آنکه وی داناتر است باحوال بندگان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشان را

وَهُمْ يُصَلُّونَ وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

در حالتیکه ایشان نماز میکردند و آمدیم در حالتیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه و مرویست از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثواب که در اذان

وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوا وَلَوْ

و در یافتن صف اول بیشتر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بر آن هر آینه قرعه اندازند

يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ لَاسْتَبَقُوا إِلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ

بدانند فضیلتی که در رفتن بوقت هر آینه پیشی جویند بسوی آن و اگر بدانند فضیلتی که در ...

لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

هر آینه بیایند بگذارند و اگرچه بر سرین رفتن باشد متفق علیه و مرویست از وی رضی گفت فرمود پیغامبر صلی

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ صَلٰوةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ

علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر

يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ

بدانند ثوابی که درین دو نماز هست هر آینه می آمدند این دو نماز را اگرچه بطریق حبو باشد و مرویست از عثمان

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز عشا را بجماعت

فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ

پس چنانکه نماز گذارد نیم شب و کسیکه گذارد نماز صبح بجماعت پس گویا نماز گذارد

كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

تمام شب رواه مسلم و مرویست از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ غَدَا إِلَى صَلٰوةِ الصُّبْحِ غَدَا بِرَايَةِ الْإِيمَانِ وَمَنْ غَدَا

وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوی نماز بامداد میرود برایت ایمان و کسیکه بامداد برود

إلى السوق فبرايته إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر قال

به بازار بود برایت ابلیس رواه ابن ماجه ومرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلوتكم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهای خود چیزی از نماز را و مسازید

ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة قال قال

و مگردانید خانهای خود را مانند گورها متفق علیه ومرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت

رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه

ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم ومرویست از وی گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان

صلی الله علیه وسلم چون بخواند آدمی زاد آیت سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو گریستن

يبكي يقول يا ويلتى أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت

در حالیکه میگوید وای اندوه امر کرده شد آدمی زاد بسجده پس سجده کرد پس مر او راست بهشت و امر کرده شدم من

بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب

بسجده پس سر باز زدم از سجده پس مرا است آتش رواه مسلم ومرویست از ربیعه بن کعب رضی الله عنه

قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه

گفت بودم که شب میگذراندم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آوردم برای آنحضرت آب وضو را

وبحاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير

و میآوردم حاجتهای دیگر او را پس فرمود مرا بخواه گفتم میخواهم از تو همراه تو بودن در بهشت فرمود چیزی دیگر خواه

ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم

گفتم مقصود من همانست فرمود پس یاری ده مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده رواه مسلم

وعن معدان بن طلحة قال لقيت ثوبان مولى رسول الله صلى الله

و مردیست از معدان بن طلحه گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کردهٔ آنحضرت صلی الله

عليه وسلم فقلت اخبرني بعمل اعمله يدخلني الله به الجنة فسكت

علیه وسلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کاری که کنم آن کار را تا در آرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار بهشت را پس خاموش شد

ثم سألته فسكت ثم سألته الثالثة فقال سألت عن ذلك رسول الله

باز پرسیدم او را پس خاموش شد باز پیشتر پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم فقال عليك بكثرة السجود فانك لا تسجد لله

صلی الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی مر خدا را

سجدة الا رفعك الله بها درجة وحط عنك بها خطيئة قال

سجده مگر آنکه برمیدارد ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایهٔ بزرگ و کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه را گفت

معدان ثم لقيت ابا الدرداء فسألته فقال لي مثل ما قال لي ثوبان

معدان پس ملاقات کردم ابو درداء را پس پرسیدم او را نیز پس گفت مرا مانند آنچه گفته بود مرا ثوبان

رواه مسلم وعن ابن عمر قال كانت الصلوة خمسين والغسل

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت بود پنجاه نماز پنجاه گانه و غسل

من الجنابة سبع مرات وغسل البول من الثوب سبع مرات فلم يزل

از جنابت هفت مرتبه و شستن شاشه از جامه هفت بار پس همیشه بود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يسأل حتى جعلت الصلوة خمسا وغسل

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل

الجنابة مرة وغسل الثوب من البول مرة رواه ابو داود

از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یک مرتبه رواه ابو داود

باب ما جاء في اثم تارك الصلوة

باب احادیثی که وارد شده است در گناه ترک کننده نماز

وعن ابي هريرة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان

و مرویست از ابی هریره رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه

اول ما يحاسب به العبد يوم القيامة من عمله صلوته فان صلحت

نخستین چیزیکه محاسبه کرده شود بسبب آن چیز بنده روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آمد نماز

فقد افلح وانجح وان فسدت فقد خاب وخسر فان انتقص من فريضته شيء

پس تحقیق فلاح و نجات یافت آن مرد و اگر فاسد شد آن نماز پس تحقیق نا امید شد و زیان کرد پس اگر ناقص شود از فریضهای آن بنده چیزی

قال الرب تبارك وتعالى انظروا هل لعبدي من تطوع فيكمل بها ما انتقص

بگوید پروردگار تبارک و تعالی ببینید آیا هست مر بنده مرا چیزی از نفل تا کامل کرده شود بآن نفل آنچه ناقص

من الفريضة ثم يكون سائر عمله على ذلك وفي رواية ثم الزكوة

از فرض او پس می باشد باقی عمل او بر این طور و در روایت دیگر همچنین است پس زکوة

مثل ذلك ثم تؤخذ الاعمال على حسب ذلك رواه ابو داود ورواه

مانند آن پس مواخذه کرده شود اعمال بر این طریق رواه ابو داود و روایت کرد

احمد عن رجل وعن طلق بن علي الحنفي قال قال رسول الله صلى

احمد از مردی و روایت است از طلق بن علی حنفی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم لا ينظر الله عز وجل الى صلوة عبد لا يقيم فيها صلبه

الله علیه وسلم قبول نمی کند خدا تعالی نماز بنده را که راست نمی کند استخوان پشت خود را

بين خشوعها وسجودها رواه احمد وعن ابن عمر قال قال رسول الله

در رکوع و سجود نماز رواه احمد و مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم الذي تفوته صلوة العصر فكانما وتر اهله

صلی الله علیه وسلم آن کسی که فوت کند او را نماز عصر گویا نقصان کرده شد اهل خانه او

وماله متفق عليه وعن بريدة قال قال رسول الله صلى الله

و مال او متفق علیه و از بریده روایت است که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم کسیکه ترک کند نماز عصر دیده و دانسته پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواه بخاری

وَعَنْ اَبِي ذَرٍّ قَالَ اَوْصَانِي خَلِيْلِي اَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللهِ شَيْئًا

و روایتست از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من که شریک مگردان بخدا چیزے را

وَاِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَكْتُوْبَةً مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچه پاره پاره کرده شوی و سوخته شوی و ترک مکن نماز فرض را دیده و دانسته پس هرکه ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَاِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیده و دانسته پس بیزار شد از وی عهد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکه آن کلید همه

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ اَصْحَابُ

بدی است رواه ابن ماجه و روایتست از عبد الله بن شقیق رض گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِّنَ الْاَعْمَالِ تَرْكُهُ كُفْرًا

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اعتقاد نمیکردند هیچ عمل را که ترک وے کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض

جز نماز رواه ترمذی و روایتست از عبد الله بن عمرو بن عاص رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که آنحضرت ذکر کرده نماز را روزے پس فرمود کسیکه نگاهبانی کند

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُوْرًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَّمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

بر نماز باشد مر او را نماز سبب نورانیت و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکه محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَهُ نُوْرًا وَّلَا بُرْهَانًا وَّلَا نَجَاةً وَّكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

نباشد مر او را نور و نه حجت و نه سبب رستگاری و باشد آنکس روز قیامت با کافران که قارون و

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَاُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و هامان است و ابی ابن خلف که اشقی این امت است روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیهقی

فِي شُعَبِ الإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

در شعب الایمان و روایت است از عمرو بن شعیب و او از پدر خود و او از جد او

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گزاردن

وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ

حال آنکه ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بگزاردن نماز چون ده ساله شوند و

فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ

جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابو داود و همچنین روایت کرده است در شرح السنة از عمرو بن شعیب

وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد و روایت است از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ

صلی الله علیه وسلم عهد و ا[illegible] که درمیان ما و میان منافقان است نماز است پس هر که گذارد نماز را

فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

پس تحقیق ظاهر شد کفر او روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

حدیکه واقع شده است میان بنده و میان کفر همین ترک نماز است روایت کرد این حدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

بابیکه در فضیلت تعجیل نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ

[illegible] محافظت کنید بر نمازها و بر نماز میانه که نماز عصر است و بایستید برای خدا فرمان بردار شده

وعن ابن عمر رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الاول

وروایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت

من الصلوٰة رضوان الله والوقت الاخر عفو الله رواه الترمذي وعن

از نماز سبب رضای خدا تعالی و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی وروایت است

علي رضـ ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوٰة اذا

از علی رضـ بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن در آن یکی نماز

اذا اتت والجنازة اذا حضرت والايم اذا وجدت لها كفوا رواه

چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مراو را کفو رواه

الترمذي وعن رافع بن خديج قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله

ترمذی وروایت است از رافع بن خدیج رضـ گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فينصرف احدنا وانه ليبصر مواقع نبله متفق

صلی الله علیه وسلم پس بازگشت یکی از ما و حال آنکه وی هر آینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق

عليه وعن ابي ايوب رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه وروایت است از ابی ایوب رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزال امتي بخير او قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب الى ان

همیشه باشد امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه باشند بر فطرت اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز شام را تا آنکه

تشتبك النجوم رواه ابو داود وعن النعمان بن بشير رضـ قال

مختلط شوند ستارها رواه ابو داود وروایت است از نعمان بن بشیر رضـ گفت

انا اعلم بوقت هذه الصلوٰة صلوٰة العشاء الاخرة كان رسول الله

من داناترم بوقت این نماز نماز عشا که پسین باشد بود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه ابو داود والدارمي

صلی الله علیه وسلم میگذارد وقت افتادن ماه در شب سوم رواه ابو داود ودارمی

وعن رافع بن خديج قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از رافع بن خدیج رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أسفروا بالفجر فإنه أعظم للأجر رواه الترمذي وأبو داود والدارمي

اسفار کنید در فجر و در روشنی بگذارید نماز را پس بدرستیکه اسفار بزرگتر است از جهت مزد و ثواب رواه ترمذی و ابوداود و دارمی

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا اشتد

و روایت از ابی هریره رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه سخت شود

الحر فأبردوا بالصلاة وفي رواية للبخاري عن أبي سعيد بالظهر

گرمی پس سرد کنید نماز و در روایت بخاری است از ابی سعید لفظ بالظهر وارد شده

فإن شدة الحر من فيح جهنم واشتكت النار إلى ربها فقالت

زیرا که سختی گرمی از جوشیدن دوزخ است و گله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت

يا رب أكل بعضي بعضا فأذن لها بنفسين نفس في الشتاء

پروردگار من خورد اجزاء من یکدیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس یک نفس در زمستان

ونفس في الصيف أشد ما تجدون من الحر وأشد ما تجدون

و دیگر در تابستان سخت تر آنچه می یابید شما از گرمی و سخت تر آنچه می یابید شما

من الزمهرير متفق عليه وفي رواية للبخاري فأشد ما تجدون

از سرد سیر از آن دو نفس است متفق علیه و در روایت دیگر مر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید

من الحر فمن سمومها وأشد ما تجدون من البرد فمن زمهريرها

از گرمی پس از دم گرم آتش است و سخت تر آنچه که می یابید شما از سردی پس از دم سرد اوست

باب فضل الأذان وإجابة المؤذن

عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی سعید خدری رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يسمع مدى صوت المؤذن جن ولا انس ولا شيء الا شهد له

وسلم نمی شنود نهایت آواز مؤذن را هیچ جنی و نه انسی و نه هیچ چیزی مگر آنکه گواهی میدهد برای

يوم القيمة رواه البخاري وعن معاوية قال سمعت رسول الله صلى

روز قیامت روایت کرد بخاری و مرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی

الله عليه وسلم يقول المؤذنون اطول الناس اعناقا يوم القيمة رواه مسلم

الله علیه وسلم میگفت مؤذنان بگردن دراز ترند از مردمان روز قیامت روایت کرد مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نودي

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده میشود

للصلوة ادبر الشيطان له ضراط حتى لا يسمع التاذين فاذا قضي

برای نماز پشت میدهد شیطان و حال آنکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود

النداء اقبل حتى اذا ثوب بالصلوة ادبر حتى اذا قضي التثويب اقبل

اذان پیش می‌آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت پیش می‌آید

حتى يخطر بين المرء ونفسه يقول اذكر كذا اذكر كذا لما لم يكن يذكر

تا آنکه وسوسه می‌اندازد در میان مرد و میان نفس او میگوید یاد کن چنین را یاد کن چنین را برای چیزی که یاد نبود

حتى يظل الرجل لا يدري كم صلى متفق عليه وعن ابي هريرة قال

تا آنکه میگردد مرد چنانکه نمیداند که چند رکعت گزارده متفق علیه و مرویست از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الامام ضامن والمؤذن مؤتمن

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام ضامن است و مؤذن امانت دار است

اللهم ارشد الائمة واغفر للمؤذنين رواه احمد وابو داود والترمذي

خدایا راه راست نما امامان را و بیامرز مؤذنان را روایت کرد احمد و ابوداود و ترمذی

والشافعي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله

و شافعی و مرویست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

من اذن سبع سنين محتسبا كتب له براءة من النار رواه الترمذي

کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ روایت کرده ترمذی

وابن ماجة وعن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله

و ابن ماجه روایت است از عقبه بن عامر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم يعجب ربك من راعي غنم في راس شظية للجبل يؤذن

علیه وسلم تعجب دارد پروردگار تو از چراننده گوسفند در سر بلندی کوه که اذان میگوید

بالصلوة ويصلي فيقول الله عز وجل انظروا الى عبدي هذا يؤذن

برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بلند شنگان نظر کنید بسوی بنده من که اذان میگوید

ويقيم الصلوة يخاف مني قد غفرت لعبدي وادخلته الجنة رواه

و بر پای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بنده خود را و درآوردم او را در بهشت روایت کرده

ابو داود والنسائي وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی و روایت است از ابن عمر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم ثلثة على كثبان المسك يوم القيمة عبد ادى حق الله

علیه وسلم سه کس بر تودهای مشک در روز قیامت یکی بنده که گذارد حق خدا را

وحق مولاه ورجل ام قوما وهم به راضون ورجل ينادي بالصلوات

و حق خداوند خود را و دیگر مردی که امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی اند و دیگر مردی که اذان میگوید

الخمس كل يوم وليلة رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب وعن

نماز را هر روز و شب پنج بار ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از

ابي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤذن يغفر له مد

ابی هریره رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایة

صوته ويشهد له كل رطب ويابس وشاهد الصلوة يكتب له خمس

آواز او و گواهی میدهد برای او هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

وَعِشْرُونَ صَلوٰةً وَيُكَفَّرُ عَنْهُ مَا بَيْنَهُمَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُودَاوُدَ وَعَنْ

نماز و بخشیده میشود از وی گناهان کرواقع میشوند میان آن هر دو نماز روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از

عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رض قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْعَلْنِي

عثمان بن ابی العاص رض گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بگردان مرا

إِمَامَ قَوْمِي قَالَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ وَاقْتَدِ بِأَضْعَفِهِمْ وَاتَّخِذْ مُؤَذِّنًا لَا يَأْخُذُ

امام قوم من فرمود تو امام قومی و اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر مؤذنی را که نگیرد و

عَلَى أَذَانِهِ أَجْرًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُودَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

بر اذان خود اجرت روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از ابن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَذَّنَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ

الله علیه و سلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت

كُتِبَ لَهُ بِتَأْذِينِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِتُّونَ حَسَنَةً وَبِكُلِّ إِقَامَةٍ ثَلٰثُونَ

و نوشته میشود مر او را بجزا اذان گفتن وی هر روز هر بار شصت نیکی و هر بار اقامت را سی

حَسَنَةً رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

نیکی روایت کرد ابن ماجه و روایت است از سهل ابن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ وَعِنْدَ

صلی الله علیه و سلم دو چیز است که رد کرده نمیشود دعا نزد بانگ نماز و نزد یک

الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَفِي رِوَايَةٍ وَتَحْتَ الْمَطَرِ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

جنگ کافران و قتیکه بکشند بعضی ایشان بعض را و در روایتی آمده که دعا زیر باران مقبول است روایت کرد ابوداود

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رض قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه و سلم

أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ اللّٰهُمَّ هٰذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ

اینکه بگویم نزد بانگ نماز شام الهی این روی آوردن شب تست و وقت پشت دادن روز تست

وأصوات دعاتك فاغفر لي رواه أبو داود والبيهقي في الدعوات الكبير

و این آوازهاء خوانندگان تست اینها بدست پس بیامرز مرا روایت کرد ابوداود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علي فإنه من صلى علي

چون بشنوید موذن را کلمات اذان میگوید پس بگوئید مانند آنچه وی میگوید پس درود فرستید بر من بدرستیکه هر که درود فرستد بر من

صلاة صلى الله عليه بها عشرا ثم سلوا الله لي الوسيلة فإنها منزلة

یکبار درود فرستد خدا تعالی بر وی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

في الجنة لا ينبغي إلا لعبد من عباد الله تعالى وأرجو أن أكون أنا

در بهشت لائق نیست آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدا تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فمن سأل لي الوسيلة حلت عليه الشفاعة رواه مسلم وعن

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آید بر وی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع النداء

جابر رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة آت محمدا

خداوندا ای پروردگار این دعاء تامه و نماز قائمه بده محمد را

الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته حلت له

وسیلت و فضیلت و برانگیز او را در مقام محمود آن مقام که وعده کرده او را فرود آید مر او را

شفاعتي يوم القيامة رواه البخاري وعن سعد بن أبي وقاص

شفاعت من روز قیامت رواه البخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رضه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع المؤذن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبودی بحق مگر خدا که او واحد است لا شریک است و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول او است

رضيت بالله ربا وبمحمد رسولا وبالإسلام دينا غفر له ذنبه رواه

راضی شدم بخدا از روی پروردگاری و بمحمد از روی پیغمبری و باسلام از روی دین آمرزیده شود مر او را گناهان او رواه

مسلم وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خصلتان

مسلم و روایت است از ابن عمر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

معلقتان في أعناق المؤذنين للمسلمين صيامهم وصلاتهم رواه ابن ماجه

آویخته شده اند در گردنهای بانگ گویندگان مر مسلمانان را روزه ایشان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

باب فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه

بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود بفرستید

وسلموا تسليما وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه

وسلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وسلم من صلى علي صلاة واحدة صلى الله عليه عشر صلوات وحطت

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدای تعالی بر وی ده بار درود و افگنده شود

عنه عشر خطيئات ورفعت له عشر درجات رواه النسائي

از وی ده گناه و بلند کرده شود مر او را ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وعن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أولى

و روایت است از ابن مسعود گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر

الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلاة رواه الترمذي

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشان است بر من درود گفتن رواه ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان لله ملٰئكة

واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدای را فرشتگانند

سياحين في الارض يبلغوني من امتي السلام رواه النسائي والدارمي

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من احد

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی

يسلم علي الا رد الله علي روحي حتى ارد عليه السلام رواه ابو داود

که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خدای تعالی بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بر وی سلام او را رواه ابی داود

والبيهقي في الدعوات الكبير وعنه قال سمعت رسول الله صلى

و بیهقی روایت کرد در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی

عليه وسلم يقول لا تجعلوا بيوتكم قبورا ولا تجعلوا قبري عيدا

علیه وسلم را که میگفت مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عید

وصلوا علي فان صلوتكم تبلغني حيث كنتم رواه النسائي وعنه

و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا هر جا که باشید رواه نسائی و روایت است از وی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رغم انف رجل ذكرت عنده

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر کرده شوم نزد او

فلم يصل علي ورغم انف رجل دخل عليه رمضان ثم انسلخ قبل

پس درود نفرستد بر من و خاک آلوده باد بینی مردی که درآید بر وی ماه رمضان باز بگذرد پیش از آنکه

ان يغفر له ورغم انف رجل ادرك عنده ابواه الكبر او

آمرزیده شود آنکس و خوار باد مرد یکه دریابد نزد وی مادر و پدر وی پیری بزرگی سالی را یا

احدهما فلم يدخلاه الجنة رواه الترمذي وعن ابي طلحة ان

یکی از مادر و پدر پس نبرند پدر و مادر او را در بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحه

رسول الله صلى الله عليه وسلم جاء ذات يوم والبشر في وجهه فقال

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب خود روزی در حالتیکه خوشی بود در روی مبارک او پس فرمود

إنه جاءني جبرئيل فقال إن ربك يقول أما يرضيك يا محمد أن لا يصلي

که آمد بمن جبرئیل پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمیسازد ترا ای محمد آنکه نه فرستد درود

عليك أحد من أمتك إلا صليت عليه عشرا ولا يسلم عليك أحد من

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود فرستم بر وی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی از

أمتك إلا سلمت عليه عشرا رواه النسائي وعن أبي بن كعب رض

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بر وی ده بار روایت کرد نسائی و روایت است از ابی بن کعب رض

قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إني أكثر الصلوة عليك فكم

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود را بر تو پس چه مقدار

أجعل لك من صلوتي فقال ما شئت قلت الربع قال ما شئت فإن

زمان معین گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود هر قدر که میخواهی گفتم چهار یک زمان فرمود هر قدر که میخواهی لیکن

زدت فهو خير لك قلت النصف قال ما شئت فإن زدت فهو خير

اگر زیاده کنی از ربع پس آن بهتر است مر ترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لك قلت فالثلثين قال ما شئت فإن زدت فهو خير لك قلت

مر ترا گفتم پس دو ثلث کنم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مر ترا گفتم

أجعل لك صلوتي كلها قال إذا يكفى همك ويكفر لك ذنبك رواه

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده میشود همه مقصودهای تو و بخشیده کرده میشود همه گناهان تو

الترمذي وعن علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد ترمذی و روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

البخيل الذي من ذكرت عنده فلم يصل علي رواه الترمذي

بخیل است کسیکه ذکر کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من روایت کرد ترمذی

ورواه أحمد عن حسين بن علي رض وعن أبي هريرة رض قال قال

ورواه احمد از حسين بن علي رضا و روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى علي عند قبري سمعته ومن صلى

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه درود فرستد بر من نزد قبر من مى‌شنوم درود او را وكسيكه

علي نائيا أبلغته رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبد الله

بر من از دور رسانيده شود درود او مرا رواه بيهقي در شعب الايمان و روايت است از عبد الله

بن عمرو رض قال من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم واحدة صلى

بن عمرو رضا گفت كسيكه درود بفرستد بر آنحضرت صلى الله عليه وسلم يكبار درود فرستد

الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه أحمد وعن رويفع أن

خدا تعالى بر وى و فرشتگان وى هفتاد بار درود رواه احمد و روايت است از رويفع بن ثابت

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى على محمد وقال اللهم أنزله

پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه درود فرستد بر محمد صلى الله عليه وسلم و بگويد خداوندا فرود آر محمد را

المقعد المقرب عندك يوم القيمة وجبت له شفاعتي رواه أحمد

در نشستگاه كه نزديك گردانيده شده نزد تو در روز رستخيز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد

وعن عمر بن الخطاب رض قال إن الدعاء موقوف بين السماء

و روايت است از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستيكه دعا ايستاده گردانيده شود ميان آسمان

والأرض لا يصعد منها شيء حتى تصلي على نبيك رواه الترمذي

و زمين نميرود دعا بالا برده نميشود از دعوت چيزى تا آنكه درود بفرستى بر نبى خود رواه ترمذى

وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي صلت عليه الملائكة ما دام

و فرمود صلى الله عليه وسلم كسيكه درود فرستد بر من درود ميفرستند بر او فرشتگان تا وقتيكه

يصلي علي فليقل عند ذلك أو ليكثر أخرجه ابن حبان بسند صحيح

درود ميفرستد بر من پس بايد كه كم كند نزد مر چنين يا زياده كند آن بنده روايت كرد ابن حبان بسند صحيح

وَالطَّبَرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ وَالْإِمَامُ أَحْمَدُ وَسَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ

وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وَأَبُو نُعَيْمٍ كُلُّهُمْ عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ كَذَا فِي مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ شَرْحِ

وابونعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین است در مطالع مسرات که شرح

دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمُ

دلائل خیرات است وفرمود صلی الله علیه وسلم از افضل روزها شما روز

الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ قُبِضَ وَفِيهِ النَّفْخَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ

جمعه است در وی آفریده شد آدم ودر وی وفات یافت ودر وی نفخ صور است ودر وی صعقه است

فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ قَالُوا

پس زیاده کنید بر من از درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرِمْتَ أَيْ بَلِيتَ

یا رسول الله صلی الله علیه وسلم وچه طور عرض کرده شود درود ما بر تو ودر حالی آنکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صِرْتَ رَمِيمًا قَالَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ

خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدا تعالی حرام کرده است بر زمین اینکه بخورد اجساد

الْأَنْبِيَاءِ أَخْرَجَهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بِأَسَانِيدَ صَحِيحَةٍ وَابْنُ

پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائی وابن ماجه بسندهای صحیح وابن

حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ وَقَالَ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ مِنْ حَدِيثِ أَوْسِ

حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح است بر شرط بخاری از حدیث اوس

بْنِ أَوْسٍ الثَّقَفِيِّ مطالع وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ

ابن اوس ثقفی رضی الله عنه این حدیث در مطالع است وفرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود نوشت بر من

فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَٰلِكَ الْكِتَابِ

در کتاب همیشه اند که فرشتگان درود میفرستند بروی تا وقتیکه نام من در آن کتاب باقی باشد

ثنا الاحمرانى فى رواه الطبرانى فى الاوسط وابو الشيخ فى الثواب والمستغفرى
احمدانى روايت كرد طبرانى در اوسط و ابو الشيخ در ثواب والمستغفرى
فى الدعوات من حديث ابى هريرة باسناد ضعيف مطالع وقال
در دعوات از حديث ابى هريره رض باسناد ضعيف اين حديث در مطالع است و گفت
ابو سليمان الدارانى من اراد ان يسئل حاجته فليبدأ بالصلوة على
ابو سليمان دارانى كسيكه خواهد كه سوال كند حاجت خود را پس بايد كه زياده بفرستد درود را بر
النبى صلى الله عليه وسلم ثم يسئل الله حاجته وليختم بالصلوة على النبى
نبى صلى الله عليه وسلم پس سوال كند از خدا حاجت خود را و بايد كه تمام كند دعا را بدرود بر نبى
صلى الله عليه وسلم فان الله يقبل الصلوتين وهو اكرم من ان يدع
صلى الله عليه وسلم پس بدرستيكه خدا قبول ميكند هر دو درود را و آنخدا بزرگترست از آنكه ترك كند آنچه را
ما بينهما كذا فى دلائل الخيرات وروى عنه صلى الله عليه وسلم
كه ميان هر دو درود است چنانست در دلائل الخيرات و روايت از آنحضرت صلى الله عليه وسلم
انه قال من صلى على يوم الجمعة مائة مرة غفرت له خطيئة
بدرستيكه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه درود فرستد بر من روز جمعه يكصد مرتبه آمرزيده شود براى او گناه
ثمانين سنة اخرجه الديلمى عن انس مطالع وفى رواية
هشتاد ساله تخريج كرد اين حديث را ديلمى از انس رض از مطالع نقل كرده شد و در روايت
عبد الرحمن بن عوف قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاءنى جبرئيل
عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم آمد نزد من جبرئيل
عليه السلام وقال يا محمد لا يصلى عليك احد الا صلى عليه سبعون
عليه السلام و گفت اى محمد صلى الله عليه وسلم درود نمى فرستد بر تو كسى يك بار مگر درود مى فرستند بر وى هفتاد
الف ملك ومن صلت عليه ملئكة كان من اهل الجنة هكذا ذكره
هزار فرشته و كسيكه درود ميفرستند بر وى فرشتگان ميشود از اهل بهشت همچنين ذكر كرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم أكثركم

باین الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشترین شما

على صلوة أكثركم أزواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیارترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه باین لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنظم مطالع وعنه صلى الله عليه

و نقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در المنظم از مطالع و از وی روایت است صلی الله علیه

وسلم أنه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم مرویست که فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند خدای بزرگ و غالب از این

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که مر ویرا باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پای او قرار یافته

في الأرض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتم تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش میگوید خدای تعالی

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر ویرا درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغمبر من صلی الله علیه وسلم

فهو يصلي عليه إلى يوم القيامة الحديث ذكره ابن سبع من دون

پس آن فرشته درود میفرستد بروی تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع بغیر

ذكر صحابي ولا مخرج وذكره ابن جبير عن أنس ولم يعزه وكذا

ذکر صحابی و بغیر ذکر صاحب تخریج و ذکر کرد این حدیث را ابن جبیر از انس و نسبت نکرد بکسی او و چنان ذکر کرد

ابن وداعة وأسنده ابن بشكوال عن أنس إلا أني لم أجد فيه قوله

ابن وداعه و باسناد رسانید این حدیث را ابن بشکوال از انس مگر این لفظ نیافت که ... نیافتم قول او

ورجلاه إلى تحت العرش مطالع وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که در حالیکه تا تحت عرش است از مطالع و روایت است از وی صلی الله علیه وسلم

انه قال ليردن على الحوض يوم القيمة اقوام ما اعرفهم الا بكثرة

هر آینه وارد شوند بر حوض من روز قیامت گروهی که نشناسم ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصلوة علي ذكره القاضي عياض في الشفاء وعنه صلى الله عليه

درود بر من ذکر کرده است قاضی عیاض در کتاب شفا و روایت است از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم انه قال من صلى علي مرة واحدة صلى الله عليه عشر مرات ومن

و سلم که فرمود هر کسیکه درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدا بر وی ده بار و کسیکه

صلى علي عشر مرات صلى الله عليه مائة ومن صلى علي مائة صلى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود فرستد خدا بر وی صد بار و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود فرستد

الله عليه الف مرة ومن صلى علي الف مرة حرم الله جسده على النار

خدا بر وی هزار بار و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدا جسد وی را بر آتش دوزخ

وثبته بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة وعند المسألة

و ثابت میدارد وی را بقول ثابت در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وادخله الجنة وجاءت صلوته علي نورا له يوم القيمة على الصراط

و داخل کند خدا آن بنده را در بهشت و آید درود او بر من نور مر ویرا روز قیامت بر پل صراط

مسيرة خمسمائة عام واعطاه الله بكل صلوة صلاها قصرا في

که راه وی تا پنج صد سال است و بدهد او را خدا بسبب هر درودی که خوانده است آنرا یک محل در

الجنة قل ذلك او كثر ذكره ابن ودعان كله من غير اسانيد

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرده ابن ودعان همه این را بغیر اسانید

وقال صلى الله عليه وسلم ما من عبد يصلي علي الا خرجت الصلوة

و فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یک بنده که درود فرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مسرعة من فيه فلا يبقى بر ولا بحر ولا شرق ولا غرب الا وتمر

شتابان از دهن آن بنده پس باقی نماند هیچ خشکی و نه دریا و نه مشرق و نه مغرب مگر آنکه گذر میکند

بِهِ وَتَقُولُ أَنَا صَلَوٰةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُخْتَارِ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ

بدان و میگوید که درود فلان بن فلان ام که درود فرستاده بود بر محمد برگزیده و بهترین مخلوق خدا است

فَلَا يَبْقَىٰ شَيْءٌ إِلَّا وَصَلَّىٰ عَلَيْهِ وَيُخْلَقُ مِنْ ذٰلِكَ الصَّلَوٰةِ طَائِرٌ لَهُ

پس باقی نماند هیچ شی مگر حال آنکه درود میفرستد بر وی و آفریده میشود از این درود یک طائر که باشد مر او را

سَبْعُونَ أَلْفَ جَنَاحٍ فِي كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُونَ أَلْفَ رِيشَةٍ فِي كُلِّ رِيشَةٍ

هفتاد هزار بازو و در هر بازو هفتاد هزار پر و در هر پر

سَبْعُونَ أَلْفَ رَأْسٍ فِي كُلِّ رَأْسٍ سَبْعُونَ أَلْفَ وَجْهٍ فِي كُلِّ وَجْهٍ

هفتاد هزار سر و در هر سر هفتاد هزار روی و در هر روی

سَبْعُونَ أَلْفَ فَمٍ فِي كُلِّ فَمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ

هفتاد هزار دهان و در هر دهان هفتاد هزار زبان باشد هر زبان تسبیح میکند خدای

تَعَالَىٰ بِسَبْعِينَ أَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ تَعَالَىٰ لَهُ ثَوَابَ ذٰلِكَ كُلِّهِ هٰكَذَا

تعالی را با هفتاد هزار لغت و بنویسد خدا تعالی مر ویرا ثواب این همه چنین نوشته است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ هٰذَا الْمَاجِدُ وَعَنْ

در دلائل الخیرات و گفت صاحب مطالع المسرات است این نوشته را یافتیم و مرویست از

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رض أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّىٰ

علی بن ابی طالب رض بدرستیکه علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که هر که درود فرستد

عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهُ نُورٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّورُ بَيْنَ

بر من روز جمعه صد بار بیاید روز رستخیز حال آنکه همراه او نوری باشد که اگر قسمت کرده شود این نور میان

الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ أَخْرَجَهُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَفِي الْحِرْزِ الثَّمِينِ

مخلوق همه ایشان هر آینه گنجایش دارد ایشان را روایت کرد آن را ابو نعیم در حلیه شریفه و در حرز ثمین

لِلْحِصْنِ الْحَصِينِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللّٰهَ فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا

شرح حصن حصین مذکور است نه نشستند قومی در مجلسی که یاد نکنند خدای تعالی را در آن مجلس و درود

على نبيهم إلا كان عليهم حسرة يوم القيامة وإن دخلوا الجنة للثواب

بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرتی در روز رستخیز اگرچه که داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان وأحمد وأبو داود والنسائي والحاكم كلهم عن أبي هريرة

روایت کرده ابن حبان و احمد و ابوداود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

أكثروا علي من الصلاة يوم الجمعة فإن صلاتكم معروضة علي رواه

بسیار کنید بر من درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من روایت کرده

أبو داود والنسائي وابن ماجه وابن حبان كلهم من حديث أوس بن

ابوداود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

أوس الثقفي ما من أحد يسلم علي إلا رد الله علي روحي حتى

اوس ثقفی نیست هیچ کسی که سلام کند بر من مگر آنکه باز گرداند خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

أرد عليه السلام رواه أبو داود عن أبي هريرة ورواه أحمد أيضا

رد کنم بر وی سلام را روایت کرده ابوداود از ابی هریره و روایت کرده احمد نیز

أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلاة رواه الترمذي وابن

نزدیکترین مردمان بمن روز قیامت بسیارترین ایشان است در درود فرستادن بر من روایت کرده ترمذی و ابن

حبان عن ابن مسعود البخيل من ذكرت عنده فلم يصل

حبان از ابن مسعود بخیل کسی است که ذکر کرده شوم من نزد وی پس درود نفرستد

علي رواه الترمذي والنسائي عن علي وابن حبان والحاكم عن حسين

بر من روایت کرده ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

أكثروا الصلاة علي فإنها زكوة لكم رواه أبو يعلى عن

ابی هریره بسیار کنید درود را بر من پس بدرستیکه درود بر من پاکی است مر شما را روایت کرده ابو یعلی از

أبي هريرة أتاني جبريل فبشرني وقال إن ربك يقول من صلى

ابی هریره آمد بمن جبرئیل علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید

عليك صليت عليه عشرا ومن سلم عليك سلمت عليه عشرا فسجدت لله

بر تو درود فرستم بر وی ده بار و کسیکه سلام کند بر تو سلام فرستم بر وی ده بار [illegible]

شكرا رواه الحاكم واحمد عن عبد الرحمن بن عوف من صلى على النبي واحدة

روایت کرد حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف [illegible] کسیکه درود فرستد بر پیغمبر [illegible]

صلى الله عليه وملائكته سبعين صلاة رواه احمد عن ابن عمرو

درود فرستد خدا بر وی و فرشتگان او هفتاد [illegible]

قال علي رضي الله تعالى عنه كل دعاء محجوب حتى يصلي على النبي صلى الله

گفت علی رضی الله عنه هر دعا [illegible] تا آنکه درود فرستد بر پیغمبر [illegible]

عليه وسلم وآل محمد رواه الطبراني في الاوسط وعن عمر ان الدعاء

علیه وسلم و بر آل محمد روایت کرد طبرانی در اوسط و عمر [illegible]

موقوف بين السماء والارض لا يصعد منه شيء حتى تصلي على نبيك

موقوف میماند میان آسمان و میان زمین [illegible] تا آنکه درود فرستی [illegible]

رواه الترمذي انتهى ذكر في بعض الاخبار انه مكتوب على ساق

روایت کرد ترمذی [illegible] در بعض اخبارات [illegible] نوشته است بر ساق

العرش من اشتاق الى رحمته ومن سالني اعطيته ومن تقرب الي

عرش کسیکه مشتاق رحمت [illegible] و کسیکه سوال کرد مرا [illegible]

بالصلوة على محمد غفرت له ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر

با درود فرستادن بر محمد آمرزیدم [illegible] اگرچه باشد مانند کف دریا [illegible]

ابن سبع وروي عن بعض الصحابة رضوان الله عليهم اجمعين

[illegible] روایت کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله علیهم [illegible]

انه قال ما من مجلس يصلى فيه على محمد صلى الله عليه وسلم الا

[illegible] درود فرستاده شود در وی بر محمد صلی الله علیه وسلم [illegible]

منه رائحة طيبة حتى تبلغ عنان السماء فتقول الملائكة هذا مجلس

از این مجلس بوی خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر آسمان پس میگویند فرشتگان این مجلسی است

صلي فيه على محمد صلى الله عليه وسلم كذا في دلائل الخيرات قال الشيخ

که درود فرستاده شده است در این مجلس بر محمد صلی الله علیه وسلم چنین است در دلائل خیرات گفت شیخ

ابو جعفر ابن وداعة رحمه الله في الحديث عن بعض الصحابة انه قال ما من

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که روایت است از بعض صحابه بدرستیکه گفت نیست هیچ

موضع يذكر فيه النبي صلى الله عليه وسلم ويصلى عليه فيه الا قامت منه

جائی که ذکر کرده شود در آن جا اسم نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده شود بر وی در آن جا مگر برخیزد از آن جا

رائحة تخترق السموات السبع حتى تنتهي الى العرش فيجد ريحها كل من

بوی که بشکافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش پس مییابد بوی آنرا هر کسی که

خلق الله في الارض الا الانس والجن فانهم لا يجدون ريحها فيجد لذتها كل واحد

آفریده است خدا تعالی در زمین مگر انسان و جان پس بدرستیکه ایشان نیابند بوی آنرا [illegible]

منهم بلذتها عن معيشته ولا يبقى الا الرائحة ملك ولا خلق من

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی ماند [illegible] هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خلق الله تعالى الا استغفر لاهل المجلس ويكتب لهم بعددهم حسنات

[illegible] خدا تعالی مگر استغفار کند برای اهل مجلس و نوشته شود برای ایشان بشمار ایشان نیکیها

وترفع لهم بعددهم درجات سواء كان في المجلس واحد او مائة الف

و بلند کرده شود ایشان را بشمار ایشان درجهها برابر است که باشد در مجلس یک واحد یا صد هزار

يأخذ كل واحد من الاجر هذا العدد وما عند الله خير وابقى كذا في المطالع

[illegible] هر یک از اجر این شمار را و آنچه نزد خداست بهتر و باقی تر است کذا در مطالع

وذكر في بعض الاخبار ان العبد المؤمن او الامة المؤمنة اذا ابدأ

و ذکر کرده شده در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

الصلوة على محمد صلى الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء

درود فرستادن بر محمد صلى الله عليه وسلم کشاده شود برای او درهای آسمان

والسرادقات حتى الى العرش فلا يبقى ملك في السموات الا صلى على

و پرده ها تا آنکه تا عرش پس باقی نمی ماند هیچ فرشته در آسمانها مگر درود میفرستد بر

محمد صلى الله عليه وسلم ويستغفرون لذلك العبد او الامة ما شاء

محمد صلى الله عليه وسلم و مغفرت میخواهند مر این مرد یا زن را آنقدر که خواسته است

الله كذا في الدلائل وعن جابر بن عبد الله رضي الله عنه قال قال رسول الله

خدا تعالی چنین است در دلائل و از جابر بن عبد الله رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى علي في كل يوم مائة مرة قضيت

صلى الله عليه وسلم کسیکه درود فرستد بر من در هر روز صد مرتبه روا کرده شود

له مائة حاجة منها ثلثون للدنيا وسائرها للآخرة اخرجه

مر ویرا صد حاجت از آن صد سی حاجت دنیا وسی و باقی شان اخروی باشد روایت کرد این حدیث را

المستغفري كذا في المطالع وعن بعض الصالحين انه

مستغفری در مطالع است چنین و از بعض صالحین مرویست که بدرستیکه

قال كان لي جار نساخ فمات فرأيته في المنام فقلت له ما فعل

گفت که بود مرا همسایه کاتب پس مرد آن پس دیدم من ویرا در خواب پس گفتم مر او را چه معامله کرد

الله بك فقال غفر لي فقلت له فيم ذلك فقال كنت اذا كتبت

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مر او را پس بچه چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من وقتیکه مینوشتم

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في كتب صليت عليه فاعطاني ربي

اسم مبارک محمد صلى الله عليه وسلم در کتابها درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من

ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر كذا

آنچه که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه خطره گذشته است بر دل کسی چنین است

في دلائل الخيرات وقال صاحب المطالع المراد بهذا البعض هنا عبيد الله

در دلائل خیرات گفت صاحب مطالع مراد باین بعض در اینجا عبید الله

بن الشيخ ابن عمر القواريري بفتح القاف رحمه الله تعالى وقال

بن شیخ ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحمت کناد خدا تعالی او را و نیز گفت

أيضا وحكاية هذه ذكرها غير واحد منهم ابن سبع وابن بشكوال

حکایت این کاتب که اینست ذکر کرده اند از بسیار کسان بعضی از ایشان ابن سبع و ابن بشکوال

وجبير وابن وداعة وابن الفاكهاني وقيل لرسول الله صلى الله عليه

و جبیر و ابن وداعه و ابن فاکهانی است و گفته شد مر رسول صلی الله علیه

وسلم أرأيت صلوة المصلين عليك ممن غاب عنك ومن يأتي

و سلم آیا می‌بینی درود فرستندگان در حق تو از آن کسان که غایب اند از تو و در حق آنکسانی که آیند

بعدك ما حالهما عندك فقال أسمع صلوة أهل محبتي وأعرفهم

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس فرمود بشنوم درود اهل محبت من و بشناسم ایشان را

وتعرض علي صلوة غيرهم عرضا كذا في الدلائل وقال صاحب المطالع

و عرض کرده شود بمن درود غیر ایشان نوع عرض کردنی چنین است در دلائل و گفت صاحب مطالع

لا أعرفه ولم أجده وعن أنس قال ارتقى رسول الله صلى الله

نمیشناسم من او را و نیافتم آنرا و از انس مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم المنبر فقال آمين ثم ارتقى ثانية فقال آمين ثم

علیه و سلم پس گفت آمین پس بر منبر بالا آمد آنحضرت دو بار پس گفت آنحضرت آمین پس

ارتقى ثالثة فقال آمين ثم استوى فقال آمين فقال أصحابه

سوم بار بر منبر آمد پس فرمود آمین پس راست برابر شد بر منبر پس فرمود آمین پس گفت یاران آنحضرت

مما أمنت يا رسول الله فقال أتاني جبرئيل فقال لي يا محمد

چه چیز گویا آمین گفتی پیغامبر خدا پس فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد

رغم انف امرئ ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت آمين ثم قال
خوار باد امرئ که تو ذکر کرده شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین و گفت
رغم انف امرئ ادرك والديه او احدهما فلم يدخلاه الجنة فقلت
خوار باد مردی که یافت والدین را یا یکی ازان ها پس داخل نکردند او را بهشت پس گفتم
آمين وقال رغم انف امرئ ادرك شهر رمضان فلم يغفر له
آمین و گفت خوار باد امردی که یافت ماه رمضان مبارک پس آمرزیده نشود مر وی را
فقلت آمين ابن النجار جمع الجوامع
پس گفتم آمین روایت کرد ابن نجار در جمع الجوامع

باب الذكر بعد الصلوة

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عن ابي هريرة قال ان فقراء المهاجرين اتوا رسول الله صلى
روایت است از ابی هریره و گفت بدرستیکه فقراء مهاجرین آمدند پیش پیغامبر خدا صلی
الله عليه وسلم فقالوا قد ذهب اهل الدثور بالدرجات العلى والنعيم
الله علیه وسلم پس گفتند بدرستیکه بردند صاحبان اموال بسیار درجهای بلند و نعمت
المقيم فقال وما ذاك قالوا يصلون كما نصلي ويصومون كما
پاینده را پس فرمود چیست آن گفتند نماز میگذارند ایشان چنانکه نماز میگذاریم ما و روزه میدارند چنانکه
نصوم ويتصدقون ولا نتصدق ويعتقون ولا نعتق فقال رسول الله
روزه میداریم ما و صدقه میدهند ایشان و صدقه نمیدهیم و برده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمیکنیم پس فرمود پیغامبر خدا
صلى الله عليه وسلم افلا اعلمكم شيئا تدركون به من سبقكم
صلی الله علیه وسلم آیا نیاموزم شما را چیزی که دریابید بسبب آن عمل فضل کسانی را که پیشی گرفته اند
وتسبقون به من بعدكم ولا يكون احد افضل منكم الا من
و پیشی کنید بسبب آن عمل کسانی را که بعد از شما باشند و نباشد هیچ یکی از ایشان زیاده تر از شما مگر کسیکه [illegible]

بمثل ما صنعتم قالوا بلى يا رسول الله قال تسبحون وتكبرون و
مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و
تحمدون دبر كل صلوة ثلثا وثلثين مرة قال ابو صالح فرجع فقراء
حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقیران
المهاجرين الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا سمع اخواننا
مهاجرین بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما
اهل الاموال بما فعلنا ففعلوا مثله فقال رسول الله صلى الله عليه
کی مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وسلم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء متفق عليه وليس قول
وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خدا است که میدهد فضل خود را هر که میخواهد متفق علیه و نیست قول
ابي صالح الى اخره الا عند مسلم وعن كعب بن عجرة قال قال
ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مروی است از کعب ابن عجره گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم معقبات لا يخيب قائلهن او
پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند نومید کرده نمیشود گوینده آن یا
فاعلهن دبر كل صلوة مكتوبة ثلث وثلثون تسبيحة وثلث
کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی
وثلثون تحميدة واربع وثلثون تكبيرة رواه مسلم وعن
و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایت کرده مسلم و مروی است از
ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سبح
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله
الله في دبر كل صلوة ثلثا وثلثين وحمد الله ثلثا وثلثين وكبر
گوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر بگوید

الله ثلثا وثلثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله

سی وسه بار پس اینهمه عدد نود ونه بار باشد و بگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لاشریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابى امامة قال

گناهانش اگرچه باشد گناهانش مانند کف دریا رواه مسلم و از ابو امامه روایت است

قيل يا رسول الله اى الدعاء اسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوات

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود دعا در میان شب آخر و بعد نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض رواه ترمذی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هر آینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدای تعالی را از نماز بامداد تا برآمدن

الشمس احب الى من ان اعتق اربعة من ولد اسمعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن من چهار برده از اولاد اسمعیل علیه السلام و هر آینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوة العصر الى ان تغرب الشمس احب الى من

گروهی که ذکر میکنند خدای را از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن من چهار برده را رواه ابو داود و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس

علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز بامداد با جماعت پس بنشیند در آنجا یاد کند خدای را تا برآید آفتاب

ثم صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

پس بگذارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج و عمره تمام تمام تمام

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد او را ترمذی و روایت است از علی رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

على أعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه

بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد او را از در آمدن

من دخول الجنة إلا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه آمنه الله

بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه میگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند او را خدا تعالی

على داره ودار جاره وأهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الإيمان

بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرایها که گرد اویند روایت کرد او را بیهقی در شعب الایمان

وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال

و روایت است از عبد الرحمن بن غنم رض از نبی صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت کسیکه گفت

قبل أن ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا إله إلا الله

پیش از آنکه بر گردد از نماز و دو تا گرداند پایها خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على

تنها اوست شریک نیست او را مر او راست ملک و مر او راست حمد بیده الخیر یحیی و یمیت و هو علی

كل شيء قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه

کل شیء قدیر ده بار نوشته شود مر آنکس را بهر یکی ازین کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وی

عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه

ده بدی و بلند کرده شود مر او را ده درجها و باشد هر یکی ازین کلمات برای او امان از هر ناخوش

وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب أن يدركه إلا الشرك

و پناه از شیطان سنگسار کرده شده و روا نیست هیچ گناهی را که دریابد او را مگر شرک

وكان من أفضل الناس عملا إلا رجلا يفضله يقول أفضل مما قال رواه أحمد

و باشد گوینده این کلمات از بهترین مردم از روی عمل مگر مردی که بگوید افضل از آنچه گفته است روایت احمد

باب تعمير المساجد

باب در فضیلت تعمیر مساجد

ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها

و کیست ستمگارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را از آنکه یاد کرده شود نام خدا در آن و کوشش کرد در ویرانی آنها

اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي ولهم

این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند بمسجدها مگر ترسان ایشان راست در دنیا خواری و ایشان راست

في الآخرة عذاب عظيم انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر

در آخرت عذاب بزرگ جز این نیست که عمارت میکنند مسجدهای خدا را کسیکه ایمان آورد بخدا و روز قیامت

واقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا

و برپا داشته است نماز را و داده است زکوة را و نترسیده است مگر از خدا پس امید است که این جماعت

من المهتدين في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح

از راه یافتگان باشند در خانهایی که دستور داده است خدا که بلند کرده شوند و یاد کرده شود در آنها نام او به پاکی یاد میکنند

له فيها بالغدو والآصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن

خدا را آنجا صبح و شام مردانیکه باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از

ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه

یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن

القلوب والابصار ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم من فضله

دلها و دیدها تا جزاء دهد ایشان را خدا بهترین آنچه کردند و زیاده کند ایشان را خدا از فضل خویش

والله يرزق من يشاء بغير حساب وعن ابي هريرة رض قال قال رسول

و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بغیر حساب بسیار روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

الله صلى الله عليه وسلم احب البلاد الى الله مساجدها وابغض البلاد

صلی الله علیه وسلم دوست ترین جایها از شهرها بسوی خدا مسجدهای آن شهر است و دشمن ترین جایها

إلى الله أسواقها رواه مسلم وعن عثمان رض قال قال رسول الله صلى الله

جو تها بازارها است رواه مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی برای او خانه در بهشت متفق علیه

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا إلى

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه برود اول روز

المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح متفق عليه

مسجد یا برود در آخر روز آماده کرد خدا تعالی برای او طعام مهمانی از بهشت هرگاه که بامداد کند یا شبانگاه

وعن أبي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعظم الناس أجرا

و در روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلاة أبعدهم فأبعدهم ممشى والذي ينتظر الصلاة حتى يصليها

در نماز دورترین ایشانست پس دورترین ایشانست در راه و آنکسیکه نشسته است در انتظار نماز تا بگزارد

مع الإمام أعظم أجرا من الذي يصلي ثم ينام متفق عليه وعن

با امام بزرگتر است از روی اجر از کسیکه [illegible] گزارد و بعد از آن بخواب میرود متفق علیه و مرویست از

جابر رض قال خلت البقاع حول المسجد فأراد بنو سلمة أن ينتقلوا قرب

جابر مرویست گفت خالی شدند جایها گرد مسجد پس اراده کردند بنو سلمه که منتقل شوند نزدیک

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني أنكم تريدون

مسجد پس رسید آن به پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس گفت مر ایشانرا رسیده است مرا که شما می خواهید

أن تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد أردنا ذلك فقال

که منتقل شوید نزدیک مسجد گفتند آری یا رسول الله بتحقیق اراده کرده ایم این را پس گفت

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه [illegible] نوشته میشود نشانهای قدم شما [illegible] رواه مسلم

وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم سبعة

واز ابي هريرة روايت است گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم هفت كس اند

يظلهم الله في ظله يوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ في عبادة

كه سايه دارد ايشانرا خداي تعالى در سايه خود روزيكه نيست هيچ سايه مگر سايه وى يكى پادشاه عادل دوم جوانيكه نشو نما يافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد اذا خرج منه حتى يعود الى المسجد

خدا وسوم مرديكه دل وى معلق است بمسجدها كه بيرون آيد از آن تا آنكه بازگردد در مسجد

ورجلان تحابا في الله اجتمعا عليه وتفرقا عليه ورجل ذكر الله

وچهارم هر يكى از دو مرد يكديگر دوست دارند يكديگر را از جهت خدا فراهم آمدند بر دوستي خدا وجدا شدند بر وى وپنجم مرديكه ياد كرد خدا را

خاليا ففاضت عيناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشك ريخت هر دو چشم وى وششم مرديكه خواند او را زنى صاحب حسب وجمال

فقال اني اخاف الله ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتى لا تعلم

پس گفت مرد بدرستيكه من ميترسم خدا را وهفتم مرديكه صدقه داد بصدقه پس پنهان كرد آن صدقه را تا آنكه نداند

شماله ما تنفق يمينه متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى

دست چپ وى آنچه ميدهد دست راست وى متفق عليه واز وى روايت است گفت فرمود پيغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم صلوة الرجل في الجماعة تضعف على صلوته في

الله عليه وسلم نماز مرديكه ميگذارد در مسجد بجماعت زياده گردانيده ميشود ثواب بر نماز او كه ميگذارد تنها در

بيته وفي سوقه خمسا وعشرين ضعفا وذلك انه اذا توضأ

خانه خود ودر بازار خود بيست وپنج چندان تضعيف ثواب بسبب آنست كه چون وضو كند

فاحسن الوضوء ثم خرج الى المسجد لا يخرجه الا الصلوة لم يخط

پس نيكو كرد وضو را پس بيرون آمد بسوى مسجد در حاليكه بيرون نمي آرد او را مگر نماز ننهد

خطوة الا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطيئة فاذا صلى

هيچ گامي مگر بلند گردانيده ميشود براي او بآن گام يك درجه ثواب وكم كرده ميشود از وى بآن گام گناهي پس چون نماز گذارد

لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

پیوسته اند فرشتگان که درود میفرستند برو تا آنکه هست بمقام نماز خود درین حال میگویند که خداوندا درود فرست برو خداوندا

ارحمه ولا يزال احدكم في صلاة ما انتظر الصلاة وفي رواية قال اذا

رحمت کن برو و همیشه هست از شما در نماز تا آنکه انتظار میکند نماز را و در روایتی آمده است که گفت آنحضرت چون

دخل المسجد كانت الصلاة تحبسه وزاد في دعاء الملائكة اللهم اغفر

در آمد مسجد را حالیکه نیست غرض وی مگر نماز نمیکشد او را بیرون مگر نماز و زیاده کرد در دعای فرشتگان این عبارت را خداوندا بیامرز

له اللهم تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

مر او را خداوندا رجوع کن برحمت بروی مادام که نرنجاند در مسجد کسی را مادام که حدث نکند در مسجد متفق علیه

وعن ابي اسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا دخل احدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج

چون در آید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا برای من درهای رحمت خود را و چون برآید از مسجد

فليقل اللهم اني اسألك من فضلك رواه مسلم وعن ابي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فضل تو روایت کرده مسلم و روایت است از ابی قتاده

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا دخل احدكم المسجد

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون در آید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل ان يجلس متفق عليه وعن معاوية بن

پس باید که بگزارد دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قرة عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره مرویست که روایت میکند از پدر خود که بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از خوردن این

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من اكلهما فلا يقربن مسجدنا

دو درخت یعنی پیاز و سیر و مروی است که گفت بدرستیکه خورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه ابو داود وعن

وگفت اگر هستید شما که ناچار خورندگان این دو تره پس بمیرانید [illegible] رواه ابو داود و مرویست از

جابر رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اكل من هذه الشجرة

جابر رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بخورد این درخت بدبوی یعنی پیاز یا سیر را

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فان الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید قریب نشود مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار کشیده میشوند از چیزی که از او رنج کشیده میشوند آدمی

الانس متفق عليه وعن عائشة قالت امر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه است و مرویست از عائشه رضه گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وان ينظف ويطيب رواه ابو داود

علیه وسلم به بنا کردن مسجد در سراها و محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند و خوشبو کرده شوند رواه ابو داود

والترمذي اي المحلات وابن ماجة وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی مراد از سرا محلات است و ابن ماجه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت على اجور امتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه وسلم عرض کرده شد بر من ثوابهای امت من که برآن ثواب یافته اند تا آنکه خاشاکی [illegible] بیرون آرد آنرا مرد از

المسجد وعرضت على ذنوب امتي فلم ار ذنبا اعظم من سورة من

مسجد و عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن او آية اوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وابو داود وعن

قرآن یا آیتی که داده شد آنرا مردی پس فراموش کرد آنرا روایت کرد ترمذی و ابو داود و از

بريدة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رضه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بشارت ده مر روندگان را در تاریکیها

الى المساجد بالنور التام يوم القيامة رواه الترمذي وابو داود

بسوی مسجدها بنور تمام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابو داود

وابن ماجه عن سهل بن سعد و انس وعن ابي سعيد الخدري

وابن ماجه از سهل بن سعد واز انس رض واز ابي سعيد خدري رض روايت

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم الرجل يتعاهد المسجد

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید مرد را که نگاه میدارد مسجد را میکند

فاشهدوا له بالايمان فان الله يقول عزوجل انما يعمر مساجد الله من

پس گواهی دهید مر او را بایمان پس بدرستیکه الله تعالی میگوید جز این نیست که آباد میکند مسجدهای خدا را کسیکه

امن بالله واليوم الاخر رواه الترمذي وابن ماجه والدارمي وعن

ایمان آورد بخدا و روز آخر روایت کرده او را ترمذی و ابن ماجه و دارمی و روایت است

ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من خرج من

از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از

بيته متطهرا الى صلوة مكتوبة فاجره كاجر الحاج المحرم

خانه خود با طهارت بسوی نماز فرض پس مزد او مثل مزد حاجی است که احرام بسته

ومن خرج الى تسبيح الضحى لا ينصبه الا اياه فاجره كاجر المعتمر

و کسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت و رنج ندهد او را مگر تسبیح ضحی پس مزد او مثل مزد کسیکه عمره می‌آرد

وصلوة على اثر صلوة لا لغو بينهما كتاب في عليين رواه احمد

و نماز بر عقب نماز دیگر که نباشد کلام لغو در میان آنها نوشته شود در اعلی مرتبه رواه احمد

وابو داود وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابو داود واز ابی هریره رض روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا مررتم برياض الجنة فارتعوا قيل يا رسول الله صلى الله عليه

چون بگذرید شما بر باغهای بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وما رياض الجنة قال المساجد قيل وما الرتع يا رسول الله

وسلم چیست باغهای بهشت فرمود مسجدها گفته شد چیست چریدن ای پیغمبر خدا

قال سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر رواه الترمذي

فرمود آنکه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر روایت کرد ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اتى المسجد

و مر روایت از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بیاید مسجد را

لشيء فهو حظه رواه ابو داود وعن ابي امامة قال ان حبرا

برای چیزی پس همان چیز بهره اوست روایت کرد ابو داود و مر روایت از ابی امامه گفت بدرستیکه دانشمندی

من اليهود سال النبي صلى الله عليه وسلم اي البقاع خير فسكت عنه

از یهود پرسید پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم کدام از جایها بهتر است پس خاموش شد از وی آنحضرت

وقال اسكت حتى يجيء جبريل فسكت وجاء جبريل عليه السلام فسال

و گفت خاموش می باشم تا آنکه بیاید جبرئیل پس خاموش شد و آمد جبرئیل علیه السلام پس پرسید آنحضرت

فقال ما المسؤول عنها باعلم من السائل ولكن اسال ربي تبارك وتعالى

پس گفت جبرئیل نیست سوال کرده شده ازان داناتر از سوال کننده ولیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی

ثم قال جبريل يا محمد اني دنوت من الله دنوا ما دنوت منه قط قال

پس گفت جبرئیل ای محمد بدرستیکه من نزدیک شدم از درگاه خدا نزدیک شدنی که نزدیک نبودم در مدت عمر از آنجا هرگز فرمود چگونه

وكيف كان يا جبريل قال كان بيني وبينه سبعون الف حجاب

بود ای جبرئیل آن نزدیک شدن تو با خدا گفت جبرئیل بود میان من و میان خدا هفتاد هزار پرده

من نور فقال شر البقاع اسواقها وخير البقاع مساجدها رواه ابن

از نور پس جبرئیل گفت پس فرمود حق تعالی بدترین جاها بازارها است و بهترین جاها مسجدها است روایت کرد ابن

حبان مس وعن ابي هريرة قال سمعت رسول الله صلى

حبان و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم يقول من جاء مسجدي هذا لم ياته الا لخير يتعلمه او يعلمه

الله علیه و سلم را که میگفت کسیکه بیاید بمسجد من این که نیاید آنرا مگر برای خیر که بیاموزد آنرا یا بیاموزاند

فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَمَنْ جَاءَ لِغَيْرِ ذٰلِكَ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ

پس او در ثواب همچو کسیکه جهاد میکند در راه خدا و کسیکه بیاید برای کار دیگر پس آن کس همچو

الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى مَتَاعِ غَيْرِهِ رَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

مردیست که می نگرد بجانب متاع دیگر روایت کرد ابن حبان و بیهقی در شعب الایمان

وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى

و مرویست از حسن بصری از روی مرسل گفت حسن فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ حَدِيثُهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَلَا تُجَالِسُوهُمْ

مردمان زمانیکه میباشد گفتگوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیای ایشان پس همنشینی مکنید ایشان را

فَلَيْسَ لِلّٰهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَنَسِ

پس نیست مر خدا را در ایشان حاجتی روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و از انس رضی

بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي

مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز هر مردی در

بَيْتِهِ بِصَلَاةٍ وَصَلَاتُهُ فِي مَسْجِدِ الْقَبَائِلِ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً

خانه وی بمنزله یک نماز است و نماز وی که در مسجد قبیله ای بمنزله بیست و پنج نماز است

وَصَلَاتُهُ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُجَمَّعُ فِيهِ بِخَمْسِمِائَةِ صَلَاةٍ وَصَلَاتُهُ

و نماز وی در مسجدی که جمعه ادا کرده شود در آن مسجد بمنزله پانصد نماز است و نماز وی

فِي الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى بِخَمْسِينَ أَلْفَ صَلَاةٍ وَصَلَاتُهُ فِي مَسْجِدِي بِخَمْسِينَ

در مسجد اقصی بپنجاه هزار نماز است و نماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

أَلْفَ صَلَاةٍ وَصَلَاتُهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ رَوَاهُ ابْنُ

هزار نماز است و نماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است روایت کرد ابن

مَاجَهْ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَيُّ مَسْجِدٍ وُضِعَ فِي

[illegible] کدام مسجد نخست که بنا کرده شده در

الارض اول قال المسجد الحرام قلت ثم اي قال ثم المسجد الاقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پس کدام فرمود پس مسجد اقصی است

قلت كم بينهما قال اربعون عاما ثم الارض لك مسجد فحيث ما

گفتم چند است میان این هر دو مسجد فرمود چهل سال پس تمام زمین ترا مسجد است پس هر جا که

ادركتك الصلوة فصل متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو بن

دریابد ترا نماز پس بگذار متفق علیه و مرویست از عبد الله بن عمرو بن

العاص قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول اذا دخل المسجد

عاص رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت در آمدن مسجد

اعوذ بالله العظيم وبوجهه الكريم وسلطانه القديم من الشيطان

پناه میگیرم بخدای بزرگ و بذات پاک وی و بسلطنت و مهربانی که قدیم است از شیطان

الرجيم قال فاذا قال ذلك قال الشيطان حفظ مني سائر اليوم رواه

سنگسار کرده شده فرمود پس چون بگوید کسی این کلمات را بگوید شیطان نگاه داشته شد این شخص از من تمام روز

ابو داود وعن معاذ بن جبل قال احتبس عنا رسول الله صلى الله

ابو داود و مرویست از معاذ بن جبل رض گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ذات غداة عن صلوة الصبح حتى كدنا نترائى عين الشمس

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرج سريعا فثوب بالصلوة فصلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس برآمد بیرون بشتاب پس اقامه گفته شد نماز پس گذارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوز في صلوته فلما سلم دعا بصوته فقال لنا على مصافكم كما

و سبک گذارد نماز را پس چون سلام داد بلند کرد آواز خود را پس گفت ما را بر جای صفهای خود باشید چنانکه

انتم ثم انفتل الينا ثم قال اما اني ساحدثكم ما حبسني عنكم

هستید پس گشت بسوی ما پس فرمود آگاه باشید بتحقیق من سخن گویم شما را که چه چیز باز داشت مرا از شما در این

الغداة إني قمت من الليل فتوضأت وصليت ما قدر لي فنعست في

بامداد که برخاستم من از شب پس وضو کردم و گذاردم از نماز آنچه که تقدیر کرده شده بود پس آمد مرا پینکی در

صلوتي حتى استثقلت فإذا أنا بربي تبارك وتعالى في أحسن صورة

نماز تا آنکه ثقیل شدم پس ناگاه می بینم که با پروردگار خودم تبارک و تعالی در نیکوترین صفت و حالت

فقال يا محمد قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای پروردگار من فرمود در چه بحث و نزاع میکنند فرشتگان ملاء اعلی گفتم

لا أدري قالها ثلثا قال فرأيته وضع كفه بين كتفي حتى وجدت

نمیدانم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار پس گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را که نهاد دست خود را در میان دو شانه من تا آنکه یافتم

برد أنامله بين ثديي فتجلى لي كل شيء وعرفت فقال يا محمد

سردی انگشتان او را در میان دو پستان خود پس ظاهر شد مرا هر چیز از علوم و شناختم همه پس فرمود حق تعالی ای محمد

قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت في الكفارات

گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای پروردگار من در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان ملاء اعلی گفتم بحث میکنند در کفارات

قال وما هن قلت مشي الأقدام إلى الجماعات والجلوس في المساجد

فرمود و چه چیز اند کفارات گفتم پی رفتن بسوی جماعتها نماز و نشستن در مسجد

بعد الصلوة وإسباغ الوضوء حين الكريهات قال ثم فيم قلت

بعد از نماز دیگر و کامل و سیراب کردن وضو در حالتهای که ناخوش دارد طبیعت استعمال آب را گفت پس در چه چیز بحث میکنند گفتم

في الدرجات قال وما هن قلت إطعام الطعام ولين الكلام والصلوة

در درجات فرمود و چه چیز هستند درجات گفتم خورانیدن طعام مسکینان را و نرمی کردن در سخن و نماز گذاردن

بالليل والناس نيام ثم قال سل قال قلت اللهم إني أسئلك فعل

در شب و حال آنکه مردم در خواب باشند پس فرمود بخواه از حضرات گفتم دعا کردم بار الها بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لي وترحمني

نیکی ها و گذاشتن کارهای بد را و دوستی مسکینان و آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

وإذا أردت فتنة في قوم فتوفني غير مفتون وأسألك حبك وحب

و چون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا پیش از آنکه گرفتار فتنه شوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

من يحبك وحب عمل يقربني إلى حبك فقال رسول الله صلى

کسی که دوست دارد ترا و دوستی کاری که نزدیک گرداند مرا بسوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم إنها حق فادرسوها ثم تعلموها رواه أحمد

الله علیه وسلم این خواب حق است پس بخوانید آنرا پس تعلیم کنید آنرا روایت کرد احمد

والترمذي وقال هذا حديث حسن صحيح وسألت محمد بن إسماعيل

و ترمذی و گفت که این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمعیل

عن هذا الحديث فقال هذا حديث صحيح

از این حدیث پس گفت که این حدیث صحیح است

باب فضل الجماعة

باب در فضیلت نماز با جماعت

وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة

روایت است از ابن عمر که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز با

الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة متفق عليه

جماعت افضل است از نماز تنها به بیست و هفت درجه متفق علیه است

وعن أبي بن كعب قال صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی بن کعب که گفت نماز گزارد با ما آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يوما الصبح فلما سلم قال أشاهد فلان قالوا لا قال أشاهد

روزی نماز بامداد پس چون سلام داد گفت آیا حاضر است فلان گفتند نه گفت آیا حاضر است

فلان قالوا لا قال إن هاتين الصلاتين أثقل الصلوات على المنافقين

فلان حاضر است گفتند که حاضر نیست فرمود بتحقیق که این دو نماز صبح و شام گرانترین نمازها است بر منافقین

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبوا على الركب وإن الصف الأول

اگر بدانید ثوابیکه در گذاردن این دو نماز است هر آینه می آمدید این دو نماز را بر زانو رونده و بدرستیکه صف اول

على مثل صف الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإن صلاة

مانند صف فرشتگان است و اگر بدانید فضیلت صف اول هر آینه شتابی بگیرید بسوی آن و بدرستیکه نماز

الرجل مع الرجل أزكى من صلاته وحده وصلاته مع الرجلين أزكى من

مرد با یک کس پاکیزه تر است از گذاردن تنها نماز وی با دو مرد پاکیزه تر است

صلاته مع الرجل وما كثر فهو أحب إلى الله رواه أبو داود والنسائي

از نماز گذاردن با یک مرد و هر چه بسیار تر باشد محبوب تر است نزد خدا روایت کرد ابو داود و نسائی

وعن أم الدرداء قالت دخل علي أبو الدرداء وهو مغضب فقلت

[illegible] ام درداء گفت در آمد بر من ابو درداء و او در خشم بود پس گفتم

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمة محمد صلى الله عليه وسلم

چه چیز ترا بخشم آورد گفت بخدا که نمی شناسم من از امت محمد صلی الله علیه وسلم

شيئا إلا أنهم يصلون جميعا رواه البخاري وعن أبي بكر

چیزی را مگر آنکه نماز میگذارند با جماعت روایت کرد بخاری روایت از ابی بکر

بن سليمان بن أبي حثمة أن عمر بن الخطاب فقد سليمان بن

بن سلیمان بن ابی حثمه [illegible] عمر بن خطاب [illegible] گم کرد سلیمان بن

أبي حثمة في صلاة الصبح وإن عمر غدا إلى السوق ومسكن سليمان

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رفت بامداد بسوی بازار و خانه سلیمان

بين المسجد والسوق فمر على الشفاء أم سليمان فقال لها لم أر

سليمان في الصبح قالت إنه بات يصلي فغلبته عيناه فقال لأن

[illegible]

أشهد صلوة الصبح في جماعة أحب إلي من أن أقوم ليلة

[illegible]

رواه مالك وعن أبي موسى الأشعري قال قال رسول الله صلى

روايت كرد [illegible] ابو موسى اشعری [illegible]

الله عليه وسلم اثنان فما فوقهما جماعة رواه ابن ماجة وعن أبي [illegible]

[illegible] جماعت است [illegible] ابن ماجه [illegible]

قال أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل أعمى فقال يا رسول الله إنه

[illegible]

ليس لي قائد يقودني إلى المسجد فسأل رسول الله صلى الله عليه

[illegible]

وسلم أن يرخص له فيصلي في بيته فرخص له فلما ولى دعاه

[illegible]

فقال هل تسمع النداء بالصلوة قال نعم قال فأجب رواه مسلم

[illegible]

وعن عائشة أنها قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

[illegible]

يقول لا صلوة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان رواه

[illegible]

مسلم وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله …

إذا أقيمت الصلوة فلا صلوة إلا المكتوبة رواه مسلم وعن

چون اقامت کرده شود نماز پس نیست جایز نماز غیر از نماز فرض روایت کرد مسلم و روایت است از

ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنعوا نساءكم

ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع مکنید زنان خود را

المساجد وبيوتهن خير لهن رواه أبو داود وعن أبي هريرة قال

از مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را روایت کرد ابو داود و از ابی هریره رض گفت

أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كنتم في المسجد فنودي بالصلوة

امر فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس ندا کرده شد بازان گفته شد

فلا يخرج أحدكم حتى يصلي رواه أحمد وعن عبد الله بن أم

پس باید که بیرون نرود یکی از شما تا آنکه نماز گزارد روایت کرد احمد و روایت است از عبد الله ابن ام

مكتوم قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المدينة كثيرة الهوام

مکتوم رض گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه مدینه بسیار است گزندها

والسباع وأنا ضرير البصر فهل تجد لي من رخصة قال هل تسمع حي

و درندها و من نابینا ام پس آیا می یابی برای من رخصت فرمود آیا میشنوی این کلمات را که حی

على الصلوة حي على الفلاح قال نعم قال فحي هلا ولم يرخص له رواه

علی الصلوة حی علی الفلاح گفت آری فرمود پس بیا و رخصت نداد او را روایت کرد

أبو داود والنسائي وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من توضأ فأحسن وضوءه ثم راح فوجد الناس قد صلوا

علیه وسلم کسیکه وضو کرد پس نیکو کرد وضوی خود را پس رفت پس یافت مردمان را که نماز گزاردند

أعطاه الله مثل أجر من صلاها وحضرها لا ينقص ذلك من أجورهم شيئا

میدهد او را خدای تعالی مثل مزد کسیکه گزارد آن نماز را و حاضر شد آن را کم نمیکند این از مزدهای ایشان چیزی

شيئاً رواه ابوداود والنسائي مس ايضاً وعن انس قال قال رسول الله

چیزے رواه ابوداود و نسائی و روایت است از انس گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى لله اربعين يوماً في جماعة يدرك التكبيرة

صلی الله علیه وسلم کسیکه نماز گذارد برای خدا چهل روز در جماعت در حالیکه دریابد تکبیر

الاولى كتب له براءتان براءة من النار وبراءة من النفاق رواه

اولی را نوشته میشود مر وی را دو خط بیزاری یکی بیزاری از آتش دوزخ و دوم بیزاری از نفاق رواه

الترمذي وعن عبد الله بن وهب عن ثوابة بن مسعود عمن

ترمذی و روایت است از عبدالله بن وهب او روایت میکند از ثوابة بن مسعود از کسیکه

حدثه عن انس بن مالك قال توفي ابن لعثمان بن مظعون فاشتد

روایت کرده است از انس بن مالک گفت وفات کرد فرزند عثمان بن مظعون پس زیاده شد

حزنه عليه حتى اتخذ في داره مسجداً يتعبد فيه فبلغ ذلك

غم او بر عثمان تا آنکه گرفت در خانه خود مسجد که عبادت میکرد در آن مسجد پس رسید آن خبر

النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا عثمان ان الله لم يكتب علينا

بپیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود ای عثمان بدرستیکه خدا ننوشت بر ما

الرهبانية انما رهبانية امتي الجهاد في سبيل الله يا عثمان ابن

رهبانیت را جز این نیست که رهبانیت امت من جهاد است در راه خدا ای عثمان بن

مظعون ان للجنة ثمانية ابواب وللنار سبعة ابواب فما يسرك

مظعون بدرستیکه جنت را هشت در است و مر دوزخ را هفت در است پس خوش نمی آید ترا

الا تاتي باباً منها الا وجدت ابنك الى جنبك اخذ بحجزتك

اینکه بیائی دری را از درها مگر آنکه بیابی تو که فرزند تو پهلوی تو گیرنده است کمر بند تو

يستشفع لك الى ربك عز وجل قال بلى فقيل يا رسول الله

طلب شفاعت کند مر ترا بسوی پروردگار تو که بزرگ و بلند است گفت آری گفتند یاران ای پیغمبر خدا

وَكُلُّنَا فِي فَرَطِنَا مَا لِعُثْمَانَ قَالَ نَعَمْ لِمَنْ صَبَرَ مِنْكُمْ وَاحْتَسَبَ ثُمَّ قَالَ

درین بشارت ما همه داخل ایم یا عثمان فرمود آری شما همه داخل درین بشارت اید کسی که صبر کرد از شما و نیت ثواب کرد بعد ازان گفت

لَهُ يَا عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ مَنْ صَلَّى صَلٰوةَ الْفَجْرِ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ يَذْكُرُ

مر عثمان را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را در جماعت بنشست تا که ذکر میکند

اللّٰهَ حَتّٰى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ فِي الْفِرْدَوْسِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ

خدا را تا آنکه طلوع شود آفتاب باشد مر او را در فردوس هفتاد درجه مسافت میان

دَرَجَتَيْنِ كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضَمَّرِ سَبْعِينَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو تضمیر کرده شده هفتاد سال و کسیکه نماز ظهر خواند

فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ خَمْسُونَ دَرَجَةً كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ

در جماعت باشد مر او را در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

الْمُضَمَّرِ خَمْسِينَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الْعَصْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ ثَمَانِيَةٍ

تضمیر کرده شده پنجاه ساله را و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد او را مانند ثواب هشت بنده

مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ كُلُّهُمْ رَبُّ بَيْتٍ أَعْتَقَهُمْ وَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي

از اولاد اسمعیل همه ایشان مالک شان آزاد کرد ایشان را و کسیکه نماز مغرب ادا کرده با

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَحَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَعُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي

جماعت باشد او را مانند حج مبرور و عمره مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را با

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ هب جمع الجوامع

جماعت باشد مر او را مانند قیام و زنده داشتن شب قدر را از جمع الجوامع

بَابُ أَشْرَاطِ الْجَمَاعَةِ

این باب در معصیت ترک جماعت است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه که بود که میگفت کسیکه یافت رکوع را پس تحقیق یافت

السجدة ومن فاتته قراءة ام القرآن فقد فاته خير كثير رواه مالك

سجده را یعنی رکعت را وکسیکه فوت شد او را خواندن فاتحة الکتاب پس بتحقیق فوت شد از وی نیکی بسیار رواه مالک

وعنه انه قال الذي يرفع رأسه ويخفضه قبل الامام فانما

در روایتیست از وی بدرستیکه او گفت کسیکه بردارد سر خود را و پست کند سر را پیش از امام پس جز این نیست

ناصيته بيد الشيطان رواه مالك وعن ابي هريرة رض

موی پیشانی او در دست شیطان است رواه مالک در روایتیست از ابی هریره رضی الله عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لولا ما في البيوت من النساء

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود چیزیکه در خانه هاست از زنان

والذرية اقمت صلوة العشاء وامرت فتياني يحرقون ما في

و اطفال هر آینه میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که بسوزانند چیزیرا که در

البيوت بالنار رواه احمد وعن ابي الشعثاء قال خرج رجل من

خانه هاست باتش رواه احمد در روایتست از ابو شعثا گفت بیرون آمد مردی از

المسجد بعدما اذن فيه فقال ابو هريرة اما هذا فقد عصى

مسجد بعد از انکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابو هریره رض اما این مرد تحقیق گناه کرد

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم رواه مسلم وعن عثمان

ابا قاسم را که کنیت آنحضرت است صلی الله علیه وسلم رواه مسلم و از عثمان

بن عفان رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

ادركه الاذان في المسجد ثم خرج لم يخرج لحاجة وهو لا يريد الرجعة

که دریابد او را بانگ نماز در مسجد پس بیرون آمد در آنحالیکه [illegible] و نمیخواهد بازگشتن

فهو منافق رواه ابن ماجة وعن ابن عباس رضي الله تعالى عنه

پس او منافق است رواه ابن ماجه در روایتست از ابن عباس رضی الله [illegible] [illegible]

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا صَلٰوةَ
از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد در ادای نماز در مسجد نباشد نماز
لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ
مر او را اگر از جهت عذری روایه دار قطنی در روایت است از مجاهد از عبد الله بن عمر
رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلٌ أَهْلَهُ
رضی الله عنهما بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود منع نکند هیچ مردی کسان خود را
أَنْ يَأْتُوا الْمَسَاجِدَ فَقَالَ ابْنٌ لِعَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ فَإِنَّا نَمْنَعُهُنَّ فَقَالَ عَبْدُ اللهِ
از آمدن مسجد ها پس گفت پسری که مر عبد الله بن عمر را بود که ما البته منع میکنیم پس گفت عبد الله
أُحَدِّثُكَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقُولُ هٰذَا قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ
حدیث میکنم مر ترا از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و تو میگوئی این کلمه گفت راوی پس کلام
عَبْدُ اللهِ حَتّٰى مَاتَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ
نکرد با فرزند عبد الله بن عمر تا آنکه مرد روایه احمد و مرویست از عبد الله بن مسعود رض گفت
لَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنِ الصَّلٰوةِ إِلَّا مُنَافِقٌ قَدْ عُلِمَ نِفَاقُهُ أَوْ مَرِيضٌ
بتحقیق دانستم خود و صحابه دیگر را که حکم میکردیم با تیکه ایشان نمیماندند از جماعت نماز مگر منافق که بتحقیق معلوم بود نفاق او یا بیمار که مصلا
وَإِنْ كَانَ الْمَرِيضُ لَيَمْشِي بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتّٰى يَأْتِيَ الصَّلٰوةَ وَقَالَ إِنَّ
و تحقیق بود بیمار که براه میرفت میان دو مرد یکی گرفته بر دوش ایشان تا آنکه می آمد در مسجد برای نماز و گفت ابن مسعود بدرستیکه
رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْهُدٰى وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تعلیم کرد ما را سنتها را که عمل کردن آنها موجب هدایت است بدرستیکه از جمله سنن هدی
الْهُدٰى الصَّلٰوةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَذَّنُ فِيهِ وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ مَنْ سَرَّهُ
نماز است در مسجد یکه اذان گفته شود در آن مسجد و در روایتی از ابن مسعود گفت کسیکه خوشحال میکند او را
أَنْ يَلْقَى اللهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلٰى هٰذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ
آنکه ملاقات کند خدا را فردا مسلمان کامل پس باید که نگهبانی کند بر نمازها ــــــــ پنجگانه

حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبيكم سنن الهدى وانهن من

در جائیکه ندا کرده شود برای آنها لیس بدرستیکه خدا تشریع کرد برای پیغامبر شما طریقهای هدایت را و بدرستیکه این جماعت از

سنن الهدى ولو انكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في

جملهٔ آن طریقهاست اگر ثابت شود آنکه شما گزارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بيته لتركتم سنة نبيكم ولو تركتم سنة نبيكم لضللتم وما من

خانهٔ خود هر آئینه ترک کرده شده باشید طریقهٔ پیغامبر خود را اگر ترک کنید طریقهٔ پیغمبر خود را هر آئینه گمراه شوید و نیست هیچ

رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد الى مسجد من هذه المساجد الا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پستر قصد رفتن کند بسوی مسجدی از مسجدها مگر آنکه

كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة ورفعه بها درجة وحط عنه

بنویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه میزند نیکی و ثواب بلند گرداند برای او پایهٔ رفیع بدرستیکه دور گرداند از وی

بها سيئة ولقد رأيتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق

بسبب بدی را بتحقیق دیدیم اصحاب همه که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

ولقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده شد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف میان دو مرد تا آنکه ایستاده کرده شد در صف نماز

رواه مسلم وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت کرد مسلم و روایت است از ابن عباس رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سمع المنادى فلم يمنعه من اتباعه عذر قالوا وما

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

العذر قال خوف او مرض لم تقبل منه الصلوة التي صلى رواه

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گذارده است روایت

ابوداود والدارقطني وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله

ابوداود و دارقطنی و روایت است از ابی درداء رضی گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من ثلثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلوة

صلى الله عليه وسلم نيست سه مرد در ديهى و نه در باديه كه برپا كرده نشود در ميان ايشان نماز بجماعت

الا قد استحوذ عليهم الشيطان فعليك بالجماعة فانما يأكل الذئب

مگر آنكه غالب شده بر ايشان شيطان پس بر تو باد كه لازم گيرى جماعت را زيرا كه ميخورد گرگ گوسفند دور را

القاصية رواه احمد وابو داود والنسائي وعن ابي هريرة رضي

كه دور افتاده است رواه احمد وابو داود ونسائى و روايت است از ابى هريره رضى

الله تعالى عنه صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة

الله تعالى عنه نماز كه بجماعت گزارند زيادتى ميكند بر نماز كه تنها بگزارد به بيست و هفت درجه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق عليه و روايت است از ابى هريره رضى الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

والذي نفسي بيده لقد هممت ان آمر بحطب فيحطب ثم آمر

قسم بخداى كه بقاى ذات من بدست قدرت اوست بتحقيق آهنگ كردم كه امر كنم بجمع كردن هيزم پس جمع كرده شود هيزم باز امر كنم

بالصلوة فيؤذن لها ثم آمر رجلا فيؤم الناس ثم اخالف الى

بنماز پس اذان گفته شود براى نماز باز امر كنم مردى را كه امامت كند مردم را باز بيايم سوى

رجال وفي رواية لا يشهدون الصلوة فاحرق عليهم بيوتهم

مردمان و در روايتى كه حاضر نشوند بنماز پس بسوزانم بر ايشان خانهاى ايشان

والذي نفسي بيده لو يعلم احدهم انه يجد عرقا سمينا او مرماتين

قسم بخدا كه اگر بداند يكى از ايشان كه مى يابد استخوان فربه يا دو سم گاو

حسنتين لشهد العشاء رواه البخاري ولمسلم نحوه

نيكو را هر آينه حاضر شود بنماز عشا روايت كرد بخارى و مسلم مانند آن

باب تسوية الصفوف

باب در برابر كردن صفها نزد نماز

عن النعمان ابن البشير رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى

روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا

الله عليه وسلم يسوي صفوفنا حتى كأنما يسوي بها القداح حتى رأى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را تا آنکه گویا برابر میکرد با آن صفها تیرها را تا آنکه دید آنحضرت

انا قد عقلنا عنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد ان يكبر فرأى رجلا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعل او [illegible] پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر گوید پس دید مردی را

باديا صدره من الصف فقال عباد الله لتسون صفوفكم او

که بیرون بود سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا [illegible] برابر کنید صفهای خود را یا

ليخالفن الله بين وجوهكم رواه مسلم وعن عائشة

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا در میان روهای شما روایت کرد مسلم [illegible] و روایت است از عائشه

رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا

وملائكته يصلون على ميامن الصفوف وعن ابي امامة

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست از صفوف و از ابی امامه روایت است

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا تعالی

وملائكته يصلون على الصف الاول قالوا يا رسول الله وعلى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثاني قال ان الله وملائكته يصلون على الصف الاول قالوا يا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رسول الله وعلى الثاني قال ان الله وملائكته يصلون على الصف [illegible]

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او [illegible] صف

الاول قالوا یا رسول الله وعلی الصف الثانی قال وعلی الثانی وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم سووا صفوفکم وحاذوا بین

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را برابر کنید میان

مناکبکم ولینوا فی ایدی اخوانکم وسدوا الخلل فان الشیطان

دوشهای خود و نرمی کنید و پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

یدخل فیما بینکم بمنزلة الحذف یعنی اولاد الضان الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف و حذف ... بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضی الله تعالی عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد وا از ابن عمر روایت است رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم اقیموا الصفوف وحاذوا بین المناکب وسدوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابر کنید در میان دوشها و بخود و بندید

الخلل ولینوا بایدی اخوانکم ولا تذروا فرجات الشیطان ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابو داود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا تعالی و کسیکه ببرد و ... صف را ببرد و دور انداز داو را خدا تعالی روایت کرد ابو داود

وعن عائشة رضی الله تعالی عنها قالت قال رسول الله صلی الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

علیه وسلم لا یزال قوم یتاخرون عن الصف الاول حتی یؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می مانند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله فی النار رواه ابو داود وعن ابی هریرة رضی الله تعالی عنه

خدا تعالی در آتش روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اما يخشى الذي يرفع رأسه

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا نمی ترسد آنکس که بردارد سر خود را

قبل الامام ان يحول الله رأسه رأس حمار متفق عليه وعن انس

پیش از امام از اینکه بگرداند خدا تعالی سر او را بسوی سر خر متفق علیه است و از انس رضی الله عنه مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رصوا صفوفكم وقاربوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بپیوسته دارید و استوار کنید صفهای خود را و نزدیک کنید

بينها وحاذوا بالاعناق فوالذي نفسي بيده اني لارى الشيطان

میان صفها و برابر کنید گردنها را پس سوگند بخدا آنکه ذات من بدست او است بدرستیکه من میبینم شیطان را

يدخل من خلل الصف كانها الحذف رواه ابو داود وعنه

که در می آید از رخنه صف گویا آن شیطان بچه میش است روایت کرد ابو داود و روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير

ابوهریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین

صفوف الرجال اولها وشرها آخرها وخير صفوف النساء آخرها

صفهای مردان اولین آنها است و بدترین صفهای مردان پسین آنها است و بهترین صفهای زنان پسین آنها است

وشرها اولها رواه مسلم وعن ابي سعيد الخدري

و بدترین صفهای زنان پیشترین آنها روایت کرد مسلم و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم في اصحابه تأخرا

رضی الله عنه مروی است که دید پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در یاران خود پس ماندن را از صفهای نماز

فقال لهم تقدموا وائتموا بي وليأتم بكم من بعدكم لا يزال

پس گفت مر ایشان را پیش آیید و اقتدا کنید بمن و باید که اقتدا کنند بشما کسیکه پس ایستاده است همیشه اند

قوم يتأخرون حتى يؤخرهم الله رواه مسلم وعن ابي مسعود

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می اندازد ایشان را خدا تعالی از ثواب عظیم روایت کرد مسلم و روایت است از ابی مسعود

ابو مسعود انصاری رضی الله تعالی عنه قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم

بود که رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

یمسح مناکبنا فی الصلوة ویقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

که مسح میکرد دوشهای ما را در نماز و میفرمود که برابر باشید و اختلاف نکنید پس مختلف گردد

قلوبکم لیلینی منکم اولو الاحلام والنهی ثم الذین یلونهم

دلهای شما باید که نزدیک من شوند صاحبان عقل از شما خداوندان بلوغ و عقل در صف اول پس آنکسانی که نزدیک باشند بایشان

ثم الذین یلونهم قال ابو مسعود فانتم الیوم اشد اختلافا

پس آنکسانی که قریب باشند بایشان گفت ابو مسعود انصاری رضی پس شما امروز سخت ترید از روی اختلاف

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضی الله تعالی عنه قال کان

رواه مسلم در روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان الله وملئکته یصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

علی الذین یلون الصفوف الاول وما من خطوة احب

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

الی الله من خطوة یمشیها یصل بها صفا رواه ابو داود

بسوی خدا از گامی که میرود روی که پیوند دهد بآن صف را روایت کرده ابو داود

باب السترة واثر المرور بین یدی المصلی

باب در احکام چیزی که واجب است در پیش سترة و گناه گذشتن از روبروی نماز گزارنده

عن طلحة بن عبید الله قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

روایت است از طلحه بن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدکم بین یدیه مثل مؤخرة الرحل فلیصل ولا یبال

هرگاه بنهد یکی از شما پیش روی خود مانند چوب پالان شتر پس نماز گزارد و باک ندارد از کسی که بگذرد

من مر وراء ذلك رواه مسلم وعن ابي جهيم رضي

ببرابر ان ستره روایت کرد اینرا مسلم و روایتست از ابی جهیم رضی الله

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم المار بين يدي المصلي

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم اگر بداند گذرنده پیش نمازگزار

ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له من ان يمر بين يديه قال

که چه گناه است برو هر آینه باستادن ایستادن چهل بهتر مر او را از گذشتن پیش او گفت

ابو النضر لا ادري اقال اربعين يوما او شهرا او سنة متفق عليه

ابو النضر که یکی از راویانست نمیدانم که گفت چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال متفق علیه

وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایتست از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم اذا صلى احدكم فليجعل تلقاء وجهه شيئا فان لم يجد فلينصب

و سلم چون نماز گزارد یکی از شما پس باید که بگرداند در مقابل روی خود چیزی را پس اگر نیابد چیزی پس باید که نصب کند

عصاه فان لم يكن معه عصا فليخطط خطا ثم لا يضره ما مر

عصای خود را پس اگر نباشد با وی عصا پس باید که بکشد خطی را پس زیان نکند او را آنچه بگذرد

امامه رواه ابو داود وابن ماجة وعن ابي سعيد رضي الله

پیش او روایت کرد اینرا ابو داود و ابن ماجه و روایتست از ابی سعید رضی الله

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقطع الصلاة شيء

تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نمی برد نماز را چیزی

وادرؤوا ما استطعتم فانما هو شيطان رواه ابو داود وعن

و دفع کنید گذرنده را آنچه توانید پس جز این نیست که آن گذرنده شیطانست روایت کرد اینرا ابو داود و روایتست از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم احدكم

ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم اگر بداند یکی از شما

مَا لَهُ فِي أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْ أَخِيهِ مُعْتَرِضًا فِي الصَّلٰوةِ كَانَ لَأَنْ يُقِيمَ

اگر بداند گذرنده ... از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَيْرًا لَهُ مِنَ الْخُطْوَةِ الَّتِي خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامی که میزند آنرا رواه ابن ماجه و از

كَعْبِ الْأَحْبَارِ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا

کعب احبار مرویست گفت اگر بداند گذرنده از پیش مصلی آنچه بر او ست

عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يُخْسَفَ بِهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ

از گناه هر آینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن در پیش

يَدَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ أَهْوَنُ عَلَيْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلی و در روایتی این لفظ یعنی آسانتر است بر او رواه مالک

بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنتهاست

عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعت بنا کرده شود برای وی خانه

فِي الْجَنَّةِ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

در بهشت چهار رکعت سنت پیش از نماز پیشین و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلٰوةِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعت پیش از نماز صبح رواه ترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و از عایشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ركعتا الفجر خير من الدنيا وما فيها رواه مسلم وعن
علیه وسلم دو رکعت سنت فجر بهتر است از عالم سفلی و هر چه در ویست رواه مسلم و از
ابن عمر رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم لا يصلي بعد
ابن عمر رضی الله عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که نمیکرد بعد از نماز
الجمعة حتى ينصرف فيصلي ركعتين في بيته متفق عليه وعن
جمعه تا آنکه برگشت از نماز پس میگذارد دو رکعت در خانه خود متفق علیه و مرویست از
أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان
ابوهریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بوده است
منكم مصليا بعد الجمعة فليصل أربعا رواه مسلم وعن ابن عمر رضي الله
از شما نماز گذارنده بعد از جمعه پس باید که بگذارد چهار رکعت رواه مسلم و از ابن عمر رضی الله
تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله امرءا صلى
تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم رحمت کند خدا آنچنان مردی را که بگزارد
قبل العصر أربعا رواه أحمد والترمذي وأبو داود وعن عائشة رضي
پیش از نماز عصر چهار رکعت رواه احمد ترمذی و ابوداود و روایت است از عایشه
الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى بعد المغرب
الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگزارد بعد از نماز مغرب
عشرين ركعة بنى الله له بيتا في الجنة رواه الترمذي وعن
بیست رکعت را بنا کند خدا برای وی خانه در بهشت رواه ترمذی و روایت است از
مكحول يبلغ به أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى بعد المغرب
مکحول میرساند حدیث را با آنحضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگزارد بعد از مغرب
قبل أن يتكلم ركعتين وفي رواية أربع ركعات رفعت صلوته
پیش از آنکه تکلم کند دو رکعت و در روایتی آمده است که بگزارد چهار رکعت برداشته شود نماز او

فى عليين مرسلا وعن حذيفة نحوه وزاد فكان يقول

در عليين از روى مرسل واز حذيفه رض مانند اين حديث زياده كرد امام است اين عبارت پس بود كه ميگفت آنحضرت

عجلوا الركعتين بعد المغرب فانهما ترفعان مع المكتوبة رواهما

شتابى كنيد دو ركعت را كه بعد مغرب اند زيرا كه اين دو ركعت برداشته ميشوند بعليين با فرض روايت كرد هردو را

رزين وروى البيهقى الزيادة عنه نحوها فى شعب الايمان

رزين و روايت كرد بيهقى زيادت را از حذيفه مانند آن در شعب ايمان

باب صلوة التهجد والتحريض على قيام الليل

باب در بيان احاديثيكه درباب فضيلت نماز تهجد و تحريص بر قيام شب واقع شده

ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما

و بعضى شب بيدار باش بخواندن قرآن شب چيزى زياده براى تو قريب است كه ايستاده كند ترا پروردگار تو بمقامى

محمودا تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا

پسنديده دور ميشود پهلوى ايشان از خوابگاه ميخوانند پروردگار خود را بترس از عذاب و اميد رحمت

ومما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قرة اعين

و از آنچه روزى داده ايم ايشانرا خرج ميكنند پس نميداند هيچ نفس چه چيز پنهان داشته شده است براى ايشان از خنكى چشم

جزاء بما كانوا يعملون وعن اسماء بنت يزيد عن رسول الله

بپاداش آنچه ميكردند روايت است از اسماء بنت يزيد رض از پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال يحشر الناس فى صعيد واحد يوم القيامة

صلى الله عليه وسلم فرمود حشر كرده شوند مردم بصعيد واحد روز قيامت

فينادى مناد فيقول اين الذين كانت تتجافى جنوبهم عن المضاجع

پس ندا كند ندا كننده پس ميگويد كجا اند آنكسانيكه دور ميشد پهلوهاى ايشان از خوابگاههاى ايشان

فيقومون وهم قليل فيدخلون الجنة بغير حساب ثم يؤمر

پس برخيزند و حال آنكه ايشان اندك باشند پس در آيند به بهشت بغير حساب پس حكم كرده شود

يساقوا النّاس إلى الحساب رواه البيهقي في شعب الإيمان باب الحساب

سائر مردم را بحساب گردن رواه البيهقي در شعب الايمان باب حساب

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ينزل ربّنا

و از ابو هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تبارك وتعالى كلّ ليلة إلى السّماء الدّنيا حتّى يبقى ثلث اللّيل الآخر

که بزرگ بابرکت است و برتر است هر شب به آسمان دنیا تا آنکه باقی ماند ثلث شب آخر

يقول من يدعوني فأستجيب له من يسألني فأعطيه من يستغفرني

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او را کیست که درخواست کند از من تا بدهم او را کیست که آمرزش خواهد

فأغفر له متفق عليه وفي رواية لمسلم ثمّ يبسط يديه يقول

از من پس بیامرزم او را متفق علیه و در روایت مسلم آمده است پس باز میکند دو دست خود را و میگوید

من يقرض غير عدوم ولا ظلوم حتّى ينفجر الفجر وعن جابر

کیست که قرض دهد کسی را که نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا بشکافد صبح و از جابر مرویست

رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إنّ

رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه

في اللّيل لساعة لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله خيرا من أمر الدّنيا

در شب آینه ساعتی است که موافق نمیشود مرد مسلمان را که سوال میکند خدا را چیزی از کار دنیا

والآخرة إلّا أعطاه الله إيّاه وذلك كلّ ليلة رواه مسلم وعن

و آخرت مگر آنکه میدهد خدای تعالی آنرا و این ساعت در هر شب است رواه مسلم و روایت است از

عبد الله بن عمرو رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أحبّ الصّلاة إلى الله تعالى صلاة داود وأحبّ الصّيام إلى الله

وسلم دوست ترین نمازها بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است و دوست ترین روزه بسوی خدا

صيام داود وكان ينام نصف الليل ويقوم ثلثه وينام سدسه ويصوم

روزه داود است و بود داود که خواب میکرد نصف شب و بر میخاست ثلث و خواب میکرد باز یکدانگ و روزه می داشت

يوما ويفطر يوما متفق عليه وعن ابي امامة رضي الله تعالى

یک روز و روزه نمیداشت یکروز متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عليكم بقيام الليل فانه

عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد برخاستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دأب الصالحين قبلكم وهو قربة لكم الى ربكم ومكفرة للسيئات

عادت نیکوکاران است که پیشتر از شما بودند و قیام لیل سبب نزدیکی شما است بسوی پروردگار شما و سبب پوشیدن است مر بدیها را

ومنهاة عن الاثم رواه الترمذي وعن ابي سعيد الخدري

و باز دارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثة يضحك

رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که میخندد

الله تعالى اليهم الرجل اذا قام بالليل يصلي والقوم اذا صفوا في

خدای تعالی برای ایشان یکی مردی که چون برخیزد برای نماز شب و دوم قوم چون صف بندند در

الصلاة والقوم اذا صفوا في قتال العدو رواه في شرح السنة

نماز سوم قومی که چون صف بندند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح السنة

وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يعقد الشيطان على قافية راس احدكم اذا هو نام ثلث

وسلم گره می بندد شیطان بر پس سر یکی از شما چون بخسپد او سه گره میکند

عقد يضرب على كل عقدة عليك ليل طويل فارقد فان استيقظ

میزند بر هر گره لازم گیر بر خود شب دراز است پس بخواب پس اگر بیدار شود

فذكر الله انحلت عقدة فان توضأ انحلت عقدة فان صلى انحلت

پس اگر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود

عقدة فاصبح نشيطا طيب النفس والا اصبح خبيث النفس كسلان

گرهی پس صبح کند نشاط مند پاک نفس و اگر بیدار نشود و ذکر نکند صبح میکند پلید نفس کاهل

متفق عليه وعن المغيرة قال قام النبي صلى الله عليه وسلم حتى

متفق علیه است و روایت است از مغیره رضی گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نماز شب

تورمت قدماه فقيل له لم تصنع هذا وقد غفر لك ما تقدم من

تا آنکه آماسید قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که چرا چنین میکنی این همه ریاضت و حال آنکه آمرزیده شد مر ترا آنچه از گناه

ذنبك وما تأخر قال افلا اكون عبدا شكورا متفق عليه وعن

آنچه پیش رفته و آنچه پس مانده فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از

ابن مسعود رضي الله تعالى عنه قال ذكر عند النبي صلى الله عليه وسلم

ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزدیک پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

رجل فقيل له مازال نائما حتى اصبح ما قام الى الصلوة قال ذلك رجل

مردی پس گفته شد مر او را که مستمر ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آن مردیست که

بال الشيطان في اذنيه او قال في اذنه متفق عليه وعن عمرو بن

گمیز کرد شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در دو گوش او متفق علیه و از عمرو بن

عبسة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اقرب ما يكون الرب من

عبسه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده

العبد في جوف الليل الآخر فان استطعت ان تكون ممن يذكر الله

میانه شب است در جانب آخر پس اگر بتوانی که باشی تو ای عمرو از جماعت که یاد میکنند خدا را

في تلك الساعة فكن رواه الترمذي وعن ابي هريرة قال قال

در آن ساعت پس باش تو از آن رواه ترمذی ست و از ابی هریره رضی گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله رجلا قام من الليل فصلى وايقظ

گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بیامرزاد خدا شخصی را که برخاست نماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

امرأته فصلت فان ابت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت

زن خود را پس نماز گذارد آن زن پس اگر انکار کند بپاشد در روی آن زن آب را بیامرزاد خدا شخصی را که برخاست

من الليل فصلت وايقظت زوجها فصلى فان ابى نضحت في وجهه

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد آن مرد پس اگر سر باز زند آن مرد بپاشد آن زن در روی او

الماء رواه ابو داود والنسائي وعن ابي امامة رضي الله تعالى عنه

آب را روایت کرده ابو داود و النسائی و از ابی امامه رضی الله تعالی عنه مرویست

قال قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اي الدعاء اسمع قال جوف الليل

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کدامین دعا مقبول‌تر است گفت دعا در میان شب

الآخر ودبر الصلوات المكتوبات رواه الترمذي وعن ابي مالك

آخر شد و پس نمازهای فرض که شامل است عامه را روایت کرده ترمذی و از ابی مالک

الاشعري رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها اعدها

بدرستیکه در بهشت غرفهاست که دیده میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از غایت لطافت و صفا آماده گردانیده است

الله لمن الان الكلام واطعم الطعام وتابع الصيام وصلى بالليل

خدا آنها را برای کسیکه نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پیاپی دارد روزه را و نماز گذارد بشب

والناس نيام رواه البيهقي في شعب الايمان وروى الترمذي

و حالیکه مردم در خواب باشند روایت کرده بیهقی در شعب ایمان و روایت کرده ترمذی

عن علي نحوه وفي روايته لمن اطاب الكلام وعن عبد الله

از علی رضی الله عنه مانند آن و در روایت اوست طیب کلام یعنی لین کلام و از عبد الله

بن عمرو بن العاص رضي الله تعالى عنه قال لي رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنه مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يا عبد الله لا تكن مثل فلان كان يقوم من الليل فترك قيام

وسلم ای عبد الله مباش مانند فلان بود وی که برمیخواست نماز شب پس ترک کرد

الليل متفق عليه وعن عثمان بن أبي العاص رضي الله تعالى عنه

شب را متفق علیه و روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی الله تعالی عنه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كان لداود عليه

گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم میفرمود بود داود علیه

السلام من الليل ساعة يوقظ فيها أهله يقول يا آل داود قوموا فصلوا

السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اهل خود را میگفت ای عیال داود برخیزید پس نماز کنید

فإن هذه ساعة يستجيب الله عز وجل فيها الدعاء إلا لساحر أو

زیرا که بتحقیق این ساعتیست که قبول میکند خدا تعالی درو دعا را مگر ساحر را

عشار رواه أحمد وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال سمعت

و عشر ستاننده را رواه احمد و از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول أفضل الصلوة بعد الفريضة صلوة

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میفرمود افزونترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض

في جوف الليل رواه أحمد وعنه قال جاء رجل إلى النبي صلى الله

درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی الله

عليه وسلم فقال إن فلانا يصلي بالليل فإذا أصبح سرق فقال إنه

علیه وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت

سينهاه ما تقول رواه أحمد والبيهقي في شعب الإيمان وعن

باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیهقی در شعب الایمان و از

أبي سعيد وأبي هريرة رضي الله تعالى عنهما قالا قال رسول الله صلى الله
ابی سعید وابی هریره رضی الله عنهما گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم إذا أيقظ الرجل أهله من الليل فصليا أو صلى ركعتين جميعا
علیه وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را یا را در شب پس بگذارند دو رکعت هر دو یا هر یکی دو رکعت را همه
كتبا في الذاكرين والذاكرات رواه أبو داود وابن ماجة وعن
نوشته میشوند هر دو در حلقه مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواه ابو داود وابن ماجه و مروی است از
ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أشراف أمتي
ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگ قدران است من
حملة القرآن وأصحاب الليل رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن
بردارندگان قرآن یعنی حافظان و شب خیزندگان آن در نماز رواه بیهقی در شعب الایمان و مروی است از
ابن عمر أن أباه عمر بن الخطاب كان يصلي من الليل ما شاء الله
ابن عمر رضی الله عنه مروی است که پدرش عمر بن الخطاب بود نماز شب میکرد و آنچه مقدار از شب که خواستی خدا
حتى إذا كان من آخر الليل أيقظ أهله للصلاة يقول لهم الصلاة ثم
تا آنکه چون میشد آخر شب بیدار میکرد اهل خود را برای نماز شب میگفت اهل خود را که وقت نماز است بگذارید نماز را پس
يتلو هذه الآية وأمر أهلك بالصلاة واصطبر عليها لا نسألك
میخواند این آیه را بفرما اهل خود را بنماز و شکیبائی کن در صبر کردن به نماز نمی طلبیم از تو
رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى رواه مالك وعن عبد الله
رزق را ما روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان راست رواه مالک و از عبد الله
بن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب ربنا من رجلين
بن مسعود مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد
رجل ثار عن وطائه ولحافه من بين حبه وأهله إلى صلاته فيقول
مردیکه برجست از فرش نرم خود و از لحاف خود برجست از میان محبوبه اهل خود بسوی نماز پس میگوید

الله لملائكته انظروا الى عبدي ثار عن فراشه ووطائه من بين

خداتعالی فرشتگان خود را نگاه کنید بسوی بنده من که برخاست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حبه وأهله الى صلاته رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي ورجل غزا

[illegible]

في سبيل الله فانهزم مع أصحابه فعلم ما عليه في الانهزام وما له في الرجوع

[illegible]

فرجع حتى اهريق دمه فيقول الله لملائكته انظروا الى

[illegible]

عبدي رجع رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي حتى اهريق دمه

[illegible]

رواه في شرح السنة. باب صلاة الضحى وعن ابي ذر

روایت کرد در شرح السنة باب نماز چاشت

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يصبح على كل سلامى من

[illegible]

احدكم صدقة فكل تسبيحة صدقة وكل تحميدة صدقة وكل تهليلة

[illegible]

صدقة وكل تكبيرة صدقة وأمر بالمعروف صدقة ونهي عن

[illegible]

المنكر صدقة ويجزئ من ذلك ركعتان يركعهما من الضحى

[illegible]

رواه مسلم وعن ابي الدرداء وابي ذر رضي الله تعالى عنهما

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالی عنهما

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند هردو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

که فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بسنده و کارگذاری میکنم ترا در آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

روایت کرد ترمذی و روایت کرد ابو داود و الدارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی و احمد از همه و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلثمائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

و شصت بند است پس بر او است که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

و چیزی که دور کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسندگی میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد ابو داود و روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز ضحی را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجه وعن

کوشکی از طلا در بهشت روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

مُعَاذِ بْنِ اَنَسٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

معاذ بن انس جهنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم هرکه

قَعَدَ فِيْ مُصَلَّاهُ حِيْنَ يَنْصَرِفُ مِنْ صَلٰوةِ الصُّبْحِ حَتّٰى يُسَبِّحَ رَكْعَتَيِ

بنشیند در جای نماز خویش که بر گردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت

الضُّحٰى لَا يَقُوْلُ اِلَّا خَيْرًا غُفِرَ لَهٗ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ اَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ

چاشت را که نگوید مگر سخن نیک را آمرزیده شود مراو را گناهان او را اگرچه باشد مانند کف دریا در بسیاری

رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ

رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَافَظَ عَلٰى شُفْعَةِ الضُّحٰى غُفِرَتْ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه محافظت کند بر دو رکعت ضحی آمرزیده شود

لَهٗ ذُنُوْبُهٗ وَاِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

مراو را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا اَنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّي الضُّحٰى

ماجه و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را

ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ تَقُوْلُ لَوْ نُشِرَ لِيْ اَبَوَايَ مَا تَرَكْتُهَا رَوَاهُ مَالِكٌ

هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کرده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم رواه مالک

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي الضُّحٰى حَتّٰى نَقُوْلَ لَا يَدَعُهَا وَيَدَعُهَا حَتّٰى نَقُوْلَ

علیه وسلم که میگذارد چند گاه نماز چاشت را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد او را و ترک میکرد او را تا آنکه میگفتیم

لَا يُصَلِّيْهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هرگز نخواهد گذارد و آنرا رواه ترمذی

باب التطوع

باب در بیان احادیثی که در نوافل وارد است

عن جابر رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه

روایت است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يعلمنا الاستخارة في الامور كما يعلمنا السورة من القرآن

وسلم می‌آموخت ما را استخاره را در کار ها چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يقول اذا هم احدكم بالامر فليركع ركعتين من غير الفريضة

میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را غیر از فرض

ثم ليقل اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك

پس باید که بگوید خدایا طلب خیر میکنم از تو بعلم تو و طلب قدرت میکنم از تو بقدرت تو

واسئلك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم

و میخواهم از فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی

ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم ان هذا

و من نمیدانم و تو دانندهٔ پوشیده ها را خدایا اگر هستی تو که میدانی این

الامر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال في عاجل

کار بهتر است مرا در دین من و در زندگانی من و در پایان کار من یا گفت آنحضرت در حال

امري واجله فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه وان كنت

کار من و در آینده پس تقدیر کن او را برای من و آسان گردان برای من پس برکت ده مرا در آن و اگر

تعلم ان هذا الامر شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال

میدانی که این کار بد است مرا در دین من و زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

في عاجل امري واجله فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير

در این حال و در آینده پس بگردان آنرا از من و بگردان مرا از آن و تقدیر کن مرا خیر را

حيث كان ثم أرضني به قال ويسمي حاجته رواه البخاري وعن

هر جا که باشد بستر راضی گردان مرا بدان گفت آنحضرت یاد آرد نام بر و حاجت را روایت کرد بخاری و روایت است از

علي رضي الله عنه قال حدثني أبو بكر وصدق أبو بكر رضي الله عنه قال

علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابوبکر و راست گفت ابوبکر رضی الله عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من رجل يذنب ذنبا

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را

ثم يقوم فيتطهر ثم يصلي ثم يستغفر الله إلا غفر الله له ثم قرأ

پس برخیزد پس طهارت کند پس نماز گزارد پس آمرزش خواهد از خدا مگر آمرزد خدا مر او را پس خواند

والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا

آنحضرت این آیه را آنانکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانها یاد میکنند خدا را پس طلب آمرزش

لذنوبهم رواه الترمذي وابن ماجة إلا أن ابن ماجة لم يذكر الآية

مر گناهان ایشان را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه مگر آنکه ابن ماجه ذکر نکرد آیه را

وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فدعا بلالا فقال بما سبقتني إلى الجنة ما دخلت الجنة قط إلا سمعت

پس طلب کرد بلال را پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا بسوی بهشت نه درآمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم

خشخشتك أمامي قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذنت قط

آواز نعلین ترا گفت بلال ای فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم اذان نگفتم هرگز

إلا صليت ركعتين وما أصابني حدث قط إلا توضأت عنده ورأيت

مگر آنکه گزاردم دو رکعت را بعد از آن و نرسید بمن حدثی هرگز مگر آنکه وضو ساختم نزد آن و اعتقاد کردم

أن لله علي ركعتين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بهما رواه الترمذي

که مر خدا راست بر من دو رکعت پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو رکعت یافتی روایت کرد ترمذی

وعن ابن عباس أنّ النبيّ صلّى الله عليه وسلّم قال للعبّاس ابن

روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم گفت مر عباس ابن

عبد المطّلب يا عبّاس يا عمّاه ألا أعطيك ألا أمنحك ألا أخبرك

عبد المطلب را ای عباس ای عم من آیا ندهم ترا آیا نه بخشم ترا آیا خبر ندهم ترا

ألا أفعل بك عشر خصال إذا أنت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك أوّله

آیا نکنم بتو ده خصلت چون تو بکنی آنرا بیامرزد خدای تعالی ترا گناه ترا که پیش از آن کردی

وآخره قديمه وحديثه خطأه وعمده صغيره وكبيره سرّه وعلانيته

و پسان پس کهنه را و نو را گناه آن که بقصد کرده و بی قصد کرده و گناهان خرد و کلان پوشیده و آشکارا

أن تصلّي أربع ركعات تقرء في كلّ ركعة فاتحة الكتاب وسورة فإذا

آنکه ادا کنی چهار رکعت نماز را بخوانی در هر رکعت سوره فاتحه را و سوره دیگر پس چون

فرغت من القراءة في أوّل ركعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله

فارغ شوی از قراءة در اول رکعت و حال آنکه تو ایستاده ای بگوئی این کلمات را

ولا إله إلّا الله والله أكبر خمس عشرة مرّة ثمّ تركع فتقولها وأنت راكع

پانزده بار پس رکوع کنی و بگوئی این کلمات را و حال آنکه تو در رکوعی

عشرا ثمّ ترفع رأسك من الركوع فتقولها عشرا ثمّ تهوي ساجدا

ده بار بعد از سبحان ربی العظیم پس برداری سر خود را از رکوع پس بگوئی این کلمات را ده بار پس سجده کنی

فتقولها وأنت ساجد عشرا ثمّ ترفع رأسك من السجود فتقولها

پس بگوئی آنرا و حال آنکه تو در سجده باشی ده بار پس برداری سر خود را از سجده و بگوئی آنرا

عشرا ثمّ تسجد فتقولها عشرا ثمّ ترفع رأسك فتقولها عشرا

ده بار پس سجده کنی پس بگوئی آنرا ده بار پس برداری سر خود را پس بگوئی آنرا ده بار

فذلك خمس وسبعون في كلّ ركعة تفعل ذلك في أربع ركعات

پس این مجموع آن هفتاد و پنج بار میشود در هر رکعت بکنی آنرا در چهار رکعت

إن استطعت أن تصليها في كل يوم مرة فافعل فإن لم تفعل

اگر میتوانی که بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر هفته

ففي كل جمعة مرة فإن لم تفعل ففي كل شهر فإن لم تفعل

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

ففي كل سنة مرة فإن لم تفعل ففي عمرك مرة رواه أبو داود وابن ماجة

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار روایه ابو داود و ابن ماجه

والبيهقي في الدعوات الكبير وروى الترمذي عن أبي رافع نحوه وعن

و بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع نحو آن و از

أبي أمامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذن الله لعبد في

ابی امامه رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گوش ننهد خدا برای بنده در

شيء أفضل من ركعتين يصليهما وإن البر ليذر على رأس العبد

چیزی که فاضلتر است از دو رکعت که بگذارد آنها را و بدرستیکه نیکی و رحمت نثار کرده شود بر سر بنده

ما دام في صلوته وما تقرب العباد إلى الله بمثل ما خرج منه

مادام که بنده در نماز خود است و نزدیکی نجستند بندگان بسوی خدا با مثل چیزی که بیرون آمده از خدا یعنی

يعني القرآن رواه أحمد والترمذي

که قرآنست روایه احمد و ترمذی

باب الجمعة

باب در بیان جمعه

يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا إلى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس بشتابید بسوی

ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون فإذا قضيت

یاد کردن خدا و بگذارید بیع و فروختن را این بهتر است شما را اگر هستید که دانید پس چون تمام کرده شد

الصَّلوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا

نماز پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا را و یاد کنید خدا را بسیار

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

تا شما رستگار شوید مروی است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بَيْدَ أَنَّهُمْ

صلی الله علیه وسلم ما پسینیانیم در دنیا پیشینیانیم روز آخرت در شرف جز این نیست که اهل کتاب

أُوتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِنَا وَأُوتِينَاهُ مِنْ بَعْدِهِمْ ثُمَّ هٰذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ

داده شدند کتاب را پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری است که فرض کرده

عَلَيْهِمْ يَعْنِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ فَهَدَانَا اللّٰهُ لَهُ وَالنَّاسُ لَنَا فِيهِ

بر ایشان مراد این روز جمعه است پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدای تعالی آن روز را و مردم یعنی یهود و نصاری

تَبَعٌ الْيَهُودُ غَدًا وَالنَّصَارَىٰ بَعْدَ غَدٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

یهود فردای جمعه که شنبه است و نصاری پس فردا که یکشنبه است متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه بر آمد بروی آفتاب

يَوْمُ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا وَلَا تَقُومُ

روز جمعه است در وی پیدا کرده شد آدم علیه السلام و درین روز درآورده شد آدم در بهشت و درین روز برآورده شد آدم از بهشت و برپا نمیشود

السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مسلم وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

قیامت مگر در روز جمعه و مرویست ازوی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آینه ساعتی است که موافق نمیشود او را بنده مسلمان

يَسْأَلُ اللّٰهَ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَزَادَ مُسْلِمٌ قَالَ وَهِيَ

در حالیکه سوال میکند خدا را در آن ساعت نیکی مگر آنکه میدهد خدای تعالی آن بنده را آن نیکی متفق علیه و زیاده کرده است مسلم این عبارت که گفت

ساعة خفيفة وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال خرجت إلى الطور

ساعتی سبک کوتاه و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فلقيت كعب الأحبار فجلست معه فحدثني عن التوراة وحدثته

پس ملاقات کردم کعب احبار را پس نشستم با وی پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فكان فيما حدثته أن قلت قال

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس يوم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بر وی آفتاب روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه أهبط وفيه تيب عليه وفيه مات

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و در آن روز فرود آورده شد و در آن روز رجوع برحمت کرده شد بر وی و در آن روز مرد

وفيه تقوم الساعة وما من دابة إلا وهي مصيخة يوم الجمعة

و در آن روز برپا شود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

من حين تصبح حتى تطلع الشمس شفقا من الساعة إلا الجن و

از وقتیکه صبح میکنند تا آنکه بر آید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پری و

الإنس وفيه ساعة لا يصادفها عبد مسلم وهو يصلي يسأل

آدمیان و در آن روز جمعه ساعتی است که نمی یابد او را بنده مسلم در حال آنکه او نماز گزارد و دعا میکند میخواهد

الله شيئا إلا أعطاه إياه وقال كعب ذلك في كل سنة يوم

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند آن چیز را بوی گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی روزی است از روزها جمعه است

فقلت بل في كل جمعة فقرأ كعب التوراة فقال صدق

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریت را پس گفت کعب راست گفته است

رسول الله صلى الله عليه وسلم الحديث رواه مالك وأبو داود

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایت کرد مالک و ابو داود

والتِّرمِذِيُّ وَالنَّسَائِي وَأحمَدُ إلَى قَولِهِ صَدَقَ كَعبٌ وَعَن أنَسٍ

و ترمذی و نسائی و احمد در روایت است از انس

رَضِيَ اللهُ تَعَالىٰ عَنهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ التَمِسُوا

رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طلب کنید

السَّاعَةَ الَّتِي تُرجَىٰ فِي يَومِ الجُمُعَةِ بَعدَ العَصرِ إلَى غَيبُوبَةِ الشَّمسِ

ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب

رَوَاهُ التِّرمِذِيُّ وَعَن أوسِ بنِ أوسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

روایه ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ إنَّ مِن أفضَلِ أيَّامِكُم يَومَ الجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ

صلی الله علیه و سلم بدرستیکه از فاضل ترین روزهای شما روز جمعه است که در وی پیدا کرده شد

آدَمُ وَفِيهِ قُبِضَ وَفِيهِ النَّفخَةُ وَفِيهِ الصَّعقَةُ فَأكثِرُوا عَلَيَّ

آدم و در وی قبض کرده شد جان او و در وی نفخه است و در وی صعقه است پس بسیار کنید بر من

مِنَ الصَّلوٰةِ فِيهِ فَإنَّ صَلوٰتَكُم مَعرُوضَةٌ عَلَيَّ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

درود فرستادن درین روز زیرا که بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند ای پیغمبر خدا

وَكَيفَ تُعرَضُ صَلوٰتُنَا عَلَيكَ وَقَد أرِمتَ قَالَ يَقُولُونَ بَلِيتَ

و چگونه عرض کرده شود درود ما بر تو و حال آنکه پوسیده شده تو گفت راوی میگویند صحابه بلفظ ارمت میخواهند بلیت یعنی کهنه شده

قَالَ إنَّ اللهَ حَرَّمَ عَلَى الأرضِ أجسَادَ الأنبِيَاءِ رَوَاهُ أبُو دَاوُدَ

گفت آنحضرت که خدا تعالی حرام گردانید بر زمین تنهای پیغمبران را رواه ابو داود

وَالنَّسَائِي وَابنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَالبَيهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الكَبِيرِ وَعَن

و نسائی و ابن ماجه و دارمی و بیهقی در دعوات کبیر در روایت است از

أبِي هُرَيرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ اليَومُ المَوعُودُ يَومُ

ابی هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم که مراد بیوم موعود روز

الْقِيٰمَةِ وَالْيَوْمُ الْمَشْهُوْدُ يَوْمُ عَرَفَةَ وَالشَّاهِدُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَمَا طَلَعَتْ

قیامت است ومراد بیوم مشهود عرفه است ومراد بشاهد روز جمعه است ونه طلوع کرد

الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلٰى يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْهُ فِيْهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ

آفتاب ونه غروب کرد بر روزی که فاضل تر از روز جمعه باشد درایں روز ساعتی است که موافق نشود آنرا هیچ بنده

مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللّٰهَ بِخَيْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللّٰهُ لَهُ وَلَا يَسْتَعِيْذُ مِنْ شَيْءٍ

مومن که دعا کند خدا را بخیری مگر آنکه قبول کند خدا ازینکه دعا اورا ونه پناه بجوید از چیزی بد

إِلَّا أَعَاذَهُ مِنْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِيْ لُبَابَةَ ابْنِ

مگر آنکه پناه دهد خدا اورا از وے رواه احمد وترمذی ودر روایت است از ابی لبابة ابن

عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه روز جمعه

سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَأَعْظَمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَهُوَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحٰى

بهتر روزهاست وبزرگترین روزهاست نزد خدا تعالی وروز جمعه بزرگ تر است نزد خدا از روز عید قربان

وَيَوْمِ الْفِطْرِ فِيْهِ خَمْسُ خِلَالٍ خَلَقَ اللّٰهُ فِيْهِ آدَمَ وَأَهْبَطَ اللّٰهُ فِيْهِ

وعید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا تعالی آدم را درو وآورد خدا درانروز

آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ وَفِيْهِ تَوَفَّى اللّٰهُ آدَمَ وَفِيْهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ

آدم را بسوی زمین ودروی بمیرانید خدا تعالی آدم را ودروے ساعت است که نطلبد

الْعَبْدُ فِيْهَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَامًا وَفِيْهِ تَقُوْمُ السَّاعَةُ

بنده دروی چیزی را مگر آنکه بدهد خدا اورا مادام که نطلبد چیزی را که حرام است ودر روز جمعه برپا شود قیامت

مَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا رِيَاحٍ وَلَا جِبَالٍ

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده ونه آسمانی ونه زمینی ونه بادها ونه کوهها

وَلَا بَحْرٍ إِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

ونه دریاها مگر آنکه وے ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه ودر روایت است از

أبي هريرة قال قيل للنبي صلى الله عليه وسلم لأي شيء سمي يوم

ابی هریره گفت گفته شد مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که از چه چیز نامیده شد روز

الجمعة قال لأن فيها طبعت طينة أبيك آدم وفيه الصعقة

جمعه گفت زیرا که در جمعه سرشته شد گل پدر تو آدم و در روز جمعه هلاک شدن جانوران است

والبعثة وفيها البطشة وفي آخر ثلث ساعات منها ساعة

و برانگیختن است و در وی گرفتن سخت است و در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

من دعا الله فيها استجيب له رواه أحمد وعن عبد الله بن عمرو

که هر که بخواند خدا را در آن ساعت قبول کرده شود دعای او رواه احمد و روایت است از عبد الله بن عمرو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من مسلم يموت يوم

گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الجمعة أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله فتنة القبر رواه أحمد

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدا تعالی از عذاب قبر رواه احمد

والترمذي وعن ابن عباس رضي الله عنه أنه قرأ اليوم

والترمذی و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه وی خواند این آیت را

أكملت لكم دينكم الآية وعنده يهودي فقال لو نزلت هذه

امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت که اگر فرود می آمد این

الآية علينا لاتخذناها عيدا فقال ابن عباس فإنها نزلت في

آیت بر ما هر آینه میگرفتیم ما نزول این آیت را روز نزول را عید پس گفت ابن عباس بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

يوم عيدين في يوم جمعة ويوم عرفة رواه الترمذي وعن

روز دو عید در روز جمعه و در روز عرفه رواه ترمذی و روایت است از

أنس رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انس رضی الله عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا دخل رجب قال اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا

چون مى درآمد ماه رجب ميگفت خدا وندا افزونى ده ما را در خير در رجب و شعبان و برسان ما را

رمضان قال وكان يقول ليلة الجمعة ليلة أغر ويوم الجمعة

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت كه ميگفت شب جمعه شبى است سفيد . و روز جمعه

يوم أزهر رواه البيهقي في الدعوات الكبير وعن سلمان

روزيست سفيد و روشن روايت كرد بيهقى در دعوات كبير و روايت است از سلمان

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يغتسل

رضى الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم غسل نكند

رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من طهر ويدهن من دهنه

مردى روز جمعه براى نماز جمعه و مبالغه نكند در پاكى آنقدر كه تواند از آنكه پاك و ... بمالد روغن از روغنها ...

أو يمس من طيب بيته ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين ثم يصلي

يا بمالد از بوى خوش كه در خانه وى باشد پس بيرون آيد پس جدا نكند ميان دو كس پس نماز گذارد

ما كتب له ثم ينصت إذا تكلم الإمام إلا غفر له ما بينه و

آنچه تقدير كرده شده است براى وى از نوافل پيش از فرض پس خاموش نشيند وقتيكه خطبه خواند امام مگر آنكه آمرزيده شود مر او را گناهان ميان او

بين الجمعة الأخرى رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي

و ميان جمعه ديگر گذشت رواه البخارى و روايت است از ابى هريره رضى

الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه وضو كند

فأحسن الوضوء ثم أتى الجمعة فاستمع وأنصت غفر له ما بينه و

پس نيك كند وضو را پس بيايد جمعه را پس بشنود خطبه و خاموش نشيند آمرزيده شود آنچه گذشت ميان او

بين الجمعة وزيادة ثلاثة أيام ومن مس الحصا فقد لغا

و ميان جمعه و زياده سه روز و كسيكه مساس كند سنگريزه را پس بتحقيق لغو كرد

رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد مسلم [illegible] و از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا كان يوم الجمعة وقفت الملائكة على باب المسجد يكتبون

چون باشد روز جمعه ایستند فرشتگان بر در مسجد جمعه [illegible]

الأول فالأول ومثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة

[illegible]

ثم كالذي يهدي بقرة ثم كبشا ثم دجاجة ثم بيضة فإذا خرج

[illegible]

الإمام طووا صحفهم ويستمعون الذكر متفق عليه وعن

[illegible]

أبي سعيد وأبي هريرة قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

[illegible] گفتند فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من اغتسل يوم الجمعة ولبس من أحسن ثيابه ومس من طيب إن كان

[illegible]

عنده ثم أتى الجمعة فلم يتخط أعناق الناس ثم صلى

[illegible] نگذارد [illegible] گردن مردمان [illegible] نماز گذارد

ما كتب الله له ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلاته

[illegible]

كانت كفارة لما بينها وبين جمعته التي قبلها رواه أبو داود

[illegible] روایت کرد ابو داود

وعن أوس بن أوس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

[illegible] گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من غسل يوم الجمعة واغتسل وبكر وابتكر ومشى ولم يركب ودنا

[illegible] غسل کند [illegible] روز جمعه و خود غسل کند و بامداد به نماز رود و اول خطبه را دریابد و پیاده رود و سوار نشود [illegible]

من الإمام واستمع ولم يلغ كان له بكل خطوة عمل سنة أجر

[illegible]

صيامها وقيامها رواه الترمذي وأبو داود والنسائي وابن ماجه

[illegible]

[illegible] عبد الله بن سلام [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الله صلى الله عليه وسلم [illegible]

سوى ثوبي مهنته رواه ابن ماجه ورواه مالك [illegible]

[illegible] رواه ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از [illegible]

[illegible] عبيد بن السباق مرسلا قال قال رسول

[illegible] روایت است از عبید بن سباق [illegible] مرسل گفت [illegible]

الله صلى الله عليه وسلم في جمعة من الجمع يا معشر المسلمين إن هذا

[illegible] در روز جمعه از جمعها [illegible] که [illegible]

يوم جعله الله عيدا فاغتسلوا ومن كان عنده طيب فلا يضره

[illegible] که گروه [illegible] است [illegible] روز جشن [illegible]

أن يمس منه وعليكم بالسواك رواه مالك ورواه ابن ماجه

[illegible] سواک کنید رواه مالک و روایت کرد ابن ماجه

عنه وهو عن ابن عباس متصلا وعن البراء رضي الله عنه

[illegible] او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حقا على المسلمين ان يغتسلوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يوم الجمعة وليمس احدهم من طيب اهله فان لم يجد فالماء له

روز جمعه و باید که بمالد هر یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طيب رواه احمد والترمذي وعن سهل بن سعد رضي

طیب است رواه احمد و ترمذی و روایت است از سهل بن سعد ساعدی رضی

الله عنه قال ما كنا نقيل ولا نتغدى الا بعد الجمعة متفق عليه

الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است

وعن السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة اوله

و روایت است از سائب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی

اذا جلس الامام على المنبر على عهد رسول الله صلى الله عليه

وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم وابي بكر وعمر فلما كان عثمان وكثر الناس زاد النداء

و سلم و ابی بکر و عمر پس چون خلیفه شد عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثالث على الزوراء رواه البخاري وعن ابن عمر رضي الله

سیوم را بر مقام زورا روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی

عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخطب خطبتين كان يجلس اذا

عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بر می آمد

صعد المنبر حتى يفرغ اراه المؤذن ثم يقوم فيخطب ثم يجلس ولا يتكلم ثم

منبر را تا آنکه فارغ میشد گفت راوی گمان میبرم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن پس میخاست پس خطبه میخواند پس می نشست و تکلم نمیکرد پس

يقوم فيخطب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله عنه

میخاست پس خطبه میخواند روایت کرد ابو داود و روایت است از ابوهریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلٰى مَنْ اٰوَاهُ اللَّيْلُ اِلٰى اَهْلِهٖ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود جمعہ فرض است بر کسیکہ جای دہد او را شب بسوی خانہ وی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه الترمذی و روایت است از طارق بن شہاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلٰى كُلِّ مُسْلِمٍ فِيْ جَمَاعَةٍ اِلَّا

اللہ علیہ وسلم جمعہ حق واجب است بر ہر مسلمان در جماعت مگر

عَلٰى اَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوْكٍ اَوِ امْرَاَةٍ اَوْ صَبِيٍّ اَوْ مَرِيْضٍ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

بر چہار گروہ دیگر نباشد کہ در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چہارم بیمار رواہ ابوداود

بَابُ بَيَانِ اِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناہ ترک جمعہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود مر گروہی را کہ

يَتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ رَجُلًا يُصَلِّيْ بِالنَّاسِ

پس میمانند از نماز جمعہ ہر آئینہ بتحقیق قصد کردم من کہ بفرمایم مردی را کہ بگذارد نماز جمعہ را با مردم و امامت کند ایشان را

ثُمَّ اُحَرِّقَ عَلٰى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوْتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بسوزم بر سر مردانی کہ حاضر نمیشوند نماز جمعہ را خانہای ایشان را رواہ مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُوْرَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِيْ كِتَابٍ لَا يُمْحٰى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعہ را بی ضرورت نوشتہ میشود از جملہ منافقان در کتابی کہ محو کردہ نمیشود و نہ تغییر دادہ شود

وَفِيْ بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلَاثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و در بعضی روایات واقع شدہ است سہ بار ترک کند جمعہ را رواہ الشافعی و از جابر رض بدرستیکہ پیغمبر

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه

صلى الله عليه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس فرض است بر وی

الجمعة يوم الجمعة إلا مريض أو مسافر أو امرأة أو صبي أو مملوك

نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بنده

فمن استغنى بلهو أو تجارة استغنى الله عنه والله غني حميد

پس هر که بی نیاز شد از نماز جمعه بسبب بازی کردن یا بسوداگری بی نیاز گردد خدا تعالی از وی و خدای تعالی بی نیاز ستوده است

رواه الدارقطني وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة أنصت والإمام يخطب فقد لغوت

وقتیکه بگوئی مر یار خود را که خاموش باش روز جمعه خاموش باش حال آنکه امام خطبه میخواند پس تحقیق لغو گفتی

متفق عليه وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يقيمن أحدكم أخاه يوم الجمعة ثم يخالف إلى مقعده فيقعد

باید که بر نخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه پس برود بنشستگاه وی پس بنشیند

فيه ولكن يقول افسحوا رواه مسلم وعن سمرة بن جندب

در وی ولیکن گوید کشاده کنید جای را روایت کرد مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا الذكر وادنوا من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از

الإمام فإن الرجل لا يزال يتباعد حتى يؤخر في الجنة وإن دخلها

[illegible]

رواه أبو داود وعن سهل بن معاذ بن أنس الجهني عن أبيه

روایت کرد ابوداود و روایت است از معاذ بن انس جهنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته شود آنکس پلی بسوی دوزخ روایت کرد ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس مرویست که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد از احتبا یعنی تکیه دادن روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر

و امام خطبه میخواند روایت کرد ترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر

عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون پینکی آید یکی را از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در آنجا نشسته است روایت کرد ترمذی و از نافع مرویست گفت

سمعت ابن عمر يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم ابن عمر را که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از اینکه خیزاند

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مرد مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در آنجا گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو

در جمعه و غیر جمعه متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشوند جمعه را سه نفر

فرجل حضرها يلغو فذلك حظه منها ورجل حضرها بدعاء

یکی مردیست که حاضر میشود جمعه را با لغو پس آن بهره اوست از جمعه و مردی حاضر شود با دعا

رجل دعا الله إن شاء أعطاه وإن شاء منعه ورجل حضرها

كه دعا كرده است خدا را اگر خواهد خدا تعالى بدهد مطلوب او را واگر خواهد نه دهد و ديگر مرديست كه حاضر شد

بإنصات وسكوت ولم يتخط رقبة مسلم ولم يؤذ أحدا فهي

جمعه را با استماع و خاموشى و گذر نكرده است گردن مسلمانى را و ايذا نكرده است كسى را پس اين

كفارة إلى الجمعة التي تليها وزيادة ثلثة أيام وذلك بأن

كفاره است تا جمعه ديگر كه متصل است با جمعه و زيادتى سه روز و اين بسبب اين است

الله يقول من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها رواه أبو داود

كه خدا تعالى ميگويد كه كسيكه بيارد نيكى را پس او راست ده مانند آن. روايت كرد اين را ابو داود

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روايت است از ابن عباس رضي الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

من تكلم يوم الجمعة والإمام يخطب فهو كمثل الحمار يحمل

كسيكه سخن كند در روز جمعه در حالا كه امام خطبه ميخواند پس او مانند حمار است كه بر ميدارد

أسفارا والذي يقول له أنصت ليس له جمعة رواه أحمد

كتابها را بر پشت و آنكس كه گويد مر او را خاموش باش نيست مر او را ثواب جمعه روايت كرد احمد

وعن ابن عمر وأبي هريرة أنهما قالا سمعنا رسول الله

روايت است از ابن عمر رضي الله عنه و ابو هريره كه ايشان هر دو گفتند كه شنيديم پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول على أعواد منبره لينتهين أقوام

صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت بر چوبهاى منبر خود بايد كه البته باز آيند گروههاى مسلمان

عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن

از ترك كردن مردم ايشان جمعه ها را يا مهر كند خدا تعالى بر دلهاى ايشان پس البته ميشوند

من الغافلين رواه مسلم وعن أبي الجعد الضميري رض

از غافلين روايت كرد مسلم روايت است از ابى جعد ضميري رضي الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ ثَلٰثَ جُمَعٍ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را
تَهَاوُنًا بِهَا طَبَعَ اللهُ عَلٰى قَلْبِهٖ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
از جهة آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدا تعالی بر دل وی روایه ابو داود و ترمذی و نسائی
وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ صَفْوَانَ ابْنِ سُلَيْمٍ
و ابن ماجه و دارمی و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم
وَاَحْمَدُ عَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ وَعَنْ سَمُرَةَ ابْنِ جُنْدُبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ
و احمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضی الله عنه گفت
قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را و گذشتی بغیر
عُذْرٍ فَلْيَتَصَدَّقْ بِدِيْنَارٍ فَاِنْ لَّمْ يَجِدْ فَبِنِصْفِ دِيْنَارٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ
بعذر شرعی پس باید که تصدق کند بیک دینار پس اگر دینار نیابد پس بنصف دینار تصدق کند روایه احمد
وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ صَالِحِ بْنِ اِبْرَاهِيْمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ
و ابو داود و ابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن
بْنِ عَوْفٍ قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا اَنَسٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْاِمَامُ يَخْطُبُ
بن عوف مرویست گفت درآمد بر ما انس رض بروز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند
وَلٰكِنْ تَحَدَّثْتُ فَقَالَ مَهْ فَلَمَّا اُقِيْمَتِ الصَّلٰوةُ قَالَ اِنِّيْ اَخَافُ
و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت تحقیق که من
اَنْ اَكُوْنَ قَدْ اَبْطَلْتُ جُمُعَتِيْ بِقَوْلِيْ لَكُمْ مَهْ اِبْنُ سَعْدٍ كُو
میترسم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من مر شما را خاموش باشید
جَمْعُ الْجَوَامِعِ

بَابُ الْعِيْدَيْنِ

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ
از جمع الجوامع — این باب در بیان احکام عید الفطر و عید الاضحی است — و روایت است از ابی سعید

الخدري رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

الخدري رضي الله عنه گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والأضحى إلى المصلى فأول شيء يبدأ به الصلاة ثم ينصرف

و روز اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزی که آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس بر میگشت

ثم يقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس بایستادی در برابر مردم و حال آنکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد و

ويوصيهم ويأمرهم وإن كان يريد أن يقطع بعثا قطعه

وصیت میکرد و امر میکرد ایشان را و اگر میخواست که جدا کند لشکر را جدا میکرد آنرا

أو يأمر بشيء أمر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا امر میکرد بچیزی امر میفرمود آنرا پس بر میگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من أيام

عباس رضی الله عنهما گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها

العمل الصالح فيهن أحب إلى الله من هذه الأيام العشر قالوا

که کار شایسته در وی دوست داشته تر باشد نزد خدا ازین ده روز که ذی حجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خداوند کارزار کردن در راه خدا نیست فرمود آنحضرت و نه جهاد در

سبيل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد کردن کسیکه بیرون آید به نفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله

بچیزی روایت کرد بخاری و از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من أيام أحب إلى الله أن يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روز بسیار از روزها که دوست داشته تر باشد نزد خدا عبادت کردن مر خدا را

فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

در آن روزها از ده ذی الحجه برابر است روزه هر روز در آن روزها بروزهٔ یکسال

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها بنماز شب قدر روایت کرده ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ماجه و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ

وسلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست تر نزدیک خدای تعالی از

إِهْرَاقِ الدَّمِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور میآید روز قیامت بشاخهای خود و مویهای خود

وَأَظْلَافِهَا وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ

و سمهای خود و بدرستیکه خون هر آینه می افتد نزد خدا بمرتبه قبول پیش از آنکه افتد

بِالْأَرْضِ فَطِيبُوا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بدان نفس را روایت کرده ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللهِ مَا هَذِهِ الْأَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ

علیه وسلم ای پیغمبر خدا چیست این قربانیها چیست اصل این قربانی فرمود این قربانی سنت پدر شما

إِبْرَاهِيمَ قَالُوا فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست ما را در آن از جزا و ثواب ای رسول خدا فرمود بعوض هر مویی نیکی است

قَالُوا فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس پشم را چه حکم است چنانکه نمان چیست ای رسول الله فرمود بعوض هر مویی از پشم نیکی است

رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

روایت کرد احمد و ابن ماجه و روایت است از عبد الله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أمرت بيوم الأضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی در حالیکه این عیدی است گردانیده است خدا تعالی برای

الأمة قال له رجل يا رسول الله أرأيت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

إن لم أجد إلا منيحة أنثى أفأضحي

که اگر نیابم مگر منیحهٔ انثی که [illegible] آیا بکنم قربانی

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بدان فرمود نکن و لیکن بگیر از موی خود

وأظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و ببر بروتهای خود را و بتراشی موی زیر ناف خود

فذلك تمام أضحيتك عند الله رواه أبو داود والنسائي

پس آن افعال از تمام قربانی تست نزد خدا تعالی روایت کرد ابو داود و نسائی

كتاب الجنائز

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ

هر نفسی چشنده مرگ است و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزدهای خود را

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ

روز قیامت و هر گروهی را میعاد مرگ است پس چون آید

لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

میعاد ایشان تأخیر نکنند ساعتی و نه پیشی کنند

بَابُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ

باب در بیمار پرسی

عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اطعموا الجائع وعودوا المريض وفكوا العاني

عليه وسلم طعام دهيد گرسنه را وعيادت كنيد بيمار را وخلاص كنيد اسير را

رواه البخاري وعن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله

روايت كرده بخاري ومرويست از ثوبان رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله

عليه وسلم ان المسلم اذا عاد اخاه المسلم لم يزل في خرفة

عليه وسلم بدرستيكه مسلمان چون عيادت ميكند برادر خود مسلمان را هميشه ميباشد در چيدن

الجنة حتى يرجع رواه مسلم وعن البراء بن عازب

بهشت تا آنوقت كه باز گردد روايت كرده مسلم ومرويست از براء بن عازب رض

قال امرنا النبي صلى الله عليه وسلم بسبع ونهانا عن سبع

گفت امر كرد ما را آنحضرت صلى الله عليه وسلم از هفت چيز وباز داشت ما را از هفت چيز

امرنا بعيادة المريض واتباع الجنائز وتشميت العاطس ٢١٣

امر كرد به بيمار پرسي وپس روي كردن جنازه ها ودعا كردن عطسه كننده را

ورد السلام واجابة الداعي وابرار المقسم ونصر المظلوم

وجواب سلام دادن وقبول كردن دعوت طعام وبسته گردانيدن سوگند خورنده را ويارى كردن مظلوم

ونهانا عن خاتم الذهب وعن الحرير والاستبرق والديباج

ونهي كرد ما را از انگشتري طلا واز پوشيدن جامه حرير واز پوشيدن استبرق وديبا

والميثرة الحمراء والقسي وآنية الفضة وفي رواية

ونهي كرد از ميثره سرخ ونهي كرد از قسي واز آوندهاي نقره ودر روايت ديگر

وعن الشرب في الفضة فانه من شرب فيها في الدنيا

واز نوشيدن در نقره پس بدرستيكه كسيكه بنوشد در آوند نقره در دنيا

لم يشرب فيها في الآخرة متفق عليه وعن ابي هريرة رض

ننوشد دران در آخرة متفق عليه است ومرويست از ابي هريره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان

خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَعِیَادَةُ الْمَرِیْضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَاِجَابَةُ

پنج است جواب سلام دادن است و بیمار پرسیدن کردن است پس روی کردن جنازها و قبول کردن

الدَّعْوَةِ وَتَشْمِیْتُ الْعَاطِسِ مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ

دعوت طعام و دعا کردن است عطسه زننده را متفق علیه و روایت است از وی گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ سِتٌّ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است

قِیْلَ مَا هُنَّ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ قَالَ اِذَا لَقِیْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَیْہِ وَاِذَا

گفته شد چه چیز است آن شش ای پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن بر وی و چون

دَعَاكَ فَاَجِبْهُ وَاِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ وَاِذَا عَطَسَ

بخواند ترا بطعام پس اجابت کن او را و چون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر او را و چون عطسه زند

فَحَمِدَ اللّٰہَ فَشَمِّتْهُ وَاِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَاِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ

پس حمد گوید خدا را پس تشمیت کن او را و چون بیمار شود پس عیادت کن او را و چون بمیرد پس از پی کن جنازه او را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰہَ تَعَالٰی یَقُوْلُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ

صلے الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی میفرماید در روز قیامت

یَا ابْنَ اٰدَمَ مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِیْ قَالَ یَا رَبِّ کَیْفَ اَعُوْدُكَ

ای پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی باز پرسی مرا گوید ای پروردگار من چگونه عیادت کنم ترا

وَاَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ قَالَ اَمَا عَلِمْتَ اَنَّ عَبْدِیْ فُلَانًا مَرِضَ

و تو پروردگار جهانیانی گوید خدا آیا ندانستی تو بدرستیکه بندهٔ من فلانے بیمار شد

فلم تعده اما علمت انك لو عدته لوجدتني عنده يا ابن ادم

پس بپرسیدی او را آیا ندانستی تو که عیادت میکردی آن بنده را هر آینه یافتی مرا نزد وی ای پسر آدم

استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب كيف اطعمك وانت

طلب طعام کردم از تو پس ندادی طعام مرا گوید آدمی ای پروردگار چگونه طعام دهم ترا و تو

رب العالمين قال اما علمت انه استطعمك عبدي فلان

پروردگار عالمیانی گوید حق تعالی آیا ندانستی تو که طعام طلبید از تو بنده من فلان

فلم تطعمه اما علمت انك لو اطعمته لوجدت ذلك عندي

پس ندادی تو او را طعام آیا ندانستی تو که اگر طعام میدادی وی را هر آینه یافتی ثواب آن نزد من

يا ابن ادم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف اسقيك

ای فرزند آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا آب گوید آدمی ای پروردگار من چگونه آب دهم ترا

وانت رب العالمين قال استسقاك عبدي فلان فلم تسقه

و تو پروردگار عالمیانی و منزه هستی از آشامیدن گوید حق تعالی طلبید از تو بنده من فلان آب پس ندادی آب او را

اما علمت انك لو سقيته وجدت ذلك عندي رواه

آیا ندانستی تو که اگر آب میدادی وی را هر آینه یافتی ثواب آن نزد من روایت کرد

مسلم وعن عائشة قالت كان رسول الله صلى الله

مسلم و روایت است از عایشه رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا اشتكى منا انسان مسحه بيمينه ثم قال

علیه و سلم چون بیمار میشد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود پس میگفت این دعا را

اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافي لا شفاء

که ببر این درد را ای پروردگار آدمیان و تندرستی ده تویی تندرستی دهنده نیست شفا

الا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما متفق عليه وعن علي

مگر شفای تو شفایی که نگذارد بیماری را متفق علیه است و روایت است از علی رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من مسلم

گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مسلمانی

يعود مسلما غدوة الا صلى عليه سبعون الف ملك حتى

که بیمار پرسی کند مسلمانی را در وقت بامداد مگر آنکه صلوة بفرستند بروی هفتاد هزار فرشته تا آنکه

يمسي وان عاده عشية الا صلى عليه سبعون الف ملك

شام کند و اگر عیادت کرد او را وقت شام مگر دعای رحمت کنند بروی هفتاد هزار فرشته

حتى يصبح وكان له خريف في الجنة رواه الترمذي وابوداؤد

تا آنکه صبح کند و باشد مر وی را بستانی در بهشت روایت کرد ترمذی و ابوداؤد

وعن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من توضأ فاحسن الوضوء وعاد اخاه المسلم محتسبا

کسیکه وضو کند پس نیکو کند وضو را و بیمار پرسی کند برادر مسلمان را بقصد ثواب

بوعد من جهنم مسيرة ستين خريفا رواه ابوداؤد

دور کرده شود از دوزخ مقدار راه شصت سال روایت ابوداؤد

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما من مسلم يعود مسلما فيقول سبع مرات اسئل

وسلم نیست هیچ مسلمانی که عیادت کند مسلمانی را پس بگوید هفت کرت سوال میکنم

الله العظيم رب العرش العظيم ان يشفيك الا شفي

خدای بزرگ را که پروردگار عرش بزرگ است که شفا دهد ترا مگر آنکه بهتری داده شود

الا ان يكون قد حضر اجله رواه ابوداؤد والترمذي

آن مسلمان مگر آنکه باشد که تحقیق حاضر شده وقت موت او روایت ابوداؤد و ترمذی

وعن أبي سعيد قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم إذا دخلتم على المريض فنفسوا له في أجله فإن ذلك

وسلم چون درآئید بر بیمار برای عیادت پس گشاده دهید و امید دهید او را در درازی مدت حیات

لا يرد شيئا ويطيب بنفسه رواه الترمذي وابن ماجة

زیرا که نفس باز نمیگرداند چیزی را که مقدر است و خوش میگرداند نفس او را رواه ترمذی و ابن ماجه

وقال الترمذي هذا حديث غريب وعن ابن عباس رض

و گفت ترمذی این حدیث غریب است و روایت است از ابن عباس رض

قال إن عليا خرج من عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت که علی رض برآمد از نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

في وجعه الذي توفي فيه فقال الناس يا أبا الحسن كيف

در بیماری که وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وی پس گفتند مردم ای ابو الحسن چگونه

أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أصبح بحمد الله

صبح کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت شکر کرده شد بخدا

بارئا رواه البخاري وعن جابر قال قال رسول الله

بهتر شده [illegible] رواه بخاری و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من عاد مريضا لم يزل يخوض الرحمة

صلی الله علیه وسلم کسیکه بپرسد بیماری را همیشه درآید در دریای رحمت را

حتى يجلس فإذا جلس اغتمس فيها رواه مالك وأحمد

تا آنکه بنشیند پس چون بنشیند غرق میشود در آن رواه مالک و احمد

وعن ابن عباس قال من السنة تخفيف الجلوس

و روایت است از ابن عباس رض گفت از طریقه نبوی است سبکی کردن در نشستن

وقلة الصخب في العيادة عند المريض قال وقال رسول الله

وكم كردن بانگ وفرياد در عيادت نزد بيمار گفت ابن عباس وفرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لما كثر لغطهم واختلافهم قوموا عني

صلى الله عليه وسلم هرگاه كه بسيار شد آواز اصحاب آنحضرت واختلاف شان برخيزيد از نزد ما

رواه رزين وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله

روايت كرد رزين و روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من عاد مريضا نادى مناد من السماء

صلى الله عليه وسلم كسيكه بپرسد بيمارى را آواز ميدهد آواز دهنده از آسمان

طبت وطاب ممشاك وتبوأت من الجنة منزلا رواه

يعنى فرشته خوشى باد ترا ... رفتن تو ... در آخرت وگرفتى تو از بهشت منزلتى را

ابن ماجة وعن عمر بن الخطاب رض قال قال رسول الله

روايت كرد ابن ماجه و روايت است از عمر ابن الخطاب رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا دخلت على مريض فمره يدعو

صلى الله عليه وسلم چون درآئى بر بيمارى پس بفرما او را كه دعا كند

لك فإن دعاءه كدعاء الملائكة رواه ابن ماجة

ترا زيرا كه دعاى او ... مانند دعاى فرشتگان است روايت كرد ابن ماجه

باب ما جاء في أجر المصائب إذا صبر عليها

باب احاديثى كه وارد شده در اجر مصائب وقتيكه صبر بر آن كند

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

من يرد الله به خيرا يصب منه رواه البخاري وعنه

كسيكه ميخواهد خدا ... رسانيده ميشود باو ... روايت كرد بخارى و از وى

وعن ابي سعيد الخدري عن النبي صلى الله

و از ابي سعيد خدري مرويست از آنحضرت صلى الله

عليه وسلم قال ما يصيب المسلم من نصب

عليه وسلم فرمود نميرسد مسلمان را از هيچ رنج و تعب

ولا وصب ولا هم ولا حزن ولا اذى ولا

و نميرسد درد و نه اندوه و نه غم و نه آزار و نه

غم حتى الشوكة يشاكها الا كفر الله بها

اندوه تا آنكه خلانيده ميشود در آن خار مگر آنكه مي پوشد خدا بسبب اين

من خطاياه متفق عليه وعن عبد الله

از گناهان از صاحب آن گناهان را كه صغائر باشد متفق عليه و روايتست از عبد الله

بن مسعود رض قال دخلت على النبي صلى الله

بن مسعود رض گفت درآمدم بر آنحضرت صلى الله

عليه وسلم وهو يوعك فمسسته بيدي

عليه وسلم در حالتيكه وي تپ زده شده بود پس بسودم آنحضرت بدست خود

فقلت يا رسول الله انك لتوعك وعكا

پس گفتم اي پيغمبر خدا هر آئينه تو تپ زده ميشوي تپ زده شدني

شديدا فقال النبي صلى الله عليه وسلم

سخت پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

اجل إني اوعك كما يوعك رجلان منكم قال فقلت

آرے تپ زده میشوم چنانکه تپ زده میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم

ذلك لأن لك أجرين فقال أجل ثم قال ما من

آن بهر شدت تپ بسبب آنست که ترا دو اجر است پس گفت آنحضرت آری پس گفت آنحضرت نیست

مسلم يصيبه أذى من مرض فما سواه إلا حط الله

هیچ مسلمانی که برسد اورا آزارے از بیماری یا غیر بیماری مگر آنکه فرو می افگند خدا

به سيئاته كما تحط الشجرة ورقها متفق عليه

بسبب آن گناهان اورا چنانکه فرو افگند درخت برگ هاے خود را متفق علیه است

وعن جابر رض قال دخل رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت در آمد پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم على أم السائب فقال ما لك تزفزفين

وسلم بر مادر سائب پس گفت آنحضرت چه شد است ترا که میلرزی

قالت الحمى لا بارك الله فيها فقال لا تسبي الحمى

گفت ام سائب سبب لرزیدن من تپ است برکت نکند خدا در وی پس گفت مکن دشنام تپ را

فإنها تذهب خطايا بني آدم كما يذهب الكير خبث

زیراکه تپ می برد گناهان بنی آدم را چنانکه می برد دم آهنگر چرک

الحديد رواه مسلم وعن أبي موسى قال قال

آهن را رواه مسلم و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا مرض العبد

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بیمار شود بنده

أو سافر كتب له بمثل ما كان يعمل مقيما صحيحا

رواه البخاري وعن كعب بن مالك قال قال

رواه البخاری و روایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن كمثل

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مؤمن همچو حال

الخامة من الزرع تفيئها الرياح تصرعها مرة

شاخ تر و نرم از کشت است مایل و راجع میگردانند آنرا بادها گاهی می افگنند آنرا یکبار گاهی

وتعدلها اخرى حتى يأتيه اجله ومثل المنافق

و راست میگرداند آنرا بار دیگر تا آنکه بیاید او را وقت موت و حال منافق

كمثل الارزة المجذية التي لا يصيبها شيء حتى يكون

همچو حال درخت صنوبر است که محکم و ثابت است آن درخت که نمیرسد آنرا چیزی از بادها تا آنکه باشد

انجعافها مرة واحدة متفق عليه وعن ابي هريرة

کنده شدن و افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مومن

كمثل الزرع لا تزال الريح تميله ولا يزال المؤمن

همچو حال کشت است که همیشه باد مایل میگرداند و همیشه است مومن

يصيبه البلاء ومثل المنافق كشجرة الارزة لا تهتز

که میرسد او را بلا و حال منافق همچو حال درخت صنوبر است که نمی جنبد

حتى تستحصد متفق عليه وعن اسامة بن زيد

تا آنکه درووده شود و بریده شود متفق علیه و روایت است از اسامه بن زید

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طاعون

رِجْزًا اُرْسِلَ عَلٰی طَائِفَةٍ مِنْ بَنِیْ اِسْرَائِیْلَ اَوْ عَلٰی مَنْ

عذابی ست که فرستاده شده است بر گروهی از بنی اسرائیل یا بر کسانیکه

کَانَ قَبْلَکُمْ فَاِذَا سَمِعْتُمْ بِهٖ بِاَرْضٍ فَلَا تَقْدِمُوْا عَلَیْهِ

بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بران زمین

وَاِذَا وَقَعَ بِاَرْضٍ وَاَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوْا فِرَارًا مِنْهُ

و چون بیفتد طاعون بر زمینی حال آنکه شما دران زمین باشید پس بیرون نیائید بجهت گریختن از طاعون

مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ

متفق علیه ست و روایت ست از انس رض گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ قَالَ اللّٰهُ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی

صلی الله علیه و سلم را که میگفت میگوید الله سبحانه و تعالی

اِذَا ابْتَلَیْتُ عَبْدِیْ بِحَبِیْبَتَیْهِ ثُمَّ صَبَرَ عَوَّضْتُهٗ مِنْهُمَا

چون مبتلا گردانم بندهٔ خود را بدو محبوب وی پس صبر کند آن بنده عوض دهم آن

الْجَنَّةَ یُرِیْدُ عَیْنَیْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ عَلِیِّ بْنِ

بنده را از آن دو حبیبتین بهشت را که میخواهد دو چشم وی رواه البخاری و روایت ست از علی بن

زَیْدٍ عَنْ اُمَیَّةَ اَنَّهَا سَاَلَتْ عَائِشَةَ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ

زید از امیه بدرستیکه امیه پرسید از عائشه رض از حقیقت معنی قول حق جل

وَجَلَّ اِنْ تُبْدُوْا مَا فِیْ اَنْفُسِکُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ یُحَاسِبْکُمْ

و علا که اینست و اگر آشکارا کنید چیزی را که در دل شماست یا نهان دارید حساب کند شما را

بِهِ اللّٰهُ وَعَنْ قَوْلِهٖ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ یَّعْمَلْ سُوْٓءًا یُّجْزَ بِهٖ

بآن خدای تعالی و پرسید از قول وی که (هر که بکند بدی را پاداش داده شود بآن)

فَقَالَتْ مَا سَاَلَنِیْ عَنْهَا اَحَدٌ مُنْذُ سَاَلْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

پس گفت عائشه رض سوال نکرد مرا از بیان محاسبه و مجازات هیچ یکی از آنگاه که پرسیدم پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم فقال هذه معاتبة الله العبد

صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت این عتاب و مجازات است که خدا میکند بنده را

بما يصيبه من الحمى والنكبة حتى البضاعة

با آنچه میرسد بنده را از تپ و از نکبت تا آنکه این مصیبت که پاره از مال

يضعها في يد قميصه فيفقدها فيفزع لها حتى

می نهد بنده آنرا در دست پیراهن خود پس گم میکند آن بضاعت را پس می ترسد [illegible]

ان العبد ليخرج من ذنوبه كما يخرج التبر

بنده هر آینه بیرون می آید از گناهان خود چنانکه بیرون می آید زر

الاحمر من الكير رواه الترمذي وعن

[illegible] از کوره روایت کرد او را ترمذی و روایت است از

ابي موسى ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی موسی رض چه بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

قال لا يصيب عبدا نكبة فما فوقها او دونها

فرمود نمیرسد هیچ بنده را مصیبتی پس آنچه بالای اوست یا فرود اوست

الا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر وقرأ

مگر بسبب گناهی که کرده است و آنچه عفو و محو میکند خدا تعالی از وی بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت را

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم

و هرچه میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست که کرده است آنرا دستهای شما [illegible]

ويعفو عن كثير رواه الترمذي وعن

و عفو میکند خدا تعالی از بسیاری از آن رواه ترمذی و روایت است از

عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله

[illegible] عبد الله بن عمرو رض [illegible]

عليه وسلم إن العبد إذا كان على طريقة حسنة من

عليه وسلم بدرستيكه بنده چون بوده باشد بر حالت نيك از

العبادة ثم مرض قيل للملك الموكل به اكتب له

عبادة پس بيمار شود گفته شود فرشته را كه گماشته شده است بر وى بنويس

مثل عمله إذا كان طليقا حتى أطلقه أو أكفته

براى وى مانند عمل او [illegible] تا آنكه رها كنم او را [illegible]

إلى وعن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم

بسوى خود وروايت است از انس بدرستيكه رسول الله صلى الله عليه وسلم

قال إذا ابتلى المسلم ببلاء في جسده قيل للملك اكتب له

گفت چون مبتلا كرده شود مسلمان [illegible] گفته شود فرشته را بنويس [illegible]

صالح عمله الذي كان يعمل فإن شفاه غسله وطهره

عمل نيك [illegible] پس اگر شفا دهد [illegible]

وإن قبضه غفر له ورحمه رواهما في شرح السنة

واگر قبض كند [illegible] آمرزد مر او را و رحمت كند [illegible] روايت كرد اين دو حديث را در شرح السنة

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ

روایت است از سعد ابن ابی وقاص گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم که کدام از

اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ يُبْتَلَى الرَّجُلُ

سختی ترست از روی بلا گفت پیغمبران ... باز کسانی که افضل ... آزموده میشود مرد

عَلٰى حَسَبِ دِيْنِهِ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهِ صُلْبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَاِنْ كَانَ

از روی مرتبه ... دین ... پس اگر باشد در دین خود ... سخت ...

فِيْ دِيْنِهِ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَالَهُ

در دین وی ... آسان کرده میشود ... پس همچنین حال است تا آنکه میرود بر زمین و حال آنکه نیست

ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ

مر او را گناهی رواه ترمذی و ابن ماجه و الدارمی و گفت ترمذی

هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

این حدیث حسن صحیح است و روایت است از انس رضی اللّٰه عنه گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ

صلی اللّٰه علیه وسلم بدرستی بزرگی جزا با بزرگی

الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا

بلاست و بدرستی که خدا تعالی بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروهی را

اِبْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ

مبتلا میگرداند ایشانرا پس هر که خوشنود بود ... مر او راست خوشنودی و هر که

فَلَهُ السَّخَطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

پس مر او راست خشم او رواه الترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجه و از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللّٰه

عليه وسلم اذا اراد الله بعبده الخير عجل له

عليه وسلم چون خواهد خدا تعالى به بنده خود نيكى را شتاب ميكند او را

العقوبة في الدنيا واذا اراد الله بعبده الشر

سزاى گناهان او در دنيا و چون خواهد خدا تعالى به بنده خود بدى را

امسك عنه بذنبه حتى يوافيه به يوم

نگاه دارد از وى عقوبت وى گذارد او را بگناهش تا آنكه تمام سيدهد او بنده را

القيمة رواه الترمذي وعن ابي هريرة رض

... روز قيامت روايت كرد اين را الترمذى و روايت است از ابى هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يزال

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هميشه مى باشد

البلاء بالمؤمن والمؤمنة في نفسه وماله وولده

بلا بمرد مسلمان و بزن مسلمان در ذات هر يكى و در مال هر يكى و در اولاد هر يكى

حتى يلقى الله وما عليه من خطيئة رواه

تا آنكه ملاقى شود خدا را در روز حشر و حال آنكه نيست برو هيچ گناهى

الترمذي وروى مالك نحوه وعن محمد بن خالد

روايت كرد اين را الترمذى و روايت كرد مالك مانند وى و روايت است از محمد بن خالد

السلمي عن ابيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه

... از پدرش از جدش گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم ان العبد اذا سبقت له من الله منزلة لم

وسلم بدرستيكه بنده چون پيشى كرده باشد براى او از خدا مرتبه در جنت كه

يبلغها بعمله ابتلاه الله في جسده او في ماله او في ولده ثم

كه نرسيده باشد آن را بعمل خود مبتلا گرداند خدا تعالى او را در تن وى ...

عَلَى ذٰلِكَ حَتّٰى يُبَلِّغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِيْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللّٰهِ

بر آن خدا تعالی بر آن بلا تا آنکه میرساند این بلا بنده را بمرتبه که گذشته است مر او را از

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الشِّخِّيْرِ

روایت کرده احمد و ابو داود و روایت است از عبد الله بن شخیر

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُثِّلَ ابْنُ آدَمَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم تصویر کرده شد فرزند آدم

وَإِلٰى جَنْبِهِ تِسْعٌ وَتِسْعُوْنَ مَنِيَّةً إِنْ أَخْطَأَتْهُ الْمَنَايَا وَقَعَ فِي

و حال آنکه بجانب پهلوی اوست نود و نه مرگ اگر خطا می کند او را مرگها واقع افتد

الْهَرَمِ حَتّٰى يَمُوْتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ

پیری تا آنکه بمیرد روایت کرده ترمذی و گفته است این حدیث غریب است

وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از جابر روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوَدُّ أَهْلُ الْعَافِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِيْنَ يُعْطٰى أَهْلُ

وسلم دوست میدارند اهل عافیت روز قیامت وقتیکه داده شوند اهل

الْبَلَاءِ الثَّوَابَ لَوْ أَنَّ جُلُوْدَهُمْ كَانَتْ قُرِضَتْ فِي الدُّنْيَا

بلا ثواب این را کاشکی پوستهای ایشان بریده شده بودی در دنیا

بِالْمَقَارِيْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ

بمقراضها روایت کرده ترمذی و گفته است که این حدیث غریب است

وَعَنْ عَامِرٍ الرَّامِ قَالَ ذَكَرَ رَسُوْلُ اللّٰهِ الْأَسْقَامَ

و روایت است از عامر رام گفت ذکر کرد پیغامبر خدا بیماریها را

فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ

پس فرمود که مسلمان چون میرسد او را بیماری

ثم عافاه الله عز وجل منه كان كفارة لما مضى من

پیشتر صحت می بخشد او را خدا تعالی از ان می باشد پوشنده مر گناهان گذشته را

ذنوبه وموعظة له فيما يستقبل وان المنافق

و می باشد نصیحت و پند مر او را در آنچه پیش می آید از زمان و بدرستی که منافق

إذا مرض ثم أعفي كان كالبعير عقله أهله ثم

چون بیمار شود پس عافیت داده شود می باشد مانند شتر که ببستند او را کسان او پس

أرسلوه فلم يدر لم عقلوه ولم أرسلوه فقال

رها کردند او را پس نیافت آن شتر بجهت عدم تمیز که چرا ببستند او را و چرا گشادند او را پس گفت

رجل يا رسول الله وما الأسقام والله ما مرضت

مردی ای پیغامبر خدا چه چیز است بیماریها بخدا سوگند بیمار نشده ام من

قط فقال قم عنا فلست منا رواه أبو داود وعن

هرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی تو از ما روایت کرد ابوداود و روایت است از

عطاء بن أبي رباح قال قال لي ابن عباس ألا أريك

عطاء بن ابی رباح گفت فرمود مرا ابن عباس آیا ننمایم ترا

امرأة من أهل الجنة قلت بلى قال هذه

زنی از اهل بهشت گفتم بلی بنما گفت این

المرأة السوداء أتت النبي صلى الله عليه وسلم

زن سیاه که نام وی سعیده است آمد این پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم

فقالت يا رسول الله إني أصرع وإني أتكشف

پس گفت ای پیغامبر خدا بدرستی که من صرع زده میشوم و بدرستی که من برهنه میشوم

فادع الله لي فقال إن شئت صبرت ولك الجنة

پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواهی صبر کنی و باشد مر ترا بهشت

وإن شئت دعوت الله أن يعافيك فقالت

و اگر خواهی دعا کنم خدای را که عافیت دهد ترا پس گفت آن زن

أصبر فقالت إني أتكشف فادع الله أن لا

صبر میکنم پس گفت آن زن که من برهنه میشوم پس دعا کن خدا را که

أتكشف فدعا لها متفق عليه وعن يحيى

برهنه نشوم پس دعا فرمود آنحضرت صلعم مر آن زن را متفق علیه و روایت است از یحیی

بن سعيد قال إن رجلا جاءه الموت في زمن

بن سعید رض که گفت مردی آمد او را موت در زمان

رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال رجل

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس گفت مردی دیگر

هنيئا له مات ولم يبتل بمرض فقال رسول الله

گوارا باد مر او را که مرد و مبتلا گردانیده نشد بمرضی پس فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ويحك ما يدريك لو أن

صلی الله علیه وسلم وای بر تو عجب است تو چه چیز دانانید ترا اگر می بود اینکه

الله ابتلاه بمرض فكفر عنه من سيئاته رواه

خدا تعالی می مبتلا نید او را به بیماری پس کفاره میکرد از و از بدیهای او روایت

مالك مرسلا وعن شداد بن أوس

مالک از وی مرسل و روایت است از شداد بن اوس

والصنابحي انهما دخلا على رجل مريض يعودانه فقالا

والصنابحي هر دو بتحقيق ايشان درآمدند بر مردی بیمار که عیادت کنند او را پس گفتند

له كيف اصبحت قال اصبحت بنعمة قال شداد ابشر

مر آن مرد را که چگونه صبح کردی گفت آن مرد صبح کردم متلبس بنعمت گفت شداد خوش خبر و خوشحال باش

بكفارات السيئات وحط الخطايا فاني سمعت رسول الله

بخصلتهای که پوشنده است بدیها را و بیفگنده گناهان زیرا که شنیدم پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وسلم يقول ان الله عز وجل يقول انا

صلی الله علیه وسلم که میگفت که خدای تعالی میگوید که

انا ابتليت عبدا من عبادي مؤمنا فحمدني على ما

من مبتلا میگردانم بنده را از بندگان خود که مومن است پس ثنا کند آن بنده مرا بر

ابتليته فانه يقوم من مضجعه ذلك كيوم ولدته

مبتلا گردانیدن من او را پس بدرستیکه آن بنده بر میخیزد از خوابگاه خود در روز زائیدن او

امه من الخطايا ويقول الرب تبارك وتعالى انا

مادر او از گناهان و میگوید پروردگار تبارک و تعالی من

قيدت عبدي وابتليته فاجروا له ما كنتم تجرون له

بند کردم بنده خود را و مبتلا گردانیدم او را پس جاری کنید برای او اعمال خیر که می بودید که جاری میکردید برای او

وهو صحيح رواه احمد وعن ابي هريرة رض قال

در حالیکه تندرست بوده رواه احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره

ذكرت الحمى عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبها

ذکر کرده شد تب نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس شتم کرد آنرا

رجل فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا تسبها فانها تنفي

مردی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مگو تب را زیرا که آن دور میکند

الذنوب كما تنفي النار خبث الحديد رواه ابن ماجة

گناهان را چنانکه دور میکند آتش چرک آهن را رواه ابن ماجه

وعنه قال ان رسول الله صلى الله عليه وسلم عاد

وهم از ابی هریره گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم عیادت کرد

مريضا فقال ابشر فان الله تعالى يقول هي ناري

بیماری را پس فرمود خوش باش پس بدرستیکه حق تعالی میفرماید تپ آتش من است

اسلطها على عبدي المؤمن في الدنيا لتكون حظه من

مسلط میگردانم آنرا بر بندهٔ خود که مومن است در دنیا تا باشد تپ بخش آن بنده از

النار يوم القيمة رواه احمد وابن ماجة والبيهقي في

آتش دوزخ روز قیامت رواه احمد و ابن ماجه و بیهقی در

شعب الايمان وعن انس رض ان رسول الله صلى

شعب ایمان و روایت است از انس رض که آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال ان الرب سبحانه وتعالى يقول

الله علیه وسلم فرمود که پروردگار سبحانه و تعالی میفرماید

وعزتي وجلالي لا اخرج احدا من الدنيا اريد اغفر

سوگند بعزت ذات من و جلال صفت من بیرون نمی آرم هیچ یکی را از دنیا میخواهم بیامرزم

له حتى استوفي كل خطيئة في عنقه بسقم في بدنه

مراورا تا آنکه میگیرم جزای هر گناهی را که در گردن اوست بسبب بیماری در تن وی

واقتار في رزقه رواه رزين وعن شقيق قال

و تنگی در روزی وی رواه رزین و روایت است از شقیق گفت

مرض عبد الله فعدناه فجعل يبكي فعوتب فقال اني

بیمار شد عبد الله بن مسعود پس عیادت کردیم اورا پس گریستن گرفت پس ملامت کرده شد پس گفت بدرستیکه من

لا أبكي لأجل المرض لأني سمعت النبي صلى الله عليه

من نمیگریم از بهر بیماری زیرا که من شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم يقول المرض كفارة وإنما أبكي أنه أصابني على

و سلم که میفرمود بیماری کفاره است گناهان را و نمیگریم مگر از جهت آنکه رسید بیماری مرا بر

حال فترة ولم يصبني في حال اجتهاد لأنه يكتب للعبد

حال فتور و ضعف پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا که نوشته میشود مر بنده را

من الأجر إذا مرض ما كان يكتب له قبل أن يمرض فمنعه

از مزد وقتیکه بیمار میشود چیزیکه نوشته میشود مر او را پیش از آنکه بیمار گردد پس باز داشت بنده را

منه المرض رواه رزين وعن أنس سمعت رسول الله

از آن عمل بیماری رواه رزین و روایت است از انس شنیدم من پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم يقول أيما رجل عاد مريضا فإنما يخوض

صلی الله علیه و سلم که میفرمود هر مردیکه بپرسد بیمار را پس به این نیست که میدر آید

في الرحمة فإذا قعد عند المريض غمرته الرحمة هذا للصحيح

در رحمت را پس چون نشیند نزد بیمار غرق میسازد آنرا رحمت الهی این ثواب برای صحیح است

فما للمريض قال تحط ذنوبه وعن أنس

پس چه قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناهان او و روایت است از انس

قال عطس عثمان بن عفان عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت عطسه زد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم

فقال النبي صلى الله عليه وسلم ألا أبشرك فقال بلى

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم آیا خوشخبری ندهم ترا پس گفت عثمان آری بده

بأبي أنت وأمي قال هذا جبرئيل يخبرني عن الله تعالى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب خدای تعالی

أيما مؤمن عطش ثلث عطشات متواليات إلا كان

نمی ماند مومن تشنه سه تشنگیها پیاپی مگر آنکه می باشد

الإيمان ثابتا في قلبه الدبلى

ایمان او ثابت و قوی در دل وی

باب تمني الموت وذكره

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

در روایت از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يتمنى أحدكم الموت إما محسنا فلعله أن يزداد خيرا

آرزو نکند یکی از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید که زیاده کند

وإما مسيئا فلعله أن يستعتب رواه البخاري

و یا اینکه می باشد بدکار پس شاید که وی طلب کند رضا را روایت کرد بخاری

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يتمنى أحدكم الموت ولا يدع به من قبل أن يأتيه

که آرزو نکند یکی از شما موت را و دعا نکند بمرگ پیش از آنکه بیاید مرگ او را

إنه إذا مات انقطع أمله وإنه لا يزيد المؤمن عمره

بدرستیکه او چون بمیرد بریده میشود امید او و بدرستیکه زیاده نمی کند مسلمان را عمر وی

إلا خيرا رواه مسلم وكره ... را که در گردن اوست بسبب بیماری

مگر نیکی را روایت کرد مسلم

رواه رزين وعن شقيق قال

صلى الله عليه وسلم ... رواه رزين

در روایت است از شقیق

عبد الله فعدناه فجعل يبكي فعوتب فقال

... پس عیادت کردیم او را پس گریست ... پس ملامت کرده شد پس گفت

اصابه فان كان لا بد فاعلا فليقل اللهم

کرسیده است اورا پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید بگوید خداوندا

احيني ما كانت الحيوة خيرا لي وتوفني

زنده دار مرا تا آنزمانیکه باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

اذا كانت الوفاة خيرا لي متفق عليه

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وعن عبادة بن الصامت رض قال قال

و روایت است از عباده بن الصامت رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من احب

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه دوست دارد

لقاء الله احب الله لقاءه ومن كره لقاء

لقای خدا را دوست دارد خدا تعالی لقای او را و کسیکه ناخوش دارد لقای

الله كره الله لقاءه فقالت عائشة رض

خدا را ناخوش دارد خدا تعالی لقای او را پس گفت عایشه صدیقه رض

او بعض ازواجه انا لنكره الموت قال

یا گفت بعضی از زنان آنحضرت [illegible] ما مکروه میداریم موت را فرمود آنحضرت

ان النبي صلى الله عليه وسلم حضره الموت

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا تو خبر میدهی

بابي انت وامي قال هذا جبرئيل يخبرني عن الله

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب حق

ابیات

۲۳۵

۹۱

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللهِ وَكَرَامَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

بشارت داده شود برضای خدای تعالی و کرامت او پس نیست هیچ چیزی محبوب‌تر بسوی وی از چیزی

أَمَامَهُ فَأَحَبَّ لِقَاءَ اللهِ وَأَحَبَّ اللهُ لِقَاءَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ

که پیش اوست پس دوست دارد مومن لقای خدا را و دوست دارد خدا تعالی لقای او را و بدرستیکه کافر

إِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللهِ وَعُقُوبَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ

چون حاضر کرده شود مرگ او را خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وی پس نیست هیچ چیز مکروه‌تر

إِلَيْهِ مِمَّا أَمَامَهُ فَكَرِهَ لِقَاءَ اللهِ وَكَرِهَ اللهُ لِقَاءَهُ

بسوی وی از چیزی که پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقای خدا را و ناخوش میدارد خدای تعالی لقای او را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَاءِ اللهِ

متفق علیه و در روایت عایشه صدیقه است و موت پیش از لقای خدا است یعنی مقدمه لقای الله

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ

و از ابی قتاده روایت است که وی بود که حدیث میکرد که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيحٌ

صلی الله علیه وسلم گذرانیده شد بروی جنازه پس فرمود آنحضرت آسوده یا راحت

أَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ مَا الْمُسْتَرِيحُ

یا راحت یافته شده است از وی پس گفتند صحابه ای پیغامبر خدا چیست معنی مستریح

وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيحُ مِنْ

و مستراح منه پس فرمود آنحضرت که بنده مومن صالح راحت می یابد از مرگ از

نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى رَحْمَةِ اللهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ

تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوی رحمت خدا و بنده فاسق

يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

راحت می یابند از وی بندگان و شهرها و درختان و جنبندگان زمین متفق علیه است

وعن جابر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت شنیدم من پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم قبل موته بثلاثة ايام يقول لا يموتن احدكم

وسلم پیش از موت او بسه روز که میگفت باید نمیرد یکی از شما

الا وهو يحسن الظن بالله رواه مسلم وعن

مگر آنکه نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اكثروا ذكر هادم اللذات الموت رواه الترمذي

بسیار کنید یاد ویران کننده وقطع کننده لذتها را که موت است رواه ترمذی

والنسائي وابن ماجة وعن ابن مسعود رض ان نبي الله

و نسائی و ابن ماجه و روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ذات يوم لاصحابه استحيوا

صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بیاران خود شرم دارید

من الله حق الحياء قالوا انا نستحيي من الله يا نبي الله والحمد

از خدا چنانکه باید شرم داشتن گفتند صحابه که ما شرم میداریم از خدا ای پیغمبر خدا و حمد

لله قال ليس ذلك ولكن من استحيى من الله حق الحياء

مر خدا را فرمود نیست این حق حیا ولیکن کسیکه شرم دارد از خدا حق شرم داشتن

فليحفظ الرأس وما وعى وليحفظ البطن وما حوى

پس باید که نگاه دارد سر را و نگاه دارد چیزیرا که جمع کرده است آن سر و باید نگاه دارد شکم را از اکل حرام و چیزیکه

وليذكر الموت والبلى ومن اراد الآخرة ترك زينة

و باید که یاد دارد مرگ را و پوسیده شدن استخوان و کسیکه خواهد ثواب آخرت ترک کند زینت

الدنيا فمن فعل ذلك فقد استحيى من الله حق الحياء رواه

دنیا را پس کسے کہ بکند این مذکور را پس بتحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواه

احمد والترمذي وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

احمد و ترمذے و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم تحفة المؤمن الموت

رسول خدا صلی الله علیه و سلم تحفه و هدیه مسلمان مرگ است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبيد الله

رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبید الله

بن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

موت الفجاءة اخذة الاسف رواه ابو داود وزاد

موت ناگهانی گرفتن خشم است رواه ابو داود و زیاده کرد

البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه اخذة اسف

بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را گرفتن غضب است

للكافر ورحمة للمؤمنين وعن جابر رض قال قال

مر کافران را و مهربانی حق تعالی مر مؤمنان را و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنوا الموت فان هول

پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم که آرزو مکنید مرگ را زیرا که بدرستی ترس

المطلع شديد وان من السعادة ان يطول عمر العبد

مطلع سخت است و بدرستی که از نیک بختی است که دراز شود عمر بنده

ويرزقه الله عز وجل الانابة رواه احمد وعن

و روزی گرداند او را خدای تعالی رجوع و توجه بجناب خود رواه احمد و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ جَلَسْنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَّرَنَا

از ابی امامه رض گفت که نشستیم روبروی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس یاد داد ما را

وَرَقَّقَنَا فَبَكَى سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فَأَكْثَرَ الْبُكَاءَ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي

احوال آخرت و نرم گردانید دلهای ما را پس گریه کرد سعد بن ابی وقاص رض پس بسیار گریه کرد پس گفت ای کاش

مُتُّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا سَعْدُ أَعِنْدِي تَتَمَنَّى

بمردمی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الْمَوْتَ فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا سَعْدُ إِنْ كُنْتَ

موت را که نامرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت این لفظ را سه بار پس فرمود ای سعد اگر هستی تو

خُلِقْتَ لِلْجَنَّةِ فَمَا طَالَ عُمُرُكَ وَحَسُنَ مِنْ عَمَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ

که پیدا کرده شدی برای بهشت پس آنچه دراز شود عمر تو و نیک شود عمل تو پس آن بهتر است

لَكَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ مُضَرِّبٍ قَالَ دَخَلْتُ

مر ترا رواه احمد و روایت است از حارثة بن مضرب گفت درآمدم

عَلَى خَبَّابٍ وَقَدِ اكْتَوَى سَبْعًا فَقَالَ لَوْلَا أَنِّي سَمِعْتُ

بر خباب و حال آنکه داغ سوخته بود خباب بر بدن هفت جا پس گفت خباب اگر نمی بود که شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا يَتَمَنَّ أَحَدُكُمُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت باید که تمنا نکند یکی از شما

الْمَوْتَ لَتَمَنَّيْتُهُ وَلَقَدْ رَأَيْتُنِي مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مرگ را هر آئینه آرزو میکردم اورا و بتحقیق دیدم و دانستم خود را با پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمْلِكُ دِرْهَمًا وَإِنَّ فِي جَانِبِ بَيْتِي

علیه وسلم که مالک نبودم یک درهم را و بدرستی در گوشهٔ خانهٔ من

الْآنَ لَأَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ أُتِيَ بِكَفَنِهِ فَلَمَّا رَآهُ بَكَى

اکنون هر آئینه چهل هزار درهم است پس آورده شد نزد خباب کفن پس چون دید کفن را گریست

قال ولكن حمزة لم يوجد له كفن إلا بردة ملحاء إذا جعلت

گفت ولیکن حمزه بن عبد المطلب یافته نشد برای وی کفن مگر چادر ریگه در وی خطوط اسیاه و سفید بود چون گردانیده

على رأسه قلصت عن قدميه وإذا جعلت على قدميه

بر سر وے کوتاه می آمد از پایهاے وی و چون گردانیده می شد بر پایهای وے

قلصت عن رأسه حتى مدت على رأسه وجعل على

کوتاه می آمد از سر وے تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه و گردانیده شد بر

قدميه الإذخر رواه أحمد والترمذي إلا أنه لم يذكر

پایهای حمزه گیاه که مشهور است در مکه معظمه روایت کرده احمد و ترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد لفظ

ثم أسيئ بكفنه الخ

ثم اسئ بکفنه تا آخر

باب ما يقال عند من حضره الموت

باب بیان آنچیزی که گفته می شود نزد کسی که حاضر شده او را موت

عن أبي سعيد وأبي هريرة رض قالا قال رسول الله

روایت است از ابی سعید و ابی هریره رض گفتند این هر دو که فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم لقنوا موتاكم لا إله إلا الله رواه

صلے الله علیه و سلم تلقین کنید مردهای خود را کلمه طیبه که لا اله الا الله محمد رسول الله روایت

مسلم وعن أم سلمة رض قالت قال رسول الله صلى

روایت کرد مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

الله عليه وسلم إذا حضرتم المريض أو الميت فقولوا

الله علیه و سلم وقتیکه حاضر شوید شما بیمار را یا میت را که نزد یک مرگ رسیده است پس بگوئید

خيرا فإن الملائكة يؤمنون على ما تقولون رواه مسلم

... پس بدرستیکه فرشتگان آمین میگویند بر آنچه میگوئید شما در دعا کردن روایت کرد مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وهم از ام سلمه است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مُسْلِمٍ تُصِيْبُهُ مُصِيْبَةٌ فَيَقُوْلُ مَا اَمَرَهُ اللّٰهُ بِهٖ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا

مسلمانان که برسد او را مصیبتی پس بگوید چیزی را که امر کرده است خدا تعالی بگفتن آن آن کلمه

اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَاَخْلِفْ لِيْ خَيْرًا

استرجاع است و این کلمه تا آخر یعنی بار خدایا اجر ده مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بهتر

مِنْهَا اِلَّا اَخْلَفَ اللّٰهُ لَهٗ خَيْرًا مِّنْهَا فَلَمَّا مَاتَ اَبُوْ سَلَمَةَ قُلْتُ

از آن مگر آنکه بدل میکند خدا برای وی بهتر از آنچه فوت شد پس هرگاه مرگ یافت ابوسلمه زوج من گفتم

اَيُّ الْمُسْلِمِيْنَ خَيْرٌ مِّنْ اَبِيْ سَلَمَةَ اَوَّلُ اَهْلِ بَيْتٍ هَاجَرَ

کدام یکی از مسلمانان بهتر است از ابی سلمه که بدل او بمن خواهد رسید که او اول خانه بود که هجرت کرد

اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ اِنِّيْ قُلْتُهَا فَاَخْلَفَ

بسوی پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بهتر پرستی من باوجود این استبعاد کلمه اللهم اجرنی تا آخر گفتم پس بدل

اللّٰهُ لِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدای تعالی برای من رسول الله صلی الله علیه وسلم را روَاه مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ دَخَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وهم از ام سلمه رضی گفت در آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

عَلٰى اَبِيْ سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهٗ فَاَغْمَضَهٗ ثُمَّ قَالَ اِنَّ الرُّوْحَ

بر ابو سلمه حال آنکه بتحقیق باز مانده بود چشم ابی سلمه بیرون و خوابانید آنحضرت بصر ایشان را پس فرمود آنحضرت

اِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِّنْ اَهْلِهٖ فَقَالَ

که جان چون قبض کرده میشود پس وی میبیند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از اهل خانه ابی سلمه پس فرمود

لَا تَدْعُوْا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ اِلَّا بِخَيْرٍ فَاِنَّ الْمَلٰئِكَةَ

آنحضرت دعا مکنید بر ذاتهای خود مگر به نیکی زیرا که فرشتگان

[illegible]

يؤمنون على ما تقولون ثم قال اللهم اغفر لأبي سلمة

آمین سے گویند بر چیزیکه که میگوئید شما پس گفت آنحضرت خدا او ند ا بیامرز ابی سلمه را

وارفع درجته في المهديين واخلفه في عقبه في

و بلند گردان پایهٔ او را در کسانیکه براه راست برده شده اند و خلیفه شو در پسماندگان

الغابرين واغفر لنا وله يا رب العالمين وافسح له في

باقی ماندگان و بیامرز ما را و او را ای پروردگار جهانیان و فراخی کن مر او را در

قبره ونور له فيه رواه مسلم وعن عائشة

قبر او و روشن گردان مر او را در قبر روایت کرده مسلم و روایت است از حضرت عائشه صدیقه رضی

قالت ان رسول الله صلى الله عليه وسلم حين توفي

که گفت بدرستی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتی که وفات یافت

سجي ببرد حبرة متفق عليه وعن معاذ بن جبل

پوشیده شد بجامهٔ حبره برد یمانی مخطط اتفاق علیه و روایت است از معاذ بن جبل رضی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان آخر

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه باشد آخر

كلامه لا اله الا الله دخل الجنة رواه أبو داود

سخن او لا اله الا الله می درآید بهشت را روایت کرد آنرا ابوداود

وعن معقل بن يسار رض قال قال رسول الله صلى

و روایت است از معقل بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

الله عليه وسلم اقرؤا سورة يس على موتاكم رواه احمد

علیه وسلم بخوانید سورهٔ یس بر مردهای شما یعنی کسیکه بموت قریب است

وابو داود وابن ماجه وعن عائشة

و ابوداود و ابن ماجه و روایت است از حضرت عائشه صدیقه رضی

قالت إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قبل عثمان

گفت بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوسه داد عثمان

بن مظعون وهو ميت وهو يبكي حتى سال دموع

بن مظعون را در حالیکه وی مرده بود و آنحضرت گریه می کرد تا آنکه روان شد اشکهای

النبي صلى الله عليه وسلم على وجه عثمان رواه

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر روی عثمان روایت کرده

الترمذي وأبو داود وابن ماجة وعنها قالت

ترمذی و ابو داود و ابن ماجه و هم از عائشه رض مرویست گفت

إن أبا بكر رضي الله عنه قبل النبي صلى الله عليه وسلم وهو

بدرستیکه ابو بکر رض بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را در حال آنکه

ميت رواه الترمذي وابن ماجة وعن حصين

آنحضرت مرده بود روایت کرده ترمذی و ابن ماجه و روایت است از حصین

بن وحوح أن طلحة بن البراء مرض فأتاه النبي صلى الله

بن وحوح بدرستیکه طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد او را پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم يعوده فقال إني لا أرى طلحة إلا قد حدث

علیه وسلم در حالیکه عیادت می کرد او را پس فرمود بدرستیکه من گمان نمی برم طلحه را مگر آنکه

به الموت فآذنوني به وعجلوا فإنه لا ينبغي لجيفة

بوی مرگ پس خبر کنید مرا بوی و شتابی کنید در تجهیز و تکفین زیرا که سزاوار نیست مرده

مسلم أن تحبس بين ظهراني أهله رواه أبو داود

مسلمانی را که بعد داشته شود در میان خانه وی زیرا که مبادا گندیده شود روایت کرده ابو داود

وعن عبد الله بن جعفر قال قال رسول الله صلى

و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوْا مَوْتَاكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ

علیه وسلم تلقین کنید مردگان شما را این کلمه و توصیف باین صفت بشارت بعفو و کرم الهی ست تا که امیدوار

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ○

اشارت بعظمت و کبریائی حق ست تا بشوق حضور گاه حضرت عزت و عظمت او ... از این محنت آباد شاد و راضی شده ...

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ كَيْفَ لِلْاَحْيَاءِ قَالَ اَجْوَدُ اَجْوَدُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفتند صحابی ای پیغمبر خدا چگونه ست از برای زندگان فرمود بهتر و نیکوتر ست رواه ابن ماجه

بَابُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَمَا يَلْحَقُ الْمَيِّتَ بَعْدَ مَوْتِهٖ

باب در بیان سکرات موت و آنچه که لاحق می‌شود مرده را بعد از موت وی

وَلَوْ تَرٰى اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ

و تعجب کردی اگر ببینی که چون قبض ارواح کافران میکنند فرشتگان میزنند بر روی ایشان

وَاَدْبَارَهُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْكُمْ

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردار ست که پیش فرستاده دستهای شما

وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

فِيْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَاسِطُوْٓا اَيْدِيْهِمْ اَخْرِجُوْٓا

در سختی‌های مرگ باشند و فرشتگان دست خود را دراز می‌کنند میگویند بیرون آرید

اَنْفُسَكُمْ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آنکه

تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهٖ تَسْتَكْبِرُوْنَ

می‌گفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی میکردید

وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّتَرَكْتُمْ

و خواهید آمد پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید

مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

آنچه داده بودیم شما را پس پشت خویش هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ

در حالیکه ستمگار بودند بر خویشتن فرشتگان گفتند در چه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان

فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ

و هیچ راه نمی یابند پس آنجماعت نزدیک است که خدا

يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و می فرستد بر شما

حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ

و ایشان تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خداوند ایشان حق

أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ اللَّهُ يَتَوَفَّى

مر او راست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است خدا تعالی قبض میکند

الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ

ارواح را نزدیک موت آن و آن روح که نمرده است قبض آن میکند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

۲۴۵

الَّتِي قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرٰى إِلٰى أَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا که حکم موت کرده است بروے و می گذارد آن دیگر را تا وقتی معین رها

إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

هر آینه درین مقدمه نشانهاست براے قومیکه تامل می کنند در روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم شخصے که میمیرد حاضر می شوند او را

الْمَلٰٓئِكَةُ فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوا اخْرُجِيْ أَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون میباشد مرد میرنده نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک که بوده است در تن پاک بیرون آئے ستوده نزد خدا

وَأَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

وخوش باش براحت و رزق پاک در بهشت و پروردگار خشم ناکننده پس همیشه است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا إِلَى السَّمَآءِ

که گفته می شود مر او را آن کلام مذکور از روح و بشارت تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود او را بسوے

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس کشاده می شود براے اوی در آسمان پس گفته می شود کیست این پس میگویند ملائکه که او فلان بن فلان است پس گفته

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ حَمِيْدَةً وَأَبْشِرِيْ

جان پاک را که بود در تن پاک درآئی ستوده وخوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت و رزق و پروردگار خشم نکننده پس همیشه است آن نفس که گفته می شود مر او را

ذٰلِكَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ إِلَى السَّمَآءِ الَّتِيْ فِيْهَا اللّٰهُ فَإِذَا كَانَ

آن کلام و برده می شود از آسمانے بآسمان دیگر تا آنکه میرسد بآسمانی که در وے خدا است یعنی رحمت خاص وے

الرَّجُلُ السُّوءُ قَالَ اُخْرُجِي اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ كَانَتْ

مرد بد میگوید یکی از فرشتگان حاضر بیرون آی ای جان پلید که بودی

فِي الْجَسَدِ الْخَبِيثِ اُخْرُجِي ذَمِيمَةً وَاَبْشِرِي بِحَمِيمٍ

در تن پلید بیرون آی نکوهیده وخورسند باش بآب گرم

وَغَسَّاقٍ وَآخَرَ مِنْ شَكْلِهِ اَزْوَاجٌ فَمَا تَزَالُ يُقَالُ

وریم وبعذاب دیگر که متشابه عذاب مذکور اند طرح بطرح پس همیشه است که گفته می شود

لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَاءِ فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ

آن نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود بسوی آسمان پس کشاده میشود برای وی در آسمان پس گفته می شود که

هٰذَا فَيُقَالُ فُلَانٌ فَيُقَالُ لَا مَرْحَبًا بِالنَّفْسِ الْخَبِيثَةِ كَانَتْ فِي

این پس گفته می شود که فلان بن فلان است پس گفته می شود که مبادا فراخی جای جان پلید را که بود در

الْجَسَدِ الْخَبِيثِ ارْجِعِي ذَمِيمَةً فَاِنَّهَا لَا تُفْتَحُ لَكِ

تن پلید برگرد نکوهیده زیرا که کشاده نشود برای تو

اَبْوَابُ السَّمَاءِ فَتُرْسَلُ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ تَصِيرُ اِلَى الْقَبْرِ

درهای آسمان پس فرستاده وانداخته می شود بر زمین از آسمان پس باز میگردد بسوی قبر

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرده ابن ماجه وهم از ابی هریره روایت است بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا خَرَجَتْ رُوحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند اورا

مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيبِ رِيحِهَا

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان این حدیث است پس ذکر کرده ابو هریره یا آنحضرت از خوشبوئی آن روح

وَذَكَرَ الْمِسْكَ قَالَ وَيَقُولُ اَهْلُ السَّمَاءِ رُوحٌ طَيِّبَةٌ

وذکر کرده مشک را گفت ابو هریره یا آنحضرت ومیگویند آسمانیان جانیست پاک

جاءت من قبل الارض صلى الله عليك وعلى جسد

که آمده است از جانب زمین درود فرستد خدایتعالی بر تو و بر تنے

كنت تعمرينه فينطلق به الى ربه ثم يقول انطلقوا

که آباد ان بزنده میداشتی تو آنرا پس پیش برده می شود او را بسوی پروردگار او پستر میگوید ببرید

به الى آخر الاجل قال وان الكافر اذا خرجت روحه

او را بسوی آخرت که مراد از ان قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکه کافر چون بیرون می آید روح او

قال حماد وذكر من نتنها وذكر لعنا ويقول اهل

گفت حماد و ذکر کرد ابو هریره یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و میگویند

السماء روح خبيثة جاءت من قبل الارض فيقال

آسمانیان جانیست پلید که آمده است از جانب زمین پس گفته می شود

انطلقوا به الى آخر الاجل قال ابو هريرة فرد رسول الله

ببرید او را بسوی آخرت که مراد با آن قیامت است گفت ابو هریره پس بازگردانید

صلى الله عليه وسلم ريطة كانت عليه على انفه

صلی الله علیه وسلم چادریکه بود بروی بر بینی خود

هكذا رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى

همچنین روایت کرده مسلم و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا حضر المؤمن اتت ملائكة

الله علیه وسلم چون حاضر کرده می شود مومن یعنے حاضر می شود او را مرگ می آیند ملائکه

الرحمة بحريرة بيضاء فيقولون اخرجي راضية مرضية

رحمت با ابریشم پاره سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آئی خوشنود از خدا و خوشنود کرده شده

عنك الى روح الله وريحان ورب غير غضبان فتخرج

از تو بسوی راحت که از جانب خداست و بسوی رزق روحانی و پروردگار خشم نکننده پس بیرون می آید

كأطيب ريح المسك حتى أنه ليناوله بعضهم بعضا

روح بهمچو بهترین بوی مشک تا آنکه هر آئینه میدهند آن روح را بعضی از فرشتگان بعضی را یعنی دست بدست

حتى يأتوا به أبواب السماء فيقولون ما أطيب هذه الريح التي

تا آنکه می آرند او را نزد دروازه های آسمان پس میگویند ملائکه چه خوش است این بوی که

جاءتكم من الأرض فيأتون به أرواح المؤمنين فلهم

آمده است شما را از زمین پس می آرند او را نزد ارواح مومنان پس هر آئینه ارواح مومنان را

أشد فرحا من أحدكم بغائبه يقدم عليه يسألونه

سخت تر اند از روی شادمانی از یکی از شما بغائب خود که باز می آید از سفر بر وی پس می پرسند او را

ماذا فعل فلان ماذا فعل فلان فيقولون دعوه فإنه

چه شد و چه حال دارد فلان و فلان یعنی آشنایان خود و حال ایشان می پرسند پس میگویند که بگذارید او را زیرا که او

في غم الدنيا فيقول قد مات أما أتاكم فيقولون قد

در غم دنیا است پس میگوید به تحقیق مرده است آن آیا نیامده است پیش شما پس میگویند به تحقیق

ذهب به إلى أمه الهاوية وإن الكافر إذا احتضر

برده شده او را بسوی مادر خود که آتش دوزخ است و بدرستیکه کافر وقتیکه حاضر می شود او را موت

أتته ملائكة العذاب بمسح فيقولون أخرجي ساخطة

می آیند او را ملائکه عذاب با پلاس درشت پس میگویند بر روح کافر بیرون آی ناخوش شده

مسخوطا عليك إلى عذاب الله عز وجل فتخرج كأنتن

و ناخوشنودی کرده شده بر تو بسوی عذاب خدای بزرگ پس بیرون می آید روح چون ناخوش ترین گنده ترین

ريح جيفة حتى يأتونا به إلى باب الأرض فيقولون

بوی مردار تا آنکه می آرند او را نزد دروازه زمین پس میگویند

ما أنتن هذه الريح حتى يأتونا به أرواح الكفار رواه

چه گنده است این بو تا آنکه می آرند او را نزد ارواح کافران روایت

أحمد والنسائي وعن البراء بن عازب رضي الله عنه قال خرجنا مع

احمد والنسائی درروایت است از براء بن عازب رض گفت بیرون آمدیم با

النبي صلى الله عليه وسلم في جنازة رجل من الأنصار

بآنحضرت صلی الله علیه وسلم در جنازه مردے از انصار

فانتهينا إلى القبر ولم يلحد فجلس رسول الله صلى الله

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم وجلسنا حوله كأن على رؤوسنا الطير

علیه وسلم ونشستیم ما گرد آنحضرت سر فرو برده گویا بر سرها پرنده نشسته است

وفي يده عود ينكت به في الأرض فرفع رأسه فقال

و در دست آنحضرت چوبے بود که می کاوید و خط می کشید بآن چوب در زمین پس برداشت سر خود را

استعيذوا بالله من عذاب القبر مرتين أو ثلاثا ثم قال

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پس گفت آنحضرت

إن العبد المؤمن إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در بے بریدگی از دنیا و می باشد در رو آوردن

من الآخرة نزل إليه ملائكة من السماء بيض الوجوه

بآخرت فرود می آیند بسوئے وے فرشتگان از آسمان که روهای ایشان سفید است

كأن وجوههم الشمس معهم كفن من أكفان الجنة

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنهاے بهشت

وحنوط من حنوط الجنة حتى يجلسوا منه مد البصر

و حنوط است از حنوطهای بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان از میت دور تا درازی بصر

ثم يجيء ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند رأسه فيقول

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا آنکه می نشیند نزد سر میت پس میگوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ اخْرُجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللهِ وَرِضْوَانٍ

ای جان پاک بیرون آی بسوی آمرزش از خدا و رضای عظیم از وی

قَالَ فَتَخْرُجُ تَسِيلُ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنَ السِّقَاءِ فَيَأْخُذُهَا

فرمود آنحضرت پس بیرون آید روح درحالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس میگیرد ملک الموت

فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَأْخُذُوهَا

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک لمحه تا آنکه میگیرند فرشتگان روح را

فَيَجْعَلُوهَا فِي ذَلِكَ الْكَفَنِ وَفِي ذَلِكَ الْحَنُوطِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا

پس میکنند آن روح را در آن کفن و در آن حنوط و بیرون آید از آن روح

كَأَطْيَبِ نَفْحَةِ مِسْكٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ قَالَ

همچو خوشبوترین وزیدن بوی مشک که یافته شده است بر روی زمین فرمود آنحضرت

فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ يَعْنِي بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

پس بالا می برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با آن روح بر هیچ جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الطَّيِّبُ فَيَقُولُونَ فُلَانُ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

بْنُ فُلَانٍ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانُوا يُسَمُّونَهُ بِهَا فِي

بن فلان است میخوانند آنرا به نیکوترین نامهای وی که میخواندند اورا بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَهُوا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتِحُونَ

دنیا تا آنکه میرسند با وی تا آسمان که فرودترین آسمانها است پس طلب درکشادن میکنند

لَهُ فَيُفْتَحُ لَهُمْ فَيُشَيِّعُهُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مُقَرَّبُوهَا إِلَى السَّمَاءِ

برای وی پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند اورا از هر آسمان مقربان آن تا آسمانی

الَّتِي تَلِيهَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَقُولُ اللهُ

که متصل است تا آنکه آخر رسیده می شود بآن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدای تعالی

عَزَّ وَجَلَّ اُكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيِّيْنَ وَاَعِيْدُوْهُ اِلَى

بنویسید نامهٔ بهشتهٔ مرا در علیین که نام موضعی است در آسمان و بازگردانید او را

الْاَرْضِ فَاِنِّيْ مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ وَفِيْهَا اُعِيْدُهُمْ وَمِنْهَا اُخْرِجُهُمْ

بسوی زمین پس بدرستی که من از زمین پیدا کرده ام آدمیان را و در زمین باز میگردانم ایشان را و از زمین بیرون می آرم ایشان را

تَارَةً اُخْرٰى قَالَ فَتُعَادُ رُوْحُهُ فِيْ جَسَدِهِ فَيَاْتِيْهِ مَلَكَانِ

بار دیگر فرمود آنحضرت پس باز گردانیده می شود روح وے در تن وے پس می آیند پیش او دو فرشته

فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُوْلَانِ لَهُ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ رَبِّيَ اللهُ

پس می نشانند او را پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید بنده پروردگار من خداست

فَيَقُوْلَانِ لَهُ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ دِيْنِيَ الْاِسْلَامُ فَيَقُوْلَانِ

پس میگویند او را چیست دین تو پس میگوید دین من اسلام است پس میگویند

لَهُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هُوَ رَسُوْلُ اللهِ

او را چیست این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید میت وے پیغمبر خدا است

فَيَقُوْلَانِ لَهُ وَمَا عِلْمُكَ فَيَقُوْلُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللهِ فَاٰمَنْتُ

پس میگویند او را چیست علم تو در رسالت وی پس میگوید میت خواندم کتاب خدا را که قرآن است پس ایمان

بِهِ وَصَدَّقْتُ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ اَنْ صَدَقَ عَبْدِيْ

آوردم و راست گردانستم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که راست گفت بندهٔ من

فَافْرِشُوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَاَلْبِسُوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوْا لَهُ بَابًا

پس فرش گردانید بنده مرا از بهشت و بپوشانید او را لباسی از بهشت و بگشایید برای او دری

اِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَاْتِيْهِ مِنْ رَّوْحِهَا وَطِيْبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِيْ

بسوی بهشت فرمود آنحضرت پس می آید او را از راحت بهشت و خوشبوی بهشت پس کشاده می شود برای وے

قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ قَالَ وَيَاْتِيْهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الثِّيَابِ

در قبر وے تا اندازهٔ بصر فرمود آنحضرت و می آید او را مردی نیک روی نیکو جامه

طيب الريح فيقول أبشر بالذي يسرك هذا يومك

خوشبوی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بآنچه شادمان گرداند ترا این روز است

الذي كنت توعد فيقول له من أنت فوجهك الوجه

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مرده مر آنمرد را که کیستی تو پس روی تو روی کامل

يجيء بالخير فيقول أنا عملك الصالح فيقول رب أقم

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که منم عمل نیک تو پس میگوید ای پروردگار برپا کن

الساعة أقم الساعة حتى أرجع إلى أهلي ومالي قال

قیامت را که برپا کن قیامت را تا آنکه باز برگردم بسوی اهل خود و بسوی مال خود گفت

وإن العبد الكافر إذا كان في انقطاع من الدنيا

و بدرستیکه بنده کافر چون می باشد در بریدگی از دنیا

وإقبال من الآخرة نزل إليه من السماء ملائكة سود

و روی آوردن از آخرت فرود می آیند بسوی وی از آسمان فرشتگان سیاه

الوجوه معهم المسوح فيجلسون منه مد البصر

رویها و با ایشان پلاسها می نشینند از میت تا آنجا که نظر کار می کند

ثم يجيء ملك الموت حتى يجلس عند رأسه فيقول

پس می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس میگوید

أيتها النفس الخبيثة اخرجي إلى سخط من الله قال

ای جان خبیثه بیرون آ بسوی خشم و ناخشنودی از خداوند فرمود آنحضرت

فتفرق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفود من

پس پراگنده می شود روح در جسد کافر پس میکشد آنرا چنانکه کشیده می شود سیخ گرم از

الصوف المبلول فيأخذها فإذا أخذها لم يدعوها

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آنرا پس چون میگیرد آنرا نمیگذارند فرشتگان آنرا

فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوحِ

در دست او چشم زدن تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيحِ جِيفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ

و بیرون آید ازان روح مانند بوی گنده تر بوی مردار که یافته می شود بر روی

الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان با او بر جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثَةُ فَيَقُولُونَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیث پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمَّى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند او را به بدترین نامها که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ

دنیا با او هست تا آنکه میرسند با وی تا آسمان دنیا پس طلب در گشادن میکنند برای وی

فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس گشاده نمی شود در برای وی پس تر خواند پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى

گشاده نمی شود برای کافران درهای آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

در آید شتر با آن همه بلندی در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالی بزرگ و بلند

اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سِجِّينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامه او را در سجین که نام جایی است در تحت زمین پایین ترین پس انداخته می شود

رُوحُهُ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

روح کافر انداختنی پس خواند آنحضرت این آیت را که کسیکه شریک گرداند با خدا پس گویا بیفتد از آسمان

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

از آسمان پس میربایند او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جایی

سَحِيقٍ فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ

دور پس عود کرده میشود روح او در تن او و می آیند او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر آه آه که کلمه تحیر است نمیدانم پس میگویند

لَهُ مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید کافر آه آه نمیدانم پس ندا کند

فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوهُ مِنَ النَّارِ.

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرش گردانید برای او از آتش

وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُومِهَا

و بکشایید برای او دری در آتش پس میآید او را از گرمی آتش

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ وَيَأْتِيهِ

و تنگ گردانیده میشود بر کافر قبر او تا آنکه درهم شکسته شود استخوانهای پهلوی او و می آید او را

رَجُلٌ قَبِيحُ الْوَجْهِ قَبِيحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيحِ فَيَقُولُ

مردی بد شکل و بد جامه گنده بوی پس میگوید کافر را

أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُوءُكَ هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ

مژده باد ترا بآنچه غمگین گرداند ترا این روزیست که وعده کرده میشدی تو

فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ يَجِيءُ بِالشَّرِّ فَيَقُولُ

پس میگوید میت کافر کیست تو پس روی تو روی کامل است در زشتی روی که بیارد شر را پس میگوید آن مرد

أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيثُ فَيَقُولُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِي رِوَايَةٍ

که من عمل بد توام پس میگوید میت کافر ای پروردگار من قایم مکن قیامت را و در روایت دیگر

نحوه وزاد فيه اذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرده در وی که چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد بر وی هر فرشته که

السماء والارض وكل ملك في السماء وفتحت ابواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان است و گشاده شود برائے وے درہای آسمان

ليس من اهل باب الا وهم يدعون الله ان يعرج بروحه

نیست هیچ جماعه از اهل هیچ دروازه از آسمان مگر که ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برده شود روح او

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وے یعنی جان کافر با رگہا وے او

فيلعنه كل ملك بين السماء والارض وكل ملك في

پس لعنت میکند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق ابواب السماء ليس من اهل باب الا وهم

آسمان است و بسته میشود درهای آسمان نیستند از اهل هر در مگر که ایشان

يدعون الله ان لا يعرج روحه من قبلهم رواه احمد

میخواهند خدا را و دعا میکنند که برده نشود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن ابيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هرگاه که حاضر شد

كعبا الوفاة اتته ام بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا ابا عبد الرحمن ان لقيت فلانا فاقرأ عليه

پس گفت ای ابا عبد الرحمن اگر ملاقات کنی فلان را پس بخوان بر وے

مني السلام فقال غفر الله لك يا ام بشر نحن اشغل

از جانب من سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا ای ام بشر ما مشغول تریم

مِنْ ذٰلِكَ فَقَالَتْ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ أَمَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللّٰهِ

از اینکه سلام و پیام برسانم پس گفت ام بشر اے ابو عبد الرحمن آیا نشنیدی آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي طَيْرٍ

صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مومنان نهاده میشوند در پرندگان

خُضْرٍ تَعْلُقُ بِشَجَرِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى قَالَتْ فَهُوَ ذَاكَ رَوَاهُ

سبز که میچرند در درختان بهشت گفت آرے شنیدم گفت ام بشر پس این آن فضل کرمیست رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُورِ

ابن ماجه و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از پدر ... بدرستیکه او بود که حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّمَا نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَيْرٌ تَعْلُقُ فِي شَجَرِ الْجَنَّةِ

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیرے که می چرد در درختان بهشت

٢٥٧ حَتّٰى يَرْجِعَهُ اللّٰهُ فِي جَسَدِهِ يَوْمَ يَبْعَثُهُ رَوَاهُ مَالِكٌ

تا آنکه باز میگرداند او را خداے تعالی در تن او روزیکه برانگیزد او را از خاک رواه مالک

وَالنَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُورِ

و النسائی و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى جَابِرِ بْنِ

و روایت است از محمد بن منکدر گفت درآمدم بر جابر بن

عَبْدِ اللّٰهِ رض وَهُوَ يَمُوتُ فَقُلْتُ اقْرَأْ عَلٰى رَسُولِ اللّٰهِ

عبد الله رض حال آنکه وے میمیرد پس گفتم بخوان بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّلَامَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلی الله علیه وسلم سلام را از جانب ما رواه ابن ماجه

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از بریده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَلْمُؤْمِنُ يَمُوْتُ بِعَرَقِ الْجَبِيْنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ

وسلم مومن بمیرد با عرق پیشانی رواه ترمذی و

النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

النسائی وابن ماجه و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَحَدَكُمْ اِذَا مَاتَ عُرِضَ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکه یکے از شما چون بمیرد ظاہر کرده شود

عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ اِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ

برے نشست گاه او بامداد و شبانگاه اگر باشد آن شخص از اہل بہشت

فَمِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ فَمِنْ اَهْلِ النَّارِ

پس باشد جاے او از بہشت و اگر باشد آنکس از اہل دوزخ پس باشد جاے نشست او از دوزخ

هٰذَا مَقْعَدُكَ حَتّٰى يَبْعَثَكَ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ

گفته شود که این جاے نشست تو است تا آنکه بر انگیزد ترا خداے تعالیٰ بسوے خود روز قیامت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

علیہ است و روایت کرده شده است از ابی ہریرہ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ اَتَاهُ مَلَكَانِ اَسْوَدَانِ

صلے اللہ علیہ وسلم چون نهاده میشود مرده در قبر می آیند او را دو فرشته در صورت آدمی سیاه رنگ

اَزْرَقَانِ يُقَالُ لِاَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْاٰخَرِ النَّكِيْرُ فَيَقُوْلَانِ

کبود چشم گفته میشود مر یکے را از ایشان منکر و دیگری را نکیر پس میگویند آن ہر دو

مَا كُنْتَ تَقُوْلُ فِيْ هٰذَا الرَّجُلِ فَيَقُوْلُ هُوَ عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُوْلُهُ

چه بود تو که میگفتی در حال این مرد پس میگوید میت که آن مرد بنده خدا و پیغمبر او است

أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله فيقولان

گواهی میدهم باینکه نیست هیچ معبود مگر خدا و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول اوست پس میگویند هر دو

قد كنا نعلم أنك تقول هذا ثم يفسح له في قبره سبعون

که بدرستیکه ما بودیم بر خود آگاه به تحقیق تو میگوئی این پس گشاده کرده می شود برای وی در قبر وی هفتاد

ذراعا في سبعين ثم ينور له فيه ثم يقال له نم

ذراع در هفتاد ذراع پس روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود مر او را که خواب بکن

فيقول أرجع إلى أهلي فأخبرهم فيقولان نم كنومة العروس

میگوید که باز میروم بسوی اهل خانه من پس خبر میدهم ایشان را پس میگویند هر دو فرشته خواب بکن همچو خواب عروس

الذي لا يوقظه إلا أحب أهله إليه حتى يبعثه الله من

که بیدار نمیکند او را مگر محبوب ترین اهل وی بسوی وی یعنی زوج تا آنکه برانگیزاند او را خدا تعالی از

مضجعه ذلك وإن كان منافقا قال سمعت الناس يقولون

جای آرام او که اینست و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم مردم را میگفتند

قولا فقلت مثله لا أدري فيقولان قد كنا نعلم أنك

قولی پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت آن پس میگویند بتحقیق ما

تقول ذلك فيقال للأرض التئمي عليه فتلتئم عليه فتختلف فيها

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که بهم آ بر روی وی پس بهم میآید

أضلاعه فلا يزال فيها معذبا حتى يبعثه الله من مضجعه

پهلو های وی پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه برانگیزد او را خدا از آن جایگاه

ذلك رواه الترمذي وعن البراء بن عازب رض

ذلک روایت کرد ترمذی و روایت است از براء بن عازب رض

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا مات المؤمن

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون بمیرد مرد مومن

ویأتیه ملکان فیجلسانه فیقولان له ما دینك فیقول

می آید آنرا دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند مر او را که چیست دین تو پس میگوید دین

دینی الاسلام فیقولان ما هذا الرجل الذی بعث

دین من اسلام است پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است

فیکم فیقول هو رسول الله فیقولان له وما یدریك

در شما پس میگوید پیغمبر که وی فرستاده خدا است پس میگویند مر او را چه دریافت ترا که رسول خدا است

فیقول قرأت کتاب الله فآمنت به وصدقت فذلك

پس میگوید مومن خواندهام کتاب خدا را پس ایمان آوردم بوی و گرویدم پس این است مراد

قوله تعالی یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی

بقول خداوند تعالی مر و تثبیت درین قول جواب فرشتگان است در زندگی

الحیوة الدنیا الآیة قال فینادی منادٍ من السماء

بر آن وجه که مذکور شده فرمود آنحضرت پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان

ان صدق عبدی فافرشوه من الجنة والبسوه من

که راست گفت بنده من بگسترانید برای او فرشی از فرشهای بهشت و بپوشانید او را از

الجنة وافتحوا له بابا الی الجنة فیفتح له قال فیأتیه

پوششهای جنت و بگشائید برای او دری از بهشت پس گشاده میشود برای وی دری پس فرمود آنحضرت پس میآید مومن را

من روحها وطیبها ویفسح له فیها مد بصره واما

از راحت بهشت و نسیم آن و فراخ کرده میشود او را در جای بهشت تا غایتی که میرسد نظر وی ولیکن

الکافر فذکر موته قال ویعاد روحه فی جسده و

کافر پس ذکر کرد آنحضرت مرگ او را فرمود و باز آورده میشود روح او در تن وی و

یأتیه ملکان فیجلسانه فیقولان من ربك فیقول

می آیند مر او را دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند کیست پروردگار تو پس میگوید کافر

٩

هاه هاه لا أدري فيقولان له ما دينك فيقول هاه

هاه هاه نمی دانم و درنمی یابم پس میگویند مراورا چیست دین تو پس میگوید هاه

هاه لا أدري فيقولان ما هذا الرجل الذي بعث فيكم

هاه نمی دانم و درنمی یابم پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما

فيقول هاه هاه لا أدري فينادي مناد من السماء أن

پس میگوید هاه هاه نمی دانم و درنمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كذب فافرشوه من النار وألبسوه من النار وافتحوا له

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشته برای او از آتش و بپوشانید اورا از پوششهای دوزخ و بگشائید برای او

بابا إلى النار قال فيأتيه من حرها وسمومها قال

دری بسوی دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید اورا از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

ويضيق عليه قبره حتى تختلف فيه أضلاعه ثم

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وی استخوانهای پهلوی او پس تر

يقيض له أعمى وأصم معه مرزبة من حديد

مسلط گردانیده میشود بروی کوری و کری که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد و داد او کلوخ کوب است از آهن

لو ضرب بها جبل لصار ترابا فيضربه بها ضربة

اگر زده شود بر کوه هر آئینه میگردد خاک پس میزند اورا بآن زدنی

يسمعها ما بين المشرق والمغرب إلا الثقلين فيصير

میشنود آواز زدن را هرچه در میان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

ترابا ثم يعاد فيه الروح رواه أحمد وأبو داود وعن

خاک پستر باز آورده میشود روح در بدن او روایت کرده احمد و ابو داود و روایت است

عثمان رض أنه كان إذا وقف على قبر بكى حتى يبل لحيته

از عثمان رض پدرستیکه بود وی رض چون می استاد بر سر گوری میگریست تا آنکه تر میشد ریش او

[illegible] مرگ بهشتاد بار [illegible] است در [illegible] اگر یکی ذره از شدائد [illegible] بر کوهها افتد بر کوهها پاره پاره شوند و کوه طاقت نیارد [illegible] آدمی طاقت آورد برای شدت و مشقت و رنج و محنت [illegible] برای تن او رنج و راحت [illegible] قال الله تعالی بطریق اشارت لقد خلقنا الانسان فی کبد ١٢

فَقِيلَ لَهُ تُذْكَرُ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فَلَا تَبْكِي وَتَبْكِي مِنْ هٰذَا

پس گفته شود او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی ازین یعنی از ایستادن بر قبر

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ

نخستین منزلیست از منزلهای آخرت پس اگر کسی برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وی است ازینها

أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان و گفت عثمان

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز هیچ

إِلَّا وَالْقَبْرُ أَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است ازان رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّينًا تَنْهَسُهُ وَتَلْدَغُهُ حَتّٰى تَقُومَ السَّاعَةُ لَوْ أَنَّ تِنِّينًا

اژدها میگزد کافر را و میگزد او را تا آنکه برپا میشود قیامت اگر اژدهاے

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ مَا أَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزه را رواه الدارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهُ وَقَالَ سَبْعُونَ بَدَلَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

و الترمذی مانند وے و گفت هفتاد بجاے نود و نه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ودروایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ إِلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ حِيْنَ تُوُفِّيَ فَلَمَّا صَلَّى عَلَيْهِ

و سلم بسوئے سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد برو

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوُضِعَ فِي قَبْرِهٖ وَسُوِّيَ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم و نهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عَلَيْهِ سَبَّحَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَبَّحْنَا طَوِيْلًا

بر وے تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثُمَّ كَبَّرَ فَكَبَّرْنَا فَقِيْلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ لِمَ سَبَّحْتَ ثُمَّ

پستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برائے چه تسبیح کردی پستر

كَبَّرْتَ قَالَ لَقَدْ تَضَايَقَ عَلٰى هٰذَا الْعَبْدِ الصَّالِحِ قَبْرُهٗ

تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت تحقیق تنگ گردید برین بندهٔ نیک قبر وے رض

حَتّٰى فَرَّجَهُ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ

تا آنکه کشاده و بیرون آورد او را خدای تعالیٰ از ان و شواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هٰذَا الَّذِيْ تَحَرَّكَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسے است جنبید

لَهُ الْعَرْشُ وَفُتِحَتْ لَهٗ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَشَهِدَهٗ سَبْعُوْنَ

بجهت وے عرش و کشاده شد برائے وے درها آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید او را هفتاد

أَلْفًا مِنَ الْمَلٰئِكَةِ لَقَدْ ضُمَّ ضَمَّةً ثُمَّ فُرِّجَ عَنْهُ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد از و رواه ترمذی

وَعَنْ جَابِرٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم گفت

إِذَا دَخَلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ مُثِّلَتْ لَهُ الشَّمْسُ عِنْدَ غُرُوبِهَا

چون درآورده میشود مرده درگور متمثل کرده می شود و نموده میشود مراو را آفتاب چنانکه در وقت غروب

فَيَجْلِسُ يَمْسَحُ عَيْنَيْهِ وَيَقُولُ دَعُونِي أُصَلِّي رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

پس نشیند میت درحالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم

قَالَ إِنَّ الْمَيِّتَ يَصِيرُ إِلَى الْقَبْرِ فَيَجْلِسُ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد درگورش درحالیکه

غَيْرَ فَزِعٍ وَلَا مَشْغُوبٍ ثُمَّ يُقَالُ فِيمَ كُنْتَ فَيَقُولُ كُنْتُ

ترسنده نیست و غیر مفتون است گفته می شود که در چه دین و ملت بوده تو پس میگوید بوده ام

فِي الْإِسْلَامِ فَيُقَالُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید میت که وی محمد فرستاده خدا است

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنَا بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ فَصَدَّقْنَاهُ

صلی الله علیه و سلم که آورد ما را معجزات ظاهر و باهر از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما او را

فَيُقَالُ لَهُ هَلْ رَأَيْتَ اللّٰهَ فَيَقُولُ مَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرَى

پس گفته می شود او را آیا دیده تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر یکے را که به بیند

اللّٰهَ فَيُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ قِبَلَ النَّارِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا يَحْطِمُ بَعْضُهَا

خدا تعالی را پس کشاده می شود مراو را شگافے بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال میکند

بَعْضًا فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَا وَقَاكَ اللّٰهُ ثُمَّ يُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ

بعض وے بعض را پس گفته می شود مراو را که بنگر بجانب چیزیکه نگاه داشته است ترا خدا از آن پس کشاده میشود مراو را شگافے

قِبَلَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ إِلَى زَهْرَتِهَا وَمَا فِيهَا فَيُقَالُ لَهُ هٰذَا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مراو را این

شادانی و هرکه درآید درین عالم بیرون آید ازین دو زخم ۱۲

مقعدك على اليقين كنت وعليه مت وعليه تبعث إن شاء

جای نشست تو است زیرا که بر یقین و ایمان بوده تو در حیات و همبرین یقین مرده تو و همبرین ایمان و یقین برانگیخته میشوی اگر

الله تعالى ويجلس الرجل السوء في قبره فزعا مشعوبا فيقال

خدا تعالی و نشانده می شود مرد بد در قبرش ترسناک و مفتون و تباه پس گفته میشود

له فيم كنت فيقول لا أدري فيقال له ما هذا الرجل فيقول

مر او را در چه دین بوده پس میگوید نمی دانم و در نمی یابم پس گفته میشود مر او را چیست صفت این مرد پس میگوید

سمعت الناس يقولون قولا فقلته فيفرج له قبل الجنة فينظر

شنیدم مردم را که میگفتند سخنی را پس گفتم من نیز آن را پس کشاده کرده میشود مر او را شکافی بسوی بهشت پس نگاه میکند

الى زهرتها وما فيها فيقال له انظر الى ما صرف الله عنك

بسوی خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را بنگر بسوی آنچه که باز داشت خدا تعالی از تو

ثم يفرج له فرجة الى النار فينظر اليها يحطم بعضها بعضا

پس کشاده میشود مر او را شکافی بسوی آتش دوزخ پس نگاه میکند بسوی آتش دوزخ که میشکند و پامال میکند بعض بعض را

فيقال له هذا مقعدك على الشك كنت وعليه مت

پس گفته میشود مر او را که این است جای نشست تو که بودی تو بر شک در حیوة تو و همبرین شک مرده تو

وعليه تبعث إن شاء الله تعالى رواه ابن ماجة وعن

و همبرین شک برانگیخته میشوی از قبر اگر خواهد خدا تعالی روایت کرد ابن ماجه و روایت است از

قتادة عن انس أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لولا

قتاده رض از انس بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود ترس

أن لا تدافنوا لدعوت الله أن يسمعكم عذاب القبر

و ملاحظه آنکه بگور نکنید یکدیگر را از خوف هر آینه دعا کردم خدا را که بشنواند شما را عذاب قبر

في كتاب عذاب القبر وعن شيبة بن مساور

در کتاب عذاب قبر و روایت است از شیبه بن مسادر

عَنْ اَنَسٍ قَالَ مَرَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرٍ

از انس رضه گفت گذر کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بگوری

فَنَفَرَتْ بَغْلَتُهُ الشَّهْبَاءُ فَاَخَذَ الْقَوْمُ فَقَالَ خَلُّوْا عَنْهَا فَاِنَّ

پس فرار گرفت مرکب آنحضرت پس گرفتند قوم پس فرمود بگذارید ازان بدرستیکه

صَاحِبَ الْقَبْرِ يُعَذَّبُ فَاِنَّهُ لَا يَسْتَنْزِهُ مِنَ الْبَوْلِ فِيْ قَبْرِهِ

صاحب این قبر عذاب کرده میشود پس بدرستیکه وی پاک نمیکرد تربت را و پاکی نمیکرد از بول

وَعَنْهُ اَيْ اَنَسٍ رضـ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و مروی است از انس رضه از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى وَكَّلَ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ عَمَلَهُ

بدرستیکه خدای تعالی گماشته است برای بنده مؤمن خود دو فرشته را که می نویسند عمل آن بنده

فَاِذَا مَاتَ قَالَ الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ وُكِّلَا بِهِ قَدْ مَاتَ فَائْذَنْ

پس چون بمیرد آن مؤمن میگویند آن دو فرشته که گماشته شده بودند بدان بنده بتحقیق که مرد پس اذن ده

لَنَا اَنْ نَصْعَدَ اِلَى السَّمَاءِ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ سَمَائِيْ

ما را که بالا برویم بسوی آسمان پس میگوید خدای تعالی آسمان من

مَمْلُوْءَةٌ مِنْ مَلَائِكَتِيْ يُسَبِّحُوْنَ فَيَقُوْلَانِ اَفَنُقِيْمُ فِي الْاَرْضِ

پر است از فرشتگان من که تسبیح میکنند پس میگویند آن دو فرشته آیا پس اقامت کنیم ما در زمین

فَيَقُوْلُ اللّٰهُ اَرْضِيْ مَمْلُوْءَةٌ مِنْ خَلْقِيْ يُسَبِّحُوْنِيْ فَيَقُوْلَانِ

پس میگوید خدای تعالی زمین من پر است از مخلوق من که تسبیح میکنند مرا پس می گویند

فَاَيْنَ فَيَقُوْلُ قُوْمَا عَلٰى قَبْرِ عَبْدِيْ فَسَبِّحَانِيْ وَاحْمَدَانِيْ

پس کجا باشیم پس میگوید ایستاده شوید بر قبر بنده من پس تسبیح گویید مرا و حمد گویید مرا

وَكَبِّرَانِيْ وَهَلِّلَانِيْ وَاكْتُبَا ذٰلِكَ لِعَبْدِيْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

و تکبیر گویید مرا و تهلیل گویید مرا و بنویسید ثواب این را برای بنده من تا روز قیامت

[illegible]

المروي في الجنائز وابو بكر الشافعي في الغيلانيات

روايت كرده شده در جنائز وابو بكر شافعي در غيلانيات

وابو الشيخ في العظمة هب والديلمي واورد

و ابو الشيخ در عظمت [illegible] والديلمي و وارد كرد

ابن الجوزي في الموضوعات فلم يصب جمع الجوامع

ابن جوزي در موضوعات پس بصواب نرسيد جمع الجوامع

باب غسل الميت وتكفينه

باب در بيان غسل ميت و در كفن در آوردن آن

عن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله

روايت است از جابر رض گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله

عليه وسلم اذا كفن احدكم اخاه فليحسن كفنه

عليه وسلم چون كفن كند يكي از شما برادر خود را پس بايد نيك كند كفن او را

رواه مسلم وعن عبد الله بن عباس رض

روايت كرد مسلم و از عبد الله بن عباس رض

قال ان رجلا كان مع النبي صلى الله عليه وسلم

گفت بدرستيكه مردي بود با پيغمبر صلى الله عليه وسلم

فوقصته ناقته وهو محرم فمات فقال

پس انداخت او را ناقه او وحال آنكه [illegible] محرم بود پس مرد پس فرمود

[illegible]

رسول الله صلى الله عليه وسلم اغسلوه بماء وسدر

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بشوئید او را بآب و برگ درخت کنار

وكفنوه في ثوبيه ولا تمسوه بطيب ولا تخمروا

و کفن کنید او را در دو جامهٔ او و مساس مکنید او را ببوی خوش و مپوشید

رأسه فإنه يبعث يوم القيامة ملبيا متفق عليه

سر او را چرا که وی برانگیخته شود روز قیامت از قبر لبیک گویان متفق علیه

وعن ابن عباس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم البسوا من ثيابكم البياض فإنها من خير ثيابكم

و سلم بپوشید از جامه‌های خود سفید را زیرا که سفید از جمله بهترین جامه‌های شما است

وكفنوا فيها موتاكم ومن خير أكحالكم الإثمد فإنه ينبت

و کفن کنید در آن مردگان شما را و از بهترین سرمه‌های شما اثمد است زیرا که آن میرویاند

الشعر ويجلو البصر رواه أبو داود والترمذي وروى

موی را و روشن میکند بینائی را رواه ابوداود والترمذی و روایت کرد

ابن ماجه إلى موتاكم وعن علي رضي الله عنه قال قال

ابن ماجه تا لفظ موتاکم و روایت است از علی رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تغالوا في الكفن فإنه

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گران بها مکنید در کفن زیرا که کفن

يسلب سلبا سريعا رواه أبو داود وعن أبي سعيد

ربوده میشود ربودن شتاب رواه ابوداود و روایت است از ابی سعید

الخدري رضي الله عنه أنه لما حضره الموت دعا بثياب جدد

خدری رض چون حاضر شد او را موت طلبید جامه‌های نو را

فلبسها ثم قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

پس پوشید آنهارا پس گفت شنیدم پیامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می‌گفت

الميت يبعث في ثيابه التي يموت فيها رواه ابو داود

مرده برانگیخته شود در جامه‌های خود که میرد در وی روایت کرد ابو داود

باب المشي بالجنازة والصلوة عليها

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گزاردن بران

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اسرعوا بالجنازة فان تك صالحة فخير تقدمونها

شتاب کنید جنازه را یعنی بردن آن پس اگر باشد میت نیکوکار پس نیکی کردن

اليه وان تك سوى ذلك فشر تضعونه عن رقابكم متفق

و اگر باشد میت غیر صالح پس آن بدی است که می‌نهید از گردن‌های خود

عليه وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

متفق علیه و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم اذا وضعت الجنازة فاحتملها الرجال على اعناقهم

وسلم وقتی که نهاده شود جنازه بر نعش پس بردارند مردان بر گردن‌های خود

فان كانت صالحة قالت قدموني وان كانت غير صالحة

پس اگر باشد مرده نیکوکار می‌گوید پیش فرستید مرا و اگر باشد بدکار

قالت لاهلها يا ويلها اين تذهبون بها يسمع صوتها

می‌گوید بکسان خود وای کجا می‌برید او را می‌شنود آواز او را

كل شيء الا الانسان ولو سمع الانسان لصعق رواه البخاري

هر چیز از حیوانات و جمادات و غیره مگر انسان و اگر بشنود آدمی هر آیینه هلاک شود روایت کرد بخاری

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم

وهم از وی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید

الجنازة فقوموا فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع متفق عليه

جنازه را پس بایستید از برای او پس کسیکه پیروی کند جنازه را پس باید که ننشیند تا آنکه نهاده شود

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

و در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتبع جنازة مسلم ايمانا واحتسابا وكان معه

علیه وسلم هر کسیکه پیروی کند جنازهٔ مسلمانی را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وی

حتى يصلى عليه ويفرغ من دفنها فانه يرجع من الاجر

تا آنکه گذارده شود نماز بر وی و تا آنکه فارغ گردد از دفن وی پس بدرستیکه باز میگردد از اجر

بقيراطين كل قيراط مثل احد ومن صلى عليها ثم رجع

بدو قیراط هر قیراط از آنها مانند کوه احد است و کسیکه نماز گذارد بر وی پس بازگردد

قبل ان تدفن فانه يرجع بقيراط متفق عليه وعن

پیش از آنکه دفن کرده شود پس بدرستیکه برمیگردد بیک قیراط متفق علیه و روایت است از

عوف بن مالك قال صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

عوف ابن مالک رض گفت نماز کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول اللهم اغفر له وارحمه

بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وی میگفت بار خدایا بیامرز مر او را و [illegible]

وعافه واعف عنه واكرم نزله ووسع مدخله واغسله

و عافیت ده او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مهمانی او را و کشاده گردان جای او

بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب

با آب و برف و ژاله و پاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیدی تو جامه

الأبيض من الدنس وأبدله دارا خيرا من داره وأهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرای بهتر از سرای او که در جهان بود و اهلی

خيرا من أهله وزوجا خيرا من زوجه وأدخله الجنة

بهتر از اهلی او و جفتی بهتر از جفت وی و درآر او را در بهشت

وأعذه من عذاب القبر أو من عذاب النار وفي رواية

و پناه ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتى تمنيت أن

و نگهدار او را از فتنه گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه آرزو بردم و آرزو کردم که

أكون أنا ذلك الميت رواه مسلم وعن أبي هريرة

باشم من آن مرده بجای او که آنحضرت این دعا در حق من میکرد روایت کرده مسلم و روایت است از ابی هریره

أن امرأة سوداء كانت تقم المسجد أو شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میکرد مسجد را یا جوانی بود پس گم کرد آن زن را

أو فقده رسول الله صلى الله عليه وسلم فسأل عنها أو عنه

یا آن جوان را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن

فقالوا مات قال أفلا كنتم آذنتموني قال فكأنهم

پس گفتند مرد وی فرمود آنحضرت آیا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابوهریره پس گویا که ایشان خورد

صغروا أمرها أو أمره فقال دلوني على قبره فدلوه فصلى

پنداشتند شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آنحضرت که راه نمائید مرا بر گور او

عليها ثم قال إن هذه القبور مملوءة ظلمة على أهلها وإن

بر قبر وی پس نماز گزارد بر وی پس گفت بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اهل خود و بدرستیکه

الله ينورها لهم بصلاتي عليهم متفق عليه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور میگرداند گورها برای ایشان بسبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظ او مسلم راست

وَعَنْ كُرَيْبٍ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

در روایت است از کریب که مولی ابن عباس است رض از عبد الله ابن عباس رض

أَنَّهُ مَاتَ لَهُ ابْنٌ بِقُدَيْدٍ أَوْ بِعُسْفَانَ فَقَالَ يَا كُرَيْبُ انْظُرْ

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاه کن

مَا اجْتَمَعَ لَهُ مِنَ النَّاسِ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا نَاسٌ قَدِ اجْتَمَعُوا

آنچه فراهم آمده برای نماز وی از مردان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاه مردان مجتمع شده اند از جهت نماز

لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ تَقُولُ هُمْ أَرْبَعُونَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْرِجُوهُ

وی پس خبر دادم ابن عباس را پس گفت ابن عباس که میگوئی تو ایشان که چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه را

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ

پس بدرستیکه من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازه وی چهل مرد

لَا يُشْرِكُونَ بِاللّٰهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَّعَهُمُ اللّٰهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد با خدا چیزی را مگر آنکه قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وی روایت کرد او را مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ

در روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ

مَيِّتٍ تُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِائَةً كُلُّهُمْ

مرده که نماز بگذارند بر وی گروهی از مسلمانان که برسند عدد صد را و همه ایشان

يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شُفِّعُوا فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

شفاعت و دعا کنند او را بمغفرت مگر آنکه شفاعت ایشان قبول کرده شود روایت کرد او را مسلم در روایت است از انس رض

قَالَ مَرُّوا بِجَنَازَةٍ فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وی به نیکی پس فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَبَتْ ثُمَّ مَرُّوا بِأُخْرَى فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا شَرًّا

علیه وسلم واجب شد پس گذشتند بجنازه دیگر پس ذکر کردند بر وی بدی

فَقَالَ وَجَبَتْ فَقَالَ عُمَرُ رض مَا وَجَبَتْ فَقَالَ هٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ

پس فرمود واجب شد پس گفت عمر رض که چه چیز واجب شد پس فرمود آنحضرت که این مرده که یاد کردید

خَيْرًا فَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَهٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا فَوَجَبَتْ

به نیکی پس واجب شد برای وی بهشت و این مرده که یاد کردید او را به بدی پس واجب شد

لَهُ النَّارُ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ

برای وی آتش شما گواهان خدا اید در زمین متفق علیه است و در روایتی هست

الْمُؤْمِنُونَ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ

مسلمانان گواهان خدای تعالی اند در زمین و روایت است از عمر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر مسلمانیکه گواهی دهند او را

أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ فَقُلْنَا وَثَلَاثَةٌ قَالَ وَثَلَاثَةٌ

چهار مرد به نیکی در آرد او را خدای تعالی به بهشت پس گفتیم و اگر گواهی دهند سه کس فرمود و اگر سه کس

فَقُلْنَا وَاثْنَانِ قَالَ وَاثْنَانِ ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ رَوَاهُ

گفتیم و اگر دو کس گواهی دهند فرمود و اگر دو کس گواهی دهند نیز داخل بهشت شود پس نپرسیدیم از یکی

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ

بخاری و از عبد الله بن مسعود روایت گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجَنَازَةُ مَتْبُوعَةٌ وَلَا تَتْبَعُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که جنازه پس روی کرده شده است و نه پس روی کننده

لَيْسَ مَعَهَا مَنْ تَقَدَّمَهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

نیست همراه جنازه یعنی یا به ثواب همراهی آنکسے که پیش رود جنازه را روایت ابوداود و ترمذی و ابن ماجه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تبع جنازة وحملها ثلث مرار فقد قضى ما عليه من

کسیکه پس روی کند جنازه را و بردارد آنرا سه بار پس بتحقیق پرداخت چیزیرا که بر او هست از

حقها رواه الترمذي وعن ثوبان قال خرجنا مع النبي

حق جنازه روایت کرد ترمذی و از ثوبان مرویست که گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في جنازة فرأى ناسا ركبانا فقال

صلی الله علیه وسلم بجهت همراهی جنازه پس دید آنحضرت مردمانرا سواره پس فرمود که

الا تستحيون ان ملائكة الله على اقدامهم وانتم على

شرم ندارید که فرشتگان خدا ایستاده اند بر پاهای خود و شما بر

ظهور الدواب رواه الترمذي وابن ماجة وروى ابو داود

پشتهای چهار پایان میروید روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت کرد ابو داود

نحوه وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله صلى الله

مانند آن و روایت است از ابی هریره رض گفت وقتیکه بود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم اذا صلى على الجنازة قال اللهم اغفر لحينا

علیه وسلم چون میگذارد نماز جنازه میگفت خداوندا بیامرز زنده ما را

وميتنا وشاهدنا وغائبنا وصغيرنا وكبيرنا وذكرنا

و مرده ما را و حاضر ما را و غائب ما را و خرد ما را و بزرگ ما را و نرینه ما را

وانثانا اللهم من احييته منا فاحيه على الاسلام

و مادینه ما را خداوندا کسیکه زنده داری تو او را از ما پس زنده دار او را بر مسلمانی

ومن توفيته منا فتوفه على الايمان اللهم لا تحرمنا

و کسیکه بمیرانی او را از ما پس بمیران او را بر ایمان خداوندا نا امید مکن ما را

أجره ولا تفتنا بعده رواه أحمد وأبو داود والترمذي

از مزد او و در فتنه میندازما را پس از وے رواه احمد و ابوداود و ترمذی

وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى

وابن ماجه در روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم لا تسبوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى

الله علیه وسلم که دشنام مدهید و بد مگویید مرده ها را زیرا که ایشان بتحقیق رسیدند بسوی جزاے

ما قدموا رواه البخاري وعن ابن عمر رض قال قال

که پیش فرستادند رواه البخاری در روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذكروا محاسن موتاكم

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کنید نیکیهاے مرده هاے خود را

وكفوا عن مساويهم رواه أبو داود والترمذي

و باز ایستید از ذکر کردن بدیهاے ایشان رواه ابوداود و الترمذی

وعن مالك ابن هبيرة قال سمعت رسول الله صلى

در روایت است از مالک بن هبیره گفت شنیدم پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم يقول ما من مسلم يموت فيصلي عليه

الله علیه وسلم را میگفت نیست مسلمانے که بمیرد پس نماز بگذارند بر وے

ثلاثة صفوف من المسلمين إلا أوجب فكان مالك

سه صف از مسلمانان مگر واجب گرداند خدا او را بهشت پس بود مالک بن هبیره

إذا استقل أهل الجنازة جزأهم ثلاثة صفوف

وقتی که کم میدید اهل جنازه یعنی مردم که حاضر آمده بودند تقسیم میکرد ایشان را سه صف

لهذا الحديث رواه أبو داود

بسبب این حدیث رواه ابوداود

بَابُ دَفْنِ الْمَيِّتِ

باب دفن الميت

عن سفيان التمار انه رأى قبر النبي صلى الله

روایت است سفیان تمار را که دید وی قبر آنحضرت را صلی الله

عليه وسلم مسنما رواه البخاري وعن ابي هريرة رض

علیه وسلم بلند بشکل کوهان شتر روایت کرد آن را بخاری و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لان يجلس

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه اینکه بنشیند

احدكم على جمرة فتحرق ثيابه فتخلص الى جلده

یکی از شما بر اخگری پس بسوزاند جامهای او را پس برسد آن اخگر به پوست او

خير له من ان يجلس على قبر رواه مسلم وعن

بهتر است مر او را از نشستن بر قبر روایت کرد این حدیث را مسلم و

ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم كان

ابن عمر روایت است که بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بود

اذا ادخل الميت القبر قال بسم الله وبالله وعلى ملة

که چون می درآوردند مرده را در قبر میگفت بسم الله و بالله و بر ملت

رسول الله وفي رواية وعلى سنة رسول الله رواه

رسول الله و در روایتی و بر سنت پیغامبر خدا است روایت

احمد والترمذي وابن ماجة وروى ابو داود الثانية

احمد و الترمذی و ابن ماجه و روایت کرد ابوداود روایت ثانی را

وعن جعفر بن محمد عن ابيه مرسلا ان النبي

و روایت است از جعفر ابن محمد از پدر او از روی مرسل بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَثَى عَلَى الْمَيِّتِ ثَلٰثَ حَثَيَاتٍ بِيَدَيْهِ

صلی الله علیه وسلم خاک انداخت بر مرده سه بار خاک انداختن بهر دو دست خود

جَمِيعًا وَاَنَّهٗ رَشَّ عَلٰى قَبْرِ ابْنِهٖ اِبْرَاهِيْمَ وَوَضَعَ عَلَيْهِ حَصْبَاءَ

و بدرستیکه آب پاشید بر گور پسر خود ابراهیم و نهاد بر قبر وی سنگریزه ها

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد این حدیث را در شرح سنة و روایت است از جابر رض گفت جابر نهی کرده پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يُّجَصَّصَ الْقُبُوْرُ وَاَنْ يُّكْتَبَ عَلَيْهَا

صلی الله علیه وسلم از گچکاری کردن قبرها و از آنکه نوشته شود بر قبور

وَاَنْ يُّبْنٰى عَلَيْهَا وَاَنْ تُوْطَأَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

و نهی کرد از آنکه بنا کرده شود بر قبر و از آنکه پایمال کرده شود قبور روایت کرد ترمذی و هم از وی روایت است گفت جابر

رُشَّ قَبْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ الَّذِيْ رَشَّ الْمَاءَ

که آب پاشیده شد قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و بود آنکس که پاشید آب را

عَلٰى قَبْرِهٖ بِلَالُ بْنُ رَبَاحٍ بِقِرْبَةٍ بَدَأَ مِنْ قِبَلِ رَأْسِهٖ

بر قبر آنحضرت صلعم بلال ابن رباح از مشک که شروع کرد از جانب سر آنحضرت صلعم

حَتّٰى انْتَهٰى اِلٰى رِجْلَيْهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

تا آنکه رسید بهر دو پای مبارک آنحضرت روایت کرد بیهقی در دلائل نبوة

وَعَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى عَائِشَةَ رض

و روایت است از قاسم بن محمد گفت که در آمدم بر عائشه رض

فَقُلْتُ يَا اُمَّاهُ اكْشِفِيْ لِيْ عَنْ قَبْرِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پس گفتم ای مادر من بکشا و پرده بردار برای من از قبر آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَصَاحِبَيْهِ فَكَشَفَتْ لِيْ عَنْ ثَلٰثَةِ قُبُوْرٍ لَا مُشْرِفَةٍ

وسلم و هر دو یار وی پس پرده بر داشت برای من از سه قبر که نه بلند بود

وَلَا لَاطِئَةٍ مَبْطُوْحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

و نه متصل بزمین سنگریزه چیده شده بر وے سنگریزه ہاے سرخ رواه ابوداود

وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عایشه رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهٖ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْدَاوُدَ

فرمود شکستن استخوان مرده همچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواه مالک و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَاٰنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

و ابن ماجه و روایت است از عمرو بن حزم گفت دید مرا آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلٰى قَبْرٍ فَقَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیه وسلم تکیه زننده بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ اَوْ لَا تُؤْذِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن آنرا رواه احمد

بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مرده و بیان

اَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلٰى مَوْتِ اَوْلَادِهٖ

مزد کسے که صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از انس رض گفت انس که در آمدیم ما همراه آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ عَلٰى اَبِيْ سَيْفٍ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِاِبْرَاهِيْمَ فَاَخَذَ

وسلم بر ابی سیف آهنگر و بود وے شوهر دایه ابراهیم بن محمد پس گرفت

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِبْرَاهِيْمَ فَقَبَّلَهٗ وَشَمَّهٗ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم ابراهیم را پس بوسه داد او را و بوکرد او را

ثُمَّ دَخَلْنَا عَلَيْهِ بَعْدَ ذٰلِكَ وَاِبْرَاهِيْمُ يَجُوْدُ بِنَفْسِهٖ

پس درآمدیم بار دیگر بعد از آن همراه آنحضرت و حال آنکه ابراهیم جود و سخاوت میکرد بجان خود

فَجَعَلَتْ عَيْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس در ایستاد هر دو چشم آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَذْرِفَانِ فَقَالَ لَهٗ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ ابْنُ عَوْفٍ وَاَنْتَ

که روان شد اشکها از آن پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریه میکنی

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَوْفٍ اِنَّهَا رَحْمَةٌ ثُمَّ

ای پیغمبر خدا باین صورت پس فرمود ای فرزند عوف این اشکها از رحمت است بعد

اَتْبَعَهَا بِاُخْرٰى فَقَالَ اِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ

پس در گردانید آن اشکها را با اشکهای دیگر پس فرمود بدرستیکه چشم اشک میریزد و دل

يَحْزَنُ وَلَا نَقُوْلُ اِلَّا مَا يَرْضٰى رَبُّنَا وَاِنَّا بِفِرَاقِكَ

اندوهگین میگردد و نمیگوییم مگر آنچه که خوشنود است پروردگار ما و بدرستیکه ما بجدائی تو

يَا اِبْرَاهِيْمُ لَمَحْزُوْنُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ای ابراهیم هر آئینه اندوهگینیم متفق علیه است و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُوْدَ

الله علیه وسلم نیست از اہل طریقه ما کسیکه بزند رخسارها را

گنج مخفی چو بیازار ظهور آمده است عارف آن به که ز خلوت سوی بازار شود پردهٔ آب و گل از روی دل و جان بردارد

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و پاره کند گریبان ها را و بخواند بخواندن جاهلیت چنانکه نوحه و دعا بویل وغیره متفق علیه

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَبِي مُوسَى فَأَقْبَلَتْ

و روایت است از ابی بردة گفت که بیهوش شد ابو موسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ أُمُّ عَبْدِ اللّٰهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ أَفَاقَ فَقَالَ

زن وی که کنیت او ام عبد الله است در حالیکه آواز میکرد به بانگ بسته بهوش آمد پس گفت

أَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

آیا نمی دانی تو و بود ابو موسی که خبر میداد که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه وسلم فرمود که من بیزارم از کسی که بتراشد موی سر را و بلند کند آواز را و پاره کند گریبان را در مصیبت

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ

متفق علیه و لفظ این مر مسلم راست و روایت است از ابی مالک

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی نازیدن

فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبها مردم و سوم طلب باران کردن بستارها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن در ماتم و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود استاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

در روز قیامت و حال آنکه بر تن زن پیراهنهاست از قطران و پیراهنی هم از جرب

رواه مسلم وعن أنس قال مر النبي صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم بامرأة تبكي عند قبر فقال اتقي الله واصبري

وسلم بزنیکه گریه میکرد نزد گور پس فرمود آنحضرت که بترس از خدا و شکیبائی کن

قالت إليك عني فإنك لم تصب بمصيبتي ولم تعرفه

گفت آن زن بآنحضرت که یکسو شو از من زیرا که تو مصیبت زده نشده بسبب مصیبت من و نشناخت او را آن زن آنحضرت را

فقيل لها إنه النبي صلى الله عليه وسلم فأتت باب النبي

پس گفته شد آن زن را که این شخص که گفت پیغامبر بود صلی الله علیه وسلم پس آمد آن زن بر در پیغامبر

صلى الله عليه وسلم فلم تجد عنده بوابين فقالت

صلی الله علیه وسلم پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانان را پس گفت آن زن

لم أعرفك فقال إنما الصبر عند الصدمة الأولى

که من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست که صبر نزد کوفت نخستین است

متفق عليه وعن أبي سعيد الخدري رض قال

متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت

لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم النائحة والمستمعة

لعنت کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زن نوحه کننده را و زن گوش نهنده نوحه را

رواه أبو داود وعن سعد بن أبي وقاص رض قال قال

روایت کرد ابو داود و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب للمؤمن إن أصابه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم عجب است مر مسلمان را اگر برسد او را

خير حمد الله وشكر وإن أصابته مصيبة حمد الله وصبر

نیکی از نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید و اگر رسد او را سختی و اندوه ستایش میگوید خدا را و صبر میورزد

فَالْمُؤْمِنُ يُؤْجَرُ فِي كُلِّ اَمْرِهِ حَتّٰى فِي اللُّقْمَةِ يَرْفَعُهَا اِلٰى

پس مسلمان مزد داده می شود در همه کار خود تا آنکه در لقمه که بر می دارد آنرا

فِيْ اِمْرَاَتِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ رض

در دهان زن خود روایت کرده بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلَّا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که نیست هیچ مومن مگر آنکه

وَلَهٗ بَابَانِ بَابٌ يَصْعَدُ مِنْهُ عَمَلُهٗ وَبَابٌ يَنْزِلُ مِنْهُ

اورا دو در هست دریکه که بالا میرود ازان عمل او و دریست که فرود می آید ازان در

رِزْقُهٗ فَاِذَا مَاتَ بَكَيَا عَلَيْهِ فَذٰلِكَ قَوْلُهٗ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

رزق او پس چون میمیرد مسلمان میگریند آن هر دو در بر وی پس آن مراد است بقول حق تعالی که پس نگریست

السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ

آسمان و زمین روایت کرده ترمذی و روایت است از عبد الله بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعزیت کند و تسلی دهد

مُصَابًا فَلَهٗ مِثْلُ اَجْرِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

مصیبت زده را پس مر او راست مانند اجر وے روایت کرده ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی برزه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى ثَكْلٰى كُسِيَ بُرْدًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم کسیکه تعزیت کند و صبر فرماید زنی بچه مرده را پوشانیده شود مر او را جامه در بهشت روایت کرده ترمذی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ لَمَّا جَاءَ نَعْيُ جَعْفَرٍ

و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت هرگاه که آمد خبر موت جعفر رض

قال النبي صلى الله عليه وسلم اصنعوا لآل جعفر طعاما فقد

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسازید برای آل و اولاد جعفر طعام را پس تحقیق

أتاهم ما يشغلهم رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجة

آمده است ایشان را چیزی که باز میدارد ایشان را از طعام رواه ترمذی وابوداود وابن ماجه

وعن المغيرة بن شعبة رض قال سمعت رسول الله صلى

و روایت است از مغیره بن شعبه رض گفت شنیدم من آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول من نيح عليه فانه يعذب بما نيح

الله علیه وسلم را که میگفت هر کسیکه نوحه کرده شود بروی پس بدرستیکه او عذاب کرده شود بچیزی که نوحه کرده

عليه يوم القيامة متفق عليه وعن أبي موسى رض قال

بروی روز قیامت متفق علیه است و روایت است از ابی موسی رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من ميت

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مرده که

يموت فيقوم باكيهم فيقول واجبلاه واسيداه ونحو

بمیرد پس می ایستد گریه کننده قوم پس میگوید ای کوه ای سردار و مانند آن

ذلك إلا وكل الله به ملكين يلهزانه ويقولان

الفاظ دیگر مگر آنکه می سپارد خدای تعالی دو فرشته را که میزنند آن میت را و میگویند او را

أهكذا كنت رواه الترمذي وعن ابن عباس رض

بطریق استهزا آیا همچنین بوده تو رواه ترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قال ماتت زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت مرد زینب بنت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

فبكت النساء فجعل عمر رض يضربهن بسوطه فأخره

پس گریستند زنان پس در گرفت عمر رض که بزند ایشان را بتازیانه خود پس دور کرد عمر را

رسول الله صلى الله عليه وسلم بيده وقال مهلا يا عمر

آنحضرت صلى الله عليه وسلم بدست مبارک خود و فرمود که آهسته شو ای عمر

ثم قال إياكم ونعيق الشيطان ثم قال إنه مهما كان

پس فرمود آنحضرت آن زنان را که دور دارید خود را از آواز شیطان پس گفت آنحضرت که هرچه که باشد

من العين ومن القلب فمن الله عز وجل ومن الرحمة وما كان

باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عز وجل و از مهربانیست و چیزے که باشد

من اليد ومن اللسان فمن الشيطان رواه أحمد

از دست و از زبان پس آن از شیطان است روایت کرد احمد

وعن البخاري تعليقا قال لما مات الحسن بن الحسن

و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آورده است که چون مرد حسن بن امام حسن

بن علي رض ضربت امرأته القبة على قبره سنة ثم

بن علی رض زد زن او خیمه را بر قبر او تا یکسال پس

رفعت فسمعت صائحا يقول ألا هل وجدوا ما فقدوا

برداشت خیمه را پس شنید آواز کننده را که میگوید آگاه باشید که آیا یافتند چیزے را که گم کرده بودند

فأجابه آخر بل يئسوا فانقلبوا وعن عمران بن

پس آواز داد دیگر بلکه نومید شدند پس برگشتند و روایت است از عمران بن

حصين وأبي برزة رض قالا خرجنا مع رسول الله صلى

حصین و از ابی برزه رض گفتند که بیرون آمدیم با پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم في جنازة فرأى قوما قد طرحوا أرديتهم

الله عليه وسلم همراه جنازه پس دید آنحضرت گروهی که تحقیق انداختند ردای خود را

يمشون في قمص فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

میرفتند در پیراهن های خود پس فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصُنْعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اہل جاہلیت عمل میکنید یا بکار و پیشہ جاہلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم کہ دعای بد کنم بر شما اینچنین دعا کہ برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی کہ پس گرفتند رداہای خود را و باز نگشتند بآن فعل رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت کہ نہی کرد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم از آنکہ

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کردہ شود جنازہ را کہ باشد نوحہ گری با شد رواہ احمد و ابن ماجہ و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامہ رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدا تعالے اے فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفتن مصیبت و راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بہشت را یعنی البتہ دارم ترا بآن بہشت رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست ہیچ مرد مسلمانے و نہ زن مسلمان کہ رسیدہ شود بمصیبتے پس یاد کند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللّٰهُ

اگرچہ دراز بود زمان آن پس نو پیدا کند مر آن را از خبر مصیبت استرجاع مگر آنکہ نو میکند

تبارك وتعالى عند ذلك فاعطاه مثل اجرها يوم اصيب

تبارک وتعالی ثواب را نزد آن پس داده باشد بدهد او را مانند اجر او در روزی که رسیده است

بها رواه احمد والبيهقي في شعب الايمان وعن

بآن مصیبت روایت کرده احمد و بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اذا انقطع شسع احدكم فليسترجع فانه من المصائب

که چون بگسلد دوال نعل یکی از شما پس باید که استرجاع کند زیرا که گسستن دوال نیز از مصیبت است

وعن ام الدرداء قالت سمعت ابا الدرداء يقول سمعت

و روایت است از ام الدرداء که گفت شنیدم ابو الدرداء را که میگفت شنیدم

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول ان الله تبارك

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تبارک

وتعالى قال يا عيسى اني باعث من بعدك امة اذا اصابهم

وتعالی فرمود بعیسی ای عیسی بدرستیکه من برانگیزنده ام پس از تو گروهی را که چون برسد ایشان را

ما يحبون حمدوا الله وان اصابهم ما يكرهون احتسبوا

چیزیکه دوست میدارند آنرا از نعمت شکر میگویند خدا را و اگر برسد ایشان را چیزی که ناخوش دارند آنرا از بلیه

وصبروا ولا حلم ولا عقل فقال يا رب كيف

و صبر میکنند و حال آنکه نیست ایشان را بردباری و نه عقل و تدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونه

يكون هذا لهم ولا حلم ولا عقل فقال اعطيهم من

باشد این صبر و احتساب مر ایشان را و حال آنکه نیست علم و عقل پس گفت پروردگار که میدهم من ایشان را از

حلمي وعلمي رواهما البيهقي في شعب الايمان وعن

حلم خود و علم خود روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابي هريرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

لا يموت لمسلم ثلاثة من الولد فيلج النار الا تحلة القسم

نمی میرد مسلمانی را سه کس از فرزندان پس در آید آتش دوزخ را مگر برای حلال کردن سوگند

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

متفق عليه و روایت است از وی گفت ابوهریره که فرمود پیغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم لنسوة من الانصار لا يموت لاحداكن ثلاثة

وسلم مر جماعة زنان را از قبیله انصار که نمی میرد مر یکی را از شما سه

من الولد فتحتسبه الا دخلت الجنة فقالت امرأة منهن

فرزند پس صبر کند و طلب ثواب دارد مگر که در آید بهشت را پس گفت زنی از میان ایشان

او اثنان يا رسول الله قال او اثنان رواه مسلم وفي رواية

یا دو فرزند هم میرند ای پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو میرند حکم او همین است روایت کرد او را مسلم و در روایتی

لهما ثلاثة لم يبلغوا الحنث وعنه قال قال رسول الله

مر شیخین را آمده نمی میرد کسی که نرسیده اند بحد گناه یعنی بالغ نشده اند و هم ازو گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول الله ما لعبدي المؤمن عندي

صلى الله عليه وسلم در حدیث قدسی که میگوید خدای تعالی نیست مر بنده مسلمان را نزد من

جزاء اذا قبضت صفيه من اهل الدنيا ثم احتسبه الا

پاداشی چون قبض کنم و بمیرانم دوست خاص او را از اهل دنیا چنانچه فرزند پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الجنة رواه البخاري وعن ابن عباس قال قال

بهشت را روایت کرد البخاری و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان له فرطان من امتي

پیغامبر خدا صلى الله عليه وسلم کسی که باشد او را دو فرط از امت من

ادخله الله بهما الجنة فقالت عايشة رض فمن كان له

در آرد او را خدا تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عایشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من امتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آن را چه حالست فرمود و کسے که باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرایع

فمن لم يكن له فرط من امتك قال فانا فرط امتي لن يصابوا

پس گفت عایشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال او چه باشد فرمود که من پیش رو فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بمثلي رواه الترمذي وعن ابي موسى الاشعري رض

مانند مصیبت من روایت کرده ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون می میرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باری تعالی قبض کردید میوهٔ دل او را پس گویند فرشتگان آری قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بندهٔ من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله وانا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی بنا کنید برائے بندهٔ من خانه در بهشت میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانهٔ

الحمد رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض

حمد روایت کرده احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

ان رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مردے گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی تو

مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از دوست تو درود باد خدا بر او چیزے که خوش سازد نفسهای ما را از جانب

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردگان خود گفت آرے شنیدم آنحضرت را که گفت خردان مسلمانان دعامیص بهشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتَّى

پیش می آید یکے از خردان پدر خود را پس میگیرد کنارهٔ جامهٔ پدر را پس جدا نمی شود از وی تا آنکه

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

در می آرد او را در بهشت روایت کرد مسلم و احمد و لفظ حدیث مر احمد راست و روایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفَّى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمان یعنی مادر و پدر که بمیرد مر ایشان را سه کس از فرزندان مگر آنکه در آرد آن دو مسلمان را خدا در بهشت

بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ أَوِ اثْنَانِ

بفضل و مهربانی خود مر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خدا یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

گفت آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآن خدا

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

که بقا ذات من بدست اوست بدرستیکه بچه ناتمام هر آئینه میکشد مادر خود را بسبب ناف خود بسوے بهشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بر مصیبت روایت کرد احمد و روایت کرد ابن ماجه از قول آنحضرت که

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والذی نفسی بیده است و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِنَ

گفت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پیش فرستد سه کس را از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوا لَهُ حِصْنًا حَصِينًا مِنَ النَّارِ

اولاد که نرسیده اند حد بلوغ را باشند این سه اولاد مر او را پناه استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ قَدَّمْتُ اثْنَيْنِ قَالَ وَاثْنَيْنِ قَالَ أُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابو ذر که پیش فرستاده ام دو کس را گفت آنحضرت و کسیکه دو پناه باشد گفت ابی ابن

كَعْبٍ أَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب که کنیت او ابو منذر است و در شان وی سید القراء واقع شده است پیش فرستاده ام یکی را گفت آنحضرت و یکی هم

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

روایت کرد آنرا ترمذی و ابن ماجه و روایت است از قره مزنی

أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ

بدرستیکه مردی بود که می آمد نزد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه با وی بود

ابْنٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُحِبُّهُ

پسری مر او را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا أُحِبُّهُ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدا چنانکه دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوا

صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت که چه شد فرزند فلانی پس گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ای پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَمَا تُحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ

که آیا دوست نمیداری تو که نیائی تو هیچ دری از درهای بهشت مگر آنکه یابی تو او را که

٢٩١

ينتظرك فقال رجل يا رسول الله له خاصة

انتظار میبرد ترا پس گفت مردے که اے پیغامبر خدا مر او را است این شمرده

ام لكلنا قال بل لكلكم رواه احمد وعن

یا همه ما است گفت آنحضرت بلکه همه شما رواه احمد و روایت است از

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان السقط ليراغم ربه اذا ادخل ابويه النار

بدرستیکه بچه افگنده هر آینه جنگ میکند با پروردگار خود وقتیکه در آرد پروردگار پدر و مادر او را آتش

فيقال ايها السقط المراغم ربه ادخل ابويك

پس گفته می شود ای سقط مراغم کننده پروردگار خود در آر مادر و پدر خود را

الجنة فيجرهما بسرره حتى يدخلهما

در بهشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسرر خود تا آنکه در می آرد مادر و پدر خود را

الجنة رواه ابن ماجة

در بهشت رواه ابن ماجه

باب زيارة القبور

باب در بیان زیارة قبور

عن ابي هريرة رض قال زار النبي صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره زیارت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

بعد از وفات وی و یکی از مشایخ عظام گفته است که دیدیم از مشایخ چهار کس را که تصرف می کنند در قبور خود ...

قبر أمه فبكى وأبكى من حوله فقال استأذنت ربي

قبر مادر خود پس گریه کرد و گریانید کسی را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را

في أن أستغفر لها فلم يؤذن لي فاستأذنته في

در آنکه طلب آمرزش کنم برای مادر پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در

أن أزور قبرها فأذن لي فزوروا القبور فإنها

آنکه زیارت کنم قبر مادر خود را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیرا که قبرها

تذكر الموت رواه مسلم وعن بريدة رض قال

یاد میدهند موت را رواه مسلم و روایت است از بریده رض گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمهم إذا خرجوا

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند

إلى المقابر السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين

بسوی مقبرها در گفتن اینکه سلام بر شما ای اهل سراها از گروندگان

والمسلمين وإنا إن شاء الله بكم للاحقون نسأل

و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدای تعالی بشما رسندگانیم و پیوستگانیم میطلبیم از

الله لنا ولكم العافية رواه مسلم وعن

خدا برای خود و برای شما عافیت و سلامتی از عذاب رواه مسلم و روایت است از

محمد بن النعمان يرفع الحديث إلى النبي صلى الله عليه

محمد بن نعمان در حالیکه میرساند حدیث را به پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم قال من زار قبر أبويه أو أحدهما في كل جمعة

وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبر مادر و پدر خود را یا قبر یکی از ایشان را در هر هفته

غفر له وكتب برا رواه البيهقي في شعب الإيمان مرسلا

آمرزیده شود مر آنکس را و نوشته شود برضد عاق و نیکوکاران روایت کرده بیهقی در شعب الایمان

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فانها

فرمود که بودم که نهی کرده بودم شمارا از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنهارا زیرا که قبرها

تزهد في الدنيا وتذكر الآخرة رواه ابن ماجة

بی‌رغبت میگردانند در دنیا و یاد میدهد آخرت را روایت ابن ماجه

كتاب الزكوة

کتاب الزکوه

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر ونقره را وخرج نمی‌کنند آنرا در

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشانرا و پشت ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

اینست آنچه ذخیره کردید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن

من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير

از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه میکنید بیناست

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست هیچ خداوند زر و سیم که ندهد از آن حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت گردانیده شود برای او صفحه‌ها از آتش پس گرم کرده می‌شود بر آن صفحه‌ها در

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده می‌شود بآن صفحه‌ها پهلوی او و پیشانی او و پشت او هرگاه که سرد شوند آن

أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى

باز گردانیده شوند برای او در روزی که باشد اندازه آن پنجاه هزار سال تا آنکه

يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيُرَى سَبِيلُهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وی یا بسوی بهشت و یا بسوی

النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست هیچ خداوند شتران که

لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمیکند از آن حق آن را و از جمله حقوق شتران دوشیدن شتران است روز در آمدن شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر رو انداخته شود صاحب شتران بصحرای فراخ هموار در حالیکه بوده

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربه‌تر و تمام در حالیکه گم نمیکند از آن شتران یک بچه شتر را پایمال میکنند آن شتر بسمهای خود و میگزند آن شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدهنهای خود هرگاه که بگذرد بر وی اول آنها باز گردانیده شود بر وی آخر آنها در روزی

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ

که باشد اندازه آن پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان

فيرى سبيله إما إلى الجنة وإما إلى النار قيل يا رسول الله

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوئے بہشت و یا بسوئے دوزخ گفتند صحابہ ای پیغامبر خدا

فالبقر والغنم قال ولا صاحب بقر ولا غنم لا يؤدي

پس چیست حکم بقر وغنم فرمود و نه خداوند بقر و نه خداوند غنم که ادا نمی کند

منها حقها إلا إذا كان يوم القيمة بطح لها بقاع قرقر

از آن حق آن را مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر رو انداخته شود صاحب آن را بصحرا فراخ

ولا يفقد منها شيئا ليس فيها عقصاء ولا جلحاء

درحالیکه کم نمیکند صاحب آن از ان گاوان و گوسپندان چیزی را درحالیکه نیست در آن گاوان و گوسپندان پیچیده شاخ و نیست آنکه

ولا عضباء تنطحه بقرونها وتطؤه بأظلافها كلما

و نه شکسته شاخ میزنند آن گاوان صاحب شان را بشاخهای خود و پامال میکنند این گاوان و گوسپندان آنکس را بظلافهای خود هرگاه که

مر عليه أولاها رد عليه أخراها في يوم كان مقداره

بگذرد بروی طائفه نخستین بازگردانیده شود بروی طائفه پسین آنها در روزی که باشد اندازه آن

خمسين ألف سنة حتى يقضى بين العباد فيرى سبيله

پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس به بیند راه خود

إما إلى الجنة وإما إلى النار الحديث رواه مسلم

یا بسوئے بہشت و یا بسوئے دوزخ تا آخر حدیث روایت کرد مسلم

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من آتاه الله مالا فلم يؤد زكوته مثل له يوم القيمة

کسیکه بدهد او را خدا تعالی مال پس ادا نکند زکوة آن را مصور گردانیده شود برای او مال وی روز قیامت

شجاعا أقرع له زبيبتان يطوقه يوم القيمة ثم يأخذ

بصورت شجاع اقرع ... [illegible] ... گردانیده شود آن را مانند طوق در گردن آنکس روز قیامت

بِلِهْزِمَتَيْهِ يَعْنِي شِدْقَيْهِ يَقُولُ أَنَا مَالُكَ أَنَا كَنْزُكَ

ہر دو کنج دهن و ے را پس میگوید آن مار بزبان حال من مال توام من گنج توام که در کنز کردہ آن را بودی

ثُمَّ تَلَا وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ الآيَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواه بخاری

وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از عدی بن عمیره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعْمَلْنَاهُ مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَكَتَمَنَا مِخْيَطًا

علیه وسلم هر کس که عامل گردانیدیم او را از شما بر عملے پس پوشید از ما چیزی را که بالیت و سوزن است

فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس پوشیده چیزی را که بالا سوزن است یا باشد آن کتمان غلول می آید آن کس باین فعل روز قیامت و عقاب کرده شود

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِي

علیه وسلم عمل کننده بر صدقه بطریق حق و عدل همچو کسے است که غزا کننده است

فِي سَبِيلِ اللهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

در راه خدا تا آنکه باز گردد بسوے خانه خود رواه ابو داؤد و الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره چون وفات یافت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَاسْتُخْلِفَ أَبُو بَكْرٍ بَعْدَهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ

وسلم و خلیفه گرفته شد ابو بکر بعد وے و کافر شد بانکار زکوة آنکه کافر شد از عرب

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِأَبِي بَكْرٍ رض كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ

گفت عمر بن خطاب مر ابی بکر صدیق را رض چگونه مقاتله میکنیم مردمان را

وَقَدْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرْتُ اَنْ

و حال آنکه بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کرده شده ام که

اُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّٰى يَقُوْلُوْا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فَمَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ

قتال کنم مردمرا تا آنکه بگویند لا اله الا الله پس کسیکه بگوید لا اله

اِلَّا اللّٰهُ عَصَمَ مِنِّيْ مَالَهٗ وَنَفْسَهٗ اِلَّا بِحَقِّهٖ وَحِسَابُهٗ عَلَى

الا الله نگاه دارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حساب وی بر

اللّٰهِ فَقَالَ اَبُوْ بَكْرٍ وَاللّٰهِ لَاُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلٰوةِ

خداست پس گفت ابو بکر بخدا سوگند هر آینه قتال میکنم کسے را که فرق کند میان نماز

وَالزَّكٰوةِ فَاِنَّ الزَّكٰوةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللّٰهِ لَوْ مَنَعُوْنِيْ عَنَاقًا

و میان زکوة زیرا که زکوة حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند از من بزغاله

كَانُوْا يُؤَدُّوْنَهَا اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که بود که ادا میکردند آنرا بسوے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَقَاتَلْتُهُمْ عَلٰى مَنْعِهَا قَالَ عُمَرُ فَوَاللّٰهِ مَا هُوَ اِلَّا رَاَيْتُ

هر آئینه مقاتله میکنم ایشانرا بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال او ابو بکر مگر آنکه

اَنَّ اللّٰهَ شَرَحَ صَدْرَ اَبِيْ بَكْرٍ لِلْقِتَالِ فَعَرَفْتُ اَنَّهُ الْحَقُّ

بتحقیق که خدا کشاده سینه ابی بکر برای قتال پس شناختم که همین حق است قتال کردن ابو بکر

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و هم از وے است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَكُوْنُ كَنْزُ اَحَدِكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شُجَاعًا اَقْرَعَ يَفِرُّ

وسلم میباشد گنج یکے از شما روز قیامت مار بزرگ که موی سر ندارد و میگریزد

مِنْهُ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يَطْلُبُهٗ حَتّٰى يُلْقِمَهٗ اَصَابِعَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ

از آن مار صاحب آن گنج و حال آنکه آن مار میجوید او را تا آنکه لقمه کرد نهد آنرا انگشتان خود روایت کرده احمد

وعن عائشة رضـ قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه

وروایتست از عائشه رضـ گفت عائشه شنیدم آنحضرت صلی الله علیه

وسلم يقول ما خالطت الزكوة مالا قط الا اهلكته

وسلم را که میگفت که نیامیخت زکوة هیچ مالی را هرگز مگر آنکه هلاک کرد زکوة آن را

رواه الشافعي والبخاري في تاريخه والحميدي وزاد قال

روایت کرده الشافعی و روایت کرده البخاری در تاریخ خود و حمیدی و زیاده کرد ...

يكون قد وجب عليك صدقة فلا تخرجها فيهلك الحرام

می باشد ... واجب شده ... زکوة ... پس هلاک کند حرام

الحلال الحديث وعن ام سلمة قالت كنت ألبس اوضاحا

حلال را آخر حدیث و روایتست از ام سلمه رضـ گفت ام سلمه بودم که می پوشیدم اوضاح

من ذهب فقلت يا رسول الله أكنز هو فقال ما بلغ

از طلا پس گفتم ای رسول خدا آیا کنز است این پس فرمود آنچه برسد مقدار را

ان يؤدى زكوته فزكى فليس بكنز رواه مالك وابو داود

که ادا کرده میشود زکوة آن پس داده شود زکوة آن پس نیست کنز ... روایت کرده مالک و ابو داود

باب من لا تحل له المسئلة ومن تحل له

باب در بیان کسیکه حلال نیست سوال کردن و گدائی کردن و کسیکه حلال است او را

عن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایتست از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سأل الناس اموالهم تكثرا فانما يسأل

وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهای ایشان بقصد زیادت شدن مال برای جمع

جمرا فليستقل او ليستكثر رواه مسلم وعن

... پس کم طلب یا بسیار ... سوال ... روایت کرده مسلم و روایتست از

٢٩٨

زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ حَطَبٍ عَلَى

هر آینه بگیرد یکی از شما رسن خود را پس بیارد پشتهٔ هیزم را بر پشت خود

ظَهْرِهِ فَيَبِيْعَهَا فَيَكُفَّ اللّٰهُ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ

پس بفروشد آنرا پس باز دارد حق تعالی بآن پشتهٔ هیزم آبروی او را بهتر است مر او را

النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

از آنکه سوال کند مردم او را بدهند رواه البخاری و روایت است از ابن عمر رض

أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود و حال آنکه وی بر منبر بود

وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ عَنِ الْمَسْئَلَةِ الْيَدُ الْعُلْيَا

و آن حضرت ذکر میکرد صدقه را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا

خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَالْيَدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفِقَةُ وَالسُّفْلَى

بهتر است از دست پایان و تفسیر کرد آنحضرت که دست علیا دستی است که خرج کننده است

هِيَ السَّائِلَةُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ

سوال کننده متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ إِنَّ أُنَاسًا مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوْا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

گفت که بعضی مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوْهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتَّى

علیه وسلم پس داد آن حضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا آنکه

نَفِدَ مَا عِنْدَهُ فَقَالَ مَا يَكُوْنُ عِنْدِيْ مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ

تمام شد چیزیکه نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچه پیدا شد نزد من از خیر یعنی از مال پس ذخیره نمی کنم

وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

وکسیکه باز ایستد از سوال و نگاه دارد خود را نگاه دارد او را خدا تعالی وکسیکه استغنا ورزد

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ

تکلف کند در صبر گرداند صبر کننده او را خدا و داده نشده هیچ یکی دادنی که آن بهتر است

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ

از صبر متفق علیه و در روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم میداد مرا بخشش

فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم که بده آنرا که محتاج تر بود بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آنرا

وَتَصَدَّقْ بِهِ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا

و تصدق کن بآن پس هرچه بیاید بتو ازین مال و حال آنکه تو طامع نباشی و نه سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و هرچه چنین نیست پس مگردان آنرا نفس خود را متفق علیه و روایت است از

بْنِ جُنْدُبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمرة بن جندب رض گفت سمره فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ الْمَسَائِلَ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ

سوالها خراشها و جراحتها است که مجروح می کند آنرا بآنها مرد روی خود را پس کسیکه خواهد

أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاه دارد روی خود را و کسیکه خواهد ترک کند آنرا مگر آنکه سوال کند مرد خداوند سلطنت یعنی از امیر

أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاری که نمی یابد از آن چاره رواه ابو داؤد و ترمذی و نسائی

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

در روایت ست از سهل بن حنظلیه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيهِ

صلی الله علیه و سلم کسیکه سوال کند و نزد وی چیزی باشد که بی نیاز گرداند او را از سوال بی نیستی

فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاتِهِ فِي مَوْضِعٍ

مگر آنکه میکند طلب بسیاری از آتش گفته است نفیلی و آن یکی از راویان این حدیث ست در جای دیگر ازین حدیث

آخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِي لَا يَنْبَغِي مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا که روا نیست با وی سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيهِ وَيُعَشِّيهِ وَقَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ أَنْ يَكُونَ

چیز ایست که آنرا قوت با مداد گرداند و قوت شبانگاه و گفته است نفیلی در جای دیگر حد غنا اینست که باشد

لَهُ شِبَعُ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

مراد را چیزے که سیر گرداند او را روز یا روز و شب رواه ابو داود روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حبشی بن جناده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ

و سلم بدرستیکه سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نه مر خداوند قوة سلیم الاعضا را

إِلَّا لِذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

ولیکن حلال ست مر خداوند فقر را که چسپاننده است بخاک یا حلال ست مر خداوند دام را که

لِيُثْرِيَ بِهِ مَالَهُ كَانَ خُمُوشًا فِي وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهُ

در فظاعت افگننده است و کسیکه سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را باشد آن سوال خراشها در روی او روز قیامت و سنگ

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکه خواهد کم کند و هر که خواهد زیاده کند

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ الْفِرَاسِيِّ أَنَّ الْفِرَاسِيَّ قَالَ

رواه الترمذی وروایت ست از ابن الفراسی که منسوب ست بفراس بن غنم گفت

قُلْتُ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُ يَا رَسُولَ

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدارا صلی الله علیه وسلم آیا سوال کنم من ای پیغمبر

اللهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا وَإِنْ كُنْتَ

خدا از مردم چیزی پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سوال مکن واگر هستی تو

لَابُدَّ فَسْأَلِ الصّٰلِحِينَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

که البته میخواهی پس سوال کن صالحان را از جست کرم ایشان رواه ابوداود والنسائی وروایت ست از

عَلِيٍّ رضـ أَنَّهُ سَمِعَ يَوْمَ عَرَفَةَ رَجُلًا يَسْأَلُ النَّاسَ

علی کرم الله وجهه که وی شنید روز عرفه مردی را که سوال میکند مردمان را

فَقَالَ أَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْمَكَانِ تَسْأَلُ مِنْ

پس فرمود آیا درین روز که عرفه است و درین مکان که عرفات ست سوال میکنی از

غَيْرِ اللهِ فَخَفَقَهُ بِالدِّرَّةِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ عُمَرَ رضـ

غیر خدا پس زد علی کرم الله وجهه آنمرد را بدره رواه رزین وروایت ست از عمر رض

قَالَ تَعَلَّمُنَّ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ وَأَنَّ الْإِيَاسَ غِنًى

گفت عمر رض بدانید ای مردم که امید داشتن از مال مردم سبب فقر ست و نا امید بودن توانگری بی نیازی ست

وَأَنَّ الْمَرْءَ إِذَا يَئِسَ عَنْ شَيْءٍ اسْتَغْنٰى عَنْهُ رَوَاهُ رَزِينٌ

و بدرستیکه مرد وقتیکه نا امید شود از چیزی بی نیاز میشود ازان رواه رزین رض

وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت ست از ثوبان مولای آنحضرت گفت که فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ يَكْفُلُ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا فَأَتَكَفَّلُ لَهُ

کیست که ضامن شود مرا که سوال نکند از مردم چیزی پس ضامن شوم مر او را

بِالْجَنَّةِ فَقَالَ ثَوْبَانُ أَنَا فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا رَوَاهُ

به بهشت، پس گفت ثوبان من ضامن می شوم پس بود ثوبان که سوال نمیکرد هیچ یکے را چیزی رواه

أَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ دَعَانِي

ابوداود و النسائی و روایت ست از ابی ذر رض گفت ابوذر رض خواند مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَشْتَرِطُ عَلَيَّ أَنْ

آنحضرت صلے الله علیه و سلم و حال آنکه وی طلب شرط میکند بر من که

لَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَلَا سَوْطَكَ إِنْ

سوال نکنی تو از مردم چیزے گفتم آرے شرط کردم و گفت آنحضرت ع نه طلبی از کسے تازیانهٔ خود را که بیفتد

سَقَطَ مِنْكَ حَتَّى تَنْزِلَ إِلَيْهِ فَتَأْخُذَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ بَابُ

از دست تو تا آنکه فرود آئی تو از اسپ بسوی تازیانه پس بگیری آنرا رواه احمد باب

الْإِنْفَاقِ وَكَرَاهِيَةِ الْإِمْسَاكِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

الانفاق و کراہیت امساک کسانیکه خرچ میکنند اموال خویش

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

شب و روز پنهان و آشکارا پس ایشان را مزد ایشان ست نزدیک پروردگار ایشان

وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ○ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند باید که گمان نکنند آنانکه

يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ

بخل می کنند بانچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بهتر ست برای خویش

بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ

بلکه او بدتر ست برای ایشان نزدیک ست که بشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند با آن

يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

(حاشیه: سه جزء نمبر ۳ رکوع ۵ — سه جزء نمبر ۴ رکوع ۳ — سه جزء نمبر رکوع ۱۹)

أَمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه ما روزی داده ایم ایشان را پنهان و آشکارا

مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝ مَن ذَا الَّذِي

پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در ان و نه بایکدیگر دوستی بود   کیست آنکه

يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

وام دهد خدا را وام دادن نیک   پس او چند سازد خدا اعمال را برای او بمراتب   بسیار

وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و خدا تنگ میسازد و کشاده میکند روزی را و بسوی او باز گردانیده میشوید   ای مسلمانان

أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا

خرج کنید از آنچه روزی داده ایم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست در ان   و نه دوستی و نه

شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ الَّذِينَ يُنفِقُونَ

سفارش   و کافران ایشانند   ظالمان   آنانکه خرج میکنند

أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا

اموال خود را در راه خدا   باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را   و نه

أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

يَحْزَنُونَ ۝ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ

اندوهگین شوند   سخن ملایم گفتن و در گذشتن از ابرام سائل   بهتر است

مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝

از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن است و خدا بے نیاز بردبار است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم

ای   مومنان تباه مکنید خیرات خود را

بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَاءَ النَّاسِ

بمنت نهادن و آزرده کردن همچو کسیکه خرچ میکند مال خود را بپیش نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

و ایمان ندارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا

صفت سنگ صاف است که بروی باشد از خاک پس رسید او را باران عظیم پس گذاشت او را سخت و تنها مانده

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ۭ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

توانائی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ۔ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروه کافران را در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِيْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر می بود مرا مانند کوه احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِيْ اَنْ لَا يَمُرَّ عَلَيَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِيْ

طلا هر آئینه شاد میکرد مرا اینکه نگذرد بر من سه شب و حال آنکه نزد من

مِنْهُ شَيْءٌ اِلَّا شَيْءٌ اَرْصُدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزی از آن باقیست مگر چیزیکه آماده سازم آنرا برای وام روایت کرده بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ يَّوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست هیچ روزیکه صبح میکنند بندگان در وی مگر آنکه فرود می آیند دو فرشته از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکی ازین دو فرشته خداوندا بده انفاق کننده را چیزی بجای او و میگوید فرشته

الآخر اللهم أعط ممسكاً تلفاً متفق عليه وعن

و دیگر خدایا بده بخیل را هلاکی مال که حق را نمیدهد متفق است [illegible]

أسماء رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

اسماء رضی گفت اسماء فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم أنفقي ولا تحصي فيحصي الله عليك ولا توعي

و سلم انفاق کن و شمار مکن که شمرده دهم پس [illegible] کند خدا بر تو و نگاه مدار [illegible]

فيوعي الله عليك ارضخي ما استطعت متفق عليه

پس نگاه دارد خدا بر تو بده آنچه میتوانی اگرچه اندک باشد متفق علیه

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم قال الله تعالى أنفق يا ابن آدم أنفق

علیه وسلم فرمود خدا تعالی انفاق کن ای پسر آدم تا انفاق کنم

عليك متفق عليه وعن أبي أمامة رض قال قال

بر تو متفق علیه در روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا ابن آدم أن تبذل

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدا در حدیث قدسی ای فرزند آدم بذل کردن تو

الفضل خير لك وأن تمسكه شر لك ولا تلام

زیاده از قدر حاجت بهتر است مر ترا و نگاه داشتن تو آن را [illegible] بدتر است مر ترا و نکوهیده نمی‌شوی

على كفاف وابدأ بمن تعول رواه مسلم وعن

بر نگاه داشتن کفاف و آغاز کن در بذل زاید از کفاف بعیال خود رواه مسلم و در روایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

جابر رض گفت جابر فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاتَّقُوا

بپرهیزید ظلم را زیرا که ظلم تاریکیها خواهد بود روز قیامت و پرهیز کنید

الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ اَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَمَلَهُمْ

بخل و حرص را زیرا که بخل هلاک گردانیده است کسانی را که پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

عَلٰى اَنْ سَفَكُوْا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوْا مَحَارِمَهُمْ

بر آنکه ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزها را که حرام گردانیده است خدا

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ

روایت کرده مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره گفت مردی

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَيُّ الصَّدَقَةِ اَعْظَمُ اَجْرًا قَالَ اَنْ

ای پیغمبر خدا کدام صدقه بزرگتر است از روی اجر و ثواب فرمود که بزرگترین صدقها آنست

تَصَدَّقَ وَاَنْتَ صَحِيْحٌ شَحِيْحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنٰى

تصدق کنی و حال آنکه تو تندرستی و بخیلی در حالیکه میترسی درویشی را و امید میداری توانگری را

وَلَا تُمْهِلُ حَتّٰى اِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ قُلْتَ لِفُلَانٍ

و توقف مکن تا آنکه برسد روح در گلو بگوئی فلان کس را

كَذَا وَلِفُلَانٍ كَذَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چنین و فلان را چنین و حال آنکه هست مر فلان را متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسَّخِيُّ قَرِيْبٌ مِّنَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ

علیه و سلم سخی نزدیک است از جناب رحمت و رضای حق نزدیک است از بهشت که جای اوست

قَرِيْبٌ مِّنَ النَّاسِ بَعِيْدٌ مِّنَ النَّارِ وَالْبَخِيْلُ بَعِيْدٌ مِّنَ اللّٰهِ

نزدیک است از دلهای مردم همیشه بعید است از دوزخ و بخیل بعید است از رحمت حق

بعيد من الجنة بعيد من الناس قريب من النار

بعید است از بهشت بعید است از صحبت مردمان قریب است از دوزخ

ولجاهل سخي احب الى الله من عابد بخيل رواه

و جاهل سخی دوست داشته شده تر است از عابد بخیل رواه

الترمذي وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله

الترمذی در روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم لان يتصدق المرء في حياته بدرهم

صلی الله علیه وسلم هر آئینه تصدق کردن مرد یک درهم را در زندگانی خود

خير له من ان يتصدق بمائة عند موته رواه ابوداود

بهتر است مرورا از تصدق کردن صد درهم نزد مردن رواه ابو داود

وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم مثل الذي يتصدق عند موته او يعتق كالذي

وسلم حال کسیکه تصدق کند نزد مردن خود یا آزاد میکند بنده را مانند حال کسی که

يهدي اذا شبع رواه احمد والنسائي والدارمي و

هدیه میفرستد طعام را بعد ازانکه سیر شد رواه احمد والنسائی و الدارمی و

الترمذي وصححه وعن ابي سعيد رض قال قال

الترمذی و حکم کرد بصحت آن و از ابی سعید روایت است گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خصلتان لا يجتمعان في

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت جمع نشوند در

مؤمن البخل وسوء الخلق رواه الترمذي وعن

مؤمن یکے بخیلی دیگر بد خلقی رواه الترمذی و روایت است از

أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا بَخِيلٌ وَلَا مَنَّانٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
در نمی آید بهشت را این سه کس اول مرد فریبنده دوم بخیل و سوم مرد منت نهنده بعد از عطا رواه الترمذی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ شُحٌّ هَالِعٌ وَجُبْنٌ خَالِعٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
وسلم بدترین خصلتها که در مردم است دو خصلت است یکی بخل جزع و فزع کننده دوم بزدلی ترسنده گی که می کند دل را از جا
وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَيْنَمَا رَجُلٌ بِفَلَاةٍ
و روایت است از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت وقتیکه مردی حاضر بود
مِنَ الْأَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ
به بیابان از زمین پس شنید آوازی در ابری که میگوید آب ده بستان فلان را
فَتَنَحَّى ذٰلِكَ السَّحَابُ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِي حَرَّةٍ فَإِذَا شَرْجَةٌ
پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاه آب راهه
مِنْ تِلْكَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذٰلِكَ الْمَاءَ كُلَّهُ فَتَتَبَّعَ
از آن آب راهها بتحقیق فرا گرفته است آن آب را همه پس پیروی کرد آن مرد
الْمَاءَ فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيقَتِهِ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهِ
آب را پس ناگاه مردی ایستاده است در حدیقه خود میگرداند آب را به بیل آهنین
فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ مَا اسْمُكَ قَالَ فُلَانٌ لِلْاِسْمِ الَّذِي
پس گفت مر این مرد را ای بنده خدا چیست نام تو گفت نام من فلانست آن نامی که
سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لِمَ تَسْأَلُنِي
شنیده بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آن مرد را ای بنده خدا برای چه میپرسی مرا

عَنِ اسْمِي فَقَالَ اِنِّيْ سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي

از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که

هٰذَا مَاءُهُ وَيَقُوْلُ اسْقِ حَدِيْقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ فَمَا تَصْنَعُ

این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب ده حدیقه فلانرا میگفت مر نام ترا پس کار چی

فِيْهَا قَالَ اَمَّا اِذَا قُلْتَ هٰذَا فَاِنِّيْ اَنْظُرُ اِلٰى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا

در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را بگویم پس بدرستی من نگاه میکنم بسوی چیزے که بیرون می آید از آن

فَاَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهٖ وَاٰكُلُ اَنَا وَعِيَالِيْ ثُلُثًا وَاَرُدُّ فِيْهَا ثُلُثَهٗ

پس تصدق میکنم بسه یک آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ اَنَّهٗ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایة مسلم و هم از ابی هریره است رضا که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُوْلُ اِنَّ ثَلٰثَةً مِنْ بَنِيْ اِسْرَاۤئِيْلَ اَبْرَصَ وَاَقْرَعَ وَاَعْمٰى

که میگفت بدرستیکه سه کس بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور

فَاَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَّبْتَلِيَهُمْ فَبَعَثَ اِلَيْهِمْ مَلَكًا فَاَتَى الْاَبْرَصَ

پس خواست خدا تعالی که ابتلا کند ایشانرا پس فرستاد خدا بسوی ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص

فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَجِلْدٌ حَسَنٌ

پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تر است بسوی تو گفت رنگ نیک و پوست نیک

وَيَذْهَبُ عَنِّي الَّذِيْ قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ قَالَ فَمَسَحَهٗ

و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید دیگر کرده میدارند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را

فَذَهَبَ عَنْهُ قَذَرُهٗ فَاُعْطِيَ لَوْنًا حَسَنًا وَجِلْدًا حَسَنًا قَالَ

پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیک و پوست نیک گفت فرشته

فَاَيُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْاِبِلُ اَوْ قَالَ الْبَقَرُ شَكَّ

پس کدام مال محبوب تر است بسوی تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است

اسحٰقُ اِلَّا اَنَّ الْاَبْرَصَ اَوِ الْاَقْرَعَ قَالَ اَحَدُهُمَا الْاِبِلُ

اسحق مگر اینکه ابرص یا اقرع گفت یکے ازاں دو شتر

وَقَالَ الْاٰخَرُ الْبَقَرُ قَالَ فَاُعْطِیَ نَاقَةً عُشَرَاءَ فَقَالَ بَارَكَ

وگفت دیگر گاؤ گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماه پس گفت فرشته برکت دهاد

اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا قَالَ فَاَتَى الْاَقْرَعَ فَقَالَ اَیُّ شَیْءٍ اَحَبُّ اِلَیْكَ

خدای مر ترا در این ناقه گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

قَالَ شَعَرٌ حَسَنٌ وَیَذْهَبُ عَنِّیْ هٰذَا الَّذِیْ قَدْ قَذِرَنِی النَّاسُ

گفت موے نیک و اینکه برود از من آنچه که بتحقیق مکروه پنداشته اند مرا مردمان

قَالَ فَمَسَحَهٗ فَذَهَبَ عَنْهُ قَالَ وَاُعْطِیَ شَعَرًا حَسَنًا قَالَ فَاَیُّ

گفت پس مسح کرد پس رفت از وے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام

الْمَالِ اَحَبُّ اِلَیْكَ قَالَ الْبَقَرُ فَاُعْطِیَ بَقَرَةً حَامِلًا قَالَ

مال محبوب تر است بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته

بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا فَاَتَى الْاَعْمٰى فَقَالَ اَیُّ شَیْءٍ اَحَبُّ اِلَیْكَ

برکت دهاد خدا مر ترا در آن گاو ان پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تر است بسوئے تو

فَقَالَ اَنْ یَّرُدَّ اللّٰهُ اِلَیَّ بَصَرِیْ فَاُبْصِرَ بِهِ النَّاسَ قَالَ

پس گفت کور اینکه باز گرداند خدا تعالیٰ بسوے من بینائی من پس ببینم بوے مردمان را گفت

فَمَسَحَهٗ فَرَدَّ اللّٰهُ اِلَیْهِ بَصَرَهٗ قَالَ فَاَیُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَیْكَ

پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وی بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تر است بسوئے تو

قَالَ الْغَنَمُ فَاُعْطِیَ شَاةً وَّالِدًا فَاُنْتِجَ هٰذَانِ وَوَلَّدَ هٰذَا

گفت کور گوسپند ان محبوب تر است پس داده شد گوسپند زاینده پس انتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنے صاحب غنم

فَكَانَ لِهٰذَا وَادٍ مِّنَ الْاِبِلِ وَلِهٰذَا وَادٍ مِّنَ الْبَقَرِ وَلِهٰذَا

پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاو ان و مر این را

وادٍ مِنَ الغَنَمِ قَالَ ثُمَّ اِنَّهُ اَتَى الاَبرَصَ فِي صُورَتِهِ وَهَيئَتِهِ

وادی از گوسپندان گفت آنحضرت پستر بدرستی آن فرشته آمد ابرص را در همان صورت و هیئت

فَقَالَ اِنِّي رَجُلٌ مِسكِينٌ قَدِ انقَطَعَت بِيَ الحِبَالُ فِي سَفَرِي

پس گفت من مردے مسکینم بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر

فَلَا بَلَاغَ لِيَ اليَومَ اِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ اَسأَلُكَ بِالَّذِي

پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که

اَعطَاكَ اللَّونَ الحَسَنَ وَالجِلدَ الحَسَنَ وَالمَالَ بَعِيرًا اَتَبَلَّغُ

داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شتری را که برسم

بِهِ فِي سَفَرِي فَقَالَ الحُقُوقُ كَثِيرَةٌ فَقَالَ اِنَّهُ كَاَنِّي اَعرِفُكَ

بآن در سفر خود پس گفت حقها بسیار است پس گفت فرشته بدرستیکه گویا من ترا می شناسم

اَلَم تَكُن اَبرَصَ يَقذَرُكَ النَّاسُ فَقِيرًا فَاَعطَاكَ اللهُ

آیا نبودی تو ابرص که پلید و مکروه داشتند ترا مردم و فقیر که مال نبود نداشتی پس داد ترا خدا اینها را

فَقَالَ اِنَّمَا وُرِّثتُ هٰذَا المَالَ كَابِرًا عَن كَابِرٍ فَقَالَ اِن كُنتَ

پس گفت داده شده ام اینمال را مگر بمیراث از آبا و اجداد بمن رسیده پس گفت فرشته اگر باشی تو

كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللهُ اِلَى مَا كُنتَ قَالَ وَاَتَى الاَقرَعَ فِي صُورَتِهِ

دروغگو پس بگرداند ترا خدا بسوی حالی که بودی تو گفت و آمد آن فرشته اقرع را در همان صورت نخست

فَقَالَ لَهُ مِثلَ مَا قَالَ لِهٰذَا وَرَدَّ عَلَيهِ مِثلَ مَا رَدَّ عَلَى هٰذَا

پس گفت مر آنرا مانند آنچه که گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بر فرشته مانند آنچه رد کرده بر این

فَقَالَ اِن كُنتَ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللهُ اِلَى مَا كُنتَ قَالَ

پس گفت فرشته اگر باشی تو دروغگو پس بگرداند ترا خدا بسوی باز گرداند بسوی حالیکه بودی و فرمود آنحضرت

وَاَتَى الاَعمَى فِي صُورَتِهِ وَهَيئَتِهِ فَقَالَ رَجُلٌ مِسكِينٌ

و آمد آن فرشته نزد اعمی در صورتیکه نخست آمده بود پس گفت من مردے مسکینم

وَابْنُ سَبِيْلٍ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِيْ سَفَرِيْ فَلَا بَلَاغَ

ومسافر تحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت و رسیدن

لِيَ الْيَوْمَ اِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ اَسْأَلُكَ بِالَّذِيْ رَدَّ عَلَيْكَ

مرا امروز مگر بتوفیق خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآن خدا که داده است ترا

بَصَرَكَ شَاةً اَتَبَلَّغُ بِهَا فِيْ سَفَرِيْ فَقَالَ قَدْ كُنْتُ

بینائی تو سوال میکنم گوسپند که برسم بآن در حصول سفر من پس گفت آن اعمی تحقیق بودم

اَعْمٰى فَرَدَّ اللهُ اِلَيَّ بَصَرِيْ فَخُذْ مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ

کور پس باز گردانید خدا بفضل خود بسوی من بینائی من پس بگیر هرچه میخواهی از گوسپندان و بگذار هرچه میخواهی

فَوَاللهِ لَا اَجْهَدُكَ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ اَخَذْتَهٗ لِلّٰهِ فَقَالَ اَمْسِكْ

پس بخدا سوگند که منع نمیکنم و بمشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزے که بگیری تو آنرا برای خدا پس گفت فرشته

مَالَكَ فَاِنَّمَا ابْتُلِيْتُمْ فَقَدْ رَضِيَ عَنْكَ وَسَخِطَ عَلٰى

مال خود را پس جز این نیست که ابتلا و آزمایش کرده شده اید شما پس بتحقیق خشنود شد برتو و خشمناک شد

صَاحِبَيْكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ

دو یار تو متفق علیه است و روایت است از ام بجید انصاریه رضی گفت

قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللهِ اِنَّ الْمِسْكِيْنَ لَيَقِفُ عَلٰى بَابِيْ حَتّٰى

گفتم اے رسول خدا بدرستیکه مسکین هر آئینه می ایستد بر در من تا آنکه

اَسْتَحْيِيْ فَلَا اَجِدُ فِيْ بَيْتِيْ مَا اَدْفَعُ فِيْ يَدِهٖ فَقَالَ

شرم میدارم پس نمی یابم در خانه خود چیزے که بنهم آنرا در دست او پس فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِدْفَعِيْ فِيْ يَدِهٖ وَلَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بنه در دست او اگرچه

ظِلْفًا مُحْرَقًا رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ مَوْلٰى لِعُثْمَانَ رضی

سم سوخته باشد روایت کرده ابوداود و روایت است از مولے که امیر عثمان را بود

قَالَ اُهْدِيَ لِاُمِّ سَلَمَةَ بِضْعَةٌ مِنْ لَحْمٍ وَكَانَ النَّبِيُّ

گفت فرستاده شده مر ام سلمه را پاره از گوشت و بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ اللَّحْمُ فَقَالَتْ لِلْخَادِمِ ضَعِيْهِ

صلی الله علیه وسلم که خوش می آمد او را گوشت پس گفت ام سلمه مر خادم را بنه آن گوشت را

فِي الْبَيْتِ لَعَلَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَاكُلُهُ فَوَضَعَتْهُ

در خانه شاید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخورد آنرا پس نهاد خادم آنرا

فِي كَوَّةِ الْبَيْتِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ

در طاقچه خانه پس آمد سوال کننده پس ایستاد بر در پس گفت

تَصَدَّقُوْا بَارَكَ اللّٰهُ فِيْكُمْ فَقَالُوْا بَارَكَ اللّٰهُ فِيْكَ

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اهل خانه مر سایل را که برکت کناد خدا در تو

فَذَهَبَ السَّائِلُ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

پس رفت سایل پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یعنی درخانه پس فرمود که ای

يَا اُمَّ سَلَمَةَ هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ اَطْعَمُهُ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَتْ

ای ام سلمه آیا هست نزد شما چیزی که بخورم پس گفت آری هست پس گفت

لِلْخَادِمِ اذْهَبِيْ فَأْتِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مر خادم را که برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بِذٰلِكَ اللَّحْمِ فَذَهَبَتْ فَلَمْ تَجِدْ فِي الْكَوَّةِ اِلَّا قِطْعَةَ

آن گوشت را پس رفت خادمه پس نیافت آن گوشت را در طاقچه مگر سنگ پاره را

مَرْوَةٍ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ ذٰلِكَ اللَّحْمَ

پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه آن گوشت

عَادَ مَرْوَةً لِمَا لَمْ تُعْطُوْهُ السَّائِلَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

گشت سنگ سفید از جهت ندادن سائل را روایت کرد بیهقی در دلائل النبوة

وعن ابن عباس قال قال النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ألا أخبركم بشر الناس منزلا قيل نعم قال الذي يسأل

آیا خبر ندهم شما را به بدترین مردم از روی مرتبه گفته شد آری خبر ده فرمود آن کسی که سوال کرده شود

بالله ولا يعطي به رواه أحمد وعن أبي هريرة أن

بنام خدا و نمی‌دهد بنام خدا روایت کرد احمد و روایت است از ابی هریره رض که

النبي صلى الله عليه وسلم دخل على بلال وعنده صبرة

آنحضرت صلی الله علیه وسلم درآمد بر بلال و نزد او توده بود

من تمر فقال ما هذا يا بلال قال شيء ادخرته لغد

از خرما پس گفت آنحضرت چیست این خرما ای بلال گفت این چیزیست که ذخیره کرده بودم برای فردا

فقال أما تخشى أن ترى له غدا بخارا في نار جهنم يوم

فرمود آیا نمی‌ترسی که ببینی برای این ترا فردا دود در آتش دوزخ روز

القيامة أنفق بلال ولا تخش من ذي العرش إقلالا

قیامت خرج کن ای بلال و مترس از خداوند عرش کم کردن را

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

السخاء شجرة في الجنة فمن كان سخيا أخذ بغصن منها

جوانمردی درختی است در بهشت پس کسی که باشد سخی گرفته است شاخی از آن درخت

فلم يتركه الغصن حتى يدخله الجنة والشح شجرة في

پس باز نمی‌گذارد او را آن شاخ تا آنکه می‌درآرد او را در بهشت و بخل درختیست در

النار فمن كان شحيحا أخذ بغصن منها فلم يتركه الغصن

دوزخ پس کسی که بخیل است گرفته است شاخی از آن پس نمی‌گذارد او را آن شاخ

حتى يدخله النار رواهما البيهقي في شعب الإيمان وعن

تا آنكه در آرد او را در دوزخ روايت كرد اين دو حديث را بيهقى در شعب الايمان و روايت است از

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بادروا

علي رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم شتابى كنيد

بالصدقة فإن البلاء لا يتخطاها رواه رزين

بصدقه زيرا كه بدرستى بلا تجاوز نمى كند صدقه را روايت كرد رزين

باب فضل الصدقة في سبيل الله تعالى

وأنفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة

و خرج كنيد در راه خدا و ميفگنيد خويشتن را بسوى هلاك

وأحسنوا إن الله يحب المحسنين إن تبدوا الصدقات

و نيكوكارى كنيد هر آينه خدا دوست ميدارد نيكوكاران را اگر آشكارا كنيد خيرات را

فنعما هي وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم

پس نيكو چيز است آن و اگر پنهان كنيد و بدهيد آن را بفقيران پس اين بهتر است شما را

ويكفر عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير وعن

و اين دور سازد از شما بعض گناهان شما را و خدا بانچه ميكنيد آگاه است روايت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

ابى هريره رض گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم كسى كه

تصدق بعدل تمرة من كسب طيب ولا يقبل الله إلا الطيب

تصدق كند برابر قيمت تمر از كسب پاك و نمى پذيرد خدا تعالى مگر پاك را

فإن الله يتقبلها بيمينه ثم يربيها لصاحبها كما يربي

پس بدرستيكه خدا تعالى مى پذيرد آنرا بدست راست خود پس پرورش ميكند آن صدقه را براى صاحبش چنانكه

أَحَدِكُمْ فَلُوَّهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

یکے از شما کرہ اسپ خود را تا آنکه میباشد آن صدقه مانند کوه متفق علیه وہم از ویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کم نکرد ہیچ صدقه چیزے را

مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللّٰهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ

از مال وزیادت نکرد انید خدا تعالی ہیچ بندہ را بسبب عفو کردن مگر عزت در دنیا وفروتنی نکند ہیچ یکے

لِلّٰهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مگر آنکه بلند گرداند قدر او را خدا تعالی رواہ مسلم وہم از ویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه انفاق کند دو چیز را از چیزہا

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ دُعِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَلِلْجَنَّةِ أَبْوَابٌ فَمَنْ كَانَ

در راه خدا خوانده می شود آنکس از درہای بہشت ومر بہشت را درہا است پس کسیکه باشد

مِنْ أَهْلِ الصَّلٰوةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلٰوةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ

از اہل نماز یعنی غالب است بر وے نماز خوانده می شود از در بہشت که مخصوص است باہل نماز وکسیکه باشد از

أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

اہل جہاد خوانده می شود از در جہاد وکسیکه باشد از اہل

الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

صدقه خوانده می شود از باب صدقه وکسیکه باشد از اہل

الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ مَا عَلَى مَنْ

روزه خوانده شود او را از در ریان یعنی در سیر ابی پس گفت ابو بکر صدیق رضی الله عنه نیست بر کسیکه

دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ فَهَلْ يُدْعٰى أَحَدٌ

خوانده شود از آن درہا ضرورتے پس آیا خوانده می شود ہیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَاَرْجُوْ اَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از همه درها گفت آنحضرت آری هست و امید میدارم که باشی تو ای ابوبکر از ان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه و هم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ اَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید اصحاب را کیست که صبح کرد از شما امروز روزه دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول الله و فرمود آنحضرت کی

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ فَمَنْ اَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازه را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست که طعام خورانید از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من هستم گفت وکیست که پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِءٍ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چهار چیز در یک روز هیچ مرد را مگر انکه در آید در بهشت رواه مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

خُلِقَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ عَلٰى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصَلٍ

پیدا کرده شده است هر شخص از اولاد آدم بر سه صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس کسیکه بگوید الله اکبر و الحمد لله و لا اله الا الله و سبحان الله و طلب آمرزش کرد از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ اَوْ شَوْكَةً اَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگے را از راه مردم یا خار را یا استخوانے را

أو أمر بمعروف أو نهى عن منكر عدد تلك الستين والثلاثمائة

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فإنه يمشي يومئذ وقد زحزح نفسه عن النار رواه مسلم

پس بدرستیکه آنکس که چنین کند میرود یا شام میکند در آن روز حال آنکه دور انداخته است خود را از آتش رواه مسلم

وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ما من مسلم يغرس غرسا أو يزرع زرعا فيأكل منه

نیست هیچ مسلمانے که بنشاند درختے را یا بکارد کشتے را پس بخورد از ان

إنسان أو طير أو بهيمة إلا كانت له صدقة متفق عليه

آدمی یا پرنده یا جارپایه مگر آنکه باشد مر او را صدقه متفق علیه

وفي رواية لمسلم عن جابر رض وما سرق منه له صدقة

و در روایتے مر مسلم را از جابر آمده است و آنچه دزدیده شد از ان نیز مر او را صدقه است

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم غفر لامرأة مومسة مرت بكلب على رأس ركي

وسلم که آمرزیده شد مر زنے زانیه که گذشت بسگے بر سر چاهے

يلهث كاد يقتله العطش فنزعت خفها فأوثقته

در حالیکه می برآورد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیک بود که بکشد او را تشنگی پس بکشید آن زن زانیه موزه خود را پس بست آن را

بخمارها فنزعت له من الماء فغفر لها بذلك قيل إن

به سرپوش خود پس بکشید آن را برای سگ چیزے از آب پس آمرزیده شد در آن زن بآن عمل گفته شد بدرستیکه

لنا في البهائم أجرا قال في كل ذات كبد رطبة أجر

مارا در احسان کردن به بهیمها و سیر ساختن انها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن به هر جانداری که ...

متفق علیه وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم مر رجل بغصن شجرة علی ظهر

صلی الله علیه وسلم گذشت مردے بشاخ درختی که بر پشت

طریق فقال لانحین هذا عن طریق المسلمین لا یؤذیهم

راه است و فوق او پس گفت هر آئینه یکسو گردانم این شاخ را از راه مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلما

فادخل الجنة متفق علیه وعنه قال قال رسول الله

پس در آورده شد آن مرد در بهشت متفق علیه و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم لقد رایت رجلا یتقلب فی الجنة

صلی الله علیه وسلم هر آئینه تحقیق دیدم مردیرا که میگردد و تنعم میکند در بهشت

فی شجرة قطعها من ظهر الطریق کانت تؤذی الناس

بجهت درختیکه برید آنرا از ظاهر طریق و فوق آن بود آن درخت که آزار میکرد مردمرا

رواه مسلم وعن ابی برزة رض قال قلت یا نبی الله

رواه مسلم در روایت از ابی برزه رض گفت ابو برزه گفتم اے نبی الله

صلی الله علیه وسلم علمنی شیئا انتفع به قال اعزل

صلی الله علیه وسلم بیاموزان مرا چیزے از اعمال که سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت یکسو کن

الاذی عن طریق المسلمین رواه مسلم وعن عبد الله

آنچه آزار کند از راه مسلمانان از خار و سنگها و جز آن رواه مسلم در روایت است از عبد الله

بن سلام رض قال لما قدم النبی صلی الله علیه وسلم المدینة

بن سلام رض گفت هنگامیکه قدوم آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را از مکه بیامدم

جئت فلما تبینت وجهه عرفت ان وجهه لیس بوجه

آمدم نزد آنحضرت پس هنگامیکه دیدم و تامل کردم روی مبارک آنحضرت را شناختم که روی وی نیست روی

كَذَّابٍ فَكَانَ اَوَّلَ مَا قَالَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اَفْشُوا السَّلَامَ

دروغ گوی پس بود آنحضرت نخستین چیزی که گفت در صحبت و در وعظ مردم این کلام ای مردمان فاش گردانید سلام گفتن را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْاَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ

و بخورانید طعام مسکینان را و پیوند بدر رحمها را یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکه مردم

نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

در خواب باشند اینکار را بکنید می در آئید به بهشت بسلامت از عذاب رواه الترمذی و ابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ

و الدارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عبادت کنید خدای مهربان را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَاَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

و بخورانید طعام گدا را و بلند گوئید سلام را می در آئید به بهشت بسلامت از بعید و حجاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه صدقه کردن هر آئینه میکشد آتش

غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوْءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

خشم آلهی را و دور میگرداند مرگ بد را اشارت بخوبی سلامت رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَبَسُّمُكَ فِيْ وَجْهِ اَخِيْهِ صَدَقَةٌ وَاَمْرُكَ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ

تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روی برادر خود صدقه است امر کردن تو بنیکی صدقه است

وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ

ونهی کردن تو از منکر صدقه است و راه نمودن تو مرد را در زمینی گمراهی که مردم در وی راه گم کنند

صَدَقَةٌ وَنَصْرُكَ الرَّجُلَ الرَّدِيَّ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ

صدقه است و یاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ

و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است و ریختن تو

مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از دلو یعنی آب را در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و روایت است از

سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سعد بن عباده رضه گفت ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ الْمَاءُ

بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وی کنم بهتر است فرمود آنحضرت آب

فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هٰذِهِ لِأُمِّ سَعْدٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کند سعد چاهی را بنام او و گفت این چاه برای ام سعد است رواه ابو داود و نسائی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رضه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عُرْيٍ كَسَاهُ اللّٰهُ مِنْ

وسلم هر مسلمانی که بپوشاند مسلمانی دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خُضْرِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ

حلهای سبز بهشت و هر مسلمانی که بخوراند مسلمانی دیگر را بر گرسنگی

أَطْعَمَهُ اللّٰهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا

بخوراند او را خدا تعالی از میوه های بهشت و هر مسلمانی که بنوشاند مسلمانی را

عَلَى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللّٰهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ

بر تشنگی بنوشاند اورا خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شد ظروف آن رواه ابوداود

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّهُمْ ذَبَحُوا شَاةً

و الترمذی و روایت است از عائشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسفندی

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِيَ مِنْهَا فَقَالَتْ

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه چیز باقی مانده از آن گوسفند پس گفت عائشه

مَا بَقِيَ مِنْهَا إِلَّا كَتِفُهَا قَالَ بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا رَوَاهُ

باقی نمانده از وے مگر شانهٔ وے یعنی همه بخشش کردند بفقیران فرمود آنحضرت باقی مانده

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا

صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانی که بپوشاند مسلمانی را

ثَوْبًا إِلَّا كَانَ فِي حِفْظٍ مِنَ اللّٰهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مِنْهُ خِرْقَةٌ

جامه مگر آنکه باشد آنکه جامه پوشانده در حفظ خدا تا آن وقت که باقی مانده از آن جامه پاره

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ

رواه احمد والترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سه کس اند که دوست میدارد ایشانرا خدا

وَثَلٰثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ فَأَمَّا الَّذِيْنَ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ فَرَجُلٌ أَتَى

و سه کس اند که دشمن میدارد ایشانرا خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشانرا خدا

قَوْمًا فَسَأَلَهُمْ بِاللّٰهِ وَلَمْ يَسْأَلْهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ فَمَنَعُوْهُ

مردی آمد گروهی را پس سوال کرد ایشانرا محض بنام خدا و سوال نکرد ایشانرا از جهت خویشی

فتخلف رجل بأعيانهم فأعطاه سرا لا يعلم بعطيته

پس سبقت کرد بر ایشان مردی و پس انداخت ایشان را پس داد او را پنهانی در حالیکه نمیدانند داده شده او را

إلا الله والذي أعطاه وقوم ساروا ليلتهم حتى إذا كان

مگر خدا تعالی و آن کسیکه داده است او را و دوم مردیست از میان قومی که راه رفتند تمام شب تا آن وقتیکه

النوم أحب إليهم مما يعدل به فوضعوا رءوسهم

خواب دوست داشته شده تر است بسوی ایشان از هر چه برابر کرده شود با آن پس نهادند پس مردی سر ایشان

فقام يتملقني ويتلو آياتي ورجل كان في سرية

پس ایستاد بنماز مردی در حالیکه ثنا میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردی که بود در لشکری

فلقي العدو فهزموا فأقبل بصدره حتى يقتل

پس ملاقات کرد دشمنان را پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینه خود تا آنکه کشته شود

أو يفتح له والثلاثة الذين يبغضهم الله الشيخ الزاني

یا کشایش کرده شود و آن سه کس که دشمن میدارد ایشان را خدا تعالی یکی پیر زنا کننده

والفقير المختال والغني الظلوم رواه الترمذي والنسائي

دوم درویش که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده روایت کرد ترمذی و نسائی را

وعن أنس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

فصل الثالث و روایت است از انس رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم لما خلق الله الأرض جعلت تميد فخلق الجبال

و سلم وقتیکه پیدا کرد خدا تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و جنبد پس پیدا کرد خدا کوه را

فقال بها عليها فاستقرت فعجبت الملائكة من شدة

پس قرار کرد او را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الجبال فقالوا يا رب هل من خلقك شيء أشد من الجبال

کوه ها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزی سخت تر از کوه ها

[illegible]

قَالَ نَعَمِ الْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ

فرمود حق تعالیٰ آرے آہن سخت تر است از کوہ پس گفتند فرشتگان اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمِ النَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ

از آہن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا ہست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمِ الْمَاءُ فَقَالُوْا

پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالیٰ آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمِ

اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالیٰ آرے

الرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ

باد است پس گفتند اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمِ ابْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً بِيَمِيْنِهِ يُخْفِيْهَا

گفت حق تعالیٰ آرے سخت تر از آن صدقہ دادن فرزند آدم است کہ تصدق میکند بدست راست خود پنہان

مِنْ شِمَالِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

از دست چپ خود رواہ الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ بندۂ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهٗ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا

کہ خرچ کند از ہر مالے کہ مر او راست دو چیز چنانکہ دو اسپ، دو شتر در راہ خدا تعالیٰ مگر اینکہ

اسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ اِلٰى مَا

پیش می آیند او را پردہ داران بہشت ہر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے کہ

عِنْدَهٗ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ اِنْ كَانَتْ اِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ

نزد است او از نارحمت گفتم و چگونہ است انفاق دو چیز از ہر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس دو شتر را انفاق کند

وَإِنْ كَانَتْ بَقَرَةً فَبَقَرَتَيْنِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ

واگر باشد مال گاو ان پس انفاق کند دو گاو را رواه النسائی و روایت است از

مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ

مرثد بن عبد الله گفت مرثد حدیث کردند مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

صلی الله علیه و سلم که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ ظِلَّ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَقَتُهُ رَوَاهُ

وسلم که میگفت که برای پناه مومن و سبب آسایش وے در روز قیامت صدقه اوست روا

أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَنْ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ فِي النَّفَقَةِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَسَّعَ

کسیکه فراخی کند بر اہل و عیال خود در خرچ روز عاشورا فراخ گرداند

اللّٰهُ عَلَيْهِ سَائِرَ سَنَتِهِ قَالَ سُفْيَانُ إِنَّا قَدْ جَرَّبْنَاهُ

خدایتعالی بر وے در باقی سال وے گفته است سفیان ثوری بدرستی ما آزمودیم این را

فَوَجَدْنَاهُ كَذٰلِكَ رَوَاهُ رَزِينٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

پس یافتیم این را همچنین رواه رزین و روایت کرد بیهقی این حدیث را در

شُعَبِ الْإِيمَانِ عَنْهُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَأَبِي سَعِيدٍ وَجَابِرٍ

شعب ایمان از وے و از ابی هریره رض و از ابی سعید و از جابر و حکم کرد بیهقی

وَضَعَّفَهُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

بضعف این حدیث و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلَى أَهْلِهِ

صلی الله علیه وسلم که چون انفاق کند مسلمان نفقه را بر اهل خود

وهو يجتنبها كانت له صدقة متفق عليه

وحال آنكه وے نيست ثواب دارد باشد آنكار فعل مراو را صدقه اگرچه بفقير نداده است متفق عليه

بَابُ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ

باب دربيان افضليت صدقه

ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتيما واسيرا

وميدهند طعام را باوجود احتياج بآن فقير آنرا ويتيم را وزندانى را ميگويند

انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا

جز اين نيست كه طعام ميدهيم شما را براے ذات خدائى طلب ميم از شما مزدے ونه شكرے

مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل

صفت آنانكه خرج ميكنند اموال خود را در راه خدا مانند

حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة

صفت يك دانه است كه برويانيد هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است

والله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم لن تنالوا

وخدا دوچند ميدهد هر كرا خواهد وخدا جواد ودانا است هرگز نيابيد

البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء

نيكى را تا آنكه خرج كنيد از آنچه دوست ميداريد وهر چيز كه خرج كنيد

فان الله به عليم عن ابي هريرة رضي الله عنه وحكيم بن حزام رضي الله عنه

پس هر آينه خدا بوے داناست در روايت است از ابى هريره رضى الله عنه وحكيم ابن حزام رضى الله عنه

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير الصدقة

گفتند هردو كه فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بهترين صدقه

ما كان عن ظهر غنى وابدأ بمن تعول رواه البخاري

چيزيست كه باشد از قوت غنى يعنى عيال را محتاج نگذارد وآغاز كن بانفاق كسيكه عيالدارى ميكنى روايت كرده بخارى

رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ حَكِيْمٍ وَحْدَهُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

روایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنها و روایت است از ابی هریرة رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِيْ سَبِيْلِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یک دینار یست که انفاق کردهٔ در راه

اللهِ وَدِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِيْ رَقَبَةٍ وَدِيْنَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى

خدا یعنی جهاد و دیگر دینار یست که انفاق کردهٔ تو آنرا در آزاد کردن بنده و دینار دیگر یست که تصدق کردهٔ بدان بر

مِسْكِيْنٍ وَدِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِيْ

مسکین و دینار دیگر است که انفاق کردهٔ تو بر اهل و عیال خود بزرگترین آن دینارها از روی اجر آن دینار است

أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ثَوْبَانَ رض

که انفاق کردهٔ بر اهل و عیال خود روایت کرد مسلم و روایت است از ثوبان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِيْنَارٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین دینارے

يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ

که انفاق کند آنرا مرد دینار یست که انفاق کند آنرا بر عیال خود و دینار یست که انفاق کند آنرا

عَلَى دَابَّتِهِ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ

بر چارپای خود که در راه خداست و دینار یست که انفاق کند آنرا بر یاران خود

فِيْ سَبِيْلِ اللهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

در راه خدا این سه قل افضل بیشمار صدقه است روایت کرد مسلم و روایت است از عائشه رض گفت

يَا رَسُوْلَ اللهِ إِنَّ لِيْ جَارَيْنِ فَإِلَى أَيِّهِمَا أُهْدِيْ قَالَ

اے پیغامبر خدا بدرستیکه مرا دو همسایه است بسوے کدام یکے از این دو هدیه بفرستم فرمود آنحضرت

إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكِ بَابًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ

بسوے کسیکه نزدیکتر است در وے از در تو روایت کرد بخاری و روایت است از ابی هریرة

قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الصَّدَقَةِ

گفت ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کدام صدقه

أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

فاضلتر است گفت آنحضرت کوشش مرد قلیل المال باشد و مشقت کشد ... و ابتدا کن بکسی که ... روایت ابو داود

وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از سلیمان ابن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ

الله علیه وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یک صدقه دارد و صدقه

عَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

بر کسیکه قرابت و ولادت و رحم دارد ثواب دو صدقه دارد یکی صدقه دوم صله رحم روایت احمد والترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

والنسائی وابن ماجه والدارمی روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنم شما را

بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

به بهترین مردمان مردیست که نگاه دارنده است عنان اسپ را در راه خدا یعنی جهاد آیا آگاه

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُنَيْمَةٍ لَهُ

آیا خبر نکنم شما را ... که تابع و تالی اوست مردیست که گوشه گیرنده است در گوسپندان چند که مر او راست ادا

يُؤَدِّي حَقَّ اللّٰهِ فِيهَا أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ

کرده باشد حق خدا را در آن گوسپندان آیا خبر نکنم شما را به بدترین مردم مردیست که

يُسْأَلُ بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

سوال کرده میشود بنام خدا و نمی دهد بنام او روایت الترمذی والنسائی

والدارمي وعن أم بجيد قالت قال رسول الله صلى

و الدارمی و روایت است از ام بجید گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم ردوا السائل ولو بظلف محرق رواه

الله علیه وسلم باز گردانید سائل را اگرچه باشد سم سوخته رواه

مالك والنسائي وروى الترمذي وأبو داود معناه

مالک و النسائی و روایت کرد ترمذی و ابو داود معنی این حدیث را

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم من استعاذ بالله فأعيذوه ومن سأل بالله

وسلم کسیکه پناه طلبد بنام خدا پس پناه دهید اورا و کسیکه سوال کند بنام خدا

فأعطوه ومن دعاكم فأجيبوه ومن صنع إليكم

پس بدهید اورا و کسیکه دعوت کند شمارا پس اجابت کنید اورا و کسیکه بکند بسوی شما

معروفا فكافئوه فإن لم تجدوا ما تكافئونه فادعوا

نیکوئی پس پاداش کنید اورا پس اگر نیابید چیزیکه پاداش کنید اورا پس دعا کنید

له حتى تروا أنكم قد كافأتموه رواه أحمد وأبو داود

برای او تا آنکه بدانید و گمان برید که مکافات کردید اورا رواه احمد و ابو داود

والنسائي وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى

و النسائی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم أفضل الصدقة أن تشبع كبدا

الله علیه وسلم فاضل ترین صدقه آنست که سیر گردانی جگر را

جائعا رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عائشة

گرسنه را مومن باشد یا کافر رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عایشه رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أنفقت

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون انفاق کند و تصدق نماید

المرأة من طعام بيتها غير مفسدة كان لها أجرها بما

زنے از طعام خانه خود درحالیکه اسراف نماینده است باشد مر آن زن را ثواب آن بسبب

أنفقت ولزوجها أجره بما كسب وللخازن مثل ذلك

انفاق کردن و باشد مر شوهر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و باشد مر خزینه دار را مانند آن ثواب که نه

لا ينقص بعضهم أجر بعض شيئا متفق عليه وعن

کم نمی گرداند بعضے ازین سه تن ثواب بعض را چیزے متفق علیه است و روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إذا أنفقت المرأة من كسب زوجها من غير أمره

چون انفاق کند زن از مال شوهر خود بے حکم وے باعلم زن برضا مے زوج

فلها نصف أجره متفق عليه وعن أبي موسى

پس باشد مر آن زن را نصف ثواب آن متفق علیه و روایت است از ابی موسے

الأشعري رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الخازن المسلم الأمين الذي يعطي ما أمر به كاملا

گنجینه دار مسلمان امانت دار کسیکه میدهد آنچه که امر کرده شده است بدان بکمال و تمام

موفرا طيبة به نفسه فيدفعه إلى الذي أمر له به

درحالیکه خوش است بدادن نفس وی پس میرساند آنرا بسوی کسیکه امر کرده شده است مر او را بدان

أحد المتصدقين متفق عليه وعن عائشة رض قالت

یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیه و روایت است از عائشه رض گفت عا

أنّ رجلا قال للنبي صلى الله عليه وسلم إنّ أمّي افتلتت

بدرستیکه مردی گفت آنحضرت را صلی الله علیه وسلم بدرستیکه مادر من مرده است بمرگ ناگهانی

نفسها وأظنّها لو تكلّمت تصدّقت فهل لها أجر إن

و گمان میبرم او را که اگر سخن میکرد هشیار میبود تصدق میکرد پس آیا هست مر او را ثواب اگر

تصدّقت عنها قال نعم متفق عليه وعن أبي أمامة

تصدق کنم از جانب وی فرمود آنحضرت آری میرسد ثواب متفق علیه و روایت است از ابی امامه رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في خطبته

گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت در خطبه خود

عام حجة الوداع لا تنفق امرأة شيئا من بيت زوجها

در سال حجة الوداع انفاق نکند هیچ زنی هیچ چیز را از خانه شوهر خود

إلا بإذن زوجها قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

مگر بحکم شوهر خود گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

ولا الطعام قال ذلك أفضل أموالنا رواه الترمذي

و طعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بهترین مالهای ما است رواه الترمذی

كتاب صيام رمضان وقيام لياليه

کتاب روزه رمضان و قیام شبهای آن

يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على

ای کسانیکه ایمان آوردند لازم کرده شد بر شما روزه داشتن چنانکه لازم کرده شده

الذين من قبلكم لعلكم تتقون أياما معدودات

کسانیکه پیش از شما بودند تا باشد که پرهیزگاری کنید روزه داشتن در روزهای چند شمرده شده

فمن كان منكم مريضا أو على سفر فعدة من أيام

پس کسیکه باشد از شما بیمار یا مسافر پس لازم است بروی شمار آن روزها از روزهای

أُخَرَ ۚ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۖ

دیگر و لازم است بر آنانکه می توانند روزه داشتن فدیه از خوراک یک درویش

فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ ۚ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ

پس هر که بجا آرد نیکی را این بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شما را

إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ

اگر میدانید ماه رمضان آنست که نازل شد در او

الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ

قرآن هدایت برای مردمان و نشانهای روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل

فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ

پس هر که دریابد از شما آن ماه را پس باید که روزه دارد آنرا و هر که بیمار باشد یا

عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ

مسافر پس لازم است شمار آنچه فوت شد از روزها دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا

و نمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار و به بزرگی یاد کنید

اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝

خدا را بشکرانه آنچه راه نمود شما را و تا باشد که شما شکر کنید

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَفِي رِوَايَةٍ

وسلم چون می در آید رمضان کشاده می شود درهای آسمان و در روایتے

فُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتْ

کشاده می شود درهای بهشت و بسته می شود درهای دوزخ و زنجیر در پا کرده می شوند

الشياطين وفي رواية ابواب الرحمة متفق عليه

شیاطین و در روایتے دیگر کشاده می شود در ہائے رحمت متفق علیه

وعن سهل بن سعد رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم في الجنة ثمانية ابواب منها باب يسمى

علیه وسلم که در بهشت هشت در است از جمله درها دریست که نامیده می شود آنرا

الريان لا يدخله الا الصائمون متفق عليه وعن

ریان در نمی آید آنرا مگر روزه داران متفق علیه است در روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من صام رمضان ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم

کسیکه روزه دارد رمضان را از جهت ایمان و بجهت امید داشتن اجر آمرزیده شود مر او را آنچه پیش گذشته است

من ذنبه ومن قام رمضان ايمانا واحتسابا غفر له

از گناه وی و کسیکه قیام کند رمضان را یعنی نماز گزارد در شبهای وی از جهت ایمان و امید ثواب آمرزیده می شود مر او را

ما تقدم من ذنبه ومن قام ليلة القدر ايمانا واحتسابا

آنچه پیش رفته است از گناه وی و کسیکه قیام کند در شب قدر بجهت ایمان و احتساب

غفر له ما تقدم من ذنبه متفق عليه وعنه قال

آمرزیده شود او را گناه گذشته متفق علیه هم از وے مرویست گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كل عمل ابن ادم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم همه عمل نیک آدمی زاد

يضاعف الحسنة بعشر امثالها الى سبع مائة ضعف

زیاده کرده می شود یک نیکی بده چند و تا هفت صد مانند

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی اِلَّا الصَّوْمَ فَاِنَّهٗ لِیْ وَاَنَا اَجْزِیْ بِهٖ یَدَعُ

گفت خدا تعالی مگر روزه زیرا که آن برای من است و من جزا میدهم بآن جزء بخوداهم ترک میدهد بنده

شَهْوَتَهٗ وَطَعَامَهٗ مِنْ اَجْلِیْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ

خواهش نفس وطعام خود را از برای من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت

عِنْدَ فِطْرِهٖ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهٖ وَلَخُلُوْفُ فَمِ الصَّائِمِ

نزد کشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقای پروردگار خود در آخرت و هر آیینه بوی دهن روزه دار

اَطْیَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِیْحِ الْمِسْكِ وَالصِّیَامُ جُنَّةٌ فَاِذَا کَانَ

خوشتر است نزد خدا از بوی مشک و روزه سپر است پس چون باشد

یَوْمُ صَوْمِ اَحَدِکُمْ فَلَا یَرْفُثْ وَلَا یَصْخَبْ فَاِنْ سَابَّهٗ اَحَدٌ

روز روزهٔ یکی از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح وفحش وخصومت نکند اپس اگر دشنام دهد روزه دار را کسی

اَوْ قَاتَلَهٗ فَلْیَقُلْ اِنِّیْ امْرُءٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ

یا خصومت کند او را پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از

اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِذَا کَانَ اَوَّلُ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّیَاطِیْنُ

چون پیدا شد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین

وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ اَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ یُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ

و سرکشان از جن و بسته می شود درهای دوزخ پس کشاده نمی شود از آن درها هیچ دری

وَفُتِحَتْ اَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ یُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَیُنَادِیْ

وکشاده می شوند درهای بهشت پس بند کرده نمی شود از آن درها هیچ دری و ندا میکند

مُنَادٍ یَا بَاغِیَ الْخَیْرِ اَقْبِلْ وَیَا بَاغِیَ الشَّرِّ اَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ

آواز دهنده ای طلب کننده نیکی پیش آ وای طالب بدی باز ایست خود را از گناهان مر خدای راست آزاد کان

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از دوزخ وآن آزادی همه شب ست رواه ترمذی وابن ماجه

وَاَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

واحمد از شخصی وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

اَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ

آمد شما را رمضان که ماهیست با برکت واو لی شده فرض گردانیده است خدا بر شما روزه آنرا

تُفْتَحُ فِيْهِ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ فِيْهِ اَبْوَابُ الْجَحِيْمِ وَتُغَلُّ

کشاده می شود دروی درهای آسمان وبسته می شود دروی درهای دوزخ وغل کرده میشوند

فِيْهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِيْنِ لِلّٰهِ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ

دروی گروه شیاطین مر خدا است را در رمضان شبی بهتر است از هزار ماه

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ

آنکه حرام گردانیده شد نیکی وثواب آنرا پس بتحقیق حرام گردانیده شد از خیر کثیر رواه احمد والنسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وروایت است از عبد الله بن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْاٰنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُوْلُ الصِّيَامُ

وسلم گفت که روزه وقرآن شفاعت میکنند مر بنده را میگوید روزه

اَىْ رَبِّ اِنِّيْ مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِيْ

ای پروردگار من بدرستیکه من بازداشتم او را از خورش وشهوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت را

فِيْهِ وَيَقُوْلُ الْقُرْاٰنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِيْ فِيْهِ

دروی ومیگوید قرآن منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا دروی

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسِ بْنِ

پس قبول کرده میشود هر دو روایت کرد این حدیث را بیهقی در شعب الایمان وروایت است از انس بن

مالِكٍ قَالَ دَخَلَ رَمَضَانُ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ

مالک گفت انس درآمد رمضان پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

هٰذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا

این ماه بتحقیق حاضر شد شما را و در وی شبی ست بهتر از هزار ماه کسیکه محروم گردانیده شد از آن

فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَلَا يُحْرَمُ خَيْرَهَا اِلَّا كُلُّ مَحْرُومٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

پس بتحقیق محروم گردانیده شد از خیر همه محروم گردانیده نمیشود از خیر این شب مگر هر کسیکه محروم است از سعادت روایه ابن ماجه

وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رض قَالَ خَطَبَنَا رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از سلمان فارسی رض گفت سلمان خطبه خواند ما را آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي اٰخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ

صلی الله علیه وسلم در پسین روز از ماه شعبان پس فرمود

اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ اَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ شَهْرٌ مُبَارَكٌ

اے مردمان بتحقیق سایه انداخت شما را ماهے بزرگ ماهیست که برکت کرده شده است

شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللّٰهُ صِيَامَهُ

شهریست که در وی یکشبے است بهتر از هزار ماه گردانیده است خدای تعالی روزه آن ماه را

فَرِيضَةً وَقِيَامَ لَيْلِهِ تَطَوُّعًا مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخَصْلَةٍ

فرض و گردانیده است نماز کردن در شب وی نفل و سنت کسیکه نزدیکی جوید بدرگاه حق در وی بخوبی و عملی

مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ وَمَنْ اَدّٰى

از نیکی باشد همچو کسیکه بگذارد فرض را در ماهے که جز رمضان است و کسیکه ادا کند

فَرِيضَةً فِيهِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ

فریضه در وی باشد همچو کسیکه بگذارد هفتاد فرض را در ماهے که جز رمضان است

وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ

و آن ماهیست که در وی صبر ست از شهوات نفس و صبر کردن ثواب او بهشت است و آن ماهیست که در وی

وَشَهرٌ يُزَادُ فِيهِ رِزْقُ الْمُؤْمِنِ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا كَانَ

و ماهیست که در وے زیاده کرده می شود رزق مومن کسیکه روزه کشایاند روزه دار را باشد

لَهُ مَغْفِرَةً لِذُنُوبِهِ وَعِتْقَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ وَكَانَ لَهُ

مر او را سبب آمرزیدن مر گناهان او را و سبب آزادگی ذات وے از آتش و باشد مر او را

مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ قُلْنَا

مانند مزد او بے آنکه کم شود از مزد وے چیزے گفتیم ما

يَا رَسُولَ اللهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَجِدُ مَا نُفَطِّرُ بِهِ الصَّائِمَ فَقَالَ

اے پیغامبر خدا نیست همه باین صفت که بیابیم چیزے را که روزه کشایانیم بآن پس فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِي اللهُ هٰذَا الثَّوَابَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم میدهد خدا تعالے این ثواب

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلٰى مَذْقَةِ لَبَنٍ أَوْ تَمْرَةٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ

کسیرا که روزه کشایاند روزه دار را بدهی از شیر آمیخته بآب یا بیکخرما یا از آب

مَاءٍ وَمَنْ أَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللهُ مِنْ حَوْضِي شَرْبَةً

وکسیکه سیر گرداند روزه دار را بنوشاند او را خدا تعالے از حوض من که کوثر است نوشیدنے

لَا يَظْمَأُ حَتّٰى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ

که تشنه نگردد بعد از وے هرگز تا آنکه در آید بهشت را و آن ماه است که اول وے سبب افاضت رحمت

وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ وَمَنْ خَفَّفَ

و میان وے سبب مغفرت و آخر وے آزادیست از آتش دوزخ و کسیکه تخفیف کند

عَنْ مَمْلُوكِهِ فِيهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَعَنْ

از جاریه و غلام خود که روزه دارند بیامرزد خدا تعالے مر او را و آزاد گرداند او را از دوزخ و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عباس رضـ بدرستیکه بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أَسِيرٍ وَأَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ

چون می درآمد ماه رمضان رها میکرد هر قیدیرا و میداد هر خواهنده را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از ابن عمر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

إِنَّ الْجَنَّةَ تُزَخْرَفُ لِرَمَضَانَ مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ إِلَى حَوْلٍ

که بهشت آراسته می شود برائے رمضان از سر سال تا سال

قَابِلٍ قَالَ فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ هَبَّتْ رِيحٌ

آینده گفت پس چون میباشد نخست روزے از رمضان می وزد بادی

تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ عَلَى الْحُورِ الْعِينِ فَيَقُلْنَ

زیر عرش از برگهاے بهشت بر حوران بهشت پس میگویند آن حوران بهشت

يَا رَبِّ اجْعَلْ لَنَا مِنْ عِبَادِكَ أَزْوَاجًا تَقَرُّ بِهِمْ أَعْيُنُنَا

اے پروردگار ما گردان ما را از بندگان خود شوهران که خنک گردد و قرار گیرد بایشان چشمهاے ما

وَتَقَرُّ أَعْيُنُهُمْ بِنَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيثَ الثَّلٰثَةَ

و خنک گردد و قرار گیرد چشمهاے ایشان بما روایت کرد بیهقی این احادیث هر سه را

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

در شعب ایمان و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يُغْفَرُ لِأُمَّتِي فِي آخِرِ

صلی الله علیه وسلم گفت آمرزیده می شود مر امتان در آخر

لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

شبے از رمضان گفته شد یا رسول الله ایا آن شب قدر است

قَالَ لَا وَلٰكِنَّ الْعَامِلَ إِنَّمَا يُوَفَّى أَجْرَهُ إِذَا قَضَى عَمَلَهُ

گفت آنحضرت نیست و لیکن کارکننده داده می شود مزد او مگر وقتیکه تمام کند عمل خود را و آن در آخر شب میباشد

رواه أحمد ﴿ وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من لم يدع قول الزور والعمل به

صلی الله علیه وسلم روزه دار که ترک نه کند سخن دروغ و باطل را و عمل کردن را بزور

فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه رواه البخاري

پس نیست مر خدا را حاجتے در آنکه ترک کند وی خوردنی و نوشیدنی خود را روایت کرد این حدیث را بخاری

وعنه رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من أفطر يوما من رمضان من غير رخصة ولا مرض

کسیکه افطار کند یکروز از رمضان بے رخصت شرعی چنانکه سفر و پیری بے مرض

لم يقض عنه صوم الدهر كله وإن صامه رواه أحمد

قضا نکند از وے روزه تمام عمر اگرچه روزه دارد تمام عمر روایت کرد احمد

والترمذي وأبو داود وابن ماجة والدارمي والبخاري

و الترمذی و ابوداود و ابن ماجه و الدارمی و روایت کرد بخاری

في ترجمة باب ﴿ وعنه رض قال قال رسول الله صلى

در ترجمه باب یعنی بطریق تحدیث نیاورده است و هم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم كم من صائم ليس له من صيامه

الله علیه وسلم بسا روزه دار که نیست او را حاصل از روزه خود

إلا الظمأ وكم من قائم ليس له من قيامه

مگر تشنگی و بسا شب خیز و نماز گذار که نیست مر او را حاصل از قیام خود

إلا السهر رواه الدارمي ﴿

مگر بیداری روایت کرد دارمی

بَابُ السُّحُورِ وَالْاِفْطَارِ

باب دربیان سحر و افطار

عَنْ اَنَسٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

تَسَحَّرُوْا فَاِنَّ فِی السُّحُوْرِ بَرَکَۃً مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ

طعام سحر بخورید زیراکہ در طعام سحر برکت است متفق علیہ و روایت است از

عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ

عمرو بن العاص رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَصْلُ مَا بَیْنَ صِیَامِنَا وَصِیَامِ اَھْلِ الْکِتٰبِ اَکْلَۃُ

وسلم فرق میان روزہ ما و روزہ اہل کتاب خوردن

السَّحَرِ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَھْلٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

سحر است رواہ مسلم و روایت است از سہل گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَا یَزَالُ النَّاسُ بِخَیْرٍ مَا عَجَّلُوا

صلی اللہ علیہ وسلم ہمیشہ اند مردم ملابس بخیر مادام کہ شتابی کنند در

الْفِطْرَ مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رضی قَالَ قَالَ

کشادن روزہ متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضی گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰہُ تَعَالٰی اَحَبُّ

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفت خدا تعالیٰ دوست تر

عِبَادِیْ اِلَیَّ اَعْجَلُھُمْ فِطْرًا رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ

بندگان من بسوی من شتاب کنندہ ترین ایشانست در روزہ کشادن رواہ الترمذی و روایت است از

سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

سلمان بن عامر رضی گفت سلمان فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ

چون افطار کند یکے از شما پس باید که افطار کند بر خرما پس بدرستیکه افطار بخرما سبب برکت است پس اگر نیابد

فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس باید که افطار کند بر آب پس بدرستیکه آب پاک کننده است معده را روایت احمد و الترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَلَمْ يَذْكُرْ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ

وابوداؤد وابن ماجه والدارمی وذکر نه کرده است لفظ فانه برکته را

غَيْرُ التِّرْمِذِيِّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى

جز ترمذی و روایت است از انس رض گفت انس بود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُفْطِرُ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى رُطَبَاتٍ فَإِنْ

الله علیه وسلم که افطار میکرد پیش ازانکه نماز بگذارد بر چند خرماے تر پس اگر

لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ فَتُمَيْرَاتٌ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تُمَيْرَاتٌ حَسَا

نمیبود خرماے تر پس افطار میکرد بچند خرمای خشک پس اگر نمی بود خرما های خشک مینوشید

حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ زَيْدِ

چند کف آب را روایت ترمذی و ابوداؤد و روایت است از زید

بْنِ خَالِدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا أَوْ جَهَّزَ غَازِيًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

کسیکه روزه بکشاید روزه دار را یا سامان کند غازی کننده را پس او راست مانند اجر او روایت البیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمُحْيِي السُّنَّةِ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

در شعب ایمان و محی السنه در کتاب شرح سنه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَزَالُ الدِّيْنُ ظَاهِرًا مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لِاَنَّ الْيَهُوْدَ

همیشه است دین غالب مادام که شتابی کنند مردم افطار را زیراکه یهود

وَالنَّصَارٰى يُؤَخِّرُوْنَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

ونصاریٰ تاخیر می کنند در افطار رواه ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ عَطِيَّةَ قَالَ دَخَلْتُ اَنَا وَمَسْرُوْقٌ عَلٰى

و روایت است از ابی عطیه گفت که داخل شدم من و مسروق بر

عَائِشَةَ فَقُلْنَا يَا اُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ رَجُلَانِ مِنْ اَصْحَابِ

عائشه رض پس گفتیم ما اے ام المومنین دو مرد اند از یاران

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحَدُهُمَا يُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ

محمد صلی اللہ علیہ وسلم یکے ازان دو مرد شتابی میکند در روزه کشادن و شتابی میکند

الصَّلٰوةَ وَالْاٰخَرُ يُؤَخِّرُ الْاِفْطَارَ وَيُؤَخِّرُ الصَّلٰوةَ قَالَتْ

نماز را و دیگرے ازان دو تاخیر میکند روزه کشادن را و تاخیر میکند نماز گذاردن را گفت عائشه رض

اَيُّهُمَا يُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ الصَّلٰوةَ قُلْنَا عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ

کدام ازان تعجیل میکند افطار را و تعجیل میکند نماز گذاردن را گفتیم ما عبد اللہ بن

مَسْعُوْدٍ قَالَتْ هٰكَذَا صَنَعَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مسعود رض گفت عائشه رض همچنین کرده است پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ وَالْاٰخَرُ اَبُوْمُوْسٰى رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

وسلم و گفتیم و آن مرد دیگر که تاخیر میکند ابوموسیٰ اشعری است رواه مسلم و روایت است از ابی ہریرہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعْمَ سَحُوْرُ

گفت که فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نیکو طعام سحر

الْمُؤْمِنِ التَّمْرُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

مسلمان خرما است رواه ابوداود

٩ ودین کامل است ... اشارت است ... دین و غلبه آن در مخالفت اعدا است

بَابُ صِيَامِ التَّطَوُّعِ

باب در بیان روزهٔ نفل

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللهِ الْمُحَرَّمُ

وسلم فاضلترین روزها بعد از روزه رمضان روزه ماه خدا است که محرم است

وَأَفْضَلُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الْفَرِيْضَةِ صَلٰوةُ اللَّيْلِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و فاضلترین نمازها بعد نماز فرض نماز شب که تهجد است رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی قتاده رض که مردے آمد آن حضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ كَيْفَ تَصُوْمُ فَغَضِبَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

علیه وسلم پس گفت آمرد چگونه روزه میداری پس در خشم آمد آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ قَوْلِهِ فَلَمَّا رَأَى عُمَرُ غَضَبَهُ قَالَ

الله علیه وسلم از گفتن آمرد پس چون دید عمر خشم آنحضرت را گفت

رَضِيْنَا بِاللهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا

راضی شدیم بخدا که پروردگار ما است و راضی شدیم باسلام که دین ما است و راضی شدیم بمحمد بنبیا

نَعُوْذُ بِاللهِ مِنْ غَضَبِ اللهِ وَمِنْ غَضَبِ رَسُوْلِهِ فَجَعَلَ

پناه میخواهیم بخدا از غضب خدا و از غضب رسول وے پس در استاد

عُمَرُ رض يُرَدِّدُ هٰذَا الْكَلَامَ حَتّٰى سَكَنَ غَضَبُهُ فَقَالَ

عمر رض که تکرار میکرد این کلام را تا آنکه آرام یافت غضب آنحضرت پس گفت

عُمَرُ يَا رَسُوْلَ اللهِ كَيْفَ مَنْ يَصُوْمُ الدَّهْرَ كُلَّهُ قَالَ لَا صَامَ

عمر یا رسول الله چگونه است حال آن کسے که روزه دارد در همه روزگار همیشه گفت آنحضرت نه روزه

وَلَا أَفْطَرَ أَوْ قَالَ لَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُفْطِرْ قَالَ كَيْفَ مَنْ يَصُوْمُ

ونه افطار کرد او یا گفت لم یصم و لم یفطر شک از راویست گفت عمر چگونه است حال کسیکه روزه دارد

يَوْمَيْنِ وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ وَيُطِيْقُ ذٰلِكَ أَحَدٌ قَالَ كَيْفَ

دو روز و افطار کند یکروز فرمود آنحضرت آیا طاقت دارد آنرا هیچ کسے گفت عمر چگونه است

مَنْ يَصُوْمُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ ذٰلِكَ صَوْمُ دَاوُدَ قَالَ

حال کسیکه روزه یکروز دارد و افطار کند یکروز را گفت آنحضرت این روزهٔ داود پیغمبر است گفت عمر

كَيْفَ مَنْ يَصُوْمُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمَيْنِ قَالَ وَدِدْتُ أَنِّيْ

چگونه است حال کسیکه روزه دارد یکروز و افطار کند دو روز فرمود آنحضرت که دوست میدارم که من

طُوِّقْتُ ذٰلِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طاقت داده شوم آنرا پستر فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانُ إِلٰى رَمَضَانَ فَهٰذَا صِيَامُ

بس است یا اولی است سه روزه از هر ماه و رمضان تا رمضان برابر افاده فرموده پس اینست روزهٔ تمام

الدَّهْرِ كُلِّهٖ صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُّكَفِّرَ

روزگار روزه روز عرفه در مزد و ثواب چشم دارم معتمد بر فضل خدا که تکفیر کند

السَّنَةَ الَّتِيْ قَبْلَهٗ وَالسَّنَةَ الَّتِيْ بَعْدَهٗ وَصِيَامُ يَوْمِ

سالے را که پیش از وست و تکفیر کند سالے را که بعد از وست و روزه روز

عَاشُوْرَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُّكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِيْ قَبْلَهٗ

عاشورا چشم دارم از خداے تعالی که تکفیر کند گناهان سالے را که پیش از وست

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرد آنرا مسلم و هم از ابی قتاده گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَوْمِ الْاِثْنَيْنِ فَقَالَ فِيْهِ وُلِدْتُ وَفِيْهِ

علیه وسلم از سبب روزهٔ دوشنبه پس فرمود آنحضرت در آن روز زائیده شده ام و در آن روز

انزل علي رواه مسلم وعن ابي ايوب الانصاري

نخست فرستاده شده وحی بر من رواه مسلم و روایت است از ابی ایوب انصاری رض

انه حدثه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

که وے حدیث کرد این حدیث را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

من صام رمضان ثم اتبعه ستا من شوال كان

کسیکه روزه دارد رمضان را پس تابع گرداند آنرا شش روزه از شوال باشد

كصيام الدهر رواه مسلم وعن ابي سعيد

همچو روزه روزگار همیشه رواه مسلم و روایت است از ابی سعید

الخدري رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من صام يوما في سبيل الله بعد الله وجهه عن النار

کسیکه روزه دارد یکروز در راه خدا یعنی در جهاد دور دارد خدای تعالی ذات او را از آتش دوزخ

سبعين خريفا متفق عليه وعن عائشة رض قالت

هفتاد سال مراد از خریف سال است چه بهر یک سال یک خریف کنند متفق علیه و از عائشه رض مرویست گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصوم الاثنين

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که روزه میداشت در بعضی احیان بروز دوشنبه

والخميس رواه الترمذي والنسائي وعن ابي هريرة

و پنجشنبه رواه ترمذی و النسائی و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تعرض

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عرض کرده میشوند در درگاه عزت

الاعمال يوم الاثنين والخميس فاحب ان يعرض عملي

اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه پس دوست میدارم که عرض کرده شود عمل من

وَأَنَا صَائِمٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ

درحالیکه من روزه دارم رواه ترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای ابوذر چون

صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ

روزه داری از ماه سه روز پس روزه دار سیزدهم و چهاردهم را

وَخَمْسَ عَشْرَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

و پانزدهم را روایت کردند ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد یک روز

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ جَعَلَ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ

در راه خدا میگرداند خدا میان وی و میان آتش خندق بقدر مسافتی که میان

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ

آسمان و زمین است رواه ترمذی و روایت است از عامر بن

مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

غنیمت بارده روزه داشتن است در زمستان کنایت است از حصول ثواب بی مشقت رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَوَجَدَ الْيَهُودَ صِيَامًا

الله علیه وسلم قدوم آورد مدینه را پس یافت یهود را روزه دارنده

يوم عاشوراء فقال لهم رسول الله صلى الله عليه
روز عاشورا پس گفت مر ایشان را پیغامبر خدا صلی الله علیه
وسلم ما هذا اليوم الذي تصومونه فقالوا هذا
وسلم چیست این روزیکه روزه میدارید شما در آن پس گفتند یهود این
يوم عظيم انجى الله فيه موسى وقومه وغرق فرعون
روز بزرگ است رستگاری داده است خدا در وی موسی را و قوم او را و غرق کرده است فرعون را
وقومه فصامه موسى شكرا فنحن نصومه فقال
و قوم او را پس روزه داشت موسی در وی از جهت شکر آنرا پس ما روزه میداریم برای متابعت وی پس گفت
رسول الله صلى الله عليه وسلم فنحن احق واولى بموسى
آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس ما سزاوار تر ایم بموسی
منكم فصامه رسول الله وامر بصيامه متفق عليه
از شما پس اینتر روزه میداریم پس روزه داشت درین روز آنحضرت و امر کرد بروزه داشتن این روز
وعن حفصة رض قالت اربع لم يكن يدعهن
در روایت است از حفصه رض گفت چهار خصلت اند که نبود که ترک کند آنرا
النبي صلى الله عليه وسلم صيام يوم عاشوراء والعشر
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم روزه روز عاشورا و روزه دهم ذوالحجه
وثلثة ايام من كل شهر وركعتان قبل الفجر رواه
و روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت سنت قبل از نماز بامداد رواه
النسائي وعن ابن عباس رض قال كان رسول الله
نسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت که بود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم لا يفطر ايام البيض في حضر
صلی الله علیه وسلم که افطار نمیکرد روزهای ایام بیض را نه در حضر

ولا سفر رواه النسائی وعن ابی هریرة رض قال

و نه در سفر رواه النسائی و روایت است از ابی هریرة رض گفت

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لکل شیء زکوة

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم مر هر چیز را از نعمتهای الهی زکوة است

وزکوة الجسد الصوم رواه ابن ماجة وعنه ان

و زکوة بدن و صحت وے روزه است رواه ابن ماجه و هم ازوے مرویست که

النبی صلی الله علیه وسلم کان یصوم یوم الاثنین

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که روزه میداشت روز دوشنبه را

والخمیس فقیل یا رسول الله انک تصوم الاثنین

و پنجشنبه را پس گفته شد اے رسول الله بدرستیکه روزه میداری دوشنبه را

والخمیس فقال ان یوم الاثنین والخمیس یغفر

و پنجشنبه را پس فرمود بدرستیکه روزهٔ دوشنبه و پنجشنبه می آمرزد

الله فیهما لکل مسلم الا ذا هاجرین یقول دعهما

خدا تعالی در آن مر هر مسلمان را مگر دو قطع کننده رحم را میگوید خدا که بگذار ایشان را

حتی یصطلحا رواه احمد وابن ماجة وعنه قال

تا اتفاق کنند و صلح نمایند رواه احمد و ابن ماجه و هم ازوے مرویست که گفت

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من صام یوما

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد روزے

ابتغاء وجه الله بعده الله من جهنم کبعد غراب

بجهت طلب کردن ذات خدا و رضائے دور میگرداند او را خدا از دوزخ مانند دوری زاغ

طائر وهو فرخ حتی مات هرما رواه احمد وروی

پرنده در حالیکه آن زاغ چوزه است تا آنکه بمیرد در غایت پیری رواه احمد و روایت کرد

البیهقی فی شعب الایمان عن سلمة بن قیس وعن
بیهقی در شعب ایمان از سلمه بن قیس و روایت است از
بریدة قال دخل بلال علی رسول الله صلی الله علیه
بریده رض گفت درآمد بلال بر پیغامبر خدا صلی الله علیه
وسلم وهو یتغدی فقال رسول الله صلی الله علیه
وسلم و آنحضرت طعام چاشت میخورد پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم الغداء یا بلال قال انی صائم یا رسول الله فقال
وسلم حاضر شوی ای بلال طعام را گفت بلال روزه دارم یا رسول الله پس گفت
رسول الله صلی الله علیه وسلم نأکل رزقنا وفضل
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میخوریم ما رزق خود را و زیادت
رزق بلال فی الجنة اشعرت یا بلال ان الصائم
رزق بلال در بهشت است آیا شعور داری و میدانی ای بلال که روزه دار
یسبح عظامه ویستغفر له الملائکة ما اکل عنده
تسبیح میکنند استخوانهای وی و آمرزش میخواهند مر او را فرشتگان مادام که خورده شود نزد وی
رواه البیهقی فی شعب الایمان وعن عامر بن سهل
روایه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عامر بن سهل
الحرمی سمعت رجلا یحدث انه سمع انس بن
الحرمی که شنیدم مردی را که حدیث میکرد که وی شنید انس بن
مالک یقول فی الجنة قصر لا یدخله الا صوام
مالک را که میگفت که در بهشت محل و مکانی است که داخل نمیشود آنرا مگر کسیکه روزه
رجب رواه ابن شاهین فی الترغیب
در ماه رجب روایت کرد ابن شاهین در ترغیب

باب فضیلة لیلة القدر

باب در بیان فضیلت شب قدر

حمٓ ○ والکتٰب المبین ○ انّا انزلنٰه فی لیلة مبٰرکة انّا

قسم بکتاب واضح که هر آئینه ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک هر آئینه

کنّا منذرین ○ فیها یفرق کلّ امر حکیم ○ امرا من

ما بودیم ترساننده در آن شب مبارک فیصل کرده می شود هر کار استوار فرود آوردیم آنرا بوحی کردن از

عندنا انّا کنّا مرسلین ○ رحمة من ربّک انّه هو

نزدیک خویش هر آئینه ما بودیم فرستنده فرود آوردیم آنرا بسبب رحمت از نزد پروردگار تو هر آئینه او است

السمیع العلیم ○ والفجر ○ ولیال عشر ○ والشفع والوتر ○

شنوا دانا قسم بصبح و بشبهای ده گانه و قسم بجفت و طاق

واللیل اذا یسر ○ هل فی ذٰلک قسم لذی حجر ○ انّا انزلنٰه

وقسم بشب چون روان شود آیا در این مقدمه سوگند معتبر است صاحب خرد را هر آئینه ما فرود آوردیم

فی لیلة القدر ○ وما ادرٰىک ما لیلة القدر ○ لیلة القدر

قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر شب قدر

خیر من الف شهر ○ تنزّل الملٰئکة والروح فیها باذن

بهتر است از هزار ماه فرود می آیند فرشتگان و روح پاک در آن شب بفرمان

ربّهم من کلّ امر ○ سلٰم هی حتّی مطلع الفجر ○

پروردگار خویش برای سرانجام هر کاری محض سلامتی است آن شب تا وقت طلوع فجر

عن انس رضـ قال قال رسول الله صلّی الله علیه وسلّم

در روایت است از انس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اذا کان لیلة القدر نزل جبرئیل علیه السلام

چون میباشد لیلة القدر فرود می آید جبرئیل علیه السلام

فی كبكبة من الملائكة يصلون على كل عبد قائم

در جماعة از فرشتگان و دعا می کنند و درود میفرستند بر هر بنده که ایستاده است

او قاعد يذكر الله عز وجل فاذا كان يوم عيدهم

یا نشسته که یاد میکند مر خدای را عز وجل پس چون باشد روز عید مسلمانان

يعني يوم فطرهم باهى بهم ملائكته فقال يا ملائكتي

یعنی روز افطار ایشان مفاخرت میکند وے تعالی به بندگان فرشتگان خود را پس میگوید ای فرشتگان من

ما جزاء اجير وفى عمله قالوا ربنا جزاؤه ان يوفى اجره

چیست پاداش مزدوری که تمام کرد عمل خود را میگویند فرشتگان پروردگارا پاداش او اینست که تمام داده شود مزد او

فقال ملائكتي عبيدي وامائي قضوا فريضتي عليهم

پس میگوید پروردگار ای فرشتگان من غلامان من و پرستاران من گذاردند طاعت مرا که فرض گردانیدم بر ایشان

ثم خرجوا يعجون الى الدعاء وعزتي وجلالي وكرمي و

پس بیرون آمدند در حالیکه بر میدارند آواز خود را بدعا سوگند بعزت و قدرت و بزرگی و جود

علوي وارتفاع مكاني لاجيبنهم فيقول ارجعوا فقد

و بلندی قدری و بلندی رتبه من هر آئینه اجابت میکنم دعای ایشان را پس میگوید خدا برگردید بتحقیق

غفرت لكم وبدلت سيئاتكم حسنات قال فيرجعون

آمرزیدم مر شما را و تبدیل میکنم بدیهای شما را به نیکیها گفت آنحضرت میگردند بندگان

مغفورا لهم رواه البيهقي في شعب الايمان وعن

در حالیکه آمرزیده شده است ایشان را رواه بیهقی در شعب ایمان و در روایت است از

عبادة بن الصامت رض قال خرج النبي صلى الله عليه

عباده بن صامت رض گفت عباده بیرون آمد آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ليخبرنا بليلة القدر فتلاحى رجلان من

وسلم تا خبر دهد مارا بلیلة القدر پس نزاع نمودند و خصومت میکردند بیکدیگر دو مرد از

الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحَى

مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دهم شما را بشب قدر که کدام شب است پس نزاع کردند

فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ فَالْتَمِسُوهَا

فلان و فلان پس برداشته شد آن شب از خاطر من و نزدیک است که باشد یعنی برداشتن از خاطر یقین آن بهتر

فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در شب بیست و نهم و بیست و هفتم و بیست و پنجم رواه البخاری

وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ الْتَمِسُوهَا يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تِسْعٍ يَبْقَيْنَ

وسلم که میگفت که طلب بکنید آنرا یعنی شب قدر را در نه شب که باقی می مانند

أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ أَوْ فِي خَمْسٍ يَبْقَيْنَ أَوْ ثَلٰثٍ أَوْ آخِرِ لَيْلَةٍ

یا در هفت شب که باقی می مانند یا در پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب که باقی میمانند یا در شب اخیر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض که پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

علیه وسلم فرمود طلب کنید او را در ده شب اخیر از رمضان

لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقَى فِي سَابِعَةٍ تَبْقَى فِي خَامِسَةٍ تَبْقَى

شب قدر را در شب بیست و نهم که باقی میماند و در شب بیست و هفتم که باقی میماند و در بیست و پنجم که باقی

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواه البخاری و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ

صلی الله علیه وسلم بجوئید شب قدر را در شبهای طاق از عشره

الأواخر من رمضان رواه البخاري وعن زر

اخیر از رمضان رواه البخاری است و در روایت است از زر

بن حبیش قال سألت أبي بن كعب فقلت إن أخاك ابن

بن حبیش گفت سوال کردم ابی ابن کعب را پس گفتم که برادر تو ابن

مسعود يقول من يقم الحول يصب ليلة القدر فقال

مسعود میگوید کسیکه قیام لیل کند سال تمام در می یابد شب قدر را پس گفت

رحمه الله أراد أن لا يتكل الناس أما إنه قد علم أنها

رحمت کند ابن مسعود را خدا ایشان همین خواست ابن مسعود که اعتماد نکنند مردم آگاه باش بدرستیکه ابن مسعود

في رمضان وأنها في العشر الأواخر وأنها ليلة سبع و

که شب قدر در رمضان است و در ده اخیر است از رمضان و بدرستیکه آن بست و هفتم است

عشرين ثم حلف لا يستثني أنها ليلة سبع وعشرين

پس سوگند خورد ابی و حالیکه استثنا نمی کرد یعنی انشاء الله نمی گفت و جزم میکرد که شب قدر بست و هفتم است

فقلت بأي شيء تقول ذلك يا أبا المنذر قال بالعلامة

پس گفتم ابی ابن کعب را بچه چیز و بکدام دلیل میگوئی آنرا اے ابا منذر گفت ابی بسبب علامت که خبر داده است ما را آنحضرت

أو بالآية التي أخبرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

یا بآیت گفت شک راویست خبر داد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم

أنها تطلع يومئذ لا شعاع لها رواه مسلم وعن

علامت اینست که آفتاب در صبح آن شب می برآید در حالیتکه نیست روشنی مر اورا روایت کرده آنرا مسلم و روایت است از

عائشة رض قالت قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

عائشه رض گفت عائشه گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

أرأيت إن علمت أي ليلة ليلة القدر ما أقول فيها قال

خبر ده مرا اگر بدانم که کدام شب است شب قدر در یابم آنرا چه گویم از ذکر و دعا در آن شب گفت آنحضرت

قُولِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه عفو کننده دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

روایت کرد احمد و ابن ماجه و الترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلَّى رِجَالٌ

برآمد شبی از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردان

بِصَلٰوتِهٖ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَاجْتَمَعَ اَكْثَرُ مِنْهُمْ

همراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهٗ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَكَثُرَ اَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس برآمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَصَلّٰى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهٖ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد آنحضرت پس نماز گذاردند بنماز آنحضرت یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ اَهْلِهٖ حَتّٰى خَرَجَ لِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد نبوی صلعم از کثرت اهل آن تا آنکه برآمد آنحضرت برای نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ اَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّهٗ

نماز فجر را متوجه شد بر مردمان پس کلمه شهادت خواند بعد از فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه حال اینست

لم يخف علي مكانكم ولكني خشيت ان تفترض عليكم

که مخفی کرده شد بر شان لیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح بر شما با جماعت

فتعجزوا عنها فتوفي رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس عاجز آئید شما از ادای آن پس وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

والامر على ذلك رواه البخاري وعن ابي هريرة رض

وحال آنکه حال تراویح بر این بود رواه البخاری و در روایت است از ابی هریره رض

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يرغب في قيام

گفت که بود پیغامبر صلی الله علیه وسلم که ترغیب میفرمود صحابه را در گذاردن نماز شب

رمضان من غير ان يامرهم فيه بعزيمة فيقول من

در رمضان بی آنکه امر کند ایشان را در قیام رمضان بجد تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکه

قام رمضان ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه

قیام کند رمضان را بجهت ایمان و تصدیق بثواب و طلب اجر آخرت آمرزیده شود او را چیزیکه پیش رفته

الحديث رواه مسلم وعن ابي هريرة رض ان

الی آخر حدیث رواه مسلم و در روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قام رمضان

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه قیام کند رمضان را

ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه قال ابن شهاب

بجهت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناه آن و گفت ابن شهاب

فتوفي رسول الله صلى الله عليه وسلم والامر على ذلك

پس قبض کرده شد روح آنحضرت صلی الله علیه وسلم و حال آنکه شان و کار قیام رمضان بر این

ثم كان الامر على ذلك في خلافة ابي بكر وصدرا

باشتر بود امر بر همین روش در زمان خلافت ابی بکر و همچنین بود امر در زمان اول

مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ

خلافت عمر یعنے قیام رمضان غیر جماعت و روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری

اَنَّهُ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب شبے از رمضان

اِلَى الْمَسْجِدِ فَاِذَا النَّاسُ اَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُوْنَ يُصَلِّي الرَّجُلُ

بسوے مسجد پس ناگاہ مردم پریشان و جدا جدا شدند نماز میکرد مرد

لِنَفْسِهٖ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُصَلِّي بِصَلوٰتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ

برائے خود تنہا و نماز میکرد مرد پس نماز میکردند با نماز وے قومے پس گفت عمر بن الخطاب

اِنِّيْ اَرٰى لَوْ جَمَعْتُ هٰؤُلَاءِ عَلٰى قَارِئٍ وَّاحِدٍ لَكَانَ اَمْثَلَ

بدرستیکہ من اگر جمع کنم اینمردم را بر یک امام هر آینه باشد افضل

ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلٰى اُبَيِّ ابْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ لَيْلَةً

پس عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن القاری پس بیرون آمدم با عمر شبے

اُخْرٰى وَالنَّاسُ يُصَلُّوْنَ بِصَلوٰةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ

دیگر در حال آنکه مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رض

نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ هٰذِهٖ وَالَّتِيْ تَنَامُوْنَ عَنْهَا اَفْضَلُ مِنَ الَّتِيْ

نیکو بدعت است این بدعت و آن نماز یکه خواب میکنید و غفلت میورزید شما از ان افضل است از ان نماز

تَقُوْمُوْنَ يُرِيْدُ اٰخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُوْمُوْنَ اَوَّلَهٗ

که قیام میکنید میخواست عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند در اول آن

رَوَاهُمَا الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ فَقَدْتُ

روایت کرد این حدیث هر دو را بخاری و روایت است از عائشه رض گفت عائشه که گم کردم و نیافتم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَاِذَا هُوَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

بِالْبَقِيْعِ فَقَالَ اَكُنْتِ تَخَافِيْنَ اَنْ يَحِيْفَ اللّٰهُ عَلَيْكِ وَرَسُوْلُهٗ

در بقیع مدینه مطهره است پس گفت آنحضرت که آیا بودی تو که میترسیدی باینکه جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّيْ ظَنَنْتُ اَنَّكَ اَتَيْتَ بَعْضَ نِسَائِكَ

گفت عائشه که گفتم یا رسول الله بدرستیکه من گمان بردم که تو آمدی به بعضی از زنان خود

فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَنْزِلُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ اِلَى

پس فرمود آنحضرت که سببش آن نبود که بدرستی خدا تعالی نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمه از شعبان بسوی

السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَغْفِرُ لِاَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ غَنَمِ كَلْبٍ

آسمانی که فرود تر از آسمان هاست پس می آمرزد بیشتر را از شمار موهای گوسپندان قبیله کلب بیشتر بی مرتب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَزَادَ رَزِيْنٌ مِمَّنِ اسْتَحَقَّ النَّارَ

روایت کرده الترمذی و ابن ماجه و زیاده کرد رزین لفظ ممن استحق النار یعنی مستحق النار را

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ هَلْ تَدْرِيْنَ مَا فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ يَعْنِيْ لَيْلَةَ النِّصْفِ

که فرمود آیا درمی یابی تو ای عائشه که چه چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنی شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ قَالَتْ مَا فِيْهَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ فِيْهَا اَنْ يُكْتَبَ

از شعبان گفت عائشه چه چیز است درین شب یا رسول الله پس فرمود آنحضرت که درین شب نوشته

كُلُّ مَوْلُوْدِ بَنِيْ اٰدَمَ فِيْ هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيْهَا اَنْ يُكْتَبَ كُلُّ

هرکه زائیده شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشته شود هرکه

هَالِكٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ فِيْ هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيْهَا تُرْفَعُ اَعْمَالُهُمْ

هلاک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشته شود کردارهای فرزندان آدم

وَفِيْهَا تَنْزِلُ اَرْزَاقُهُمْ فَقَالَتْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا مِنْ اَحَدٍ

و در آن شب نازل کرده شود رزقهای بنی آدم پس گفت عائشه ای پیغمبر خدا نیست هیچ یکے

يدخل الجنة إلا برحمة الله تعالى فقال ما من أحد
که درآید بهشت را مگر برحمت خدا تعالی پس گفت آنحضرت که نیست هیچ یکی که
يدخل الجنة إلا برحمة الله تعالى ثلثا قلت ولا أنت
درآید بهشت را مگر برحمت خدا تعالی گفت آنحضرت این کلمات را سه بار گفتم و نه تو ای فرستادهٔ
يا رسول الله فوضع يده على هامته فقال ولا أنا إلا
ای پیغمبر خدا پس نهاد آنحضرت دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت و نه من هم بهشت یابم مگر
أن يتغمدني الله منه برحمته يقولها ثلث مرات رواه
بپوشد مرا خدا تعالی برحمت خود در حالیکه میگفت آنحضرت این کلمات را سه بار روایت کرد
البيهقي في الدعوات الكبير وعن أبي موسى
بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسی
الأشعري رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال إن
اشعری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که بدرستی خدا تعالی آگاه
الله ليطلع في ليلة النصف من شعبان فيغفر لجميع خلقه
واقف می شود به احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر همه خلق را
إلا لمشرك أو مشاحن رواه ابن ماجة ورواه أحمد
مگر مر کافر را و دشمنی دارنده و کینه ورزنده مسلمانان را روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد احمد
عن عبد الله بن عمرو بن العاص وفي رواية إلا اثنين
از عبد الله بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمده که خدا می بخشد همه را مگر
مشاحن وقاتل النفس وعن علي رض قال قال
مشاحن را و خون ناحق ریزنده و کشنده نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كانت ليلة النصف
آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون باشد شب نیمه

اعتکاف در لغت بمعنی باز داشتن و درنگ کردن و لازم بودن بجائی و در شرع درنگ کردن در مسجد و لازم بودن بر وجه مخصوص و اعتکاف در ظاهر مذهب حنفیه سنت موکده است از جهت مواظبت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من شعبان فقوموا ليلها وصوموا يومها فان الله تعالى

از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدای تعالی

ينزل فيها لغروب الشمس الى السماء الدنيا فيقول الا

نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوی آسمان دنیا پس میگوید آیا هست

من مستغفر فاغفر له الا مسترزق فارزقه الا

هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مر او را آیا هست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم او را آیا هست

مبتلى فاعافيه الا كذا وكذا حتى يطلع الفجر رواه ابن ماجة

هیچ بلا رسیده پس عافیت دهم او را از بلا کذا و کذا کنایت است از انواع ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات را تا وقت طلوع فجر

باب الاعتكاف

باب در بیان اعتکاف

عن عائشة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم ۳۶۰

روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

كان يعتكف العشر الاواخر من رمضان حتى توفاه

بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میرانید او را

الله تعالى ثم اعتكف ازواجه بعده متفق عليه

خدای تعالی پس معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت بعد از وی متفق علیه

وعن انس رض قال كان رسول الله صلى الله عليه

روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم يعتكف في العشر الاواخر من رمضان

وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان

فلم يعتكف عاما فلما كان العام المقبل اعتكف عشرين

پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آینده اعتکاف کرد در ده شب قضا و گذا

دوست میدارد اعتکاف کند پس ثابت شد سنیت آن ۱۲

رواه الترمذي ورواه ابو داود وابن ماجة عن

روه الترمذی ورواه ابوداود وابن ماجه از

ابي بن كعب وعن عائشة رض قالت السنة على

ابی ابن کعب وروایت است از عایشه رض گفت عائشه سنت بر

المعتكف ان لا يعود مريضا ولا يشهد جنازة

معتکف آنست که عیادت نکند مریض را و حاضر نشود نماز جنازه را

ولا يمس المرأة ولا يباشرها ولا يخرج لحاجة

ومساس نکند زن را و مباشرت نکند او را و بیرون نیاید برای حاجتے

الا لما لا بد منه ولا اعتكاف الا بصوم ولا اعتكاف

مگر برائے حاجتے که چاره نیست از ان و روا نیست اعتکاف مگر بروزه و روا نیست اعتکاف

الا في مسجد جامع رواه ابو داود وعن ابن عباس رض

مگر در مسجد جامع یعنی مسجد جماعت رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في

که پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم گفت در حق

المعتكف هو يعتكف الذنوب ويجري له من

معتکف که آن منع کرده می شود و باز داشته می شود از گناہان و جاری داده میشود مر او را از

الحسنات كعامل الحسنات كلها رواه ابن ماجة

حسنات که فوت می شود از و بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات همه رواه ابن ماجه

كتاب فضائل القرآن

کتاب در بیان فضائل القرآن

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

پس چون بخوانی قرآن را پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا

بگو اگر جمع شوند آدمیان وجن بر آنکه بیارند مانند این

الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

قران هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مدددهنده

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ

آیا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته

وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گو هستید

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ

واگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره

مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

مانند آن وبخوانید مددگاران خودرا بجز خدا اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ

راست گو . پس اگر نکردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان

الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝

که آتش انگیز آن مردمان وسنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران

لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا

اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هرآینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝

از خوف خدا هرآینه ما فرود فرستادیم قرآن را وهرآینه ما وی را نگاه داریم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ وَهَٰذَا كِتَابٌ

هرآینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما دریابید واین کتابی است

مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ

باور دارنده در زبان عربی برائے آنکه بترساند ستمگاران را و برائے مژده دادن

لِلْمُحْسِنِينَ عَنْ عُثْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نیکوکاران را روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم بهترین شما کسے که آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ

وسلم نیکو در یابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با ملائکه که بزرگانند و نیکوکار

وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ

و آن کسے که میخواند قرآن را و در میماند در خواندن و خواندن قرآن بر او دشوار است او را

أَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ

صلے اللہ علیه وسلم نیست جائے رشک بردن مگر بر دو کس، یکے مردے

آتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ

که داده است او را خدا تعالی قرآن را پس آن مرد بر میخیزد بقرآن یعنی میخواند آنرا در ساعات

النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آنَاءَ

صبح و شام دوم مردیکه داده است او را مال پس آن مرد انفاق میکند از آن در ساعات

اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِي
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنکسیکہ
لَيْسَ فِي جَوْفِهٖ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْاٰنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ رَوَاهُ
نیست در درون او چیزے از قرآن ہمچو خانہ ویران است رواہ
التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض
الترمذی والدارمی و روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقَالُ لِصَاحِبِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفتہ می شود مر صاحب
الْقُرْاٰنِ اِقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا
قرآن را بخوان و ترقی مدارج کن و ہمچو بخوان قرآن را چنانکہ ترتیل میکردی دنیا
فَاِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ اٰخِرِ اٰيَةٍ تَقْرَأُهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
بدرستیکہ منزل تو نزد آخر آیتے کہ می خوانی آنرا رواہ احمد والترمذی
وَاَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ
و ابو داود والنسائی و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگوید پروردگار تبارک
وَتَعَالَى مَنْ شَغَلَهُ الْقُرْاٰنُ عَنْ ذِكْرِي وَمَسْئَلَتِي اَعْطَيْتُهُ
و تعالی کسیکہ باز دارد اورا قرآن از ذکر کردن من و دعا و سوال من میدہم او را
اَفْضَلَ مَا اُعْطِي السَّائِلِينَ وَفَضْلُ كَلَامِ اللّٰهِ عَلَى سَائِرِ
بیشتر از آنچہ میدہم سوال کنندگان را و فضل کلام خدا بر باقی کلام خلایق
الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ
ہمچو فضل خدا است بر مخلوق او رواہ الترمذی والدارمی

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والبیہقی در شعب ایمان و روایت است از ابن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند یک حرف از

كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ

کتاب خدا پس مراو راست نیکی و ہر نیکی جزا دادہ می شود بدہ چند او نمیگویم

الٓمٓ حَرْفٌ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ رَوَاهُ

الم یک حرف است بل الف تنہا حرف است و ہمچنین لام حرف است و میم حرف است روایت

التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ مُعَاذٍ الْجُهَنِيِّ رض قَالَ

الترمذی والدارمی و روایت است از معاذ الجہنی رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ أُلْبِسَ وَالِدَاهُ تَاجًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ضَوْءُهٗ

و عمل کرد بچیزے کہ در قرآن است پوشانیدہ شوند پدر و مادر او تاج روز قیامت کہ روشنائی

أَحْسَنُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي بُيُوتِ الدُّنْيَا لَوْ كَانَتْ

خوشتر و قوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانہ ہاے دنیا اگر می بود آفتاب

فِيكُمْ فَمَا ظَنُّكُمْ بِالَّذِي عَمِلَ بِهٰذَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوٗدَ

در خانہ ہای شما پس چیست گمان شما بآن کسیکہ بخواند و عمل کند بقرآن روایت احمد و ابوداؤد

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

و روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَوْ جُعِلَ الْقُرْآنُ فِي إِهَابٍ ثُمَّ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت اگر دانیدہ می شد قرآن در پوستے پستر

أُلْقِيَ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

انداخته می شد در آتش نمیسوخت رواه الدارمی و روایت است از علی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه بخواند قرآن را

فَاسْتَظْهَرَهُ فَأَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ

پس یاد کرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا و حرام گرداند حرام آنرا در می آرد خدا تعالی اورا

الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِي عَشَرَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ

دبهشت و قبول میکند شفاعت اورا در ده کس از اهل بیت وی که همه ایشان بتحقیق

وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ

واجب شده است مر ایشان را آتش رواه احمد والترمذی وابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاقْرَؤُوهُ فَإِنَّ مَثَلَ

علیه وسلم بیاموزید قرآن را پس بخوانید آنرا پس بدرستیکه حال

الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ

قرآن مرکسیرا که آموخت پس خواند آنرا و قیام کرد بدان همچو انبانی است که پر کرده

مِسْكًا تَفُوحُ رِيحُهُ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهُ

بمشک میدمید بوے خوشے در هرجا و حال کسیکه آموخت قرآن را

فَرَقَدَ فَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ

پس خواب کرد حال آنکه قرآن در شکم اوست همچو حال انبان مشک است که بسته شده است بروی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ

رواه الترمذی والنسائی وابن ماجه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
إِنَّ اللهَ تَعَالَى قَرَأَ طٰهٰ وَيٰسٓ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمٰوَاتِ
بدرستیکہ خدا تعالی خواند یعنے اظہار کرد سورہ طٰہٰ و یٰس را پیش ازانکہ پیدا کند آسمان ہا
وَالْأَرْضَ بِأَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلٰئِكَةُ الْقُرْآنَ قَالَتْ
و زمین را بہزار سال پس ہرگاہ کہ شنیدند فرشتگان قرأت طٰہٰ و یٰس را گفتند فرشتگان
طُوبٰى لِأُمَّةٍ يَنْزِلُ هٰذَا عَلَيْهَا طُوبٰى لِأَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا
خیر و خوبی باد مر امتے را کہ فرود فرستادہ شود این ہردو سورہ بر آن امت و خوبی باد مر آن شکمہا را او
وَطُوبٰى لِأَلْسِنَةٍ تَتَكَلَّمُ بِهٰذَا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ
و خوبی باد مر زبان ہا را کہ تکلم کنند باین رواہ الدارمی و روایت است از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
أَعْرِبُوا الْقُرْآنَ وَاتَّبِعُوا غَرَائِبَهُ وَغَرَائِبُهُ فَرَائِضُهُ
اظہار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض او
وَحُدُودُهُ وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وحدود اوست و روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ مِنْ
وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بہتر است از
قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي غَيْرِ الصَّلٰوةِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي غَيْرِ
خواندن قرآن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر
الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحُ أَفْضَلُ
نماز افضل است از تسبیح و تکبیر و تسبیح بہتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

از صدقہ دادن در راہ خدا وصدقہ دادن بہتر است از روزہ داشتن وروزہ داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ اَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ ودروایت است از عثمان ابن عبد اللہ ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود کہ اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْاٰنَ فِيْ غَيْرِ الْمُصْحَفِ اَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهٗ

ثواب خواندن مرد قرآن را در غیر مصحف ہزار درجہ دارد وثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضَعَّفُ عَلٰى ذٰلِكَ اِلٰى اَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنْ

در مصحف زیادہ کردہ می شود بر آن تا دو ہزار درجہ ودروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوْبَ تَصْدَاُ كَمَا يَصْدَاُ الْحَدِيْدُ اِذَا اَصَابَهُ

بدرستیکہ این دلہای مردم زنگ میگیرد یعنے تیرہ میگردد چنانکہ زنگ میگیرد آہن وقتیکہ میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفتہ شد اے رسول خدا چیست سبب روشنی وصفائی وی گفت بسیار یاد کردن موت

وَتِلَاوَةُ الْقُرْاٰنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الْاَرْبَعَةَ فِيْ

وخواندن قرآن است روایت کرد بیہقی این چہار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

شعب ایمان ودروایت است از حسن بصری از روے ارسال کہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَةَ اٰيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بخواند در شبے صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت ننماید

القرآن تلك الليلة ومن قرأ في ليلة مائتي آية

قرآن در آن شب و کسیکه بخواند در شبی دو صد آیت

كتب له قنوت ليلة ومن قرأ في ليلة خمس مائة آية

نوشته شود برای وی طاعت شب و کسیکه بخواند در شبی پنجصد آیت

إلى الألف أصبح وله قنطار من الأجر قالوا وما القنطار

تا هزار صبح میکند در حالیکه مر او راست قنطار از اجر گفتند صحابه و چیست قنطار

قال اثنا عشر ألفا رواه الدارمي وعن أبي موسى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی و روایت است از ابی موسی

الأشعري رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضـ گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تعاهدوا القرآن فوالذي نفسي بيده لهو أشد

رعایت و مداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدا که بقا ذات من در قدرت او است هر آینه قرآن

تفصيا من الإبل في عقلها متفق عليه وعن

از روی رها شدن از شتر که بسته باشد با رسن متفق علیه و روایت است از

أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ليس منا من لم يتغن بالقرآن رواه البخاري وعن

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنی مستغنی شود از همه رواه بخاری و روایت است از

البراء بن عازب رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه

براء بن عازب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم زينوا القرآن بأصواتكم رواه أحمد وأبو داود

وسلم بیارایید قرآن را بخوشی آواز های شما رواه احمد و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ

وابن ماجه والدارمی در روایت است از سعد بن عباده رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ يَقْرَأُ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مردیکہ می خواند

الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ

قرآن را پستر فراموش کرد آنرا مگر آنکہ پیش می آید خدا را روز قیامت منقطع الاعضا یعنی مجذوم

اَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

ابوداود والدارمی در روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهُ

کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نفہمید

مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلَّ مِنْ ثَلَاثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکہ خواند قرآن در کمتر از سہ روز : رواہ الترمذی

وَاَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ

والبوداود والدارمی در روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم جہر کنندہ قرآن را

كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ

ہمچو آشکارا دہندہ است صدقہ را و آہستہ خوانندہ قرآن را ہمچو پنہان دہندہ است صدقہ را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ

رواہ الترمذی وابوداود والنسائی در روایت است از لیث

بْنِ سَعْدٍ رض عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض

بن سعد رض کہ وے روایت میکند از ابن ابی ملیکہ از یعلی ابن مملک رض

أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ رض عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که وے پرسید از ام سلمه رض از قرارت پیغمبر صلے الله علیه

وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاه ام سلمه صفت میکند (قرأت ایرا) وکشاده هست حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواه الترمذی و ابوداود و النسائی و روایت است از حذیفه

رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوا

رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم بخوانید

الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ

قرآن را بلحن عرب و خوش آوازہاے ایشان و دور دارید خود را از لحن

أَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُونَ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيءُ بَعْدِي

اهل عشق و لحن ہاے اهل دو کتاب یعنے توریت و انجیل و نزدیک باشد که بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ لَا يُجَاوِزُ

گروهے که ترجیع کنند بقرآن مانند سرود و نوحه و نگذرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ

گلوهای ایشان را در فتنه انداخته شده است دلہاے ایشان و دلہاے آنکسان که خوش می آید ایشان را

شَأْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي

حال ایشان رواه بیهقی در شعب ایمان و رزین در

كِتَابِهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

کتاب خود و روایت است از براء بن عازب رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

صلے الله علیه وسلم که میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازہاے خود

فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

زیرا که آواز خوش زیاده میگرداند قرآن را در حسن رواه الدارمی

وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَاصٍّ يَقْرَأُ

و روایت است از عمران بن حصین رض که او گذشت بر قصه خوان قرآن میخواند

ثُمَّ يَسْأَلُ فَاسْتَرْجَعَ ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و از مردم سوال میکرد پس استرجاع کرد عمران پس گفت که شنیدم آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَلْيَسْأَلِ اللهَ بِهِ

علیه وسلم را که میگفت کسیکه خواند قرآن را پس باید که سوال کند خدا را بقرآن

فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ أَقْوَامٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ يَسْأَلُونَ بِهِ

پس بدرستیکه شان اینست زود باشد که بیایند گروهها که بخوانند قرآن را و سوال کنند بآن

النَّاسَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ

از مردم رواه احمد و الترمذی و روایت است از بریده گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند قرآن را

يَتَأَكَّلُ بِهِ النَّاسَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَوَجْهُهُ عَظْمٌ

در حالیکه طلب اکل میکند بقرآن از مردم بیاید آنکس روز قیامت حال آنکه روی وی استخوانست

لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

که نیست در روی وی گوشت رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس بن مالک رض گفت گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ لِلّٰهِ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ مَنْ هُمْ

بدرستیکه مر خدا را هست اهالیان و خواص از مردمان گفتند صحابه ای پیغمبر خدا کیستند ایشان

قال هم أهل القرآن أهل الله وخاصته رواه ابن ماجة

فرمود ایشان اهل قرآن اهل الله وخواص او اند رواه ابن ماجة

وعن أبي بن كعب رض ما بال أقوام يقرأ عليهم كتاب الله

روایت است از ابی بن کعب رض چیست حال آنکسان که خوانده شود بر ایشان کتاب خدا

لا يدرون ما قرئ عليهم فيه ولا ما ترك هكذا كانت

نمی دانند که چه خوانده شد بر ایشان در آن و نمی دانند که چه ترک کرده شده است همچنین بود حال

بنو إسرائيل خرجت خشية الله من قلوبهم فغابت

بنی اسرائیل بیرون شد خوف خدا از دلهای ایشان پس نایاب شد

قلوبهم وشهدت أبدانهم ألا وإن الله عز وجل

دلهای ایشان و حاضر شد بدنهای ایشان آگاه شو هر آئینه خدا بزرگ و اند

لا يقبل من أحد عملا حتى يشهد بقلبه ما شهد ببدنه

قبول نمیکند از کسی هیچ عملی تا آنکه گواهی دهد بدل او آنچه که گواهی میدهد اندام بدن خود

جامع وعن أنس بن مالك رض قال قال رسول الله صلى

روایت است از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يا حملة القرآن إن أهل السموات

الله علیه وسلم ای حاملان قرآن بدرستیکه اهل آسمان

يذكرونكم عند الله تعالى فتحببوا إلى الله تعالى بتوقير

یاد میکنند شما را نزد خدای تعالی پس دوست شوید بسوی خدا بسبب توقیر

كتابه يزدكم حبا ويحببكم إلى عباده يا حملة القرآن أنتم

کتاب او زیاده دوست میدارد شما را خدا و دوست میگرداند شما را نزد بندگان او ای بردارندگان قرآن شما

مخصوصون برحمة الله تعالى المعلمون كلام الله تعالى

مخصوص هستید به رحمت خدا تعالی تعلیم کنندگان کلام خدا تعالی

المقربون من الله تعالى من والاهم تقرب الى الله تعالى

قریب کرده شده اند از خدا تعالی کسیکه دوست داشت ایشان را قرب میابد بسوی خدای تعالی

ومن عاداهم فقد عادى الله يدفع عن قارئ القرآن بلاء

وکسیکه دشمن گرفت ایشان را پس بتحقیق دشمن داشت خدا را دور کرده شود از خوانندهٔ قرآن بلاها

الدنيا ويدفع عن مستمع القرآن بلاء الآخرة يا حملة

دنیا دور کرده شود از شنوندهٔ قرآن بلاهای آخرت ای حاملان

القرآن تحببوا الى الله تعالى بتوقير كتابه يزدكم حبا

قرآن پس دوست شوید ایشان شما را بسوی خدای تعالی بسبب بزرگی کتاب او تا زیاده میکند خدا محبت را

ويحببكم الى عباده جامع كبير عن انس رض قال

دوست میکند شما را بسوی بندگان او روایت است از انس رض گفت

خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات يوم فنادى

برآمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم روزی پس ندا کرد آنحضرت

باعلى صوته يا حامل القرآن اكحل عينيك بالبكاء

به بلند آواز خود ای بردارندهٔ قرآن سرمه کن هر دو چشم ترا از گریه

اذا ضحك المبطلون وقم بالليل اذا نام النائمون

وقتی که بخندند بیهوده‌گویان و بایست بشب برای نماز وقتی که خواب کنند خوابندگان

وصم اذا اكل الآكلون واعف عمن ظلمك ولا تحقد

روزه بدار وقتی که میخورند خورندگان و عفو کن از کسیکه ظلم کند بر تو و کینه مدار

في من يحقد ولا تجهل فيمن يجهل الديلمي

در حق کسیکه کینه دارد و نادان مشو در حق کسیکه جاهل شود روایت دیلمی

باب تفضيل فضائل سور القرآن وآياته

باب تفضیل فضائل سورهای قرآن وآیات آن

وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِىْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَّنَحْشُرُهٗ

و هرکه روگردان شود از یاد کردن من پس او را بود زندگانی تنگ و نابینا بر انگیزیم او را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىْٓ اَعْمٰى وَقَدْ

روز قیامت گوید اے پروردگار من چرا بر انگیختی مرا نابینا و مرا هستم بینا از پیش

كُنْتُ بَصِيْرًا قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ

بینا بودم گوید همچنین آمد بتو نشانهاے ما پس تغافل کردی از آنها

كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ۞ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى الْكِتٰبِ

و همچنین امروز تغافل کرده شود بحق تو و هر آئینه فرود فرستاده است خدا بر شما در قرآن

اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا

که چون بشنوید آیتهاے خدا انکار نموده می آید و تمسخر کرده میشود آنها

فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِىْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ

پس منشینید با ایشان تا آنکه شروع کنند در سخنے بجز آن

اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

هر آئینه شما آنگاه مانند آن کافران باشید جز این نیست که مومنان آنند که چون یاد کرده شود

وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ

بترسند دلهاے ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا زیاده سازد آن آیات

اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۞ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ

ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل میکنند آنانکه بر پا میدارند

الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۞ اُولٰٓئِكَ هُمُ

نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرچ میکنند ایشانند ایشان

الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ

مومنان بتحقیق براے ایشان است مرتبها نزد پروردگار ایشان و آمرزش

وبرزق کریم ۔ حٰمٓ تنزیل من الرحمٰن الرحیم ۝

در روزی نیک ـ این فرو فرستادن است از جانب خدا بخشاینده و مهربان

کتٰب فصلت ایٰته قرانا عربیا لقوم یعلمون ۝

این کتابیست واضح ساخته شده آیات او و در حالیکه قرآنیست عربی است به قومی که میدانند

بشیرا ونذیرا فاعرض اکثرهم فهم لا یسمعون ۝

در حالیکه مژده دهنده و ترساننده پس روی گردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند

عن النواس بن سمعان رض قال سمعت النبی صلی الله علیه

روایت است از نواس بن سمعان رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

وسلم یقول یؤتی بالقرآن یوم القیمة واهله الذین کانوا

علیه وسلم را که میگفت آورده می شود قرآن روز قیامت و اهل قرآن آنکه بودند

یعملون به تقدمه سورة البقرة وآل عمران کانهما

که عمل میکردند باحکام قرآن پیش می شوند قرآن را سوره بقره و آل عمران گویا که این دو

غمامتان او ظلتان سوداوان بینهما شرق اوکانهما

سورت دو ابر اند یا دو سایبان سیاه اند میان این دو سورت روشنی است یا این دو

فرقان من طیر صواف تحاجان عن صاحبهما رواه مسلم

دو جماعت اند از پرندگان صف بستگان که حجت میکنند از جانب صاحب این دو رواه مسلم

وعن ابن عباس رض قال بینما جبرئیل علیه السلام

و روایت است از ابن عباس رض گفت در اثنای آنکه جبرئیل علیه السلام

قاعد عند النبی صلی الله علیه وسلم سمع نقیضا من

نشسته است نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم شنید جبرئیل ع آوازی را از

فوقه فرفع راسه فقال هذا باب من السماء فتح الیوم

بالای خود پس برداشت سر خود را گفت پس آنحضرت جبرئیل ع این دروازه است از آسمان کشاده شد امروز

لم تفتح قط الا اليوم فنزل منه ملك فقال هذا ملك

وکشاده نشد هرگز مگر امروز پس فرود آمد از آن فرشته پس گفت جبرئیل ع که این فرشته ایست

نزل الى الارض لم ينزل قط الا اليوم فسلم فقال ابشر

که فرود آمده است بسوے زمین که فرود نیامده هرگز مگر امروز پس سلام گفت آن فرشته پس گفت فرشته

بنورين اوتيتهما لم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب

بدو نورے که داده شد بتو داده نشد آن دو نور هیچ پیغمبر پیش از تو یکے سوره الحمد

وخواتيم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منهما الا اعطيته

ودیگر دو آیت که در آخر سوره بقره است یعنی از آمن الرسول تا آخر سوره هرگز نخوانی بحرفی از فاتحه و آمن الرسول مگر آنکه داده شوی

وعن ابي الدرداء رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابی الدردا ر گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عليه وسلم ايعجز احدكم ان يقرأ في ليلة ثلث القرآن

علیه وسلم آیا عاجز می آید یکے از شما از آنکه بخواند در شبے ثلث قرآن را

قالوا وكيف يقرأ ثلث القرآن قال قل هو الله احد

گفتند صحابه چگونه خواند ثلث قرآن را در شب فرمود که سوره قل هو الله احد

يعدل ثلث القرآن رواه مسلم وروى البخاري عن

برابر است ثلث قرآن را رواه مسلم و روایت کرد بخاری از

ابي سعيد رض وعن انس رض قال قال رسول الله صلى

ابی سعید رض و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے

الله عليه وسلم ان لكل شيء قلبا وقلب القرآن يس

الله علیه وسلم بدرستیکه مر هر شے را دلیست و دل قرآن سوره یاسین است

ومن قرأ يس كتب الله له بقراءتها قراءة القرآن

و هر که بخواند سوره یسین بنویسد خدا تعالی مر او را بسبب خواندن آن ثواب خواندن تمام

عشر مرات رواه الترمذي والدارمي وعن ابي هريرة

دو مرتبه رواه الترمذي والدارمي وازابی هریرة رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه خواند سورهٔ حم

الدخان في ليلة اصبح يستغفر له سبعون الف ملك

الدخان را در شب صبح میکند درحالیکه آمرزش میخواهند ورا هفتاد هزار فرشتگان.

رواه الترمذي وعن ابن عباس رض قال ضرب بعض

رواه الترمذی وروایت است از ابن عباس رض گفت که زد بعض

اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر وهو

از اصحاب پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خیمه خودرا برگورے ووے

لا يحسب انه قبر فاذا فيه انسان يقرأ سورة تبارك

گمان نمی برد که آن قبراست پس ناگاه درآن قبر آدمیست که میخواند سوره تبارک

الذي بيده الملك حتى ختمها فاتى النبي صلى الله عليه

الذی بیده الملک تا آنکه ختم کرد آنرا پس آمد وے پیغمبر خدا را صلی الله علیه

وسلم فاخبره فقال النبي صلى الله عليه وسلم هي

وسلم پس خبر داد آنحضرت را باینحال پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که این سوره

المانعة هي المنجية تنجيه من عذاب القبر رواه الترمذي

مانعه است این سوره رستگاری دهنده است رستگاری میدهد اورا از عذاب القبر رواه الترمذی

وعن ابن عباس رض وانس بن مالك رض قالا قال رسول الله

وروایت است از ابن عباس رض وانس بن مالک رض گفتند این هردو که فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا زلزلت تعدل نصف القرآن

صلی الله علیه وسلم که سورهٔ اذا زلزلت برابر است نصف قرآن را

وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ وَقُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ

وقل هو الله احد برابر است ثلث قرآن را وقل یا ایها الکافرون

تَعْدِلُ رُبُعَ الْقُرْاٰنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ

برابر است ربع قرآن را رواه الترمذی و روایت است از معقل بن

يَسَارٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يُصْبِحُ

یسار رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت آنحضرت هر که بگوید هنگامیکه صبح کند

ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ

سه مرتبه اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم

فَقَرَأَ ثَلٰثَ اٰيَاتٍ مِنْ اٰخِرِ سُوْرَةِ الْحَشْرِ وَكَّلَ اللّٰهُ بِهٖ

پس بخواند سه آیت از آخر سوره حشر وکیل گرداند خدای تعالی بوی

سَبْعِيْنَ اَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّوْنَ عَلَيْهِ حَتّٰى يُمْسِيَ وَاِنْ مَاتَ

هفتاد هزار فرشته را که درود میفرستند بروی تا آنکه شام کند و اگر بمیرد آن کس

فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيْدًا وَمَنْ قَالَهَا حِيْنَ يُمْسِيْ كَانَ

در آن روز می میرد شهید و کسیکه بگوید این سه آیت را هنگامیکه شام میکند با

بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ

بهمان مرتبه که در صبح ذکر کرده شد رواه الترمذی والدارمی و روایت است از انس

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتَيْ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت آنحضرت کسیکه بخواند هر روز دو صد

مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ مُحِيَ عَنْهُ ذُنُوْبُ خَمْسِيْنَ سَنَةً اِلَّا

بار قل هو الله احد محو کرده شود از وی گناهان پنجاه سال مگر

اَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهِ دَيْنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

آنکه باشد بروی وامی رواه الترمذی والدارمی

وَفِي رِوَايَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً وَلَمْ يَذْكُرْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ

و در روایت دارمی خواندن پنجاه بار واقع شده و ذکر کرده است دارمی این استثنا را که از الا

دَيْنٌ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ

تا یکون علیه دین را و از وے مرویست که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ خواہد کہ

أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ فَنَامَ عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ قَرَأَ مِائَةَ

خواب کند بر بستر خود پس بخوابد بر جانب راست خود پس بخواند صد

مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ

بار قل ہو اللہ احد وقتیکہ باشد روز قیامت میگوید مراورا پروردگار

يَا عَبْدِي ادْخُلْ عَلَى يَمِينِكَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

اے بندہ من درآ بر جانب راست خود در بہشت رواہ الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریرۃ رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ فَقَالَ وَجَبَتْ قُلْتُ

شنید مردے را کہ میخواند قل ہو اللہ احد پس فرمود آنحضرت کہ واجب گشت گفتم

وَمَا وَجَبَتْ قَالَ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

چہ واجب گشت فرمود آنحضرت بہشت رواہ مالک و ترمذی و نسائی

وَعَنْ أَيْفَعَ بْنِ عَبْدٍ الْكَلَاعِيِّ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ

و روایت است از ایفع بن عبد الکلاعی رض گفت ایفع کہ گفت مردے

يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ

اے پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام سورہ از قرآن

أَعْظَمُ قَالَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ قَالَ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ أَعْظَمُ

بزرگتر است فرمود آنحضرت قل ہو اللہ احد گفت مرد پس کدام آیت در قرآن بزرگتر است

قَالَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ اَللّٰهُ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ قَالَ فَأَيُّ

گفت آنحضرت آیة الکرسی که الله لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر ست گفت از و اپس کدام

آيَةٍ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تُحِبُّ أَنْ تُصِيْبَكَ وَأُمَّتَكَ قَالَ

آیت است ای پیغمبر خدا دوست میداری که برسد ترا و امت ترا گفت آنحضرت

خَاتِمَةُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ فَإِنَّهَا مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَةِ اللّٰهِ

خاتمه سورهٔ بقره زیرا که آن از خزینه‌های رحمت خداست

مِنْ تَحْتِ عَرْشِهِ أَعْطَاهَا هٰذِهِ الْأُمَّةَ لَمْ تَتْرُكْ خَيْرًا

از زیر عرش وی داده است آن را باین امت ترک نکرده است هیچ چیزے از خیر

مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

دنیا و آخرت مگر آنکه مشتمل است بر وے و فرا گرفته است رواه الدارمی

وَعَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد الملک بن عمیر بطریق مرسل گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِيْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ شِفَاءٌ مِنْ

صلی الله علیه و آله وسلم که در سوره فاتحة الکتاب شفا است از

كُلِّ دَاءٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ

هر مرض جسمانی و روحانی اگر بطریق یقین بخواند رواه الدارمی و بیهقی در شعب ایمان

وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رض قَالَ مَنْ قَرَأَ آخِرَ

و روایت است از عثمان بن عفان رض گفت کسیکه بخواند آخر سوره

آلِ عِمْرَانَ فِيْ لَيْلَةٍ كُتِبَ لَهُ قِيَامُ لَيْلَةٍ وَعَنْ مَكْحُوْلٍ

آل عمران در شبے نوشته می شود مر آنکس را ثواب بیدار شب و از مکحول مرویست

قَالَ مَنْ قَرَأَ سُوْرَةَ آلِ عِمْرَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَّتْ عَلَيْهِ

گفت کسیکه بخواند سوره آل عمران روز جمعه درود فرستند بر آنکس

الْمَلٰئِكَةُ اِلَى اللَّيْلِ رَوَاهُمَا الدَّارِمِيُّ وَعَنْ كَعْبٍ رض

واستغفار کنند مر او را فرشتگان تا شب رواهما الدارمی و روایت است از کعب رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اقْرَءُوْا سُوْرَةَ

بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود بخوانید سوره

هُوْدٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض

هود را روز جمعه رواه الدارمی و روایت است از ابی سعید خدری رض

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُوْرَةَ الْكَهْفِ

بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره کهف را

فِيْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ اَضَاءَ لَهُ النُّوْرُ مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ رَوَاهُ

در روز جمعه روشن میگردد مر او را نور ایمان درمیان هر دو جمعه است رواه

الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ خَالِدِ بْنِ مَعْدَانَ

بیهقی در دعوات الکبیر و روایت است از خالد بن معدان

قَالَ اقْرَءُوْا الْمُنْجِيَةَ وَهِيَ الٓمّٓ تَنْزِيْلُ فَاِنَّهُ بَلَغَنِيْ اَنَّ

گفت خالد بخوانید سوره که رستگاری دهنده است و آن الم تنزیل که در وسجده است زیرا که رسیده است

رَجُلًا كَانَ يَقْرَاُهَا مَا يَقْرَاُ شَيْئًا غَيْرَهَا وَكَانَ كَثِيْرَ

مردی بود که میخواند آنرا نمیخواند چیزی را جز این و بود آمرزو بسیار

الْخَطَايَا فَنَشَرَتْ جَنَاحَهَا عَلَيْهِ قَالَتْ رَبِّ اغْفِرْ لَهٗ

گناهکار پس پراگنده کرد این سوره بال خود را بر آن مرد و شفاعت کرد این سوره و گفت ای پروردگار

فَاِنَّهٗ كَانَ يُكْثِرُ قِرَاءَتِيْ فَشَفَّعَهَا الرَّبُّ تَعَالٰى فِيْهِ وَقَالَ

پس بدرستیکه بود آن مرد بسیار میکرد خواندن مرا پس قبول شفاعت کرد پروردگار در حق آن مرد و گفت

اُكْتُبُوْا لَهٗ بِكُلِّ خَطِيْئَةٍ حَسَنَةً وَارْفَعُوْا لَهٗ دَرَجَةً

پروردگار را بفرشتگان که بنویسید برای این مرد بهر بدی نیکی و بلند کردانید برای وی درجه

وقال ایضاً انها تجادل عن صاحبها فی القبر تقول اللهم

وگفت نیز بدرستیکه این سوره خصومت میکند در قبر از جانب خواننده خود باینطور که میگوید خداوندا

ان کنت من کتابک فشفعنی فیه وان لم اکن من کتابک

اگر هستم سوره از کتاب تو پس قبول کن شفاعت من در حق او و اگر نیستم سوره از کتاب تو

فامحنی عنه وانها تکون کالطیر تجعل جناحها علیه

پس محو کن مرا از کتاب خود بدرستیکه این سوره میگردد بقدر شعفه همچو جانور پرنده می اندازد بازوی خود بر خواننده

فتشفع له فتمنعه من عذاب القبر وقال فی تبارک

پس شفاعت میکند مر او را پس منع میکند از عذاب قبر وگفت در سوره تبارک

مثله وکان خالد لا یبیت حتی یقرأهما وقال طاؤس

مانند این و بود خالد که شب نمیکرد تا آنکه میخواند این دو سوره را وگفت طاؤس تابعی

فضلتا علی کل سورة فی القرآن بستین حسنة رواه

تفضیل داده شده اند این دو سوره بر هر سوره که در قرآن است بشصت نیکی رواه

الدارمی وعن عطاء ابن ابی رباح قال بلغنی ان

الدارمی و روایت است از عطاء ابن ابی رباح گفت که رسیده است مرا بدرستیکه

رسول الله صلی الله علیه وسلم قال من قرأ یٰس فی

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین در

صدر النهار قضیت حوائجه رواه الدارمی مرسلا

اول روز پرداخته شود حاجتهای وے روایت کرد این حدیث را دارمی بطریق مرسل

وعن معقل بن یسار المزنی رضـ ان النبی صلی الله

و روایت است از معقل بن یسار المزنی رضـ بدرستیکه آنحضرت صلی الله

علیه وسلم قال من قرأ یٰس ابتغاء وجه الله تعالی

علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین از برای طلب رضای خدا تعالی

غفر له ما تقدم من ذنبه فاقرءوها عند موتاكم

آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناه وی پس بخوانید آنرا نزد مردگان شما یعنی کسیکه مشرف بموت

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن علي رض قال

رواه البیهقی در شعب ایمان و مرویست از علی رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لكل شيء

شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت مر هر چیزی را

عروس وعروس القرآن الرحمن وعن ابن مسعود رض

عروس است و عروس قرآن سوره رحمن است و روایت است از ابن مسعود رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة الواقعة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند سوره واقعه را

في كل ليلة لم تصبه فاقة ابدا وكان ابن مسعود

در هر شب نمیرسد آنرا فاقه و درویشی هرگز و بود ابن مسعود

يأمر بناته يقرأن بها في كل ليلة رواهما البيهقي

که امر میکرد دختران خود را که بخوانند این سوره را در هر شب روایت کرد بیهقی هر دو حدیث را

في شعب الايمان وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله

در شعب ایمان و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم الا يستطيع احدكم ان يقرأ الف

صلی الله علیه وسلم آیا نمی تواند یکی از شما که بخواند هزار

آية في كل يوم قالوا ومن يستطيع ان يقرأ الف آية

آیت را در هر روز گفتند صحابه کی می تواند که بخواند هزار آیت با وجود موانع اعمال دیگر

في كل يوم قال اما يستطيع احدكم ان يقرأ الهاكم

در هر روز فرمود آنحضرت آیا نمی تواند یکی از شما که بخواند سوره الهاکم

التَّكَاثُرُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ

التکاثر روایت کرد این حدیث را بیہقی در شعب الایمان و روایت است از سعید بن المسیب

مُرْسَلًا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ

که از کبار تابعین است بطریق مرسل از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم که فرمود آنحضرت کسیکه بخواند

أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ بُنِيَ لَهُ بِهَا قَصْرٌ فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ قَرَأَ

سورۂ قل هو اللہ احد ده بار برآورده شود برای وی بسبب آن کوشکی در بهشت و کسیکه بخواند

عِشْرِينَ مَرَّةً بُنِيَ لَهُ قَصْرَانِ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ عُمَرُ بْنُ

بیست بار برآورده شود برای وی دو کوشک در بهشت پس گفت عمر بن

الْخَطَّابِ وَاللّٰهِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِذًا لَنُكْثِرَنَّ قُصُورَنَا فَقَالَ

الخطاب رض سوگند بخدا یا رسول اللہ چون ثواب این چنین است آنگاه بسیار بخوانیم و بسیاری گردانیم

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُ أَوْسَعُ مِنْ ذٰلِكَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

بسیار این آن کوشکهای خود را پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم خدا فراخ تر است از این یعنی عجب مکن از آن روایت کرد این را دارمی

كِتَابُ الدَّعَوَاتِ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ

و چون استفسار کنند ترا بندگان من از حال من پس هر آئینه من نزدیکم قبول میکنم دعای

الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

دعا کننده چون دعا کند مرا پس باید که فرمانبرداری کنند برای من و باید که بگروند بمن تا باشد که ایشان

يَرْشُدُونَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

راه یابند روایت است از ابی هریره گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ

مستجاب کرده میشود دعای بنده مادام که دعا نکند به بزه یعنی بگردان به گناه کاری شود یا دعا نکند به بریدن خویشی و دعا جا

[illegible]

قيل يا رسول الله ما الاستعجال قال يقول

گفته شد يا رسول الله چيست استعجال فرمود [illegible]

قد دعوت وقد دعوت فلم أر يستجاب

بتحقيق دعا كردم وبتحقيق دعا كردم پس نديدم كه مستجاب [illegible]

لي فيستحسر عند ذلك ويدع الدعاء رواه

[illegible] منقطع [illegible] وملول گردد ونزد آن [illegible] دعا را روايت

مسلم وعن أبي الدرداء قال قال رسول الله

مسلم و روايت است از ابو درداء [illegible] گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم دعوة المرء المسلم لأخيه بظهر

صلى الله عليه وسلم دعاء مرد مسلمان [illegible] مر برادر خود را

الغيب مستجابة عند رأسه ملك موكل كلما

مستجاب است نزد سر او فرشته ايست گماشته شده هرگاه

دعا لأخيه بخير قال الملك الموكل به آمين

دعا ميكند [illegible] مر برادر خود را [illegible] فرشته كه گماشته شده [illegible]

ولك بمثل رواه مسلم وعن جابر قال قال

[illegible] روايت كرد اين را مسلم و روايت است از جابر [illegible]

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تدعوا على أنفسكم ولا تدعوا

[illegible] صلى الله عليه وسلم [illegible]

٣٨٧

[illegible]

[illegible]

[illegible] موافق [illegible]

من الله سأله فليسأل حاجته حتى يسأل شسع نعله

از خدا [illegible] سوال کند [illegible]

رواه الترمذي وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از انس که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم الدعاء مخ العبادة رواه الترمذي

علیه وسلم دعا مغز عبادت است روایت کرد آن را ترمذی

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ليس شيء أكرم على الله من الدعاء رواه

علیه وسلم نیست هیچ چیز گرامی‌تر نزد خدا از دعا روایت

الترمذي وابن ماجه وعن سلمان الفارسي قال

الترمذی و ابن ماجه و روایت است از سلمان الفارسی که

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يرد القضاء إلا الدعاء

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم رد نمی‌کند قضا را مگر دعا

ولا يزيد في العمر إلا البر رواه الترمذي

و زیاده [illegible] رواه الترمذی [illegible]

وعن ابن عمر رضـ قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ان الدعاء ينفع مما نزل ومما لم

علیه وسلم دعا سود میدهد از آنچه که فرود آمده است از بلا

ينزل فعليكم عباد الله بالدعاء رواه الترمذي

و از آنچه فرود نیامده است پس بر شما باد ای بندگان خدا بدعا رواه الترمذی

وعن ابن مسعود رضـ قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابن مسعود رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم سلوا الله من فضله فان الله يحب ان

علیه وسلم سؤال کنید خدا تعالی را از فضل و کرم وی زیرا که خدا تعالی دوست

يسئل وافضل العبادة انتظار الفرج رواه

میدارد که سؤال کرده شود و افزونترین عبادتها انتظار کشیدن کشایش است رواه

الترمذي وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله

الترمذی در روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من لم يسئل الله يغضب عليه رواه الترمذي وعن

علیه وسلم کسی که سؤال نکند و نخواهد از خدا خشم میگیرد حق تعالی بر وی رواه الترمذی

ابن عمر رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من فتح له

در روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسی که کشاده شود برای وی

منكم باب الدعاء فتحت له ابواب الرحمة وما سئل الله

از شما در دعا کشاده شود برای وی درهای رحمت و سؤال کرده نشد از خدا تعالی

شيئا يعني احب اليه من ان يسئل العافية رواه الترمذي وعن

چیزی که محبوبتر نزد وی تعالی از سؤال کردن عافیت رواه الترمذی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سره ان يستجيب

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه شاد گرداند او را که اجابت کند

الله له عند الشدائد فليكثر الدعاء في الرخاء رواه الترمذي

خدا تعالی دعای او را نزد بلاهای سخت پس باید که بسیار کند دعا را در نرمی رواه الترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ادعوا الله

و هم از وی است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعا کنید خدا را

وانتم موقنون بالاجابة واعلموا ان الله لا يستجيب

و حال آنکه شما یقین کنندگانید باجابت و بدانید که خدا تعالی قبول نمی کند

دعاء من قلب غافل لاه رواه الترمذي وعن

دعا را از دل بیخبر بازی کننده مشغول بغیر حق رواه الترمذی و روایت است از

مالك بن يسار رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مالک بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا سألتم الله فاسئلوه ببطون اكفكم ولا تسئلوه

چون سوال کنید از خدا پس سوال کنید او را بباطن کفهای دست خود و سوال مکنید او را

بظهورها وفي رواية ابن عباس قال سلوا الله ببطون

به پشتهای کف دست و در روایت ابن عباس رض گفت آنحضرت سوال کنید از خدا بباطن

اكفكم ولا تسئلوه بظهورها فاذا فرغتم فامسحوا بها

کفهای دست شما و سوال مکنید او را بپشتهای کفهای دست خود پس چون فارغ شوید دست مالید بانها

وجوهكم رواه ابو داود وعن سلمان رض قال قال

رویهای خود را رواه ابو داود و روایت است از سلمان رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان ربكم حيي كريم يستحيي

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه پروردگار شما صاحب حیا کریم است شرم دارد

مِن عَبدِهٖ اِذَا رَفَعَ یَدَیهِ اِلَیهِ اَن یَرُدَّهُمَا صِفرًا رَوَاہُ التِّرمِذِیُّ

از بندہ خود آنکہ دارد ہر دو دست خود بسوی پروردگار کہ باز گرداند دستہا بندہ را خالی رواہ الترمذی

وَاَبُودَاوٗدَ وَالبَیہَقِیُّ فِی الدَّعوَاتِ الکَبِیرِ وَعَن عُمَرَ رض

و ابوداود و بیہقی در دعوات کبیر و روایت است از عمر رض

قَالَ کَانَ رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَسَلَّمَ اِذَا رَفَعَ یَدَیہِ

گفت بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چون بر میداشت ہر دو دست خود را

فِی الدُّعَاءِ لَم یَحُطَّہُمَا حَتّٰی یَمسَحَ بِہِمَا وَجہَہٗ رَوَاہُ

در دعا فرود نمی آورد ہر دو دست خود را تا آنکہ مسح میکرد بآنہا روی مبارک خود را رواہ

التِّرمِذِیُّ وَعَن اَبِی ہُرَیرَۃَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰہِ

الترمذی و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَۃٌ لَا تُرَدُّ دَعوَتُہُمُ الصَّائِمُ

صلی اللہ علیہ وسلم سہ کس اند کہ رد کردہ نمیشود دعا ایشان یکے از ان روزہ دار است

حِینَ یُفطِرُ وَالاِمَامُ العَادِلُ وَدَعوَۃُ المَظلُومِ یَرفَعُہَا

در ہنگامیکہ افطار میکند دوم بادشاہ عادل سوم دعاے ستم رسیدہ بر میدارد دعا مظلوم را

اللّٰہُ فَوقَ الغَمَامِ وَتُفتَحُ لَہَا اَبوَابُ السَّمَاءِ وَیَقُولُ الرَّبُّ

خدا تعالے بالاے ابر و کشادہ می شود براے وے درہای آسمان و میگوید پروردگار

وَعِزَّتِی لَاَنصُرَنَّکَ وَلَو بَعدَ حِینٍ رَوَاہُ التِّرمِذِیُّ

سوگند بہ بزرگی من کہ ہر آئینہ یاری میدہم ترا اگرچہ باشد پس از روزگارے رواہ الترمذی

وَعَنہُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَسَلَّمَ ثَلٰثُ

و وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

دَعَوَاتٍ مُستَجَابَاتٌ لَا شَکَّ فِیہِنَّ دَعوَۃُ الوَالِدِ وَدَعوَۃُ

... نیست شک در اجابت آن سہ اول دعا کردن پدر فرزند را دوم دعا

الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ

مسافر برائے خود یا برائے غیر وسوم دعاء ستم رسیدہ رواہ الترمذی و ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وابن ماجہ وروایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَسْأَلْ أَحَدُكُمْ رَبَّهُ حَاجَتَهُ كُلَّهَا حَتَّى يَسْأَلَ

علیہ وسلم باید کہ بخواہد یکے از شما از پروردگار خود حاجت خود را ہمہ ہا تا آنکہ بخواہد

شِسْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ زَادَ فِي رِوَايَةٍ عَنْ ثَابِتٍ الْبُنَانِيِّ

دوال نعل خود چون شکستہ گردد زیادہ کردہ است راوی در روایتے از ثابت بنانی

مُرْسَلًا حَتَّى يَسْأَلَهُ الْمِلْحَ وَحَتَّى يَسْأَلَهُ شِسْعَهُ إِذَا انْقَطَعَ

بطریق ارسال این عبارت کہ تا آنکہ سوال کند از وے نمک را و تا آنکہ سوال کند از وے دوال نعل چون شکستہ شود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواہ الترمذی وروایت است از ابی بن کعب رض گفت بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ذَكَرَ أَحَدًا فَدَعَا لَهُ بَدَأَ بِنَفْسِهِ

صلی اللہ علیہ وسلم چون یاد میکرد کسے را پس دعا میکرد او را آغاز میکرد بدعا برائے خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ مَا

رواہ الترمذی وروایت است از ابی سعید الخدری رض گفت نیست

مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيعَةُ رَحِمٍ

ہیچ مسلمانے کہ دعا کند بدعائیکہ نیست در آن دعا بزہ و نہ بریدن خویشی

إِلَّا أَعْطَاهُ اللّٰهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ

مگر آنکہ بدہد او را خدا بسبب آن دعا یکے از سہ خصلت یا آنکہ شتابی کند برائے او اجابت

وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ

و یا آنکہ نگاہ میدارد دعا او را برائے او در آخرت و یا آنکہ برمیگرداند از وے

مِنَ السُّوْءِ مِثْلَهَا قَالُوْا إِذًا نُكْثِرُ قَالَ اللهُ تَعَالَى أَكْثَرُ

از بدی مانند دعای که کرده است گفتند صحابه اکنون که دانستیم که دعا البته مستجاب است بسیار میکنیم دعا را

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ

روایة احمد و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَمْسُ دَعَوَاتٍ يُسْتَجَابُ لَهُنَّ

صلی الله علیه وسلم فرمود پنج دعا است قبول کرده میشود مر آنها را

دَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ حَتّٰى يَنْتَصِرَ وَدَعْوَةُ الْحَاجِّ حَتّٰى

یکی دعا ستم رسیده تا آنکه انتقام میکشد حق تعالی از ستم کننده دوم دعا قصد کننده حج بیت الله تا آنکه

يَصْدُرَ وَدَعْوَةُ الْمُجَاهِدِ حَتّٰى يَقْفُدَ وَدَعْوَةُ الْمَرِيْضِ

رجوع کند و سوم دعا جهاد کننده تا آنکه گم میکند اسباب و آلات یعنی فارغ میگردد از جهاد و چهارم دعای بیمار

حَتّٰى يَبْرَأَ وَدَعْوَةُ الْأَخِ لِأَخِيْهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ

تا آنکه به میگردد و پنجم دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر غائبانه باز فرمود

وَأَسْرَعُ هٰذِهِ الدَّعَوَاتِ إِجَابَةً دَعْوَةُ الْأَخِ لِأَخِيْهِ بِظَهْرِ

و زود تر این دعا با لقبول دعای برادر مسلمان برای مسلمان دیگر است غائبانه

الْغَيْبِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ

روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از انس رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ دَعَا بِمِائَةِ دَعْوَةٍ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر دعا میکرد صد بار

فَتَحَهَا وَخَتَمَهَا وَتَوَسَّطَهَا بِرَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

شروع میکرد دعا را و ختم میکرد آن دعا را و در میان آن دعا میگفت باین دعا که ربنا آتنا فی الدنیا حسنة

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ابن النجار جمع الجوامع

و فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار رواه ابن النجار در جمع الجوامع

[illegible]

۱۴ [illegible]

بَابُ ذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّقَرُّبُ

باب ست در ذکر خدای عزیز و جلیل و نزدیکی جستن

فَاذْكُرُونِيٓ أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ○

بسوی او پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس گوئید مرا و ناسپاسی مکنید مرا

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ

آنانکه ایمان آوردند و آنانکه آرام می گیرند دلهای ایشان بیاد خدا

اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ ○ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

آگاه شو بیاد خدا آرام می گیرند دلها آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ

و کارهای نیک کردند خوشی باشد ایشان را و بهتر ست

[illegible]

[illegible]

مآب ○ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا

جایگاه و هرکه غافل شود از یاد خدا بر گماریم برای او شیطان

فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ○ اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ

پس آن شیطان او را همنشین بود آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند آنکه خوی کرده باشند دلها

لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی آن و روایت است از ابی هریره رض

وَاَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از ابی سعید گفتند هر دو که فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم

لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

نه نشینند ایچ گروهی درحالیکه ذکر میکنند خدا را مگر آنکه احاطه میکنند ایشان را ملائکه

وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَ

و می پوشد ایشان را انوار رحمت فرود می آید برایشان آسایش و

ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یاد میکند ایشان را خدای تعالی در آن جماعت که نزد او ست روایه مسلم و روایت ست از

اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

مَثَلُ الَّذِيْ يَذْكُرُ رَبَّهٗ وَالَّذِيْ لَا يَذْكُرُ رَبَّهٗ مَثَلُ

حال آن کسی که یاد میکند پروردگار خود را و آنکسی که یاد نکند پروردگار خود را حال او مثل

الْحَيِّ الْمَيِّتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ

زنده مرده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم که فرماید خدای تعالی

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَأَزِيدُ وَمَنْ جَاءَ

کسیکه بیارد نیکی را یعنی عمل نیک کند پس مر او راست ده چندان آن ثواب و بیشتر هم میدهم و کسیکه بیارد

بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِثْلُهَا أَوْ أَغْفِرُ وَمَنْ تَقَرَّبَ

بدی را یعنی عمل بد کند پس پاداش بدی مانند او ست یعنی یک بدی یا می آمرزم و کسیکه نزدیکی جوید

مِنِّي شِبْرًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا وَمَنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا

از من مقدار یک شبر نزدیکی جویم من بسوی او مقدار یک ذراع و کسیکه نزدیکی جوید بسوی من یک ذراع

تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا وَمَنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً

نزدیکی جویم بسوی وی مقدار یک باع و کسیکه بیاید مرا روان می آیم او را دوان

وَمَنْ لَقِيَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطِيئَةً لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا

و کسیکه پیش آید مرا بمقدار زمین و پری آن از روی گناهان که شریک کرده باشد بمن چیزی را

لَقِيتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

پیش می آیم او را بمانند آن از روی آمرزیدن رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه الله

تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ

تعالی گفت کسیکه دشمن دارد دوستی را از دوستان من پس اذن دهم او را بجنگ

وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ

و نزدیکی نجست بسوی من بنده من بهیچ چیزی که محبوب تر ست بسوی من از چیزی که فرض گردانیدم

عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ

بر وی و همیشه است بنده من که نزدیکی جوید بسوی من بنوافل تا آنکه دوست دارم او را

فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ فَكُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ

پس چون دوست میدارم او را پس میباشم من شنوائی او که می شنود از آن و بینائی او

الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي

که می بیند بآن و میباشم دست آن که میگیرد بآن و میباشم پای وے که

يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لَأُعْطِيَنَّهُ وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي

راه میرود بآن و اگر سوال کند از من ہر آئینہ میدہم اورا مطلوب او را و اگر پناہ جوید آن بندہ از من

لَأُعِيذَنَّهُ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِي[1]

ہر آئینہ پناہ میدہم او را و توقف نمی کنم در چیزے کہ من کنندۂ آنم ہمچو تردد من

عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَلَا بُدَّ

از قبض کردن جان مؤمن کہ ناخوش مے دارد مؤمن مرگ را و من ناخوش دارم اندوہگین کردن او را و چارہ

لَهُ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

او را از مرگ رواہ البخاری و ہم از وی مرویست رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مر خدای را فرشتگانند کہ میگردند در راہہا و گرد خانہا

يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ

میجویند خداوندان ذکر را پس چون می یابند گروہے را کہ ذکر میکنند خدا را

تَنَادَوْا هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ قَالَ فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى

آواز میدہند یکدیگر را و میگویند بیائید بسوی حاجت خود گفت آنحضرت پس گرد آگرد میکنند اہل ذکر را ببالہای خود

السَّمَاءِ الدُّنْيَا قَالَ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ مَا يَقُولُ

تا آسمان دنیا گفت آنحضرت پس مے پرسد فرشتگان را رب ایشان حال آنکہ وی تعالیٰ داناتر است کہ چہ میگویند

عِبَادِي قَالُوا يَقُولُونَ يُسَبِّحُونَكَ وَيُكَبِّرُونَكَ وَيَحْمَدُونَكَ

بندگان من میگویند فرشتگان کہ بپاکی یاد میکنند ترا و بزرگی میکنند ترا و ثنا می گویند ترا

وَيُمَجِّدُونَكَ قَالَ فَيَقُولُ هَلْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ لَا

و عظمت می کنند ترا گفت آنحضرت پس میگوید پروردگار آیا دیدہ اند مرا گفت آنحضرت پس میگویند فرشتگان

[1] یعنی بن حجرت مجتبیٰ کہ بہ بندۂ خود دارم تردد نمی کنم در ہیچ چیز بدین سبب کہ او ناخوش می آید و ما را از مرگ او چارہ نیست و البتہ باید مرد و آن نیز موصل است بکرامات و درجات عالی کہ مقصود جناب قرب بار عنوانیست ۱۲

وَاللّٰهِ مَا رَأَوْكَ قَالَ فَيَقُولُ كَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ

سوگند بخدا ندیده اند ترا گفت آنحضرت پس میگوید حق تعالی چگونه می بود حال ایشان اگر میدیدند مرا گفت آنحضرت پس میگویند

لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا

اگر می دیدند ترا می بودند سخت تر در عبادت کردن مر ترا و سخت تر در تعظیم کردن مر ترا

وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا قَالَ فَيَقُولُ فَمَا يَسْأَلُونَ قَالُوا يَسْأَلُونَكَ

و بیشتر در تسبیح کردن مر ترا گفت آنحضرت پس میگوید حق تعالی پس چه چیز میخواهند میگویند فرشتگان میخواهند از تو

الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَا وَاللّٰهِ

بهشت را گفت آنحضرت میگوید حق تعالی آیا دیده اند بهشت را گفت آنحضرت میگویند فرشتگان نه سوگند بخدا

يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

ای پروردگار ندیده اند گفت آنحضرت میگوید حق تعالی پس چگونه بود اگر میدیدند بهشت را گفت آنحضرت میگویند

لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا وَأَشَدَّ لَهَا

اگر میدیدند بهشت را می بودند سخت تر از روی حرص کردن در آن و می بودند سخت تر از روی طلب

طَلَبًا وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً قَالَ فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ قَالَ

و می بودند بزرگتر از روی رغبت کردن در آن میگوید حق تعالی پس از چه چیز پناه میجویند گفت آنحضرت

يَقُولُونَ مِنَ النَّارِ قَالَ يَقُولُ فَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

میگویند فرشتگان پناه میجویند از آتش دوزخ گفت میگوید حق تعالی آیا دیده اند دوزخ را گفت میگویند فرشتگان

لَا وَاللّٰهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ

سوگند بخدا ندیده اند او را ای پروردگار میگوید حق تعالی چه حال باشد اگر میدیدند گفت

يَقُولُونَ لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا وَأَشَدَّ لَهَا

میگویند فرشتگان اگر میدیدند آتش را می بودند سخت تر از روی گریختن از آن و می بودند سخت تر

مَخَافَةً قَالَ فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ

از روی ترسیدن مر آن را گفت پس میگوید حق تعالی پس گواه میگیرم شما را بدرستیکه آمرزیدم ایشان را گفت

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِيهِمْ فُلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ إِنَّمَا جَاءَ

ميگويد فرشته از فرشتگان كه در ايشان فلانست كه نيست از ايشان كه نيامده است مگر

لِحَاجَةٍ قَالَ هُمُ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى جَلِيسُهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

از جهت كار ديگر گفت خداى تعالى اين قوم همنشينان اند بدبخت نمى شود همنشين ايشان رواه البخارى

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ بُسْرٍ رض قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ

وروايت است از عبد الله بن بسر رض گفت آمد باديه نشينى نزد پيغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ فَقَالَ طُوبَى

صلى الله عليه وسلم پس گفت كدام از مردمان بهتر است پس گفت آنحضرت خوشى باد

لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ

مر كسى را كه دراز شد عمر وى ونيك شد كردار وى گفت آن اعرابى يا رسول الله كدام عملها است

أَفْضَلُ قَالَ أَنْ تُفَارِقَ الدُّنْيَا وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ

كه زياده تر است ثواب آن گفت آنحضرت اينست كه جدا شوى دنيا را وميرى درحاليكه زبان تو تر بود از ذكر

اللهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

خدا رواه احمد والترمذى وروايت است از ابى هريره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ قَوْمٍ يَقُومُونَ

آنحضرت صلى الله عليه وسلم نيست هيچ گروهى كه برخيزند

مِنْ مَجْلِسٍ لَا يَذْكُرُونَ اللهَ فِيهِ إِلَّا قَامُوا عَنْ مِثْلِ

از مجلس وذكر نكنند خدا را در آن مجلس مگر آنكه برخيزند از مانند

جِيفَةِ حِمَارٍ وَكَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

مردار خر وباشد بر ايشان موجب حسرت رواه احمد وابو داود

وَعَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

وروايت است از ام حبيبه رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ كَلَامِ ابْنِ آدَمَ عَلَيْهِ لَا لَهُ إِلَّا أَمْرٌ

علیه وسلم هر سخن آدمی زیانست بروے نه سودی مراورا مگر امر کردن کسی را

بِمَعْرُوْفٍ أَوْ نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذِكْرُ اللهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

با مر مشروع یا باز داشتن از نامشروع یا ذکر خدا تعالی رواه الترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

و ابن ماجه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللهِ فَإِنَّ

الله علیه وسلم بسیار مگویید سخن را بے ذکر خدا پس تحقیق

كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ وَإِنَّ أَبْعَدَ

بسیاری سخن بے ذکر خدا سختی است مر دل را و بدرستیکه دورترین

النَّاسِ مِنَ اللهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم از خدا صاحب دل سخت است رواه الترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلشَّيْطَانُ جَاثِمٌ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ فَإِذَا ذَكَرَ اللهَ

شیطان دم نشیننده است بر دل فرزند آدم پس چون ذکر می کند خدا را

خَنَسَ وَإِذَا غَفَلَ وَسْوَسَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيْقًا

جدا میگردد شیطان و چون غافل می شود وسواس میدهد روایت کرد آنرا بخاری بطریق تعلیق

وَعَنْ مَالِكٍ قَالَ بَلَغَنِيْ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از مالک گفت رسید مرا که پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُوْلُ ذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ

علیه وسلم بود که میگفت ذکر کننده خدا در میان غافلان

كَالْمُقَاتِلِ خَلْفَ الْفَارِّيْنَ وَذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِيْنَ كَغُصْنٍ

مانند قتال کننده است از پس گریزندگان و ذکر کننده خدا در میان غافلان همچو شاخ

أَخْضَرَ فِي شَجَرٍ يَابِسٍ وَفِي رِوَايَةٍ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ

سبز است در درخت خشک و در روایتے گفته مانند درخت سبز است

فِي وَسَطِ الشَّجَرِ وَذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِيْنَ مِثْلُ مِصْبَاحٍ

در میان درختان خشک و ذکر کننده خدا در میان غافلان مانند چراغے است

فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُرِيْهِ اللّٰهُ مَقْعَدَهُ

در خانه تاریک و ذکر کننده خدا در میان غافلان مینماید او را خدا جائے نشست او را

مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ حَيٌّ وَذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُغْفَرُ لَهُ

در بهشت و او زنده است و ذکر کننده خدا در میان غافلان آمرزیده می شود او را

بِعَدَدِ كُلِّ فَصِيْحٍ وَأَعْجَمَ وَالْفَصِيْحُ بَنُوْ اٰدَمَ وَالْأَعْجَمُ

گناهان بشمار هر گویا و ناگویا مراد بفصیح آدمیان اند و مراد باعجم

الْبَهَائِمُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

چهار پایها اند رواه رزین و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَقُوْلُ أَنَا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی می گوید من

مَعَ عَبْدِيْ إِذَا ذَكَرَنِيْ وَتَحَرَّكَتْ بِيْ شَفَتَاهُ رَوَاهُ

با بنده خودم برحمت و اعانت وقتیکه ذکر میکند مرا و می جنبانند بذکر من هر دو لب خود را روا

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

البخاری و روایت است از عبد الله بن عمر رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ لِكُلِّ شَيْءٍ صِقَالَةٌ وَصِقَالَةُ

علیه وسلم که آنحضرت بود که میگفت مر هر چیز را که زنگ میگیرد مصقله است و مصقله

بیچ جماعت می خشند ازینجا بیدار بیان شبیه قتال [illegible] تفضیل [illegible] جماعت [illegible] با یقینی [illegible]

الْقُلُوبِ ذِكْرُ اللّٰهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ اَنْجٰى مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ

دلہا ذکر خدا است ونیست ہیچ چیزی نجات دہندہ تر از عذاب خدا

مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ قَالُوْا وَلَا الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَالَ وَلَا

از ذکر خدایتعالیٰ گفتند صحابہ ونہ جہاد کردن در راہ خدا گفت آنحضرت ونہ اینکہ

اَنْ يَضْرِبَ بِسَيْفِهٖ حَتّٰى يَنْقَطِعَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

کارزار کند بشمشیر خود تا آنکہ منقطع شود یعنی شکستہ شود رواہ البیہقی

فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ

در دعوات الکبیر

بَابُ اَسْمَاءِ اللّٰهِ الْحُسْنٰى

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

اوست آنخدا کہ نیست ہیچ معبود مگر او داننده نہان و آشکارا

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۝ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

اوست بخشایندہ مہربان اوست آنخدا کہ نیست ہیچ معبود مگر او

اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ

پادشاہ نہایت پاک سلامت از ہمہ عیبہا امن دہندہ نگاہبان غالب

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝ هُوَ اللّٰهُ

اصلاح کنندہ کار بندہا بزرگوار پاکی خدا راست از شرک مقرر کردن ایشان اوست خدا

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ

آفریدگار پدید آرندہ نگار دارندہ او راست نامہای نیک بپاکی یاد میکنند

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝

او را ہرچہ در آسمانہا و زمین است واوست غالب باحکمت

[illegible]

اللہ نام موجود حق جامع صفات [illegible]

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِيْنَ

وخدا یراست نامهای نیک پس بخوانید او را بآن نامها و بگذارید آنان

يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

که کجروی میکنند در نامهای خدا داده خواهد شد سزا ایشان را جزا آنچه میکردند

اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۸

آنخدا یکه نیست هیچ معبود مگر او مر او راست نامهای نیک

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تِسْعَةً وَّتِسْعِيْنَ اِسْمًا

الله علیه وسلم بدرستیکه خدا یتعالی را نود و نه نام است

۴۰۳

[illegible]

مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

کسیکه یاد گیرد آن اسما را در آید بهشت، اوست خدا ئے که نیست هیچ معبود مگر اوست

اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ

این دو اسم مشتق از رحمت اند و رحمن ابلغ | پادشاه حقیقی | نهایت پاک | سالم از همه عیبها

اَلْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

امن دهنده | نگاهبان | غالب | اصلاح کننده کارهای بندگان را | بزرگوار

اَلْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ

آفریدگار | نو پیدا آرنده | صورت دهنده در ارحام | آمرزنده گناهان | غالب شکننده پشت

اَلْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيْمُ الْقَابِضُ

عطا کننده | رزق دهنده | کشاینده درهای رحمت | عالم است به آشکار و نهان | قبض و تنگی کننده

اَلْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ

بسط و فراخی کننده | فرود آرنده کافران را | بردارنده مومنان را | عزیز گرداننده | ذلیل گرداننده

اَلسَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيْفُ

شنوا است نه بگوش | و بینا است نه بچشم | حاکم | داد دهنده | لطیف و نرمی کننده

اَلْخَبِيْرُ الْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ الْغَفُوْرُ الشَّكُوْرُ

خبردار | بردبار | بزرگ | بخشنده گناهان را | ثواب جزیل دهنده

اَلْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ الْحَفِيْظُ الْمُقِيْتُ الْحَسِيْبُ

بلندتر از همه | مرتبه بزرگ | نگاه دارنده | خالق اقوات و رساننده آن | کافی

اَلْجَلِيْلُ الْكَرِيْمُ الرَّقِيْبُ الْمُجِيْبُ الْوَاسِعُ

بزرگ قدر | بزرگ و عزیز | نگاهبان | اجابت کننده دعا | کشادگی دهنده

اَلْحَكِيْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِيْدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيْدُ الْحَقُّ

صاحب حکمت | دوست دارنده | بسیار بزرگ | برانگیزنده مرده ها را از گورها | حاضر یا گواه بر ظاهر و باطن | ثابت

[illegible]

الوكيل	القوي	المتين	الولي	الحميد
وکیل کہ زمام تفویض بدست اوست	توانا	استوار	محب	ستوده
المحصي	المبدئ	المعيد	المحيي	المميت
داننده شمار اشیاء	ابتدا کننده	اعاده کننده	زنده کننده	میراننده
الحي	القيوم	الواجد	الماجد	الواحد
زنده ازلی	قائم بذات خود	واجب الوجود	بمعنی مجید	یکتا بذات خود
الاحد	الصمد	القادر	المقتدر	المقدم
یکے بصفات خود	بے نیاز و منزه	صاحب قدرت	صاحب اقتدار	پیشرو کننده
المؤخر	الاول	الآخر	الظاهر	الباطن
پس کننده	اول ازلی	آخر ابدی	ظاهر وجود او بآیات	و از نظر پوشیده باطن
الوالي	المتعالي	البر	التواب	المنتقم
یاری کننده	بلند قدر	نکوئی کننده	رجوع برحمت کننده	پاداش کننده
العفو	الرؤف	مالك الملك	ذو الجلال والاكرام	
درگذرنده از سیئات	احسان کننده	نافذ است حکم او در مملکت	صاحب جلال و صاحب کرامت	
المقسط	الجامع	الغني	المغني	المعطي
عادل	جمع کننده خلق را	بے نیاز	بے نیاز کننده	عطا کننده
المانع	الضار	النافع	النور	الهادي
منع کننده	خالق ضرر	خالق نفع	منور	هدایت کننده
البديع	الباقي	الوارث	الرشيد	الصبور
بے مثل و بے مانند	دائم الوجود	باقی بعد فنائے موجودات	ارشاد دهنده	شکیبائی کننده

رواه الترمذي والبيهقي في الدعوات الكبير

روا الترمذی و بیهقی در دعوات الکبیر

[illegible]

وعن اسماء بنت یزید ان النبی صلی الله علیه

روایت است از اسماء بنت یزید بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال اسم الله الاعظم فی هاتین الآیتین والٰهکم

وسلم گفت اسم اعظم درین دو آیت است یکی اینست که الٰهکم

اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم وفاتحة آل عمران

اله واحد تا آخر و دراول سورهٔ آل عمران که اینست

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم رواه الترمذی

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم رواه الترمذی

وابوداود وابن ماجة والدارمی وعن سعد رض

وابوداود وابن ماجه والدارمی و روایت است از سعد رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعاے

ذی النون اذا دعا ربه وهو فی بطن الحوت

یونس علیه السلام وقتیکه دعا کرد پروردگار خود را و حال آنکه وے در شکم ماهی بود

لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین

لا اله الا انت تا آخر است

لم یدع بها رجل مسلم فی شیء الا استجاب له

دعا نکرد بوے هیچ مرد مسلمان در هیچ چیز مگر آنکه قبول کرد خدا تعالی دعا او را

رواه احمد والترمذی وعن جابر رض قال قال

رواه احمد والترمذی و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم من قال سبحان الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر کسے که بگوید سبحان الله

الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ غُرِسَتْ لَهٗ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ
العظیم وبحمده نشانده شود برای وی درخت خرما در بهشت روایه
التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الزُّبَيْرِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
الترمذی و روایت است از زبیر رض گفت فرمود آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا
الله علیه وسلم نیست هیچ صباحی که صبح میکنند در وی بندگان مگر آنکه
مُنَادٍ يُنَادِيْ سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوْسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
آواز کننده یعنی فرشته آواز میکند تسبیح و تنزیه کنید خدا را که پادشاه مالک الملک پاک از جمیع نقائص است
وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ نِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
و روایت است از ابی سعید الخدری رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مُوْسٰى يَا رَبِّ عَلِّمْنِيْ شَيْئًا
صلی الله علیه وسلم گفت موسی علیه السلام ای پروردگار من بیاموز مرا چیزی
اَذْكُرُكَ بِهٖ اَوْ اَدْعُوْكَ بِهٖ فَقَالَ يَا مُوْسٰى قُلْ لَا اِلٰهَ
که ذکر کنم ترا بدان چیز یا بخوانم ترا بآن چیز شک راوی است پس فرمود حق تعالی ای موسی بگو لا اله
اِلَّا اللّٰهُ فَقَالَ يَا رَبِّ كُلُّ عِبَادِكَ يَقُوْلُ هٰذَا اِنَّمَا اُرِيْدُ
الا الله پس گفت موسی ای پروردگار من هر بنده تو میگوید این را میخواهم من
شَيْئًا تَخُصُّنِيْ بِهٖ قَالَ يَا مُوْسٰى لَوْ اَنَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعَ
چیزی را که مخصوص و ممتاز گردانی تو مرا بدان چیز گفت حق تعالی ای موسی اگر ثابت شود که
وَعَامِرَهُنَّ غَيْرِيْ وَالْاَرَضِيْنَ السَّبْعَ وُضِعْنَ فِيْ كِفَّةٍ
و آباد دارندگان آنها جز من یعنی عامه اهل آسمان و هفت زمین نهاده شوند در یک
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِيْ كِفَّةٍ لَمَالَتْ بِهِنَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ
و نهاده شود لا اله الا الله در پله دیگر از ترازو هر آئینه میل میکند کفه لا اله الا الله و راجح می آید روایت کرد آن را

باب ثواب التسبیح والتحمید والتکبیر والتہلیل

یسبح للّٰہ ما فی السمٰوات وما فی الارض الملک
بپاکی یاد میکند خدا را ہر آنچہ در آسمان ہاست و آنچہ در زمین است خدا است پادشاہ
القدوس العزیز الحکیم ۰ فسبح باسم ربک العظیم
نہایت پاک غالب باحکمت پس بپاکی یاد کن نام پروردگار بزرگ خود را
تسبح لہ السمٰوات السبع والارض ومن فیھن وان
بپاکی یاد میکنند او را آسمانہائے ہفتگانہ و زمین و ہر کہ درمیان اینہا است و نیست
من شیء الا یسبح بحمدہ ولکن لا تفقھون تسبیحھم
ہیچ چیز مگر بپاکی یاد میکند باستایش او ولیکن شما فہم نمی کنید یاد کردن ایشان را
انہ کان حلیما غفورا عن ابی ھریرۃ رض قال
ہر آئینہ وے ہست بردبار آمرزگار روایت است از ابی ہریرہ رض گفت
قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم لان اقول سبحان اللّٰہ
فرمود آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم ہر آئینہ گفتن این چہار کلمہ را
والحمد للّٰہ ولا الہ الا اللّٰہ واللّٰہ اکبر احب الی مما
دوست داشتہ شدہ تر است بسوی من از آنچہ
طلعت علیہ الشمس رواہ مسلم وعنہ قال قال
کہ بر آمدہ است بروے آفتاب یعنی از دنیا و ما فیہا روایت کرد او را مسلم و ہم از وی مرویست گفت فرمود
رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم من قال سبحان اللّٰہ
آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم کسیکہ بگوید این دو کلمہ را
وبحمدہ فی یوم مائۃ مرۃ حطت خطایاہ وان کانت
در روزے صد بار انگیزہ شود و کم کردہ شود گناہان او و اگرچہ باشند گناہان او

مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مانند کف دریا در کثرت متفق علیه و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَتَانِ خَفِيْفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ

صلے اللہ علیہ وسلم دو کلمہ اند سبک بر زبان

ثَقِيْلَتَانِ فِي الْمِيْزَانِ حَبِيْبَتَانِ اِلَى الرَّحْمٰنِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

گران در میزان اعمال محبوب اند بسوے رحمن و آن سبحان اللہ

وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

و بحمدہ سبحان اللہ العظیم است متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسے کہ بگوید این کلمہ را

وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيْرٌ فِيْ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهٗ عَدْلَ عَشْرِ

در روز صد بار باشد مر او را برابر ثواب دہ بردہ

رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهٗ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ

کہ آزاد کردہ باشد و نوشتہ شود برائے وے صد نیکی و محو کردہ شود از وے صد بدی

وَكَانَتْ لَهٗ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهٗ ذٰلِكَ حَتّٰى يُمْسِيَ

و باشد این کلمات مر او را پناہ از شیطان و شر وے در آن روز کہ گفتہ است تا آنکہ شبانگاہ کند

وَلَمْ يَأْتِ اَحَدٌ بِاَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهٖ اِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ اَكْثَرَ

و نیارد ہیچ یکے عمل فاضلتر از آنچہ آوردہ است او مگر مردے کہ عمل کرد بیشتر

مِنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ رض عَنْ اَبِيْهِ

از آنچہ کہ او کردہ است متفق علیہ و روایت است از عمرو بن شعیب رض از پدر خود

عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

واو از جد عمرو گفت عمرو فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پاکی یاد کند

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ

خدا را و بگوید سبحان الله صد بار در صبح و صد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه حج گذارده است صد

حَجَّةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ

حج و کسیکه حمد گوید خدا را و بگوید الحمد لله صد بار در بامداد و صد بار در شبانگاه

كَانَ كَمَنْ حَمَلَ عَلٰى مِائَةِ فَرَسٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَنْ هَلَّلَ

باشد همچو کسیکه سوار کرده است مردم را بر صد اسب در راه خدا و کسیکه تهلیل کند و بگوید لا اله الا الله

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ

صد بار در بامداد و صد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه آزاد کرده باشد

مِائَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيْلَ وَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ مِائَةً

صد برده را از اولاد اسمعیل و کسیکه به بزرگی یاد کند خدا را و بگوید الله اکبر صد بار

بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ لَمْ يَأْتِ فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ

در بامداد و صد بار در شبانگاه نیارد در این روز هیچ یکی عمل

أَحَدٌ بِأَكْثَرَ مِمَّا أَتٰى بِهٖ إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ ذٰلِكَ أَوْ

بیشتر از آنچه آورده است مگر آنکس آنرا که گفته است مثل آن یا

زَادَ عَلٰى مَا قَالَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ يُسَيْرَةَ

زیاده کرده است بر آنچه گفته است روایت کرد آنرا ترمذی و روایت است از یسیره رضی الله عنها

وَكَانَتْ مِنَ الْمُهَاجِرَاتِ قَالَتْ قَالَ لَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و بود از کسانیکه هجرت کرده بودند گفت فرمود مارا آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُنَّ بِالتَّسْبِيْحِ وَالتَّهْلِيْلِ وَالتَّقْدِيْسِ

الله علیه وسلم بر شما باد ای جماعه زنان که یاد کنید خدا را بسبحان الله و بلا اله الا الله و بگفتن سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة والروح

وَاعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ

وعقد کنید و گره بندید بسر انگشتان زیرا که بدرستے که انامل و اصابع پرسیده می شوند روز قیامت

وَلَا تَغْفُلْنَ فَتَنْسَيْنَ الرَّحْمَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ

و غافل مباشید از زبان از ذکر خدا پس فراموش کرده شوید و محروم گردانیده شوید از رحمت رواه الترمذی و ابو داود

وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ يَابِسَةِ الْوَرَقِ فَضَرَبَهَا بِعَصَاهُ

گذشت بر درخت خشک برگها پس زد آن درخت را بچوبے که در دست آنحضرت بود

فَتَنَاثَرَ الْوَرَقُ فَقَالَ إِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

پس افتادند برگها پس گفت آنحضرت که این کلمات

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ لَتُسَاقِطُ ذُنُوبَ الْعَبْدِ كَمَا

می افگنند گناهان بنده را چنانکه

يَتَسَاقَطُ وَرَقُ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

میریزد برگهاے این درخت رواه الترمذے

وَعَنْ مَكْحُولٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از مکحول رض از ابی هریره رض گفت ابوهریره فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

صلی الله علیه وسلم مرا که بسیار گو لاحول ولا قوة

إِلَّا بِاللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ قَالَ مَكْحُولٌ فَمَنْ قَالَ لَا حَوْلَ

الا بالله پس زیرا که آن کلمات از گنج بهشت است گفت مکحول پس کسیکه گوید لاحول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ كَشَفَ اللّٰهُ عَنْهُ

ولا قوة الا بالله و نیست رستگاری از خدا مگر بسوے او تعالی می کشاید خدا تعالی ازو

سبعين بابًا من الضر أدناها الفقر رواه الترمذي

هفتاد در را از ضرر که ادنای آنها فقر است رواه الترمذی

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم لا حول ولا قوة إلا بالله دواء من تسعة وتسعين

وسلم که این کلمات دوا است از نود و نه

داء أيسرها الهم رواه البيهقي في الدعوات الكبير

درد آسان ترین آن درد ها اندوه است رواه البیهقی در دعوات الکبیر

كتاب الحج

وأتموا الحج والعمرة لله الحج أشهر معلومات

و تمام کنید حج و عمره را برای خدا حج موقت است بماه های دانسته شده

فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال

پس هر که لازم کرد بر خود در این ماه حج را یعنی احرام بست پس نه [illegible] زنان جایز نیست

في الحج وما تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا فإن

در حج و هرچه میکنید از نیکی می داند او را خدا تعالی و توشه همراه گیرید پس هر آینه

خير الزاد التقوى واتقون يا أولي الألباب ولله

بهترین فواید توشه پرهیزگاری است و بترسید از من ای خداوندان خرد و حق خدا

على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا

بر مردمان حج خانه کعبه هر که توانا باشد در رفتن بسوی آن از جهت اسباب راه

ومن كفر فإن الله غني عن العالمين

و هر که کافر شود پس هر آینه خدا بی نیاز است از عالمیان

وعن ابی هریرة رض قال سئل رسول الله صلی الله
وروایت است از ابی هریره رض گفت پرسیده شد آنحضرت صلی الله
علیه وسلم ای العمل افضل قال ایمان بالله ورسوله
علیه وسلم که کدام کار افزون تر است در ثواب فرمود آنحضرت فاضل ترین اعمال ایمان بخدا و رسول
قیل ثم ماذا قال الجهاد فی سبیل الله قیل ثم ماذا
گفته شد پس تر کدام عمل بهتر است فرمود آنحضرت کارزار کردن در راه خدا است گفته شد پس تر کدام عمل
قال حج مبرور متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی الله
فرمود آنحضرت حج مقبول وروایت است ازو گفت فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم من حج لله فلم یرفث ولم یفسق رجع
علیه وسلم کسیکه حج کند برای خدا نه برای ریا وسمعه پس فحش نکند و فسق نورزد باز گردد
کیوم ولدته امه متفق علیه وعنه قال قال
پاک از گناهان همچو پاک بودن او در روزی که زائیده است او را مادر او وهم از وی است گفت فرمود
رسول الله صلی الله علیه وسلم العمرة الی العمرة
آنحضرت صلی الله علیه وسلم عمره تا عمره دیگر
کفارة لما بینهما والحج المبرور لیس له جزاء الا
کفارت است مر گناهان را که واقع شوند میان آن دو عمره وحج مقبول نیست مر او را جزا مگر
الجنة متفق علیه وعن ابن عباس رض قال قال
بهشت متفق علیه وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود
رسول الله صلی الله علیه وسلم ان عمرة فی رمضان
آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بدرستیکه عمره کردن در رمضان
تعدل حجة متفق علیه وعن علی رض قال قال
برابر حج است متفق علیه وروایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ مَلَکَ زَادًا وَرَاحِلَۃً

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ مالک باشد توشہ راہ و اہل عیال سواری

تُبَلِّغُہٗ اِلٰی بَیْتِ اللّٰہِ وَلَمْ یَحُجَّ فَلَا عَلَیْہِ اَنْ یَمُوْتَ یَھُوْدِیًّا

کہ برساند او را تا خانہ خدا و حج نکرد پس نیست تفاوت برو کہ بمیرد کافر یہودی یا

اَوْنَصْرَانِیًّا وَذٰلِکَ اَنَّ اللّٰہَ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی یَقُوْلُ وَلِلّٰہِ

بر دین نصاری و این وعید بجہت آنست کہ خدای تبارک و تعالی میگوید و حق است مر خدا را

عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَیْہِ سَبِیْلًا رَوَاہُ

بر مردم قصد خانہ کعبہ بر ہر کہ میتواند راہ رفتن بسوی وی رواہ

التِّرْمِذِیُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَا صَرُوْرَۃَ فِی الْاِسْلَامِ رَوَاہُ

صلی اللہ علیہ وسلم نمی باید مسلمانرا کہ ترک حج و ترک تزوج کند رواہ

اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْہُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

ابو داود و ہم از وے روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ اَرَادَ الْحَجَّ فَلْیُعَجِّلْ رَوَاہُ اَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِیُّ

علیہ وسلم کسے کہ خواہد حج را و قادر باشد بر ادا پس باید کہ شتابی کند و فرصت غنیمت داند رواہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ

و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَیْہِ وَسَلَّمَ تَابِعُوْا بَیْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَۃِ فَاِنَّھُمَا یَنْفِیَانِ

علیہ وسلم متابعت کنید میان حج و عمرہ یعنی بکنید ہر یکے را بعد از دیگرے پس بدرستیکہ حج و عمرہ دور میکنند

الْفَقْرَ وَالذُّنُوْبَ کَمَا یَنْفِی الْکِیْرُ خَبَثَ الْحَدِیْدِ وَالذَّھَبِ

فقر را و گناہان را چنانکہ دور میکند بہتہای آہنگران ریم و چرک آہن و زر

والفضة وليس للحجة المبرورة ثواب الا الجنة رواه

سیم را ونیست مر حج مبرور را ثواب مگر بهشت رواه

الترمذي والنسائي وعن ابن عباس رض كان اهل

الترمذی والنسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس بودند اهل

اليمن يحجون فلا يتزودون ويقولون نحن المتوكلون

یمن می آمدند بحج پس توشه ئی بر نداشتند و می گفتند ما متوکلانیم

فاذا قدموا مكة سألوا الناس فانزل الله سبحانه

پس وقتیکه می آمدند بمکه سوال میکردند از مردم پس وحی فرستاد خدا تعالی این آیت را

وتزودوا فان خير الزاد التقوى رواه البخاري

یعنی توشه بر دارید و پرهیز کنید از سوال زیرا که تقوی بهترین توشه است رواه البخاری

وعن عائشة رض قلت يا رسول الله على النساء

و روایت است از عائشه رض گفتم ای پیغمبر خدا آیا بر زنان

جهاد قال نعم عليهن جهاد لا قتال فيه الحج والعمرة

جهاد است گفت آنحضرت آری بر زنان جهادی است که نیست قتال در وی و آن حج و عمره است

رواه ابن ماجة وعن ابي امامة رض قال قال

رواه ابن ماجه و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من لم يمنعه من الحج

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه باز ندارد او را از حج

حاجة ظاهرة او سلطان جائر او مرض حابس فلم

حاجتی ظاهر که عادم زاد و راحله است یا قهرمان ستمگر بادشاه یا بیماری بازدارنده یعنی نتواند آن سفر

يحج فليمت ان شاء يهوديا وان شاء نصرانيا

و حج نکرد پس گو بمیرد آنکس اگر خواهد یهودی و اگر خواهد نصرانی

رواه الدارمی وعن ابی هریرة رض عن النبی صلی
رواه الدارمی وروایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی
الله علیه وسلم انه قال الحاج والعمار وفد الله
الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود که حج کنندگان وعمره برآرندگان قدوم آرندگانند وسیدگانند
ان دعوه اجابهم وان استغفروه غفر لهم رواه
اگر دعا میکنند خدا را اجابت میکند ایشان را واگر طلب آمرزش کنند او را آمرزد ایشان را رواه
ابن ماجة وعنه قال سمعت رسول الله صلی الله
ابن ماجه وهم از وی مرویست که گفت ابوهریره شنیدم آنحضرت را صلی الله
علیه وسلم یقول وفد الله ثلثة الغازی والحاج
علیه وسلم که میگفت وفد خدا سه است یکی غازی دوم حج کننده
والمعتمر رواه النسائی والبیهقی فی شعب الایمان
سوم عمره بجا آرنده رواه النسائی والبیهقی در شعب الایمان
وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلی الله علیه
وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم اذا لقیت الحاج فسلم علیه وصافحه ومره
وسلم چون به بینی حاج را پس سلام کن بر وی ودست وی را بگیر وامر کن او را
ان یستغفر لک قبل ان یدخل بیته فانه مغفور له
که طلب آمرزش کند برای تو پیش از آنکه در آید خانه خود را زیرا که وی آمرزیده شده است مر او را
رواه احمد وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله
رواه احمد وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت
صلی الله علیه وسلم من خرج حاجا او معتمرا او غازیا
صلی الله علیه وسلم کسیکه برآمد حج یا عمره یا غزا

ثم مات في طريقه كتب الله له أجر الغازي والحاج

پس اگر مرد در راه آن می نویسد خدا تعالی برای او اجر غزا کننده و حج گذارنده

والمعتمر رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن سهل

و عمره برآرنده روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت است از سهل

بن سعد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

بن سعد ساعدی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مسلم يلبي إلا لبى من عن يمينه وشماله من حجر أو

مسلمانی که تلبیه میکند مگر آنکه تلبیه میکند کسیکه از جانب دست راست اوست و دست چپ او از سنگ یا

شجر أو مدر حتى تنقطع الأرض من ههنا وههنا رواه

درخت یا کلوخ تا آنکه منتهی میشود زمین از اینجا و از اینجا عبارت است از منتهای زمین روایت کرد

الترمذي وابن ماجه وعن عائشة رض قالت إن

ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت عائشه بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما من يوم أكثر

آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ روزی بیشتر

من أن يعتق الله فيه عبدا من النار من يوم عرفة

از آزاد کردن خدا تعالی در آن روز بنده را از آتش دوزخ از روز عرفه

وإنه ليدنو ثم يباهي بهم الملائكة فيقول ما أراد

و بدرستیکه وی تعالی نزدیک میشود برحمت و مغفرت پس مفاخرت میکند به بندگان که حاضر اند بوقوف ملائکه را

هؤلاء رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن

این بندگان من روایت کرد مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب از

أبيه عن جده أن النبي صلى الله عليه وسلم قال

پدر خود و او از جد عمرو بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَخَيْرُ مَا قُلْتُ أَنَا وَالنَّبِيُّوْنَ

بهترین دعاها دعای روز عرفه است و بهترین دعائے و ذکریکه گفتم من و پیغمبرانے

مِنْ قَبْلِي لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ

که پیش از من بوده اند اینست از لا اله الا الله تا قدیر

وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

رواه الترمذے

وَعَنْ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ كَرِيْزٍ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و روایت است از طلحه بن عبید الله ابن کریز بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا رُئِيَ الشَّيْطَانُ يَوْمًا هُوَ

صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت دیده نشد شیطان در هیچ روزے که وے

فِيْهِ أَصْغَرُ وَلَا أَدْحَرُ وَلَا أَحْقَرُ وَلَا أَغْيَظُ مِنْهُ فِي

در آن روز حقیرتر باشد و نه دورتر و نه خوارتر و نه خشم و غصه خورنده تر از خودش که در

يَوْمِ عَرَفَةَ وَمَا ذَاكَ إِلَّا لِمَا يَرٰى مِنْ تَنَزُّلِ الرَّحْمَةِ

روز عرفه باشد و نیست آن راندگی و خواری مگر از جهت چیزیکه بیند از فرود آمدن رحمت بر آدمیان

وَتَجَاوُزِ اللّٰهِ عَنِ الذُّنُوْبِ الْعِظَامِ إِلَّا مَا رُئِيَ يَوْمَ بَدْرٍ

و درگذشتن خدای تعالی از گناهان بزرگ مگر آنچه دیده شد از خواری شیطان روز بدر

فَإِنَّهُ قَدْ رَأَى جِبْرِيْلَ يَزَعُ الْمَلٰئِكَةَ رَوَاهُ مَالِكٌ مُرْسَلًا

پس بدرستیکه شیطان بتحقیق دید جبرئیل را روز بدر که ترتیب میداد ملائکه را و صفها راست میکند برای جنگ روایت کرده مالک

وَفِي شَرْحِ السُّنَّةِ بِلَفْظِ الْمَصَابِيْحِ وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

و در شرح السنه بلفظے که در مصابیح است و روایت است از جابر رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون می باشد

يوم عرفة إن الله ينزل إلى السماء الدنيا فيباهي بهم

روز عرفه بدرستیکه خدایتعالی فرود می آید بآسمانیکه پایان تر است پس مفاخرت میکند بایشان

الملائكة فيقول انظروا إلى عبادي أتوني شعثا غبرا

فرشتگان را پس میگوید که ببینید بسوی بندگان من که آمده اند بدرگاه رحمت من ژولیده مو

ضاجين من كل فج عميق أشهدكم أني قد غفرت

فریاد کنندگان بتلبیه از هر راه کشاده و دور گواه میگیرم شمارا بر اینکه بدرستیکه آمرزیدم

لهم فيقول الملائكة يا رب فلان كان يرهق وفلان

ایشان را پس میگویند فرشتگان ای پروردگار فلان کس از میان این حاضران می بود که

وفلانة قال يقول الله عز وجل قد غفرت لهم

وفلان مرد وفلان زن چنین وچنان از گناهان گفت آنحضرت میگوید خدای عز وجل بتحقیق آمرزیدم ایشان را

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فما من يوم أكثر

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نیست روزی که بیشتر

عتيقا من النار من يوم عرفة رواه في شرح السنة

آزاد شده وی از آتش دوزخ از روز عرفه روایت کرد این حدیث را در شرح سنه

وعن عباس بن مرداس رض أن رسول الله صلى الله

و روایت است از عباس ابن مرداس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله

عليه وسلم دعا لأمته عشية عرفة بالمغفرة فأجيب

علیه وسلم دعا کرد مر امت خود را در شبانگاه روز عرفه بآمرزیده شدن گناهان پس جواب

إني قد غفرت لهم ما خلا المظالم فإني آخذ للمظلوم

که بدرستی من بتحقیق آمرزیدم مر ایشان را همه گناهان را جز مظالم که مراد بآن حقوق عباد است پس بدرستیکه من

منه قال أي رب إن شئت أعطيت المظلوم من الجنة

از ظالم گفت آنحضرت ای رب من اگر خواهی بدهی مظلوم را از نعیم بهشت

وَغَفَرْتُ لِلظَّالِمِ فَلَمْ يُجِبْ عَشِيَّةً فَلَمَّا أَصْبَحَ بِالْمُزْدَلِفَةِ

و بیامرزیدی مر ظالم را پس اجابت کرده نشد آنحضرت دعا ری در آن شبانگاه پس هنگامی صبح کرد آنحضرت بمزدلفه

أَعَادَ الدُّعَاءَ فَأُجِيبَ إِلَى مَا سَأَلَ قَالَ فَضَحِكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

باز کرد دعا را پس اجابت کرده شد آنحضرت مر چیزی را که سوال کرد گفت راوی پس خنده کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ قَالَ تَبَسَّمَ فَقَالَ لَهُ أَبُوْ بَكْرٍ وَعُمَرُ

صلی اللہ علیہ وسلم یا گفت راوی بجای ضحک تبسم پس گفتند مر آنحضرت را ابوبکر و عمر

بِأَبِيْ أَنْتَ وَأُمِّيْ إِنَّ هٰذِهِ لَسَاعَةٌ مَا كُنْتَ تَضْحَكُ فِيْهَا

پدر و مادر ما فدای تو باد بدرستیکه این ساعتی است که نبودی تو که خنده میکردی در وی

فَمَا الَّذِيْ أَضْحَكَكَ أَضْحَكَ اللّٰهُ سِنَّكَ قَالَ إِنَّ عَدُوَّ

پس چه چیز خندانید ترا همیشه خندانند خدای تعالی دندان ترا گفت آنحضرت بدرستیکه دشمن

اللّٰهِ إِبْلِيْسَ لَمَّا عَلِمَ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدِ اسْتَجَابَ دُعَائِيْ

خدا که ابلیس است هنگامی که دانست که خدای تعالی بتحقیق اجابت کرد دعای مرا

وَغَفَرَ لِأُمَّتِيْ أَخَذَ التُّرَابَ فَجَعَلَ يَحْثُوْهُ عَلَى رَأْسِهِ

و بیامرزید مر امت مرا گرفت خاک پس گشت که می انداخت بهر دو دست خاک را بر سر خود

وَيَدْعُوْ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُوْرِ فَأَضْحَكَنِيْ مَا رَأَيْتُ مِنْ جَزَعِهِ

و دعا میکرد بویل و ثبور پس در خنده در آورد مرا چیزی که دیدم من از بیصبری و ناله و فریاد کردن او

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ نَحْوَهُ

روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در کتاب البعث والنشور مانند این حدیث

بَابُ فَضَائِلِ مَكَّةَ زَادَهَا اللّٰهُ تَعَالَى شَرَفًا

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَّهُدًى

هر آئینه اول خانه که مقرر کرده شد برای مردمان آنست که در مکه است برکت داده شده و راه ...

سپاره جزء ۴ رکوع ۱

للعلمين ۝ فيه آيات بينات مقام ابراهيم ۝ ومن

مر مردمان را در آن خانه نشانهای روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم است و هر که

دخله كان امنا وعن ابن عباس رض قال قال رسول الله

در آید آنجا ایمن بود و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لمكة ما اطيبك من بلد واحبك

صلی الله علیه وسلم مر مکه معظمه را که چه عجیب شهرے تو و دوست داشته شده تو

الي ولولا ان قومي اخرجوني منك ما سكنت

بسوے من اگر نمی بود اینکه قوم من بیرون کردند مرا از سکونت تو نمی کردم سکونت

غيرك رواه الترمذي وعن عبد الله بن عدي

بجز تو رواه الترمذی و روایت است از عبد الله ابن عدی

بن حمراء قال رايت رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن حمراء گفت دیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

واقفا على الحزورة فقال والله انك لخير ارض الله

ایستاده بر حزوره پس فرمود آنحضرت خطاب بمکه معظمه کرده بدرستی تو بهترین زمین خدائی

واحب ارض الله الى الله ولولا اني اخرجت منك

و محبوب ترین زمین خدائی نزد خدا و اگر نمی بود آنکه بیرون آورده شدم من از تو

ما خرجت رواه الترمذي وابن ماجة وعن عياش

بیرون نمی آمدم رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از عیاش

ابن ابي ربيعة المخزومي قال قال رسول الله صلى الله

ابن ابی ربیعه المخزومی گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم لا تزال هذه الامة بخير ما عظموا هذه

علیه وسلم همیشه باشد این امت بخیر و سلامت در دین و دنیا مادامیکه تعظیم کنند این

الحرمة حق تعظيمها فإذا ضيعوا ذلك هلكوا رواه ابن ماجة

حرمت را یعنی حرمتی که راحق تعظیم وے پس چون ضایع کنند آن حرمت را هلاک شوند رواه ابن ماجه

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

نزل الحجر الأسود من الجنة وهو أشد بياضا من اللبن

فرود آمده است حجر اسود از بهشت و وے دران حال زیاده تر بود در سفیدی از شیر

فسودته خطايا بني آدم رواه أحمد والترمذي وعنه

پس سیاه گردانیدند او را گناهان اولاد آدم رواه احمد والترمذی وهم از وی مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم في الحجر والله ليبعثنه

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در شان حجر اسود بخدا سوگند هر آئینه برانگیزد حجر اسود را

الله يوم القيامة له عينان يبصر بهما ولسان ينطق به

خدا تعالی روز قیامت در حالیکه مر او را دو چشم باشد که بیند بآن دو چشم و زبانے باشد که سخن گوید بآن

يشهد على من استلمه بحق رواه الترمذي وابن ماجة

گواهی دهد بر کسے که بوسه داد او را بحق یعنی با ایمان رواه الترمذی وابن ماجه

والدارمي وعن ابن عمر رض قال سمعت رسول الله صلى

والدارمی و روایت است از ابن عمر رض گفت شنیدم آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول إن الركن والمقام ياقوتتان من

الله علیه وسلم را که میفرمود بدرستیکه رکن و مقام ابراهیم هر دو یاقوت اند از

ياقوت الجنة طمس الله نورهما ولو لم يطمس نورهما

جنس یاقوت بهشت ناپدید کرده است خدا تعالی نور آن هر دو را و اگر ناپدید نمیکرد نور هر دو را

لأضاءتا ما بين المشرق والمغرب رواه الترمذي

هر آئینه روشن میشد هرچه میان مشرق و مغرب است رواه الترمذی

وعن ابی هریرة رض ان النبی صلی الله علیه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال وکل به سبعون ملکا یعنی الرکن الیمانی فمن قال

فرمود موکل گردانیده شده اند برای هفتاد فرشته یعنی بر رکن یمانی پس کسیکه بگوید

اللهم انی اسئلک العفو والعافیة فی الدنیا والاخرة ربنا اتنا

از اللهم تا وقنا عذاب النار

فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار قالوا امین

میگویند آن فرشتگان امین

رواه باب فضائل المدینة زادها الله تعالی شرفا ابن ماجة

رواه این باب در فضائل مدینه است زیاده گرداند خدای تعالی بزرگی او را ابن ماجة

عن سعد رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

انی احرم ما بین لابتی المدینة ان تقطع عضاهها او یقتل

بدرستیکه من حرام میگردانم میان هر دو لابه مدینه که بریده شود درختان آن وکشته شود

صیدها وقال المدینة خیر لهم لو کانوا یعلمون لا یدعها

شکار آن و فرمود آنحضرت که مدینه بهتر است ایشان را اگر بدانند ترک نکند مدینه را

احد رغبة عنها الا ابدل الله فیها من هو خیر منه

کسی از روی انکار مگر بدل میکند بجای او خدای تعالی کسی را که بهتر است از وی

ولا یثبت احد علی لاوائها وجهدها الا کنت له شفیعا

و پا برجا نماند هیچ کسی بر سختی و گرسنگی و محنت مدینه مگر آنکه باشم مر او را شفاعت کننده

او شهیدا یوم القیمة رواه مسلم وعن ابی هریرة رض

و گواهی دهنده روز قیامت رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض

اللاواء الشدة وضیق المعیشة ۱۲ مجمع

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَصْبِرُ عَلَى

که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبر نمیکند بر

لَأْوَاءِ الْمَدِينَةِ وَشِدَّتِهَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي إِلَّا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا

سختی و محنت مدینه و رنج یکے از امت من مگر اینکه میباشم او را شفیع

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض فِي

روز قیامت رواه مسلم و روایت است از عبد الله بن عمر رض در

رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَدِينَةِ رَأَيْتُ امْرَأَةً

خواب دیدن آنحضرت صلی الله علیه وسلم در شان مدینه دیدم زنے را

سَوْدَاءَ ثَائِرَةَ الرَّأْسِ خَرَجَتْ مِنَ الْمَدِينَةِ حَتّٰى نَزَلَتْ

سیاه ژولیده موے بیرون آمد آن زن از مدینه تا آنکه فرود آمد

مَهْيَعَةَ فَتَأَوَّلْتُهَا أَنَّ وَبَاءَ الْمَدِينَةِ نُقِلَ إِلٰى مَهْيَعَةَ

موضعی را که نام او مهیعه است گفت آنحضرت پس تعبیر کردم آن زن را که تپ و بیمار مدینه برده شد بسوے جحفه

وَهِيَ الْجُحْفَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ

و آن موضع جحفه است رواه بخاری و روایت است از جابر بن

سَمُرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

سمره رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت

إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى سَمَّى الْمَدِينَةَ طَابَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بدرستیکه خدایتعالی نام کرده است مدینه را طابه بر زبان حبیب خود رواه مسلم و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أُمِرْتُ بِقَرْيَةٍ تَأْكُلُ الْقُرٰى يَقُولُونَ يَثْرِبُ وَهِيَ الْمَدِينَةُ

امر کرده شدیم بهجرت بقریه که میخورد قریه‌هاے دیگر را یعنی غالب آید قریه مدینه

تنفي الناس كما ينفي الكير خبث الحديد متفق عليه

بیرون میکند مدینه مردم را چنانچه دور میکند کوره آهنگران پلیدی آهن را متفق علیه

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وازوی است روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

على انقاب المدينة ملئكة لا يدخلها الطاعون ولا

بر راهها است مدینه فرشتگان نگاهبان اند که در نمی آید بمدینه طاعون و نه

الدجال متفق عليه وعن انس رض قال قال رسول الله

دجال متفق علیه و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ليس من بلد الا سيطؤه الدجال

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ شهری مگر آنکه در آید آنرا دجال

الا مكة والمدينة ليس نقب من انقابها الا عليه

مگر مکه معظمه و مدینه منوره نیست هیچ راهی از راههای مدینه مگر آنکه بر وی

الملئكة صافين يحرسونها فتنزل السبخة فترجف

فرشتگان اند صفها زده نگهبانی میکنند آنرا پس نزول خواهد کرد دجال شوره زمین را پس بجنباند

المدينة باهلها ثلث رجفات فيخرج اليه كل كافر

مدینه ساکنان خود را سه بار جنبانیدن پس بیرون خواهد آمد بسوی او هر کافر

ومنافق متفق عليه وعن سعد رض قال قال

و منافق متفق علیه و روایت است از سعد رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يكيد اهل المدينة

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدسگالی نکند و ایذا ندهد اهل مدینه را

احد الا انماع كما ينماع الملح في الماء متفق عليه

هیچ یکی مگر گداخته میگداز د نمک در آب متفق علیه

وَعَنْ اَنَسٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اِذَا

در روایت است از انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود چون

قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ فَنَظَرَ اِلٰى جُدُرَاتِ الْمَدِيْنَةِ اَوْضَعَ رَاحِلَتَهٗ

قدوم می آورد از سفر پس نظر میکرد بسوے دیوارهاے مدینه میراند شتر سوار خود را

وَاِنْ كَانَ عَلٰى دَابَّةٍ حَرَّكَهَا مِنْ حُبِّهَا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

واگر سوار می بود بر دابه دیگر می دوانید آنرا از دوستی مدینه رواه بخاری وهم از انس است

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَعَ لَهٗ اُحُدٌ فَقَالَ هٰذَا جَبَلٌ

که ظاهر شد مر آنحضرت را جبل احد پس فرمود آنحضرت که این کوهیست

يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهٗ اَللّٰهُمَّ اِنَّ اِبْرَاهِيْمَ حَرَّمَ مَكَّةَ وَاِنِّيْ اُحَرِّمُ

که دوست میدارد ما را ودوست میداریم اورا الهی در ستیکه ابراهیم حرام گردانید مکه را ومن حرام میکنم

مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

که میان دو سنگستان مدینه است متفق علیه در روایت است از ابن عمر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَطَاعَ اَنْ يَّمُوْتَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه میخواهد که بمیرد

بِالْمَدِيْنَةِ فَلْيَمُتْ بِهَا فَاِنِّيْ اَشْفَعُ لِمَنْ يَّمُوْتُ بِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ

در مدینه پس باید که بمیرد در مدینه پس بدرستیکه من شفاعت کنم آنرا که بمیرد در مدینه رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

والترمذی واز ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰخِرُ قَرْيَةٍ مِّنْ قُرَى الْاِسْلَامِ

صلی الله علیه وسلم آخر شهرے که خراب شود از شهرهاے اسلام

خَرَابًا الْمَدِيْنَةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ بَكْرَةَ رض

نزد قیام قیامت مدینه است رواه الترمذی در روایت است از ابی بکره رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل المدينة رعب

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم درنمی آید مدینه را ترس

المسيح الدجال لها يومئذ سبعة ابواب على كل باب

مسیح دجال آنرا در آن وقت آمدن دجال هفت در خواهد بود بر هر در

ملكان رواه البخاري وعن انس رض عن النبي صلى

دو فرشته نگهبان نشسته رواه البخاری در روایت است از انس رض از آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال اللهم اجعل بالمدينة ضعفي ما

الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت خدایا بگردان در مدینه دو چند از آنچه

جعلت بمكة من البركة متفق عليه وعن رجل من

گردانیده در مکه از برکت متفق علیه و روایت است از مردے از

آل الخطاب عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من زارني

اولاد خطاب از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت کسیکه زیارت کند

متعمدا كان في جواري يوم القيمة ومن سكن المدينة

قصدا نه بطفیل کار دیگر باشد در همسایگی من در روز قیامت و کسیکه سکونت ورزد در مدینه

وصبر على بلائها كنت له شهيدا او شفيعا يوم القيمة

و صبر کند بر بلاے وے باشم او را گواهی دهنده و شفاعت کننده روز قیامت

ومن مات في احد الحرمين بعثه الله من الآمنين يوم

و کسیکه بمیرد در یکے از مکه و یا مدینه برانگیزاند او را خدا تعالی با گروه بیخوفان در روز

القيمة رواه البيهقي في شعب الايمان وعن يحيى

قیامت رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از یحیی

بن سعيد رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان

بن سعید رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نشسته بود

جالساً وقبر يحفر بالمدينة فاطلع رجل في القبر فقال بئس

وگورے کندہ میشد در مدینہ پس نظر کرد مردے در قبر پس گفت آنمرد بد

مضجع المؤمن فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بئسما

خوابگاہ مومنست گور پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بد حرفے بود

قلت قال الرجل إني لم أرد هذا إنما أردت القتل في

کہ تو گفتی گفت آنمرد بدرستیکہ من ارادہ نداشتم کہ وحشت صورت قبر گویم من ارادہ این نیت کشتہ شدن در

سبيل الله فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا مثل القتل

راہ خدا ارادہ کردم پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نیست مردن در مدینہ

في سبيل الله ما على الأرض بقعة أحب إلي أن يكون

مانند کشتہ شدن در راہ خدا بلکہ افضل آنست بر زمین ہیچ جائے محبوب تر نزد من کہ باشد

قبري بها منها ثلاث مرات رواه مالك مرسلا وعن

قبر من در وے از مدینہ سہ بار فرمود رواہ مالک و روایت است از

ابن عمر رض مرفوعا من حج فزار قبري بعد موتي كان

ابن عمر رض از روی مرفوع کسیکہ حج کند پس زیارت کند قبر مرا بعد از من باشد

كمن زارني في حياتي رواه البيهقي في شعب الإيمان

چو کسیکہ زیارت کرد و ملاقات نمود مرا در زندگی من رواہ البیہقی در شعب الایمان

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم صلوة في مسجدي هذا خير من ألف صلوة فيما

وسلم یک نماز در مسجد من کہ اینست بہتر است از ہزار نماز در

سواه إلا المسجد الحرام وعن أبي سعيد ن الخدري

غیر آن مگر در مسجد حرام و از ابی سعید الخدری رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تشد الرحال الا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بجا ها مبندید مگر

إلى ثلاثة مساجد مسجد الحرام والمسجد الاقصى ومسجدي

بسوی سه مسجد یکی مسجد حرام دوم مسجد اقصی سوم مسجد من این است

هذا متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض

صلی الله علیه وسلم که درمیان بیت من و منبر من روضه ایست از روضه های

الجنة ومنبري على حوضي متفق عليه وعن انس

بهشت است و منبر من بر حوض کوثر باشد متفق علیه و از انس بن مالک مرویست

بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم یک نماز

الرجل في بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس

مرد در خانه او یک نماز است و نماز او در مسجد قبیله برابر

وعشرين صلوة وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه

بست و پنج نماز است و نماز او در مسجدیکه جمع شوند در آن بمقدار

بخمس مائة صلوة وصلوته في المسجد الاقصى بخمسين

پنج صد نماز است و نماز وی در مسجد اقصی ثواب پنجاه

الف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين الف صلوة

هزار نماز دارد و نماز وی در مسجد من ثواب پنجاه هزار نماز دارد

وصلوته في المسجد الحرام بمائة الف صلوة رواه ابن ماجه

و نماز وی در مسجد حرام مقابل صد هزار نماز است رواه ابن ماجه

وَعَنْ عَاصِمٍ الْاَحْوَلِ قَالَ سَاَلْتُ اَنَسَ بْنَ مَالِكٍ اَحَرَّمَ

وروایت است از عاصم احول که سوال کردم از انس بن مالک ایا حرام کرد

النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِيْنَةَ قَالَ نَعَمْ حَرَامٌ حَرَّمَهَا

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مدینہ را گفت بلے حرام کردہ است آنرا

اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ لَا يُخْتَلَىٰ خَلَاهَا فَمَنْ فَعَلَ ذٰلِكَ فَعَلَيْهِ

خدا و رسول او قطع کردہ نشود درخت آن پس اگر کسے کرد این اپس بروے

لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ش

لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردمان باشد

بَابُ مَنَاقِبِ الْقُرَيْشِ وَالْعَرَبِ

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

روایت است از ابن عمر رض کہ گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

لَا يَزَالُ هٰذَا الْاَمْرُ فِيْ قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنْهُمُ اثْنَانِ مُتَّفَقٌ

ہمیشہ باشد امر خلافت در قریش تا وقتیکہ باقی باشد از ایشان دو کس متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

علیہ وروایت است از معاویہ رض گفت کہ شنیدم آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ هٰذَا الْاَمْرَ فِيْ قُرَيْشٍ لَا يُعَادِيْهِمْ

صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت بدرستیکہ این امر خلافت در قریش است عداوت نمیکند با ایشان

اَحَدٌ اِلَّا كَبَّهُ اللّٰهُ عَلٰى وَجْهِهٖ مَا اَقَامُوا الدِّيْنَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

ہیچ یکے مگر آنکہ برو در اندازد خدا تعالےٰ او را تا وقتیکہ بپا دارند قریش دین رواہ البخاری

وَعَنْ سَعْدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ يُّرِدْ

وروایت است از سعد از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت کسیکہ خواہد

هوانَ قریشٍ اهانهُ اللهُ رواهُ الترمذيُّ وعن
خوار می قریش را خوار گرداند او را خدا تعالیٰ رواه الترمذی و روایت است از
عمرانَ بنِ حصينٍ قالَ ماتَ النبيُّ صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ
عمران بن حصین رض که گفت وفات فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
وهو يكرهُ ثلثةَ احياءٍ ثقيفٍ و بني حنيفةَ وبني اميّةَ
حال آنکه آنحضرت ناخوش میداشت سه قبیله را ثقیف و بنی حنیفه و بنی امیه
رواهُ الترمذيُّ وعن ابنِ عمرَ رض قالَ قالَ رسولُ اللهِ
رواه الترمذی و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت
صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ في ثقيفٍ كذّابٌ ومبيرٌ قالَ عبدُ اللهِ
صلی الله علیه وسلم در قبیله ثقیف دروغگو است و هلاک کننده مردم گفت
بنُ عصمةَ يقالُ الكذّابُ هو المختارُ ابنُ ابي عبيدٍ والمبيرُ
بن عصمه گفته شد که دروغ گو آن مختار است ابن ابی عبید است و خون ریز
هو الحجّاجُ بنُ يوسفَ وقالَ هشامُ بنُ حسّانَ احصوا
آن حجاج بن یوسف است و گفت هشام بن حسان شمرده و ضبط کرده اند
ما قتلَ الحجّاجُ صبرًا فبلغَ مائةَ الفٍ وعشرينَ الفًا
آنچه کشته است حجاج بحبس و بند پس رسیده است تعدادشان صد و بیست هزار را
رواهُ الترمذيُّ وروى مسلمٌ في الصحيحِ حينَ قتلَ
رواه الترمذی و روایت کرد مسلم در صحیح خود هنگامی که کشت
الحجّاجُ عبدَ اللهِ بنَ الزبيرِ قالتْ اسماءُ انَّ رسولَ اللهِ
حجاج عبد الله بن زبیر را گفت اسما بنت ابی بکر مادر عبد الله بن زبیر که آنحضرت
صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ حدّثنا انَّ في ثقيفٍ كذّابًا ومبيرًا
صلی الله علیه وسلم حدیث کرد ما را در ثقیف دروغ گو خواهد بود و خون ریز

فَاَمَّا الْكَذَّابُ فَرَاَيْنَاهُ وَاَمَّا الْمُبِيْرُ فَلَا اَخَالُكَ اِلَّا اِيَّاهُ

پس لیکن دروغگو پس دیدیم ما او را وخونریز را گمان نمیبرم ترا مگر آن خطاب بحجاج کرد

وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از سلمان رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا تُبْغِضْنِيْ فَتُفَارِقَ دِيْنَكَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

وسلم دشمن مدار مرا پس جدا شوی از دین خود گفتم اے رسول خدا

كَيْفَ اُبْغِضُكَ وَبِكَ هَدَانَا اللّٰهُ قَالَ تُبْغِضُ الْعَرَبَ

چگونه دشمن دارم ترا حال آنکه بتو راه راست نمود ما را خدا تعالی گفت آنحضرت دشمن داری عرب را

فَتُبْغِضُنِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ

پس دشمن داری مرا رواه الترمذی وروایت است از عثمان بن عفان

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ غَشَّ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه خیانت کند

الْعَرَبَ لَمْ يَدْخُلْ فِيْ شَفَاعَتِيْ وَلَمْ تَنَلْهُ مَوَدَّتِيْ رَوَاهُ

عرب را در نیاید در شفاعت من و در نرسد او را دوستی من رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اُمِّ الْحَرِيْرِ مَوْلَاةِ طَلْحَةَ بْنِ مَالِكٍ

الترمذی وروایت است از ام الحریر کنیز آزاد کرده طلحه بن مالک

قَالَتْ سَمِعْتُ مَوْلَايَ يَقُوْلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت شنیدم مولاے خود را که میگفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مِنِ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ هَلَاكُ الْعَرَبِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم از جمله علامات نزدیک شدن قیامت هلاک شدن عرب است رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُلْكُ فِي قُرَيْشٍ وَالْقَضَاءُ فِي الْأَنْصَارِ

علیہ وسلم خلافت در قریش است و قضا در انصار است

وَالْأَذَانُ فِي الْحَبَشَةِ وَالْأَمَانَةُ فِي الْأَزْدِ يَعْنِي الْيَمَنَ

و بانگ نماز گفتن در قوم حبشہ است و امانت ساختن در قبیلہ ازد است یعنی یمن

وَفِي رِوَايَةٍ مَوْقُوفًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

و در روایتے این حدیث موقوف است رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحِبُّوا الْعَرَبَ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دوست دارید عرب را

لِثَلَاثٍ لِأَنِّي عَرَبِيٌّ وَالْقُرْآنُ عَرَبِيٌّ وَكَلَامُ أَهْلِ الْجَنَّةِ

از جہت سہ خصلت یکے آنکہ من عربیم دوم آنکہ قرآن بزبان عربی است سوم آنکہ سخن اہل جنت

عَرَبِيٌّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

عربی است رواه البیهقی در شعب الایمان

فِي فَضْلِ الْيَمَنِ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ہریرہ رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ أَتَاكُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ أَرَقُّ أَفْئِدَةً وَأَلْيَنُ قُلُوبًا

فرمود کہ آمدند شمارا اہل یمن کہ رقیق تر است فواد شان و نرم تر دلہاے ایشان

الْإِيمَانُ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَةٌ وَالْفَخْرُ وَالْخُيَلَاءُ فِي أَصْحَابِ

ایمان یمنی است و حکمت یمانیہ است و نازیدن و ستایش نفس کردن در خداوندان

الْإِبِلِ وَالسَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ فِي أَهْلِ الْغَنَمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شتر است و آرامش و آہستگی در اہل خداوندان گوسفند است متفق علیہ است

عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غِلَظُ

روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سختی

الْقُلُوْبِ وَالْجَفَاءُ فِي الْمَشْرِقِ وَالْاِيْمَانُ فِيْ اَهْلِ الْحِجَازِ

دلها و درشتی خوی در مشرق است و ایمان در اہل حجاز

رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ شَامِنَا اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ يَمَنِنَا

وسلم خداوندا برکت ده مارا در شام ما خداوندا برکت ده مارا در یمن ما

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَفِيْ نَجْدِنَا قَالَ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ شَامِنَا

گفتند ای رسول خدا و در نجد ما فرمود خداوندا برکت ده مارا در شام ما

وَبَارِكْ لَنَا فِيْ يَمَنِنَا قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَفِيْ نَجْدِنَا فَاَظُنُّهُ

و برکت ده مارا در یمن ما گفتند یا رسول الله و در نجد ما ابن عمر میگوید گمان برم

قَالَ فِي الثَّالِثَةِ هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ وَبِهَا يَطْلُعُ

که فرمود در بار سوم آنجا یعنی در نجد زلزلها است و فتنها است و از نجد طلوع میکند

قَرْنُ الشَّيْطَانِ

قرن شیطان یعنی حزب و اعوان او

فِيْ فَضْلِ الْعَجَمِ

هُوَ الَّذِيْ بَعَثَ فِي الْاُمِّيِّيْنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ

او ست آنکه بر انگیخت در ناخوانندگان پیغامبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان

اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوْا

آیات او را و پاک میکند ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و دانش را و اگرچه بودند ایشان

مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۙ وَّآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا

پیش ازین در گمراهی ظاهر و نیز مبعوث گردانید پیغمبر را در قومی دیگر از ایشان که هنوز نه پیوسته اند

بِهِمْ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن

با مسلمانان و اوست غالب با حکمت این است فضل خدا میدهد آنرا بهر که

يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

خواهد و خدایتعالی خداوند فضل بزرگ است و روایت است از ابی هریره رض

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَا هَٰذِهِ الْآيَةَ وَإِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواند این آیت را و اگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۝

روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما باز نباشند آن جماعه مانند شما

قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ إِنْ تَوَلَّيْنَا

گفتند صحابه ای پیغامبر خدا کیستند آن جماعتی که یاد کرده است خدایتعالی که اگر روی گردانیم

اسْتُبْدِلُوا بِنَا ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَنَا فَضَرَبَ عَلَى فَخِذِ

بجای ما آورده می شوند پس نباشند آنجماعت مانند ما در روی گردانی پس زد دست مبارک آنحضرت

سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ هَٰذَا وَقَوْمُهُ وَلَوْ كَانَ الدِّينُ

سلمان فارسی پس فرمود جماعت سلمان است و قوم وی و اگر باشد دین

عِنْدَ الثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

نزد ستاره ثریا هر آئینه میگرفتند دین را مردان فارس رواه الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ ذُكِرَتِ الْأَعَاجِمُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

و هم از ابی هریره است گفت ذکر کرده شد اهل عجم نزد آنحضرت صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الله علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لأنا بهم أو ببعضهم أوثق مني بكم أو ببعضكم رواه الترمذي

هر آئینه من با ایشان یا ببعض ایشان یعنی بجماعت اعتماد کننده ترم در حفظ دین از آنکه شما یا ببعض شما

في فضل الشام

وأورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق

ومیراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق

الأرض ومغاربها التي باركنا فيها قلنا يا نار كوني

ومغاربها زمینی که برکت نهادیم در آن گفتیم ای آتش باش خنک

بردا وسلاما على إبراهيم وأرادوا به كيدا فجعلناهم

برودت وسلامتی بر ابراهیم وخواستند با وفریب کردن پس ساختیم ایشان را

الأخسرين ونجيناه ولوطا إلى الأرض التي باركنا فيها

زیانکار ورهانیدیم ابراهیم را ولوط را بسوی زمینی که برکت نهادیم در آن

للعالمين وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا

تمامی عالم را وپیدا کردیم میان ایشان ومیان آن دها که برکت نهادیم

فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها

در آن یعنی شام دها که متصل بایکدیگر ومقرر کردیم در آن آمد ورفت را سیر کنید درین دها

ليالي وأياما آمنين وعن زيد بن ثابت رض قال

شبها وروزها ایمن شده وروایت است از زید بن ثابت رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم طوبى للشام قلنا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خوشی باد مر اهل شام را گفتیم ما

لأي ذلك يا رسول الله قال لأن ملائكة الرحمن

از چه چیز است این ای رسول خدا فرمود زیرا که فرشتهای خدای مهربان

یا سطة اجنحتها علیها رواه احمد والترمذی وعن
فراخ کننده بازوے خود را برایشان رواه احمد والترمذی و روایت است از
عبد الله بن عمر رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
عبد الله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
ستخرج نار من نحو حضرموت او من حضرموت تحشر
نزدیک است که برآید آتشے از جانب حضرموت یا از حضرموت جمع کند این آتش
الناس قلنا یا رسول الله فما تامرنا قال علیکم بالشام
مردم را گفتیم اے رسول الله چه میفرمائے ما را گفت آنحضرت برشما باد که بروید بشام
رواه الترمذی وعن شریح بن عبید قال ذکر
رواه الترمذی و روایت است از شریح بن عبید گفت ذکر کرده شدند
اهل الشام عند علی رض وقیل العنهم یا امیر المؤمنین
اهل شام نزد امیر المومنین علی رض و گفته شد لعنت کن ایشانرا یا امیر المومنین
قال لا انی سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول
گفت لعنت نمیکنم ایشانرا بدرستیکه شنیده ام آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که
الابدال یکونون بالشام وهم اربعون رجلا کلما
ابدال میباشند بشام وابدال چهل مرد اند هرگاه که
مات رجل ابدل الله مکانه رجلا یسقی بهم الغیث
بمیرد مردے می آرد خدا تعالے در بدل او مردے دیگر آب داده می شود بوجود ایشان
وینتصر بهم علی الاعداء ویصرف عن اهل الشام
و نصرت داده شوند بسبب ایشان بر دشمنان و برگردانیده می شود از اهل شام
بهم العذاب وعن رجل من الصحابة رض ان رسول الله
بسبب ایشان عذاب و روایت است از مردے از اصحاب رض بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ستفتح الشام فإذا خيرتم المنازل

صلی الله علیه وسلم فرمود نزدیک است که فتح کرده شود بلاد شام پس چون مخیر گردانیده شوید

فيها فعليكم بمدينة يقال لها دمشق فإنها معقل المسلمين

بودن را در آن بلاد پس بر شما باد که اختیار کنید شهری که گفته می شود آن را دمشق پس بدرستیکه آن شهر پناه مسلمانان است

من الملاحم وفسطاطها منها أرض يقال لها الغوطة

از حربها و محل اجتماع شام از زمین دمشق زمینی است که گفته می شود او را غوطه

رواهما أحمد وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى

روایت کرد هر دو را احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم الخلافة بالمدينة والملك بالشام وعن

الله علیه وسلم خلافت در مدینه است و ملک در شام و روایت است از

عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رأيت عمودا

عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دیدم ستونی را

من نور خرج من تحت رأسي ساطعا حتى استقر بالشام

از نور که بیرون آمد از زیر سر من بالا رونده تا آنکه قرار گرفت در شام

رواه البيهقي في دلائل النبوة وعن أبي الدرداء

روایت کرد بیهقی در دلائل النبوة و روایت است از ابی درداء رض

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال إن فسطاط

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مجمع

المسلمين يوم الملحمة بالغوطة إلى جانب مدينة

مسلمانان روز جنگ غوطه است جانب شهری

يقال لها دمشق من خير مدائن الشام رواه أبو داود

که گفته می شود آن را دمشق که از بهترین شهرهای شام است روایت کرد ابوداود

وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَيَأْتِيْ مَلِكٌ مِنْ

روایت است از عبد الرحمن بن سلیمان گفت نزدیک است بیاید پادشاهے از

مُلُوْكِ الْعَجَمِ فَيَظْهَرُ الْمَدَائِنَ كُلَّهَا إِلَّا دِمَشْقَ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

پادشاهان عجم پس غالب میگردد بر همه شهرها مگر دمشق را رواه ابو داود

بَابُ الْكَسْبِ وَطَلَبِ الْحَلَالِ

يَا اَيُّهَا النَّاسُ كُلُوْا مِمَّا فِي الْاَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَّلَا تَتَّبِعُوْا

اے مردمان بخورید از آنچه که در زمین است حلال پاکیزه و پیروی مکنید

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۝ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ

گامهاے شیطان را هرآئینه او شما را دشمن آشکارا جز این نیست که حکم میکند شما را

بِالسُّوْٓءِ وَالْفَحْشَآءِ وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝

به بدکاری و بیحیائی و آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمی دانید

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوْا

اے مسلمانان بخورید از پاکیزه هاے آنچه روزی دادیم شما را و سپاس گوئید

لِلّٰهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۝ عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ

خدا را اگر او را می پرستید روایت است از مقدام بن

مَعْدِيْكَرِبَ رض قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا اَكَلَ

معدیکرب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخورد

اَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ اَنْ يَّاْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدَيْهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ

هیچ یکے طعامے را بهتر از آنکه بخورد از کار هر دو دست خود و بتحقیق نبی خدا

دَاوٗدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَاْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

داود علیه السلام بود که میخورد از عمل دستهاے خود رواه البخاری

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ان الله تعالى طيب لا يقبل الا طيبا وان الله تعالى

وسلم بدرستیکه خدای تعالی پاکست قبول نمیکند مگر پاک را یعنی حلال را و بدرستیکه خدای تعالی

امر المؤمنين بما امر به المرسلين فقال يا ايها الرسل

امر کرد مسلمانان را بچیزیکه امر کرد بدان پیغامبران را پس گفت ای پیغامبران

كلوا من الطيبات واعملوا صالحا وقال الله تعالى يا ايها

بخورید از رزقهای حلال و عمل کنید نیک و فرمود حق تعالی ای

الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم ثم ذكر الرجل

مومنان بخورید از طعامهای پاک آنچه داده ایم شما را پس یاد کرد آنحضرت مردی را

يطيل السفر اشعث اغبر يمد يديه الى السماء يا رب

که دراز میکند سفر را که محل ظن قبول دعا است ژولیده سر گرد آلود دراز میکند دو دست خود را بسوی آسمان یا

يا رب ومطعمه حرام ومشربه حرام وملبسه حرام

ای رب حال آنکه خوردنی او حرام است و نوشیدنی او حرام است و پوشش او حرام است

وغذي بالحرام فانى يستجاب لذلك رواه مسلم

و پرورش کرده شد بحرام پس چگونه قبول کرده شود دعا مر او را رواه مسلم

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وهم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يأتي على الناس زمان لا يبالي المرء ما اخذ منه امن

خواهد آمد بر مردم زمانیکه باک نبود مرد که چه چیز گرفته و خورده از مال آیا از

الحلال ام من الحرام رواه البخاري وعن النعمان

حلال یا از حرام رواه البخاری و روایت است از نعمان

بن بشير رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الحلال

بن بشير رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم آنچه حلال است

بيّن والحرام بيّن وبينهما مشتبهات لا يعلمهن كثير

ظاهر است وآنچه حرام است نیز هویدا است ودر میان حلال وحرام چیزها است مشتبه نیشناسند آنرا بسیار

من الناس فمن اتقى الشبهات استبرأ لدينه وعرضه

از مردم پس کسیکه پرهیز کند شبهات را طلب برأت کرد مر دین خود وآبروی خود را

ومن وقع في الشبهات وقع في الحرام كالراعي يرعى حول

وکسیکه بیفتد در شبهات بیفتد در حرام مانند چرانندهٔ که بچراند گرد

الحمى يوشك أن يرتع فيه ألا وإن لكل ملك حمى ألا وإن

حمی نزدیک است که بچرد در حمی آگاه باشید بدرستیکه مر هر پادشاهی را حمی است وآگاه باشید که

حمى الله محارمه ألا وإن في الجسد مضغة إذا صلحت

حمی خدا محارم اوست وآگاه باشید که در تن آدمی گوشت پاره ایست وقتیکه نیک شود

صلح الجسد كله وإذا فسدت فسد الجسد كله ألا وهي

نیک شود همه تن وچون تباه شود آن مضغه تباه شود همه تن خبردار باشید که آن پاره

القلب متفق عليه وعن أبي جحيفة رض أن النبي

دل است متفق عليه ودر روایتی است از ابی جحیفه رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم نهى عن ثمن الدم وثمن الكلب

صلى الله عليه وسلم منع کرد از قیمت خون ونهی کرد از بهای سگ

وكسب البغي ولعن آكل الربوا وموكله والواشمة

وکسب بغی ولعنت کرد آنحضرت صلعم خورندهٔ ربا را ولعنت کرد خورانندهٔ ربا را ولعنت کرد واشمه

والمستوشمة والمصور رواه البخاري وعن عائشة

واستوشمه را ولعنت کرد مصور را رواه البخاری ودر روایتی است از عائشه رض

قَالَتْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خوشتر و حلال ترین آنچه میخورید از

كَسْبِكُمْ وَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

کسب شما است و بدرستیکه اولاد شما از کسب شما اند رواه الترمذی والنسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضـ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ

وابن ماجه و روایت است از عبد الله بن مسعود رضـ از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَكْسِبُ عَبْدٌ مَالَ حَرَامٍ فَيَتَصَدَّقُ

صلی الله علیه وسلم فرمود کسب نکند هیچ بنده مال حرام را پس تصدق کند

مِنْهُ فَيُقْبَلُ مِنْهُ وَلَا يُنْفِقُ مِنْهُ فَيُبَارَكُ لَهُ فِيهِ وَلَا يَتْرُكُهُ

از آن که قبول کرده شود آن تصدق و نه خرج کند از آن که برکت کرده شود مر او را و نگذارد

خَلْفَ ظَهْرِهِ إِلَّا كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَمْحُو السَّيِّئَ

مال حرام را پس پشت خود مگر آنکه باشد آن مال توشه وی بسوی دوزخ بدرستیکه خدا تعالی دور نمیکند بد را

بِالسَّيِّئِ وَلٰكِنْ يَمْحُو السَّيِّئَ بِالْحَسَنِ إِنَّ الْخَبِيثَ لَا يَمْحُو

به بد ولکن محو میکند بد را به نیک بدرستیکه پلید دور نمیکند

الْخَبِيثَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَكَذَا فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

پلید را رواه احمد همچنان است در شرح السنة و روایت است از

جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ

جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نمی آید بهشت را

لَحْمٌ نَبَتَ مِنَ السُّحْتِ وَكُلُّ لَحْمٍ نَبَتَ مِنَ السُّحْتِ كَانَتِ النَّارُ

گوشتی که رویده شده است از حرام و هر گوشتی که روئیده از حرام باشد آتش

أَوْلَى بِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

نزدیکتر و سزاوارتر باو رواه احمد والدارمی والبیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن بن علي رض قال حفظت من رسول الله صلى الله
روایت است از حسن بن علی رض که گفت یاد گرفتم از پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم دع ما يريبك الى ما لا يريبك فان الصدق
علیه وسلم بگذار چیزی را که در شک می اندازد ترا بسوی چیزی که در شک نمی اندازد زیرا که صدق
طمانينة وان الكذب ريبة رواه احمد والترمذي والنسائي
طمانینت دل است و دروغ سبب شک است رواه احمد والترمذی والنسائی
وعن عطية السعدي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
روایت است از عطیه سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم لا يبلغ العبد ان يكون من المتقين حتى يدع ما لا باس
وسلم نمیرسد بنده بآنکه باشد از متقیان تا آنکه نگذارد چیزی را که نیست باک
به حذرا لما به باس رواه الترمذي وابن ماجة وعن
در وی از بہت ترسیدن از چیزی که در وی باک است رواه الترمذی وابن ماجه و روایت است از
عبد الله بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
طلب كسب الحلال فريضة بعد الفريضة رواه البيهقي في
طلب کسب حلال فرض است بعد از فرض رواه بیهقی در
شعب الايمان وعن ابن عباس رض انه سئل عن اجرة
شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض که وی پرسیده شد از مزد
كتابة المصحف فقال لا باس انما هم مصورون وانهم
نوشتن مصحف پس گفت باکی نیست نیستند ایشان مگر صورتگر و بدرستیکه ایشان
انما ياكلون من عمل ايديهم رواه رزين وعن
نیخورند مگر از عمل دستهای خویش رواه رزین و روایت است از

رافع بن خدیج رضؓ قال قیل یا رسول الله ای الکسب اطیب

رافع بن خدیج رضؓ گفت گفته شد اے پیغمبر خدا کدام کسب خوشتر است

قال عمل الرجل بیده وکل بیع مبرور رواه احمد وعن

فرمود عمل مرد است از دست خود و هر خرید و فروخت صحیح مقبول در شرع رواه احمد و روایت است از

نافع قال کنت اجهز الی الشام والی مصر فجهزت الی

نافع گفت بودم که میفرستادم وکلاے خود را بمال و اسباب بسوے شام و مصر پس تجهیز ساختم بسوے

العراق فاتیت الی ام المؤمنین عائشة رضؓ فقلت لها

عراق پس آمدم نزد ام المؤمنین عائشه رضؓ پس گفتم مر عائشه را

یا ام المؤمنین کنت اجهز الی الشام فجهزت الی العراق

اے مادر مومنان بودم که تجهیز میکردم هر بار بسوے شام پس تجهیز کردم این بار بسوے عراق

فقالت لا تفعل ما لک ولمتجرک فانی سمعت رسول الله

پس گفت عائشه مکن تجهیز بسوے عراق چه میکنی تو با تجارت خود پس بدرستیکه من شنیدم پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم یقول اذا سبب الله لاحدکم رزقا

صلی الله علیه وسلم را که میگفت وقتیکه سبب گرداند خدا برائے مر یکے را از شما رزقے

من وجه فلا یدعه حتی یتغیر له او یتنکر له رواه احمد

از وجهے از وجوه باید که ترک ندهد آنرا تا آنکه تغیر و تنکر شود مر اورا رواه احمد

وابن ماجة وعن عائشة رضؓ قالت کان لابی بکر

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رضؓ گفت بود مر ابی بکر را

غلام یخرج له الخراج فکان ابو بکر یاکل من خراجه

غلامے که بیرون می آورد برائے او وظیفه پس بود ابو بکر که میخورد از خراج آن غلام

فجاء یوما بشیء فاکل منه ابو بکر رضؓ فقال له الغلام

پس آورد آن غلام چیزیرا روزے از جنس طعام پس خورد ابو بکر از آنچیز پس گفت مر ابو بکر را غلام

... کذا قال الطیبی

تَدْرِیْ مَا هٰذَا فَقَالَ اَبُوْبَکْرٍ وَمَا هُوَ قَالَ کُنْتُ تَکَهَّنْتُ لِاِنْسَانٍ

میدانی کہ چیست این طعام پس گفت ابوبکر چہ چیز است گفت غلام بودم کہ کہانت کردہ بودم مر یک

فِی الْجَاهِلِیَّةِ وَمَا اُحْسِنُ الْکِهَانَةَ اِلَّا اَنِّیْ خَدَعْتُهٗ فَلَقِیَنِیْ

در ایام جہالت و نیک نمیدانستم کہانت را لیکن من فریب دادہ بودم اورا پس ملاقات کرد مرا آنمرد

فَاَعْطَانِیْ بِذٰلِكَ فَهٰذَا الَّذِیْ اَکَلْتَ مِنْهُ قَالَتْ فَاَدْخَلَ

پس داد مرا بسبب آن کہانت پس این چیز یکہ خوردی تو از آن است گفت عائشہ پس درآورد

اَبُوْبَکْرٍ یَدَهٗ فَقَاءَ کُلَّ شَیْءٍ فِیْ بَطْنِهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ

ابوبکر دست خود را در حلق خود پس قے کرد و بیرون انداخت ہر چیز را کہ بود در شکم وی رواہ البخاری

وَعَنْ اَبِیْ بَکْرٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی بکر رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ لَا یَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَسَدٌ غُذِیَ بِالْحَرَامِ وَعَنْ زَیْدِ

فرمود در نمی آید بہشت را تنے کہ پرورش شدہ است بحرام و روایت است از زید

بْنِ اَسْلَمَ رض اَنَّهٗ قَالَ شَرِبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لَبَنًا وَاَعْجَبَهٗ

بن اسلم رض بدرستیکہ گفت نوشید عمر بن الخطاب رض شیر را و پسند آمد او را آن شیر

قَالَ لِلَّذِیْ سَقَاهُ مِنْ اَیْنَ لَكَ هٰذَا اللَّبَنُ فَاَخْبَرَهٗ اَنَّهٗ وَرَدَ

گفت عمر آنرا کہ نوشانید آن شیر از کجا حاصل شدہ است ترا پس خبر داد آنکس کہ وی آمد

عَلٰى مَاءٍ قَدْ سَمَّاهُ فَاِذَا نَعَمٌ مِنْ نَعَمِ الصَّدَقَةِ وَهُمْ یَسْقُوْنَ

بر جوئے بتحقیق نام برد آنرا پس ناگاہ شتران از شتران زکات آنجا حاضر بودند و جماعت می نوشانیدند

فَحَلَبُوْا لِیْ مِنْ اَلْبَانِهَا فَجَعَلْتُهٗ فِیْ سِقَائِیْ وَهُوَ هٰذَا فَاَدْخَلَ

پس دوشیدند برای من از شیرهای آنها پس گردانیدم آن شیر را در مشک خود و آن این شیر است پس درآورد

عُمَرُ یَدَهٗ فَاسْتَقَاءَهٗ رَوَاهُمَا الْبَیْهَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

عمر دست خود را و قے کرد رواهما البیهقی در کتاب شعب الایمان

وعن ابن عمر رض قال من اشترى ثوبا بعشرة دراهم

وروایت است از ابن عمر رض گفت هر که بخرد جامه را به ده درم

وفيه درهم حرام لم يقبل الله له صلوة ما دام عليه ثم

و در ان یک درهم حرام باشد قبول نکند خدا مر او را هیچ نمازی تا آنکه آن جامه بر تن او باشد

ادخل اصبعيه في اذنيه وقال صمتا ان لم يكن النبي صلى

درآورد ابن عمر انگشت خود را در هر دو گوش خود و گفت کر باد این دو گوش من اگر نیست آنحضرت صلی

الله عليه وسلم سمعته يقوله رواه احمد والبيهقي في

الله علیه وسلم که شنیدم او را که میگفت آنرا روایت کرد احمد و بیهقی در

شعب الايمان وقال اسناده ضعيف وعن ابان

شعب الایمان و گفت اسناد آن ضعیف است و روایت است از ابان

عن انس رض قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

از انس رض گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اجعلني مستجاب الدعوة قال يا انس اطب كسبك تستجب دعوتك

بگردان مرا که مستجاب الدعوة باشم گفت ای انس پاک گردان کسب خود را تا قبول کرده شود دعای تو

فان الرجل يرفع اللقمة الى فيه من حرام فما يستجاب

بدرستیکه شخص بر میدارد لقمه را بسوی دهن خود از حرام پس قبول کرده نمیشود

له اربعين يوما رواه الديلمي

او چهل روز روایت کرد دیلمی

باب المساهلة في المعاملة

وعن حذيفة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از حذیفه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ رَجُلًا كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَأَتَاهُ الْمَلَكُ لِيَقْبِضَ

آنکه مردے بود در میان آن کسانیکه بودند پیش از شما آمد او را فرشته مرگ تا بگیرد

رُوحَهُ فَقِيلَ لَهُ هَلْ عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ مَا أَعْلَمُ قِيلَ لَهُ

جان او را پس گفته شد مر او را آیا کردهٔ تو هیچ عمل از نیکی گفت آن مرد نمیدانم گفته شد

انْظُرْ قَالَ مَا أَعْلَمُ شَيْئًا غَيْرَ أَنِّي كُنْتُ أُبَايِعُ النَّاسَ فِي

ببین گفت آن مرد نمیدانم جز آنکه بودم که خرید و فروخت میکردم مردم را در

الدُّنْيَا وَأُجَازِيهِمْ فَأُنْظِرُ الْمُوسِرَ وَأَتَجَاوَزُ عَنِ الْمُعْسِرِ

دنیا و تقاضا میکردم پس مهلت میدادم توانگر را و در گذر میکردم از مفلس

فَأَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ

پس داخل کرد او را خدا تعالیٰ در بهشت متفق علیه و در روایت مسلم

نَحْوَهُ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض وَأَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ

مانند این روایت است از عقبه بن عامر رض و ابی مسعود انصاری رض

فَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَى أَنَا أَحَقُّ بِذَا مِنْكَ تَجَاوَزُوا عَنْ عَبْدِي

پس گفت خدا تعالیٰ که من که هم سزاوارترم بدان از تو در گذر کنید از بنده من

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی قتاده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلِفِ فِي الْبَيْعِ فَإِنَّهُ يُنَفِّقُ ثُمَّ

علیه وسلم دور دارید خود را از بسیار سوگند در بیع زیرا که سوگند رواج میدهد در کالا پس

يَمْحَقُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ

باطل میگرداند برکت را رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْحَلِفُ مُنَفِّقَةٌ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را میفرمود که سوگند محل رواج است

[illegible]

لِلسِّلْعَةِ مُمْحِقَةٌ لِلْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ

مر کالاے را ومحق کا اینده است برکت را متفق علیه و روایت است از ابی ذر

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلٰثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت سه کس اند که کلام نمیکند با ایشان خدا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ

روز قیامت و نظر رحمت نمیکند بسوے ایشان و پاک نمیگرداند از گناهان ایشان و مر ایشان را

أَلِيمٌ قَالَ أَبُو ذَرٍّ خَابُوا وَخَسِرُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

دردناک گفت ابوذر نومید شدند و زیانکار شدند، کیستند آنها اے رسول خدا

قَالَ الْمُسْبِلُ وَالْمَنَّانُ وَالْمُنَفِّقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلِفِ الْكَاذِبِ

گفت آنحضرت یکے از آن فرو ازکننده ازار است بطریق تکبر دوم منت نهنده بعد از عطا و سوم رواج دهنده متاع خود به سوگند دروغ

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ

صلی الله علیه وسلم بازرگان راست گو امانت دار محشور می شود روز قیامت با پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَ

و صدیقان و شهیدان رواه الترمذی والدارمی

الدَّارَقُطْنِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض وَعَنْ

و دارقطنی و روایت کرد این حدیث را ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت است از

عُبَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبید بن رفاعه از پدر خود از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ التُّجَّارُ يُحْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنِ اتَّقٰى وَبَرَّ

فرمود آنحضرت سوداگران حشر کرده می شوند روز قیامت فجار مگر کسیکه پرهیزگاری کند از حرام

وصدقة رواه الترمذي وابن ماجة والدارمي وروى

و راست گوید رواه الترمذی وابن ماجه والدارمی و روایت است از

البيهقي في شعب الايمان عن البراء

بیهقی در شعب الایمان از براء

باب الربوٰ

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آنرا در

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده آنهارا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده می شود بر آن مال

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده میشود بآن پیشانی‌های ایشان و پهلوهای ایشان و پشت‌های ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

و گفته شود اینست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

الذين يأكلون الربوٰا لا يقومون الا كما يقوم الذي

کسانیکه میخورند سود را برنخیزند از گور مگر چنانکه برمیخیزد کسیکه

يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما

دیوانه ساخته او را شیطان بسبب آسیب رسانیدن این بسبب آن است که ایشان گفتند

البيع مثل الربوٰا واحل الله البيع وحرم الربوٰا فمن

سوداگری مانند سود است و حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را پس کسیکه

جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره

آمد ویرا پند از جانب پروردگار خود پس باز ماند از گرفتن ربا پس او راست آنچه گذشت و کار او

اِلَى اللّٰهِ وَمَنْ عَادَ فَاُولٰئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝
بخدا و کسیکه بازگشت بسود خواری پس آن گروه باشندگان دوزخ اند همیشه در آن باشند
يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
نابود می سازد خدا برکت سود را و افزون می سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هر
كَفَّارٍ اَثِيْمٍ ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ
ناسپاس گناهگار را ای مومنان حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه مانده است
مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝ فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاْذَنُوْا بِحَرْبٍ
از سود اگر هستید از اهل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بجنگی
مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُوْنَ
از خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شما راست اصل مالهای شما نه شما ستم کنید
وَلَا تُظْلَمُوْنَ ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوا الرِّبٰوا
و نه شما ستم کرده شوید ای مومنان مخورید سود را
اَضْعَافًا مُّضٰعَفَةً وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ وَاتَّقُوا
دو چند از تو بر تو و بترسید خدا را تا باشد که رستگار شوید و بترسید
النَّارَ الَّتِيْ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ۝ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ
از آن آتشی که آماده کرده شده است برای کافران و فرمان برید خدا و پیغامبر را
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝ عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
شاید که شما مهربانی کرده شوید روایت است از جابر رض گفت لعنت کرده است آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰكِلَ الرِّبٰوا وَمُوْكِلَهٗ وَكَاتِبَهٗ
صلی الله علیه وسلم خورنده ربا را و خورانندهٔ ربا را و نویسنده آنرا
وَشَاهِدَيْهِ وَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ
و گواهان آنرا و فرمود که ایشان برابر اند در لعنت رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

جزء سیوم ع ۱

جزء سیوم ع ۲

عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيَاْتِيَنَّ عَلَى
از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت ہر آئینہ می آید بر
النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقٰى اَحَدٌ اِلَّا اٰكِلُ الرِّبٰوا فَاِنْ لَّمْ يَاْكُلْهُ
مردمان زمانے کہ باقی نمی ماند ہیچ یکے مگر آنکہ بخورد ربوا پس اگر نخورد ربا
اَصَابَهٗ مِنْ بُخَارِهٖ وَيُرْوٰى مِنْ غُبَارِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ
میرسد اورا از بخار وا ثرآن و روایت کردہ شد من غبارہ یعنے میرسد اگرد ور رواہ احمد وابو داود
وَالنَّسَائِىُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حَنْظَلَةَ
والنسائے وابن ماجہ در روایت است از عبد اللہ بن حنظلہ
غَسِيْلِ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
کہ اورا غسیل ملائکہ گویند گفت عبد اللہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم
دِرْهَمُ رِبًا يَاْكُلُهُ الرَّجُلُ وَهُوَ يَعْلَمُ اَشَدُّ مِنْ سِتَّةٍ وَّ
یک درہم کہ بخورد آنرا مرد حال آنکہ وے میداند کہ از سود است سخت تر است از شش
ثَلٰثِيْنَ زِنْيَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارَقُطْنِىُّ وَرَوَى الْبَيْهَقِىُّ فِىْ
وسی و شش زنا رواہ احمد و دار قطنے و روایت کرد بیہقے در
شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض وَزَادَ وَقَالَ مَنْ نَبَتَ لَحْمُهٗ
شعب الایمان و زیادہ کرد بیہقی از ابن عباس رض ابن عباس رض نیز و گفت کسیکہ بروید گوشت او
مِنَ السُّحْتِ فَالنَّارُ اَوْلٰى بِهٖ وَعَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض
از حرام پس آتش دوزخ سزاوار است بوے و روایت است از ابی ہریرہ رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلرِّبٰوا سَبْعُوْنَ
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سود خوردن ہفتاد پارہ است
جُزْءًا اَيْسَرُهَا اَنْ يَّنْكِحَ الرَّجُلُ اُمَّهٗ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض
ادنای آن ہفتاد پارہ این است کہ وطی کند مرد مادر خود را و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الرِّبٰو

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم بدرستیکه مال ربا

وَإِنْ كَثُرَ فَإِنَّ عَاقِبَتَهُ تَصِيْرُ إِلَى قُلٍّ رَوَاهُمَا ابْنُ مَاجَةَ

اگرچه بسیار باشد پس تحقیق پایان کار وے باز میگردد بسوے کمی و نقصان روایت کرد هر دو حدیث را ابن ماجه

وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَرَوَى أَحْمَدُ الْأَخِيْرَ وَعَنْ

و بیهقی در شعب الایمان و روایت کرد احمد حدیث اخیر را و از

أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَيْتُ

ابوهریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم آمدم

لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِيْ عَلَى قَوْمٍ بُطُوْنُهُمْ كَالْبُيُوْتِ فِيْهَا الْحَيَّاتُ

در شب معراج بر گروهے که شکمهای ایشان مانند خانهای که دران ماریها اند

تُرٰى مِنْ خَارِجِ بُطُوْنِهِمْ فَقُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا

دیده میشوند آن ماریها از بیرون شکمهاے ایشان پس گفتم من کیستند این گروه اے

جِبْرَئِيْلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ أَكَلَةُ الرِّبٰوا رَوَاهُ أَحْمَدُ

جبرئیل گفت این گروه خورندهٔ ربا اند رواه احمد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض أَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و ابن ماجه و روایت است از علی مرتضی رض که وی شنید آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ آكِلَ الرِّبٰوا

صلے الله علیه وسلم که لعنت میکرد خورندهٔ ربا را

وَمُوْكِلَهُ وَكَاتِبَهُ وَمَانِعَ الصَّدَقَةِ وَكَانَ

و خوراننده آنرا و کاتب آنرا و منع کننده زکوة را و بود آنحضرت

يَنْهٰى عَنِ النَّوْحِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض

که نهی میکرد از نوحه کردن رواه نسائی و از انس رض مرویست

[illegible]

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اقرض احدكم
گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم چون بدهد یکے از شما دیگری را
قرضا فاهدى إليه او حمله على الدابة فلا يركبه
وام پس هدیه فرستد آن که قرض گرفته است کسی قرض دهنده یا سوار گرداند او را بر مرکوب پس باید که سوار
ولا يقبلها الا ان يكون جرى بينه وبينه قبل ذلك رواه
وقبول نکند آن هدیه را مگر آنکه جاری است رعادت شده است میان این و آن پیش از معامله قرض روا
ابن ماجة والبيهقي في شعب الايمان وعنه عن النبي
ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و روایت است هم از انس رض از آنحضرت
صلى الله عليه وسلم قال اذا اقرض الرجل الرجل فلا يأخذ
صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت وقتیکه قرض دهد مرد مرد دیگر را پس باید که هدیه نگیرد
هدية رواه البخاري في تاريخه هكذا في المنتقى
از وام دهنده روایت کرد بخاری در تاریخ خود این چنین است در منتقی
وعن ابي بردة بن ابي موسى رض قال قدمت المدينة
و روایت است از ابی برده فرزند ابی موسی رض گفت قدوم آوردم مدینه را
فلقيت عبد الله بن سلام فقال انك بارض فيها الربوا
پس ملاقات کردم عبد الله بن سلام را پس گفت عبد الله رض بدرستیکه تو بر زمینے هستی که در و ربوا
فاش فاذا كان لك على رجل حق فاهدى اليك حمل تبن
آشکارا است پس چون باشد مر ترا بر مردی حقے یعنی وام پس بفرستد آن مرد بسوی تو پشتواره کاه
او حمل شعير او حمل قت فلا تأخذه فانه ربوا رواه
یا پشتواره جو یا بفرستد بار علف پس مگیر آنرا پس تحقیق آن حکم ربا دارد روایت کرد
البخاري وعن الاسود بن ذهب رض دخلت على رسول الله
بخاری و روایت است از اسود بن ذهب درآمدم بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَلَا أُنَبِّئُكَ بِشَيْءٍ مِّنَ الرِّبٰوا عَسَى اللّٰهُ

صلی الله علیه وسلم پس فرمود آیا خبر دهم ترا بچیزے که از ربا باشد عنقریب خدا تعالی

أَنْ يَّنْفَعَكَ بِهٖ قُلْتُ بَلٰى قَالَ إِنَّ الرِّبٰوا أَبْوَابٌ اَلْبَابُ مِنْهُ عَدْلُ

نفع دهد ترا بآن گفتم آن یا رسول خدا فرمود بدرستیکه سود انواع و اقسام است قسمی از آن برابر هفتاد

بِسَبْعِيْنَ حُوْبًا أَدْنَاهَا فَجْرَةٌ كَاضْطِجَاعِ الرَّجُلِ مَعَ أُمِّهٖ وَإِنَّ

لوز معصیت را ادنا گناه آن بیحیائی است مانند خفتن مرد با مادر خود و بدرستیکه

أَرْبَى الرِّبٰوا اِسْتِطَالَةُ الْمَرْءِ فِيْ عِرْضِ أَخِيْهِ بِغَيْرِ حَقٍّ. ابن مندة وأبو نعيم

سخت تر ربا آبروریزی مرد است با برادر خود بناحق و ناروا روایت کرد این حدیث را ابن منده و ابونعیم

بَابُ الْاِحْتِكَارِ

عَنْ عُمَرَ رضـ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجَالِبُ

روایت است از عمر رضـ از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کشنده

مَرْزُوْقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُوْنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

رزق داده شده است ونگاهدارنده لعنت کرده شده رواه ابن ماجه والدارمی

وَعَنْ مَعْمَرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از معمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَنِ احْتَكَرَ فَهُوَ خَاطِئٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضـ

کسیکه احتکار کند پس آن عاصی و آثم است رواه مسلم و روایت است از عمر بن الخطاب رضـ

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنِ احْتَكَرَ

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه احتکار کند

عَلَى الْمُسْلِمِيْنَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللّٰهُ بِالْجُذَامِ وَالْإِفْلَاسِ

بر مسلمانان طعام ایشان را بزند او را خدا تعالی بجذام که مرضی مشهور است و بافلاس

رواه ابن ماجة والبيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه

روا ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و رزین در کتاب خود

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من احتكر طعاما اربعين يوما يريد به الغلاء فقد برئ

کسیکه احتکار کند طعامی را چهل روز در حالیکه میخواهد بان گرانی غله را پس بدرستیکه بیزار شد آن

من الله وبرئ الله منه رواه رزين وعن معاذ رض

از خدا و بیزار شد خدا تعالی از وے رواه رزین و روایت است از معاذ رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بئس العبد

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت بد بنده ایست

المحتكر ان ارخص الله الاسعار حزن وان اغلاها فرح

احتکار کننده اگر ارزان گرداند خدا نرخ ها را اندوهگین گردد و اگر گران گرداند نرخها را شاد گردد

رواه البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه وعن

رواه بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود و روایت است از

ابي امامة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من

ابی امامه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه

احتكر طعاما اربعين يوما ثم تصدق به لم يكن له

احتکار کند غله چهل روز پس تصدق کرد بآن طعام نمی باشد آن تصدق کردن مر او را

كفارة رواه رزين

پوشنده گناه وی رواه رزین

باب الافلاس والانظار والتشديد في الدين

وَاِنْ كَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَيْرٌ

واگر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تا توانگری و آنکه خیرات کنید بهتر است

لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ

شمارا اگر هستید دانسته و حذر کنید از آن روز که باز گردانیده شوید در آن بسوی خدا

ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ۝ عَنْ

پس تمام داده شود هر شخصی آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَانَ

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بود

رَجُلٌ يُدَايِنُ النَّاسَ فَكَانَ يَقُوْلُ لِفَتَاهُ اِذَا اَتَيْتَ مُعْسِرًا

مردی که معامله میکرد مردم را بوام پس بود میگفت مر غلام خود را وقتیکه بیائی تو فقیری را

تَجَاوَزْ عَنْهُ لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ يَّتَجَاوَزَ عَنَّا قَالَ فَلَقِيَ اللّٰهَ فَتَجَاوَزَ

درگذر از وی شاید که خدا درگذرد از ما فرمود آنحضرت پیش آمد آن مرد خدا را پس گذشت او ولی

عَنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ

از وی متفق علیه و روایت است از ابی قتاده رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهٗ اَنْ يُّنْجِيَهُ اللّٰهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه شاد میگرداند او را که رستگار گرداند او را خدا

مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فَلْيُنَفِّسْ عَنْ مُّعْسِرٍ اَوْ يَضَعْ عَنْهُ

از اندوههای روز قیامت پس باید که تاخیر کند طلب وام را از فقیر یا نهد وام را از وی

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

رواه مسلم و هم از ابی قتاده است گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ اَنْظَرَ مُعْسِرًا اَوْ وَضَعَ عَنْهُ

الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه مهلت دهد معسر را یا نهد وام را از وی

أنجاه الله من كرب يوم القيمة رواه مسلم وعن

رستگاری دهد او را خدای تعالی از اندوههای روز قیامت رواه مسلم در روایت است از

أبي اليسر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی الیسر رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يقول من أنظر معسرا أو وضع عنه أظله الله في ظله

که میگفت کسیکه مهلت دهد مفلس را یا بنهد وام را از گردن وی جای دهد او را خدا در سایه عنایت خود

رواه مسلم وعن عمران بن حصين رض قال قال

رواه مسلم و روایت است از عمران بن حصین رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان له على رجل حق

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه باشد مر او را بر مردی حقی و وامی

فمن أخره كان له بكل يوم صدقة رواه أحمد

پس تاخیر کرد آنرا از کسیکه بر وی حق است باشد مر صاحب حق را هر روز ثواب صدقه رواه احمد

وعن جابر رض قال كان لي على النبي صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت که بود مرا بر آنحضرت صلی الله علیه

وسلم دين فقضاني وزادني رواه أبو داود وعن

وسلم وامی پس ادا کرد مرا و زیاده کرد چیزی بطریق انعام رواه ابو داود و روایت است از

عبد الله بن أبي ربيعة قال استقرض مني النبي صلى الله

عبد الله بن ابی ربیعه گفت قرض گرفت از من آنحضرت صلی الله

عليه وسلم أربعين ألفا فجاءه مال فدفعه إلي وقال

علیه وسلم چهل هزار پس آمد آنحضرت را مالی پس دفع کرد آن چهل هزار را بسوی من و فرمود

بارك الله تعالى في أهلك ومالك إنما جزاء السلف الحمد

برکت کند خدا تعالی در اهل تو و در مال تو جز این نیست پاداش قرض ستایش و شکر

ولا داء رواه النسائي وعن ابي هريرة رض ان رجلا

و دادار آن رواه النسائی و روایت است از ابی هریره رض که مردے

تقاضى رسول الله صلى الله عليه وسلم فاغلظ له فهم اصحابه

طلب کرد از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس سخت گفت پس قصد کردند یاران

فقال دعوه فان لصاحب الحق مقالا واشتروا له بعيرا

ایذای مرد را پس فرمود که بگذارید او را زیرا که مر صاحب حق را جای گفتن هست و بخرید برای وی شترے

فاعطوه اياه قالوا لا نجد الا افضل من سنه قال اشتروه

پس بدهید او را آن شتر گفتند اصحاب نمی یابیم مگر زیاده تر از سال شتر وی فرمود بخرید آنرا

فاعطوه فان خيركم احسنكم قضاء متفق عليه وعنه

پس بدهید وی را زیرا که بهترین شما نیکوتر شما است در ادا دین متفق علیه و هم از وی مروی

مطل

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال مطل الغني ظلم

که پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود دیر داشتن توانگر وام را ظلم است

فاذا اتبع احدكم على ملي فليتبع متفق عليه وعن

پس چون در پے فرستاده شود یکے از شما بر توانگر یعنی حواله کرده شود پس باید که قبول کند متفق علیه و از

ابي هريرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من اخذ

ابی هریره مرویست از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت کسیکه بگیرد

اموال الناس يريد اداءها ادى الله عنه ومن اخذ

مالهاے مردم را یعنی بوام در حالتیکه میخواهد ادای آن ادا میکند خدای تعالی از جانب آن کسیکه

يريد اتلافها اتلفه الله عليه رواه البخاري وعن

در حالیکه میخواهد هلاک کردن مال مردم را هلاک میگرداند خدا بروی یعنی اعانت نمیکند روایت بخاری و از

ابي قتادة رض قال قال رجل يا رسول الله ارأيت ان قتلت

ابی قتاده رض گفت گفت مردے ای رسول خدا خبر ده اگر کشته شوم

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ يُكَفِّرُ اللّٰهُ
در راه خدا صبر کننده امید ثواب دارنده روی آرنده و پشت ندهنده آیا می پوشد خدا تعالی
عَنِّي خَطَايَايَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَمْ فَلَمَّا
از من گناهان من فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری می پوشد گناهان پس چون
أَدْبَرَ نَادَاهُ فَقَالَ نَعَمْ إِلَّا الدَّيْنَ كَذٰلِكَ قَالَ جِبْرَئِيلُ رَوَاهُ
پشت آن مرد بخواند او را پس گفت آنحضرت آری می بخشد همه گناه را مگر وام همچنین گفت جبرئیل روایت
مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
مسلم در روایت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستی که آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
علیه وسلم فرمود آنحضرت آمرزیده می شود مر شهید را هر گناه مگر وام روایت مسلم
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتّٰى يُقْضٰى عَنْهُ رَوَاهُ
وسلم ذات مسلمان آویخته شده است بوام وی که بر خود دارد تا آنکه گزارده شود دینا
الشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ
الشافعی واحمد والترمذی وابن ماجة والدارمی و روایت است از
الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
براء بن عازب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
صَاحِبُ الدَّيْنِ مَأْسُورٌ بِدَيْنِهِ يَشْكُو إِلٰى رَبِّهِ الْوَحْدَةَ يَوْمَ
خداوند دین محبوس و اسیر است بدین خود گله میکند بسوی پروردگار خود تنهائی و وحشت را روز
الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ
قیامت روایت در شرح السنة و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ اُتِیَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ بِجَنَازَۃٍ لِیُصَلِّیَ عَلَیْھَا

گفت آورده شد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم جنازہ را تا بگذارد بروے نماز

فَقَالَ ھَلْ عَلٰی صَاحِبِکُمْ دَیْنٌ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ ھَلْ تَرَکَ لَہٗ مِنْ

پس گفت آنحضرت آیا ہست بروے دَین گفتند آرے ہست فرمود آیا گذاشتہ است مر دین را چیزی کہ

وَفَاءٍ قَالُوْا لَا قَالَ صَلُّوْا عَلٰی صَاحِبِکُمْ قَالَ عَلِیُّ ابْنُ اَبِیْ طَالِبٍ

وفا کند بآن گفتند گذاشتہ است فرمود نماز گذارید شما بر رفیق خود گفت علی رض ابن ابی طالب

عَلَیَّ دَیْنُہٗ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ فَتَقَدَّمَ فَصَلّٰی عَلَیْہِ وَفِیْ رِوَایَۃٍ مَعْنَاہُ

بر من دین اوست اے رسول خدا پس پیش آمد آنحضرت پس نماز گذارد بروی و در روایتی دیگر معنی

وَقَالَ فَکَّ اللّٰہُ رِھَانَکَ مِنَ النَّارِ کَمَا فَکَکْتَ رِھَانَ اَخِیْکَ

وا این زیادت کہ گفت آنحضرت در حق علی رض کہ خلاص گرداند خدا نفس ترا چنانکہ خلاص کردی نفس برادر

الْمُسْلِمِ لَیْسَ مِنْ عَبْدٍ مُّسْلِمٍ یَقْضِیْ عَنْ اَخِیْہِ دَیْنَہٗ اِلَّا فَکَّ

مسلمان خود را نیست ہیچ بندہ مسلمان کہ گذارد از جانب برادر خود وام او را مگر آنکہ خلاص گرداند

اللّٰہُ رِھَانَہٗ یَوْمَ الْقِیَامَۃِ رَوَاہُ فِیْ شَرْحِ السُّنَّۃِ وَعَنْ

خدا اسے گرو او را روز قیامت رواہ فی شرح السنۃ و روایت است از

ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَھُوَ

ثوبان رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بمیرد و حال آنکہ

بَرِیْءٌ مِّنَ الْکِبْرِ وَالْغُلُوْلِ وَالدَّیْنِ دَخَلَ الْجَنَّۃَ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ

وے بیزار است از کبر و از خیانت کردن در غنیمت و از وام می درآید در بہشت رواہ الترمذی

وَابْنُ مَاجَۃَ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ اَبِیْ مُوْسٰی رض عَنِ النَّبِیِّ

وابن ماجۃ والدارمی و روایت است از ابی موسی رض از آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ اَعْظَمَ الذُّنُوْبِ عِنْدَ اللّٰہِ اَنْ یَّلْقَاہُ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ بدرستیکہ بزرگترین گناہان نزد خدا آنست کہ پیش آید خدا را

بها عبد بعد الكبائر التي نهى الله عنها أن يموت رجل

بآن گناهان بعد از گناهان کبیره که نهی کرده است خدای از آن گناه است که بمیرد بنده وحال آنکه

وعليه دين لا يدع له قضاء رواه أحمد وأبو داود وعن

بروی دین است و نمی گذارد چیزی برای ادای وی رواه احمد و ابو داود و روایت است از

سعد بن الأطول قال مات أخي وترك ثلاث مائة دينار

سعد بن اطول رض گفت مرد برادر من و بگذاشت سه صد دینار

وترك ولدا صغارا فأردت أن أنفق عليهم فقال لي

و گذاشت اولاد خرد و خواستم که خرج کنم آن دینارها را بر اولاد وی پس فرمود مرا

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أخاك محبوس بدينه

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه برادر تو محبوس است از وصول نعمت بسبب دین

فاقض عنه قال فذهبت فقضيت عنه ثم جئت فقلت

پس ادا کن از وی دین را گفت پس رفتم پس قضا کردم دین را از وی پس آمدم پس گفتم

يا رسول الله قد قضيت عنه ولم تبق إلا امرأة تدعي

یا رسول الله بتحقیق ادا کردم دین را از وی و باقی نماند مگر زنی که دعوی میکند

دينارين وليست لها بينة قال أعطها فإنها صادقة

دو دینار را و نیست مر او را گواه گفت آنحضرت بده آن زن را زیرا که وی راست میگوید شاید که بوی داده

رواه أحمد وعن محمد بن عبد الله ابن جحش قال

رواه احمد و روایت است از محمد بن عبد الله ابن جحش گفت

كنا جلوسا بفناء المسجد حيث توضع الجنائز ورسول الله

بودیم نشسته در صحن مسجد آنجا که نهاده میشد جنازه و حال آنکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم جالس بين ظهرينا فرفع رسول الله

صلی الله علیه وسلم نشسته بود میان ما پس برداشت پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَصَرَهٗ قِبَلَ السَّمَاءِ فَنَظَرَ ثُمَّ طَأْطَأَ
صلے اللہ علیہ وسلم بینائی خود را جانب آسمان پس نگاہ کرد بعد پست کرد
بَصَرَهٗ وَوَضَعَ يَدَهٗ عَلٰى جَبْهَتِهٖ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ
بصر خود را و نہاد دست خود را بر پیشانی خود گفت سبحان اللہ سبحان اللہ
مَاذَا نُزِّلَ مِنَ التَّشْدِيْدِ قَالَ فَسَكَتْنَا يَوْمَنَا وَلَيْلَتَنَا فَلَمْ نَرَ
چہ چیز فرود آمد از سخت گرفتن گفت راوی پس خاموش بودیم ما در این روز و شب پس ندیدیم
اِلَّا خَيْرًا حَتّٰى اَصْبَحْنَا قَالَ مُحَمَّدٌ فَسَاَلْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
مگر نیکی را تا آنکہ صبح کردیم گفت راوی محمد پس سوال کردم آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا التَّشْدِيْدُ الَّذِيْ نُزِّلَ قَالَ فِي الدَّيْنِ وَالَّذِيْ
علیہ وسلم را کہ چیست آن تشدید کہ فرود آمد گفت آنحضرت کہ آن تشدد در حق دین است سوگند
نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهٖ لَوْ اَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ عَاشَ
بآنخدای کہ بقای محمد در دست اوست اگر ثابت شد مردے کہ مرد کشتہ شد در راہ خدا بعدہ زندہ شد
ثُمَّ قُتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ عَاشَ ثُمَّ قُتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ
بعدہ کشتہ شد در راہ خدا بعدہ زندہ شد بعدہ کشتہ شد در راہ خدا
ثُمَّ عَاشَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ مَا دَخَلَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يُقْضٰى دَيْنُهٗ رَوَاهُ
بعدہ زندہ شد و حال آنکہ بر وے وام است در نمی آید بہشت را تا آنکہ ادا کردہ شود دین او روایت
اَحْمَدُ وَفِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ نَحْوُهٗ
احمد و در شرح سنہ مانند آن حدیث

بَابُ الْغَصَبِ

وَلَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوْا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ
و مخورید اموال خویشتن را در میان خویش بناحق و مرسانید اموال خود را بسوئے حاکمان

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم و دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

ونزدیک نشوید بمال یتیم و دران تصرف مکنید مگر بعملی که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنی بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیه

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ

وسلم کسیکه بگیرد یک بدست از زمین بستم پس بتحقیق طوق گردانیده شود آن زمین

الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

روز قیامت از هفت زمین متفق علیه و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ يَزِيدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ

عبد اللہ بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم که

نَهَى عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ

نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت مال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن گوش و بینی و روایت است از ابی حرة

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

رقاشی از عم خود رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ إِلَّا بِطِيبِ

وسلم آگاه باشید که ظلم نکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مردی مگر بخوشی

نَفْسٍ مِنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ

نفس از وی روایة بیهقی در شعب ایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَى وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ

در کتاب مجتبی و روایت است از سالم از پدر خود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من اخذ من الارض شبرا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بگیرد از زمین یک دست

بغير حقه خسف به يوم القيمة الى سبع ارضين رواه

بغیر حق شرعی فرو برده شود او را روز قیامت تا هفت زمین رواه

البخاري وعن يعلى بن مرة رض قال سمعت رسول الله

بخاری و روایت است از یعلی بن مره رض گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول من اخذ ارضا بغير حقها كلف

صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه بگیرد زمینے را بناحق تکلیف کرده شود

ان يحمل ترابها المحشر رواه احمد وعنه قال

که بردارد بر سر خاک آن در حشر رواه احمد وهم از وے مرویست که گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ايما رجل ظلم

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت هر مردیکه بظلم بگیرد

شبرا من الارض كلفه الله عز وجل ان يحفره حتى يبلغ

یک شبر را از زمین تکلیف کند او را خدا عز وجل که بکند آن شبر زمین تا آنکه برسد

آخر سبع ارضين ثم يطوقه الى يوم القيمة حتى يقضى

آخر هفت زمین را پس طوق گردانیده شود آن زمین او را تا آخر روز قیامت تا آنکه تمام کرده شود

بين الناس رواه احمد وعن ابي بكرة رض قال

حکم میان مردم رواه احمد و روایت است از ابی بکره رض گفت

خطبنا النبي صلى الله عليه وسلم يوم النحر قال ان الزمان

که خطبه خواند مارا آنحضرت صلی الله علیه وسلم روز نحر و گفت که زمان یعنے سال

قد استدار كهيئته يوم خلق الله السموات والارض

بتحقیق بازگشت بهیچ هیئت و وضعے که در روز پیدا کردن خدا آسمانها و زمین را بود

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم و دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

و نزدیک نشوید بمال یتیم و در ان تصرف مکنید مگر بطریقی که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنی بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در روایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِّنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ

وسلم کسیکه بگیرد یک بدست از زمین بستم پس بتحقیق طوق گردانیده شود آن زمین

الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

روز قیامت از هفت زمین متفق علیه و در روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ يَزِيدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ

عبد الله بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که

نَهَى عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ

نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت مال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن بینی و گوش و غیره و روایت است از ابی حره

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

رقاشی از عم خود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ إِلَّا بِطِيبِ

وسلم آگاه باشید که ظلم مکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مرد مگر بخوشی

نَفْسٍ مِنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ

نفس از وے روایت بیهقی در شعب ایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَى وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ

در کتاب مجتبی و در روایت است از سالم او از پدر خود رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ اَخَذَ مِنَ الْاَرْضِ شِبْرًا
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگیرد از زمین یک بدست

بِغَیْرِ حَقِّہٖ خُسِفَ بِہٖ یَوْمَ الْقِیٰمَۃِ اِلٰی سَبْعِ اَرَضِیْنَ رَوَاہُ
بغیر حق شرعی فرو برده شود او را روز قیامت تا هفت زمین رواه

الْبُخَارِیُّ وَعَنْ یَعْلَی بْنِ مُرَّۃَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ
بخاری و روایت است از یعلی بن مره رض گفت شنیدم آنحضرت

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ مَنْ اَخَذَ اَرْضًا بِغَیْرِ حَقِّہَا کُلِّفَ
صلی اللہ علیہ وسلم را که میگفت کسیکه بگیرد زمینے را بنا حق تکلیف کرده شود

اَنْ یَّحْمِلَ تُرَابَہَا الْمَحْشَرَ رَوَاہُ اَحْمَدُ وَعَنْہُ قَالَ
که بردارد بر سر خاک آن در حشر رواه احمد وهم از وے مرویست که گفت

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ اَیُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ
شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را که میگفت هر مردے که بظلم بگیرد

شِبْرًا مِّنَ الْاَرْضِ کَلَّفَہُ اللّٰہُ عَزَّ وَجَلَّ اَنْ یَّحْفِرَہٗ حَتّٰی یَبْلُغَ
یک شبر را از زمین تکلیف کند او را خدا عز وجل که بکند آن شبر زمین تا آنکه برسد

اٰخِرَ سَبْعِ اَرَضِیْنَ ثُمَّ یُطَوَّقُہٗ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَۃِ حَتّٰی یُقْضٰی
آخر هفت زمین را پس طوق پیدا نیده شود آن زمین او را تا آخر روز قیامت تا آنکه تمام کرده شود

بَیْنَ النَّاسِ رَوَاہُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِیْ بَکْرَۃَ رض قَالَ
حکم میان مردم رواه احمد و روایت است از ابی بکره رض گفت

خَطَبَنَا النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَوْمَ النَّحْرِ قَالَ اِنَّ الزَّمَانَ
که خطبه خواند ما را آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم روز نحر و گفت که زمان یعنے سال

قَدِ اسْتَدَارَ کَہَیْئَتِہٖ یَوْمَ خَلَقَ اللّٰہُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
بتحقیق باز گشت ہمچو ہیئت و صورتے که در روز پیدا کردن خدا آسمانها و زمین را بود

السَّنَةُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا مِنْهَا اَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ثَلٰثٌ مُتَوَالِيَاتٌ

سال دوازده ماه است از ان چهار ماه حرام است سه ماه پیهم آینده اند

ذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ وَالْمُحَرَّمُ وَرَجَبُ مُضَرَ الَّذِيْ بَيْنَ

وآن ذوالقعده وذوالحجه ومحرم ورجب که منسوب است بسوی قبیله مضر است آنکه میان

جُمَادٰى وَشَعْبَانَ وَقَالَ اَيُّ شَهْرٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ

جمادی الاخری وشعبان است وگفت آنحضرت کدام ماه است این گفتیم ما خدا ورسول خدا

اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ بِغَيْرِ اسْمِهٖ فَقَالَ

دوناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم ما که آنحضرت نزدیک است که نام برد او را بجز نام او

اَلَيْسَ ذَا الْحِجَّةِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ اَيُّ بَلَدٍ هٰذَا قُلْنَا اللّٰهُ

آیا نیست این ماه ذوالحجه گفتیم ما آری فرمود آنحضرت که کدام شهر است این گفتیم خدا

وَرَسُوْلُهٗ اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ بِغَيْرِ

ورسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم تحقیق نزدیک است که نام برد آنکه

اسْمِهٖ قَالَ اَلَيْسَ الْبَلْدَةَ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَاَيُّ يَوْمٍ هٰذَا

نام او فرمود آیا نیست این بلده گفتیم آری فرمود پس کدام روز است این

قُلْنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اَعْلَمُ فَسَكَتَ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهٗ سَيُسَمِّيْهِ

گفتیم خدا ورسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم که آنحضرت قریب است

بِغَيْرِ اسْمِهٖ قَالَ اَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ قُلْنَا بَلٰى قَالَ فَاِنَّ

که نام دیگر برد فرمود آنحضرت آیا نیست این روز نحر گفتیم آری فرمود آنحضرت پس بدرستیکه

دِمَاءَكُمْ وَاَمْوَالَكُمْ وَاَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ

خونهای شما ومالهای شما وآبروهای شما بر شما حرام است مانند حرمت

يَوْمِكُمْ هٰذَا فِيْ بَلَدِكُمْ هٰذَا فِيْ شَهْرِكُمْ هٰذَا وَسَتَلْقَوْنَ

روز شما که این است در شهر شما که این شهر است ونزدیک است که پیش آیید

رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ أَلَا فَلَا تَرْجِعُوا بَعْدِي ضُلَّالًا

به پروردگار شما پس پرسد پروردگار شما از کردار شما آگاه باشید پس مگردید بعد از رفتن من از دنیا گمراهان

يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ

که بزند بعضے از شما گردنهای بعضی را آگاه باشید آیا هست که رسانیدم رسالت را گفتند آرے گفت آنحضرت

اَللّٰهُمَّ اشْهَدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى

بار خدایا گواه باش پس باید که برساند حاضر کسی را که غایب است پس بسا کسیکه رسانیده شده است یاد دارنده تر است

مِنْ سَامِعٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ

از کسیکه شنیده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر رضؔ بدرستیکه او شنید

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه دعوی کرد چیزی را که نیست مر او را

فَلَيْسَ مِنَّا وَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس آنکس نیست از ما و باید که بگیرد جای خود را از آتش روا مسلم و روایت است از

خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ رض قَالَ غَزَوْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

خالد بن ولید رضؔ گفت غزا کردم همراه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوْمَ خَيْبَرَ فَأَتَتِ الْيَهُودُ فَشَكَوْا أَنَّ النَّاسَ قَدْ

وسلم بروز جنگ خیبر پس آمدند یهود پس شکایت کردند که مردمان بتحقیق

أَسْرَعُوا إِلَى حَظَائِرِهِمْ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سرعت کردند بسوی درختان خرمای ما پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَحِلُّ أَمْوَالُ الْمُعَاهَدِينَ إِلَّا بِحَقِّهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

وسلم آگاه باشید که حلال نیست مالهاے اهل ذمه مگر بحق آن رواه ابو داود

بَابُ الْإِسْتِسْقَاءِ

لا يحل اموال المعاهدين

الا بحقها

فليتبوأ مقعده

من النار

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
روایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت کہ لعنت کرد آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ
علیہ وسلم رشوت دہندہ را و گیرندہ را روا ابو داؤد و ابن ماجہ
وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ وَرَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ
و روا ترمذی از عبد اللہ و از ابی ہریرہ و روا احمد و البیہقی
فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ عَنْ ثَوْبَانَ وَزَادَ وَالرَّائِشَ يَعْنِيْ الَّذِيْ
در شعب ایمان از ثوبان مولی آنحضرت و زیادہ کرد بیہقی لفظ الرائش یعنی آنکس
يَمْشِيْ بَيْنَهُمَا وَعَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ رض أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
کہ پیام کند میان این ہر دو و از ابی امامہ مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَفَعَ لِأَحَدٍ شَفَاعَةً فَأَهْدَى لَهُ هَدِيَّةً عَلَيْهَا
علیہ وسلم فرمود کسیکہ شفاعت کرد مر کسیرا پس ہدیہ فرستادہ شد مر آنکس را برایں شفاعت
فَقَبِلَهَا فَقَدْ أَتَى بَابًا عَظِيْمًا مِنْ أَبْوَابِ الرِّبَوا رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ
پس قبول کرد آنرا پس تحقیق آمد او باب عظیم را از ابواب ربوا رواہ ابو داؤد

بَابٌ فِي الْهِبَةِ وَالْهَدِيَّةِ

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ
و روایت است از انس رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود کہ
لَا يَرُدُّ الطِّيْبَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ
رد نمیکرد قسم خوش بوی را رواہ بخاری و روایت است از ابی ہریرہ رض از
النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ہدیہ فرستید زیراکہ ہدیہ دور میکند

وَحَرَ الصَّدْرِ وَلَا تَحْقِرَنَّ جَارَةٌ لِجَارَتِهَا وَلَوْ شِقَّ

وحر سینه را و باید که حقیر نپندارد هیچ زن برائے زنے که همسایه اوست اگرچه

فِرْسِنِ شَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ

بفرسنه سم گوسپند رواه ترمذی و روایت است از جابر رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أُعْطِيَ عَطَاءً فَوَجَدَ فَلْيَجْزِ بِهِ وَمَنْ

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه داده شده و بشئے پس یافت آنکس را پس باید که پاداش دهد و

لَمْ يَجِدْ فَلْيُثْنِ فَإِنَّ مَنْ أَثْنَى فَقَدْ شَكَرَ وَمَنْ كَتَمَ فَقَدْ كَفَرَ

نیابد پس باید که ثنا کند دهنده را زیرا که کسیکه ثنا گوید پس بتحقیق شکر کرد و کسیکه پوشید احسان را پس تحقیق کفر کرد

وَمَنْ تَحَلَّى بِمَا لَمْ يُعْطَ كَانَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُورٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وکسیکه بیاراید خود را بچیزیکه داده نشد میباشد آنکس همچو پوشنده دو جامه دروغ رواه ترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و ابو داؤد و روایت است از اسامه بن زید گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه کرده شد بسوئے وے احسان پس گفت مر احسان کننده را

جَزَاكَ اللّٰهُ خَيْرًا فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

جزاک الله خیرا پس بتحقیق مبالغه کرد در ثنائے او رواه ترمذی و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللّٰهَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

شکر نگوید مردم را در احسانات شکر نگوید خدائے را رواه احمد والترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هدیه بفرستید زیرا که هدیه دور میکند کینه ها و دشمنی ها را رواه ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ لَا تُرَدُّ الْوَسَائِدُ وَالدُّهْنُ وَاللَّبَنُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سه چیز است که رد کرده نشود یکے بالینها دوم روغن سوم شیر رواه ترمذی

وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ قِيلَ أَرَادَ بِالدُّهْنِ الطِّيبَ وَعَنْ

وگفت این حدیث غریب است گفته شد که مراد آنحضرت از لفظ دهن خوشبوی است واز

أَبِي عُثْمَانَ النَّهْدِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابی عثمان نهدی رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا أُعْطِيَ أَحَدُكُمُ الرَّيْحَانَ فَلَا يَرُدَّهُ فَإِنَّهُ خَرَجَ

وسلم چون داده شود یکے از شما ریحان پس باید که رد نکند آنرا ایس بدرستیکه ریحان بیرون آمده است

مِنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مُرْسَلًا وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

از بهشت رواه ترمذی مرسلا واز ابن عباس رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَائِدُ فِي هِبَتِهِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بازگرداننده در هبه خود یعنی باز ستاننده

كَالْكَلْبِ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ لَيْسَ لَنَا مَثَلُ السَّوْءِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

مانند سگ است که باز میگردد در قی خود ومیخورد آنرا سزاوار نیست ما را حال وقصه بدی رواه بخاری

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رض و ابن عباس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعْطِيَ عَطِيَّةً ثُمَّ يَرْجِعَ فِيهَا

وسلم گفت حلال نیست مر مرد را که بدهد چیزے را از هبه وصدقه وهدیه پستر رجوع کند در وی

اِلَّا الْوَالِدَ فِيْمَا يُعْطِيْ وَلَدَهٗ وَمَثَلُ الَّذِيْ يُعْطِي الْعَطِيَّةَ ثُمَّ يَرْجِعُ

مگر والد در آنچه میدهد فرزند خود را و حال آن کسیکه میدهد بخششے را بستر رجوع میکند

فِيْهَا كَمَثَلِ الْكَلْبِ الَّذِيْ اَكَلَ حَتّٰى اِذَا شَبِعَ قَاءَ ثُمَّ عَادَ فِيْ

دران همچو حال سگ است که خورد چیزی را تا آنکه چون سیر شد قی کرد پس باز گشت در

قَيْئِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

قے خود یعنے خوردن گرفت رواه ابوداود وترمذی والنسائے وابن ماجه

بَابُ الْوَصَايَا

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهٗ شَيْءٌ يُوْصٰى فِيْهِ يَبِيْتُ لَيْلَتَيْنِ اِلَّا

نیست حق مردے مسلمانے که مر او را چیزی است که صلاحیت آن دارد که وصیت کرده شود در وے بگذارد دو شب مگر

وَوَصِيَّتُهٗ مَكْتُوْبَةٌ عِنْدَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض

وصیت وے نوشته شده است نزد وے متفق علیه و روایت است از جابر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ عَلٰى وَصِيَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه مرد بر وصیت یعنی وفات یافت و مرد وصیت کرد

مَاتَ عَلٰى سَبِيْلٍ وَّسُنَّةٍ وَّمَاتَ عَلٰى تُقًى وَّشَهَادَةٍ وَّمَاتَ

مرد بر راه و روش دین و مرد بر تقوی و شهادت و مرد درحالیکه

مَغْفُوْرًا لَهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

آمرزیده شده است مر او را رواه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ مِيْرَاثَ وَارِثِهٖ قَطَعَ اللّٰهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه قطع کند میراث وارث خود را قطع کند خدای تعالی

ميراثه من الجنة يوم القيمة رواه ابن ماجة ورواه البيهقي

ميراث اورا از بهشت روز قيامت رواه ابن ماجه ورواه بيهقي

في شعب الايمان عن ابي هريرة رض وعن انس بن مالك رض

در شعب ايمان از ابي هريره رض و روايت است از انس بن مالك رض

قال كانوا يكتبون في صدور وصاياهم بسم الله الرحمن الرحيم

گفت بودند صحابه رض كه مى نوشتند در شروع وصاياى خود بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما اوصى به فلان انه يشهد ان لا اله الا الله وحده

اين چيزيست كه وصيت كرد بآن فلان بدرستيكه او گواهى ميدهد بآنكه نيست خدا مگر خداى واحد

لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وسلم

كه نه شريك است مراورا و بآنكه محمد بنده او و رسول او است صلى الله عليه وسلم

وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في

و بآنكه قيامت آينده است بلا شك و بآنكه خدا برانگيزد كسى را كه

القبور واوصى من ترك من اهله ان يتقوا الله و يصلحوا

در قبور است و وصيت كرد كسى را كه گذاشته است از اهل و بآنكه پرهيزند از خدا و صلح كنند

ذات بينهم و يطيعوا الله ورسوله ان كانوا مؤمنين واوصاهم

در ميان خود و فرمانبردارى كنند خدا و رسول او را اگر هستند مسلمان و وصيت كرد ايشانرا

بما وصى ابراهيم بنيه و يعقوب ان الله اصطفى

بآنكه وصيت كرد ابراهيم فرزندان خود را و يعقوب بدرستيكه خدا اختيار كرد برگزيده است

لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون

براى شما اين دين را پس از اين جهان مرويد مگر مسلمان

عب ض وسنده صحيح

و سند آن صحيح است

بَابُ الْاِجَارَةِ

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی ثَلٰثَةٌ اَنَا خَصْمُهُمْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
وسلم فرمود خدا تعالی سہ کس اند کہ من پیکار کنندہ ایشانم روز قیامت
رَجُلٌ اَعْطٰی بِیْ ثُمَّ غَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَاَكَلَ ثَمَنَهٗ
یکے مردیست کہ دادہ است عہد بنام من پس بیوفا کرد و دیگر مردیکہ فروخت آزاد را پس خورد بہای آنرا
وَرَجُلٌ اسْتَاْجَرَ اَجِیْرًا فَاسْتَوْفٰی مِنْهُ وَلَمْ یُعْطِهٖ اَجْرَهٗ
وسوم مردیست کہ بکرایہ گرفت مزدوری را پس استیفا کرد ازو یعنی عمل را و نداد او را مزدوری او را
رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ
رواہ بخاری و روایت است از عبداللہ بن عمر رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اَجْرَهٗ قَبْلَ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدہید مزدور را مزد او پیش از آنکہ
اَنْ یَّجِفَّ عَرَقُهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ
خشک شود خوی او رواہ ابن ماجہ و روایت است از ابی ہریرہ رض
اَنَّهٗ عَلَّمَ رَجُلًا سُوْرَةً مِّنَ الْقُرْاٰنِ فَاَهْدٰی اِلَیْهِ ثَوْبًا
بدرستیکہ او تعلیم کرد مردی را یک سورہ از قرآن پس ہدیہ فرستاد آن مرد بسوی ابوہریرہ یک جامہ
اَوْ خَمِیْصَةً فَذَكَرَ ذٰلِكَ لِلنَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ
یا خمیصہ بود پس ذکر کردہ شد مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم پس فرمود
اِنَّكَ اِنْ اَخَذْتَهٗ اُلْبِسْتَ ثَوْبًا مِّنَ النَّارِ عَبْدُ بْنُ حُمَیْدٍ وَرَوَاهُ ثِقَاتٌ
بدرستیکہ تو اگر میگیری او پوشی تو پارچہ از آتش عبد بن حمید گفت کہ راویان این حدیث ہمہ ثقہ اند

[illegible]

كتاب النكاح

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ

واگر دانید که عدل نتوانند کرد در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا

مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا

از سائر زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر دانید که درینصورت نیز عدل نتوانید کرد

فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۔ وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم

پس نکاح کنید یک زن را یا [illegible] آنرا که مالک شده دست شما و نکاح مکنید کسیرا که نکاح او کرده [illegible]

مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ عن عبد الله

از زنان [illegible] محصنین غیر مسافحین روایت است از عبد الله

بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

يا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج

ای گروه جوانان کسیکه طاقت دارد از شما نکاح را پس باید که نکاح کند

فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج ومن لم يستطع فعليه

پس بتحقیق که نکاح پوشنده تر است مر نظر را و نگاهدارنده تر است شرمگاه را و کسیکه طاقت نکاح ندارد پس بروی است

بالصوم فإنه له وجاء متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو

گرفتن روزه [illegible] پس بتحقیق روزه داشتن [illegible] خصی کردن است و از عبد الله بن عمرو مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الدنيا كلها متاع

گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم که دنیا همه نفع گرفتن و آسایش است

وخير متاع الدنيا المرأة الصالحة رواه مسلم وعن

و بهترین منافع دنیا زن نیکوکار است رواه مسلم و از

أبي هريرة رضه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ثلاثة

ابی ہریرہ رضہ بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سہ چیز اند

حق على الله عونهم المكاتب الذي يريد الأداء والناكح الذي

کہ ثابت است برخدا یاری دادن ایشان یکی مکاتب کہ میخواہد ادا دوم نکاح کنندہ کہ

يريد العفاف والمجاهد في سبيل الله رواه الترمذي والنسائي

میخواہد پارسائی را سوم کسیکہ کارزار میکند در راہ خدا روایت است از ترمذی والنسائی

وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابن ماجہ وہم از ابی ہریرہ رضہ مرویست گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

إذا خطب إليكم من ترضون دينه وخلقه فزوجوه إلا تفعلوه

وقتیکہ خواستگاری کند بسوی شما کسیکہ راضی ہستید شما دین او را وخلق او را پس تزویج کنید او را اگر نکنید شما

تكن فتنة في الأرض وفساد عريض رواه الترمذي

پیدا میشود آزمایش وبلا در زمین وتباہی وخرابی بسیار رواہ ترمذی

وعن معقل بن يسار قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از معقل بن یسار گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

تزوجوا الودود الولود فإني مكاثر بكم الأمم رواه أبو داود

نکاح کنید زن دوست دارندہ شوہر را بسیار زائندہ را زیرا کہ من غالب آیندہ ام بسبب شما امتہا را

والنسائي وعن عبد الرحمن بن سالم بن عتبة بن عويم

والنسائی وروایت است از عبد الرحمن بن سالم بن عتبہ بن عویم

بن ساعدة الأنصاري عن أبيه عن جده قال قال رسول الله

بن ساعدہ انصاری از پدرش وآن از جدش گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم عليكم بالأبكار فإنهن أعذب أفواها

صلی اللہ علیہ وسلم بر شما است کہ نکاح کنید با باکرہ زیرا کہ باکران شیرین ترند دہنہا ایشان

وَاَنْقٰى اَرْحَامًا وَاَرْضٰى بِالْيَسِيْرِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ مُرْسَلًا

و عمل کننده تر است رحمهای ایشان یعنی بیشتر زاینده اند و راضی تر اند باندک و آسان از اموال و خلق و جماع روایت کرد ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَمْ نَرَ لِلْمُتَحَابَّيْنِ مِثْلَ النِّكَاحِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

ندیدیم برای دو کسیکه دوست میدارند یکدیگر را مانند وصله نکاح و از انس مرویست گفت که فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَّلْقَى اللّٰهَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه اراده میکند که پیش آید درگاه حق را پاکیزه

طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَزَوَّجِ الْحَرَائِرَ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ

پاک کرده شده پس باید که نکاح کند زنان اصیل آزاد را و روایت است از ابی امامه رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ يَقُوْلُ مَا اسْتَفَادَ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود حاصل نکرد

الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللّٰهِ خَيْرًا لَّهٗ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ اِنْ

مسلمان بعد از تقوای خدا هیچ چیزے بهتر مر اورا از زن نیک خوی و خوب روی اگر

اَمَرَهَا اَطَاعَتْهُ وَاِنْ نَظَرَ اِلَيْهَا سَرَّتْهُ وَاِنْ اَقْسَمَ

بفرماید مرد آن زن را فرمان برداری او کند و اگر نگاه کند بسوی آن شاد گرداند اورا و اگر سوگند خورد

عَلَيْهَا اَبَرَّتْهُ وَاِنْ غَابَ عَنْهَا نَصَحَتْهُ فِيْ نَفْسِهَا وَمَالِهٖ رَوَى

بر آن زن راست گوی گرداند اورا و اگر غائب گردد مرد از آن زن خیرخواهی کند اورا در نفس خود و مال داد

ابْنُ مَاجَةَ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض

ابن ماجه این سه حدیث را و روایت است از عائشه رض

قَالَتْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَعْظَمَ النِّكَاحِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بزرگترین نکاح

برکة ایسره مؤونة وعن انس رضـ قال قال رسول الله

از روی برکت آسان ترین از روی بار است و روایت است از انس رضـ گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا تزوج العبد فقد استكمل نصف

صلی الله علیه وسلم وقتیکه نکاح کند بنده پس تحقیق کامل میگرداند نصف دین را

الدين فليتق الله في النصف الباقي رواهما البيهقي في

پس باید که به پرهیزد خدا را در نصف باقی رواهما بیهقی در

شعب الايمان وعن ابي سعيد وابن عباس رضـ

شعب الایمان و روایت است از ابی سعید و ابن عباس رضـ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ولد له ولد

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پیدا شود او را فرزند

فليحسن اسمه وادبه فاذا بلغ فليزوجه فان بلغ

پس باید که نام نیک دارد و ادب دهد او را پس چون برسد بلوغ را پس باید که تزویج کند او را پس اگر بالغ شد

ولم يزوجه فاصاب اثما فانما اثمه على ابيه وعن

و نکرد نکاح او پس رسید آن فرزند گناه را پس جز این نیست که گناه او بر پدر او باشد و از

عمر بن الخطاب رضـ وانس بن مالك رضـ عن رسول الله صلى

عمر بن الخطاب رضـ روایت و از انس بن مالک نیز از آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال في التورية مكتوب من بلغت

الله علیه وسلم فرمود آنحضرت در توریت نوشته است کسیکه برسد

ابنته اثنتي عشرة سنة ولم يزوجها فاصابت

دختر او دوازده سال را و نکاح نکند آنکس آن دختر را پس برسد آن دختر

اثما فاثم ذلك عليه رواهما البيهقي في شعب الايمان

گناه را پس گناه آن بر آن کس است روایت کرده است آنرا بیهقی در شعب الایمان

باب النظر الی المخطوبة وبیان العورات

باب در احادیث دیدن کسیکه زنیکه خواستگاری کنند و بیان اعضای نادیدنی

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّٰتِي لَا يَرْجُوْنَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

و کلان سال از زنان آنانکه توقع نکاح ندارند پس نیست بر ایشان

جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِيْنَةٍ

بزه در آنکه فرو نهند جامهای خود را نه ظاهر کنان آرایش را

وَاَنْ يَّسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ○ قُلْ

و اگر پرهیزگاری کنند بهتر است ایشان را و خدا شنوا داناست بگو

لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ

مسلمانان مردان را که بپوشند چشمهای خود را و نگاه دارند شرمگاههای خود را

ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ○ وَقُلْ

این پاکیزه تر است ایشان را هر آئینه خدا خبردار است بآنچه میکنند و بگو

لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ

زنان مسلمان را که بپوشند چشمهای خود را و نگاه دارند شرمگاههای خود را

وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

و آشکارا نکنند آرایش خود را مگر آنچه ظاهر شود از جا مواضع و باید که فرو گذارند

بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا

دامنهای خود را بر گریبانهای خود و ظاهر نه نمایند آرایش خود را مگر

لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَائِهِنَّ اَوْ اٰبَاءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَائِهِنَّ

بشوهران خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش

اَوْ اَبْنَاءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْ اِخْوَانِهِنَّ

یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش

أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ

یا پسران ہمشیرگان خویش یا زنان خویش یا آنچہ مالک او شدہ است دست ایشان

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ

یا تابعانیکہ صاحب شہوت نباشند از مردان یعنے پیران یا طفلانیکہ

الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

ہنوز مطلع نشدہ اند بر شرمگاہ زنان و نزنند زنان

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

بپاہای خویش تا دانستہ شود آنچہ نہان میکنند از زیور خویش و رجوع کنید بسوے خدا

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى

وسلم نظر نکند مرد بسوے عورت مرد و نہ زن بسوے

عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ

عورة زن و نہ رسد مرد بسوے مرد در یک جامہ

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ

رواہ مسلم و روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم دور دارید خود را از در آمدن بر

النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الْحَمْوَ قَالَ

زنان بیگانہ پس گفت مردے یا رسول اللہ خبر دہ مرا از حال حمو فرمود آنحضرت

الْحَمْوُ الْمَوْتُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

کہ حمو مرگ است یعنے خویشان شوہر متفق علیہ و روایت است از جریر بن عبد اللہ رض

قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ

گفت پرسیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را از نظر

الْفُجَاءَةِ فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِي رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ناگہانی پس امر کرد مرا کہ بگردانم نظر خود را رواہ مسلم

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَرْأَةَ تُقْبِلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَتُدْبِرُ فِي

وسلم بدرستیکہ زن پیش می آید در صورت شیطان و پس میرود در

صُورَةِ شَيْطَانٍ إِذَا أَحَدُكُمْ أَعْجَبَتْهُ الْمَرْأَةُ فَوَقَعَتْ

صورت شیطان وقتیکہ یکے از شما خوش آید او را زنے پس افتاد آن زن

فِي قَلْبِهِ فَلْيَعْمِدْ إِلَى امْرَأَتِهِ فَلْيُوَاقِعْهَا فَإِنَّ ذٰلِكَ يَرُدُّ

در دل آنمرد پس باید کہ قصد کند آنمرد بسوے زن خود پس باید کہ جماع کند زن خود را پس آن جماع دور میکند

مَا فِي نَفْسِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

چیزیرا کہ در نفس وے است از میلان رواہ مسلم و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمُ الْمَرْأَةَ فَإِنِ

صلی اللہ علیہ وسلم چون خواہد یکے از شما کہ خواستگاری کند زنی را پس اگر

اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ

میتواند نظر کند بسوے چیزے کہ باعث می شود او را بسوے نکاح او پس باید کہ بکند

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رض قَالَ

رواہ ابو داود و روایت است از مغیرہ بن شعبہ رض کہ گفت

خَطَبْتُ امْرَأَةً فَقَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خواستگاری کردم زنی را پس فرمود مرا پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

هَلْ نَظَرْتَ اِلَيْهَا قُلْتُ لَا قَالَ فَانْظُرْ اِلَيْهَا فَاِنَّهُ اَحْرٰى

آیا دیدۀ تو بسوے آن زن گفتم نظر نکردہ ام بسوے آن فرمود نظر کن بسوے او زیرا کہ نظر کردن سزاوار تر است

اَنْ يُّؤْدَمَ بَيْنَكُمَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

بوقوع الفت و اتفاق میان شما رواہ احمد والترمذی والنسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ

وابن ماجہ والدارمی و روایت است از بریدہ رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ لَا تُتْبِعِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم علی مرتضی را اے علی تابع مگردان

النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَاِنَّ لَكَ الْاُوْلٰى وَلَيْسَتْ لَكَ الْاٰخِرَةُ

یک نظر را بنظر دیگر زیرا کہ بدرستیکہ جائز است ترا نظر نخستین و جائز نیست مر ترا نظر پسین

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ

رواہ احمد والترمذی وابوداود والدارمی و روایت است از

عَلِيٍّ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ

علی رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم مرا امر کرد کہ اے علی

لَا تُبْرِزْ فَخِذَكَ وَلَا تَنْظُرْ اِلٰى فَخِذِ حَيٍّ وَّلَا مَيِّتٍ

ظاہر مکن ران خود را و نگاہ مکن ران زندہ را و نہ مردہ را

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رواہ ابوداود وابن ماجہ و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِيَّاكُمْ وَالتَّعَرِّيَ فَاِنَّ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دور دارید خود را از برہنگی زیرا کہ

مَعَكُمْ مَنْ لَا يُفَارِقُكُمْ اِلَّا عِنْدَ الْغَائِطِ وَحِيْنَ يُفْضِي الرَّجُلُ

با شما کسی است کہ جدا نمیشود از شما مگر نزد قضای حاجت و دیگر ہنگامے کہ میرسد مرد

إِلَى أَهْلِهِ فَاسْتَحْيُوهُمْ وَأَكْرِمُوهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

کسبوی اہل خود جامع میکنند پس شرم دارید ایشان را وگرامی دارید ایشان را رواه ترمذی و روایت از

أُمِّ سَلَمَةَ رض أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ام سلمه رض که وے بود نزد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

وَمَيْمُونَةُ رض إِذْ أَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ

و میمونه رض نیز بود ناگاه روی آورد ابن ام مکتوم که اعمی بود پس درآمد ابن ام مکتوم بر آنحضرت پس گفت آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْتَجِبَا مِنْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ أَلَيْسَ

صلی اللہ علیہ وسلم در پرده شوید از وے پس گفتم یا رسول اللہ آیا نیست

هُوَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وی کور که نمی بیند ما را پس گفت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

أَفَعَمْيَاوَانِ أَنْتُمَا أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

آیا پس کور هستید شما آیا نیستید شما که می بینید او را رواه احمد و الترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابو داود و روایت است از عمر رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود

قَالَ لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ رَوَاهُ

خلوت کنند هیچ مرد بے بزنے مگر آنکه باشد سوم آنها شیطان رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ مَا نَظَرْتُ وَمَا رَأَيْتُ

الترمذی و روایت است از عائشه رض گفت ندیدم یا گفت نگاه نکردم

فَرْجَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَطُّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اندام شرم پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم را هرگز رواه ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی امامه رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قال ما من مسلم ينظر الى محاسن امرأة اول مرة ثم يغض

فرمود آنحضرت نیست هیچ مسلمانی که نظر کند بسوی خوبیهای زنی اول بار پس فرو خواباند

بصره الا احدث الله له عبادة يجد حلاوتها رواه احمد

چشم خود را مگر آنکه نو پیدا آرد خدا تعالی برای آنکس عبادتی را که یابد شیرینی آنرا رواه احمد

وعن الحسن مرسلا قال بلغني ان رسول الله صلى

و روایت است از حسن بصری بطریق مرسل گفت رسیده است مرا که آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال لعن الله الناظر والمنظور اليه

الله علیه وسلم فرموده است لعنت کند خدا نظر کننده را بسوی غیر و کسیکه نظر کرده شده بسوی

رواه البيهقي في شعب الايمان

رواه بیهقی فی شعب الایمان

باب المباشرة

ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء

و سوال میکنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید از زنان

في المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن

در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آنکه پاک شوند پس چون پاک شوند

فأتوهن من حيث امركم الله ان الله يحب التوابين

پس بیائید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شما را هر آئینه خدا دوست میدارد تائبان را

ويحب المتطهرين عن ابي سعيد رض قال قال

و دوست میدارد پاک شوندگان را و روایت است از ابی سعید رض که فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اعظم الامانة

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بزرگترین امانت

عِندَ اللّٰهِ يَومَ القِيٰمَةِ وَفِي رِوَايَةٍ اِنَّ مِنْ اَشَرِّ النَّاسِ
نزد خدا تعالیٰ روز قیامت و در روایت دیگر این چنان آمده که بدترین مردم
عِندَ اللّٰهِ مَنزِلَةً يَومَ القِيٰمَةِ الرَّجُلَ يُفضِي اِلَى امرَاَتِهٖ
نزد خدا تعالیٰ در مرتبه روز قیامت مردیست که برسد بسوی زن خود
وَتُفضِي اِلَيهِ ثُمَّ يَنشُرُ سِرَّهَا رَوَاهُ مُسلِمٌ وَعَن
و برسد زن بسوی وے پس پراگنده کند راز نهانی آن زن را رواه مسلم و روایت است از
خُزَيمَةَ بنِ ثَابِتٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ
خزیمه بن ثابت رضی الله عنه فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قَالَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَستَحيِي مِنَ الحَقِّ لَا تَاتُوا النِّسَاءَ فِي
بدرستیکه خدا تعالیٰ شرم نمیدارد از حق میائید زنان را یعنی وطی مکنید در
اَدبَارِهِنَّ رَوَاهُ اَحمَدُ وَالتِّرمِذِيُّ وَابنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ
دبر ایشان رواه احمد والترمذی وابن ماجه والدارمی
وَعَن اَبِي هُرَيرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از ابی هریره رضی گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيهِ وَسَلَّمَ مَلعُونٌ مَن اَتَى امرَاَتَهٗ فِي دُبُرِهَا رَوَاهُ
علیه وسلم لعنت کرده شده است کسیکه بیاید زن خود را در دبر او رواه
اَحمَدُ وَاَبُو دَاؤدَ وَعَنهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
احمد وابو داؤد وهم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِي يَاتِي امرَاَتَهٗ فِي دُبُرِهَا لَا يَنظُرُ
الله علیه وسلم بدرستیکه کسیکه بیاید زن خود را در دبر او نظر نکند
اللّٰهُ اِلَيهِ رَوَاهُ فِي شَرحِ السُّنَّةِ وَعَنِ ابنِ عَبَّاسٍ رض
خدا تعالیٰ بسوے او رواه في شرح السنة و روایت است از ابن عباس رضی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا ينظر الله الى
كه فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم نظر نكند خدا تعالى بسوى
رجل اتى رجلا او امرأة في الدبر رواه الترمذي
مردى كه بيايد مردى را يا زنى را در دبر روايت كرد ترمذى
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله
روايت است از ابى هريره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله
عليه وسلم من اتى حائضا او امرأة في دبرها او
عليه وسلم كسيكه بيايد زن حائضه را يا بيايد در دبر زن يا
كاهنا فصدقه بما يقول فقد كفر بما انزل على محمد
بيايد كاهن را پس تصديق كرد كاهن را بچيزيكه گفته است پس تحقيق كافر شد بآنچه فرود آورده شد
صلى الله عليه وسلم رواه ابن ماجة
صلى الله عليه وسلم روايت ابن ماجه

باب الوليمة وبيان اجابة الدعوة

باب دربيان طعام وليمه وبيان قبول نمودن دعوت
عن انس رض ان النبي صلى الله عليه وسلم رأى على
روايت است از انس رض كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم ديد بر
عبد الرحمن بن عوف اثر صفرة فقال ما هذا قال اني
عبد الرحمن بن عوف اثر زردى پس فرمود چه چيز است اين زردى گفت عبد الرحمن
تزوجت امرأة على وزن نواة من ذهب قال بارك
من نكاح كردم زنى را بر وزن دانه خرما از طلا گفت آنحضرت بركت دهد
الله لك اولم ولو بشاة متفق عليه وعنه قال
خدا تعالى ترا وليمه كن اگرچه باشد بگوسفندى هم باشد متفق عليه وهم از وى روايت گفت

أولم رسول الله صلى الله عليه وسلم حين بنى بزينب

ولیمه کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامیکه زفاف کرد بزینب

بنت جحش فأشبع الناس خبزا ولحما رواه البخاري

بنت جحش پس سیر گردانید مردمان را بنان و گوشت رواه البخاری

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم شر الطعام طعام الوليمة يدعى لها الأغنياء

وسلم بدترین طعام طعام ولیمه است که خوانده میشوند برای آن توانگران

ويترك الفقراء ومن ترك الدعوة فقد عصى الله

و گذاشته میشوند درویشان و کسیکه ترک کند اجابت دعوت را پس بتحقیق نافرمانی کرد

ورسوله متفق عليه وعن جابر رض قال قال

رسول خدا را متفق علیه و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دعي أحدكم إلى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون خوانده شود یکی از شما بسوی

طعام فليجب فإن شاء طعم وإن شاء ترك رواه مسلم

طعام پس باید که بیاید آنرا پس اگر خواهد بخورد و اگر خواهد نخورد رواه مسلم

وعن عبد الله بن عمر رض قال قال رسول الله صلى

و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من دعي فلم يجب فقد عصى الله ورسوله

الله علیه وسلم کسیکه خوانده شد بطعامی پس اجابت نکرد پس بتحقیق نافرمانی کرد خدا و رسول را

ومن دخل على غير دعوة دخل سارقا وخرج مغيرا

و کسیکه درآید ناخوانده درآید گویا که دزدی کننده است و بیرون آمد گویا که غارت کننده است

رواه ابو داود وعن رجل من اصحاب رسول الله صلى

رواه ابو داود ودروایت است از مردی که از اصحاب آنحضرت صلی

الله عليه وسلم ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

اذا اجتمع الداعيان فاجب اقربهما بابا وان سبق احدهما

وقتیکه جمع شوند دو داعی یعنی دو کس دعوت کننده پس اجابت کن آنرا که نزدیکتر است در او

فاجب الذي سبق رواه احمد وابو داود وعن عمران

پس اجابت کن آن کسی را که پیشی کرده است رواه احمد وابو داود وروایت است از عمران

بن حصين قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن

بن حصین که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از

اجابة طعام الفاسقين رواه البيهقي في شعب الايمان

اجابت دعوت فاسقان رواه بیهقی در شعب الایمان

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اذا دخل احدكم على اخيه المسلم فليأكل من

وسلم چون درآید یکی از شما بر برادر مسلمان پس باید که بخورد از

طعامه ولا يسأل ويشرب من شرابه ولا يسأل رواه

خوردنی او ونپرسد که از کجاست وبنوشد از نوشیدنی او ونپرسد که از کجا است وچگونه است روا

البيهقي في شعب الايمان وقال هذا ان صح فلان الظاهر

بیهقی در شعب الایمان وگفت بیهقی این حدیث اگر صحیح است پس از جهت آنست

ان المسلم لا يطعمه ولا يسقيه الا ما هو حلال عنده

که مسلمان نمیخوراند اورا ونمی نوشاند اورا مگر آنچه حلال است نزد وی

وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه

وروایت است از ابی هریره رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم المتباریان لا یجابان ولا یؤکل طعامهما قال

وسلم متباریان اجابت کرده نشود دعوت ایشان وخورده نشود طعام ایشان گفت

الامام احمد یعنی المتعارضین بالضیافة فخرا وریاء

امام احمد در تفسیر متباریان هر دو شخصی که معارضه میکنند و برضد یکدیگر میروند از جهت تفاخر و ریا و نمود

باب القسم

عن عائشة رض ان النبی صلی الله علیه وسلم کان

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که

یقسم بین نسائه فیعدل ویقول اللهم هذا قسمی

قسم میکرد میان زنان خود پس عدل و مساوات میکرد و میگفت خداوندا این قسم من است

فیما املک فلا تلمنی فیما تملک ولا املک رواه الترمذی

در آنچه مالکم پس ملامت مکن مرا در چیزیکه مالک هستی و مالک نیستم رواه ترمذی

وابوداود والنسائی وابن ماجة والدارمی وعن

وابوداود والنسائی وابن ماجه والدارمی وروایت است از

ابی هریرة رض عن النبی صلی الله علیه وسلم قال اذا کانت

ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میگفت آنحضرت وقتیکه باشد

عند الرجل امرأتان فلم یعدل بینهما جاء یوم القیمة

نزد مرد دو زن پس عدل نکند در میان آن دو زن می آید آنمرد روز قیامت

وشقه ساقط رواه الترمذی وابوداود والنسائی

حال آنکه نصف بدن او افتاده باشد رواه ترمذی وابوداود والنسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

وابن ماجه والدارمی

بَابُ عِشْرَةِ النِّسَاءِ وَمَا لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنَ الْحُقُوقِ

باب در احادیث که وارد شده اند در صحبت و مخالطت با زنان و آنچه مر هر یکی راست از حقوق

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ لَنْ تَسْتَقِيمَ لَكَ عَلَى طَرِيقَةٍ

بدرستیکه زن پیدا کرده شده است از ضلع هرگز راست نمیرود زن برای تو بر راه و روش

فَإِنِ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَبِهَا عِوَجٌ وَإِنْ

پس اگر خواهی که بهره مند شوی ازان نفع گیری تو با آنکه در وی کجی است و اگر

ذَهَبْتَ تُقِيمُهَا كَسَرْتَهَا وَكَسْرُهَا طَلَاقُهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

میروی و میخواهی که راست کنی او را می شکنی او را و مراد بشکستن زن طلاق است رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي

وسلم بهترین شما نزد خلق و خدا بهترین شما است مر اهل خود را و من بهترین شما ام مر اهل خود را

وَإِذَا مَاتَ صَاحِبُكُمْ فَدَعُوهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

و چون بمیرد یار شما پس ترک دهید ذکر عیوب او را رواه ترمذی والدارمی

وَعَنْ إِيَاسِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از ایاس بن عبدالله رضـ گفت که فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَضْرِبُوا إِمَاءَ اللّٰهِ فَجَاءَ عُمَرُ إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ

الله علیه وسلم مزنید کنیزان خدا را پس آمد عمر رضـ بسوی پیغمبر

صلى الله عليه وسلم فقال ذئرن النساء على ازواجهن

صلی الله علیه وسلم پس گفت عمر دلیر شدند زنان بر مردان خود

فرخص في ضربهن فاطاف بال رسول الله صلى الله عليه

پس رخصت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در زدن زنان پس گرد بس گشتند

وسلم نساء كثير يشكون ازواجهن فقال رسول الله

باهل بیت آنحضرت بسیار زنان در حالیکه گله میکردند مردان خود را سبب زدن پس فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لقد طاف بال محمد نساء كثير

صلی الله علیه وسلم هرآینه بتحقیق فرود آمدند باهل بیت محمد زنان بسیار

يشكون ازواجهن ليس اولئك بخياركم رواه ابوداود

شکایت کنان مردان خود را نیستند آنمردان که میزنند زنان خود را نیکان شما روایت کرده ابوداود

وابن ماجة والدارمي وعن عائشة رض قالت قال

وابن ماجه والدارمی وروایت است از عائشه رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من اكمل المؤمنين

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از کاملترین مسلمانان

ايمانا احسنهم خلقا والطفهم باهله رواه الترمذي

از روی ایمان نیکوترین مسلمانان است از روی خلق و نرمی کننده ترین است باهل و عیال خود روایت کرده الترمذی

وعن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

وروایت است از عمر رض اوشان روایت میکنند از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

لا يسئل الرجل فيما ضرب امرأته عليه رواه ابوداود

که سوال کرده نمی شود مرد در آنچه زدن خود را بران روایت کرده ابو داود

وابن ماجة وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

وابن ماجه وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم اکمل المؤمنین ایمانا احسنہم خلقا

صلی اللہ علیہ وسلم کاملترین مسلمانان از روی ایمان نیکوترین ایشان از روی خلق

وخیارکم خیارکم لنسائہم رواہ الترمذی وعنہ

و بہترین شما نزد خدا بہترین شما اند مر زنان خود را روایت کرد ترمذی و ہم ابوہریرہ روایت

قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اذا دعی الرجل امرأتہ

گفت کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چون بخواند مرد زن خود را

الی فراشہ فابت فبات غضبان لعنتہا الملائکۃ حتی تصبح

بسوی بستر خود پس انکار کرد آن زن پس شب گذرانید مرد خشمگین لعنت میکنند آن زن را فرشتگان تا صبح

متفق علیہ وفی روایۃ لہما قال والذی نفسی بیدہ

متفق علیہ و در روایتہ بخاری و مسلم آمدہ کہ گفت آنحضرت سوگند بخدا کہ نفس من در ید قدرت اوست

ما من رجل یدعو امرأتہ الی فراشہ فتأبی علیہ الا کان

نیست ہیچ مردی کہ بخواند زن خود را بسوی فراش خود پس اباء آورد آن زن مگر آنکہ باشد

الذی فی السماء ساخطا علیہا حتی یرضی عنہا وعن

کسیکہ در آسمان است یعنی فرشتگان خشم کنندہ بر زن تا آنکہ خوشنود گردد مرد از وی روایت است از

عائشۃ رضا ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کان فی نفر

عائشہ رضا کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود در جماعت

من المہاجرین والانصار فجاء بعیر فسجد لہ فقال اصحابہ

از مہاجرین و انصار پس آمد شترے پس سجدہ کرد آنحضرت را پس گفتند یاران آنحضرت

یا رسول اللہ تسجد لک البہائم والشجر فنحن احق ان

ای رسول خدا سجدہ میکنند ترا چارپایہ یا درختان پس ما سزاوارتر ایم بانکہ

نسجد لک فقال اعبدوا ربکم واکرموا اخاکم

سجدہ کنیم ترا پس فرمود عبادت کنید پروردگار خود را و گرامی دارید برادر خود را

وَلَوْ كُنْتُ آمِرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ

واگر می بودم که امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را هرآئینه امر میکردم زن را که سجده کند

لِزَوْجِهَا وَلَوْ أَمَرَهَا أَنْ تَنْقُلَ مِنْ جَبَلٍ أَصْفَرَ إِلَى جَبَلٍ أَسْوَدَ

مر شوهر خود را و اگر امر کند مرد زن را که ببرد سنگ را از کوه زرد بسوی کوه سیاه

وَمِنْ جَبَلٍ أَسْوَدَ إِلَى جَبَلٍ أَبْيَضَ كَانَ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَفْعَلَهُ

و ببرد سنگ را از کوه سیاه بسوی کوه سفید. لایق است اورا که بکند این کار

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواه احمد و روایت است از جابر رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا يُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةٌ وَلَا يَصْعَدُ لَهُمْ

علیه وسلم سه کس اند که قبول کرده نمی شود ایشان را هیچ نماز و بالا نمیرود هیچ

حَسَنَةٌ الْعَبْدُ الْآبِقُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوَالِيهِ فَيَضَعَ يَدَهُ

نیکی آن سه کس یکی ازان سه بنده گریخته تا آنکه باز آید بسوی صاحبان خود پس بنهد آن بنده دست خود را

فِي أَيْدِيهِمْ وَالْمَرْأَةُ السَّاخِطُ عَلَيْهَا زَوْجُهَا وَالسَّكْرَانُ

در دستهای ایشان و دوم زنی که خشم کننده است برآن زن شوهر وی سوم مست

حَتَّى يَصْحُوَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

تا آنکه هشیار گردد رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از

أَسْمَاءَ رض أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّ لِي ضَرَّةً فَهَلْ

اسماء رض که زنی گفت ای رسول خدا بدرستیکه مرا انباغیست پس آیا است

عَلَيَّ جُنَاحٌ أَنْ تَشَبَّعْتُ مِنْ زَوْجِي غَيْرَ الَّذِي يُعْطِينِي

بر من گناه اگر ظاهر کنم از شوهر خود جز آنچه میدهد مرا شوهر

فَقَالَ الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُورٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس گفت آنحضرت ظاهر کننده خود را بچیزیکه داده نشده است مانند پوشنده دو جامه دروغ است متفق علیه

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ
و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
اَلْمَرْأَۃُ اِذَا صَلَّتْ خَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَاَحْصَنَتْ
زنے چون بخواند نماز پنجگانہ را و روزہ دارد ماہ رمضان را و نگاہ دارد
فَرْجَهَا وَاَطَاعَتْ بَعْلَهَا فَلْتَدْخُلْ مِنْ اَيِّ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ
شرمگاہ خود را و فرمان برداری کند شوہر خود را پس باید کہ داخل شود از ہر دریکہ خواہد بہشت را
شَاءَتْ رَوَاهُ اَبُوْ نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
روایت کرد اینحدیث را ابونعیم در حلیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَوْ كُنْتُ اٰمِرًا اَحَدًا
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اگر می بودم امر کنندہ کسے را
اَنْ يَّسْجُدَ لِاَحَدٍ لَاَمَرْتُ الْمَرْأَةَ اَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا
باینکہ سجدہ کند مر کسے را ہر آئینہ امر میکردم زن را کہ سجدہ کند مر شوہر خود را
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ
رواہ ترمذی و روایت است از ام سلمہ رض گفت کہ فرمود آنحضرت
صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اَيُّمَا امْرَاَةٍ مَاتَتْ وَزَوْجُهَا عَنْهَا
صلی اللہ علیہ وسلم ہر زنے کہ بمیرد حال آنکہ شوہر آن زن از وے
رَاضٍ دَخَلَتِ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ
راضی است در می آید آن زن بہشت را رواہ ترمذی و روایت است از طلق بن
عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِذَا الرَّجُلُ
علی رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم وقتیکہ مرد
دَعَا زَوْجَتَهُ لِحَاجَتِهِ فَلْتَأْتِهِ وَاِنْ كَانَتْ عَلَى التَّنُّوْرِ
بخواند زن خود را از برائے حاجت خود پس باید کہ بیاید آن زن شوہر خود را اگرچہ باشد آن زن بر تنور

رواه الترمذی وعن معاذ عن النبی صلی الله علیه

بروایت ترمذی و روایت است از معاذ از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال لا تؤذی امرأة زوجها فی الدنیا الا قالت

وسلم فرمود آنحضرت ایذا نکند هیچ زنے شوہر خود را در دنیا مگر آنکه میگوید

زوجته من الحور العین لا تؤذیه قاتلک الله فانما هو

زوجه آن مرد که از حور عین است ایذا مکن شوہر خود را بکشد ترا خدا تعالی زیراکه آن مرد نیست

عندک دخیل یوشک ان یفارقک الینا رواه الترمذی

نزد تو مگر غریب و مسافر نزدیک است که جدائی میکند از تو بسوی ما رواه ترمذی

وابن ماجة وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله

وابن ماجه و روایت است از ابی ہریره رض گفت که فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم لیس منا من خبب امرأة علی زوجها او

صلی الله علیه وسلم نیست بر طریقه ما کسیکه بدراه کند زنے را بر شوہر وے یا

عبدا علی سیده رواه ابوداود وعن ابی هریرة رض

بدراه کند غلامے را بر خواجه وے رواه ابو داؤد و روایت است از ابی ہریره رض

قال قیل لرسول الله صلی الله علیه وسلم ای النساء خیر

گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام از زنان بہتر است

قال التی تسره اذا نظر وتطیعه اذا امر ولا تخالفه فی

گفت آن زنے که شاد و خوش گرداند مرد را چون نگاه کند بسوے وے فرمان برداری کند مرد را چون امر کند

نفسها ولا مالها بما یکره رواه النسائی والبیهقی

ذات خود و نه در مال نفس خود بچیزیکه مکروه و ناخوش دارد مرد را رواه نسائی و بیہقی

فی شعب الایمان وعن ابن عباس رض ان رسول الله

در شعب ایمان و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ

صلی الله علیه وسلم فرمود چهار خصلت اند که هر کرا داده شود پس بتحقیق داده شد

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَلْبٌ شَاكِرٌ وَلِسَانٌ ذَاكِرٌ وَبَدَنٌ

او نیکی هر دو جهان دلی شاکر یعنی شکر کننده منعم را و زبان ذکر کننده مر خدا را و تنی

عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرٌ وَزَوْجَةٌ لَا تَبْغِيهِ حَوْبًا فِي نَفْسِهَا

بر بلا صبر کننده و زنیکه طلب نمی کند بمرد خیانت در نفس خود

وَلَا مَالِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

و نه در مال او روایت کرد بیهقی در شعب الایمان

بَابُ الطَّلَاقِ

عَنْ ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ثوبان رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ

هر زنیکه سوال کند شوهر خود را طلاق در غیر حالت شدت

فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس حرام است بر آن زن بوی بهشت روایت احمد و الترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

و ابو داود و ابن ماجه و الدارمی و روایت است از ابن عمر رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللّٰهِ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت دشمن ترین حلال بسوی خدا

الطَّلَاقُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ

طلاق است روایت ابو داود و روایت است از علی رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لا طلاق قبل نكاح ولا عتاق

صلی الله علیه وسلم که گفت آنحضرت نیست طلاق دادن پیش از نکاح ونیست آزاد کردن

إلا بعد ملك ولا وصال في صيام ولا يتم بعد احتلام

مگر بعد از ملک ونیست وصال در روزه داشتن ونیست یتیمی بعد از بلوغ

ولا رضاع بعد فطام ولا صمت يوم إلى الليل رواه

ونیست شیرخوارگی پس از مدت شیرخوارگی ونیست جائز خاموشی روز تا شب روایه

في شرح السنة وعن معاذ بن جبل رض قال قال

در شرح السنه وروایت است از معاذ بن جبل رض گفت که فرمود

لي رسول الله صلى الله عليه وسلم يا معاذ ما خلق

مرا آنحضرت صلی الله علیه وسلم که ای معاذ نیافریده است

الله شيئا على وجه الأرض أحب إليه من العتاق

خدایتعالی چیزیرا برروی زمین که دوست تر باشد بسوی خدایتعالی از آزاد کردن

وما خلق الله شيئا على وجه الأرض أبغض إليه

ونه پیدا کرد خدایتعالی چیزیرا برروی زمین که مبغوض تر باشد بسوی خدا

من الطلاق رواه الدارقطني وعن عبد الله

از طلاق روایه دارقطنی وروایت است از عبد الله

بن مسعود قال لعن الله المحلل والمحلل له

بن مسعود رض که گفت لعنت کرده است خدا تحلیل کننده را ولعنت کرده است محلل له را

رواه الدارمي ورواه ابن ماجة عن علي

روایه دارمی ورواه ابن ماجه از علی

وابن عباس وعقبة بن عامر

وابن عباس واز عقبه بن عامر

باب حق المملوك على سيده

باب در حق مملوک بر مالک او

وحقه على المملوك

وحق مالک بر مملوکش

١ عن جابر بن سمرة رض قال قال رسول الله صلى

روایت است از جابر بن سمره رض گفت که فرمود آنحضرت صلى

الله عليه وسلم إذا أعطى الله أحدكم خيرا فليبدأ بنفسه

الله علیه وسلم چون بدهد خدایتعالی یکی از شما را مال کثیر پس باید که آغاز کند در انفاق

وأهل بيته رواه مسلم وعن أبي بكر الصديق

واهل بیت خود . رواه مسلم وروایت است از ابی بکر صدیق رض

٢ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل الجنة سيئ

از آنحضرت صلى الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که در نمی آید بهشت را بدصحبت

الملكة رواه الترمذي وابن ماجة وعن رافع

بامملوک رواه ترمذی وابن ماجه وروایت است از رافع

ابن مكيث أن النبي صلى الله عليه وسلم قال حسن

ابن مکیث که آنحضرت صلى الله علیه وسلم گفت نیکی کردن

الملكة يمن وسوء الخلق شؤم رواه أبو داود وعن

بمملوکان موجب برکت است وبدخلقی سبب بے برکتی است رواه ابو داود واز

أبي مسعود الأنصاري رض قال كنت أضرب غلاما لي

ابی مسعود انصاری رض روایت است گفت بودم که میزدم غلامے را که مرا بود

فسمعت من خلفي صوتا اعلم أبا مسعود لله أقدر

پس شنیدم از پس خود آوازے را که بدان ابا مسعود هر آئینه خدا توانا تر است

عليك منك عليه فالتفت فاذا هو رسول الله صلى

برتو از تو آنكه بر اين غلام هستى پس باز نگريستم پس ناگاه آن آواز كننده پيغمبر

الله عليه وسلم فقلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدا صلى الله عليه وسلم بود پس گفتم اے رسول خدا صلى الله عليه وسلم

هو حر لوجه الله فقال اما لو لم تفعل للفحتك النار

اين غلام آزاد كردم از براى ذات خدا پس گفت آنحضرت آگاه باش اگر نميكردى اين آزاد را هر آئينه ميسوزانيد آتش

او لمستك النار رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال

يا مساس ميكرد ترا آتش رواه مسلم وروايت است از ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من ضرب

شنيدم آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت كسيكه بزند

غلاما له حدا لم يأته او لطمه فان كفارته ان

غلامے را كه مر او راست حدے كه نكرده است يعنى بيگناه بزند يا طپانچه زند پس كفاره وے آنست

يعتقه رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال سمعت

كه آزاد كند او را رواه مسلم وروايت است از ابى هريره رض گفت شنيدم

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول من قذف مملوكه

آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت كسيكه دشنام كند مملوك خود را بزنا

وهو برئ مما قال جلد يوم القيمة الا ان يكون

ومملوك پاك است از آنچه گفته است تازيانه زده مى شود روز قيامت مگر آنكه باشد آن مملوك

كما قال متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال

چنانكه گفته است متفق عليه وروايت است از ابى هريره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا صنع لاحدكم

آنحضرت صلى الله عليه وسلم وقتيكه بسازد براے يكے از شما

ف: ... لفحتك النار ... مجمع البحار ...

خادمه طعامه ثم جاءه به وقد ولي حره ودخانه

خدمتگار وی طعام او را پس بیارد نزد او طعام را حال آنکه تحقیق والی شده است گرمی آتش و دود آن را

فليقعده معه فليأكل فإن كان الطعام مشفوها قليلا

پس باید که بنشاند او را با خود پس باید که بخورد با او پس اگر باشد طعام قلیل که خورنده شود بسیار

فليضع في يده منه أكلة أو أكلتين رواه مسلم

پس باید که بنهد در دست خادم از آن یک لقمه یا دو لقمه رواه مسلم

وعن أبي ذر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم إخوانكم جعلهم الله تحت أيديكم فمن جعل

وسلم خادمان شما که برادران شما اند گردانیده است ایشان را خدا زیر دستهای شما پس کسیکه گرداند

الله أخاه تحت يديه فليطعمه مما يأكل وليلبسه مما

خدا برادر آنکس را خدمتگار وی پس باید که بخوراند او را از آنکه خود میخورد و بپوشاند او را از آنچه خود

يلبس ولا يكلفه من العمل ما يغلبه فإن كلفه

میپوشد و تکلیف نه دهد او را چیزیکه غالب آید او را پس اگر تکلیف کند او را

ما يغلبه فليعنه عليه متفق عليه وعن

چیزیکه غالب آید او را پس باید که یاری دهد او را بر آن عمل متفق علیه و روایت است از

أبي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إذا ضرب أحدكم خادمه فذكر الله فارفعوا أيديكم

وقتیکه بزند هرکه از شما خدمتگار خود را پس یاد کند وی خدا را یعنی طالب عفو گردد باز دارید دستها را

رواه الترمذي وعن جابر عن النبي صلى الله عليه وسلم

رواه الترمذی و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله

قَالَ ثَلٰثٌ مَنْ كُنَّ فِيْهِ يَسَّرَ اللّٰهُ حَتْفَهٗ وَاَدْخَلَهٗ جَنَّتَهٗ رِفْقٌ

گفت سه خصلت است که هرکه باشند آن خصلت ها در وی آسان میگرداند خدا مرگ او را و در می آرد او را در بهشت خود اول نرمی کردن

بِالضَّعِيْفِ وَشَفَقَةٌ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَاِحْسَانٌ اِلَى الْمَمْلُوْكِ رَوَاهُ

با ناتوان دوم مهربانی و نیکی کردن بر مادر و پدر سوم نیکی و نوازش کردن و رزیدن بر مملوک روایت کرده

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی امامه رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهَبَ لِعَلِيٍّ غُلَامًا فَقَالَ لَا تَضْرِبْهُ

صلی الله علیه وسلم بخشید مر علی را رض غلامی را پس فرمود که مزن این غلام را بحق شرعی

فَاِنِّيْ نُهِيْتُ عَنْ ضَرْبِ اَهْلِ الصَّلٰوةِ وَقَدْ رَاَيْتُهٗ يُصَلِّيْ

پس بدرستی که من نهی کرده شده ام از زدن نماز گذارندگان و بتحقیق دیده ام او را که نماز میگذارد

هٰذَا لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ وَفِي الْمُجْتَبٰى لِلدَّارَقُطْنِيِّ اَنَّ عُمَرَ

این لفظ است در مصابیح و در کتاب مجتبی که تصنیف دار قطنی است آنست که امیر المؤمنین

بْنَ الْخَطَّابِ رض قَالَ نَهَانَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن خطاب رض گفته است نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

عَنْ ضَرْبِ الْمُصَلِّيْنَ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ

از زدن نماز گذارندگان و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَاءَمَكُمْ مِنْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملائمت و موافقت کند شما را از

مَمْلُوْكِيْكُمْ فَاَطْعِمُوْهُ مِمَّا تَاْكُلُوْنَ وَاَكْسُوْهُ مِمَّا تَلْبَسُوْنَ

مملوکان شما پس بخورانید او را از آنچه میخورید و بپوشانید او را از آنچه می پوشید

وَمَنْ لَا يُلَائِمُكُمْ مِنْهُمْ فَبِيْعُوْهُ وَلَا تُعَذِّبُوْا خَلْقَ اللّٰهِ

وکسیکه موافقت نکند شما را از مملوکان پس بفروشید او را و عذاب مکنید خلق خدا را

رواه أحمد وأبو داود وعن أبي موسى رض قال لعن

رواه احمد وابو داؤد ودروایت است از ابی موسی رض که لعنت کرد

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فرق بين الوالد

آنحضرت صلی الله علیه وسلم برکسیکه جدائی کند درمیان والد

وولده وبين الأخ وبين أخيه رواه ابن ماجة

وولداو وجدائی کند میان برادر ومیان برادروی رواه ابن ماجه

والدارقطني وعن أبي أيوب رض قال سمعت

ودار قطنی ودروایت است از ابی ایوب انصاری رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فرق بين

آنحضرت صلی الله علیه وسلم راکه میگفت کسیکه تفریق کند درمیان

والدة وولدها فرق الله بينه وبين أحبته يوم

والده وفرزندوے یعنی وبیع وہبه وجز آن جدائی کند خدا تعالی میان وی ومیان دوستان وی روز

القيمة رواه الترمذي والدارمي وعن عبد الله

قیامت رواه الترمذی والدارمی ودروایت است از عبد الله

بن عمر رض قال جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم

بن عمر رض گفت آمد مردی بسوے آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال يا رسول الله كم نعفو عن الخادم فسكت

پس گفت آنمرد یا رسول الله چند بار درگذاریم از تقصیرات خدمتگار پس خاموش ماند پیغمبر

ثم أعاد عليه الكلام فصمت فلما كانت الثالثة قال

باز گردانید آنمرد برآنحضرت این سخن را پس خاموش بود آنحضرت پس چون بار سوم شد فرمود آنحضرت

اعفوا عنه كل يوم سبعين مرة رواه أبو داود

عفو کنید از خادم هر روز هفتاد بار مقصود مبالغه است نه تعیین [illegible]

ورواه الترمذي عن عبد الله بن عمرو رض وعن

و روایت کرد ترمذی از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از

أبي هريرة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

ألا أنبئكم بشراركم الذي يأكل وحده ويجلد

آیا خبر نکنم شما را که بدترین شما کدام فریق اند آن کسے که میخورد تنها و تازیانه میزند

عبده ويمنع رفده رواه رزين وعن أبي بكر

غلام خود را و باز میدارد عطای خود را روایت کرد رزین و روایت است از ابی بکر

الصديق رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

صدیق رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لا يدخل الجنة سيء الملكة قالوا يا رسول الله أليس

در نمی آید در بهشت بدخلق با مملوکین گفتند صحابه یا رسول الله آیا نیست که

أخبرتنا أن هذه الأمة أكثر الأمم مملوكين ويتامى

خبر داده تو ما را که این امت تو بیشترین امتهای سابق است از روی مملوکان و یتیمان

قال نعم فأكرموهم ككرامة أولادكم وأطعموهم

فرمود آنحضرت آری پس گرامی دارید ایشان را همچو گرامی داشتن فرزندان را و بخورانید ایشان را

مما تأكلون قالوا فما ينفعنا الدنيا قال فرس ترتبطه

از آنچه میخورید گفتند صحابه پس چه چیز نفع میکند ما را در دنیا فرمود آنحضرت نفع میکند شما را اسپ که

تقاتل عليه في سبيل الله ومملوك يكفيك فإذا

قتال میکنید شما بران اسپ در راه خدا و غلامے که بسندگی کند در کار تو پس وقتیکه

صلى فهو أخوك رواه ابن ماجة وعن سهل

نماز بگذارد غلام پس حکم برادر تو دارد روایت کرد ابن ماجه و روایت است از سهل

بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ قَالَ مَرَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبَعِيْرٍ

بن حنظلیہ گفت کہ گذشت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بشترے کہ

قَدْ لَحِقَ ظَهْرُهُ بِبَطْنِهِ فَقَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ فِيْ هٰذِهِ الْبَهَائِمِ

بتحقیق چسپیدہ بود پشت او بشکم وے از غایت گرسنگی پس فرمود بپرہیزید خدا را در رعایت حق این

الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوْهَا صَالِحَةً وَاتْرُكُوْهَا صَالِحَةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

چارپایہای بے زبان پس سوار شوید آنہا را درحالیکہ قابل اند برای سواری و ترک کنید آنہا را درحالیکہ ماندہ نشدہ اند

وَعَنْ جَرِيْرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جریر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اِذَا اَبَقَ الْعَبْدُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلٰوةٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ عَنْهُ

وسلم وقتیکہ بگریزد بندہ قبول نمی شود برای وی ہیچ نمازے و در روایتے دیگر از جریر رض آمدہ

قَالَ اَيُّمَا عَبْدٍ اَبَقَ مِنْ مَوَالِيْهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْهِمْ

کہ ہر بندہ کہ بگریزد از صاحبان خود پس بتحقیق کافر شد تا آنکہ باز گردد بسوے ایشان

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواہ مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعِمَّا لِلْمَمْلُوْكِ اَنْ يَّتَوَفَّاهُ اللّٰهُ

صلی اللہ علیہ وسلم نیکو چیز یست مملوک را کہ بمیراند او را خدا

بِحُسْنِ عِبَادَةِ رَبِّهٖ وَطَاعَةِ سَيِّدِهٖ نِعِمَّا لَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بہ نیک کردن عبادت پروردگار خود و خدمت صاحب خود. نیکو چیز یست این حال برای او متفق علیہ

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض کہ آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا نَصَحَ لِسَيِّدِهٖ وَاَحْسَنَ

علیہ وسلم فرمود کہ بندہ چون خیر خواہی و حق شناسی ورزد برای صاحب خود و نیکو کند

عِبَادَةَ اللهِ فَلَهُ اَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پرستش خدا را پس مر آن بنده راست مزد او دو بار متفق علیه

كِتَابُ الْعِتْقِ

کتاب در احادیث آزاد ساختن برده

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ اَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً اَعْتَقَ اللهُ بِكُلِّ عُضْوٍ

وسلم کسیکه آزاد کند برده مسلمان آزاد کند خدا تعالی در مقابله هر اندامے از آن برده اندام را

مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتّٰى فَرْجَهُ بِفَرْجِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از آنکس از آتش دوزخ تا آنکه عورت را بعورت وے متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رَضِ قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت که پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

اَيُّ الْعَمَلِ اَفْضَلُ قَالَ اِيْمَانٌ بِاللهِ وَجِهَادٌ فِيْ سَبِيْلِهِ قَالَ قُلْتُ

که کدام عمل فاضل ترین عملهاست در ثواب فرمود آنحضرت دو چیز فاضل ترین عملهاست یکے ایمان دوم کارزار کردن

فَاَيُّ الرِّقَابِ اَفْضَلُ قَالَ اَغْلَاهَا ثَمَنًا وَاَنْفَسُهَا عِنْدَ اَهْلِهَا

پس کدام از بندگان بهتر است گفت گران ترین بندها است از روی بها و نفیس ترین بندها نزد کسان وے

قُلْتُ فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تُعِيْنُ صَانِعًا اَوْ تَصْنَعُ لِاَخْرَقَ قُلْتُ

ابو ذر میگوید گفتم پس اگر نکنم این کار را فرمود آنحضرت یاری دهی کاریگر را یا کار و پیشه کنی مر کسیرا که کار نمیتواند کرد گفتم

فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تَدَعُ النَّاسَ مِنَ الشَّرِّ فَاِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ

پس اگر این را نیز نتوانم کرد گفت آنحضرت ترک دهی شر و ضرر را از شر پس بدرستیکه این خصلت ترک بدی است

بِهَا عَلٰى نَفْسِكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِ

با آن بر نفس خود متفق علیه و روایت است از براء بن عازب رض

اخرق بالضم مرا آن خرق و اخرق یعنی بیعقل و بے صنعت ... ۱۲

[illegible]

قَالَ جَاءَ اَعْرَابِیٌّ اِلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلِّمْنِیْ

گفت که آمد بادیه نشینی نزد آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم پس گفت آن بادیه نشین بیاموز مرا

عَمَلًا یُدْخِلُنِی الْجَنَّةَ قَالَ لَئِنْ كُنْتَ اَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ لَقَدْ

کارے که در آرد مرا بهشت فرمود البته که اگر کوتاه کردی تو خطبه را هر آئینه

اَعْرَضْتَ الْمَسْئَلَةَ اَعْتِقِ النَّسَمَةَ وَفُكَّ الرَّقَبَةَ قَالَ اَوَلَیْسَا

پهن ساختی سوال را آزاد کن نفس را و خلاص کن برده را گفت بدوی آیا نیستند عتق نسمه و فک رقبه

وَاحِدًا قَالَ لَا عِتْقُ النَّسَمَةِ اَنْ تَفَرَّدَ بِعِتْقِهَا وَفَكُّ الرَّقَبَةِ

یکے فرمود آنحضرت یکے نیست عتق نسمه آنست که تنها و مستقل باشی تو بآزاد کردن آن و فک رقبه

اَنْ تُعِیْنَ فِیْ ثَمَنِهَا وَالْمِنْحَةُ الْوَكُوْفُ وَالْفَیْءُ عَلٰی ذِی الرَّحِمِ

آنست که اعانت کنی در بهاء وے و بده منحه شیردار را و بکن رجوع برحمت و احسان برذی رحم اگرچه

الظَّالِمِ فَاِنْ لَمْ تُطِقْ ذٰلِكَ فَاَطْعِمِ الْجَائِعَ وَاسْقِ الظَّمْاٰنَ

ظالم باشد پس اگر طاقت نداری آنرا پس بخوران چیزے گرسنه را و بنوشان تشنه را

وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَاِنْ لَمْ تُطِقْ ذٰلِكَ فَكُفَّ

و امر کن به نیکی و نهی کن از بدی پس اگر نمی توانی کرد اینرا پس نگاهدار

لِسَانَكَ اِلَّا مِنْ خَیْرٍ رَوَاهُ الْبَیْهَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

زبان خود را مگر از خیر رواه بیهقی در شعب ایمان

وَعَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رض اَنَّ النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

و روایت است از عمرو بن عبسه رض که آنحضرت صلی اللّٰه علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ بَنٰی مَسْجِدًا لِیُذْكَرَ اللّٰهُ فِیْهِ بُنِیَ لَهٗ بَیْتٌ

وسلم فرمود کسیکه بنا کند مسجدے را تا یاد کرده شود خدا در وے برآورده می شود برائے وی خانه

فِی الْجَنَّةِ وَمَنْ اَعْتَقَ نَفْسًا مُسْلِمَةً كَانَتْ فِدْیَتَهٗ مِنْ جَهَنَّمَ

در بهشت و کسیکه آزاد کند نفس مسلمان را باشد آن نفس سربهای او از آتش دوزخ

٥١

من شاب شيبة في سبيل الله كانت له نورا يوم القيمة

وكسيكه پير شد پير شدنی در راه خدا بيا شد آن شيبت مراورا نور روز قيامت

رواه في شرح السنة وعن سمرة بن جندب رض

رواه في شرح السنة روايت است از سمره بن جندب رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل الصدقة ٥٢

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم افضل ترين صدقه

الشفاعة بها تفك الرقبة رواه البيهقي في شعب الايمان

شفاعت كردن است كه بآن خلاص داده ميشود گردن از قتل يا عذاب يا از بندگی رواه بيهقی در شعب الايمان

باب الايمان

لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم ٥٣

مواخذه نميكند خدا شما را به بيهوده گوئی در سوگندهای شما ليكن مواخذه ميكند از شما

بما عقدتم الايمان فكفارته اطعام عشرة مسٰكين

بسبب محكم كردن سوگندها بقصد پس كفارت يمين منعقده طعام دادن ده مسكين راست

من اوسط ما تطعمون اهليكم او كسوتهم او تحرير

از جنس ميانه از آنچه ميخورانيد اهل خود را يا پوشش دادن ايشان را يا آزاد كردن

رقبة فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام ذلك كفارة

برده را پس كسيكه نيابد لازم است بروزه داشتن سه روز اينست كفارت

ايمانكم اذا حلفتم واحفظوا ايمانكم كذلك

سوگندهای شما چون سوگند خوريد يعنى حانث شويد ونگاه داريد سوگندهای خود را اينچنين

يبين الله لكم ايته لعلكم تشكرون ولا تجعلوا

بيان ميكند خدا براى شما آيتهای خود را تا بود كه شما شكر كنيد و نكنيد

وعيده و والسنة و دروغ گوئيد و بحالت ... سوره ... جزء ركوع ٣ جزء ٢ ركوع ١٣

اللهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا

نام خدا را نشانه برای سوگندهای خویش برای اجتناب از نیکوکاری مکنید و پرهیزگاری نمایید و صلح آرید

بَيْنَ النَّاسِ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ

درمیان مردم وخدا شنوا داناست مواخذه نمیکند خدا از شما

بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

بر بیهوده گوئی در سوگندها با شما ولیکن مواخذه میکند با آنچه قصد کرده است دلهای شما

قُلُوبُكُمْ وَاللهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ

وخدا آمرزنده بردبار است روایت است از ابن عمر رضی

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللهَ يَنْهَاكُمْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستیکه خدا نهی میکند شما را

أَنْ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللهِ

از سوگند خوردن به پدران خود کسیکه هست سوگند خورنده پس باید که سوگند بخدا بخورد

أَوْ لِيَصْمُتْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ ثَابِتِ بْنِ الضَّحَّاكِ

یا باید که خاموش باشد متفق علیه و روایت است از ثابت بن ضحاک رضی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَلَفَ عَلَى مِلَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه سوگند خورد بر دینی

غَيْرِ الْإِسْلَامِ كَاذِبًا فَهُوَ كَمَا قَالَ وَلَيْسَ عَلَى ابْنِ

که غیر اسلام است چنانکه گوید اگر این کار کنم یهودی باشم و حال آنکه دروغگو باشد پس او چنانست که گفت و نیست بر ابن

آدَمَ نَذْرٌ فِيمَا لَا يَمْلِكُ وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي

آدم نذر در چیزیکه مالک آن نیست چنانکه گوید اگر شفا یابد بیمار من فلان غلام آزاد است و آن غلام ملک او نیست و کسیکه بکشد خود را بچیزی

الدُّنْيَا عُذِّبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَعَنَ مُؤْمِنًا فَهُوَ كَقَتْلِهِ

در دنیا عذاب کرده شود بآن چیز روز قیامت و کسیکه لعنت کند مسلمانی را پس او مانند کشتن او است

ومن قذف مؤمنا بكفر فهو كقتله ومن ادعى دعوى

وکسیکه دشنام کند مسلمانی را بکفر پس آن مانند قتل اوست وکسیکه دعوی کند دعوی

كاذبة ليستكثر بها لم يزده الله الا قلة متفق عليه

دروغ تا حاصل گرداند مال کثیر زیاده نکند او را خدا تعالی مگر کمی مال را متفق علیه

وعن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله

وروایت است از ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من حلف على يمين فراى خيرا منها

علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر یمین پس ببیند بهتر ازان یمین

فليكفر عن يمينه وليفعل رواه مسلم وعنه

پس باید که کفاره دهد از سوگند خود و بکند آن چیز را رواه مسلم وهم ازابی هریره مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يمينك على

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند تو محمول است بر

ما يصدقك عليه صاحبك رواه مسلم وعنه

چیزیکه تصدیق میکند ترا صاحب تو که سوگند میدهد ترا رواه مسلم وهم ازوی مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليمين على نية

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند بر نیت سوگند دهنده است

المستحلف رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

که مراد او صاحب [illegible] [illegible] سابق است رواه مسلم وهم ازوی مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لا تحلفوا بآبائكم ولا بامهاتكم

صلی الله علیه وسلم سوگند مخورید به پدران خود ونه به مادران خود

ولا بالانداد ولا تحلفوا بالله الا وانتم صادقون

ونه سوگند مخورید بشرکا یعنی بتان ونه سوگند مخورید بخدا مگر آنکه شما راستگو باشید

رواه ابوداود والنسائي وعن ابن عمر رض ان

روایت کرد ابوداود والنسائی وروایت است از ابن عمر رض که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من حلف على يمين

آنحضرت صلى الله علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر چیزی

فقال ان شاء الله تعالى فلا حنث عليه رواه الترمذي

پس بگوید انشاء الله تعالی پس نیست حنث بروی روایت کرد ترمذی

وابوداود والنسائي وابن ماجة والدارمي

وابوداود والنسائی وابن ماجه ودارمی

وعن ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى

وروایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من اقتطع حق امرئ مسلم بيمينه

الله علیه وسلم کسیکه قطع کرد وجدا ساخت حق مرد مسلم را بسبب سوگند خود

فقد اوجب الله له النار وحرم عليه الجنة فقال

پس بتحقیق لازم می گرداند خدا مرآن بنده را آتش دوزخ وحرام گرداند بروی بهشت پس گفت

له رجل وان كان شيئا يسيرا يا رسول الله قال

مرآنحضرت را مردی اگرچه باشد آن چیز اندک ای رسول خدا فرمود آنحضرت صلی

وان كان قضيبا من اراك رواه مسلم باب الاقضية

اگرچه باشد مال شاخی از درخت مسواک روایت کرد مسلم

وعن عبد الله بن انيس رض قال قال رسول الله

وروایت است از عبدالله بن انیس رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ان من اكبر الكبائر الشرك بالله

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از گناهان کبیره ترین گناه است شرک آوردن با خدا

وعقوق الوالدين واليمين الغموس وما حلف حالف

و آزار دادن پدر و مادر، و سوگند خوردن بر کار گذشته دیده و دانسته و سوگند نخورد هیچ سوگند خورنده

بالله يمين صبر فادخل فيها مثل جناح بعوضة الا

بخدا سوگند صبر پس در آورد در آن یمین مانند بازوی پشه مگر آنکه

جعلت نكتة في قلبه الى يوم القيمة رواه الترمذي

گردانیده شود آن یمین نقطه سیاه در دل او تا روز قیامت و باقی ماند تا آنکه در آن عالم ظاهر میشود روایت کرد آنرا ترمذی

باب الرضا وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة

صلی الله علیه وسلم سه کس اند که کلام نمیکند ایشان را خدای تعالی روز قیامت

ولا ينظر اليهم رجل حلف على سلعة لقد اعطي

و نظر نمیکند بسوی ایشان نظر عنایت یکی از ایشان مردیست که سوگند خورد بر کالائی که تحقیق داده شده

بها اكثر مما اعطي وهو كاذب ورجل حلف على يمين

بایشان کالا بیشتر از آنچه داده شده و حال آنکه وی دروغ گوست و دیگری مردیست که سوگند خورد بر سوگند

كاذبة بعد العصر ليقتطع بها مال رجل مسلم ورجل

دروغ بعد از وقت عصر تا جدا گرداند بوسیله آن مال مرد مسلمان و سوم مرد

منع فضل ماء فيقول الله اليوم امنعك فضلي كما

منع کند زیادتی آب را پس میگوید خدای تعالی روز قیامت امروز منع میکنم ترا از فضل و کرم خود را

منعت فضل ما لم تعمل يداك متفق عليه باب احياء الموات

چنانکه منع کردی تو زیادتی آنچه نه کرده آن دو دست تو متفق علیه

باب في النذور

باب در بیان نذرها

و ... اتلاف مال مسلمان میکند ۱۲ اشعه شرح فارسی مشکوة

عن ابي هريرة وابن عمر رض قالا قال رسول الله صلى

روایت است از ابی هریره و ابن عمر رض گفت آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تنذروا فان النذر لا يغني عن القدر

الله علیه وسلم نذر مکنید یعنی با اعتقاد آنکه نذر رد میکند قدر را زیرا که نذر سود نمیدهد از قضا

شيئا وانما يستخرج به من البخيل متفق عليه

چیزی را و جز این نیست که بیرون آورده می شود بسبب نذر از بخیل چیزی از مال متفق علیه

وعن عائشة رض ان رسول الله صلى الله عليه

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من نذر ان يطيع الله فليطعه ومن نذر

وسلم فرمود کسیکه نذر کند که اطاعت و فرمانبرداری کند خدا را پس باید که اطاعت کند خدا را

ان يعصيه فلا يعصه رواه البخاري وعن عقبة

که نافرمانی کند خدا را پس نافرمانی نکند خدا را بل کفاره دهد رواه البخاری و روایت است از عقبه

بن عامر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال كفارة

بن عامر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت آنحضرت کفاره

النذر كفارة اليمين رواه مسلم وعن انس رض

نذر کفاره یمین است رواه مسلم و روایت است از انس رض

ان النبي صلى الله عليه وسلم راى شيخا يهادى

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید پیری را که راه میرود

بين ابنيه فقال ما بال هذا قالوا نذر ان يمشي الى

میان دو پسر خود تکیه بر آن کرده پس پرسید آنحضرت چیست حال این مرد پس گفتند نذر کرده است

البيت فقال ان الله تعالى عن تعذيب هذا نفسه لغني

بسوی کعبه پس فرمود آنحضرت بدرستیکه خدای تعالی از عذاب کردن این شخص نفس خود را بی نیاز است

وامره ان يركب متفق عليه وفي رواية لمسلم عن

وامر کرد او را که سوار شود از جهت عجز او از مشی و در روایتی مر مسلم را از

ابي هريرة رض قال اركب ايها الشيخ فان الله غني

ابی هریرة رض این چنین آمده است که فرمود سوار شو ای پیر زیرا که خدا تعالی بی نیاز است

عنك وعن نذرك وعن ابن عباس رض ان رسول الله

از تو و از نذر تو و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من نذر نذرا لم يسمه فكفارته

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه نذر کند نذری که نام او نبرد پس کفاره او

كفارة يمين ومن نذر نذرا في معصية فكفارته

کفاره یمین است و کسیکه نذر کرد نذری را در معصیت پس کفاره این

كفارة يمين ومن نذر نذرا لا يطيقه فكفارته

کفاره یمین است و کسیکه نذر کند نذری را که طاقت ندارد که بجا آرد او را پس کفاره او

كفارة يمين ومن نذر نذرا اطاقه فليف به رواه ابو داود

کفاره یمین است و کسیکه نذر کند نذری را که طاقت دارد آنرا پس باید که وفا کند بآن نذر رواه ابو داود

كتاب القصاص

والذين اذا اصابهم البغي هم ينتصرون ٥ وجزاء

و آنانکه چون برسد بر ایشان تعدی ایشان انتقام می کشند و سزا

سيئة سيئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره على الله

بدی بدی است مانند آن پس هر که بگذارد و فتنه را باصلاح آرد پس مزد او بر خدا است

انه لا يحب الظالمين ٥ ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئك

هر آئینه خدا دوست نمیدارد ظالمان را و هر آئینه کسیکه انتقام کشد بعد مظلوم شدن او پس آنها

مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ

نیست بر ایشان هیچ راه ملامت جز این نیست که راه ملامت بر آنجماعت است که ظلم میکنند

النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ

بر مردمان و فساد میخواهند در زمین ناحق آنجماعت ایشان راست عذاب درد دهنده

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ ٥ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

و هرکه صبر کند و بیامرزد هر آئینه این صفت از کارهای مقصود است ای مسلمانان

اٰمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ

لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان آزاد در مقابله آزاد است و بنده

بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ

در مقابله بنده است و زن در مقابله زن است و شما را بسبب قصاص زندگانی است

يَا اُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ٥ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا

ای خداوندان عقل تا باشد که پرهیزگاری کنید و هرکه بکشد مسلمان را

مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

بقصد پس جزای او دوزخ است جاوید آنجا وخشم گرفته است بر او خدا

وَلَعَنَهُ وَاَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ٥ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ

و لعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ در روایت است از عبد الله بن

مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَوَّلُ مَا يُقْضٰى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي الدِّمَاءِ

اول آنچه حکم کرده شود درمیان مردم روز قیامت در خونها باشد

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ ٥ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض اَنَّ النَّبِيَّ

متفق علیه در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَزَوَالُ الدُّنْيَا اَهْوَنُ عَلَى اللهِ

صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه زوال دنیا وفانی شدن آن آسانتر است نزد خدا

مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

از کشتن یا کشته شدن مسلمان رواه ترمذی و نسائی

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ وَاَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى

و روایت است از ابی سعید و از ابی هریره رض از آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اشْتَرَكُوْا

الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت اگر ثابت شود که همه آسمانیان و زمینیان شریک ند

فِيْ دَمِ مُؤْمِنٍ لَاَكَبَّهُمُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ

در ریختن خون مسلمانے هر آئینه بر رو می افگند ایشان را در آتش دوزخ رواه الترمذی و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَجِيْءُ

ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت می آرد

الْمَقْتُوْلُ بِالْقَاتِلِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ نَاصِيَتُهُ وَرَاْسُهُ بِيَدِهٖ

کشته شده کشنده را روز قیامت درحالیکه موی پیشانی کشنده و سرِ وی در دست مقتول است

وَاَوْدَاجُهُ تَشْخَبُ دَمًا يَقُوْلُ يَا رَبِّ قَتَلَنِيْ حَتّٰى يُدْنِيَهُ

و رگهاے گردن وی می ریزد خون از آنها و میگوید مقتول ای پروردگار مرا کشته است مرا این شخص

مِنَ الْعَرْشِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از عرش رواه ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی درداء از آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ كُلُّ ذَنْبٍ عَسَى اللهُ اَنْ يَّغْفِرَهٗ اِلَّا مَنْ مَاتَ

وسلم فرمود هر گناه امید است که ببخشد آنرا خدا تعالی مگر آنکس که بمیرد

مشركًا أو من يقتل مؤمنًا متعمدًا رواه أبو داود والنسائي

مشرک یا کسیکه بکشد مسلمانی را بقصد و دیده و دانسته روایت ابوداود والنسائی

عن معاوية وعن عبد الله بن مسعود رض قال

از معاویه و در روایتیست از عبد الله بن مسعود رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يحل دم امرء

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که حلال نیست ریختن خون مرد

مسلم يشهد أن لا إله إلا الله وأني رسول الله إلا

مسلم که گواهی میدهد بالوهیت خدا و رسالت من این تاکید اسلام است مگر

بإحدى ثلاث النفس بالنفس والثيب الزاني والمارق

بسبب یکی از سه خصلت یکی از آن خصلتها قتل است عمدا یعنی در قصاص دوم زنا است که رجم کرده

لدينه التارك للجماعة متفق عليه وعن

سوم برآمدن از دین یا ترک او ترک و بند و مر جماعت مسلمانان را متفق علیه و روایت است از

ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لن يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دمًا

همیشه هست مسلمان در کشادگی و فراخی از امور دین مادام که نرسیده است و نریختن خون

حرامًا رواه البخاري وعن عبد الله بن عمرو رض

حرام رواه البخاری و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قتل معاهدًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بکشد کافر عهد کننده را

لم يرح رائحة الجنة وإن ريحها توجد من مسيرة

امام بر کافر که حرب نمیکند [illegible] نیابد بوی بهشت را و بدرستی که بوی بهشت یافته می شود از مسافت

[illegible]

اربعين خريفا رواه البخاري وعن سعيد بن المسيب

چهل سال رواه بخاری و روایت است از سعید بن مسیب

ان عمر ابن الخطاب قتل نفرا خمسة او سبعة برجل

که امیر المومنین عمر بن الخطاب رض کشت پنج مرد را یا هفت مرد را در بدل یک مرد

واحد قتلوه قتل غيلة وقال عمر رض لو تمالأ عليه

کشته بودند آن کسان بطریق غیله و گفت عمر رض اگر اتفاق کردندی بر [illegible]

اهل صنعاء لقتلتهم جميعا رواه مالك وروى البخاري

ساکنان صنعا هر آئینه میکشتم ایشان را همه رواه مالک و روایت کرد بخاری

عن ابن عمر رض نحوه وعن جندب قال حدثني فلان

از ابن عمر رض مانند آن و روایت است از جندب گفت حدیث کرد مرا فلانی

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يجيء المقتول

که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که می آرد کشته شده

بقاتله يوم القيمة فيقول سل هذا فيم قتلني فيقول

کشنده خود را روز قیامت پس میگوید مقتول سئوال کن این را که بچه سبب کشته است مرا

قتلته على ملك فلان قال جندب فاتقها رواه النسائي

کشته ام او را بر ملک و سلطنت فلان گفت جندب پس پرهیز کن آنرا رواه النسائی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم من اعان على قتل مؤمن شطر كلمة لقي الله مكتوب

وسلم کسیکه یاری دهد و مدد کند بر قتل مسلم به نیم کلمه مراد به نیم کلمه اق است از لفظ اقتل ملاقی شد میکند خدا را

بين عينيه آيس من رحمة الله رواه ابن ماجة

میان دو چشم وی این که نا امید است از رحمت خدا این شخص رواه ابن ماجه

[illegible] آن ملا باشد که بجمع [illegible] است ۱۲

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از ابن عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

إِذَا أَمْسَكَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ وَقَتَلَهُ الْآخَرُ يُقْتَلُ الَّذِي قَتَلَ

وقتیکه نگاه دارد مردی مردی را و بکشد او را مرد دیگر کشته شود آن کسکه کشت

وَيُحْبَسُ الَّذِي أَمْسَكَ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ طَاؤُسٍ

و حبس کرده شود آنکسیکه نگاه داشت رواه دار قطنی و روایت است از طاؤس

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

وَمَنْ قَتَلَ عَمْدًا فَهُوَ قَوَدٌ وَمَنْ حَالَ دُونَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ

و کسیکه کشته شود عمداً پس این قتل موجب قصاص است و کسیکه حایل گردد میان آن قصاص بر وی

اللهِ وَغَضَبُهُ لَا يُقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

خدا و خشم او است و پذیرفته نمی شود از وی توبه و نه فدیه رواه ابوداود

وَالنَّسَائِيُّ وَهٰذَا طَرَفٌ مِنَ الْحَدِيثِ وَعَنْ عَمْرِو

و نسائی و این لفظ طرفی است از حدیث بزرگ و روایت است از عمرو

ابْنِ شُعَيْبٍ رض عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

بن شعیب رض از پدرش و از جدش که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَطَبَّبَ وَلَمْ يُعْلَمْ مِنْهُ طِبٌّ فَهُوَ

علیه وسلم فرمود کسیکه طبیب گیرد خود را بتکلف و حال آنکه دانسته نشده است از وی طب پس او

ضَامِنٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ بَابُ الدِّيَاتِ عَنْ مِشْكٰوةٍ

ضامن است رواه ابوداود و نسائی این حدیث را در مشکوة در باب دیات است

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی درداء رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ يُصَابُ بِشَيْءٍ فِي جَسَدِهِ

علیه وسلم میگفت نیست هیچ مردی که مصیبت زده شود در تن وی بقطعی یا بجرح

فَتَصَدَّقَ بِهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ بِهِ دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ خَطِيئَةً

پس تصدق کند بان یعنی عفو کند او را مگر آنکه بلند گرداند او را خدا بسبب آن عفو پایه در ثواب و کم کند از وی گناه را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رض

رواه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از خزیمه بن ثابت رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَصَابَ ذَنْبًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه برسد وارتکاب کند گناهی را

أُقِيمَ عَلَيْهِ حَدُّ ذٰلِكَ الذَّنْبِ فَهُوَ كَفَّارَتُهُ رَوَاهُ فِي شَرْحِ

که اقامت کرده شد برانکس حد آن پس آن حد کفاره است و محو کننده آن گناه است رواه در شرح

السُّنَّةِ بَابُ مَا لَا يُدْعَى عَلَى الْمَحْدُودِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

السنة در باب ما لا یدعی علی المحدود و روایت است از علی رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَصَابَ حَدًّا

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه رسید حدی را

فَعُجِّلَ عُقُوبَتُهُ فِي الدُّنْيَا فَاللّٰهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنِّيَ عَلَى

پس شتاب کرده شد عذاب آن در دنیا پس عذاب کرده شود در آخرت زیراکه خدا عادل است از آنکه دوبار

عَبْدِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ أَصَابَ حَدًّا فَسَتَرَهُ اللّٰهُ

بنده خود عقوبت در آخرة و کسیکه برسد گناهی را پس پوشید خدا آن گناه را

عَلَيْهِ وَعَفَا عَنْهُ فَاللّٰهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي شَيْءٍ قَدْ

بر وی و عفو کند ازان پس خدا بزرگتر است از آنکه باز گردد بعذاب کردن در چیزی که بتحقیق

عَفَا عَنْهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بَابٌ أَيْضًا وَعَنْ

عفو کرد ازان رواه ترمذی و ابن ماجه در باب مذکور نیز و روایت است از

ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من تردی من جبل فقتل نفسه فهو فی نار جهنم یتردی

کسیکه بیندازد از بالای کوه خود را پس بکشد نفس خود را پس آنکس در آتش دوزخ است می افتد

فیها خالدا مخلدا فیها ابدا ومن تحسی سما فقتل نفسه

در وی همیشه همیشه و همیشه شده در آتش و کسیکه بیاشامد زهر را پس بکشد خود را

فسمه فی یده یتحساه فی نار جهنم خالدا مخلدا فیها ابدا

پس زهر او در دست او خواهد بود در حالیکه می آشامد در آتش دوزخ همیشه همیشه داشته شده در آتش

ومن قتل نفسه بحدیدة فحدیدته فی یده یتوجأ

و کسیکه بکشد خود را با آهنی مثل کارد و یا شمشیر پس آهن او در دست او میزند

بها فی بطنه فی نار جهنم خالدا مخلدا فیها ابدا متفق

بآن در شکم خود در آتش جهنم همیشه همیشه داشته شده در آتش دایما متفق

علیه وعنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

علیه و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الذی یخنق نفسه یخنقها فی النار والذی یطعنها

آنکسیکه خفه میکند نفس خود را خفه میکند نفس خود را در آتش دوزخ و آنکه بنیزه میزند نفس خود را

یطعنها فی النار رواه البخاری وعن جندب

میزند نفس خود را بنیزه در آتش رواه بخاری و روایت است از جندب

بن عبد الله رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

بن عبد الله رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

کان فیمن کان قبلکم رجل به جرح فجزع فاخذ سکینا

بود در آن کسانیکه پیش از شما بودند مردی که بوی جراحتی بود پس بیصبری کرد پس گرفت کارد

فجزا بها يده فما رقأ الدم حتى مات قال الله تعالى

پس بريد بآن دست خود را پس نايستاد خون تا آنکه مرد فرمود خداے تعالى

بادرني عبدي بنفسه حرمت عليه الجنة متفق

شتابی کرد بنده من بهلاک کردن جان خود پس حرام کردم برو بهشت متفق

عليه وعن جابر رض أن الطفيل بن عمرو الدوسي

عليه وروايت است از جابر رض که طفيل بن عمرو دوسی

لما هاجر النبي صلى الله عليه وسلم إلى المدينة هاجر

وقتيکه هجرت کرد آنحضرت صلى الله عليه وسلم بسوے مدينه منوره هجرت کرد

إليه وهاجر معه رجل من قومه فمرض فجزع فأخذ

بسوے آنحضرت وهجرت کرد با طفيل مردے از قوم وے پس بيمار شد آن مرد پس بيقراری کرد پس گرفت آن مرد

مشاقص له فقطع بها براجمه فشخبت يداه حتى مات

پيکانها که همراه او بود پس بريد آن مرد بندهاے انگشتان خود را پس روان شد خون از هر دو دست او تا آنکه مرد آن مرد

فرآه الطفيل بن عمرو في منامه وهيئته حسنة

پس ديد آن مرد را طفيل بن عمرو در خواب خود در حال آنکه صورت وے نيکو است

ورآه مغطيا يديه فقال له ما صنع بك ربك فقال

و ديد او را در حالتيکه پوشنده است هر دو دست خود را پس گفت طفيل مر آن مرد را چه معامله کرد با تو پروردگار

غفر لي بهجرتي إلى نبيه صلى الله عليه وسلم

بيامرزيد مرا بسبب هجرت کردن بسوے پيغمبر خود صلى الله عليه وسلم

فقال ما لي أراك مغطيا يديك قال قيل لي لن نصلح

پس گفت طفيل چيست مرا که مى بينم ترا پوشنده هر دو دست خود را گفت آن مرد گفته شد مرا هرگز صلاح نکنيم

منك ما أفسدت فقصها الطفيل على رسول الله

از تو چيزيرا که فاسد و تباه کردی تو پس خواند اين قصه را طفيل بر آنحضرت

صلى الله عليه وسلم فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

صلى الله عليه وسلم پس فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

اللهم وليديه فاغفر رواه مسلم

بار خدایا چنانچه امرزیدی کسا[illegible] او را بیامرز هر دو دست او را رواه مسلم

باب ما لا يضمن من الجنايات

باب در بیان جنایاتی که ضمان آن نیست

عن عبد الله بن عمرو قال سمعت رسول الله

روایت است از عبد الله بن عمرو گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول من قتل دون ماله فهو شهيد

صلى الله عليه وسلم را که میگفت کسیکه کشته شد نزد مال خود از جهت عرض کردن ازان پس او شهید است

متفق عليه وعن أبي هريرة رض قال جاء رجل

متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض گفت که آمد مردی

فقال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيت إن جاء

پس گفت یا رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر ده مرا که اگر بیاید

رجل يريد أخذ مالي قال فلا تعطه مالك قال أرأيت

مردی که میخواهد گرفتن مال مرا گفت آنحضرت پس مده او را مال خود گفت آنمرد خبر ده مرا

إن قاتلني قال قاتله قال أرأيت إن قتلني قال فأنت

اگر قتال کند مرا و خواهد که مرا بکشد [illegible] فرمود قتال کن او را و جنگ کن با او گفت خبر ده مرا اگر بکشد مرا فرمود

شهيد قال أرأيت إن قتلته قال هو في النار رواه مسلم

شهید باشی گفت آنمرد خبر ده مرا که اگر بکشم من او را [illegible] فرمود آنحضرت که او در آتش دوزخ است رواه مسلم

وعنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از ابی هریره روایت کرده که شنید آنحضرت صلى الله عليه وسلم را

يقول لو اطّلع في بيتك احد ولم تأذن له فخذفته

كه ميگفت اگر مطلع مى شد و مى نگريست در خانهٔ تو كسى و حال آنكه اذن نميدادى تو مر او را پس مى انداختى او را

بحصاة ففقأت عينه ما كان عليك من جناح متفق

بسنگ ريزه پس كور ميكردى تو چشم او را نمى بود بر تو هيچ گناهى متفق

عليه وعن عبد الله بن مغفّل رضـ انّه رأى رجلا

عليه در روايت است از عبد الله بن مغفل رضـ كه او ديد مردى را

يخذف فقال لا تخذف فانّ رسول الله صلى الله عليه

كه او خذف ميكند پس گفت خذف مكن زيرا كه آنحضرت صلى الله عليه

وسلّم نهى عن الخذف وقال انّه لا يصاد به صيد ولا

وسلم نهى كرده است از خذف و گفته آنحضرت كه خذف شكار كرده نمى شود بوى شكارى و نه

ينكأ به عدوّ ولكنّها قد تكسر السنّ وتفقأ العين

مجروح كرده نمى شود بوى دشمن خود وليكن اين فعل يا سنگ ريزه مى شكند دندان كسى را و كور ميكند چشم كسى را

متفق عليه وعن ابي موسى رضـ قال قال رسول الله

متفق عليه در روايت است از ابي موسى رضـ گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلّم اذا مرّ احدكم في مسجدنا وفي سوقنا

صلى الله عليه وسلم وقتيكه بگذرد يكى از شما در مسجد ما و در بازار ما

ومعه نبل فليمسك على نصالها ان يصيب احدا

و با وى تير است و حال آنكه با وى تير است پس بايد كه نگاهدارى كند و دست نهد بر پيكان آن از جهت آنكه نرسد

من المسلمين منها بشيء متفق عليه وعن ابي هريرة

از مسلمانان را از آن پيكانها چيزى از جراحت متفق عليه در روايت است از ابي هريره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلّم لا يشير احدكم

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم اشارت نكند يكى از شما

عَلَىٰ أَخِيهِ بِالسِّلَاحِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ

بر برادر خود از سلاح یعنے از آلات حدید زیراکه وی نمیداند شاید که شیطان بگیرد سلاح را

فِي يَدِهِ فَيَقَعُ فِي حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

در حالیکه در دست اوست پس بیفتد در گودی از آتش دوزخ متفق علیه و هم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَشَارَ إِلَىٰ أَخِيهِ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه اشارت کند بسوی برادر خود

بِحَدِيدَةٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهُ حَتَّىٰ يَضَعَهَا وَإِنْ كَانَ

یا جیزے مثل تیر و شمشیر پس بدرستیکه فرشتگان لعنت میکنند آنکس را تا آنکه بنهد آن آهن را از دست خود اگرچه

أَخَاهُ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ و

مشار الیه یا شمشیر برادر او مر پدر او را و مادر او را یعنی برادر حقیقی رواه بخاری و روایت است از ابن عمر و

أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَمَلَ

ابی هریره رض از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که فرمود کسیکه بردارد

عَلَيْنَا السِّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَزَادَ مُسْلِمٌ وَمَنْ

بر ما آلات حرب را پس نیست از ما و بر طریقه ما رواه بخاری و زیاده کرد مسلم و روایت او کسیکه

غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رض قَالَ

خیانت کرد و ترک نصیحت کرد ما را پس نیست از ما و روایت است از سلمه بن اکوع رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَلَّ عَلَيْنَا السَّيْفَ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه برکشد بر ما شمشیر را

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ

پس نیست از ما رواه مسلم و روایت است از هشام بن عروه از

أَبِيهِ أَنَّ هِشَامَ بْنَ حَكِيمٍ رض مَرَّ بِالشَّامِ عَلَىٰ أُنَاسٍ مِنَ الْأَنْبَاطِ

پدر خود روایت میکند که هشام بن حکیم رض گذشت در ملک شام بر مردمان از انباط

ع
[illegible] از عجم
[illegible]

وَقَدْ اُقِيْمُوْا فِي الشَّمْسِ وَصُبَّ عَلٰى رُءُوْسِهِمُ الزَّيْتُ فَقَالَ

وحال آنکه ایستاده کرده شده اند در آفتاب وریخته شده است بر سر ایشان روغن زیتون پس گفت

مَا هٰذَا قِيْلَ يُعَذَّبُوْنَ فِي الْخَرَاجِ فَقَالَ هِشَامٌ اَشْهَدُ

چیست این حال گفته شد عذاب کرده می شوند بجهت خراج که مال واجبی میدهند پس گفت هشام گواهی میدهم

لَسَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ

هر آئینه شنیده ام آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدای تعالی

يُعَذِّبُ الَّذِيْنَ يُعَذِّبُوْنَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

عذاب میکند آن کسانی را که عذاب میکنند مردمان را در دنیا روا‌ه مسلم

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوْشِكُ اِنْ طَالَتْ بِكَ مُدَّةٌ اَنْ تَرٰى قَوْمًا

علیه وسلم نزدیک است اگر دراز شود ترا مدت عمر که به بینی گروهی را که

فِيْ اَيْدِيْهِمْ مِثْلُ اَذْنَابِ الْبَقَرِ يَغْدُوْنَ فِيْ غَضَبِ اللّٰهِ وَيَرُوْحُوْنَ

در دستهای ایشان است مانند دمهای گاوان مراد تازیانه های است که از چرم میباشد بامداد میکنند

فِيْ سَخَطِ اللّٰهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ وَيَرُوْحُوْنَ فِيْ لَعْنَةِ اللّٰهِ رَوَاهُ

در پی رضای خدای تعالی ودر روایتی است این لفظ که و شام میکنند در لعنت خدای تعالی روا‌ه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسلم وهم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

صِنْفَانِ مِنْ اَهْلِ النَّارِ لَمْ اَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ

که دو نوع دو گروه اند از اهل دوزخ ندیده ام ایشان را ونخواهم دید یکی گروهی اند که با ایشان تازیانه ها

كَاَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُوْنَ بِهَا النَّاسَ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ

مانند دمهای گاوان میزنند بآن تازیانه مردم را ودوم جماعه زنان که خداوند پوشش اند

عاريات مميلات مائلات رؤسهن كاسنمة البخت

پوشیده اند بدنهای خود را اما برهنه اند گرداننده اند دلهای مردمان را بسوی خود میل کننده اند بسوی مردان سر ایشان

المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها وان ريحها

کوهان شتران نمی درآیند بهشت را ونمی یابند بوی بهشت وحال آنکه بوی بهشت

لتوجد من مسيرة كذا وكذا رواه مسلم وعن

یافته میشود از مسافت چنین وچنین یعنی مسافت بعیده روایت مسلم وروایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا قاتل

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه

احدكم فليجتنب الوجه فان الله تعالى خلق آدم على

جنگ کند یکی از شما یعنی مضاربت کند پس باید که اجتناب کند از زدن بروی بدرستیکه

صورته متفق عليه وعنه رض قال نهى رسول الله

صورت خود متفق علیه وروایت است از جابر رض که نهی کرد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ان يتعاطى السيف مسلولا رواه

صلی الله علیه وسلم از تناول شمشیر وگرفتن آن برکشیده وبرهنه رواه

الترمذي وابو داود وعن ابن عمر رض عن النبي

ترمذی وابو داود وروایت است از ابن عمر رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لجهنم سبعة ابواب باب

صلی الله علیه وسلم فرمود مر دوزخ را هفت در است یکدر

منها لمن سل السيف على امتي او قال على امة

از آن درها مر کسی راست که بکشد شمشیر را بر امت من یا گفت علی امة

محمد صلى الله عليه وسلم رواه الترمذي

محمد صلی الله علیه وسلم رواه ترمذی

بَابُ الْمَيْسِرِ وَالنَّرْدِ وَالشِّطْرَنْجِ وَغَيْرِهٖ

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيْهِمَا إِثْمٌ كَبِيْرٌ وَّ
سوال میکنند ترا از شراب وقمار بگو درینها هر دو گناه سخت است
مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَعَنْ
ونفع است مردمان را یعنی در دنیا وگناه اینها هر دو سخت تر است از نفع اینها و روایت است از
بُرَيْدَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ
بریدۃ رض بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه بازی کرد
بِالنَّرْدِ شِيْرَ فَكَاَنَّمَا صَبَغَ يَدَهٗ فِيْ لَحْمِ خِنْزِيْرٍ وَّدَمِهٖ
بازدشیر پس گویا که رنگین نمود دست خود را در گوشت خوک وخون وی
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِيْ حَلِفِهٖ بِاللَّاتِ
اللہ علیہ وسلم که فرمود کسیکه سوگند خورد پس بگوید در سوگند خود سوگند میخورم بلات
وَالْعُزّٰى فَلْيَقُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَمَنْ قَالَ لِصَاحِبِهٖ
وعزی که نام آن بتان است پس باید که توبه کند وتدارک نماید بکلمه توحید وکسیکه بگوید مر یار خود را
تَعَالَ اُقَامِرْكَ فَلْيَتَصَدَّقْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى
بیا قمار بازم با تو پس باید که تصدق کند تا که بدان قمار خواهش متفق علیه و روایت است از ابی موسی
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَعِبَ بِالنَّرْدِ فَقَدْ
بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه بازی کرد با نرد یعنی چوسر و شطرنج
عَصَى اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ
نافرمانی کرد آنکس خدا ورسول را رواه احمد وابو داود و روایت است از

أبي هريرة رضـ أن رسول الله صلى الله عليه وسلم رأى
ابي هريره رضـ كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم ديد
رجلا يتبع حمامة فقال شيطان يتبع شيطانة رواه أحمد
مردے را کہ پس رفت کبوترے میرود پس فرمود کہ شیطان است کہ تابع میگردد شیطان خود را رواه احمد
وأبو داود وابن ماجة والبيهقي في شعب الإيمان
و ابو داود و ابن ماجه و بيهقي در شعب ايمان
وعن علي رضـ أنه كان يقول الشطرنج هو ميسر
و از علی رضـ مروی است کہ او میگفت کہ شطرنج قمار
الأعاجم وعن ابن شهاب أن أبا موسى الأشعري رضـ
عجمیان است و از ابن شهاب مروی است بدرستیکہ ابا موسی اشعری رضـ
قال لا يلعب بالشطرنج إلا خاطئ وعنه رضـ أنه
گفت بازی نمی کند به شطرنج هیچ یکے مگر گنهگار و هم از وی مرویست کہ وی
سئل عن لعب الشطرنج فقال هي من الباطل ولا يحب الله
سوال کرده شد از بازی شطرنج پس گفت کہ شطرنج از کار باطل است و دوست نمیدارد خدا تعالی
الباطل روى البيهقي الأحاديث الثلاثة في شعب الإيمان
باطل را روایت کرد بیهقی این سه حدیث ها را در شعب ایمان

كتاب الحدود

الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة
زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنید هر یکے را از ایشان صد دره
ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله إن كنتم تؤمنون
و باید در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع اگر ایمان آورده اید

بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين
بخدا و روز آخر و باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعت از مسلمانان
عن عبادة بن الصامت رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
از عباده بن صامت رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم أقيموا حدود الله في القريب والبعيد ولا تأخذكم
وسلم بر پا کنید حدهای خدارا به نزدیک و دور و باید که نگیرد شمارا
في الله لومة لائم رواه ابن ماجة وعن ابن عمر رض
در دین خدا هیچ ملامت ملامت کننده رواه ابن ماجه و از ابن عمر مرویست
أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال إقامة حد من
بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بر پا کردن حدے از
حدود الله خير من مطر أربعين ليلة في بلاد الله رواه
حدود خدا بهتر است از باران چهل شب در تمام شهرهای خدا رواه
ابن ماجة ورواه النسائي عن أبي هريرة رض وعن
ابن ماجه و رواه نسائی از ابی هریره رض و در روایتست از
المغيرة رض قال قال سعد بن عبادة لو رأيت رجلا مع
مغیره رض که گفت گفت سعد بن عباده اگر ببینم مرد را با
امرأتي لضربته بالسيف غير مصفح فبلغ ذلك
زن خود هر آئینه میزدم اورا بشمشیر غیر زننده بطرف شمشیر و عرض پس رسید آن سخن
رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أتعجبون من غيرة
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود آنحضرت آیا تعجب میکنید شما از غیرت
سعد والله أنا أغير منه والله أغير مني ومن أجل
سعد سوگند بخدا من غیرتناک ترام ازوی و خدا غیرتناک تر است از من و بسبب

١ غَيْرَةِ اللّٰهِ حَرَّمَ اللّٰهُ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
غیرت خدا حرام گردانیده است خدایتعالیٰ گناہان را ہر چہ ظاہر است ازان و ہر چہ پوشیده
وَلَا أَحَدَ أَحَبُّ إِلَيْهِ الْعُذْرُ مِنَ اللّٰهِ وَمِنْ أَجْلِ ذٰلِكَ بَعَثَ
ونیست کسے کہ محبوب تر باشد بسوی او عذر از خدایتعالیٰ و باین سبب برانگیخت خدا
الْمُنْذِرِيْنَ وَالْمُبَشِّرِيْنَ وَلَا أَحَدَ أَحَبُّ إِلَيْهِ الْمِدْحَةُ مِنَ اللّٰهِ
پیغمبران ترسانندگان و خوشخبری رسانندگان را ونیست کسے محبوب تر بسوی او ستایش کردن از خدا
عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْ أَجْلِ ذٰلِكَ وَعَدَ اللّٰهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
عز و جل و بسبب آن وعده فرمود خدا به بهشت متفق علیه
وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و از ابی ہریره رضـ مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَغَارُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ وَغَيْرَةُ
علیه و سلم بدرستیکه خدایتعالیٰ غیرت میکند و بتحقیق مسلمان غیرت میکند و غیرت
اللّٰهِ أَنْ لَا يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ بَابُ اللِّعَانِ مش
خدا آنست کہ نیاید مومن چیزے را کہ حرام گردانیده است خدایتعالیٰ

بَابُ إِثْمِ الزِّنَا

ع
وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنٰى إِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً ط وَسَاءَ سَبِيْلًا ۝
و نزدیک مشوید بزنا ہر آئینه وی بیحیائی است و بد راہی است
٢ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى
از عمرو بن العاص رضـ مرویست گفت شنیدم من آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيْهِمُ الزِّنَا إِلَّا أُخِذُوْا
الله علیه و سلم را کہ میگفت نیست ہیچ قومی کہ پیدا میگردد در ایشان زنا مگر آنکہ گرفته کرده شدند

بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّشَا إِلَّا أُخِذُوا بِالرُّعْبِ
بقحط و نیست هیچ قومی که پیدا و ظاهر میگردد در ایشان رشوتها مگر آنکه گرفت کرده میشوند به ترس و بیم
رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا
رواه احمد و از عمر بن خطاب رض مروی است بدرستیکه خدا برانگیخته است محمد
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ
صلی الله علیه وسلم را بدین ثابت و نازل فرموده است بروی کتاب پس بود
مِمَّا أَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالَى آيَةُ الرَّجْمِ رَجَمَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
از آنچه نازل نمود خدای تعالی آیه رجم رجم فرمود آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ
الله علیه وسلم و رجم کردیم ما پس آنحضرت و رجم در کتاب
اللّٰهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى إِذَا أَحْصَنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ إِذَا
خدا حق است بر کسی که زنا کند وقتیکه محصن باشد از مردان و زنان وقتیکه
قَامَتِ الْبَيِّنَةُ أَوْ كَانَ الْحَبَلُ أَوِ الْاِعْتِرَافُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
قایم شوند گواهان یا باشد حبل یعنی بار شکم از غیر زوج یا باشد اقرار متفق علیه
وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ
و از سمره بن جندب رض گفت که بود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ مَنْ رَأَى
علیه وسلم چون فارغ میشد از نماز صبح توجه میکرد بر ما بروی مبارک خود پس میفرمود کیست که دیده است
مِنْكُمُ اللَّيْلَةَ رُؤْيَا قَالَ فَإِنْ رَأَى أَحَدٌ قَصَّهَا فَيَقُولُ
از شما امشب خوابی را سمره گفت پس اگر میدید کسی خوابی را میخواند آنرا پس میگفت
مَا شَاءَ اللّٰهُ فَسَأَلَنَا يَوْمًا فَقَالَ هَلْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدٌ
آنچه خواسته است خدا پس پرسید ما را روزی پس گفت آیا دیده است از شما هیچ یکی

رؤيا قلنا لا قال لكني رأيت الليلة رجلين أتياني فأخذا
خوابی ما گفتیم ندیده ایم فرمود لیکن من دیده ام امشب دو مرد را که آمدند مرا پس گرفتند
بيدي فأخرجاني إلى أرض مقدسة فإذا رجل جالس ورجل
دست مرا پس بیرون آوردند مرا بسوی زمین پاک پس ناگاه در آنجا مردی نشسته است و مردی
قائم بيده كلوب من حديد يدخله في شدقه فيشقه حتى
ایستاده در دست او کلوب است از آهن که میدرآمد آنرا در کنج دهن نشسته پس پاره میکند تا آنکه
يبلغ قفاه ثم يفعل بشدقه الآخر مثل ذلك ويلتئم
آنکه میرسد پس سر او را پس میکند بشدق دیگر وی مانند آنچه کرده بود و بهم می آید
شدقه هذا فيعود فيصنع مثله قلت ما هذا قالا انطلق
این کنج او پس باز میگردد پس میکند مانند آن پس گفتم آن دو مرد را چیست این گفتند آن برو
فانطلقنا حتى أتينا على رجل مضطجع على قفاه ورجل
پس رفتیم تا آنکه آمدیم بر مردی که افتاده است بر قفای خود و مردی
قائم على رأسه بفهر أو صخرة يشدخ به رأسه فإذا
ایستاده است بر سر او سنگ در دست که می شکند بآن سنگ سر او را پس چون
ضربه تدهده الحجر فانطلق إليه ليأخذه فلا يرجع
میزند او را می غلطد سنگ دور افتد پس میرود آن مرد بجانب سنگ تا بگیرد آنرا پس باز نمیگردد
إلى هذا حتى يلتئم رأسه وعاد رأسه كما كان فعاد
بسوی این مرد تا آنکه به میگردد سر او و میگردد سر او چنانکه بود پس باز می آید
إليه فضربه فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى
بسوی وی پس میزند او را پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم تا آنکه
أتينا إلى ثقب مثل التنور أعلاه ضيق وأسفله واسع
آمدیم ما بسوی سوراخ که مانند تنور است بالای آن ثقب تنگ است و پایان او فراخ

تتوقد تحته نارا فإذا ارتفعت ارتفعوا حتى كاد

می افروزند زیر آن تنور آتش پس چون بلند میشود آتش بلند میشوند مردم تا آنکه قریب است

أن يخرجوا منها وإذا خمدت رجعوا فيها وفيها رجال ونساء

که بیرون آیند و چون فرو می نشیند آن آتش باز رجوع میکنند در وی و در آن مردان و زنان

عراة فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى أتينا على

برهنه پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم تا آنکه آمدیم ما بر

نهر من دم فيه رجل قائم على وسط النهر وعلى شط

جوی از خون در آن مردیست ایستاده در میان جوی و بر کنار

النهر رجل بين يديه حجارة فأقبل الرجل الذي في النهر

جوی مردی است پیش او سنگهاست پس پیش آمد مردی که بود در میان نهر

فإذا أراد أن يخرج رمى الرجل بحجر في فيه فرده حيث

پس چون میخواهد که بیرون آید می زند آن مرد او را به سنگی در دهن او پس باز میگرداند او را بجائی که

كان فجعل كلما جاء ليخرج رمى في فيه فيرجع كما كان

بود پس هر گاه که می آید که بیرون آید می انداخت در دهن او سنگ پس باز میگردد چنانکه بود

فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى انتهينا إلى

پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم تا آنکه رسیدیم ما به بستانی

روضة خضراء فيها شجرة عظيمة وفي أصلها شيخ

سبز که در آن درختیست بزرگ و در بیخ آن درخت پیری است

وصبيان فإذا رجل قريب من الشجرة بين يديه نار يوقدها

و اطفال پس ناگاه مردیست نزدیک آن درخت پیش او آتشیست که می افروزد آنرا

فصعدا بي الشجرة فأدخلاني دارا وسط الشجرة لم أر قط

پس برآمدند مرا بالای آن درخت پس درآوردند مرا در سرائی میان آن درخت که ندیده ام هرگز

أَحْسَنَ مِنْهَا فِيهَا رِجَالٌ شُيُوخٌ وَشَبَابٌ وَنِسَاءٌ وَ

بهتر ازان پس دران مردان اند پیران و جوانان و زنان اند

صِبْيَانٌ ثُمَّ أَخْرَجَانِي مِنْهَا فَصَعِدَا بِيَ الشَّجَرَةَ فَأَدْخَلَانِي

و طفلان پس بیرون آوردند مرا از ان سرا پس برده مرا بالای آن درخت پس آوردند مرا

دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ مِنْهَا فِيهَا شُيُوخٌ وَشَبَابٌ

سرائی را که بهتر و افضل بود ازان پس درین سرا پیران و جوانان اند

فَقُلْتُ لَهُمَا إِنَّكُمَا قَدْ طَوَّفْتُمَانِي اللَّيْلَةَ فَأَخْبِرَانِي عَمَّا

پس گفتم من مر آن دو مرد را که بسیار گردانیدید شما مرا امشب پس خبر دهید مرا از آنچه

رَأَيْتُ قَالَا نَعَمْ أَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي رَأَيْتَهُ يُشَقُّ شِدْقُهُ

دیده‌ام گفتند هان اما مردے که دیدی که پاره کرده میشود کلاو

فَكَذَّابٌ يُحَدِّثُ بِالْكَذْبَةِ فَتُحْمَلُ عَنْهُ حَتَّى تَبْلُغَ الْآفَاقَ

پس مرد دروغگوست که خبر میدهد به دروغ پس یاد گرفته میشود آن حدیث دروغ ازو تا آنکه میرسد در اطراف عالم

فَيُصْنَعُ بِهِ مَا تَرَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ

پس کرده میشود چنین که می بینی تا روز قیامت و آنکس که دیدی تو اورا

يُشْدَخُ رَأْسُهُ فَرَجُلٌ عَلَّمَهُ اللهُ الْقُرْآنَ فَنَامَ عَنْهُ

که شکسته میشود سر او پس مردیست که تعلیم کرد اورا الله تعالى قرآن را پس خواب کرد از قرآن

بِاللَّيْلِ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ بِالنَّهَارِ يُفْعَلُ بِهِ مَا رَأَيْتَ إِلَى

در شب و عمل نکرد بانچه در قرآنست در روز کرده میشود بآن آنچه که دیدے

يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ فِي الثَّقْبِ فَهُمُ الزُّنَاةُ وَالَّذِي

روز قیامت و آنکس که دیدے تو اورا در سوراخ پس آن جماعه زنا کارانند و آنکس

رَأَيْتَهُ فِي النَّهَرِ آكِلُ الرِّبَوا وَالشَّيْخُ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي أَصْلِ

که دیدے تو اورا در نهر سود خوار است و پیری که دیدے تو اورا در بیخ

الشجرة إبراهيم والصبيان حوله فأولاد الناس والذي

درخت ابراهیم خلیل است و طفلان که گرد او بینند پس اولاد مردم اند و کسیکه

يوقد النار مالك خازن النار والدار الأولى التي دخلت

می افروزد آتش را مالک است داروغه دوزخ و سرای پیشین که درآمدی تو

دار عامة المؤمنين وأما هذه الدار فدار الشهداء وأنا

جای عوام مسلمانان است و لیکن این سرای دوم که حسن ازان اول است پس جای شهیدان است و من

جبرئيل وهذا ميكائيل فارفع رأسك فرفعت رأسي

جبرئیل ام و این میکائیل پس بردار سر خود را پس برداشتم من سر خود را

فإذا فوقي مثل السحابة وفي رواية مثل الربابة البيضاء

پس ناگاه بالای سر من مانند ابر است و در روایتی آمده است که بالای سر من مانند ابر سفید است

قالا ذاك منزلك قلت دعاني أدخل منزلي قالا إنه

گفتند آن دو مرد که این مقام تست گفتم بگذارید مرا تا درآیم منزل خود را گفتند بدرستیکه

بقي لك عمر لم تستكمله فلو استكملته أتيت منزلك

از عمر تو هنوز باقی است که تمام نکردی تو آنرا پس اگر تمام میکردی آنرا می آمدی منزل خود را

رواه البخاري باب الرؤيا مشكوة

روایت کرد آنرا البخاری در باب رؤیا مشکوة

باب إثم اللواطة

عن عكرمة عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى

روایت است از عکرمه از ابن عباس گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط

الله علیه و سلم کسیکه بیابید شما او را که میکند فعل گروه لوط

فاقتلوا الفاعل والمفعول به رواه الترمذي وابن ماجة

پس بکشید کشنده این کار را و آنرا که کرده شده است بوی روایت کرد ترمذی و ابن ماجه

وعن جابر رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از جابر رضـ مرویست گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

إن أخوف ما أخاف على أمتي عمل قوم لوط رواه الترمذي

بدرستیکه ترسیده شده ترین چیزیکه می‌ترسم من بر امت خود کار قوم لوط است روایت کرد ترمذی

وابن ماجة وعن ابن عباس وأبي هريرة رضـ أن رسول الله

و ابن ماجه و روایتست از ابن عباس و ابی هریره رضـ بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ملعون من عمل عمل قوم لوط

صلى الله عليه وسلم فرمود لعنت کرده شده است کسیکه بکند کار قوم لوط

رواه رزين وفي رواية له عن ابن عباس رضـ أن عليا أحرقهما

روایت کرد رزین و در روایتی که مر رزین راست از ابن عباس رضـ بدرستیکه علی رضـ سوخت هر دو را

وأبا بكر هدم عليهما حائطا وعنه أن رسول الله صلى

و ابوبکر انداخت بر هر دو دیوار را و هم از وی مرویست که آنحضرت صلى

الله عليه وسلم قال لا ينظر الله عز وجل إلى رجل أتى رجلا

الله عليه وسلم فرمود که نظر رحمت نمی‌کند خدای بزرگ بسوی مردی که بیاید مردی را

أو امرأة في دبرها رواه الترمذي وعن ابن عباس رضـ

یا زنی را در دبر او روایت کرد ترمذی و از ابن عباس رضـ مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أتى بهيمة

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم کسیکه بیاید چارپایه را یعنی وطی کند

فاقتلوه واقتلوها معه قيل لابن عباس ما شأن البهيمة

پس بکشید او را و بکشید آن بهیمه را همراه او گفته شد مر ابن عباس را چیست حال بهیمه

فاطمة لقطعتُ يدها رواه النسائي

فاطمه هر آئينه قطع میکردم دست او را رواه نسائی

باب المسكرات ووعيد شاربها

باب در احادیثیکه در مسکرات و وعید شارب آن وارد شده

يا ايها الذين آمنوا انما الخمر والميسر والانصاب و

ای مسلمانان جز این نیست که خمر و قمار و نشانها سے معبود باطل

الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم

و تیرهای فال پلید است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا که شما

تفلحون ۝ انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة

رستگار شوید جز این نیست که میخواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی

والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله

و ناخوشی بسبب خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا

وعن الصلوة فهل انتم منتهون ۝ عن ابن عمر

و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادید روایت از ابن عمر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كل مسكر

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر مسکر

خمر وكل مسكر حرام ومن شرب الخمر في الدنيا فمات

خمر است و هر مسکر حرام است کسیکه بنوشید خمر را در دنیا پس بمیرد

وهو يدمنها ولم يتب لم يشربها في الآخرة رواه مسلم

درحالیکه پیوسته میخورد آنرا و توبه نکرد از آن نخواهد نوشید خمر در آخرت رواه مسلم

وعن جابر ان رجلا قدم من اليمن فسال النبي

و از جابر رض مرویست که مردے قدوم آورد از یمن پس پرسید آنحضرت

صلى الله عليه وسلم عن شراب يشربونه بارضهم من

صلی الله علیه وسلم از شرابی که مینوشیدند اهل یمن آنرا در زمین خود از

الذرة يقال له المزر فقال النبي صلى الله عليه وسلم

ذرة گفته میشود آن شراب را مزر پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

او مسكر هو قال نعم قال كل مسكر حرام ان على الله

آیا مسکر است آن گفت آری گفت آنحضرت هر مسکر حرام است بدرستیکه بر خدا

عهدا لمن يشرب المسكر ان يسقيه من طينة الخبال قالوا

عهد است مر کسیرا که بنوشد مسکر را که بنوشاند او را از طینت خبال گفتند صحابه

يا رسول الله وما طينة الخبال قال عرق اهل النار

یا رسول خدا و چیست طینت خبال فرمود خوی اهل آتش است یا گفت

او عصارة اهل النار رواه مسلم وعن جابر رض

زرد آبی که میرود از اهل نار رواه مسلم و روایت است از جابر رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما اسكر

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود چیزیکه مست میگرداند

كثيره فقليله حرام رواه الترمذي وابو داود

بسیار او پس اندک وی نیز حرام است رواه ترمذی وابو داود

وابن ماجة وعن عائشة رض عن رسول الله

وابن ماجه و روایت است از عائشه رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ما اسكر منه الفرق فملء

صلی الله علیه وسلم گفت چیزیکه مست گرداند از وی فرقی پس پری

الكف منه حرام رواه احمد والترمذي وابو داود

کف دست از وی حرام است روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی وابو داود

وعن [illegible]

در روایت است از انس رض [illegible]

[illegible] رواه [illegible]

في الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها [illegible]

در حق خمر ده کس را کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه بنوشد آنرا و کسیکه [illegible]

والمحمولة اليه وساقيها وبائعها وآكل ثمنها والمشتري

و هر که برداشته شده است بسوی آن و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه بفروشد و کسیکه بخورد قیمت آنرا و کسیکه خرید

لها والمشتري له رواه الترمذي وابن ماجة وعن

آنرا و کسیکه خرید کرده شده است برای وی رواه ترمذی و ابن ماجه در روایت است از

ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لعن الله الخمر وشاربها وساقيها وبائعها ومبتاعها

که لعنت کرد خدایتعالی خمر را و کسیکه بنوشد آنرا و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه بفروشد آنرا و کسیکه خرید

وعاصرها ومعتصرها وحاملها والمحمولة اليه

و کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه برداشت آنرا و کسیکه برداشته شده است

رواه ابو داود وابن ماجة وعن ابي هريرة رض قال

رواه ابو داود و ابن ماجه در روایت است از ابی هریره رض گفت

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم أتي برجل قد

آورده شد نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که

شرب الخمر فقال اضربوه فمنا الضارب بيده و

که نوشیده بود خمر پس فرمود آنحضرت بزنید او را پس بود از ما زننده بدست خود و

الضارب بثوبه والضارب بنعله ثم قال بكتوه فاقبلوا

زننده بجامه خود و زننده بنعل خود پس گفت سرزنش کنید او را [illegible]

صلى الله عليه وسلم عن شراب يشربونه بار ومما اسحيبة

صلی الله علیه وسلم از شرابے که میخورند ... وشرم نداشتی

الذرة يقال ... بعض القوم أخزاك الله فقال

از پیغمبر خدا پس گفتند بعضے از قوم خوار گرداند و رسوا کند ترا خدا تعالی گفت

لا تقولوا هكذا لا تعينوا عليه الشيطان ولكن قولوا

مگوئید چنین یاری مدهید بر وے شیطان را ولیکن بگوئید

اللهم اغفر له اللهم ارحمه رواه أبو داود وعن

خداوندا بیامرز او را خداوندا رحمت کن او را رواه ابوداود و روایت است از

وائل الحضرمي أن طارق بن سويد سأل النبي صلى الله

وائل حضرمی که طارق بن سوید سوال کرد آنحضرت صلی الله

عليه وسلم عن الخمر فنهاه فقال إنما أصنعها للدواء

علیه وسلم را از شرب خمر پس نهی کرد آنحضرت او را پس گفت بدرستیکه من آنرا میکنم برای دوا

فقال إنه ليس بدواء ولكنه داء رواه مسلم

پس فرمود آنحضرت بدرستیکه آن نیست دارو ولیکن آن درد است رواه مسلم

وعن عبد الله بن عمر رضه قال قال رسول الله صلى

و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من شرب الخمر لم يقبل الله له صلوة

الله علیه وسلم کسیکه بخورد خمر را قبول نکند خدا تعالی مر او را نماز

أربعين صباحا فإن تاب تاب الله عليه فإن عاد

چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا برو پس اگر عود کند

لم يقبل الله له صلوة أربعين صباحا فإن تاب تاب الله

قبول نمیکند خدا تعالی برای او نماز چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند

عليه فإن عاد لم يقبل الله له صلوة اربعين صباحا فان

بروی پس اگر عود کند بشرب خمر قبول نمیکند خدا ازو نماز چهل صباح پس اگر

تاب تاب الله عليه فان عاد الرابعة لم يقبل الله له صلوة

توبه کرد رجوع میکند خدا بروی پس اگر عود کرد بخوردن خمر در کرت چهارم قبول نمیکند خدا برای وی نماز

اربعين صباحا فان تاب لم يتب الله عليه وسقاه من

چهل صباح پس اگر توبه کرد این بار رجوع نمیکند خدا بروی و می نوشاند او را از

نهر الخبال رواه الترمذي وروى النسائي وابن ماجة

جوی زرداب دوزخیان روایت کرد ترمذی و روایت کرد این حدیث را نسائی و ابن ماجه

والدارمي عن عبد الله بن عمرو وعن عبد الله

و الدارمی از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از عبد الله

بن عمرو عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل

بن عمرو رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود در نمی آید

الجنة عاق ولا قمار ولا منان ولا مدمن خمر رواه

بهشت را آزارده و دهنده مادر و پدر را و در نمی آید بهشت را قمار باز نده و در نمی آید بهشت منت نهنده

الدارمي وفي رواية له ولا ولد زنية بدل قمار

دارمی و در روایتی مر او راست در نمی آید بهشت را ولد الزنا بجای قمار باز نده

وعن ابي امامة رض قال قال النبي صلى الله عليه

و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ان الله بعثني رحمة للعالمين وهدى للعالمين

وسلم بدرستیکه خدا تعالی فرستاده است مرا سبب رحمت مر جهانیان را و سبب هدایت مر جهانیان را

وامرني ربي عز وجل بمحق المعازف والمزامير والاوثان

و امر کرده مرا پروردگار من عزوجل به باطل کردن سازها و نی ها و بتان

وأمر الجاهلية وحلف ربي عز وجل بعزتي لا يشرب

و باطل کردن شعارہای رسوم جاہلیت و گفتہ است پروردگار من سوگند خوردم بعزت خود کہ نوشد

عبد من عبيدي جرعة من خمر إلا سقيته من الصديد

ہیچ بندہ از بندگان من جرعہ از شراب مگر آنکہ بنوشانم او را از زرداب

مثلها ولا يتركها من مخافتي إلا سقيته من حياض القدس

مانند آن و نگذارد ہیچ بندہ خمر را از ترس من مگر آنکہ بنوشانم او را از حوضہای قدس

رواه أحمد وعن ابن عمر أن رسول الله صلى الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ

عليه وسلم قال ثلاثة قد حرم الله عليهم الجنة مدمن

علیہ وسلم فرمود سہ مرد اند کہ بتحقیق حرام گردانیدہ است خدا بر ایشان بہشت را

الخمر والعاق والديوث الذي يقر في أهله الخبث رواه

مداوم خمر و عاق کنندہ مادر و پدر را و سوم مرد بیغیرت آنکہ قرار میدہد در اہل و عیال خود پلیدی

أحمد والنسائي وعن أبي موسى الأشعري أن النبي

روایت کرد احمد و نسائی و روایت است از ابو موسی اشعری رض کہ آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ثلاثة لا يدخلون الجنة

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سہ کس اند کہ در نمی آیند در بہشت

مدمن الخمر وقاطع الرحم ومصدق بالسحر رواه أحمد

مداوم خمر و قطع کنندہ رحم و تصدیق کنندہ سحر روایت کرد احمد

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مدمن

و از ابن عباس مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم مدمن

الخمر إن مات لقي الله كعابد وثن رواه أحمد وعن أبي موسى

خمر اگر بمیرد پیش آید خدا را مانند پرستش کنندہ بت روایت کرد احمد و روایت است از ابو موسی

أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ مَا أُبَالِيْ شَرِبْتُ الْخَمْرَ أَوْ عَبَدْتُ هٰذِهِ

میگفت باک ندارم که بنوشم من شراب یا پرستش کنم این

السَّارِيَةَ دُوْنَ اللّٰهِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ

ستون را جز خدای تعالی روایه نسائی و روایت است از حکم بن عتیبه

عَنْ أَنَسِ بْنِ حُذَيْفَةَ صَاحِبِ الْبَحْرَيْنِ قَالَ كَتَبْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

از انس بن حذیفه صاحب بحرین گفت که نوشتم من بسوی آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ النَّاسَ قَدِ اتَّخَذُوْا بَعْدَ الْخَمْرِ أَشْرِبَةً تُسْكِرُ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستی مردمان بتحقیق میسازند بعد از خمر شرابهای که

كَمَا يُسْكِرُ الْخَمْرُ مِنَ التَّمْرِ وَالزَّبِيْبِ يَصْنَعُوْنَ ذٰلِكَ فِي الدُّبَّاءِ وَالْمُزَفَّتِ

مستی می آرند ایشان را چنانکه مستی می آرد خمر از خرما و مویز می سازند آنرا در دبا و مزفت

وَالنَّقِيْرِ وَالْحَنْتَمِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ كُلَّ

و نقیر و حنتم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستی هر

شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ وَالْمُزَفَّتُ حَرَامٌ وَالنَّقِيْرُ حَرَامٌ وَالْحَنْتَمُ

شراب که مست گرداند پس آن حرام است و مزفت نیز حرام است و نقیر و حنتم

حَرَامٌ فَاشْرَبُوْا فِي الْقِرَبِ شُدُّوا الْأَوْكِيَةَ فَاتَّخَذَ النَّاسُ فِي الْقِرَبِ

نیز حرام است پس بنوشید در مشکیزه ها و بربندید بند آن پس ساختند مردمان در مشکها

مَا يُسْكِرُهُمْ فَبَلَغَ ذٰلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَامَ فِي النَّاسِ فَقَالَ إِنَّهُ

چیزی که مستی می آرد ایشان را پس رسید خبر آنحضرت را پس ایستاد آنحضرت در مردمان خطبه خواند

لَا يَفْعَلُ ذٰلِكَ إِلَّا أَهْلُ النَّارِ أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مُفَتِّرٍ حَرَامٌ وَكُلَّ مَا

پس فرمود بدرستی شان اینست که نمی کند این فعل مگر دوزخی آگاه باشید هر مسکر حرام است و هر مفتر حرام

حَرَامٌ وَمَا أَسْكَرَ كَثِيْرُهُ فَقَلِيْلُهُ حَرَامٌ وَمَا

حرام است و چیزیکه در مستی آرد بسیار وی پس اندک وی حرام است و چیزیکه

خمر القلب فهو حرام رواه ابو نعيم وقال الحكم عنه مرسل باب

می پوشد قلب را پس وی حرام ست روایت کرد ابو نعیم و گفت حکم از ابو نعیم این حدیث مرسل ست باب

الشفاعة في الحدود عن عائشة رضي الله عنها ان قريشا

در بیان احادیث وارد شده در شفاعت کردن در حد یعنی درخواست کردن از امام که در گذرد از اقامت حد روایت است از عائشه

اهمهم شان المرأة المخزومية التي سرقت فقالوا من يكلم

یعنی صحابه که از قریش بود در مانده اند و بگین ساخت ایشان را کار و حال آن زن مخزومیه که دزدی کرده بود پس گفتند کیست که سخن کند

فيها رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا ومن يجترئ

از جهت وی پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم پس گفتند کیست که دلیری تواند کرد

عليه الا اسامة بن زيد حب رسول الله صلى الله عليه وسلم

بر آنحضرت مگر اسامه بن زید که محبوب پیغمبر خدا است صلی الله علیه وسلم

فكلمه اسامة رض فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس سخن کرد آنحضرت را اسامه رض پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اتشفع في حد من حدود الله ثم قام فاختطب ثم قال انما

آیا شفاعت می کنی تو در حدی از حدود خدا پس برخاست آن حضرت پس خطبه خواند بعد از آن گفت

اهلك الذين قبلكم انهم كانوا اذا سرق فيهم الشريف

آنحضرت هلاک گردانیده شدند آن کسانیکه پیش از شما بودند که ایشان چون دزدی می کرد در میان ایشان شریف

تركوه واذا سرق فيهم الضعيف اقاموا عليه الحد

ترک او را می کردند و چون دزدی می کرد در میان ایشان ضعیف اقامت می کردند بر وی حد

وايم الله لو ان فاطمة بنت محمد صلى الله عليه

و سوگند خدا اگر ثابت شود که فاطمه بنت محمد مصطفی صلی الله علیه

وسلم سرقت لقطعت يدها متفق عليه وعن

وسلم دزدی کند هر آینه ببریدم دست او را متفق علیه در روایت است از

عبد الله بن عمر قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما گفت عبد الله شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه

وسلم يقول من حالت شفاعته دون حد من

وسلم که میگفت کسیکه حایل گردد و درمیان آید شفاعت او نزد حدی از

حدود الله فقد ضاد الله ومن خاصم في باطل

حدود خدا پس بتحقیق ضدیت کرد خدا را و کسیکه پیکار کند در مخالف حق

وهو يعلمه لم يزل في سخط الله تعالى حتى ينزع

و حال آنکه میداند آنرا که باطل است همیشه میباشد در غضب خدا تا آنکه باز ایستد از آن

ومن قال في مؤمن ما ليس فيه اسكنه الله

و کسیکه گوید در حق مسلمانی چیزی که نیست در و از عیب و نقصان جای کند او را خدای تعالی

ردغة الخبال حتى يخرج مما قال رواه احمد وابو داود

در گل [illegible] دوزخیان تا آنکه بیرون آید از آنچه گفته است روایت کرد احمد و ابو داود

وفي رواية للبيهقي في شعب الايمان من اعان

و در روایتی بیهقی در شعب ایمان این لفظ است کسیکه یاری کند

على خصومة لا يدري احق ام باطل

در خصومتی که نداند که حق است یا باطل

فهو في سخط الله حتى ينزع

پس او در غضب خداست تا آنکه باز آید

كتاب الامارة والقضاء

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول

ای مومنان فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغامبر را

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللّٰهِ

و فرمان برداران را از جنس شما پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس راجع کنید او را بسوی خدا

وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر

ذٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت

بَابُ ثَوَابِ الْعَادِلِينَ

بیان احادیثی که وارد شده است در بیان ثواب عادلان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

ای زمرهٔ مومنان باشید قیام کنندگان برای خدا گواهان براستی

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا

و نه انگیزد شما را دشمنی گروهی از مشرکان برآنکه عدل نکنید و با ایشان عدل کنید

هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

که عدل نزدیکتر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا و از ظلم بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنید

وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

و اگر حکم کنی پس حکم کن میان آنها براستی و عدل بدرستیکه خدا دوست میدارد

الْمُقْسِطِينَ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

عدل کنندگان را روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ

صلی الله علیه و سلم آگاه باشید همه شما نگاهبانید و همه شما پرسیده شوید

عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْإِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ

از رعیت خود پس امامی که قائم است بر مردم باصلاح حال ایشان نگاهبان است و او پرسیده شود از حال رعیت خود

والرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ

و مرد راعی است بر اهل خانه خود و وے سوال کرده می شود از حال رعیت خود

وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ

و زن راعی است بر خانه شوهر خود و فرزندان او و وے سوال کرده شود

عَنْهُمْ وَعَبْدُ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ

از ایشان و غلام مرد راعی است بر مال خواجه خود و وے پرسیده شود

عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از ان آگاه باشید و همه شما سوال کرده شوید از رعیت خود متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ قَالَ

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمُقْسِطِينَ عِنْدَ اللهِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه اهل انصاف و داد گران نزد خدا

عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِ الرَّحْمٰنِ وَكِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ

بر منبرهاے از نور اند بجانب دست راست خدا و هر دو دست خدا راست اند

الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلُوا رَوَاهُ

آنها کسانی که عدل میکنند در احکام خود و اهلهای خود و عدل میکنند در چیزیکه والی اند

مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مسلم و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَتَدْرُونَ مَنِ السَّابِقُونَ إِلَى ظِلِّ اللهِ

علیه وسلم فرمود آیا میدانید چه کسانند پیشی گیرندگان بسوی سایه خدا

عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالُوا اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ

عز و جل روز قیامت گفتند خدا و رسول او داناتر اند فرمود آنحضرت

الذين اذا اعطوا الحق قبلوه واذا سئلوه بذلوه

سابقان کسانی اند که چون حق داده شود ایشان را قبول کنند آنرا و چون سوال کرده شوند حق را بذل کنند

وحكموا للناس كحكمهم لانفسهم رواه احمد

و حکم کنند برای مردم مانند حکم کردن ایشان برای ذاتهای خود رواه احمد

وعن ابي سعيد قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی سعید رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ان احب الناس الى الله يوم القيمة واقربهم

علیه وسلم بدرستیکه دوست داشته شده ترین مردم بسوی خدا روز قیامت و نزدیک ترین

منه مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الى الله

از درگاه خدا از روی مجلس پادشاه دادگر است و بدرستیکه دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

يوم القيمة واشدهم عذابا وفي رواية وابعدهم

روز قیامت و سخت ترین مردم از روی عذاب و در روایتی این نیز آمده که دور ترین ایشان

منه مجلسا امام جائر رواه الترمذي وعن

از خدا از روی مجلس پادشاه جور کننده است رواه ترمذی و روایت است از

عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله

عمر بن الخطاب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ان افضل عباد الله عند الله منزلة يوم

علیه وسلم بدرستیکه فاضل ترین بندگان خدا از روی قدر و مرتبه

القيمة امام عادل رفيق وان شر الناس عند الله منزلة

قیامت پادشاه داد گر مهربان است و بدرستیکه [illegible]

يوم القيمة امام جائر خرق [illegible]

روز قیامت پادشاه [illegible]

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایت ست از ابن عمر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ اِنَّ السُّلْطَانَ ظِلُّ اللّٰهِ فِي الْاَرْضِ يَاوِيْ اِلَيْهِ كُلُّ

فرمود بدرستیکه پادشاه سایهٔ خدا ست در زمین پناه میگیرد بسوی وی هر

مَظْلُوْمٍ مِّنْ عِبَادِهٖ فَاِذَا عَدَلَ كَانَ لَهُ الْاَجْرُ وَعَلَى

ستم دیده از بندگان خدا پس چون عدل کند سلطان باشد مر او را پاداش و بر

الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَاِذَا جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْاِصْرُ وَعَلَى

رعیت ست شکرگذاری و چون جور کند بر وی بار گناه ست و لازم ست بر

الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

رعیت صبر کردن بر آن روایه بیهقی در شعب الایمان

وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

در روایت از حضرت معاویه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا مُعَاوِيَةُ اِنْ وُلِّيْتَ اَمْرًا فَاتَّقِ اللّٰهَ وَاعْدِلْ

علیه وسلم ای معاویه اگر والی گردانیده شوی تو کاری را پس تقوی کن خدا را

قَالَ فَمَا زِلْتُ اَظُنُّ اَنِّيْ مُبْتَلًى بِعَمَلٍ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى

گفت پس همیشه بودم که گمان می بردم که مبتلا گردانیده می شوم بعملی از جهت گفتن آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتّٰى ابْتُلِيْتُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ

الله علیه وسلم تا آنکه مبتلا گردانیده شدم روایه احمد و بیهقی

فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ يَحْيَى بْنِ هِشَامٍ عَنْ يُوْنُسَ

در دلایل النبوة در روایت ست از یحیی بن هشام رح از یونس

ابْنِ اَبِيْ اِسْحَاقَ عَنْ اَبِيْهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابن ابی اسحاق از پدرش گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كما تكونون كذلك يؤمر عليكم رواه
صلى الله عليه وسلم چنانكه مى باشيد در صلاح و فساد حاكم گردانيده ميشود بر شما رواه
البيهقي في شعب الايمان وقال هذا منقطع وروايته
بيهقى در شعب الايمان و گفت كه اين حديث منقطع است و روايت او
ضعيف وعن ابي الدرداء رض قال قال رسول الله
ضعيف است و روايت هست از ابى درداء رض گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى يقول انا الله لا اله
صلى الله عليه وسلم بدرستيكه خداى تعالى ميگويد منم خدا نيست هيچ خداى
الا انا مالك الملوك وملك الملوك قلوب الملوك في
مگر من مالك پادشاهانم و پادشاه پادشاهانم دلهاى پادشاهان در
يدي وان العباد اذا اطاعوني حولت قلوب ملوكهم
دست قدرت من است و تحقيق كه بندگان چون فرمان بردارى كنند مرا ميگردانم دلهاى پادشاهان ايشان
عليهم بالرحمة والرأفة وان العباد اذا عصوني
بر آنها برحمت و رافت و تحقيق كه بندگان چون نافرمانى كنند مرا
حولت قلوبهم بالسخط والنقمة فساموهم سوء
ميگردانم دلهاى ايشان را بغضب و كراهت پس تكليف ميكنند ملوك عباد را
العذاب فلا تشغلوا انفسكم بالدعاء على الملوك
بعذاب بد پس مشغول مگردانيد نفسهاى خود را بدعا كردن بر پادشاهان
ولكن اشغلوا انفسكم بالذكر والتضرع كي اكفيكم
وليكن مشغول داريد نفسهاى خود را بذكر من و بزارى تا كفايت كنم
ملوككم رواه ابو نعيم في الحلية وعن عائشة
شر ملوك شما را رواه ابو نعيم در حليه و روايت است از عائشه رض

ع مقصود منع است از بد دعا كردن امراء و صبر بر ايذاى ايشان و تهذيب بنفس خود

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أراد الله

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه خواهد خدای تعالی

بالأمير خيرا جعل له وزير صدق إن نسي ذكره وإن

بادشاه نیکی را بگرداند برای او وزیر راست گفتار اگر فراموش کند بادشاه حق یاد دهد

ذكر أعانه وإذا أراد به غير ذلك جعل له وزير سوء

یاد کند یاری دهد اورا وچون خواهد خدا باد غیر آن بگرداند مر اورا وزیر بد

إن نسي لم يذكره وإن ذكر لم يعنه رواه أحمد

اگر فراموش کند امیر حق را یاد ندهد اورا اگر یاد کند یاری ندهد اورا رواه احمد

والنسائي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى

والنسائی وروایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من رأى من أميره شيئا يكرهه فليصبر

الله علیه وسلم کسیکه ببیند از امیر خود چیزیکه ناخوش دارد آنرا پس باید که صبر کند

فإنه ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت إلا مات

پس بتحقیق که نیست هیچ یکی که جدائی کند از جماعت یک وجب پس بمیرد مگر آنکه بمیرد

ميتة جاهلية متفق عليه وعن أم الحصين رض

مردن اهل جاهلیت متفق علیه وروایت است از ام حصین رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أمر عليكم

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر حاکم ساخته شود بر شما

عبد مجدع يقودكم بكتاب الله فاسمعوا له وأطيعوا

غلامی گوش بریده که میکشد شما را بکتاب خدا پس سماع کنید مر اورا و اطاعت کنید

رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله

روایت مسلم وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ

صلی اللہ علیہ وسلم شنیدن وقبول کردن حکم امام واجب است بر مرد مسلمان

فِيْمَا اَحَبَّ وَكَرِهَ مَالَمْ يُؤْمَرْ بِمَعْصِيَةٍ فَاِذَا اُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ

در ہر چہ کہ دوست میدارد آنرا و مکروہ پندارد آنرا مادام کہ امر کردہ نشود بگناہی پس چون امر کردہ شود بگناہی

فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس نیست شنیدن و نہ فرمان برداری متفق علیہ

بَابُ وَعِيْدِ اُولَاةِ الظَّالِمِيْنَ

باب احادیثیکہ در وعید والیان ظالم وارد شدہ

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ۝

وہر کہ حکم نہ کند بآنچہ خدا نازل فرمودہ است پس ایشان اند ستمگاران

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ۝

وہر کہ حکم نکند بآنچہ نازل فرمود خدا پس ایشانند گروہ کافران

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ۝

وہر کہ حکم نہ کند بآنچہ نازل فرمود خدا پس ایشانند بدکاران

عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از معقل بن یسار رض گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ وَالٍ يَلِيْ رَعِيَّةً مِّنَ الْمُسْلِمِيْنَ

اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود نیست ہیچ والی کہ تصرف کند رعیتی را از مسلمانان

فَيَمُوْتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَّهُمْ اِلَّا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس بمیرد آن والی وحال آنکہ خیانت کنندہ است مر ایشانرا مگر آنکہ حرام میگرداند خدا بر وی بہشت متفق علیہ

وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از وی مرویست گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را

يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحُطْهَا بِنَصِيحَةٍ ١٠

میگفت نیست هیچ بنده که طلب رعی کند از وی خدا رعیتی را پس نگاه نداشت آن بنده رعیت را

إِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِذِ

مگر آنکه نمی یابد بوی بهشت را متفق علیه و روایت است از عائذ

بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن عمرو رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ إِنَّ شَرَّ الرِّعَاءِ الْحُطَمَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

که میفرمود بدرستیکه بدترین امرا حطمه است رواه مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عائشه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ

خداوندا کسیکه والی و متصرف گردانیده شود از کار امت من چیزی را پس شاق و دشوار آید بر ایشان پس شاق و دشوار کن

عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ

بروی و کسیکه والی گردانیده شد از امر امت من چیزی را پس نرمی کند و با ایشان پس نرم شو تو بروی

بِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ ١١

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَمِيرِ عَشَرَةٍ إِلَّا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ امیر ده مرد مگر آنکه

يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا حَتَّى يَفُكَّ عَنْهُ الْعَدْلُ

آورده می شود روز قیامت غل در گردن تا آنکه خلاص میسازد او را عدل

أَوْ يُوبِقَهُ الْجَوْرُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

یا هلاک میگرداند او را ظلم رواه دارمی و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ويل للامراء

که فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم وای مر امرا را

ويل للعرفاء ويل للامناء ليتمنين اقوام يوم

و وای مر عرفا را و وای مر امنا را هر آینه آرزو کنند قومها روز

القيمة ان نواصيهم معلقة بالثريا يتجلجلون بين

قیامت که موی پیشانی ایشان آویخته باشد به پروین در حالیکه حرکت کنند

السماء والارض وانهم لم يلوا عملا رواه في شرح

آواز با میان آسمان و زمین و تحقیق که والی نشده بودند هیچ عملی را روایت کرد آنرا در شرح

السنة وعن غالب القطان عن رجل عن جده قال

السنة و روایت است از غالب قطان از تابعی از مردی که او روایت دارد از جد خود

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان العرافة

گفت جد او که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه عریف شدن

حق ولا بد للناس من عرفاء ولكن العرفاء في النار

حق است و چاره نیست مردم را از وجود عریفان لیکن اکثر عریفان در آتش دوزخ اند

رواه ابو داود وعن ابي هريرة عن النبي صلى

رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم قال انكم ستحرصون على الامارة

علیه وسلم که فرمود بدرستیکه شما نزدیک است حرص کنید بر امارة

وستكون ندامة يوم القيمة فنعم المرضعة

و حکومت و نزدیک است که باشد آن امارة موجب پشیمانی روز قیامت پس نیکو شیر دهنده

وبئست الفاطمة رواه البخاري وعن المقدام بن

امارة و بد از شیر باز دارنده است امارة روایت کرد این حدیث را بخاری و از مقدام بن

معدیکرب ان رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرب

معدیکرب مرویست که آن حضرت صلی الله علیه وسلم زد

علی منکبیه ثم قال افلحت یا قدیم ان مت ولم

بر هر دو دوشهای وی پس فرمود تحقیق رستگاری یافتی ای قدیم اگر

تکن امیرا ولا کاتبا ولا عریفا رواه ابو داود و

بحالیکه نباشی امیر و نه نویسندهٔ امیر و نباشی عریف رواه ابو داود و

عن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلی الله

از عقبه بن عامر مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم لا یدخل الجنة صاحب مکس یعنی الذی

علیه وسلم در نمی آید بهشت را خداوند مکس یعنی آنکه ده یک گیرد

یعشر الناس رواه احمد وابو داود والدارمی وعن ابی

از مردم رواه احمد و ابو داود و دارمی و روایت است از

ذر قال قال لی رسول الله صلی الله علیه وسلم ستة

ابی ذر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرا شش روز که

ایام اعقل یا ابا ذر ما یقال لک بعد فلما کان الیوم

روز که فهم کن ای ابا ذر چیزیرا که گفته می شود ترا بعد ازین پس هرگاه که شد روز

السابع قال اوصیک بتقوی الله فی سر امرک وعلانیته

هفتم گفت آنحضرت وصیت می کنم ترا بپرهیزگاری خدا در پنهان کار تو و آشکارا

واذا اسأت فاحسن ولا تسألن احدا شیئا وان سقط

و چون بدی کنی پس نیکی بیزکن که حسنات محو کنند سیئات را و سوال مکن کسی را هیچ چیز

سوطک ولا تقبض امانة ولا تقض بین اثنین رواه احمد

تا زیانهٔ تو و قبض مکن امانت را و قاضی مشو میان دو کس رواه احمد

وعن أبي أمامة عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه

واز ابی امامه رض مرویست از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که آن حضرت

قال ما من رجل يلي أمر عشرة فما فوق ذلك إلا أتاه الله عز وجل

فرمود نیست مردے که والی و حاکم شود ده کس را پس بیاید از آن حاکم

مغلولا يوم القيامة يده إلى عنقه فكه بره أو أوبقه

غل کرده شده روز قیامت دست او بسوے گردن او که خلاص سازد او را نیکی او یا

إثمه أولها ملامة وأوسطها ندامة وآخرها خزي

یا هلاک گرداند او را بدی او ابتدای ولایت ملامت است و میان آن پشیمانی است و آخر

يوم القيامة رواه أحمد وعن عبد الله بن عمرو رض

روز قیامت رواه احمد و از عبد الله بن عمرو رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من نظر إلى

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه نگاه کند بسوے

أخيه نظرة يخيفه أخافه الله يوم القيامة رواه البيهقي

برادر خود نگاهیکه بترساند آن برادر را بترساند او را خدا تعالی روز قیامت رواه البیهقی

في شعب الإيمان وعن أبي سعيد عن النبي

در شعب الایمان و از ابی سعید رض مرویست از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لكل غادر لواء عند

صلی الله علیه وسلم که فرمود هر غادر را لوائی است نزدیک

استه يوم القيامة وفي رواية لكل غادر لواء يوم القيامة

ابروے روز قیامت و در روایتی ...

يرفع له بقدر غدره ألا ولا غادر أعظم غدرا

که بلند کرده شود آن علم برابر غدر او ...

رواه مسلم وعن عمرو بن مرة انه قال لمعاوية

روایت کرد این را مسلم و روایت است از عمرو بن مره روایت است که وی گفت مر معاویه را

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من

که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه

ولاه الله شيئا من امر المسلمين فاحتجب دون حاجتهم و

والی و متصرف کرد او را خدای تعالی چیزی را از کار مسلمانان پس پرده شود آن کس

خلتهم وفقرهم احتجب الله دون حاجته وخلته وفقره

یعنی منع کند ارباب حاجت را از جا جا هد در پرده می شود خدای تعالی از فقر و حاجات وی یعنی

فجعل معاوية رجلا على حوائج الناس رواه ابو داود

منع می کند از مطلوب وی پس گردانید معاویه مردی را بر حاجتهای مردم روایت کرد ابو داود

والترمذي وفي رواية له ولاحمد اغلق الله تعالى

و الترمذی و در روایتی از ترمذی است و مر احمد را نیز می بندد خدای تعالی

ابواب السماء دون خلته وحاجته ومسكنته

درهای آسمان را از فقر و حاجات وی و محتاجی وی

وعن عمر بن الخطاب انه كان اذا بعث عماله

و روایت است از عمر بن خطاب که بود چون میفرستاد عاملان خود

شرط عليهم ان لا تركبوا برذونا ولا تاكلوا نقيا ولا

شرط می کرد بر ایشان که سوار نشوید بر اسپ ترکی را و نخورید میده را و نپوشید

تلبسوا رقيقا ولا تغلقوا ابوابكم دون حوائج الناس فان

جامه تنک و نفیس را و نه بندید درها خود را از حاجتهای مردم پس اگر

فعلتم شيئا من ذلك فقد حلت بكم العقوبة ثم يشيعهم

بکنید چیزی را ازین پس بتحقیق فرود آید بشما عقوبت پس مشایعت می کرد ایشان را

رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبد الله بن

رواه بيهقي در شعب الايمان و روايت است از عبد الله بن

مسعود رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

مسعود رضـ گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم نيست

حاكم يحكم بين الناس إلا جاء يوم القيامة وملك آخذ

حاكمي که حکم کند ميان مردم مگر آنکه مي آيد روز قيامت در حاليکه فرشته گيرنده است

بقفاه ثم يرفع رأسه إلى السماء فإن قال ألقه ألقاه في

گردن او را پس برمي دارد آن فرشته سر خود را بسوی آسمان پس اگر بگويد بينداز بيندازد او را در

مهواة أربعين خريفا رواه أحمد وابن ماجة والبيهقي

دوزخ مي اندازد فرشته او را در گودي افتادن چهل سال رواه احمد و ابن ماجه و بيهقي

في شعب الإيمان وعن أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله

در شعب ايمان و روايت است از ابي هريره رضـ گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم تعوذوا بالله من رأس السبعين وإمارة

صلى الله عليه وسلم پناه جوييد بخدا از سر سال هفتاد و از امارة

الصبيان رواه أحمد وعن جابر بن سمرة رضـ

خردان رواه احمد و روايت است از جابر بن سمره رضـ

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ثلاثة

گفت شنيدم آنحضرت صلى الله عليه وسلم را که ميفرمود سه خصلت است

أخاف على أمتي الاستسقاء بالأنواء وحيف السلطان

که ميترسم بر امت خود طلب کردن باران بمنازل قمر دوم جور و ستم سلاطين

وتكذيب بالقدر رواه أحمد وعن أبي ذر رضـ

و سوم انکار کردن تقدير الهی را رواه احمد و روايت است از ابی ذر رضـ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كيف أنتم وأئمة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چگونه باشد حال شما با ائمه

من بعدي يستأثرون بهذا الفيء قلت أما والذي

بعد من که مستقل و مستبد باشند با بیت المال گفتم آگاه باشید سوگند بخدا

بعثك بالحق أضع سيفي على عاتقي ثم أضرب به حتى

که برانگیخته است ترا بحق بنهم شمشیر خود را بر گردن خود پس میزنم بآن شمشیر تا آنکه

ألقاك قال أولا أدلك على خير من ذلك تصبر حتى

ملاقات میکنم ترا فرمود آنحضرت آیا راه ننمایم ترا بر بهترین از شمشیر زدن صبر بکن تا آنکه

تلقاني رواه أبو داود وعن أبي أمامة رض

ملاقات میکنی مرا رواه ابو داود و روایت است از ابی امامه رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إن الأمير إذا ابتغى

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت بدرستیکه امیر وقتیکه طلب کند

الريبة في الناس أفسدهم رواه أبو داود وعن أبي سعيد

شک و تهمت را در مردم تباه میکرداند ایشان را رواه ابو داود و از ابی سعید رض روایت

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أفضل الجهاد

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین جهاد

من قال كلمة حق عند سلطان جائر رواه الترمذي

قول کسی است که میگوید کلمه حق را نزد سلطان جور کننده رواه الترمذی

وأبو داود وابن ماجة ورواه أحمد والنسائي عن

و ابو داود و ابن ماجه و روایت کرد احمد و نسائی از

طارق بن شهاب وعن ابن عباس رض عن النبي صلى الله

طارق بن شهاب و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من سكن البادية جفا ومن اتبع

عليه وسلم گفت آنحضرت که هر که سکونت کند در بادیه سخت دل گردد و کسیکه همیشه در پی

الصيد غفل ومن اتى السلطان افتتن رواه احمد

صید رود غافل میگردد و کسیکه بیاید سلطان را می افتد در بلا و فتنه رواه احمد

والترمذي والنسائي وفي رواية ابي داود من لزم

و ترمذی و نسائی و در روایت ابی داود این است کسیکه ملازمت کند

السلطان افتتن وما ازداد عبد من السلطان دنوا

سلطان را در فتنه افتد و زیاده نکند هیچ بنده از سلطان قرب و منزلت

الا ازداد من الله بعدا وعن كعب بن عجرة رضي الله عنه

مگر آنکه زیاده میکند دوری را از خدا و روایت است از کعب بن عجره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اعيذك بالله

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در پناه خدا میدهم ترا

من امارة السفهاء قال وما ذاك يا رسول الله قال

از فرمان روائی بی خردان گفت کعب چیست امارت سفها است پیغمبر خدا گفت آنحضرت

امراء سيكونون من بعدي من دخل عليهم فصدقهم

امراء نزدیک است باشند بعد از من کسانیکه در آیند بر ایشان پس تصدیق کنند ایشان را

بكذبهم واعانهم على ظلمهم فليسوا مني ولست

در دروغ ایشان و یاری دهند ایشان را بظلم ایشان پس نیستند آن از من و نیستم

منهم ولم يردوا على الحوض ومن لم يدخل عليهم

از ایشان و هرگز در نیایند بر من حوض کوثر را و آنکه در نیایند بر ایشان

ولم يصدقهم بكذبهم ولم يعنهم على ظلمهم

و تصدیق نکنند ایشان را بدروغ ایشان و اعانت نکنند ایشان را بر ظلم ایشان

فَأُولٰئِكَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ وَأُولٰئِكَ يَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ

پس آن کسان از من اند و من از ایشان هستم و آن کسان در می آیند بر من حوض را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ رضـ قَالَ

روایت کرد ترمذی و نسائی و روایت است از ابی بکره رضـ گفت

لَمَّا بَلَغَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أَهْلَ فَارِسَ قَدْ

چون رسید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اینکه فارسیان

مَلَّكُوا عَلَيْهِمْ بِنْتَ كِسْرٰى قَالَ لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ

ملکه گردانیده اند بر خود دختر کسری را فرمود آنحضرت هرگز رستگار نمی شوند [illegible]

وَلَّوْا أَمْرَهُمْ امْرَأَةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

که والی گردانیده اند کار خود را زنی را روایت کرد بخاری

بَيَانُ مَا عَلَى الْقُضَاةِ

بیان آنچه بر قاضیان است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا بَيْنَ النَّاسِ فَقَدْ ذُبِحَ بِغَيْرِ

وسلم کسیکه گردانیده شد قاضی میان مردم پس تحقیق ذبح کرده شد بے

سِكِّينٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

کارد روایت کرد احمد و ترمذی و ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَنِ ابْتَغَى الْقَضَاءَ وَسَأَلَ وُكِّلَ إِلٰى نَفْسِهِ وَمَنْ أُكْرِهَ عَلَيْهِ

کسیکه طلب کند قضا را و سوالی کند گذاشته میشود بسوی نفس و کسیکه اکراه کرده شود بر قضا

أنزل الله عليه ملكا يسدده رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجه

میفرستد خدا بروی فرشته را که راست میگرداند کردار و گفتار او را رواه ترمذی وابوداود وابن ماجه

وعن بريدة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم القضاة

و روایت است از بریده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که قاضیان

ثلاثة واحد في الجنة واثنان في النار فأما الذي في الجنة فرجل

سه قسم اند یکی در بهشت و دو قسم در آتش پس لیکن آن کسیکه در بهشت است پس مردیست

عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار في الحكم

که شناخت حق را پس حکم کرد بحق و مردیکه شناخت حق را پس جور کرد در حکم

فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في

پس آن کس در آتش است و مردیکه حکم کرد برای مردم بنا بر جهل پس وی نیز در

النار رواه أبو داود وابن ماجه وعن أبي هريرة رضي الله عنه

آتش است رواه ابوداود وابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواهد

قضاء المسلمين حتى يناله ثم غلب عدله جوره فله

قضای مسلمانان را تا آنکه بیابد او را پس غالب آید عدل او جور او را پس او راست

الجنة ومن غلب جوره عدله فله النار رواه أبو داود

بهشت و کسیکه غالب آید جور او عدل او را پس مر او راست آتش دوزخ رواه ابوداود

وعن عائشة رضي الله عنها عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال ليأتين على القاضي العدل يوم القيامة ساعة يتمنى أنه

که فرمود آنحضرت هر آئینه می آید بر قاضی عادل روز قیامت ساعتی که آرزو می برد قاضی که

كَمْ يَقْضِي بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي تَمْرَةٍ قَطُّ. رَوَاهُ أَحْمَدُ. وَعَنْ سَعِيدِ

حکم کرده میان دو کس در یک خرما هرگز. رواه احمد. و روایت است از سعید

بْنِ الْمُسَيَّبِ أَنَّ مُسْلِمًا وَيَهُودِيًّا اخْتَصَمَا إِلَى عُمَرَ فَرَأَى الْحَقَّ

بن مسیب که مسلمان و یک یهودی خصومت کردند و آمدند بسوی عمر رضی الله عنه پس دید عمر حق

لِلْيَهُودِيِّ فَقَضَى لَهُ عُمَرُ بِهِ فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ وَاللهِ لَقَدْ

مر یهودی را پس حکم کرد جانب یهودی پس گفت مر عمر را یهودی بخدا سوگند هر آینه

قَضَيْتَ بِالْحَقِّ فَضَرَبَهُ عُمَرُ بِالدِّرَّةِ وَقَالَ مَا يُدْرِيكَ

بتحقیق حکم کردی تو بحق پس زد آن یهودی را عمر به دره و گفت عمر چه چیز در یابد ترا که این

فَقَالَ الْيَهُودِيُّ وَاللهِ إِنَّا نَجِدُ فِي التَّوْرَاةِ أَنَّهُ لَيْسَ قَاضٍ

پس گفت یهودی بخدا سوگند که ما می یابیم در توریت اینکه نیست حاکم کننده

يَقْضِي بِالْحَقِّ إِلَّا كَانَ عَنْ يَمِينِهِ مَلَكٌ وَعَنْ شِمَالِهِ مَلَكٌ

که حکم کند بحق مگر آنکه می باشد در جانب راست وی فرشته و در جانب چپ وی فرشته

يُسَدِّدَانِهِ وَيُوَفِّقَانِهِ لِلْحَقِّ مَا دَامَ عَلَى الْحَقِّ فَإِذَا تَرَكَ

درست میکنند او را و توفیق میدهند او را برای حق تا وقتیکه آن حکم بر حق است

الْحَقَّ عَرَجَا وَتَرَكَاهُ. رَوَاهُ مَالِكٌ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

حاکم حق را بالا میروند آن دو فرشته و میگذارند او را. رواه مالک رحمة الله علیه

بَابُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکو کاری و امر کنند بکار پسندیده

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. آیت

و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران. الآیه

أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

بر پا دار نماز را و بفرما بکار پسندیده و منع کن از ناپسندیده

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ

و صبر کن بر هرچه برسد بتو هر آئینه این مقدمه از کارها است

الْأُمُورِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض عَنْ

مقصود است + و روایت است از ابی سعید خدری رض از آنحضرت

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَأَى

صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه ببیند از

مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ

شما نامشروع را پس باید که تغییر دهد او را از دست خود و اگر نتواند پس بزبان

فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذٰلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ

پس اگر نتواند پس باید که تغییر دهد بدل و این سست ترین ایمان است رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ نُعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مسلم و روایت است از نعمان بن بشیر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُدْهِنِ فِي حُدُودِ اللهِ

صلی الله علیه وسلم حال و مثال سستی کننده در حد و شریعت

وَالْوَاقِعِ فِيهَا مَثَلُ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا سَفِينَةً فَصَارَ

و آنکه افتاده است در حد خدا مانند مثال و حال قومی است که نشستند در کشتی و قرعه انداختند پس

بَعْضُهُمْ فِي أَسْفَلِهَا وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَعْلَاهَا فَكَانَ الَّذِي

گشتند بعضی در درجه پست و گشتند بعضی در درجهای بلند از وی پس بود آنکه

فِي أَسْفَلِهَا يَمُرُّ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِي فِي أَعْلَاهَا

در پایان کشتی است میگذشت با آب بر آنکسان که در بالای کشتی نشسته اند

فَتَأَذَّوْا بِهٖ فَأَخَذَ فَأْسًا فَجَعَلَ يَنْقُرُ أَسْفَلَ السَّفِينَةِ فَأَتَوْهُ

پس ایذا رسیدند بان پس گرفت آنکس که در پایان سمت تبر را پس آمدند گرفتن او کشتی را پایان

فَقَالُوْا مَا لَكَ قَالَ تَأَذَّيْتُمْ بِيْ وَلَا بُدَّ لِيْ مِنَ الْمَاءِ فَإِنْ

پس گفتند چه شده است ترا گفت ایذا کشیدید شما بسبب من و چاره نیست مرا از آب گرفتن پس اگر

أَخَذُوْا عَلٰى يَدَيْهِ أَنْجَوْهُ وَنَجَّوْا أَنْفُسَهُمْ وَإِنْ تَرَكُوْهُ

بگیرند و باز دارند او را ازین کار را آنرا رستگاری میدهند او را و رستگاری میدهند ذاتهای خود را و اگر

أَهْلَكُوْهُ وَأَهْلَكُوْا أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

بگذارند او را هلاک میکنند او را و هلاک میگردانند ذاتهای خود را روایت کرد بخاری و روایت است از حذیفه رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ

بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند بخدای که بقدرت ذات من است

لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوْشِكَنَّ اللّٰهُ

هر آئینه امر میکنید شما بمعروف و نهی میکنید از منکر یا نزدیک است که خدا تعالی بفرستد

أَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ عِنْدِهٖ ثُمَّ لَتَدْعُنَّهٗ وَلَا

بر شما عذابی از نزد خود پس هر آئینه دعا میکنید او را

يُسْتَجَابُ لَكُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَرِيْرِ بْنِ

و قبول کرده نشود دعای شما را روایت کرد ترمذی و روایت است از جریر بن

عَبْدِ اللّٰهِ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبد الله رض گفت شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُوْلُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَّكُوْنُ فِيْ قَوْمٍ يَّعْمَلُ فِيْهِمْ بِالْمَعَاصِيْ

که میفرمود نیست هیچ مردی که باشد در قومی که میکند آنمرد در ایشان گناهان

يَقْدِرُوْنَ عَلٰى أَنْ يُّغَيِّرُوْا عَلَيْهِ وَلَا يُغَيِّرُوْنَ إِلَّا أَصَابَهُمُ اللّٰهُ

قدرت دارند آنقوم بر تغییر دادن بر آن مرد و تغییر نمیدهند مگر برساند خدا آن قوم را

الله منه بعقاب قبل ان يموتوا رواه ابو داود وابن ماجة

خدا تعالی از جهت آن عذاب پیش از آنکه بمیرند رواه ابو داود و ابن ماجه

وعن عدي بن عدي الكندي قال حدثنا مولى لنا

و روایت است از عدی بن عدی الکندی گفت عدی حدیث کرد ما را مولی که بود ما را

انه سمع جدي يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه

که وی شنید جد مرا که میگفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يقول ان الله لا يعذب العامة بعمل الخاصة حتى

وسلم را که میفرمود که خدا تعالی عذاب نمی کند اکثر قوم را بعمل بعض مردم خاص ایشان تا آنکه

يروا المنكر بين ظهرانيهم وهم قادرون على ان ينكروه

ببینند عامه ناشرعی را میان خود حال آنکه ایشان می توانند که انکار کنند

فلا ينكروا فاذا فعلوا ذلك عذب الله تعالى العامة

پس انکار نکنند و تغییر ندهند آنرا پس چون کنند این را عذاب میکند خدا تعالی عامه را

والخاصة رواه في شرح السنة وعن العرس بن

و خاصه را رواه در شرح السنة و روایت است از عرس ابن

عميرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال اذا عملت

عمیره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود چون کرده شود

الخطيئة في الارض من شهدها فكرهها كان كمن

گناه در زمین هر که حاضر بود آنرا پس ناخوش دارد آنرا باشد همچو کسی که

غاب عنها ومن غاب عنها فرضيها كان كمن شهدها

غائب است از ان و هر که غائب بود از ان پس راضی شود از ان باشد همچو کسی که حاضر است

رواه ابو داود وعن ابي البختري عن رجل من اصحاب

رواه ابو داود و روایت است از ابی البختری رض از مردی از یاران

النبي صلى الله عليه وسلم قال قال رسول الله صلى الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم لن يهلك الناس حتى يعذروا من انفسهم

علیه وسلم هرگز هلاک نشوند مردم تا آنکه بسیار شود گناه ایشان از ذاتهای ایشان

رواه ابو داود وعن عبد الله بن مسعود رض قال قال

روایت کرد ابو داود وروایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لما وقعت بنو اسرائيل

آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامی که افتادند بنی اسرائیل

في المعاصي نهتهم علماؤهم فلم ينتهوا فجالسوهم

در معصیتها باز داشتند ایشان را دانشمندان ایشان پس باز نماندند پس نشستند با

واكلوهم وشاربوهم فضرب الله قلوب بعضهم ببعض

وخوردند ونوشیدند با ایشان پس خلط کرد خدا تعالی دلهای بعض ایشان ببعض

فلعنهم الله على لسان داود وعيسى بن مريم ذلك

پس لعنت کرد بنی اسرائیل را خدا بر زبان داود وعیسی بن مریم علیهما السلام این لعنت

بما عصوا وكانوا يعتدون قال فجلس رسول الله صلى

بسبب تجاوز کردن ایشان بود از حد وگفت ابن مسعود پس نشست آنحضرت صلی

الله عليه وسلم وكان متكئا فقال لا والذي نفسي بيده

الله علیه وسلم وبود تکیه کرده پس فرمود نجات نیابید سوگند بخدا که تا آنکه بپیچید ایشان را

حتى تأطروهم اطرا رواه الترمذي وعن جابر رض

به پیچیدنی وبگیرید دستهای ایشان وظلم کنید رواه ترمذی وروایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اوحى الله عز وجل

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی فرستاد خدای تعالی

إلى جبرئيل عليه السلام أن اقلب مدينة كذا وكذا بأهلها

بفرستاد جبرئيل علیه السلام که بگردان شهر فلان را با اهل شهر

فقال يا رب إن فيهم عبدك فلانا لم يعصك طرفة عين

پس گفت جبرئیل اے پروردگار در میان اهل این شهر فلان بنده [illegible] است که معصیت نکرده [illegible]

قال فقال اقلبها عليه وعليهم فإن وجهه لم يتمعر

گفت جبرئیل پس فرمود پروردگار بگردان آن بلده را بر وی و بر همه ایشان زیرا که روی آن بنده متغیر

في ساعة قط رواه البيهقي في شعب الإيمان

از جهت من یکساعت هرگز روایت کرده بیهقی در شعب ایمان

باب الظلم

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

هر آئینه خدا بدل نمیکند حالتے را که بقومے باشد تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه در نفسهای ایشان است

إن الله لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس أنفسهم يظلمون

هر آئینه خدا هیچ ظلم نکند بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشتن ستم میکنند

إن الله لا يظلم مثقال ذرة وإن تك حسنة يضاعفها

هر آئینه خدا ظلم نمیکند وزن ذره و اگر آن عمل نیکی باشد دو چند آن میکند آنرا

ويؤت من لدنه أجرا عظيما ولو يؤاخذ الله الناس

و بدهد از نزدیک خود مزد بزرگ و اگر گرفتار کند خدا مردمان را

بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم إلى أجل

بسبب ستم ایشان نگذارد بر زمین هیچ جنبنده ولیکن تأخیر میکند ایشان را تا وقت

مسمى فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

مقرر پس چون بیاید اجل ایشان باز نمانند ساعتی و نه پیش روند

عن ابن عمر رضـ ان النبي صلى الله عليه وسلم قال الظلم
در روایت است از ابن عمر رضـ بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که ظلم کردن
ظلمات يوم القيمة متفق عليه وعن ابي هريرة رضـ
سبب تاریکیهاست روز قیامت متفق علیه در روایت است از ابی هریره رضـ
انه سمع رجلا يقول ان الظالم لا يضر الا نفسه فقال
که وی شنید مردی را که میگوید ظالم زیان نمیکند مگر نفس خود را پس گفت
ابو هريرة رضـ بلى والله حتى الحبارى لتموت في وكرها
ابو هریره رضـ آری سوگند بخدا سوگند زیان میکند تا آنکه جبارے در آشیانه میرد
هزلا بظلم الظالم رواه البيهقي في
در آشیانه خود از لاغرے بسبب ظلم ظالم روایت کرد بیهقی این هر چهار حدیث را در
شعب الايمان وعن اوس بن شرحبيل انه سمع
شعب الایمان در روایت است از اوس بن شرحبیل رضـ که وی شنید
رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من مشى مع ظالم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه برود
ليقويه وهو يعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام
تا تقویت کند او را حال آنکه میداند که وے ظالم است پس بتحقیق بیرون آمد از اسلام
وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
در روایت است از علی رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
اياك ودعوة المظلوم فانما يسأل الله حقه وان الله
دور دارید خود را از دعا مظلوم زیرا که وے میطلبد از خدا حق خود را و بتحقیق خدا
لا يمنع ذا حق حقه وعن ابي امامة رضـ ان رسول الله
منع نمیکند صاحب حق را از حق او در روایت است از ابی امامه رضـ که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من شر الناس منزلة يوم القيامة

صلی الله علیه وسلم فرمود از بدترین مردم از روے مرتبه نزد خدا روز قیامت

عبد اذهب آخرته بدنيا غيره رواه ابن ماجة وعن

بنده ایست که ضایع کرد آخرت خود را بسبب دنیای غیر خود روایت کرد ابن ماجه ، روایت است از

عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الدواوين

عائشه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دواوین

ثلثة ديوان لا يغفر الله الاشراك بالله يقول الله عز وجل

سه است یکی صحیفه ایست که نمی آمرزد خدا او آن شریک گردانیدن کسی را بخدا میگوید خدا عز وجل

ان الله لا يغفر ان يشرك به وديوان لا يتركه الله

که خدا تعالی نمی آمرزد شرک را ، و دیوان دوم صحیفه ایست که مهمل نمیگذارد آنرا خدا

ظلم العباد فيما بينهم حتى يقتص بعضهم من بعض

و آن ظلم بندگان است درمیان یکدیگر تا آنکه قصاص بستاند بعضے از ایشان از بعضے

وديوان لا يعبأ الله به ظلم العباد فيما بينهم وبين الله

و صحیفه سوم ایست که باک ندارد خدا بآن و آن ظلم بندگان است میان خود و میان خدا

فذلك الى الله ان شاء عذبه وان شاء تجاوز عنه وعن

پس آن موکول است بارادت الهی اگر بخواهد عذاب کند بنده را و اگر خواهد تجاوز کند ازآن ، و از

ابي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

ابی موسی رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا

ليملي للظالم حتى اذا اخذه لم يفلته ثم قرأ وكذلك

هر آئینه مهلت میدهد ظالم را تا آنکه وقتیکه بگیرد او را نمی گذارد او را پس خواند و همچنین است

اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة الاية متفق عليه

گرفتن پروردگار تو چون بگیرد قریه ها را که ظالم اند تا آخر آیه متفق علیه

وعنه عن ابی هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروايت است از ابی هريره گفت فرمود آنحضرت صلی الله عليه وسلم

من كانت له مظلمة لاخيه من عرضه او شيء فليتحلله

هر كه باشد مر او را مظلمه مر برادر مسلمان را از آبرو وے كه ريخته يا از عزت وے يا ديگر پس بايد كه حلال كنانيده

منه اليوم قبل ان لا يكون له دينار ولا درهم ان كان له

از وے امروز پيش از آنكه نباشد مر او را دينارے و نه درهم اگر باشد او را

عمل صالح اخذ منه بقدر مظلمته وان لم تكن له حسنات

عمل نيك گرفته شود از وے باندازه ظلم او و اگر نباشد مر او را نيكيها

اخذ من سيئات صاحبه فحمل عليه رواه البخاری وعنه

گرفته شود از بديهای صاحب وے پس بر داشته شود بروے رواه البخاری وهم از وے روايت است

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اتدرون ما المفلس قالوا

كه آنحضرت صلی الله عليه وسلم فرمود مر صحابه را آيا ميدانيد كه كيست

المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع فقال ان المفلس

كه مفلس در ميان ما كسے است كه نيست درهم مر او را و نه متاع پس فرمود آنحضرت

من امتی من يأتی يوم القيمة بصلوة وصيام وزكوة

از امت من كسے است كه بيايد روز قيامت بنماز و روزه و زكوة

ويأتی قد شتم هذا وقذف هذا واكل مال هذا وسفك

و بيايد آنكس بايں حالت كه دشنام كرده است اين را و تهمت زنا كرده اين را و خورده مال اين و ريخته

دم هذا وضرب هذا فيعطی هذا من حسناته وهذا من

خون اين را و زده اين را پس داده می شود اين شخص كه دشنام كرده بود از نيكيهای وے و

حسناته فان فنيت حسناته قبل ان يقضی ما عليه اخذ

از نيكيهای وے پس اگر فانی شود نيكيهای او پيش از آنكه حكم كرده شود بجزای آنچه بر وے است گرفته

مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از گناهان مظلومان پس انداخته شود بر ظالم پس انداخته شود در آتش رواه مسلم

وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَتُؤَدُّنَّ

و هم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر آئینه ادا کرده شوند

الْحُقُوقُ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ حَتّٰى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ

حقها بسوی اهل حقوق روز قیامت تا آنکه قصاص گرفته می شود برای گوسفند بی شاخ

مِنَ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض أَنَّهُ

از گوسفند شاخ دار رواه مسلم و روایت است از معاویه رض که وی

كَتَبَ إِلَى عَائِشَةَ رض أَنِ اكْتُبِي إِلَيَّ كِتَابًا تُوصِينِي فِيهِ

نوشت بسوی عائشه صدیقه نوشته که بنویس برای من مکتوبی که وصیت کنی مرا در آن

وَلَا تُكْثِرِي عَلَيَّ فَكَتَبَتْ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي سَمِعْتُ

و زیاده مکن پس نوشت عائشه رض سلام علیک لیکن بعد از سلام پس تحقیق شنیدم

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ الْتَمَسَ رِضَاءَ اللّٰهِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه طلب کند خوشنودی خدا

بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللّٰهُ مُؤْنَةَ النَّاسِ وَمَنِ الْتَمَسَ

با ناخوشنودی مردم کفایت کند او را خدای تعالی بار گرانی مردم را و هر که طلب کند

رِضَاءَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللّٰهِ وَكَلَهُ اللّٰهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ

خوشنودی مردم را به ناخوشنودی خدا بگذارد او را خدا بسوی مردم و سلام

عَلَيْكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حُبْشِيٍّ رض

بر تو رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن حبشی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ببرد درخت کنار را

صوّب الله رأسه في النار رواه ابو داود وقال هذا الحديث

واندگون گرداند خدا سر اورا در آتش دوزخ رواه ابوداود وگفته است ابوداود این حدیث

مختصر يعني من قطع سدرة في فلاة يستظل بها

مختصر است یعنی تمام حدیث اینست که هر که ببرد سدره را در دشت که پناه میجویند بسایه او

ابن السبيل والبهائم عبثا وظلما بغير حق يكون له

مسافر وحیوانات از روی ستم و بغیر حقی که باشد مر آنکسی را

فيها صوّب الله رأسه في النار رواه ابو داود باب المتفق

در آن سدره حقی نگون گرداند سر او را خدا در آتش دوزخ رواه ابوداود در باب متفقه

مش وعن ابن عمر ان النبي صلى الله عليه وسلم

مشکات و روایت است از ابن عمر رض که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لما مر بالحجر قال لا تدخلوا مساكن الذين ظلموا انفسهم

هرگاه میگذشت مقام حجر فرمود داخل مشوید سکونت گاه کسانیکه ظلم کردند بر جانهای خود

الا ان تكونوا باكين ان يصيبكم ما اصابهم ثم قنّع

مگر آنکه باشید شما گریه کنان بخوف اینکه برسد شما را آنچه رسیده است ایشان را پس پوشید

رأسه واسرع السير حتى اجتاز الوادي متفق عليه

سر خود را و تیز رو گردید تا آنکه بگذشت آن صحرا را متفق علیه

باب الغضب والكبر

اینا باب در مذمت غضب و تکبر است

والذين يجتنبون كبائر الاثم والفواحش واذا ما

و برای آنانکه پرهیز میکنند از گناهان کبیره و از بیحیائی ها و چون

غضبوا هم يغفرون ٥ ولا تصعّر خدك للناس

بخشم می آیند ایشان می آمرزند و متاب رخساره خود را از مردمان

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

وراه مرو در زمین خرامان هرآئینه خدا دوست نمیدارد همه نازنده خود

فَخُورٍ ۝ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ

ستاینده را و میانه روی کن در رفتار خود و پست کن آواز خود را

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ۝ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ

هرآئینه بدترین آوازها هرآئینه آواز خران باشد و شتاب کنید بسوی آمرزش

مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

از پروردگار خود و بسوی بهشتی که پهنای آن مانند آسمان ها و زمین است آماده کرده شده

لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ

برای پرهیزگاران آنانکه خرج میکنند در آسایش و سختی و فرو خورندگان

الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ

خشم و عفو کنندگان از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را هرآئینه خدا

لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۝ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

دوست نمیدارد کسی را که باشد متکبر خودستاینده و از ابن عمر رض مرویست گفت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ أَفْضَلَ عِنْدَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرو نبرد و نجشانید بنده در گلو چیزی بهتر نزد

اللَّهِ مِنْ جَرْعَةِ غَيْظٍ يَكْظِمُهَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى

خدا از جرعه خشم که فرو خورده آنرا از برای طلب خوشنودی خدای تعالی

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رض

روایت کرد احمد و روایت است از بهز بن حکیم از پدر خود و او از پدر خود

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْغَضَبَ لَيُفْسِدُ الْإِيمَانَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خشم گرفتن هرآئینه تباه میسازد

كما يفسد الصبر العسل وعن ابي هريرة رض قال قال

چنانکه تباه میگرداند صبر شهد را و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال موسى بن عمران عليه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت موسی بن عمران علیه السلام

السلام يا رب من اعز عبادك عندك قال من اذا قدر غفر

السلام ای پروردگار من کیست عزیز ترین بندگان نزد تو فرمود عزیز ترین بندگان

وعن انس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من

و روایت است از انس رض که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

خزن لسانه ستر الله عورته ومن كف غضبه كف الله

نگاه دارد زبان خود را از عیب مردم بپوشد خدا تعالی عیب او را و کسیکه نگاه دارد خشم خود را باز

عنه عذابه يوم القيمة ومن اعتذر الى الله قبل الله

دارد از آن کس عذاب خود را روز قیامت و کسیکه عذر خواهی کند بسوی خدا بپذیرد خدا

عذره روى الاحاديث الثلاثة البيهقي في شعب الايمان

عذر او را روایت کرد این هر سه حدیث را بیهقی در شعب ایمان

وعن ابي ذر رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی ذر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال اذا غضب احدكم وهو قائم فليجلس فان ذهب عنه

فرمود چون خشم آید یکی از شما حال آنکه وی ایستاده است پس باید که بنشیند پس اگر برفت

الغضب والا فليضطجع رواه احمد والترمذي وعن

خشم بهتر ورنه باید که بر پهلو خسپد روایت احمد و الترمذی و روایت است از

عطية بن عروة السعدي رض قال قال رسول الله صلى الله

عطیه بن عروه سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ
علیه وسلم بدرستیکه خشم کردن از شیطان است و بدرستیکه شیطان پیدا کرده شده
مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا يُطْفَأُ النَّارُ بِالْمَاءِ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ
از آتش و سرد کرده نمی شود آتش مگر بآب پس چون بخشم آید یکے از شما
فَلْيَتَوَضَّأْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ
باید که وضو نماز رواه ابو داؤد و روایت است از ابی هریره رض که
رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْصِنِي قَالَ لَا تَغْضَبْ
مردی گفت مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم که وصیت کن مرا فرمود خشم مگیر
فَرَدَّدَ ذَلِكَ مِرَارًا قَالَ لَا تَغْضَبْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ
پس باز گردانید آن مرد آن قول را فرمود خشم مگیر رواه بخاری و هم از وے مرویست
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست زبردست آنکس که مردم را بر زمین
إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
بلکه زبردست آنست که مالک باشد نفس خود را وقت غضب متفق علیه
وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ وَهْبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
و روایت است از حارثه بن وهب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعَّفٍ
علیه وسلم آیا خبر ندهم شما را باهل بهشت هر ضعیف که حقیری پندارند مردم او را
لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللهِ لَأَبَرَّهُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ كُلُّ عُتُلٍّ
اگر سوگند خورد بر خدا را هر آئینه راست گرداند آیا خبر ندهم شما را باهل دوزخ هر درشت گفتار
جَوَّاظٍ مُسْتَكْبِرٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ
باطل بخیل و متکبر متفق علیه و روایت است از ابن مسعود رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل النار احد

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم درنمی آید دوزخ را هیچ یکی

في قلبه مثقال حبة من خردل من ايمان ولا يدخل الجنة

که در دل او بمقدار دانه خردل از ایمان باشد ودر نمی آید بهشت را

احد في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر رواه مسلم

هیچ یکی که در دل او بمقدار دانه خردل است از کبر رواه مسلم

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه

وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم

وسلم سه کس اند که سخن نمیکند خدای تعالی با ایشان روز قیامت و ثنا نمیگوید ایشان

وفي رواية ولا ينظر اليهم ولهم عذاب اليم شيخ زان

ودر روایتی و نظر نمیکند بسوی ایشان و مر ایشان را عذاب دردناک پیر زناکار

وملك كذاب وعائل مستكبر رواه مسلم وعن

ودوم بادشاه دروغگو وسوم درویش تکبر کننده رواه مسلم وروایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم میفرماید

الله تعالى الكبرياء ردائي والعظمة ازاري فمن نازعني

خدای تعالی کبریا چادر منست و عظمت ازار منست پس هر کس منازعت کند

واحدا منهما ادخلته النار وفي رواية قذفته في النار

ومشارکت جوید با من در یکی از ین هر دو صفت داخل میکنم او را در آتش دوزخ ودر روایتی انداختم او را در آتش

رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن ابيه عن جده

رواه مسلم وروایت است از عمرو بن شعیب او از پدر خود وا و از جد خود

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ

از آنحضرت صلى الله عليه و سلم روايت مى كند كه فرمود آنحضرت برانگيخته ميشوند

أَمْثَالَ الذَّرِّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِي صُوَرِ الرِّجَالِ يَغْشَاهُمُ

مانند مورچهاى خرد در روز قيامت در صورت مردان كه ميپوشد ايشان را

الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ يُسَاقُونَ إِلَى سِجْنٍ فِي جَهَنَّمَ يُسَمَّى

خوارى از هر جا و هر سو رانده ميشوند بسوى زندانى در دوزخ كه ناميده شود

بُولَسَ تَعْلُوهُمْ نَارُ الْأَنْيَارِ يُسْقَوْنَ مِنْ عُصَارَةِ أَهْلِ النَّارِ

آن زندان بولس غلبه ميكند ايشانرا آتش دوزخ كه آتش آتشها است نوشانيده ميشود ايشانرا از چرك

طِينَةِ الْخَبَالِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رض

از زرد آب ريم و خون رواه ترمذى و از اسماء بنت عميس رض مرويست

قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بِئْسَ

گفت شنيدم من آنحضرت صلى الله عليه و سلم را كه ميگفت بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ تَخَيَّلَ وَاخْتَالَ وَنَسِيَ الْكَبِيرَ الْمُتَعَالَ بِئْسَ

بنده هست بنده كه بر خود زعم كبر و عظمت در انديشه خيال كرد و فراموش كرد خداى بزرگ بلند مرتبه را بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ تَجَبَّرَ وَاعْتَدٰى وَنَسِيَ الْجَبَّارَ الْأَعْلٰى بِئْسَ

بنده هست بنده كه جبر نمود و ظلم و فساد از حد در گذشت و فراموش كرد خداوند جبار را كه بلند قدر هست بد

الْعَبْدُ عَبْدٌ سَهٰى وَلَهٰى وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبِلٰى بِئْسَ الْعَبْدُ

بنده هست بنده كه فراموش كرد و مشغول شد بلهو و فراموش كرد مقابر را و پوسيدن را بد بنده است

عَبْدٌ عَتَا وَطَغٰى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَأَ وَالْمُنْتَهٰى بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتِلُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

كه از حد در گذشت و سركشى كرد و فراموش كرد آغاز حال و انتهاى حال خود را بد بنده است بنده كه فريب ميدهد دنيا را بدين

بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتِلُ الدِّينَ بِالشُّبُهَاتِ بِئْسَ الْعَبْدُ

بد بنده هست بنده كه فريب ميدهد دين را بشبهات بد بنده هست

عَبْدُ طَمَعٍ يَقُودُهُ بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدُ هَوًى يُضِلُّهُ بِئْسَ الْعَبْدُ

بنده که طمع و حرص می‌کشد او را بر در ارباب دنیا بد بنده ایست بنده که هوای نفس گمراه می‌گرداند او را

عَبْدُ رَغَبٍ يُذِلُّهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بنده ایست بنده که رغبت در دنیا خوار میکند او را روایت کرد ترمذی و بیهقی در شعب ایمان گفت بیهقی

وَقَالَ لَيْسَ إِسْنَادُهُ بِالْقَوِيِّ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

نیست اسناد اینحدیث قوی و از امیر المؤمنین عمر رض مرویست گفت در وقتیکه وی بر منبر بود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَاضَعُوا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ای مردمان تواضع کنید زیرا که من شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ صَغِيرٌ

وسلم که همی گفت کسیکه تواضع کند با مردم از برای خدا بلند گرداند خدا مرتبهٔ او را پس آنکس در نفس خود حقیر

وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ

و در چشمان مردم بزرگست و کسیکه تکبر کند فرو نهد خدا مرتبهٔ او را پس او در چشم

النَّاسِ صَغِيرٌ وَفِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ حَتَّى لَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَلْبٍ

مردم حقیر ست و در نفس خود بزرگست تا آنکه هر آئینه وی سبک‌تر است بر مردم از سگ

أَوْ خِنْزِيرٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

یا خوک و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ فَأَمَّا

علیه وسلم فرمود سه خصلت رستگاری دهنده است از عذاب و سه خصلت هلاک کننده

الْمُنْجِيَاتُ فَتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ فِي

اما خصلتهای نجات دهنده یکی ترسیدن از خدا در پنهان و آشکارا دوم گفتن براستی در

الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ

خوشنودی و ناخوشنودی سوم میانه روی در توانگری و درویشی اما خصلتهای هلاک کننده

فهوى متبع وشح مطاع واعجاب المرء بنفسه وهي أشد

یکی هوای نفس که پیروی کرده شده است آنرا دوم بخل و حرص اطاعت کرده شده سوم معجب بودن مرد بنفس

هن رواه البيهقي الاحاديث الخمسة في شعب الايمان

بدترین خصلتها مذکوره است روایت کرد این حدیث پنج را بیهقی در شعب ایمان

كتاب الجهاد الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا

کتاب در جهاد آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

في سبيل الله بأموالهم وأنفسهم أعظم درجة عند الله

در راه خدا باموال خویش و جان خویش بزرگترانند در مرتبه نزدیک خدا

وأولئك هم الفائزون يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان

و اینجماعه ایشانند مطلب یابان + مژده میدهد ایشانرا پروردگار ایشان رحمت از نزدیک خود

وجنات لهم فيها نعيم مقيم خالدين فيها أبدا إن الله

و بهشتها که ایشانرا در آنجا نعمت دایم بود باشندگان آنجا همیشه هر آینه

عنده أجر عظيم إن عدة الشهور عند الله اثنا

نزد خدا مزد بزرگست هر آینه شمار ماهها نزدیک خدا

عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض

دوازده ماه ست در کتاب خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین را

منها أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا

از آنجمله چهار ماه ست حرام اینست دین درست پس ستم مکنید

فيهن أنفسكم وقاتلوا المشركين كافة كما

در آن ماهها بر خویشتن و جنگ کنید با مشرکان همه ایشان چنانکه ایشان

يقاتلونكم كافة واعلموا أن الله مع المتقين

جنگ می کنند با شما همه شما و بدانید خدا با متقیان است +

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا

ای مسلمانان چیست شما را که چون شما را گفته شود بیرون آئید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ

در راه خدا گران شده میل میکنید بسوی زمین آیا رضامند شدید

بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

بزندگانی دنیا عوض آخرت پس نیست متاع زندگانی دنیا

فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا

در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیائید عذاب کند شما را عذابے

أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ

دردناک و بدل شما گیرد قومے را بجز شما و هیچ زیان نرسانید خدا را و خدا

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ

برهمه چیز توانا ست اے پیغامبر جهاد کن

الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

با کافران و با منافقان و درشتی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

و وے بدجائیست هر آئینه خدا دوست میدارد آنها را که جنگ میکنند در راه خدا

صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ

صف زده گویا که ایشان عمارتی هستند محکم بایکدیگر چسپیده لازم کرده شد بر شما جنگ

وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ

و آن ناخوش است بر شما و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را حال آنکه وی بهتر باشد

لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

شما را و شاید دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمیدانید

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُقَاتِلُوْنَ

مومنان کارزار میکنند در راه خدا وکافران می جنگند

فِيْ سَبِيْلِ الطَّاغُوْتِ فَقَاتِلُوْٓا اَوْلِيَاۗءَ الشَّيْطٰنِ اِنَّ كَيْدَ

در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان شیطان هر آئینه حیله

الشَّيْطٰنِ كَانَ ضَعِيْفًا ۝ اَيْنَمَا تَكُوْنُوْا يُدْرِكْكُّمُ الْمَوْتُ

شیطان سست است هرجا که باشید دریابد شمارا مرگ

وَلَوْ كُنْتُمْ فِيْ بُرُوْجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۝ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِيْنَ

اگرچه باشید در محلهاے محکم وافزون داده است خدا مجاهدان را

عَلَى الْقٰعِدِيْنَ اَجْرًا عَظِيْمًا دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً

نسبت نشینندگان مزد بزرگ درجها از جانب خویش وآمرزش وبخشایش

وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ

وهست خدا آمرزنده مهربان وهرکه ترک وطن بکند در راه خدا بیابد

فِي الْاَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْۢ بَيْتِهٖ

در زمین اقامت گاه بسیار وفراخی معیشت وهرکه بیرون رود ازخانه خود

مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ

هجرت کنان بسوے خدا وپیغامبر او پس دریابد اورا موت پس تحقیق ثابت شد

اَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ ع

مزد او بر خدا وهست خدا آمرزنده مهربان روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ

حال جهاد کننده در راه خدا همچو حال روزه دار شب بیدار

الْقَانِتِ بِآيَاتِ اللهِ لَا يَفْتُرُ مِنْ صِيَامٍ وَلَا صَلوٰةٍ حَتّٰى

طاعت کننده و قیام نماینده بآیات خداست که سست نمیشود آن صایم قایم از صیام و قیام تا آنکه

يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

باز گردد جهاد کننده در راه خدا متفق علیه و هم از ابی هریره مرویست گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انْتَدَبَ اللهُ لِمَنْ خَرَجَ

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم ضامن شد خدا تعالی برای کسیکه بیرون آمده است

فِي سَبِيلِهِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا إِيمَانٌ بِي وَتَصْدِيقٌ بِرُسُلِي

بجهاد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر ایمان بمن و راست گو داشتن پیغمبران مرا

أَنْ أُرْجِعَهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ أَوْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

که باز گردانم او را انجا که رفته است بچیزی که یافته است از ثواب آخرت یا غنیمت یا در آرم او را در بهشت

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي

و هم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخدا سوگند

نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنَّ رِجَالًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَطِيبُ أَنْفُسُهُمْ

اگر نمی بود ترس آنکه مردانی از مسلمانان خوش نمی شود نفسهای ایشان

أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِّي وَلَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُهُمْ عَلَيْهِ مَا تَخَلَّفْتُ

که واپس باشند و جدا شوند از من و نمی بود آنکه نمی یابم چیزی که سوار کنم ایشان را بران البته

عَنْ سَرِيَّةٍ تَغْزُو فِي سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَدِدْتُ

از هر فوج که جهاد میکند در راه خدا و بخدا سوگند هر آینه دوست میدارم

أَنْ أُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللهِ ثُمَّ أُحْيٰى ثُمَّ أُقْتَلَ ثُمَّ أُحْيٰى ثُمَّ

که کشته شوم در راه خدا پس زنده گردانیده شوم پس باز کشته شوم پس باز زنده گردانیده شوم

أُقْتَلَ ثُمَّ أُحْيٰى ثُمَّ أُقْتَلَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَهْلٍ

کشته شوم باز زنده گردانیده شوم پس کشته شوم متفق علیه و از سهل

بْنِ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ رِبَاطُ

بن سعد رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نگاهداشتن سرحد اسلام

یَوْمٍ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ خَیْرٌ مِّنَ الدُّنْیَا وَمَا عَلَیْهَا مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ

یک روزے در راه خدا بهتر است از دنیا و هرچه بر دنیا است متفق علیه

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَغَدْوَةٌ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اَوْ رَوْحَةٌ خَیْرٌ مِّنَ الدُّنْیَا وَمَا فِیْهَا

هر آئینه یک بامداد سیر کردن در راه خدا یا یک شبانگاه بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است

مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ رض قَالَ سَمِعْتُ

متفق علیه و روایت است از سلمان فارسی رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ رِبَاطُ یَوْمٍ وَلَیْلَةٍ خَیْرٌ مِّنْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود که رباط یک روز و شب بهتر است از

صِیَامِ شَهْرٍ وَقِیَامِهِ وَاِنْ مَاتَ جَرٰی عَلَیْهِ عَمَلُهُ الَّذِیْ كَانَ

روزه یکماه و شب بیداری آن و اگر بمیرد روان میگردد بروی ثواب عمل وی که بود

یَعْمَلُهُ وَاُجْرِیَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ وَاَمِنَ الْفَتَّانَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

عمل میکرد و رسانیده میشود بروی رزق وی و ایمن میگردد از فتنه اندازنده که فرشته عذاب قبر است

وَعَنْ اَبِیْ عَبْسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی عبس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَا اغْبَرَّتْ قَدَمَا عَبْدٍ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ فَتَمَسَّهُ النَّارُ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ

گرد آلوده نگردد دو پای هیچ بنده در راه خدا پس مساس کند او را آتش دوزخ رواه بخاری

وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ لَا يَجْتَمِعُ الْكَافِرُ وَقَاتِلُهُ فِي النَّارِ أَبَدًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

فرمود جمع نمی شود کافر و کشندهٔ کافر در آتش دوزخ همیشه روایه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يُكْلَمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكْلَمُ

و سلم مجروح گردانیده نمی شود هیچ یکی در راه خدا و خدا داناتر است بکسی که مجروح گردانیده می

فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجُرْحُهُ يَثْعَبُ دَمًا اللَّوْنُ

در راه وی مگر آنکه می آید روز قیامت و حال آنکه جراحت او میریزد و خون رنگش رنگ

لَوْنُ الدَّمِ وَالرِّيحُ رِيحُ الْمِسْكِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

خون و بوی بوی مشک متفق علیه و روایت است از

أَبِي مُوسٰى رض قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رض گفت آمد مردی بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم

فَقَالَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلْمَغْنَمِ وَالرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلذِّكْرِ وَالرَّجُلُ

پس گفت آنمرد مردی قتال میکند برای غنیمت و مردی قتال میکند برای نام و مردی

يُقَاتِلُ لِيُرٰى مَكَانُهُ فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ قَالَ مَنْ قَاتَلَ

قتال میکند برای این غرض که دیده شود مکان او در شجاعت پس کیست در راه خدا گفت آنحضرت کسیکه

لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

برای آنکه باشد کلمهٔ خدا بلندتر پس او است جهاد کننده در راه خدا متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ جَاهِدُوا

و روایت است از انس رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که فرمود جهاد کنید

الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

با مشرکان بمالهای خود و بذاتهای خود و بزبانهای خود روایه ابوداود

والنسائي والدارمي وعن ابي هريرة رض قال قال

و نسائی و دارمی و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افشوا السلام واطعموا الطعام

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فاش کنید سلام را و بخورانید طعام را

واضربوا الهام تورثوا الجنان رواه الترمذي وعن

و بزنید سرہا را تا وارث گردانیده شوید بہشتہا را رواه ترمذی و روایت است از

فضالة بن عبيد عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

فضالہ بن عبید از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت

كل ميت يختم على عمله الا الذي مات مرابطا في سبيل

ہر مردہ ختم کردہ می شود بر جان عمل او مگر کسی کہ مردہ است نگہبان سرحد در راہ

الله فانه ينمى له عمله الى يوم القيمة ويامن من فتنة

خدا پس بدرستیکہ شان این است تا زیادہ کردہ می شود برای او عمل او تا روز قیامت و ایمن میگردد از آزمایش

القبر رواه الترمذي وابو داود ورواه الدارمي

قبر روایت کرده ترمذی و ابو داود و روایت کرد این حدیث را دارمی

عن عقبة بن عامر وعن معاذ بن جبل رض انه سمع

از عقبہ بن عامر و روایت است از معاذ بن جبل رض کہ وی شنید

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من قاتل في

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت ہر کہ قتال کند در

سبيل الله فواق ناقة فقد وجبت له الجنة ومن جرح جرحا في

راه خدا مقدار میان دو دوشیدن ماده شتر پس بتحقیق واجب میگردد برای او بہشت و کسیکہ خستہ کرده

سبيل الله او نكب نكبة فانها تجيء يوم القيمة كاغزر ما كانت لونها

راه خدا یا رنج رسانیده شود رنج رسانیدنی پس می آید روز قیامت بیشتر از آنچه بود آن جراحت در دنیا رنگ

٥٨٥

الزعفران وريحها المسك ومن جرح جراحاً في سبيل الله فان عليه

زعفران است و بوی آن مشک است وکسیکه بیرون آید ببدن وی ریش در راه خدا پس بدرستیکه بر وی

طابع الشهداء رواه الترمذي وابوداود والنسائي وعن ابي هريرة

مهر شهیدان است روایت کرده ترمذی وابوداود ونسائی وروایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يلج النار من بكى من

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درنمی آید آتش دوزخ را کسیکه بگرید از

خشية الله حتى يعود اللبن في الضرع ولا يجتمع على عبد

ترس خدا تا آنکه باز گردد شیر در پستان و جمع نمی شود بر بنده

غبار في سبيل الله ودخان جهنم رواه الترمذي

گرد در راه خدا ودود جهنم یعنی جمع نمی شود هر دو در یک جا روایت کرده ترمذی

وزاد النسائي في اخرى في منخري مسلم ابدا وفي

وزیاده کرده است نسائی در روایت دیگر یعنی جمع نمیکرد غبار ودود در سوراخهای بینی مسلمان هرگز

اخرى له في جوف عبد ابدا ولا يجتمع الشح والايمان

روایت دیگر مر نسائی را جمع نمیکرد غبار ودود در درون بنده هرگز وجمع نمی شود بخل وایمان

في قلب عبد ابدا وعن ابن عباس قال قال

در دل بنده هرگز وروایت است از ابن عباس گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عينان لا تمسهما النار

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو چشم اند که مساس نمیکند آنرا آتش دوزخ

عين بكت من خشية الله وعين باتت تحرس في سبيل الله

یکی چشمی که گریسته است از خوف خدا ودیگر چشمی که شب کرده که نگاهبانی میکند در راه خدا

رواه الترمذي وعن ابي هريرة قال مر رجل من

روایت کرده ترمذی وروایت است از ابی هریره گفت گذشت مردی از

أَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ بِشِعْبٍ فِيهِ عُيَيْنَةٌ مِنْ مَاءٍ عَذْبَةٌ

یاران آنحضرت بشعبے کہ در وے چشمکے بود از آب شیرین

فَأَعْجَبَتْهُ فَقَالَ لَوِ اعْتَزَلْتُ النَّاسَ فَأَقَمْتُ فِي هٰذَا الشِّعْبِ

پس خوش آمد آن چشمہ آن مرد را پس گفت آہ ز کاشکے گوشہ گیرم از مردم پس اقامت نمایم در این شعب

فَذَكَرَ ذٰلِكَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ

پس ذکر کرده شد آن نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس فرمود آنحضرت مکن این را

فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَفْضَلُ مِنْ صَلٰوتِهِ فِي بَيْتِهِ

زیرا کہ بدرستی ایستادن یکے از شما در راه خدا فاضلتر است از نماز وے در خانہ خود

سَبْعِينَ عَامًا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ

هفتاد سال آیا دوست نمیدارید شما کہ بیامرزد خدا تعالی شما را و در آرد شما را

الْجَنَّةَ اُغْزُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فُوَاقَ

در بهشت قتال کنید با کافران در راه خدا کسیکہ غزا کند در راه خدا مقدار زمان دوشیدن

نَاقَةٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عُثْمَانَ

ناقہ واجب میگردد مر او را بهشت روایت کرد ترمذی و روایت است از عثمان

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رِبَاطُ يَوْمٍ فِي

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود بودن یکروز در

سَبِيلِ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ يَوْمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَنَازِلِ

سرحد کفر و بستن اسپان بهتر است از عبادت هزار روز در غیر آنجا از منزلها

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حُبْشِيٍّ أَنَّ النَّبِيَّ

روایت کرد ترمذی و روایت است از عبد اللہ بن حبشی کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ

صلی اللہ علیہ وسلم پرسیده شد کہ کدام از عملها است کہ فاضلتر است گفت

طول القيام قيل فاي الصدقة افضل قال جهد المقل

دراز ایستادن در نماز گفته شد پس کدام صدقه فاضلتر است فرمود طاقت فقیر

قيل فاي الهجرة افضل قال من هجر ما حرم الله عليه

گفته شد پس کدام هجرت فاضلتر است فرمود کسیکه جدائی کرده چیزی را که حرام کرده است خدا بروی

قيل فاي الجهاد افضل قال من جاهد المشركين بماله

گفته شد پس کدام جهاد فاضلتر است فرمود کسیکه جهاد کرده کفار را بمال خود

ونفسه قيل فاي القتل اشرف قال من اهريق دمه

و جهاد کرده است بنفس خود گفته شد پس کدام کشته شدن در جهاد شریفتر است فرمود کشته که ریخته شد خون او

وعقر جواده رواه ابو داود وفي رواية النسائي ان

و پی کرده شد اسپ او روایت کرد ابو داود و در روایت نسائی آمده است که

النبي صلى الله عليه وسلم سئل اي الاعمال افضل

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از اعمال فاضلتر است

قال ايمان لا شك فيه وجهاد لا غلول فيه وحجة

فرمود فاضلترین اعمال ایمان است که نیست شک در وی و جهادیست که نیست خیانت در وی و حج

مبرورة قيل فاي الصلوة افضل قال طول القنوت

که مقبول شده است گفته شد پس کدام نماز فاضلتر است فرمود نمازیکه قیام در وی دراز باشد

ثم اتفقا في الباقي وعن ابي امامة رضه عن النبي

پس اتفاق کردند هر دو در باقی حدیث و روایت است از ابی امامه رضه از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ليس شيء احب الى الله من

صلی الله علیه وسلم که فرمود نیست چیزی دوستر نزد خدا از

قطرتين واثرين قطرة دموع من خشية الله وقطرة

دو قطره و دو نشان یکی قطره اشکها است از ترس خدا و قطره دیگر

دم يهراق في سبيل الله و اما الاثران فاثر في سبيل

خونے کہ ریختہ می شود در راہ خدا و اما دو اثر پس یکے نشان زخم است در راہ

الله و اثر في فريضة من فرائض الله تعالى رواه الترمذي

خدا و دوم اثرے در فریضہ از فرائض خدا تعالی روایت کرد ترمذی

وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى

در روایت است از عبد الله بن عمرو رضا گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تركب البحر الا حاجا او معتمرا او

الله علیه وسلم سوار مشو دریا را مگر درحالیکه حج کنندہ یا عمرہ برآرندہ یا

غازيا في سبيل الله فان تحت البحر نارا و تحت النار

غزا کنندہ در راہ خدا زیراکہ زیر دریا آتشے است و زیر آتش

بحرا رواه ابو داود وعن عبد الله بن عمرو ان

دریائی است روایت کرد ابو داود در روایت است از عبد الله بن عمرو رض کہ

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال قفلة كغزوة رواه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بازگشتن همچو از سفر غزا است

ابو داود وعن ابي امامة رض قال خرجنا مع رسول الله

ابو داود در روایت است از ابی امامہ رض گفت بیرون آمدیم همراہ آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في سرية فمر رجل بغار فيه شيء

صلی الله علیه وسلم در پارہ از لشکر پس گذشت مردے بغارے کہ در وے چیزے

من ماء و بقل فحدث نفسه بان يقيم فيه و يتخلى

از آب و ترہ و سبزی بود پس حدیث کرد آن مرد با نفس خود کہ اقامت کند در آنجا و دور شود

من الدنيا فاستأذن رسول الله صلى الله عليه وسلم في ذلك

از دنیا پس طلب اذن کرد از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آن

فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ بِالْيَهُودِيَّةِ

پس فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بدرستیکه فرستاده نشده ام بملت یهودیت

وَلَا بِالنَّصْرَانِيَّةِ وَلٰكِنِّي بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ وَالَّذِي

ونه بملت نصرانیت ولیکن فرستاده شده ام بدین اسلام که ملت نرم و آسان است سوگند بخدا

نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَغَدْوَةٌ أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ خَيْرٌ

تمامی ذات محمد در دست اوست هر آئینه سیر کردن در بامداد یا سیر کردن در شبانگاه در راه خدا بهتر

مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَلَمَقَامُ أَحَدِكُمْ فِي الصَّفِّ خَيْرٌ مِنْ صَلٰوتِهِ

از دنیا و هر چه در وی است و هر آئینه ایستادن یکی از شما در صف قتال بهتر است از نماز گذاردن

سِتِّينَ سَنَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض

شصت سال رواه احمد و روایت است از ابی سعید رض

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَضِيَ بِاللّٰهِ رَبًّا

که آنحضرت صلى الله علیه و سلم فرمود کسیکه راضی و خوشنود گردد بخدا که

وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

و راضی گردد باسلام که دین وی است و راضی گردد بمحمد که رسول است واجب گردد برا وے بهشت

فَعَجِبَ لَهَا أَبُو سَعِيدٍ فَقَالَ أَعِدْهَا عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

پس خوشی کرد مر این کلمات را ابو سعید پس گفت اعاده کن این کلمات را بر من اے رسول خدا

فَأَعَادَهَا عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ وَأُخْرٰى يَرْفَعُ اللّٰهُ بِهَا الْعَبْدَ

پس اعاده کرد آنحضرت آن کلمات را بر وے پس گفت آنحضرت و خصلت دیگر است که بلند میکند

مِائَةَ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ

صد پایه در بهشت مسافت میان هر دو پایه چنان است که میان آسمان

وَالْأَرْضِ قَالَ وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ

و زمین است گفت ابو سعید و چه چیز است آن خصلت یا رسول خدا فرمود آنحضرت که رفتن بر جهاد

اللهِ الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رضـ
جهاد کردن است در راه خدا روا ہ مسلم و روایت است از ابی موسی رضـ
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَبْوَابَ الْجَنَّةِ
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ درہائے بہشت
تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوْفِ فَقَامَ رَجُلٌ رَثُّ الْهَيْئَةِ فَقَالَ يَا اَبَا مُوْسٰى
زیر سایۂ شمشیر ہا است پس ایستاد مرد کہنہ و سودہ شکل و جامہ پس گفت اے ابا موسیٰ
اَنْتَ سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ هٰذَا قَالَ
تو شنیدہ آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت این سخن را گفت ابو موسیٰ
نَعَمْ فَرَجَعَ اِلٰى اَصْحَابِهٖ فَقَالَ اَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ ثُمَّ كَسَرَ
آرے شنیدم پس رجوع کرد آن مرد بسوئے یاران خود پس گفت آن مرد میخوانم بر شما سلام را پس شکست
جَفْنَ سَيْفِهٖ فَاَلْقَاهُ ثُمَّ مَشٰى بِسَيْفِهٖ اِلَى الْعَدُوِّ فَضَرَبَ بِهٖ
نیام تیغ خود را پس بینداخت نیام را پس رفت با شمشیر خود بسوئے دشمنان پس بزد بشمشیر
حَتّٰى قُتِلَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ
تا آنکہ کشتہ شد رواہ مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود
رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ احْتَبَسَ فَرَسًا فِيْ سَبِيْلِ اللهِ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بہ بندد اسپے را در راہ خدا
اِيْمَانًا بِاللهِ وَتَصْدِيْقًا بِوَعْدِهٖ فَاِنَّ شِبَعَهٗ وَرِيَّهٗ وَرَوْثَهٗ
از جہت ایمان آوردن بخدا و از جہت راست داشتن وعدہ حق پس بدرستیکہ سیری و سیرابی او و سرگین او
وَبَوْلَهٗ فِيْ مِيْزَانِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ
و بول او در میزان او باشد روز قیامت رواہ بخاری و روایت است از
جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ اُحُدٍ
جابر رضـ گفت گفت مردے مر آنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم در روز جنگ احد

أرأيت إن قتلت فأين أنا قال في الجنة فألقى تمرات في

خبر دهید اگر کشته شوم پس کجا است جای من فرمود آنحضرت در بهشت است جای تو پس انداخت خرماها

يده ثم قاتل حتى قتل متفق عليه وعن ابن عباس قال

که در دست او بود پس قتال کرد تا آنکه کشته شد متفق علیه و روایت است از ابن عباس گفت

بعث النبي صلى الله عليه وسلم عبد الله بن رواحة في سرية

فرستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم عبد الله بن رواحه را در فوجی از لشکر

فوافق ذلك يوم الجمعة فغدا أصحابه وقال أتخلف وأصلي

پس موافق افتاد آن فرستادن روز جمعه را پس وقت بامداد رفتند یاران او و گفت عبد الله پس مانم

مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم ألحقهم فلما صلى مع

با پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باز لاحق میشوم ایشان را او میرسم پس چون نماز گزارد

رسول الله صلى الله عليه وسلم رآه فقال ما منعك أن تغدو

همراه آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید آنحضرت او را پس فرمود چه باز داشت ترا از بامداد برآمدن

مع أصحابك فقال أردت أن أصلي معك ثم ألحقهم فقال

با یاران تو پس گفت عبد الله خواستم که نماز جمعه گزارم با تو بعد از آن برسم با ایشان پس فرمود

لو أنفقت ما في الأرض جميعا ما أدركت فضل غدوتهم

اگر خرچ میکردی تو چیزی که در زمین است از اسباب و متاع همه در نمی یافتی تو فضل رفتن ایشان را بامداد

رواه الترمذي باب آداب السفر مشكاة

روایت کرد این حدیث را ترمذی از باب آداب سفر مشکاة

باب ثواب الإعانة على الجهاد

باب در بیان ثواب اعانت کردن بر جهاد از مال و اسباب

عن زيد بن خالد رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از زید بن خالد رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال من جهز غازيا في سبيل الله فقد غزا ومن خلف غازيا

فرمود کسیکه ساخته کند اسباب غازی را در راه خدا پس بتحقیق غزا کرد و کسیکه خلیفه کرد

في اهله فقد غزا متفق عليه وعن ابي مسعود

در اهل و عیال او پس بتحقیق غزا کرد متفق علیه و روایت است از ابی مسعود

الانصاري قال جاء رجل بناقة مخطومة فقال هذه في

انصاری گفت آورد مردی شتر مهار کرده را پس گفت این در

سبيل الله فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لك

راه خداست پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر ترا

بها يوم القيمة سبع مائة ناقة كلها مخطومة رواه مسلم

باین یک ناقه روز قیامت ثواب هفتصد ناقه است که همه آن مهار کرده شده است رواه مسلم

وعن خريم بن فاتك قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از خریم بن فاتک که فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من انفق نفقة في سبيل الله كتب له بسبع

علیه وسلم کسیکه خرج کند خرچی را در راه خدا نوشته شود برای وی ثواب هفتصد

مائة ضعف رواه الترمذي والنسائي وعن ابي امامة

مانند رواه ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل الصدقات

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین صدقه ها

ظل فسطاط في سبيل الله ومنيحة خادم في سبيل الله او طروقة

سایه خیمه است که بخشیده شود در راه خدا و بهترین صدقات هبه خادم است در راه خدا یا ناقه

فحل في سبيل الله رواه الترمذي وعنه قال قال

که بگیرد نر و اشتر نر در راه خدا رواه ترمذی و هم از عبد الله روایت است

رسول الله صلى الله عليه وسلم للغازي أجره وللجاعل أجره

آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرغازی را مزد اوست و مرجاعل را مزد او

وأجر الغازي رواه أبو داود وعن علي

و مزد غازی نیز و اجر نیست رواه ابوداود و روایت ست از علی

وأبي الدرداء وأبي هريرة وأبي أمامة وعبد الله بن عمر وعبد الله

وابی درداء وابی هریره وابی امامه وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عمرو

وجابر بن عبد الله وعمران بن حصين رضي الله تعالى عنهم

وجابر بن عبد الله وعمران بن حصین رضی الله تعالی عنهم

أجمعين كلهم يحدث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

اجمعین همه ایشان روایت میکنند از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أنه قال من أرسل نفقة في سبيل الله وأقام في بيته فله

و هر یک میگوید که آنحضرت فرمود هرکه بفرستد نفقه را در راه خدا واقامت کند در خانه خود پس

بكل درهم سبعمائة درهم ومن غزا بنفسه في سبيل الله

مر او را بهر درهم هفتصد درهم ست و کسیکه غزا کند بذات خود در راه خدا

وأنفق في وجهه ذلك فله بكل درهم سبعمائة ألف درهم

و انفاق کند در وجه خدا پس مر او راست بهر درم هفتصد هزار درهم

ثم تلا هذه الآية والله يضاعف لمن يشاء رواه ابن

پستر خواند آنحضرت این آیت را و خدا زیاده کند ثواب مر کسی را که میخواهد رواه ابن

ماجة وعن جابر بن سمرة رض قال قال رسول الله

ماجه و روایت ست از جابر بن سمره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لن يبرح هذا الدين قائما يقاتل عليه

صلی الله علیه وسلم همیشه هست این دین اسلام برپا کارزار میکنند مر برپا داشتن وی

عصابة من المسلمين حتى تقوم الساعة رواه مسلم

جماعت از مسلمانان تا آنکه برپا می شود و می آید قیامت رواه مسلم

باب اثم تارك الجهاد

این باب در بیان گناه ترک کننده جهاد است

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من مات ولم يغز ولم يحدث به نفسه

علیه وسلم کسیکه مرد و غزا نکرد و حدیث نکرد بغزا نفس خود را

مات على شعبة من نفاق رواه مسلم وعن ابي امامة

می میرد بر قسمی از نفاق رواه مسلم و روایت ست از ابی امامه رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من لم يغز ولم يجهز

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا نکند و ساختگی نکند هیچ غازی را

غازيا او يخلف غازيا في اهله بخير اصابه الله بقارعة

از مال و اسباب یا خلیفه نشود هیچ غازی را در اهل وی به نیکی می رساند او را خدا مصیبتی حادثه سخت

قبل يوم القيمة رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض قال

پیش از روز قیامت رواه ابو داود و روایت ست از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من لقي الله بغير اثر

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملاقات کند خدا را بی نشانی

من جهاد لقي الله وفيه ثلمة رواه الترمذي وابن ماجه

از جهاد ملاقات می کند خدا را و حال آنکه در دین وی رخنه است رواه ترمذی و ابن ماجه

وعن ابي هريرة رض ان رجلا قال يا رسول الله صلى الله

و روایت ست از ابی هریره رض که مردی گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

رَجُلٌ يُرِيْدُ الْجِهَادَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَهُوَ يَبْتَغِيْ عَرَضًا مِنْ
مرد یست که میخواهد جهاد با کافران در راه خدا و حال آنکه آنمرد طلب میکند متاعی از
عَرَضِ الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا اَجْرَ لَهٗ
متاع دنیا پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیست ثواب آخرت مر او را
رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ مُعَاذٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
روایت کرد ابو داؤد در روایت است از معاذ رض گفت فرمود آن حضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْغَزْوُ غَزْوَانِ فَاَمَّا مَنِ ابْتَغَى وَجْهَ اللّٰهِ وَاَطَاعَ
علیه وسلم غزا کردن دو قسم است اما کسیکه طلب کند بغزا کردن ذات خدا و رضای وی
الْاِمَامَ وَاَنْفَقَ الْكَرِيْمَةَ وَيَاسَرَ الشَّرِيْكَ وَاجْتَنَبَ الْفَسَادَ
و فرمان برداری کند پادشاه را و خرج کند در راه خدا نفیس اموال برگزیده خود را و رفق نماید همی که با وی شریک
فَاِنَّ نَوْمَهٗ وَنُبْهَهٗ اَجْرٌ كُلُّهٗ وَاَمَّا مَنْ غَزَا فَخْرًا وَّرِيَاءً
پس هر آئینه خواب وی و بیداری او موجب اجر و ثواب است اما کسیکه غزا کند جهت فخر و برای ریا
وَّسُمْعَةً وَّعَصَى الْاِمَامَ وَاَفْسَدَ فِي الْاَرْضِ فَاِنَّهٗ لَمْ يَرْجِعْ
و سمعه و بیفرمانی کند امام را و فساد کند در زمین پس بدرستیکه وی باز نمیگردد
بِالْكَفَافِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ
از غزا برابر ثواب روایت کرد مالک و ابو داؤد و نسائی در روایت است از
عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض اَنَّهٗ قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه وی گفت یا رسول الله صلی الله علیه
وَسَلَّمَ اَخْبِرْنِيْ عَنِ الْجِهَادِ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرٍو اِنْ قَاتَلْتَ
وسلم خبر ده مرا از جهاد که بچه نهج باید کرد پس فرمود آنحضرت ای عبد الله بن عمرو اگر قتال کنی تو
صَابِرًا مُّحْتَسِبًا بَعَثَكَ اللّٰهُ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا وَاِنْ قَاتَلْتَ مُرَائِيًا
در حالتیکه صبر کننده و ثواب جوینده باشی برانگیزد ترا خدا بر صفت صبر و احتساب و اگر قتال کنی در حالیکه ریا کننده

مكاثراً بعثك الله مرائياً مكاثراً يا عبد الله بن عمرو

بمكاثرت برانگیزد ترا خدا استعاره کار و تیز کننده اسے عبد اللہ بن عمرو

على أي حال قاتلت أو قتلت بعثك الله على تلك الحال

در هر حالی که کارزار کنی و کشته شوی برانگیزد ترا خدا تعالی بر آن حالت

رواه أبو داود وعن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله

روایه ابو داود روایت است از عباده بن صامت گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من غزا في سبيل الله ولم ينو

صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا کند در راه خدا و نیت نکند

إلا عقالاً فله ما نوى رواه النسائي

مگر بستن زانو بندی را پس اوراست آنچه نیت کرده روایت کرده نسائی

باب في الشهادة والشهداء

بابی در بیان شهادت و شهیدان — مگر بسته آوردن

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله أموات بل أحياء

و مگوئید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زنده اند

ولكن لا تشعرون ۝ ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتاً

ولیکن شما آگاه نمیشوید و گمان مکن کسانیکه کشته شدند در راه خدا مرده

بل أحياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله

بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می شوند شادمان بآنچه عطا کرده

ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم

خدا ایشانرا از فضل خود و خوشوقتی میشوند بسبب آنکه هنوز بایشان نپیوسته اند از پس ایشان

ألا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ وعن المقدام

بسبب آنکه هیچ ترسی نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و از مقدام بن معدی کرب

بن معدي كرب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن معدیکرب مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

للشهيد عند الله ست خصال يغفر له في اول دفعة

شهید را نزد خدا شش خصلتست یکی آنکه آمرزیده شود مر او را در اول دفعه

ويرى مقعده من الجنة ويجار من عذاب القبر ويأمن من

و بنموده میشود او را جای نشستن وی از بهشت و نگاه داشته میشود از عذاب قبر و ایمن میگردد از

الفزع الاكبر ويوضع على رأسه تاج الوقار الياقوتة منها

ترس بزرگ و نهاده میشود بر سر وی افسر عزت و تعظیم که یک جوهر از ان

خير من الدنيا وما فيها ويزوج اثنتين وسبعين زوجة

بهتر است از دنیا و هر چه در دنیاست و تزویج کرده شود او را هفتاد و دو زن

من الحور العين ويشفع في سبعين من اقربائه رواه الترمذي

از حور عین و شفاعت کرده میشود شفاعت او در هفتاد کس از خویشان او روایت کرد این را

وابن ماجه وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ترمذی و ابن ماجه و از ابو هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ما يجد الشهيد من مس القتل الا كما يجد احدكم

علیه وسلم شهید نمی یابد درد کشتن را مگر چنانکه می یابد یکی از شما

من مس القرصة رواه الترمذي والنسائي والدارمي

درد گزیدن مورچه را روایت کرد این را ترمذی و نسائی و دارمی

وعن ابن عباس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

روایتست از ابن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

لما اصيب اخوانكم بأحد جعل الله ارواحهم في جوف

مر یاران شما را که کشته شدند در جنگ احد گردانید خدای تعالی ارواح ایشان را در

طیر خضر ترد انهار الجنة تاکل من ثمارها وتاوی

پرندهاء سبز فرود می آیند آن پرندها جویهاء بهشت را میخورند آن طیور از میوه هاء بهشت و پناه می برند

الی قنادیل من ذهب معلقة فی ظل العرش فلما وجدوا طیب

بسوی قندیلها از طلا که آویخته شده اند در آن قندیلها بسایه عرش پس هنگامی که یافتند آن شهیدان

ماکلهم ومشربهم ومقیلهم قالوا من یبلغ اخواننا عنا

خوشی طعام و شراب خود و جای خواب خود را گفتند کیست که برساند و خبر کند برادران ما را از ما

انا احیاء فی الجنة لئلا یزهدوا فی الجهاد ولا ینکلوا

ایشان زندگانیم در بهشت تا آنکه برادران ما بی رغبتی نکنند در بهشت و سستی و بددلی نکنند

عند الحرب فقال الله تعالی انا ابلغهم عنکم فانزل الله تعالی

در جنگ پس گفت خدای تعالی من میرسانم خبر برادران شما را از جانب شما پس فرود آورد خدای تعالی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء

این آیت را و گمان مبر آن کسانی را که کشته شده اند در راه خدا که مردگان اند بلکه زندگان اند

الی اخر الایة رواه ابو داود وعن ابی هریرة رضی الله عنه

تا آخر آیت روایه ابوداود و از ابوهریره رضی الله عنه روایت

رسول الله صلی الله علیه وسلم قال عرض علی اول

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود عرض کرده شد بر من نخستین

ثلثة یدخلون الجنة شهید وعفیف متعفف وعبد احسن

کسانیکه در آیند بهشت را یکی شهید دوم پارسا سوم بنده که نیکو کرده است بندگی خدا را

عبادة الله ونصح لموالیه رواه الترمذی وعن

و نیکخواهی کرده مر صاحبان خود را روایه ترمذی و گفت

انس قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما من احد

انس رضی الله عنه فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی که

الجنة يحب أن يرجع إلى الدنيا وله ما في الأرض من شيء

بهشت را دوست دارد که باز گردد بسوی دنیا و باشد مر او را آنچه در زمین هست از چیزی

إلا الشهيد يتمنى أن يرجع إلى الدنيا فيقتل عشر مرات لما

مگر شهید آرزو دارد که باز گردد بسوی دنیا پس کشته شود ده بار از جهت آنچه

يرى من الكرامة متفق عليه وعن عبد الله بن

می بیند از بزرگی و ثواب متفق علیه و از عبد الله بن

عمرو بن العاص أن النبي صلى الله عليه وسلم قال

عمرو بن عاص رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

القتل في سبيل الله يكفر كل شيء إلا الدين

کشته شدن در راه خدا کفایت میکند همه چیز گناه را مگر وام را

رواه مسلم وعن أبي هريرة رض أن رسول الله صلى

روایت کرد او مسلم و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال يضحك الله إلى رجلين يقتل أحدهما

علیه وسلم فرمود خنده میکند خدا بسوی دو مرد که میکشد یکی از آن دو مرد دیگر را

الآخر يدخلان الجنة يقاتل هذا في سبيل الله

هر دو در می آیند در بهشت قتال میکند این کشته در راه خدا

فيقتل ثم يتوب الله على القاتل فيستشهد متفق عليه

پس کشته شود پس توبه میدهد خدا بر قاتل [illegible]

وعن مسروق قال سألنا عبد الله بن مسعود عن هذه الآية

و روایت است از مسروق گفت پرسیدیم عبد الله بن مسعود را از تفسیر این آیت

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون

و گمان مبر آنها را که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگار خود روزی داده میشوند

قال انا قد سألنا عن ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت ابن مسعود بدرستیکه ما بتحقیق پرسیدیم از تفسیر این آیت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال ارواحهم في اجواف طير خضر لها قناديل معلقة

پس فرمود آنحضرت ارواح شهیدان در درون پرندگان سبز است آن پرندگان را قندیلها است آویخته

بالعرش تسرح من الجنة حيث شاءت ثم تأوي الى تلك القناديل

بعرش که حکم آشیانه دارد می چرند آن طیور از بهشت هر جا که میخواهند پس پناه میگیرند بسوی آن قنادیل

فاطلع اليهم ربهم اطلاعة فقال تشتهون شيئا قالوا اي

پس مطلع شد بسوی ایشان پروردگار ایشان مطلع شدنی بغایت خاص پس فرمود آیا خواهش دارید چیزی را

شيء نشتهي ونحن نسرح من الجنة حيث شئنا ففعل

چه چیز خواهیم حال آنکه ما می چریم از بهشت هر جا که میخواهیم پس کرد

ذلك بهم ثلث مرات فلما رأوا انهم لن يتركوا من ان يسألوا

پروردگار این سوال را با ایشان سه بار پس هنگامی که دیدند ایشان که البته گذاشته نمی شوند از خواستن

قالوا يا رب نريد ان ترد ارواحنا في اجسادنا حتى نقتل

گفتند ای پروردگار میخواهیم که باز گردانی جانهای ما را در تنهای ما تا آنکه کشته شویم

في سبيلك مرة اخرى فلما رأى ان ليس لهم حاجة تركوا

در راه تو و شهید شویم بار دیگر پس چون دانست پروردگار تعالی که نیست ایشان را هیچ حاجتی گذاشته شدند

رواه مسلم وعن انس رض قال قال رسول الله

بر حالت اول خود رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت که فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يعطى الشهيد ثلاثا اول قطرة

صلی الله علیه وسلم داده می شود شهید را سه چیز اول قطره

من دمه يغفر له بها ذنوبه واول من يمسح التراب

از خون او آمرزیده میشود مر او را بسبب آن گناهان او و اول کسیکه پاک می کند خاک را

عن وجهه زوجته من الحور العين واذا وقع جنبه وقع

از روی وی زوجۀ او یا شد از زنان بهشت و چون واقع می شود پهلوی شهید بر زمین واقع

في الجنة رواه الديلمي وعن انس رضـ لما كان يوم احد

در بهشت روایت کرد دیلمی این حدیث را و روایت است از انس رضـ هرگاه که بود جنگ احد

مر النبي صلى الله عليه وسلم بحمزة وقد جدع ومثل به

گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحمزه بن عبد المطلب حال آنکه پاره پاره کرده و مثله کرده

فقال لولا ان تجد لتركته حتى يحشره الله من بطون

پس فرمود اگر نیافتی صفیه در آنچه میگویم اندوهی او را تا آنکه حشر کرده شود او را خدا از شکمهای

السباع والطير ولم يصل على احد من الشهداء وقال

درنده‌ها و پرنده‌ها و نماز نگذارد آنحضرت بر هیچ یکی از شهیدان و فرمود

انا شهيد عليكم اليوم

که من گواهی دهنده ام بر شما امروز در فردا روز قیامت

باب اصناف الشهداء

این باب در اقسام شهید است

عن سهل بن حنيف قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از سهل بن حنیف رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل

علیه وسلم کسیکه سوال کند از خدا تعالی شهادت به صدق رساند او را خدا تعالی مرتبه

الشهداء وان مات على فراشه رواه مسلم وعن ابي هريرة

شهیدان اگرچه بمیرد آنکس بر فرش خود روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما تعدون الشهيد

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه میشمارید که شهید کیست در میان شما

فيكم قالوا يا رسول الله من قتل في سبيل الله فهو شهيد
گفتند یا رسول الله کسیکه کشته شده در راه خدا پس وے شهید است
قال إن شهداء أمتي إذاً لقليل من قتل في سبيل الله فهو
گفت آنحضرت پس بتحقیق شهیدان امت من برین تقدیر مرآئینه کم اند کسیکه کشته شود در راه خدا
شهيد ومن مات في سبيل الله فهو شهيد ومن مات في الطاعون
شهید است و کسیکه میرد در راه خدا پس وے شهید است و کسیکه میرد در علت طاعون
فهو شهيد ومن مات في البطن فهو شهيد رواه مسلم وعن
پس وے شهید است و کسیکه میرد در علت شکم پس وے شهید است روایت کرد مسلم و روایت است
أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون
از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که طاعون
شهادة لكل مسلم متفق عليه وعن عائشة قالت
سبب شهادت است هر مسلمان را متفق علیه روایت است از عائشة رض گفت
سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الطاعون فأخبرني
که پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را از حقیقت طاعون پس خبر داد مرا
أنه عذاب يبعثه الله على من يشاء وأن الله جعله رحمة
آنحضرت که طاعون عذابیست که میفرستد آنرا پروردگار بر هر که میخواهد و خدا گردانیده است ویرا رحمت
للمؤمنين وليس من أحد يقع الطاعون فيمكث في بلده صابرا
مر مومنان را و نیست هیچ یکی که واقع میشود طاعون پس درنگ کند در شهر خود صبر کننده
محتسبا يعلم أنه لا يصيبه إلا ما كتب الله له إلا كان له مثل أجر
چشم دارنده مر اجر و ثواب در حالیکه یقین دارد که نمیرسد ویرا از مصیبت مگر آنچه نوشته است خدا
شهيد رواه البخاري وعن سليمان بن صرد قال
شهید روایت کرد بخاری و روایت است از سلیمان بن صرد رض گفت که فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قتله بطنه لم يعذب
آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه کشت او را شکم او عذاب کرده نشود
في قبره رواه احمد والترمذي وعن ابن عباس قال قال
در قبر او رواه احمد و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم موت غربة شهادة رواه
آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردن در غربت شهادت است رواه
ابن ماجه وعن عبد الله بن عمرو قال توفي رجل
ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فوت شد مردے
بالمدينة ممن ولد بها فصلى عليه النبي صلى الله عليه
بمدینه از آن کسانیکه زاییده شده بودند بمدینه پس نماز گذارد بر او آنحضرت صلی الله علیه و
فقال يا ليته مات بغير مولده قالوا ولم ذاك يا رسول الله صلى
پس فرمود آنحضرت ای کاشکے بمیرد این مرد در غیر جای زاییدن خود گفتند اصحاب چرا است این آرزو ای رسول خدا
الله عليه وسلم قال ان الرجل اذا مات بغير مولده قيس له
صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه مرد چون بمیرد در غیر مولد خود اندازه گرفته شود برای او
من مولده الى منقطع اثره في الجنة رواه النسائي وابن ماجه
از مولد او تا جای بریده شدن نشان پای او در بهشت رواه نسائی و ابن ماجه
وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
من مات مريضا مات شهيدا ووقي فتنة القبر وغدي وريح
کسیکه بمیرد بیمار میرد شهید و نگاه داشته شود از فتنه قبر و عذاب قبر و صبح و شام داده شود
عليه برزقه من الجنة رواه ابن ماجه والبيهقي في
بر وی رزق از بهشت رواه ابن ماجه و بیهقی در

شعب الإيمان وعن جابر رض أن رسول الله صلى الله عليه

شعب ایمان و روایت است از جابر رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال الفار من الطاعون كالفار من الزحف والصابر

و سلم فرمود که گریزنده از طاعون همچو گریزنده از جنگ کافران است و صبر کننده

فيه له أجر شهيد رواه أحمد وعن سعيد بن زيد

در طاعون سزاوار اجر شهید است رواه احمد و روایت است از سعید بن زید رض

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قتل دون

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه کشته شد نزد

دينه فهو شهيد ومن قتل دون دمه فهو شهيد ومن قتل

دین خود یعنی ... شهید است و کسیکه کشته شد نزد خون خود یعنی ... شهید است و کسیکه کشته

دون ماله فهو شهيد ومن قتل دون أهله فهو شهيد رواه

برای حفظ مال خود یعنی ... شهید است و کسیکه کشته شد نزد اهل و عیال خود یعنی ... شهید است

الترمذي وأبو داود والنسائي وعن أم حرام عن

رواه ترمذی و ابوداود ونسائی و روایت است از ام حرام رض از

النبي صلى الله عليه وسلم قال المائد في البحر الذي

حضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت جنبنده دریا که میگردد

يصيبه القيء له أجر شهيد والغريق له أجر شهيدين

سرش بجنبیدن کشتی و میرسد او را قی وغثیان مر او را اجر شهید است و غرق شونده در دریا مر او را

رواه أبو داود وعن أبي مالك الأشعري رض قال

رواه ابوداود و روایت است از ابی مالک اشعری رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فصل

که شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت کسیکه بیرون شد ...

في سبيل الله فمات أو قتل أو وقصه فرسه أو بعيره

از وطن در راه خدا پس مرد یا کشته شود یا بیندازد او را اسپ وی یا شتر وی

أو لدغته هامة أو مات على فراشه بأي حتف شاء الله

یا بگزد او را گزنده یا مرد بر فراش خود به هر مرگی که خواهد خدا

فإنه شهيد وإن له الجنة رواه أبو داود وعن

پس بدرستیکه وی شهید است و بدرستیکه مر او راست بهشت روایت کرد ابو داود و روایت است از

عتبة بن عبد السلمي قال قال رسول الله صلى الله عليه

عتبه بن عبد سلمی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

القتلى ثلاثة مؤمن جاهد بنفسه وماله في سبيل الله

کشتگان سه قسم اند یکی مسلمانی است که جهاد کرد بنفس خود و مال خود در راه خدا

فإذا لقي العدو قاتل حتى يقتل قال النبي صلى

پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال کرد تا آنکه کشته شد فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم فيه فذلك الشهيد الممتحن في

الله علیه وسلم در شان این شخص پس آن شهید است امتحان کرده شده

خيمة الله تحت عرشه لا يفضله النبيون إلا بدرجة النبوة

در خیمه خدا است زیر عرش وی فاضل تر نباشد از آن شهید را پیغمبران مگر بدرجه نبوت

ومؤمن خلط عملا صالحا وآخر سيئا جاهد بنفسه وماله

و دوم از کشتگان مسلمانیکه آمیخت کردار نیک و کردار بد جهاد کرد بنفس خود و مال خود

في سبيل الله إذا لقي العدو قاتل حتى يقتل قال النبي

در راه خدا و چون ملاقات کند دشمن را قتال کند تا آنکه کشته شود گفته است آنحضرت

صلى الله عليه وسلم فيه ممصمصة محت ذنوبه وخطاياه

صلی الله علیه وسلم در شان این مجاهد این سخن را که پاک کننده است محو کننده گناهان او

إِنَّ السَّيْفَ مَحَّاءٌ لِلْخَطَايَا وَأُدْخِلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ

بدرستیکه شمشیر وکشته شدن بدان محو پاک گرداننده است مرگناهان او را وبرآورده شود از هر دری که خواهد

وَمُنَافِقٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهٖ وَمَالِهٖ فَإِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتّٰى

وسوم از کشتگان منافقی است که جهاد کرد بنفس ومال خود وپس چون ملاقات کرد دشمن را قتال میکند تا آنکه

يُقْتَلَ فَذٰلِكَ فِي النَّارِ إِنَّ السَّيْفَ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

کشته می شود پس آن منافق در آتش دوزخ است بدرستی شمشیر محو نمی کند نفاق را روایه دارمی

وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رض

وروایت است از فضاله بن عبید انصاری که شنیدم عمر بن خطاب رض را

يَقُوْلُ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

که میگفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت

الشُّهَدَاءُ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيْمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

شهیدان چهار کس اند یکی مرد مسلمان نیک وبشر طایان که ملاقات کرده است دشمنان را

فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى قُتِلَ فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ أَعْيُنَهُمْ

پس راست گو گردانید خدا را تا آنکه کشته شد آن مرد پس آن مرد آنکسی است که بر میدارند مردم بسوی او

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ هٰكَذَا وَرَفَعَ رَأْسَهٗ حَتّٰى سَقَطَتْ قَلَنْسُوَتُهٗ

روز قیامت خود همچنین برداشته سر خود را برای بیان تا آنکه افتاد کلاه وی بجهت مبالغه

فَمَا أَدْرِيْ أَقَلَنْسُوَةَ عُمَرَ أَرَادَ أَمْ قَلَنْسُوَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

راوی گوید پس نمیدانم که کلاه عمر رض مراد داشته است یا کلاه آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيْمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

علیه وسلم گفت آنحضرت وشهید دیگر مردی مؤمن قوی ایمان است که ملاقات کرده

كَأَنَّمَا ضُرِبَ جِلْدُهٗ بِشَوْكِ طَلْحٍ مِنَ الْجُبْنِ أَتَاهُ

گویا زده شده است پوست او بخارهای خار درخت از جهت ترس بزدلی آمد او را

سَهْمٌ غَرْبٌ فَقَتَلَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ

تیری که اندازه وی معلوم نیست پس کشت او را پس این شهید در پایهٔ دوم است و شهید سوم مرد مومن

خَلَطَ عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى

که آمیخته است کردار نیک را و کردار دیگر را که بد است ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق خدا را تا آنکه

قُتِلَ فَذٰلِكَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ أَسْرَفَ عَلٰى

کشته شد پس آن مرد در درجهٔ سوم است و چهارم آن که مسلمان است ولیکن اسراف کرده است بر

نَفْسِهِ وَلَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى قُتِلَ فَذٰلِكَ فِي

نفس خود و معصیت بسیار کرده است و ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق کرد خدا را تا آنکه کشته شد پس آن مرد در

الدَّرَجَةِ الرَّابِعَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

پایهٔ چهارم است از بهشت یا از شهیدان رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که شهیدان پنج قسم اند

الْمَطْعُونُ وَالْمَبْطُونُ وَالْغَرِيقُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالشَّهِيدُ

یکی آنکه بعلت طاعون مرده دوم آنکه بعلت اسهال و انتفاخ بطن جان داده است سوم آنکه در آب غرق شده باشد

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَتِيكٍ قَالَ

و پنجم کشته شود در راه خدا متفق علیه و روایت است از جابر رض بن عتیک رض که گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهَادَةُ سَبْعٌ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که شهادت هفت نوع است

سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ وَالْغَرِيقُ شَهِيدٌ

سوای کشته شدن در راه خدا طاعون زده شهید است و غریق شده شهید است

وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيدٌ وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ وَصَاحِبُ الْحَرِيـ

و صاحب ذات الجنب شهید است و اسهال شکم زده شهید است و صاحب آتش زدگی

شَهِيدٌ وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ

شهید است وکسیکه مرده است زیر هدم بنا شهید است وزنیکه میرد بسبب زائیدن

بِجُمْعٍ شَهِيدٌ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

بسبب آن نیز شهید است روایت کرده مالک وابوداود ونسائی

كِتَابُ الصَّيْدِ وَالذَّبَائِحِ

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ

حرام کرده شد بر شما مردار وخون وگوشت خوک وانچه آواز کرده شود

لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ

بغیر خدا آن وانچه بفشردن گلو مرده باشد وانچه بچوب وسنگ زده مرده باشد وانچه از بلندی زیر افتاده وانچه شاخ زده مرده باشد

وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ

وانچه خورده درنده باشد مگر انچه ذبح کنید وحرام کرده شد انچه ذبح شده بر بتها

وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ

وانچه قسمت کنید بتیرها این فسق است

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص رض که آنحضرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا فَمَا فَوْقَهَا

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه کشت گنجشک را پس چیزی که فوق او است

بِغَيْرِ حَقِّهَا سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْ قَتْلِهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا

در صغر یا در کبر بغیر حق آن پرسد او را خدا از قتل آن گفته شد یا رسول الله وچیست

حَقُّهَا قَالَ أَنْ يَذْبَحَهَا فَيَأْكُلَهَا وَلَا يَقْطَعَ رَأْسَهَا

حق آن فرمود آنست که ذبح کند او را پس بخورد او را ونبرد سر او را

فيرمي بها رواه احمد والنسائي والدارمي وعن

پس بنیدازد آنرا روایت کرد احمد و نسائی و دارمی و روایت است از

ابن عمر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

ابن عمر رض گفت آنحضرت را شنیدم صلی الله علیه

وسلم ينهى أن تصبر بهيمة أو غيرها للقتل متفق عليه

وسلم که نهی میکرد از آنکه صبر داده شود یعنی حبس کرده شود چهارپایه و غیر آن از برای قتل

وعنه أن النبي صلى الله عليه وسلم لعن من اتخذ

وهم از وی مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است کسی را که گرفت چیزی

شيئا فيه الروح غرضا متفق عليه وعن جابر

چیزی را که در وی روح است هدف و نشانه متفق علیه و روایت است از جابر رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الضرب في

گفت که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از زدن در

الوجه وعن الوسم في الوجه رواه مسلم وعنه

روی بطپانچه یا تازیانه و جز آن که بیباشد یا چیزی و نهی کرد از داغ کردن در روی روایت کرد مسلم و هم

أن النبي صلى الله عليه وسلم مر عليه حمار وقد وسم

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذشت بر وی خری حال آنکه تحقیق داغ کرده شده

في وجهه قال لعن الله الذي وسمه رواه مسلم

در روی آن حمار گفت آنحضرت لعنت کناد خدا تعالی آنکسیرا که داغ کرده است او را روایت کرد مسلم

وعن أنس قال غدوت إلى رسول الله صلى الله

و روایت است از انس رض گفت که بامداد بردم بسوی آنحضرت صلی الله

عليه وسلم بعبد الله بن أبي طلحة ليحنكه فوافيته

علیه وسلم عبد الله بن ابی طلحه را تا تحنیک کند آنحضرت او را پس یافتم من آنحضرت را

فِی یَدِهِ الْمِیْسَمُ یَسِمُ إِبِلَ الصَّدَقَةِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ

درحالیکه در دست اوست آهنی داغ میکرد شتران زکوة را تا متمیز شوند از دیگر متفق علیه

بَابُ ذِکْرِ الْکَلْبِ

باب در ذکر کلب یعنی کدام سگ نگاهداشتن جائز است و کدام جائز نیست

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم

مَنِ اقْتَنٰی کَلْبًا اِلَّا کَلْبَ مَاشِیَةٍ اَوْ ضَارٍ نَقَصَ مِنْ عَمَلِهٖ

کسیکه گرد آرد یعنی نگاهدارد سگی را مگر سگیکه برای نگاهبانی مواشی نگاهدارد یا سگ شکاری نقصان شد

کُلَّ یَوْمٍ قِیْرَاطَانِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رضـ

هر روز دو قیراط متفق علیه و روایت است از ابی هریره رضـ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّخَذَ کَلْبًا

که فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم کسیکه بگیرد سگی را

اِلَّا کَلْبَ مَاشِیَةٍ اَوْ صَیْدٍ اَوْ زَرْعٍ انْتَقَصَ مِنْ اَجْرِهٖ

مگر سگی که نگاهبانی مواشی میکند یا شکار میکند یا نگاهبانی زراعت میکند نقصان کرده شود

کُلَّ یَوْمٍ قِیْرَاطٌ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُغَفَّلٍ

هر روز یک قیراط متفق علیه و روایت است از عبد اللّٰه بن مغفل رضـ

عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا اَنَّ الْکِلَابَ اُمَّةٌ

که آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم فرمود اگر نمی بود که این سگان امتی

مِنَ الْاُمَمِ لَاَمَرْتُ بِقَتْلِهَا کُلِّهَا فَاقْتُلُوْا مِنْهَا کُلَّ اَسْوَدَ

از امتها اند هر آئینه امر میکردم بکشتن آن همه پس چون سبیل نیست کشتن همه ایشان بکشید

بَهِیْمٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ

که زبان کننده تر است روایه ابو داود و دارمی و روایت است از ابن عباس رضـ

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ
که نهی کرده است آنحضرت صلی الله علیه وسلم از برغلانیدن وجنگ انداختن میان
الْبَهَائِمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
چارپایها رواه ترمذی وابوداود ودرروایت است از ابی هریره رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم همراه نمی شوند فرشتگان
رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
گروهی را که دران سگ است ونه گروهی را که جرس است رواه مسلم ودرروایت است از ابن عباس
عَنْ مَيْمُونَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْبَحَ
از میمونه رض آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبح کرد
يَوْمًا وَاجِمًا وَقَالَ إِنَّ جِبْرَئِيلَ كَانَ وَعَدَنِي أَنْ يَلْقَانِي
روزی خاموش واندوهگین وگفت آنحضرت در بیان سبب دلگیری که جبرئیل وعده کرده بود مرا که ملاقات کند
اللَّيْلَةَ فَلَمْ يَلْقَنِي أَمَا وَاللّٰهِ مَا أَخْلَفَنِي ثُمَّ وَقَعَ فِي نَفْسِهِ
امشب که گذشت پس ملاقات نکرد مرا آگاه باشید سوگند بخدا خلاف وعده نکرد جبرئیل با من ثم گذشت در خاطر
جِرْوُ كَلْبٍ تَحْتَ فُسْطَاطٍ لَهُ فَأَمَرَ بِهِ فَأُخْرِجَ ثُمَّ أَخَذَ
سگ بچه که افتاده بود زیر خیمه که بود مر آنحضرت را پس امر کرد به برآوردن آن پس بیرون آورده شد
بِيَدِهِ مَاءً فَنَضَحَ مَكَانَهُ فَلَمَّا أَمْسَى لَقِيَهُ جِبْرَئِيلُ فَقَالَ
بدست شریف آب را پس پاشید آنحضرت در جائیکه سگ بچه نشسته بود پس هرگاه شام کرد ملاقات کرد
لَقَدْ كُنْتَ وَعَدْتَنِي أَنْ تَلْقَانِي الْبَارِحَةَ قَالَ أَجَلْ وَلٰكِنَّا
آنحضرت بتحقیق وعده کرده بودی تو که ملاقات خواهی کرد مرا دوش شب گفت جبرئیل ولیکن ما فرشتگان
لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ فَأَصْبَحَ رَسُولُ اللّٰهِ
داخل نمی شویم در خانه که در وی کلب است یا صورت پس صبح کرد پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يومئذ فأمر بقتل الكلاب حتى انه أمر

صلی الله علیه وسلم آن یوم که شنید از جبرئیل این سخن پس امر کرد بکشتن سگان تا آنکه حکم باین شد که امر

بقتل كلب الحائط الصغير ويترك كلب الحائط الكبير

بکشتن سگ بوستان خورد و بیگذاشت سگ بوستان بزرگ که در آن زیادت احتیاج است

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض که بود آن حضرت

صلى الله عليه وسلم يأتي دار قوم من الانصار ودونهم

صلی الله علیه وسلم می آمد سرای قومی را از انصار را و نزد شان

دار فشق ذلك عليهم فقالوا يا رسول الله تأتي دار فلان

سرای دیگر بود پس دشوار آمد آمدن آنحضرت نزد آن قوم برایشان پس گفتند یا رسول الله می آیی سرای فلان را

ولا تأتي دارنا فقال النبي صلى الله عليه وسلم لأن في

و نمی آیی سرای ما را فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر آئینه در

داركم كلبا قالوا ان في دارهم سنورا فقال النبي

سرای شما سگ است گفتند بدرستیکه در سرای شان گربه است پس فرمود آن حضرت

صلى الله عليه وسلم السنور سبع رواه الدارقطني

صلی الله علیه وسلم گربه از قسم درنده است مضایقه ندارد رواه دارقطنی

باب قتل الموذيات

عن ابن عمر رض انه سمع النبي صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عمر رض که وی شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يقول اقتلوا الحيات واقتلوا ذا الطفيتين والابتر فانهما

که میگفت بکشید ماران را بکشید مار را که دارد دو خط سفید بر پشت و بکشید مار بریده دم را که نام او ابتر است پس بدرستیکه

يطمسان البصر ويستسقطان الحبل قال عبد الله فبينا

این دو قسم مار نابینا میگردانند بینائی را و طلب میکنند سقوط حمل را پس گفت عبد الله

انا اطارد حية اقتلها ناداني ابو لبابة لا تقتلها

آنکه حمله میکنم ماری را که بکشم او را آواز داد مرا ابو لبابه انصاری که مکش این مار را

فقلت ان رسول الله صلى الله عليه وسلم امر بقتل الحيات

پس گفتم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرده است بکشتن ماران تو چون منع میکنی

فقال انه نهى بعد ذلك عن ذوات البيوت وهن العوامر

پس گفت بدرستی آنحضرت نهی کرد بعد از امر کردن از کشتن خانه وایان ماران که دائما ساکن

متفق عليه وعن ام شريك رضى ان رسول الله صلى

متفق علیه در روایت است از ام شریک رض که آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم امر بقتل الوزغ وقال كان ينفخ على

علیه وسلم امر کرده است بکشتن سام ابرص فرمود و آنحضرت بود وزغ که دم میکرد

ابراهيم متفق عليه وعن سعد بن ابي وقاص ان

بر ابراهیم متفق علیه در روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

رسول الله صلى الله عليه وسلم امر بقتل الوزغ وسماه

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بقتل وزغ و نام کرده است او را

فويسقا رواه مسلم وعن ابي هريرة رضى ان رسول الله

فاسقک رواه مسلم در روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من قتل وزغا في اول ضربة

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بکشد سام ابرص را در اول زدن

كتبت له مائة حسنة وفي الثانية دون ذلك وفي الثالثة

نوشته شود واسطه او صد نیکی و در زدن دوم نوشته میشود برای او فرود حسنه و

دُونَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

فروتر ازین نوشته نمی شود و اول را کمتر زدن دوم رواه مسلم و هم از وی روایت است گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَصَتْ نَمْلَةٌ نَبِيًّا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَمَرَ بِقَرْيَةِ

صلی الله علیه وسلم که گزید موری پیغمبری را از پیغمبران پس امر کرد بقریه

النَّمْلِ فَأُحْرِقَتْ فَأَوْحَى اللّٰهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ قَرَصَتْكَ نَمْلَةٌ أَحْرَقْتَ

مورچه که سوخته شد پس وحی فرستاد خدای تعالی بسوی آن پیغمبر که گزید ترا یک مورچه

أُمَّةً مِّنَ الْأُمَمِ تُسَبِّحُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ

سوختی تو گروهی را از گروهها که تسبیح میکنند خدا را متفق علیه و روایت است

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مدهید خروس را

فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلٰوةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

زیرا که وی بیدار میکند برای نماز رواه ابو داؤد و روایت است از عبد الرحمن

ابْنِ أَبِي لَيْلٰى قَالَ قَالَ أَبُو لَيْلٰى قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابن ابی لیلی گفت که فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ظَهَرَتِ الْحَيَّةُ فِي الْمَسْكَنِ فَقُولُوا لَهَا إِنَّا

علیه وسلم چون که پیدا آید مار در جای سکونت پس بگوئید مر آن مار را بدرستیکه ما

نَسْأَلُكِ بِعَهْدِ نُوحٍ وَبِعَهْدِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ أَنْ لَا تُؤْذِيَنَا

سوال میکنیم ترا بعهد نوح و بعهد سلیمان بن داود اینکه آزار ندهی ما را

فَإِنْ عَادَتْ فَاقْتُلُوهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

پس اگر باز گردد و بیاید پس بکشید او را رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما سالمناهم منذ حاربناهم ومن ترك شيئا منهم خيفة

صلح نکرده ایم ما ایشان را از ان باز که جنگ کرده ایم با ایشان و کسیکه ترک کند چیزی را از ایشان

فليس منا رواه ابوداود وعن ابن مسعود رض قال قال

پس نیست آن کس از ما رواه ابوداود و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اقتلوا الحيات كلهن

آن حضرت صلى الله عليه وسلم بکشید ماران همه ماران را

فمن خاف ثارهن فليس مني رواه ابوداود والنسائي

پس کسیکه بترسد کینه کشی انها را پس نیست آنکس از من رواه ابوداود والنسائی

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلى الله عليه وسلم

قال اقتلوا الحيات كلها الا الجان الابيض الذي كانه

فرمود بکشید ماران را همه ماران را مگر مار خورد سفید را آنکه مانند

قضيب فضة رواه ابوداود وعن ابي هريرة رض قال

شاخ نقره است رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا وقع الذباب

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم وقتیکه بیفتد مگس در آوند

في اناء احدكم فامقلوه فان في احد جناحيه داء وفي

یکی از شما پس غوطه دهید او را زیرا که در یکی از دو بازوی او زهر است و در بازوی دیگر

الآخر شفاء فانه يتقي بجناحه الذي فيه الداء فليغمسه كله رواه

تندرستی است پس بدرستیکه نگاه میدارد نفس خود را بدان بازو که در وی زهر است پس باید غوطه دهد

ابوداود وعن ابي سعيد الخدري رض عن النبي

ابوداود و روایت است از ابی سعید خدری رض از آنحضرت

٥٥ وگفته اند شاید که نهی در کشتن این نوع بجهت آنست که وی زبان نمی کند و زهر ندارد ۱۲

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا وَقَعَ الذُّبَابُ فِي الطَّعَامِ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت وقتیکہ بیفتد مگسے در طعام

فَامْقُلُوهُ فَإِنَّ فِي أَحَدِ جَنَاحَيْهِ سَمًّا وَفِي الْآخَرِ شِفَاءً وَإِنَّهُ

پس غوطہ زنید اورا پس بدرستیکہ دریکی از دو بازوی او زہر ست و در بازوی دیگر شفا ست بدرستی و

يُقَدِّمُ السَّمَّ وَيُؤَخِّرُ الشِّفَاءَ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنِ ابْنِ

پیشتر می اندازد بازوی زہر را و پس مے اندازد بازوی شفا را رواہ در شرح السنۃ و روایت است از

عَبَّاسٍ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَتْلِ

ابن عباس رض کہ آنحضرت نہی کردہ ست صلی اللہ علیہ وسلم از کشتن

أَرْبَعٍ مِنَ الدَّوَابِّ النَّمْلَةِ وَالنَّحْلَةِ وَالْهُدْهُدِ وَالصُّرَدِ رَوَاهُ

چہار از دواب یکے مورچہ کہ بیشتر از انکہ بگزد دوم مگس شہد سوم ہدہد چہارم صرد رواہ

أَبُو دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِيِّ يَرْفَعُهُ الْجِنُّ

ابوداؤد و الدارمی و روایت ست از ابی ثعلبہ خشنی کہ رفع میکند حدیث را کہ جنو

ثَلٰثَةُ أَصْنَافٍ صِنْفٌ لَهُمْ أَجْنِحَةٌ يَطِيرُونَ فِي الْهَوَاءِ

سہ گونہ اند و سہ قسم اند قسمے ہستند کہ مر ایشان را بازو ہاست کہ می پرند در ہوا

وَصِنْفٌ حَيَّاتٌ وَكِلَابٌ وَصِنْفٌ يَحِلُّونَ وَيَظْعَنُونَ

و قسمے دیگر ماران و سگان اند و صنفے دیگر کہ فرود می آیند در جاہا و بقعہا و اقامت کنند و روان

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

رواہ در شرح السنۃ

بَابُ الْأَطْعِمَةِ

باب در بیان آداب طعام

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت ست از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

لا يأكلن أحدكم بشماله ولا يشربن بها فإن الشيطان

البته باید که نخورد یکی از شما بدست چپ البته باید که ننوشد بدست چپ هم زیراکه شیطان میخورد

يأكل بشماله ويشرب بها رواه مسلم وعن جابر رضـ قال

بدست چپ و می نوشد بدست چپ روایت مسلم و روایت است از جابر رضـ گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن الشيطان يحضر

شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که می گفت بدرستیکه شیطان حاضر می شود

أحدكم عند كل شيء من شأنه حتى يحضر عند طعامه فإذا

یکی از شمارا نزد هر چیز از شان آن یکی تا آنکه حاضر می شود نزد طعام وی پس چون

سقطت من أحدكم اللقمة فليمط ما كان بها من أذى ثم

بیفتد از دست یکی از شما لقمه پس باید که دور کند از آن لقمه چیزیکه همراه است با آن از آنچه کروه می شمارد...

ليأكلها ولا يدعها للشيطان فإذا فرغ فليلعق أصابعه

بخورد آنرا و نگذارد آنرا برای شیطان پس چون فارغ شود از خوردن پس باید که بلیسد انگشتان

فإنه لا يدري في أي طعامه تكون البركة رواه

پس بدرستیکه وی نمیداند که در کدام جزو ازاجزای طعام وی می باشد برکت روایت

مسلم وعن نبيشة عن رسول الله صلى الله عليه

مسلم و روایت است از نبیشة رضـ که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من أكل في قصعة فلحسها استغفرت له

وسلم فرمود کسیکه بخورد در کاسه پس بلیسد بعد از خوردن کاسه آمرزش میخواهد

القصعة رواه أحمد والترمذي وابن ماجة والدارمي

برای وی کاسه روایت احمد و الترمذی و ابن ماجه و الدارمی

وعن ابن عباس رضـ قال كان أحب الطعام إلى رسول الله

و روایت است از ابن عباس رضـ گفت بود دوست ترین طعام ها نزد پیغمبر خدا

صلی اللہ علیہ وسلم الثرید من الخبز والثرید من الحیس

صلی اللہ علیہ وسلم اشکنہ از نان و اشکنہ از حیس

رواہ ابو داؤد وعن ام ہانی رض قالت دخل علی النبی

رواہ ابو داؤد در روایت ست از ام ہانی رض گفت کہ داخل شد بر من آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم فقال اعندک شیء فقلت لا الا خبز

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت پیدا ہست نزد تو چیزے گفتم نیست چیزی مگر نان خشک

یابس وخل فقال ہاتی ما اقفر بیت فیہ خل رواہ الترمذی

و سرکہ پس فرمود بیار آنچہ حاضر ست خالی نیست از نان خورش خانہ کہ درو سرکہ ہست رواہ ترمذی

وعن ابی جحیفۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ

در روایت ست از ابی جحیفہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وسلم لا آکل متکئا رواہ البخاری وعن قتادۃ رض عن

وسلم نمیخورم طعام را تکیہ کردہ رواہ بخاری در روایت ست از قتادہ رض کہ

انس رض قال ما اکل النبی صلی اللہ علیہ وسلم علی خوان ولا

گفت انس رض نخورد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم طعام را نہادہ بر خوان و نخورد

فی سکرجۃ ولا خبز لہ مرقق قیل لقتادۃ علی ما یاکلون

در سکرجہ یعنے اناء صغیر و پختہ نشد برای آنحضرت نان تنک و نخوردہ است گفتہ شد مر قتادہ را

قال علی السفر رواہ البخاری وعن ابی ہریرۃ رض قال ما

گفت بر سفرہ ہا رواہ بخاری در روایت ست از ابی ہریرہ رض کہ گفت

عاب النبی صلی اللہ علیہ وسلم طعاما قط ان اشتہاہ اکلہ

عیب نکرد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہیچ طعامی را ہرگز و اگر خوش میشدت آن طعام کہ میخورد

وان کرہہ ترکہ متفق علیہ وعن عائشۃ رض قالت

و اگر ناخوش میشدت آنرا نمی خورد متفق علیہ در روایت ست از عائشہ کہ گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الْحَلْوَاءَ وَالْعَسَلَ

بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست میداشت حلوا و شهد را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه البخاری و روایت است از جابر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

سَاَلَ اَهْلَهُ الْاُدُمَ فَقَالُوْا مَا عِنْدَنَا اِلَّا خَلٌّ فَدَعَا بِهِ فَجَعَلَ

طلبید از خانهٔ خود نانخورش را پس گفتند نیست نزد ما مگر سرکه پس طلبید سرکه را پس شروع کرد خوردن

يَاْكُلُ بِهِ وَيَقُوْلُ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

نان با آن سرکه و میگفت نیکو نانخورش است سرکه نیکو نانخورش است سرکه روایت کرد این را مسلم و از

اَبِيْ اَيُّوْبَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُرِّبَ طَعَامٌ

ابی ایوب رض مرویست گفت بودیم ما نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نزدیک گردانیده شد طعامے

فَلَمْ اَرَ طَعَامًا مَا كَانَ اَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ اَوَّلَ مَا اَكَلْنَا وَلَا اَقَلَّ بَرَكَةً

پس ندیدم هیچ طعامے را که بود عظیم تر از وی برکت از آن طعام در ابتدائے وقت خوردن و ندیدم

فِيْ اٰخِرِهٖ قُلْنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ كَيْفَ هٰذَا قَالَ اِنَّا ذَكَرْنَا اسْمَ

در وقت آخر آن گفتیم ای رسول خدا چگونه بود این طعام که بود اول برکت ...

اللّٰهِ حِيْنَ اَكَلْنَا ثُمَّ قَعَدَ مَنْ اَكَلَ وَلَمْ يُسَمِّ اللّٰهَ فَاَكَلَ

آخر کم برکت شد فرمود آنحضرت که ما خوردیم در ابتدا بنام خدا پس نشست کسیکه خورد و نام خدا نبرد

مَعَهُ الشَّيْطَانُ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ عَائِشَةَ

با وے شیطان بسبب بی برکتی این بود رواه فی شرح السنة و روایت است از عائشه رض

قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَكَلَ اَحَدُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد یکی از شما

فَنَسِيَ اَنْ يَذْكُرَ اللّٰهَ عَلٰى طَعَامِهٖ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ اَوَّلَهُ وَاٰخِرَهُ

پس فراموش کند ذکر کردن نام خدا را بر طعام خود در اول پس باید بگوید آخر یاد آید بسم الله

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أُمَيَّةَ بْنِ مَخْشِيٍّ رض قَالَ

روایت کرد ترمذی و ابو داود و روایت ست از امیه بن مخشی رض گفت

كَانَ رَجُلٌ يَأْكُلُ فَلَمْ يُسَمِّ حَتَّى لَمْ يَبْقَ مِنْ طَعَامِهِ إِلَّا لُقْمَةٌ

بود مردی که طعام میخورد پس تسمیه نکرد تا آنکه باقی نماند از طعام وی مگر یک لقمه

فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ فَضَحِكَ

پس هرگاه که برداشت آن لقمهٔ باقی مانده را بسوی دهن خود گفت بسم الله اوله و آخره پس

النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مَا زَالَ الشَّيْطَانُ يَأْكُلُ

صلی الله علیه و سلم پستر فرمود بود شیطان که میخورد

مَعَهُ فَلَمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللّٰهِ اسْتَقَاءَ مَا فِي بَطْنِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

با وی تا این هنگام پس اکنون برد ایمز نام خدا را ذکر کرد شیطان چیزیکه در شکم وی بود روایت کرد ابو داود

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت ست از ابی سعید خدری رض گفت بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَرَغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

صلی الله علیه و سلم چون فارغ می شد از طعام خوردن میگفت شکر خدا را

أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِينَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ

که بخورانید ما را طعام و بنوشانید آب ما را و گردانید ما را مسلمان روایت کرد ترمذی و ابو داود و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجه و روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

علیه و سلم آنکه میخورد و شکر بر نعمت حق میکند مانند کسیکه روزه میدارد و صبر میکند روایت کرد ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ أُتِيَ

و روایت ست از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که آورده شد

بقصعة من ثريد فقال كلوا من جوانبها ولا تأكلوا من

نزد آنحضرت کاسه از اشکنه پس فرمود آنحضرت بخورید از جوانب و اطراف کاسه و مخورید از

وسطها فإن البركة تنزل في وسطها رواه الترمذي

میانه آن زیرا که برکت در طعام نازل میشود [illegible] در میانه کاسه رواه ترمذی

وعن عكراش بن ذؤيب قال أتينا بجفنة كثيرة

و روایت است از عکراش بن ذویب که آورده شد پیش ما کاسه کلان را که بسیار بود

الثريد والوذر فخبطت بيدي في نواحيها وأكل رسول الله

در وی اشکنه و گوشت پارها [illegible] پس زدم دست خود را در هر جانب [illegible] و خورد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من بين يديه فقبض بيده اليسرى على

صلی الله علیه و سلم از پیش خود پس گرفت آنحضرت بدست چپ دست راست مرا

يدي اليمنى ثم قال يا عكراش كل من موضع واحد فإنه

دست من پس گفت ای عکراش بخور از یکجا زیرا که این یک

طعام واحد ثم أتينا بطبق فيه ألوان التمر أو الرطب فجعلت آكل

طعام است پس آورده شد نزد ما طبقی که در وی بود تمر رنگ رنگ [illegible] پس شروع کردم در خوردن

من بين يدي وجالت يد رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پیش خود و جولان کرد دست پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

في الطبق فقال يا عكراش كل من حيث شئت فإنه غير

در طبق و از هر جانب [illegible] پس فرمود آنحضرت یا عکراش بخور از هر جانب که خواهی زیرا که این نیست

لون واحد ثم أتينا بماء فغسل رسول الله صلى الله عليه وسلم

یک رنگ پس آورده شد نزد ما آب پس شست پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

يديه ومسح ببلل كفيه وجهه وذراعيه ورأسه وقال

هر دو دست [illegible] و مسح کرد [illegible]

يعني النار هذا الوضوء مما مسّت النار رواه الترمذي

یعنی این وضو از طعام ست که لئیبر داده ست آنرا آتش و پخته شده ست رواه ترمذی

وعن انس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله

روایت ست از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

عليه وسلم سيد ادامكم الملح رواه ابن ماجة وعن

وسلم بهترین نان خورش شما نمک ست رواه ابن ماجه و روایت ست

اسماء بنت ابي بكر انها كانت اذا اتيت بثريد امرت به

از اسماء بنت ابی بکر که بود عادت وی چون آورده میشد اشکنه ترد کے میفرمود پوشیده نگاه داشته

فغطي حتى تذهب فورة دخانه وتقول اني سمعت رسول

پس پوشیده میشد تا آنکه برود جوش و غلبه دود و گرمی وے و میگفت بدرستی شنیدم آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول هو اعظم للبركة رواه الدارمي

صلی الله علیه وسلم که میگفت این نگاه داشتن طعام موجب بسیاری برکت ست رواه دارمی

وعن نبيشة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

و از نبیشه رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

اكل في قصعة ثم لحسها تقول له القصعة اعتقك الله

بخورد در کاسه لیسید باید میگوید مر او را کاسه که آزاد کند ترا خدا

من النار كما اعتقتني من الشيطان رواه رزين وعن انس

از آتش دوزخ چنانکه آزاد کردی تو مرا از شیطان رواه رزین و روایت ست از انس رض

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يكثر من الدباء فقلت

گفت بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثار و زیادتی میکرد از کدو پس گفتم

يا رسول الله انك لتحب الدباء فقال الدباء يكثر ...

ای رسول خدا بدرستیکه شما دوست میدارید کدو را ...

الدماغ ويزيد في العقل الذكي

دماغ را و زیاده میکند عقل را روایت کرد دیلمی

باب الأشربة وبيان أواني الذهب والفضة

باب در ذکر انواع شرابها و حکم آن و بیان ظروف زر و سیم

عن أنس قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يتنفس في الشراب ثلاثا متفق عليه وزاد مسلم في رواية

که نفس میزد در آب خوردن سه نفس متفق علیه است و زیادت کرد مسلم در روایتی دیگر این لفظ را

ويقول إنه أروى وأبرأ وأمرأ وعن أم سلمة أن

و میگفت آنحضرت که آب باین صفت سیر کننده و صحت کننده و گوارنده است و از ام سلمه روایت است که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الذي يشرب في آنية

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آن کسیکه می نوشد در آوند

الفضة إنما يجرجر في بطنه نار جهنم متفق عليه وفي

نقره گویا می نوشد آنکس جرعه جرعه باواز در شکم خود آتش دوزخ را متفق علیه و در

رواية لمسلم إن الذي يأكل ويشرب في آنية الفضة والذهب

روایت دیگر مسلم را این عبارت است هر که می خورد و می نوشد در آوند نقره و زر

وعن حذيفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از حذیفه رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وسلم يقول لا تلبسوا الحرير ولا الديباج ولا تشربوا في آنية

وسلم که میگفت مپوشید جامهای ابریشمی و نه دیبا و منوشید در آوندهای

الذهب والفضة ولا تأكلوا في صحافها فإنها لهم في الدنيا

طلا و نقره و مخورید در کاسهای طلا و نقره زیرا که این اشیا مر کافران راست در دنیا

وهي لكم في الآخرة متفق عليه وعن أبي سعيد الخدري

و آن مر شما راست در آخرت متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الشرب من ثلمة

گفت که منع فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از خوردن آب از سوراخ

القدح وأن ينفخ في الشراب رواه أبو داود وعن ابن عباس

قدح و کوزه و مانند آن و منع کرد از دم دردمیدن در آب رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أكل

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد

أحدكم طعاما فليقل اللهم بارك لنا فيه وأطعمنا

یکی از شما طعامی را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را در وی، طعام بخوران ما را

خيرا منه وإذا سقي لبنا فليقل اللهم بارك لنا فيه

طعامی بهتر ازین طعام که خوردیم و چون بنوشد شیر را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را

وزدنا منه فإنه ليس شيء يجزئ من الطعام والشراب

و زیاده برسان ما را از آن باین وجه که نیست چیزی که کفایت کند از طعام و شراب

إلا اللبن رواه الترمذي وأبو داود وعن ابن عمر

مگر شیر رواه ترمذی و ابوداود و از ابن عمر

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال من شرب في إناء

و روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بخورد آب در ظرف

ذهب أو فضة أو إناء فيه شيء من ذلك فإنما يجرجر

از طلا یا نقره یا بخورد در ظرفی که در آن ظرف چیزی از زر یا نقره است پس جز این نیست که

في بطنه نار جهنم رواه الدارقطني وعن

و می کشد در شکم خود آتش دوزخ را رواه دارقطنی و روایت است از

ابی مالک الاشعری رض انه سمع رسول الله صلی الله

ابی مالک اشعری رض که وے شنید آنحضرت صلے الله

وسلم یقول لیشربن ناس من امتی الخمر یسمونها بغیر اسمها

علیه وسلم را که میگفت هر آئینه باشد که بخورند بعضے مردمان از امت من خمر را نام می نهند خمر را

رواه ابو داود وابن ماجه وعن جابر رض قال سمعت

روایه ابو داود وابن ماجه درروایت است از جابر رض گفت شنیدم

النبی صلی الله علیه وسلم یقول اذا سمعتم نباح الکلب

پیغمبر خدا را صلے الله علیه وسلم که میگفت چون بشنوید آواز سگ

ونهیق الحمیر من اللیل فتعوذوا بالله من الشیطان الرجیم

و آواز خران را در شب پس پناه جوئید بخدا از شیطان رجیم

فانهن یرین ما لا ترون واقلوا الخروج اذا هدأت الرجل

زیرا که این سگان و خران می بینند چیزی را که نمی بینید شما و کمتر کنید بیرون آمدن را از خانه وقتیکه ساکن

فان الله عز وجل یبث من خلقه فی لیلته ما یشاء واجیفوا

زیرا که خدا عز و جل پراگنده و بیرون می آرد از خلق خود در شب چیزی را که میخواهد و بربندید و بند کنید

الابواب واذکروا اسم الله علیه فان الشیطان لا یفتح بابا

در خانه را و بگیرید نام خدا را بران زیرا که شیطان نمی تواند کشود در را

اذا اجیف وذکر اسم الله علیه وغطوا الجرار واکفئوا

چون بسته شود و برده شود نام خدا و بپوشید دهان کوزه ها را که در وے

الآنیة واوکوا القرب رواه فی شرح السنة وعن

آبیست و نگونسار کنید ظرفها را که خالی باشد از آب چیزے و بربندید دهان مشکها را روایه

ابن عباس قال جاءت فارة تجر الفتیلة فالقتها بین

ابن عباس گفت آمد موشے در حالیکه میکشید این فاره فتیله را پس انداخت فتیله را

بَدَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْخُمْرَةِ الَّتِي

پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر سجاده خمره از حصیر که آنحضرت بر آن نشسته

كَانَ قَاعِدًا عَلَيْهَا فَأَحْرَقَتْ مِنْهَا مِثْلَ مَوْضِعِ الدِّرْهَمِ فَقَالَ

پس سوخت آن فاره از آن خمره موضعی مقدار درهم پس فرمود

إِذَا نِمْتُمْ فَأَطْفِئُوا سُرُجَكُمْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدُلُّ مِثْلَ هٰذِهِ

چون بخوابید بکشید چراغهای خود را زیرا که شیطان راه می نماید مثل این موش را

عَلَى هٰذَا فَيُحْرِقُكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

بر این فعل پس سوخته شیطان باعث می شود بر سوختن شما روایت کرده ابوداود

بَابُ الضِّيَافَةِ

باب در بیان فضل ضیافت و آداب آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ

کسیکه ایمان دارد بخدا و روز آخرت پس باید که اکرام کند مهمان خود را و کسیکه

كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ

ایمان آرد بخدا و روز جزا پس باید که ایذا نرساند همسایه را و کسیکه باشد

يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَفِي

ایمان دارنده بخدا و روز جزا سخن نیک بگوید یا خاموش ماند و در

رِوَايَةٍ بَدَلَ الْجَارِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَصِلْ

روایتی بدل جار این لفظ آمده کسیکه ایمان آرد بخدا و روز آخرت پس باید که

رَحِمَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي شُرَيْحٍ الْكَعْبِيِّ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

رحم کند که موجب وصل شود متفق علیه روایت است از ابی شریح کعبی رض بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر

صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه ايمان دارد بخدا و روز آخرت

فليكرم ضيفه جائزته يوم وليلة والضيافة ثلثة

پس بايد كه اكرام كند مهمان خود را عطيه و تحفه وى يكروز و يكشب است و زمان مهماندارى سه روز است

ايام فما بعد ذلك فهو صدقة ولا يحل له ان يثوى

و بعد از آن هرچه بدهد بخير زايد است و روا نيست مهمان را كه اقامت كند نزد ميزبان

عنده حتى يحرجه متفق عليه وعن ابي سعيد رض

تا آنكه در حرج و مشقت اندازد او را متفق عليه روايت است از ابى سعيد رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال مثل المؤمن ومثل

از آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود قصه حال مومن و قصه ايمان مانند قصه و حال

الايمان كمثل الفرس في آخيته يجول ثم يرجع الى آخيته وان

اسپ است در آخيه جولان ميكند هرسو و ليكن رجوع ميكند بآن باز بآخيه

المؤمن يسهو ثم يرجع الى الايمان فاطعموا طعامكم الاتقياء

مومن بتحقيق بسهو معصيت ميكند پس رجوع ميكند بسوى ايمان پس بخورانيد طعام خود را به پرهيزگاران

واولوا معروفكم المؤمنين رواه البيهقي في شعب

و بدهيد عطيه خود را به مومنان رواه بيهقى در شعب

الايمان وابو نعيم في الحلية وعن ابن عمر رض قال

الايمان و ابو نعيم در حليه و روايت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا وضعت المائدة فلا

آنحضرت صلى الله عليه وسلم وقتيكه نهاده شود مائده پس بايد كه نايستد

يقوم رجل حتى ترفع المائدة ولا يرفع يده وان شبع حتى يفرغ

و برنخيزد مردى تا آنكه برداشته شود مائده و برندارد دست از طعام اگرچه سير گردد تا آنكه فارغ شود قوم

القوم وليعذر فإن ذلك يخجل جليسه فيقبض يده وعسى

مردم از خوردن و اگر چه سیر شود باید که عذر خود بیان کند زیرا که درست بر دارد همنشین خود را شرمنده پس بگرداند

أن يكون له في الطعام حاجة رواه ابن ماجة والبيهقي

و شاید که باشد همنشین او را هنوز حاجت بطعام رواه ابن ماجه و بیهقی

في شعب الإيمان وعن عمر بن الخطاب رضه قال قال رسول الله

در شعب الایمان و روایت ست از عمر بن خطاب رضه گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كلوا جميعا ولا تفرقوا فإن البركة

صلی الله علیه وسلم بخورید با جماعة و جدا جدا مخورید زیرا که برکت

مع الجماعة رواه ابن ماجة وعن أبي هريرة رضه قال

با جماعة ست رواه ابن ماجه و روایت ست از ابی هریره رضه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من السنة أن

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از جمله سنت است که

يخرج الرجل مع ضيفه إلى باب الدار رواه ابن ماجة وعن

بیرون آید مرد با مهمان خود جهت تکریم او تا در سرا رواه ابن ماجه و روایت ست از

ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الخير

ابن عباس رضه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خیر و برکت

أسرع إلى البيت الذي يؤكل فيه من الشفرة إلى سنام البعير

زود تر رسنده ست بسوی خانه که خورده میشود طعام یعنی با مهمانان از رسیدن کارد بکوهان شتر

رواه ابن ماجة وعن وحشي بن حرب عن أبيه عن جده

رواه ابن ماجه و روایت ست از وحشی بن حرب او روایت دارد از پدر خود

أن أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله

و پدر او از جد وحشی که بدرستیکه یاران آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای رسول خدا

صلى الله عليه وسلم أتانا بكل ولا نفعله قال فلعلكم تفترقون

صلى الله عليه وسلم [illegible]

قالوا نعم قال فاجتمعوا على طعامكم واذكروا اسم الله

گفتند صحابه آری فرمود آنحضرت پس اجتماع کنید بر طعام خود و ذکر کنید

عليه يبارك لكم فيه رواه أبو داود

تا برکت داده شود مر شما را در طعام رواه ابو داود

باب في ذكر لباس النبي والنهي عن الإسبال

باب در بیان لباس آنحضرت و نهی از جر و اسبال

والحمرة [illegible] الثياب و [illegible] الشهرة

و در رنگ سرخ در لباس [illegible] شهرت

عن أبي بردة قال أخرجت إلينا عائشة كساء

روایت است از ابی برده گفت بیرون آورد بسوی ما عائشه گلیمی [illegible]

ملبدا وإزارا غليظا فقالت قبض روح رسول الله صلى الله

[illegible] و ازاری [illegible] پس گفت قبض کرده شد روح پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم في هذين متفق عليه وعن عائشة قالت

علیه وسلم در این دو جامه متفق علیه و روایت است از عائشه گفت

كان فراش رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي ينام

[illegible]

عليه أدما حشوه ليف متفق عليه وعنها قالت كان

[illegible]

وساد رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي يتكئ عليه

بالش آنحضرت [illegible]

من أدم حشوها ليف رواه مسلم وعن أم سلمة قالت

از چرم دباغت کرده شده که حشو آن پوست خرما بود رواه مسلم و روایت است از ام سلمه که گفت

كان أحب الثياب إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم القميص

که دوست داشته‌ترین جامه‌ها نسبت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیراهن بود

رواه الترمذي وأبو داود وعن أسماء بنت يزيد

رواه ترمذی و ابو داود و روایت است از اسماء بنت یزید

قالت كان كم قميص رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى

گفت بود آستین پیراهن آنحضرت صلی الله علیه وسلم تا

الرسغ رواه الترمذي وأبو داود وعن ابن عمر قال

بند دست رواه ترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا اعتم سدل بين

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون عمامه می‌بست فرو می‌گذاشت

كتفيه رواه الترمذي وعن أبي كبشة قال كانت كمام أصحاب

دو شانه خود رواه ترمذی و روایت است از ابی کبشه که گفت بود کلاه یاران

رسول الله صلى الله عليه وسلم بطحا رواه الترمذي وعن

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پهن و برابر بسر رواه ترمذی و روایت است

سمرة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال البسوا الثياب البيض فإنها أطهر

که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بپوشید جامهای سفید را زیرا که آنها پاکتر

وأطيب وكفنوا فيها موتاكم رواه أحمد والترمذي والنسائي وابن ماجه

پاکیزه‌تر و خوشتر است و کفن کنید در آن مرده‌های خود را رواه احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وعن [illegible] قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عليكم

و روایت است ... گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لازم گیرید

بِالْعَمَائِمِ فَإِنَّهَا سِيمَاءُ الْمَلَائِكَةِ وَأَرْخُوهَا خَلْفَ ظُهُورِكُمْ

دستارها زیرا که دستارها علامت فرشتگان است و بگذارید اطراف عمایم را پس پشت خود را

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ

روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عمرو بن شعیب

عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از پدرش او از جد او گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ أَنْ يُرَى أَثَرُ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بدرستیکه خدا دوست میدارد که دیده شود اثر نعمت خود بر بنده خود روایت کرد ترمذی

وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از معاذ بن انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَنْ أَكَلَ طَعَامًا ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هٰذَا

فرمود کسیکه بخورد طعامی را پس بگوید شکر مر خدا را که بخورانید مرا این خوردنی و رسانید مرا

الطَّعَامَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ

این طعام را بی حول و بی قوة که از جانب من باشد آمرزیده شود هرچه گذشته است

مِنْ ذَنْبِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَزَادَ أَبُو دَاوُدَ وَمَنْ لَبِسَ

از گناهان او روایت ترمذی و زیاده کرد ابوداود و کسیکه بپوشد

ثَوْبًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي هٰذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ

جامه را پس بگوید شکر مر خدا را که پوشانید مرا این را و داد مرا این جامه را بی

حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ

حول و بی قوتی که از جانب من باشد آمرزیده شود مر او را هرچه گذشته است از گناهان او

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من تشبّه بقوم فهو منهم رواه احمد وابو داود وعن

هر کسی که مشابهت کرد خود را بقومی پس آنکس از آن قوم است روایت کرد احمد وابو داود و از

ابن عباس قال كل ما شئت والبس ما شئت ما اخطأتك

ابن عباس ... گفت بخور آنچه میخواهی و بپوش هر چه میخواهی مادامیکه نرسد ترا

اثنتان سرف او مخيلة رواه البخاري في ترجمة باب

دو خصلت اسراف و تکبر روایت کرد بخاری در ترجمه باب

وعن سالم عن ابيه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از سالم از پدر او از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

الاسبال في الازار والقميص والعمامة من جر منها شيئا

دراز کردن در ازار و پیراهن و عمامه ... هر که بکشد از آنها چیزی

خيلاء لم ينظر الله اليه يوم القيامة رواه ابو داود والنسائي

از روی تکبر نظر نکند خدا تعالی بجانب او در روز قیامت روایت کرد ابو داود و نسائی

وابن ماجه وعن ابي سعيد الخدري قال سمعت

و ابن ماجه و روایت است از ابی سعید خدری گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ازرة المؤمن الى انصاف

از رسول الله صلی الله علیه وسلم میگفت ازار مؤمن تا نصف

ساقيه لا جناح عليه فيما بينه وبين الكعبين ما اسفل من

ساق ... است [illegible] آنچه پایین تر از

ذلك ففي النار قال ذلك ثلث مرات ولا ينظر الله يوم القيامة

آن باشد پس در آتش است گفت این را سه بار و نظر نکند خدا تعالی روز قیامت

الى من جر ازاره بطرا رواه ابو داود وابن ماجه وعن

بسوی کسیکه دراز کند ازار خود را از تکبر روایت کرد ابو داود و ابن ماجه و روایت است از

بوشیدن ... بیهقی

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
ما أسفل من الكعبين من الإزار ففي النار رواه البخاري
چیزیکه باشد پایان تر از شتالنگ از ازار در آتش دوزخ است رواه بخاری
وعن ابن عمر رض قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم بينما رجل يجر ازاره من الخيلاء خسف به فهو
وسلم در اثنای آنکه مردی میکشید ازار خود بتکبر و خیلاء ناگهان فرو برده شد او با زمین
يتجلجل في الارض الى يوم القيمة رواه البخاري وعن ابن
فرو میرود در زمین تا روز قیامت رواه بخاری و روایت است از ابن
عمر ان النبي صلى الله عليه وسلم قال من جر ثوبه خيلاء
عمر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که بکشد جامه خود را بطریق تکبر
لم ينظر الله اليه يوم القيمة متفق عليه وعن
نظر نمیکند خدا تعالی بسوی او روز قیامت متفق علیه و روایت است از
ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
لا ينظر الله يوم القيمة الى من جر ازاره بطرا متفق عليه
نظر نمیکند خدا روز قیامت بسوی کسیکه کشید ازار خود را بطریق تکبر و بطر متفق علیه
وعن عبد الله ابن عمرو بن العاص قال رأى رسول
و روایت است از عبد الله ابن عمرو بن العاص رض که دید آنحضرت
الله صلى الله عليه وسلم علي ثوبين معصفرين فقال ان هذه
صلی الله علیه وسلم بر من دو جامه رنگین بعصفر پس فرمود که این جامها

من ثياب الكفار فلا تلبسها وفي رواية قلت اغسلهما قال بل

از جنس جامهای کافران است پس مپوش آنها را و در روایتی آمده است که گفت عبدالله بشویم

احرقهما رواه مسلم وعن عبد الله بن عمرو قال

بسوزان آنرا روایت کرد مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو که

مر رجل وعليه ثوبان احمران فسلم على النبي صلى الله

گذشت مردی و بر وی دو جامه سرخ بود پس سلام کرد آنمرد بر پیغمبر خدا

عليه وسلم فلم يرد عليه رواه الترمذي وابو داود

صلی الله علیه وسلم پس جواب سلام وی نداد روایت کرد ترمذی و ابو داود

وعن عمر وانس وابن الزبير وابي امامة عن

و روایت است از عمر و انس و ابن زبیر و ابی امامه از

النبي صلى الله عليه وسلم قال من لبس الحرير في

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم از هر چهار که فرمود آنحضرت هر که بپوشد جامه ابریشم

الدنيا لم يلبسه في الآخرة متفق عليه وعن ابن عمر

دنیا نپوشد آنرا در آخرت متفق علیه و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انما

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم جز این نیست که می‌پوشد

يلبس الحرير في الدنيا من لا خلاق له في الآخرة متفق

حریر را در دنیا کسی که نیست نصیبی مر او را در آخرت متفق

عليه وعن حذيفة قال نهانا رسول الله

علیه و روایت است از حذیفه گفت که نهی کرد ما را آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ان نشرب في آنية الذهب والفضة

صلی الله علیه وسلم از نوشیدن در ظرفهای طلا و نقره

وأن تأكل فيها وعن لبس الحرير والديباج وأن [نجلس]

و از خوردن و نوشیدن [illegible] و از پوشیدن جامه ابریشمی و دیبا و از نشستن

عليه متفق عليه وعن عمر أن النبي صلى الله

بر حریر و دیبا متفق علیه و در روایتیست از ابن عمر [illegible]

عليه وسلم نهى عن لبس الحرير إلا هكذا ورفع رسول الله

علیه وسلم نهی کرد از پوشیدن جامه ابریشمی [illegible]

صلى الله عليه وسلم إصبعيه الوسطى والسبابة وضمهما

صلی الله علیه وسلم [illegible] انگشت [illegible]

متفق عليه وفي رواية لمسلم أنه خطب بالجابية

متفق علیه و در روایت مسلم را آمده که [illegible] خطبه خواند در جابیه

فقال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن لبس

پس گفت [illegible] نهی کرد پیغمبر صلی الله علیه وسلم از پوشیدن

الحرير إلا موضع إصبعين أو ثلاث أو أربع وعن أبي موسى

[illegible] مگر جای دو انگشت یا سه یا چهار انگشت و روایتست از ابی موسی

الأشعري أن النبي صلى الله عليه وسلم قال أحل

اشعری رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود حلال ساخته

الذهب والحرير للإناث من أمتي وحرم على ذكورها

ومباح گردانیده شد استعمال طلا [illegible] ابریشم مر زنان [illegible] حرام گردانیده [illegible] استعمال [illegible]

رواه الترمذي والنسائي وعن أبي ريحانة

روایت کرده ترمذی و نسائی و روایتست از ابی ریحانه رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن عشر عن الوشر

که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible] از ده خصلت از تیز کردن دندان [illegible]

وَالْوَشْمِ وَالنَّتْفِ وَعَنْ مُكَامَعَةِ الرَّجُلِ الرَّجُلَ بِغَيْرِ شِعَارٍ

اطراف آن و از خلانیدن سوزن در پوست بدن و پشم از کندن موی سفید از لحیه و از خوابانیدن مرد با مرد در جامه

وَمُكَامَعَةِ الْمَرْأَةِ الْمَرْأَةَ بِغَيْرِ شِعَارٍ وَأَنْ يَجْعَلَ الرَّجُلُ

و هم خوابی مرد با مرد بیجامه اگر خوف فتنه باشد و نهی کرد از هم خوابی زن با زن بیجامه و نهی کرد از گردانیدن

فِي أَسْفَلِ ثِيَابِهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ أَوْ يَجْعَلَ عَلَى

مرد در زیر جامهای خود جامه ابریشم را مانند عجمان و نیز از گردانیدن مرد بر

مَنْكِبَيْهِ حَرِيرًا مِثْلَ الْأَعَاجِمِ وَعَنِ النُّهْبَى وَعَنْ

دوشهای خود حریر عجمان و نهی کرد از

رُكُوبِ النُّمُورِ وَلُبُوسِ الْخَاتَمِ إِلَّا لِذِي سُلْطَانٍ رَوَاهُ

غارت کردن مال مردم را و نهی کرد از سواری بر پوست یوز و از پوشیدن خاتم مگر از

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

ابو داود و از ابی هریره رض مرویست که گفت آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ رُفْقَةً

صلی الله علیه وسلم همراه نمی روند فرشتگان گروهی را

فِيهَا جِلْدُ نَمِرٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

که در آن گروه جلد درنده هست که آنرا یوز گویند رواه ابو داود و از ابن عمر رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَبِسَ

که فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بپوشد

ثَوْبَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللهُ ثَوْبَ مَذَلَّةٍ فِي الْآخِرَةِ

ثوب شهرت را یعنی جامه [illegible] بقصد شهرت و تکبر در دنیا بپوشاند او را خدا [illegible] جامه [illegible]

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَهْ بَابُ الْخَاتَمِ الْفَصْلُ الْاَوَّلُ

روا احمد و ابو داود و ابن ماجه + باب در بیان خاتم و استعمال آن از جنس طلا [illegible]

وعن عبد الله بن عباس رض أن رسول الله صلى الله عليه

گفت عبد الله بن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم رأى خاتما من ذهب في يد رجل فنزعه فطرحه

و سلم دید انگشتری را از طلا در دست مردی پس بر کشید آنرا پس انداخت

فقال يعمد أحدكم إلى جمرة من نار فيجعلها في يده فقيل للرجل

پس گفت قصد میکند یکی از شما بسوی اخگری از آتش دوزخ پس میگرداند آنرا در دست خود پس گفته

بعد ما ذهب رسول الله صلى الله عليه وسلم خذ خاتمك

بعد از رفتن آنحضرت صلی الله علیه و سلم که بردار انگشتری خود را

انتفع بها قال لا والله لا آخذه أبدا وقد طرحه رسول الله

نفع گیر بآن گفت آن مرد سوگند بخدا نگیرم آنرا هرگز و حال آنکه بتحقیق انداخت

صلى الله عليه وسلم رواه مسلم وعن علي رض أن النبي

صلی الله علیه و سلم روایت کرد مسلم و از علی رض مرویست که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم أخذ حريرا فجعله في يمينه وأخذ ذهبا

صلی الله علیه و سلم گرفت جامه ابریشمی را پس نهاد آنرا در دست راست خود و گرفت طلا را

فجعله في شماله ثم قال إن هذين حرام على ذكور أمتي

و نهاد آنرا در دست چپ خود پس گفت بدرستیکه این دو چیز حرام هست بر یک از آن بر مردان امت من

رواه أحمد وأبو داود والنسائي وعن بريدة رض أن النبي

روایت کرد احمد و ابو داود و النسائی و روایت است از بریده رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لرجل عليه خاتم من

صلی الله علیه و سلم گفت مردی را که بود بر وی انگشتری از

شبه ما لي أجد منك ريح الأصنام

برنج چیست مرا که می یابم از تو بوی بتان

فَطَرَحَهُ ثُمَّ جَاءَ وَعَلَيْهِ خَاتَمٌ مِنْ حَدِيدٍ فَقَالَ مَالِي أَرَى

پس انداخت آنرا از خود انگشتری را پس آمد آنمرد و حال آنکه بود بر وی انگشتری از آهن پس فرمود

عَلَيْكَ حِلْيَةَ أَهْلِ النَّارِ فَطَرَحَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مِنْ أَيِّ

بر تو زیور پوشش دوزخیان پس انداخت آنمرد آنرا پس عرض کرد ای رسول خدا از چه

شَيْءٍ أَتَّخِذُهُ قَالَ مِنْ وَرِقٍ وَلَا تُتِمَّهُ مِثْقَالًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

چیز بسازم انگشتری را فرمود بساز از نقره و تمام مکن انگشتری را مثقال بلکه کمتر از آن کن روایت کرد ترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ أَنَّ مَوْلَاةً لَهُمْ ذَهَبَتْ

و ابوداود و نسائی و مرویست از عبد الله بن الزبیر که مولاة ایشان برد

بِابْنَةِ الزُّبَيْرِ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَفِي رِجْلِهَا أَجْرَاسٌ فَقَطَعَهَا

دختر زبیر را بسوی عمر ابن الخطاب رض در پای دختر که جرسها بود و قطع نمود

عُمَرُ وَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

بریشت جرس که آواز میکرد مثل جرس این پایها را عمر رض و گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت

مَعَ كُلِّ جَرَسٍ شَيْطَانٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

با هر جرس شیطانی ست روایت کرد ابوداود و روایت می کند

بُنَانَةَ مَوْلَاةِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ حَيَّانَ الْأَنْصَارِيِّ

بنانه مولاة عبد الرحمن بن حیان انصاری

كَانَتْ عِنْدَ عَائِشَةَ رض إِذْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا بِجَارِيَةٍ

آنکه وی بود نزد عائشه صدیقه رض ناگاه آورده شد بر عائشه دخترک که بود بر آن جاریه

وَعَلَيْهَا جَلَاجِلُ يُصَوِّتْنَ فَقَالَتْ لَا تُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ إِلَّا أَنْ تَقْطَعُنَّ

جلاجل که آواز می کردند آن جلاجل پس گفت عائشه باید که در نیارید آنرا مگر آنکه ببرید

جَلَاجِلَهَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَدْخُلُ

جلاجل او را زیرا که من شنیده ام پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت در نمی آیند

الملائكة بيتا فيه جرس رواه ابو داود وعن ابي هريرة

فرشتگان خانه را که درو جرس است رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من احب ان يحلق

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه دوست دارد که حلقه بیندازد

حبيبه حلقة من نار فليحلقه حلقة من ذهب ومن احب ان

در بینی یا در گوش دوست خود را از آتش دوزخ پس گو که حلقه بپوشاند او را از طلا

يطوق حبيبه طوقا من نار فليطوقه طوقا من ذهب ومن

که در گردن اندازد دوست خود را طوق از آتش پس گو که طوق سازد گردن او را از طلا و کسیکه

احب ان يسور حبيبه سوارا من نار فليسوره سوارا من ذهب

دوست میدارد که بپوشاند دوست خود را دست برنجن از آتش پس گو که بیندازد در دست وی سوار

ولكن عليكم بالفضة فالعبوا بها رواه ابو داود وعن

ولیکن بر شما باد که زیور بکار سازید از نقره و سازید پس لهو و لعب کنید بالفضه و بسازید زیور رواه ابو داود

عقبة بن عامر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يمنع اهل

و روایت است از عقبه بن عامر رضی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که منع میکرد آنها را که

الحلية والحرير ويقول ان كنتم تحبون حلية الجنة وحريرها

اهل زیور و حریر بودند از پوشیدن آن و میگفت اگر هستید شما که دوست میدارید زیور بهشت را

فلا تلبسوها في الدنيا رواه النسائي وعن مالك

پس نپوشید آنرا در دنیا رواه النسائی و منقول است از امام مالک رحمه

قال انا اكره ان يلبس الغلمان شيئا من الذهب لانه بلغني

که میگفت من مکروه میدانم که پوشانیده شود پسرگان را چیزی از جنس طلا زیرا که رسیده

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن التختم بالذهب فانا اكرهه للرجال

که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده است از پوشیدن انگشتر طلا پس من مکروه میدانم

الْكَبِيرَ مِنْهُمْ وَالصَّغِيرَ رَوَاهُ فِي الْمُوَطَّا وَعَنْ ثَوْبَانَ

کلان را از ایشان خردان را از ایشان روایت کرد در موطا و روایت هست از ثوبان

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا سَافَرَ كَانَ

گفت ثوبان بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون قصد سفر میکرد بود

آخِرُ عَهْدِهِ بِاِنْسَانٍ مِنْ اَهْلِهِ فَاطِمَةُ وَاَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ

آخر عهد آنحضرت یعنی متاخر در صحبت وی آدمی که از اہل خانہ آنحضرت بود فاطمہ یعنی بعد از ہمہ

عَلَيْهَا فَاطِمَةُ فَقَدِمَ مِنْ غَزَاةٍ وَقَدْ عَلَّقَتْ مِسْحًا اَوْ سِتْرًا

برو در وقت قدوم از سفر فاطمہ پس قدوم آورد آنحضرت از جنگی در حالیکه آویخته بود فاطمه پلاسی را

عَلٰى بَابِهَا وَحَلَّتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قُلْبَيْنِ مِنْ فِضَّةٍ فَقَدِمَ

بر در خانه خود و پوشانیده بود فاطمه حسن و حسین را دو دستوانه از نقره پس قدوم آورد آنحضرت

فَلَمْ يَدْخُلْ فَظَنَّتْ اَنَّ مَا مَنَعَهُ اَنْ يَدْخُلَ مَا رَاٰى فَهَتَكَتِ

پس نه آمد بر فاطمه موافق عادت پس گمان برد فاطمه که آنچه باز داشت آنحضرت را از درآمدن بر وی چیزیست

السِّتْرَ وَفَكَّتِ الْقُلْبَيْنِ عَنِ الصَّبِيَّيْنِ وَقَطَعَتْهُ مِنْهُمَا فَانْطَلَقَا

پرده پس پاره کرد فاطمه پرده را و جدا کرد هر دو دستوانه را از هر دو کودک و برید هر یکی دو دستوانه را پس رفتند هر دو

اِلٰى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَبْكِيَانِ فَاَخَذَهُ مِنْهُمَا فَقَالَ يَا

بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه میگریستند پس گرفت آنحضرت را از ایشان پس گفت ای

ثَوْبَانُ اِذْهَبْ بِهٰذَا اِلٰى آلِ فُلَانٍ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اَهْلِي اَكْرَهُ اَنْ

ثوبان ببر این چیز را بسوی آل فلان بدرستیکه اینها که اہل و اولاد منند ناخوش میدارم که

يَاْكُلُوا طَيِّبَاتِهِمْ فِي حَيٰوتِهِمُ الدُّنْيَا يَا ثَوْبَانُ اِشْتَرِ لِفَاطِمَةَ

بخورند لذائذ خود را و آنچه خوش آید در زندگانی ایشان در جهان ای ثوبان بخر از برای فاطمه

قِلَادَةً مِنْ عَصَبٍ وَسِوَارَيْنِ مِنْ عَاجٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ

گردن بندی را از عصب بخر و دو دستوانه را از عاج روایت کرد احمد و ابو داود

باب اللحى في الشوارب والنهي عن نتف الشيب في ذكر الخضاب والفزع والاكتحال والمخنثين والمترجلات في الوصل والوشم

باب در مسائل لحیه و شوارب و منع بر کندن موی سفید و ذکر خضاب و فزع و سرمه و مخنثین و مترجلات و وصل و وشم

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خالفوا المشركين أوفروا اللحى واحفوا الشوارب وفي رواية

مخالفت کنید مشرکان را پس وافر و دراز کنید ریش را و کوتاه کنید بروت

أنهكوا الشوارب وأعفوا اللحى متفق عليه وعن

آورده است که انهکوا یعنی مبالغه کنید در کوتاه کردن بروتها را و فرو گذارید ریش را

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الفطرة

ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنت

خمس الختان والاستحداد وقص الشارب وتقليم

پنج است یکی ختان دوم استعمال حدید در حلق عانه سوم کوتاه کردن سبلت و چهارم گرفتن

الأظفار ونتف الإبط متفق عليه وعن أنس

ناخنها و پنجم بر کندن موی بغل متفق علیه و روایت است از انس رض

قال وقت لنا في قص الشارب وتقليم الأظفار ونتف الإبط

گفت وقت معین کرده آنحضرت برای ما در کوتاه کردن سبلت و گرفتن ناخنها و بر کندن موی بغل

وحلق العانة أن لا نترك أكثر من أربعين ليلة رواه مسلم

و حلق عانه که ترک نکنیم و نگذاریم بیشتر از چهل روز رواه مسلم و در روایت

قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُصُّ أَوْ يَأْخُذُ مِنْ

گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم می برید یا می گرفت از

شَارِبِهِ وَكَانَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمٰنِ يَفْعَلُهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بروت خود و بود ابراهیم که آنرا می کرد رواه ترمذی

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

و روایت است از زید بن ارقم که آنحضرت صلی الله علیه

سَلَّمَ قَالَ مَنْ لَمْ يَأْخُذْ شَارِبَهُ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

وسلم فرمود کسیکه نگیرد از بروت خود و لیست نگرد آنرا پس نیست از کسان ما رواه احمد و

وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

ترمذی و نسائی و روایت است از عمرو بن شعیب از پدرش از جد عمرو

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهِ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که میگرفت از لحیه مبارک خود را

مِنْ عَرْضِهَا وَطُولِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ رُوَيْفِعِ

از پهنا سه وسے و درازی وی یعنی از جانب لحیه رواه ترمذی و روایت است از رویفع

بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن ثابت رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَا رُوَيْفِعُ لَعَلَّ الْحَيَاةَ سَتَطُولُ بِكَ بَعْدِي فَأَخْبِرِ النَّاسَ

ای رویفع شاید که زندگانی دراز گردد ترا پس از من پس خبرده مردم را

أَنَّ مَنْ عَقَدَ لِحْيَتَهُ أَوْ تَقَلَّدَ وَتَرًا أَوِ اسْتَنْجَى بِرَجِيعِ

بدرستی کسیکه گره زند ریش خود را یا آویخته قلاده ساز زه را یا استنجا کند به سرگین افکنده

دَابَّةٍ أَوْ عَظْمٍ فَإِنَّ مُحَمَّدًا مِنْهُ بَرِيءٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

چارپایه یا با استخوان بدرستیکه محمد صلی الله علیه وسلم از هر که این کار کند بیزار است

باب اداب الخلاء من مشكوة وعن يحيى بن سعيد

باب آداب الخلاء از مشكوة در روايت ست از يحيى بن سعيد رض

انه سمع سعيد بن المسيب يقول كان ابراهيم خليل

كه وى شنيد سعيد بن المسيب را كه ميگفت بود ابراهيم خليل

الرحمن اول الناس ضيف الضيف واول الناس اختتن

الرحمن اول كسيكه ضيافت مهمان كرد واول كسيكه كرد ختنه

واول الناس قص شاربه واول الناس راى الشيب

واول كسيكه پست كرد بروت خود را واول كسيكه ديد پيرى را و موى سفيد را

فقال يا رب ما هذا قال الرب تبارك وتعالى وقار

پس گفت اى پروردگار من چيست اين گفت پروردگار تبارك وتعالى اين عزت است

يا ابراهيم قال يا رب زدنى وقارا رواه مالك

گفت ابراهيم اى پروردگار من زياده گردان مرا موجب وقار رواه مالك

وعن كعب بن مرة رض عن رسول الله صلى الله

در روايت است از كعب بن مره رض از آنحضرت صلى الله

عليه وسلم قال من شاب شيبة فى الاسلام كانت له

عليه وسلم كه فرمود آنحضرت كسيكه پير شد در مسلمانى باشد پيرى مر او را روشنائى

يوم القيمة رواه الترمذى والنسائى وعن عمرو بن

روز قيامت رواه ترمذى ونسائى در روايت است از عمرو بن

شعيب عن ابيه عن جده رض قال قال رسول الله صلى

شعيب از پدرش واو از پدر خود كه جد عمر است گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عليه وسلم لا تنتفوا الشيب فانه نور المسلم من شاب شيبة

عليه وسلم نه چينيد موهاى سفيد را زيرا كه پيرى نور است مسلمان است كسيكه پير شود در مسلمانى در

فِي الْإِسْلَامِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَكَفَّرَ عَنْهُ بِهَا خَطِيْئَةً

در مسلمانی می نویسد خدای تعالی برای وی بسبب آن نیکی را و محو می گرداند از آن کس بسبب آن گناهی را

وَرَفَعَهُ بِهَا دَرَجَةً رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ

و بلند می گرداند او را بجهت آن پایه رواه ابو داؤد و از ابی هریره رض مرویست

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْيَهُوْدَ وَالنَّصَارٰى

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه یهود و نصاری

لَا يَصْبُغُوْنَ فَخَالِفُوْهُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

خضاب نمی کنند پس مخالفت کنید ایشان را متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ مَرَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ قَدْ خَضَبَ

گفت که گذشت بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که بتحقیق خضاب کرده بود

بِالْحِنَّاءِ فَقَالَ مَا أَحْسَنَ هٰذَا قَالَ فَمَرَّ آخَرُ قَدْ خَضَبَ

بحنا پس فرمود آنحضرت چه خوبست این گفت ابن عباس رض پس گذشت دیگری که خضاب کرده بود

بِالْحِنَّاءِ وَالْكَتَمِ فَقَالَ هٰذَا أَحْسَنُ مِنْ هٰذَا ثُمَّ مَرَّ آخَرُ

بحنا و کتم پس فرمود این بهتر از اول ست پس گذشت دیگری

قَدْ خَضَبَ بِالصُّفْرَةِ فَقَالَ هٰذَا أَحْسَنُ مِنْ هٰذَا كُلِّهِ

که خضاب کرده بود بزردی پس فرمود این بهترست از همه آنها

رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

رواه ابو داؤد و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَكُوْنُ قَوْمٌ فِيْ آخِرِ الزَّمَانِ يَخْضِبُوْنَ

علیه وسلم فرمود که باشند قومی در آخر زمان که خضاب می کنند

بِهٰذَا السَّوَادِ كَحَوَاصِلِ الْحَمَامِ لَا يَجِدُوْنَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

باین رنگ سیاهی که مثل چینه دانهای کبوتر است نمی یابند بوی بهشت را

رواه ابو داود والنسائي وعن نافع ابن عمر رض

روایت است از نافع بن عمر رض رواه ابو داود و نسائی

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم ينهى عن

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم که نهی کرد از

القزع قيل لنافع ما القزع قال يحلق بعض رأس الصبي

قزع گفته شد مر نافع را قزع چیست گفت ستروه شود پاره از سر کودک

ويترك البعض متفق عليه والحق بعضهم التفسير بالحديث

و گذاشته شود پاره دیگر متفق علیه و لاحق کرده اند بعضی زراویان این تفسیر قزع را

وعن ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم

و از ابن عمر رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم

راى صبيا قد حلق بعض رأسه وترك بعضه فنهاهم

و دید کودکی را که تحقیق حلق کرده شده بعضی از سر وی و ترک کرده شده بعضی دیگر از سر پس

عن ذلك وقال احلقوا كله او اتركوا كله رواه

اولیای صبی را ازان و فرمود حلق کنید تمام سر را یا بگذارید تمام آن را رواه

مسلم وعن الحجاج بن حسان رض قال دخلنا على

مسلم و روایت است از حجاج بن حسان رض گفت در آمدیم ما

انس بن مالك رض فحدثتني اختي المغيرة قالت

بر انس بن مالک رض پس حدیث کرد مرا خواهر من مغیره گفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فإن هذا زي اليهود رواه أبو داود وعن ابن عباس

پس بدرستیکه این هیئت یهود است . رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس رض

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال اكتحلوا بالإثمد

که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سرمه کنید به اثمد

فإنه يجلو البصر وينبت الشعر وزعم أن النبي

زیرا که آن سرمه جلا میدهد بینائی را و میرویاند موی پلک را و زعم کرد ابن عباس که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كانت له مكحلة يكتحل بها كل

صلی الله علیه وسلم بود مر او را سرمه دانی که سرمه میکرد به آن هر

ليلة ثلاثة في هذه وثلاثة في هذه رواه الترمذي

شب سه بار در این یعنی چشم راست و سه بار در این یعنی چشم چپ رواه ترمذی

وعن ابن عباس قال لعن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت لعنت کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

المخنثين من الرجال والمترجلات من النساء وقال

مخنثان را از مردان و زنان را که در هیئت مشابه بمردان کنند و فرمود آنحضرت

أخرجوهم من بيوتكم رواه البخاري وعنه قال

بیرون کنید مخنثان را از خانهای خود رواه بخاری و هم از ابن عباس رض روایت است گفت

قال النبي صلى الله عليه وسلم لعن الله المتشبهين

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کند خدا تعالی تشبه کنندگان را

من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال

از مردان بزنان و مشابه شوندگان از زنان بمردان

رواه البخاري وعن أبي هريرة قال لعن رسول الله

رواه البخاری و روایت است از ابی هریره رض گفت که لعنت کرد آن حضرت

[illegible]

صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس لبسة المرأة والمرأة

صلی الله علیه وسلم مردی را که می پوشد پوشش زنان را و زن را

تلبس لبسة الرجل رواه ابو داود وعن ابن

که می پوشد پوشش مرد را روایت کرد ابو داود و روایت است از ابن

ابي مليكة قال قيل لعائشة ان امرأة تلبس

ابی ملیکه گفت گفته شد مر عائشه را که زنی می پوشد

النعل قالت لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الرجلة

نعل را گفت لعنت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آن زنان که

من النساء رواه ابو داود وعن ابي هريرة قال

مشابهت می کنند بمردان روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره گفت

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم أتي بمخنث قد خضب

آورده شد نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مخنثی که خضاب کرده بود

يديه ورجليه بالحناء فقال رسول الله صلى الله عليه

دو دست و پای خود را بحنا پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ما بال هذا فقالوا يتشبه بالنساء فأمر به فنفي

وسلم که چه حال است این را گفتند که مشابهت میکند بزنان پس امر فرمود آنحضرت به بیرون کردن او

الى النقيع فقيل يا رسول الله الا نقتله فقال اني نهيت

پس رانده شد بسوی نقیع پس گفته شد ای رسول خدا آیا نکشیم او را پس گفت آنحضرت بدرستیکه من منع کرده شده ام

عن قتل المصلين رواه ابو داود وعن عائشة رض

از کشتن نماز گزاران روایت کرد ابو داود و روایت است از عائشه رض

ان هند بنت عتبة قالت يا نبي الله بايعني فقال

که هند دختر عتبه گفت ای رسول خدا بیعت کن مرا پس فرمود آنحضرت به چه چیز

لَا اُبَايِعُكِ حَتّٰى تُغَيِّرِىْ كَفَّيْكِ فَكَاَنَّهُمَا كَفَّا سَبُعٍ

بیعت نمی کنم ترا تا آنکه تغییر دہی ہر دو کف دست خود را پس گویا دو کف تو دو کف درنده است

رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ قَدِمْتُ

رواه ابو داود و روایت ست از عمار بن یاسر رض گفت آمدم بر اہل و عیال خود

عَلٰى اَهْلِىْ مِنْ سَفَرٍ وَقَدْ تَشَقَّقَتْ يَدَاىَ فَخَلَّقُوْنِىْ بِزَعْفَرَانٍ فَغَدَوْتُ

از سفرے حال آنکہ بتحقیق کفیده بود ہر دو دست من پس خلوق آلیدند مرا بزعفران پس آمدم بامداد

عَلَى النَّبِىِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ

بر پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس سلام کردم بر آنحضرت پس

يَرُدَّ عَلَىَّ وَقَالَ اذْهَبْ فَاغْسِلْ هٰذَا عَنْكَ رَوَاهُ

نداد جواب سلام بر من و گفت برو پس بشوی این را از خود رواه

اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِىْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابو داود و مروایست از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْبَلُ اللّٰهُ صَلٰوةَ رَجُلٍ فِىْ جَسَدِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم قبول نمی کند خدا تعالیٰ نماز مردی را که باشد در بدن او

شَىْءٌ مِّنْ خَلُوْقٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

چیزے از خلوق رواه ابو داود و روایت ست از ابن عمر رض

اَنَّ النَّبِىَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ الْوَاصِلَةَ

که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود لعنت کند خدا زنی را که پیوند کند

وَالْمُسْتَوْصِلَةَ وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ

موئہای خود را بموئہای دیگر و زنی را که بگوید دیگری را که پیوند دو لعنت کند خدا واشمہ و مستوشمہ را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

متفق علیہ

بَابُ التَّصَاوِيْرِ

عَنْ اَبِىْ طَلْحَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مرویست از ابی طلحه گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَدْخُلُ الْمَلٰٓئِكَةُ بَيْتًا فِيْهِ كَلْبٌ وَّلَا تَصَاوِيْرُ

علیه وسلم در نمی آیند فرشتگان خانه را که در وی سگ است و نه آنخانه که در وی تصاویر

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى

متفق علیه واز عائشه رض مرویست از آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ

الله علیه وسلم فرمود سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت

الَّذِيْنَ يُضَاهُوْنَ بِخَلْقِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

آن کسان اند که مشابهت میکنند به پیدایش خدا تعالی متفق علیه واز

اَبِىْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابی هریره رض مرویست گفت که شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ

وسلم که میفرمود که میفرماید خدا تعالی وکیست ظالمتر از کسیکه رفت که پیدا می کند

كَخَلْقِىْ فَلْيَخْلُقُوْا ذَرَّةً اَوْ لِيَخْلُقُوْا حَبَّةً اَوْ شَعِيْرَةً مُتَّفَقٌ

مانند پیدا کردن من پس باید که پیدا کنند ذره را یا پیدا کنند دانه را یا جو را متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ سَمِعْتُ

علیه واز عبد الله بن مسعود رض روایت است که گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود سخت ترین مردم از روی عذاب

عند الله المصورون متفق عليه وعن ابن عباس رضـ

نزد خدا مصوران نگرانند متفق علیه و در روایت هست از ابن عباس رضـ

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كل

گفت که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود هر صورت نگر

مصور في النار يجعل له بكل صورة صورها نفسا فتعذبه في

در دوزخ است گردانیده میشود مر او را بهر صورتیکه ساخته است آن را نفسی پس عذاب کند

جهنم قال ابن عباس فان كنت لا بد فاعلا فاصنع

در دوزخ گفت ابن عباس رضـ پس اگر هستی البته سازنده صورت پس بساز صورت

الشجر وما لا روح فيه متفق عليه وعن ابي هريرة

درخت را و چیزیکه نیست جان در وی متفق علیه و از ابی هریره رضـ مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يخرج عنق من

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آید گردنی از

النار يوم القيامة لها عينان تبصران واذنان تسمعان

آتش روز قیامت که باشد مر آن را دو چشم که می بینند و دو گوش که می شنوند

ولسان ينطق يقول اني وكلت بثلاثة بكل جبار عنيد

و زبانیکه سخن میکند میگوید بدرستیکه من موکل ساخته شده ام به سه کس

وكل من دعا مع الله الها آخر وبالمصورين رواه الترمذي

و کسیکه بخواند با خدای عز و جل خدای دیگر و بمصوران رواه ترمذی

وعن سعيد بن ابي الحسن قال كنت عند ابن عباس رضـ

و روایت است از سعید بن ابی الحسن گفت بودم نزد ابن عباس رضـ

اذ جاءه رجل فقال يا ابن عباس اني رجل انما معيشتي

چون ناگهان آمد ابن عباس را مردی پس گفت ای ابن عباس بدرستیکه من مردیم که زندگانی من

مِنْ صَنْعَةِ يَدَيَّ وَإِنِّي أَصْنَعُ هٰذِهِ التَّصَاوِيرَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رض

مگر از پیشهٔ دست من و بتحقیق که من پیشه میکنم این صورتها را پس گفت ابن عباس رض

لَا أُحَدِّثُكَ إِلَّا مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حدیث نمیکنم ترا مگر آنچه شنیده ام از پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فَإِنَّ اللّٰهَ مُعَذِّبُهُ

وسلم شنیدم آنحضرت را که میفرمود کسیکه صورتگری کند صورتیرا پس بتحقیق خدا تعالی عذاب

حَتّٰى يَنْفُخَ فِيهِ الرُّوحَ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ فِيهَا أَبَدًا فَرَبَا الرَّجُلُ

تا آنکه در دمد در آن جان را حال آنکه نیست آنکس دمنده در آن جان گاهی پس تنگ شد دم آن مرد

رَبْوَةً شَدِيدَةً وَاصْفَرَّ وَجْهُهُ فَقَالَ وَيْحَكَ إِنْ أَبَيْتَ إِلَّا

تنگ شدن سخت و زرد گشت روی آن مرد از شنیدن این وعید پس گفت ابن عباس ای تو اگر ابا میکنی تو از

أَنْ تَصْنَعَ فَعَلَيْكَ بِهٰذَا الشَّجَرِ وَكُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ فِيهِ

مگر پیشه تا آنکه پیشه کنی صورتگری پس بر تو باد این قسم که صورت درختان است و هر چیز که نیست در وی

رُوحٌ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ لَمَّا

جان روایه البخاری و از عائشه رض مرویست که گفت وقتیکه

اشْتَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ بَعْضُ نِسَائِهِ

بیمار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کردند بعضی از زنان آنحضرت رض

كَنِيسَةً يُقَالُ لَهَا مَارِيَةُ وَكَانَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَأُمُّ حَبِيبَةَ

کنیسه را که گفته میشد آنرا ماریه و بودند ام سلمه و ام حبیبه

أَتَتَا أَرْضَ الْحَبَشَةِ فَذَكَرَتَا مِنْ حُسْنِهَا وَتَصَاوِيرَ فِيهَا

که رسیده بودند زمین حبشه را پس یاد کردند از خوبی آن کنشت و صورتهای که در آن بود

فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ أُولٰئِكَ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ

پس برداشت آنحضرت سر خود را پس فرمود آن جماعه اند که چون بمیرد در ایشان مرد صالح

بنوا على قبره مسجدا ثم صوروا فيه تلك الصور أولئك

بنا کنند بر سر گور او مسجدے را پس تصویر کنند در آن مسجد آن صورتہا را آنہا

شرار الخلق عند الله متفق عليه وعن ابن عباس رضي الله عنه

بدترین خلق خدا اند متفق علیه و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه

أشد الناس عذابا يوم القيامة من قتل نبيا أو قتله

سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت کسی است که کشت پیغمبر را یا کسیکه کشت او را

نبي أو قتل أحد والديه والمصورون وعالم لا

پیغمبر یا کسیکه کشت یکے از پدر و مادر خود را و صورتگران و عالمیکه

ينتفع بعلمه رواه البيهقي في شعب الإيمان

سود مند نشد بعلم خود رواه البیهقی در شعب الایمان

باب الفأل والطيرة

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

عليه وسلم يقول لا طيرة وخيرها الفأل قالوا وما

علیه و سلم را که میفرمود شگون بد گرفتن را تاثیری نیست و بهترین اقسام طیره فال نیک گرفتن است

الفأل قال الكلمة الصالحة يسمعها أحدكم متفق عليه

گفتند چیست فال فرمود سخن نیک که بشنود آنرا یکے از شما و فال گیرد از آن متفق علیه

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی روایت است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا صفر وفر من

نیست سرایت کردن علت از یکی بدیگری و نیست طیره و نه هامه و نه صفر و بگریز از

المجذوم كما تفر من الاسد رواه البخاري وعن

مجذوم چنانکه بگریزی از شیر رواه البخاری و از

عبد الله بن مسعود رض عن رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن مسعود رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال الطيرة شرك قاله ثلثا وما منا الا ولكن

وسلم فرمود فال بد گرفتن از اعمال شرک است این سخن را سه بار فرمود و فرمود نیست هیچ کس از ما

الله يذهبه بالتوكل رواه ابو داود والترمذي

ولیکن خدا تعالی می برد آنرا بسبب توکل رواه ابو داود و ترمذی

وعن بريدة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

كان لا يتطير من شيء فاذا بعث عاملا سأل عن اسمه

بود که فال بد نمی گرفت از هیچ چیز پس چون میفرستاد کسی را بعملی می پرسید از نام وی

فاذا كان اعجبه اسمه فرح به ورئي بشر ذلك

پس چون خوش می آمد آنحضرت صلعم را نام وی خوشحال میشد بآن و ظاهر میشد اثر خوشحالی آن

في وجهه وان كره اسمه رئي كراهة ذلك

در روی مبارک وی صلعم و اگر مکروه میداشت نام وی را دیده میشد اثر کراهت آن

في وجهه فاذا دخل قرية سأل عن اسمها فان

در روی مبارک وی صلعم پس چون در می آمد دیهی را می پرسید نام آن را پس اگر

اعجبه اسمها فرح به ورئي بشر ذلك في وجهه

خوش می آمد آنحضرت را نام وی خوشحال میشد بان و دیده میشد اثر خوشی آن در روی مبارک وی صلعم

وَاِنْ كَرِهَ اسْمَهَا رُئِیَ كَرَاهَةُ ذٰلِكَ فِیْ وَجْهِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤدَ

واگر ناخوش پنداشت نام او را ظاهر می‌شد اثر ناخوشی آن در روی شریف وی صلعم رواه ابوداؤد

بَابُ الْكَهَانَةِ

عَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی

از عائشه رض مرویست که گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ الْمَلٰٓئِكَةَ تَنْزِلُ فِی الْعَنَانِ

الله علیه وسلم را که میفرمود بدرستیکه فرشتگان فرود می آیند در عنان

وَهُوَ السَّحَابُ فَتَذْكُرُ الْاَمْرَ قُضِیَ فِی السَّمَاءِ فَتَسْتَرِقُ

که وی سحاب است پس ذکر می‌کنند کار را که تقدیر کرده شده است در آسمان پس می‌دزدند

الشَّيَاطِيْنُ السَّمْعَ فَتَسْمَعُهُ فَتُوْحِيْهِ اِلَی الْكُهَّانِ

شیاطین سمع را پس می‌شنوند پس می‌رسانند آنرا بسوی کاهنان

فَيَكْذِبُوْنَ مَعَهَا مِائَةَ كَذْبَةٍ مِّنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ رَوَاهُ

پس دروغ بر می‌بندند کاهنان با آن کلمات صد دروغ را از نزد خود رواه

الْبُخَارِیُّ وَعَنْ حَفْصَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بخاری رح و روایت است از حفصه رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَتٰی عَرَّافًا فَسَاَلَهٗ عَنْ شَیْءٍ

صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاید عراف را پس بپرسد آنرا از چیزے

لَمْ تُقْبَلْ لَهٗ صَلٰوةُ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ

قبول کرده نشود آنکس را نماز چهل شب و روز رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ

و مرویست از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ اقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ

عليه وسلم هر كه حاصل بكند پاره از علم نجوم حاصل ميكند شاخ از

السِّحْرِ زَادَ مَا زَادَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

سحر زيادت كرد اقتباس سحر را چندانكه زيادت كرد اقتباس نجوم را روايت كرد احمد وابو داود وابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

واز ابى هريره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ أَوْ أَتَى

عليه وسلم هر كه بيايد كاهن را پس تصديق كند در آنچه گويد يا بيايد

امْرَأَتَهُ حَائِضًا أَوْ أَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا فَقَدْ بَرِئَ

يعنى وطى كند زن خود را در حالت حيض يا وطى كند زن خود را در دبر او پس بتحقيق بيزار شد

مِمَّا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ

از آنچه فرستاده شده است بر محمد صلى الله عليه وسلم روايت كرد

أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ قَتَادَةَ رض قَالَ خَلَقَ اللّٰهُ

احمد وابو داود واز قتاده رض مرويست گفت كه پيدا كرد خداى تعالى

تَعَالَى هٰذِهِ النُّجُومَ لِثَلَاثٍ جَعَلَهَا زِينَةً لِلسَّمَاءِ وَرُجُومًا

اين ستاره ها را براى سه فائده اول گردانيده است الله تعالى آنرا زينت

لِلشَّيَاطِينِ وَعَلَامَاتٍ يُهْتَدَى بِهَا فَمَنْ تَأَوَّلَ فِيهَا

و رجم شياطين را و نشانها كه راه يافته شود بدان پس كسيكه بيان كرد در

بِغَيْرِ ذٰلِكَ أَخْطَأَ وَأَضَاعَ نَصِيبَهُ وَتَكَلَّفَ مَا لَا عِلْمَ لَهُ

سواى اين خطا كرده از منهج صواب و ضائع كرد بهره خود را و بر خود گرفت كارى را كه

بِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيقًا وَفِي رِوَايَةِ رَزِينٍ

نه دانسته بود روايت كرده بخارى تعليق و در روايت رزين است

وتكلّف ما لا يعنيه وما لا علم له به وما عجز عن علمه

و تکلف کرد چیزی که سود مند نیست و چیزی که نیست او را علم بدان و تکلف کرد در دانستن چیزی

الأنبياء والملائكة وعن الربيع مثله وزاد والله ما جعل

پیغمبران و فرشتگان و از ربیع مروی است مانند آن و زیاده کرد سوگند بخدا نگردانیده

الله في نجم حياة أحد ولا رزقه ولا موته وإنما يفترون

الله تعالی در هیچ کوکب زندگانی کسی و نه رزق کسی و نه موت کسی و جز این نیست که دروغ می بندند

على الله الكذب ويتعلّلون بالنجوم وعن ابن عباس رض

بر خدا تعالی دروغ را و بهانه می جویند به نجوم و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اقتبس

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه حاصل کند

بابا من علم النجوم لغير ما ذكر الله فقد اقتبس

علم نجوم را برای غیر آنچه که ذکر کرده است الله تعالی پس تحقیق حاصل کرد

شعبة من السحر المنجّم كاهن والكاهن ساحر

شعبه از سحر منجم حکم کاهن دارد و کاهن حکم ساحر

والساحر كافر رواه رزين وعن أبي سعيد رض

و ساحر کافر است روایت کرد رزین و از ابی سعید رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر

أمسك الله القطر عن عباده خمس سنين ثم أرسله

بند کند خدا تعالی باران را از بندگان خود پنج سال باز بفرستد آنرا

لأصبحت طائفة من الناس كافرين يقولون سقينا

هر آینه صبح کنند طائفه از مردم بحالت کفر میگویند آب داده شده ایم ما

بنوع المجرح رواه النسائي

بمنزل قمر كرنام وكے مجروح ست رواه النسائي

باب الرؤيا

عن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال من رآني في المنام فقد رآني فإن الشيطان لا يتمثل

فرمود کسیکه دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا زیراکه شیطان تمثل نمی تواند

في صورتي متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول

در صورت من متفق علیه و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من رآني في المنام فسيراني

صلی الله علیه وسلم کسیکه دید مرا در خواب پس قریبست که ببیند مرا

في اليقظة ولا يتمثل الشيطان بي متفق عليه وعن

در بیداری و نمی تواند که تمثیل کند شیطان بصورت من متفق علیه و از

ابي قتادة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی قتاده رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

الرؤيا الصالحة من الله والحلم من الشيطان فإذا رأى

خوابهای خوش از جانب خداست و علامت لطف اوست و خوابهای ناخوش از شیطانست پس هرگاه

احدكم ما يحب فلا يحدث به الا من يحب واذا رأى

یکی از شما خوابی که خوش دارد آنرا پس باید که نگوید مگر کسی را که دوست دارد و چون ببیند

ما يكره فليتعوذ بالله من شرها ومن شر الشيطان

خوابی را که ناخوش دارد آنرا پس باید که پناه جوید بخدا از شر آن و از شر شیطان

وليتفل ثلثا ولا يحدث بها احدا فانها لن تضره

و باید که تف کند سه بار و نگوید آن خواب را بکسی زیرا که نکند البته ضرر نمی کند او را

متفق عليه وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى

متفق علیه و از جابر رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی

الله عليه وسلم اذا رأى احدكم الرؤيا يكرهها

الله علیه وسلم چون ببیند یکے از شما خوابی را که ناخوش دارد آن را

فليبصق عن يساره ثلثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلثا

پس باید که آب از دهن افگند بجانب دست چپ خود سه بار و باید که پناه جوید بخدا از شیطان سه بار

وليتحول عن جنبه الذي كان عليه رواه مسلم

و باید که بگردد از پهلوی خود که بود بر آن پهلو رواه مسلم

وعن ابي رزين العقيلي رض قال قال رسول الله

و از ابی رزین عقیلی رض مرویست گفت فرمود رسول خدا

صلى الله عليه وسلم رؤيا المؤمن جزء من ستة

صلی الله علیه وسلم خوابهای مومن پاره ایست از شش

واربعين جزءا من النبوة وهي على رجل طائر

و چهل پاره های از نبوت و این رؤیا بر پاے طایر است

ما لم يحدث بها فاذا حدث بها وقعت واحسبه قال

تا آنکه نگفته است آنرا پس چون گفت خواب را بغیر واقع میگردد و آنکه تعبیر کرده می پندارم آنحضرت

لا يحدث بها الا حبيبا او لبيبا رواه الترمذي وعن

که فرمود مگو خواب را مگر با دوست یا شخص دانا رواه ترمذی و مرویست از

ابن عباس قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يقول [illegible] انه [illegible] شعرتاليه

كه [illegible] كسيكه دروغ [illegible] را [illegible] كرده ميشود [illegible]

ولن يفعل ومن يتبع الشيطان [illegible] وهم له كارهون

و هرگز نمی تواند کرد و کسیکه گوش می نهد [illegible] البشنود [illegible]

او يغفرون منه صحف في [illegible] الا ذلك يوم القيمة ومن

اینکه بند از وسی ریخته میشود [illegible] روز قیامت

[illegible] عذاب وخشيت ان ينفخ فيها

و کسیکه [illegible] صورت را عذاب کرده میشود [illegible] کرده میشود اینکه روح دمد

وليس ينافخ روا [illegible]

و نیست در [illegible] روح [illegible]